

« مقدمه »

وقل الحق من ربکم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليکفر

ولو ان قرآنا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم
به الموتی

ترجمه ساده و روان آیات با ذکر لطائف علمی در
اختیار شما قرار می گیرد. بیان علمی در کیفیت
تکامل دو نوع زندگی که با علم و عمل دو گروه مومن
و کافر به نام زندگی بهشت و جهنم در کره زمین پیدا
می شود و اثبات این که این دونوع زندگی یکی
محصول علم و عمل گروه کافر از مسیر ظلم و ستم
آنها است. و دیگری محصول علم و عمل گروه مومن
وصالح از انبیاء و اولیاء تا وصول به قیام ولی اعظم
خدا حضرت مهدی علیه السلام که فاتح زندگی
آخرت است ادامه دارد و این هردو زندگی قریب الوقوع
است. ترجمه ای است بسیار ساده و روان با ذکر
تفسیر و تاویل از لسان پیشوایان معصوم علیهم

السلام در انتهای کتاب که بر ارزش و اعتبار آن افزوده است.

این قرآن فارسی شمارا به اصول خلقت عالم و آدم و معارف مربوط به ذات مقدس خداوند متعال و حقایق این کتاب عظیم و عجیب آسمانی آشنا می کند. عقاید تعبدی و تقلیدی شمارا در لباس علم و برهان در اختیار تان می گذارد

من آنچه شرط بلاغ است با تو خواه از سخنم پند
تو می گویم گیر خواه ملال

در این مجموعه ترجمه آیات قرآن ترجمه به مضمون است یعنی معنا و محتوای آیات عربی بفارسی برگشته است. ترجمه لفظ به لفظ نیست بلکه ترجمه مضمون به مضمون است. ترجمه ای روان و ساده و در ضمن ترجمه به تفسیر و تاویل آیات اشاره شده است. لازم است بدانیم که حقایق دینی قرآنی در افکار مردم يك صورت الف بائی خالی از معنا و محتوای اصلی است. در روایات هم گفته شده که دین در زندگی دنیا پیش از ظهور امام به صورت حروف الف بائی تبلیغ می شود. گفته اند از نوح تا ابراهیم و از ابراهیم تا موسی و از موسی تا عیسی

پنج حرف از حروف دین تعلیم شده و با ظهور دین مقدس اسلام تا قبل از ظهور قائم بیست و پنج حرف. مادر این جا یکی از نمونه های تعلیم دین الف بایی و دین علمی را تعریف می‌کنیم تا صورت الف بایی از معنا و محتوای واقعی دین مشخص شود.

چقدر زیاد در آیات و احادیث داستان شهاب سنگ‌ها و اختلاس شیاطین مطرح شده است که شیاطین به آسمان می‌روند و در کمین گاه‌های آسمانی، دین و احکام دین را از خدا و فرشته‌ها اختلاس می‌کنند و با تظاهر به آن در زمین ادعای امامت و خلافت نموده مردم را گمراه می‌کنند و خداوند با شهاب سنگ‌های آسمانی آنها را می‌سوزاند. خیال می‌کنیم دین خدا در این آسمان بالای سر است و شیاطین به فضا می‌روند و گوش‌کشی می‌کنند و خدا با شهاب سنگ آنها را می‌سوزاند. این طرز نمایش دین دزدی، نمایش الف بایی سرقت احکام دین است و الا علوم و احکام دین در این آسمان نیست و خدا و فرشتگان هم جا و مکان ندارند بلکه محیط به زمان و مکانند. نمایش سرقت احکام دین باین شکل مانند نمایش سنگ زدن به شیاطین به صورت رمی جمرات است

که الف بای طرد شیاطین است ولیکن معنای واقعی طرد شیاطین این است که منافقین باتظاهر به احکام دین، خود را در مقام انبیا و ائمه قرار می‌دهند و مردم را گمراه می‌کنند. در این جا ائمه و علما با تعلیمات اصیل خود شیاطین را رسوا نموده حقیقت دین را آشکار می‌کنند و به مردم می‌فهمانند که شیاطین دزد دین اند نه صاحب دین. پس شیاطین منافقینی هستند که باتظاهر به دین در مقام امامت ظاهر می‌شوند و آسمان اصلی هم فضای مکتب دین است که احکام را از آن اختلاس می‌کنند و تیر شهاب که آنها را رسوا می‌کند و می‌سوزاند، تعلیمات پیشوایان مذهب است که آنها را از فضای مکتب طرد نموده و حقیقت حق را آشکار می‌کنند لذا در تعریف ائمه در دعای ندبه می‌گوئیم یا بن الشهب الثاقبه ای پسر شهاب های ثاقب پس شهاب واقعی تعلیمات حق است نه سنگ‌های آسمانی. شهاب به صورت اول الف بای شهاب است و به صورت دوم که تعلیمات باشد معنای واقعی آن. تمامی آنچه خداوند از غیب خبر می‌دهد به همین صورت است يك صورت الف بایی ويك صورت واقعی و حقیقی. تاویل آیات قرآن که از ائمه رسیده معنای واقعی قرآن است

وظواهر آیات و روایات معنای الف بائی. غیبات مانند فرشته و جن و روح هم به همین شکل است آنچه در افکار مردم است صورت الف بائی حقایق غیب است. ما در این ترجمه سعی کرده‌ایم حقایق واقعی معارف دین را از مسیر تعلیمات ائمه که همه جا تاویل آن را بیان کرده‌اند در اختیار دانش جویان قرار دهیم که خیال نکنند دین اسلام به رهبری ائمه اطهار مانند سایر ادیان، دین خرافه‌ای و افسانه‌ای است. تمامی اعمالی که در مراسم حج انجام می‌گیرد صورت الف بائی تشریفات ورود بندگان بر سلطان عظیم آسمانی خود می‌باشد. آن تشریفات در کودکان در کودستان زندگی دنیا به این صورت به مردم تعلیم شده است اما حقیقت غیر از این صورت است. از شما خوانندگان تقاضا داریم این ترجمه‌ها و پاورقی‌ها را با دقت مطالعه کنید اگر اجمال و ابهامی پیدا شد از مترجم سؤال کرده و بعد از مطالعه و دقت منصفانه قضاوت کنید. معانی علمی و تاویلی آیاتی که تفسیر و تاویل دارد با ذکر شماره در آخر همان آیه شماره به قسمت دوم این کتاب که پاورقی‌ها و تفسیر و تاویل آیات است با تکرار شماره مربوط هدایت می‌کند.

ترجمه لیس لها عدیل تم بها التفسیر والتاویل

تاویل مصادیق واقعی غیرقابل انکار قرآن است آن جا که حضرت یوسف گفت ستاره‌ها و ماه و خورشید مرا سجده کردند آنچه حقیقت این معنارا نشان داد برتری او بربرادران بود پس معنای درست خواب او سجده برادران بود نه ماه و خورشید آسمان. محتوای واقعی بسیاری از آیات قرآن در تاویل قرآن است نه در تفسیر. تفسیر قرآن مظاهر طبیعت است و تاویل آن انسان‌های طبیعت. انسان از طبیعت برتر و بالاتر است از شما خواننده انتظار دارم به محتوای این ترجمه ها دقت کنید نه معانی لغوی تحت اللفظی.

**والسلام علی من اتبع الهدی برادرشما-
محمدعلی صالح غفاری 14 / 6 / 1380**

اصطلاحات و لغات تاویل قرآن

(1) عفو و عصیان برابر هم مربوط به گناه مقصر است. گناه مقصرین تیرگی قلب بوجود می‌آورد و عفو الهی به معنای محو تیرگی قلب است

(2) ذنب و غفران مربوط به گناه قاصرین است که به دلیل کمی استعداد پیدا می‌شود در پی ذنب که

گناه قاصر است غفران پیدا می‌شود که به معنای رفع نواقص وجودی و پیدایش عقل و استعداد است گناه قاصر مانند گناه کودکان است که تیرگی قلب ایجاد نمی‌کند لازم است با کلمه استغفار عقل و استعداد از خدا بخواهند

(3) همه جا کلمات ساعت و قیامت به ظهور امام زمان علیه السلام تفسیر شده است و تمامی کلمات وعدالله و موعود امتها آن بزرگوار است

(4) کلمات بحار به دانشمندان و جبال به ابرقدرت‌های مذهبی و غیرمذهبی تفسیر شده است

(5) برو بحر علما و عوام‌اند دانشمند به منزله دریا و بی‌سواد به منزله خشکی است

(6) شمس به رسول خدا و ائمه و نجوم به علما تاویل شده است

(7) شهاب ثاقب و رجم شیاطین به تبلیغات ستاره‌های هدایت علیه شیاطین تاویل شده منافقین مسائل دینی را برای پیش برد مقاصد دنیائی خود اختلاس می‌کنند علما با تبلیغات ادعای آنها را ابطال می‌کنند

(8) لیل و نهار به معنای دوران غیبت و دوران ظهور امام زمان تاویل شده است

(9) حروف مقطعه در قرآن به معنای اصول خلقت و اصول حوادث و تربیت تاویل شده است. حدیث آن الله خلق اسماء بالحروف غیرمتصوت در اصول کافی تفسیر حروف قرآن است

(10) غالباً اشیاء مورد قسم اشخاصند. شجره طوبی اولیاء الله و شجره زقوم اعداء الله اند

(11) جنات عدن تجری من تحتها الانهار تجهیزات وجودی اهل بهشت است که با اراده کن فیکونی و سازندگی آنی و ارادی مجهزند (حدیث- لایزال یتقرب الی عبدي بالنوافل) مدرک است

(12) زقوم جهنم و مار و عقرب جهنم. اهل جهنم اند که دائم یکدیگر رامی‌گزند و می‌زنند چه مار و عقربی از انسان موذی گزنده‌تر است

(13) زمین و آسمان در اختیار اهل بهشت است که هر جا می‌روند برای آنها باغ و بوستان است اول فضای علم و قدرت الهی در اختیارشان قرار می‌گیرد

و بعد بر میلیون‌ها مستضعف که لازم است آنها را تربیت کنند ولایت پیدا می‌کنند.

(14) عذاب‌هایی که در دنیا از کفار به مومنین رسیده، در آخرت از مومنین به کفار بر می‌گردد. بهشت و جهنم آخرین نتیجه اعمال نیک و بد است نه این که مزد و کیفر باشد و نتیجه عمل لازمه قهری اعمال است، مانند تصادفات در رانندگی خلاف مقررات، نه مانند جریمه راننده، پس جهنم به علم و عمل کفار روشن می‌شود مانند بمب‌های هسته‌ای که در دنیا می‌سازند و در آخرت به حرارت آن مبتلا می‌شوند.

در همان زمان که جنگ هسته‌ای واقع می‌شود نیکان عالم هم آماده ظهور امام هستند و جز او کسی رانمی‌پذیرند

ضمناً یاد آوری می‌شود که معمولاً در قرآن شماره آیه‌ها آخر آیات ثبت شده ولی در این ترجمه شماره آیات در اول آن ثبت شده است تا خوانندگان بعد از قرائت آیه شماره اول ترجمه را در نظر داشته باشند.

قرآن در متن خود سه کتاب نامتناهی است

کتاب اول کتاب طبیعت یعنی هر چیزی که از طریق حواس پنج گانه قابل کشف است و از آن جمله خلقت بدن انسان که جزء طبیعت است

کتاب دوم انسان و فطرت انسان که روح او و عقل و معرفت او و علم و دانش او و فرشته گان و حقایق ماوراء طبیعت باشد و عرش و کرسی و لوح و قلم و تمامی حقایق غیبی که با حواس پنج گانه قابل کشف نیست بلکه با نیروی عقل و بیان امام معصوم قابل کشف است.

کتاب سوم ذات مقدس خداوند متعال و تنزه ذاتی و وجودی او از شباهت به وجود و ذوات و صفات خلایق. این سه کتاب و تمامی حوادث تاریخ عالم و آدم در همین يك جلد کتاب ثبت شده لذا در تعریف این کتاب فرمودند ظاهره انیق و باطنه عمیق سوره حمد هفت اسم دارد که هر يك مطابقت کامل با محتوای این سوره دارد و بهترین آنها امرالکتاب است.

سوره حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این سوره يك كتاب مستقل است نه این که جزء قرآن باشد. خداوند به پیغمبر فرمود دو کتاب بر تو نازل کردم سبع مثانی و قرآن عظیم، سبع مثانی سوره حمد است که جداگانه ذکر شده است (1) ستایش با کلمه حمد مخصوص خدا است پروردگار جهانیان (2) که با لطف عام و خاص خود همه را بهره‌مند می‌کند (3) پادشاه روز حاکمیت مطلق دین (4) پروردگارا فقط بنده توایم از تو یاد می‌گیریم و کمک می‌طلبیم. پاورقی 1 (5) ^{سوره بقره} دست ما را بگیر و از راه راست به مقصد برسان (6) ^{بسم الله الرحمن الرحيم} راه کسانی که از نعمت ولایت تو بهره‌مند شدند نه ظالمین که گرفتار خشم تو شدند و یا گم‌شده و گمراهان

(الف - لام - میم - اشاره به اصول خلقت است همانطور که حروف تهجی اصل کلمات است حروف قرآن هم اشاره به اصل مخلوقات است حدیث کافی) ان الله خلق اسماء بالحروف - ترجمه حروف قران است)

پاورقی 2 (2) فقط همین قران است که شك و شبهه در آن راه ندارد پرهیزکاران را هدایت می‌کند (3) کسانی که به خدا و آخرت و امام قائم که غایبند ایمان می‌آورند با اقامه نماز با خدا رابطه دارند و از آنچه خدا به آنها داده مردم را بهرمنند می‌کنند (4) کسانی که به دین تو و دینی که پیش از تو نازل شده ایمان می‌آورند و به زندگی آخرت یقین دارند (5) آنها ایند که در خط هدایت خدا حرکت می‌کنند و همانها آزاد و رستگارانند (6) کفار را از نتایج کفر و گناه بترسانی یا نترسانی ایمان به خدا نمی‌آورند (7) هدایت‌گری خدا از مسیر تعلیمات و شنوایی آنها خاتمه یافته هدف‌های دنیایی حجاب بینایی و بصیرت آنها شده عاقبت به عذابی دردناک مبتلا خواهند شد

پاورقی 3 (8) بعضی از مردم تظاهر می‌کنند که به خدا و آخرت ایمان آورده‌اند ولی مؤمن نیستند (9) به عقیده خود خدا و مؤمنین را می‌فریبند اما خود را می‌فریبند که از لطف خدا محرومند و نمی‌فهمند (10) به بیماری کفر و نفاق آلوده شده‌اند خدا مرض آنها را شدت می‌دهد (که اثر قهري بی‌راهه روی است) در مسیر تظاهر خلاف حقیقت به عذاب دردناک گرفتار می‌شوند. پاورقی 4 (11) اگر به آنها بگویید با خلاف کاریها مفسده بپا نکنید می‌گویند اصلاح گر جامعه هستیم (12) بدانید که همانها مفسده‌گرند ولی فساد عمل خود را درک نمی‌کنند (13) اگر بگوئیم شما هم مثل و مانند مردم ایمان بیاورید می‌گویند مثل همین ساده لوح‌های بی‌شعور بدانید که همانها بی‌شعورند ولی نمی‌فهمند (14) با اهل ایمان تظاهر به ایمان می‌کنند و در خلوت با شیاطین خود می‌گویند ما با شما مییم آنها را مسخره می‌کنیم (15) خدا با اعمال بد آنها خودشان را مسخره می‌کند آنها را کورکورانه براه طغیان و ضلالت می‌کشاند (16) آنها ایند که بانقد هدایت ضلالت خریده‌اند از این تجارت سودی نبردند و هدایت نشدند (17) آنها مانند کسی هستند که

برای روشنایی آتشی برافروزد و بعد از آنکه زندگی او روشن شد خدا روشنایی را ببرد و آنها را در حرارت آتش و تاریکی رها کند که جایی را نبینند (18) در شناسایی زندگی و دین کرو کورند در نتیجه لال و گنگند به راه حق بر نمی گردند (19) و یا در شناخت زندگی مانند مسافرینی هستند که در بیابان سرگردان شده گرفتار رعد و برق شده اند که از ترس صاعقه انگشت خود را به گوششان می دوانند با اینکه خدا بر آنها محیط و مسلط است (20) چنانند که گوئی شعاع برق بینائی آنها را می برد هوا که روشن می شود (منافعی می بینند) قدمی برمی دارند و چون تاریک می شود (منافعی در کار نیست) می ایستند خدا اگر بخواهد می تواند شنوائی و بینائی آنها را بگیرد خدا به هر کاری توانا است (21) ای مردم خدا را بپرستید پروردگاری که شما و گذشتگان شما را آفرید شاید که تقوا پیشه کنید (22) کسی که زمین و زمینه زندگی را چون فرشی گسترده است آسمان و فضای ولایت خود را چون سقفی محافظ شما ساخته آب باران از آسمان و علم از مقام ولایت بر شما نازل می کند و این همه ثمرات مادی و معنوی در اختیار شما می گذارد شما

می‌دانید که این همه نعمت را خدا می‌دهد شریک برای او نتراشید (23) اگر در این قران به شك افتادید که از خدا نیست سوره‌ای مانند آن بیاورید و از هرکسی به جز خدا کمک بگیرید اگر راست می‌گوئید (24) اگر سوره‌ای نمی‌آورید (که هرگز نمی‌توانید) بترسید از آتشی که عامل افروزنده آن انسان و سنگ است. این آتش از مسیر کفر و جنگ برای کفار مهیا شده است (نظر به این که اولین ظالم عالم با سنگ برادر مظلوم خود را کشته است خداوند آن قتل را آتش گیره جهنم نامیده است) (25) اهل ایمان و اعمال شایسته را مزدگانی بده که برای آنها باغ‌هایی (علم و قدرت‌هایی) تهیه شده که از آن نهرهای نعمت و حکمت جاری می‌شود هر نعمتی را در آنجا می‌بینند می‌گویند توفیق این نعمت‌ها پیش از این روزی ما شده انواع نعمت‌ها شبیه یکدیگر در اختیار آنها قرار می‌گیرد همسرانی دارند که از آلودگی‌های جسمی و روحی پاک و پاکیزه‌اند و در این زندگی ابدی و جاویدند. پاورقی 5 (26) خداوند برای بیان حقایق از مثل‌هایی که می‌زند حیا ندارد به پشه ای مثل بزند یا بالاتر کسانی که اهل ایمانند با این مثل‌ها هدایت می‌شوند می‌گویند راه کشف

حقیقت است ولی کفار که دیده ظاهر بینی دارند اعتراض می‌کنند که این چه مثل‌هایی است منظور خدا از این مثل‌ها چیست که بسیاری را گمراه کند و بسیاری را هدایت نماید با این که به جز کافر و منافق کسی گمراه نمی‌شود (27) فاسقین کسانی هستند که پیمان بین خود و خدا را می‌شکنند و با کسانی که مامورند رابطه داشته باشند قطع رابطه می‌کنند آن‌ها ایند که ضرر و زیانشان زیاد است (28) چطور کافر به خدا می‌شوید با این که پیش از این در خاک مرده بودید خدا شمارازنده کرد و بعد از این شمارا می‌میراند باز شمارا زنده می‌کند و به سوی خدا رجوع می‌کنید (29) او کسی است که آنچه در زمین است برای شما آفرید پس از آن به ساخت آسمان (و فضای تربیت شما) پرداخت و به صورت هفت طبقه (یا هفت کلاس تکامل) آن را تنظیم کرد او به هرکاري دانا و توانا است (کلمات آسمان دربیانات ائمه به فضای نزول علم و زمین به قلب بندگان تفسیر شده است) (30) خداوند هنگام خلقت به فرشتگان فرمود می‌خواهم در زمین انسانی تربیت کنم که خلیفه من باشد گفتند چرا کسی را خلق کنی که این همه فساد بپا کند و کشتار نماید

ما فرشتگانیم که تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم خدا فرمود من می‌دانم آنچه را شما نمی‌دانید (31) خداوند آدم را آفرید و اسم اشیاء و اشخاص را به او آموخت و بعد آن اسماء را به فرشتگان عرضه داشت به آنها فرمود اگر راست می‌گوئید که وجود شما کافی است و عالم هستی از آن اسماء خبر دهید (32) گفتند سبحان الله جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای علم _____ ی نداریم فقط تو عالم و آگاهی (33) در این جا به آدم فرمود اسماء را برای فرشتگان بیان کن آدم اسماء خدا و اولیاء خدا را به فرشتگان خبر داد چون ثابت شد که آدم می‌داند و فرشتگان نمی‌دانند خدا به فرشتگان فرمود نگفتم که من غیب آسمانها و زمین را می‌دانم و از ظاهر و باطن شما خبر دارم (34) و آدم که عالم شناخته شد به فرشتگان فرمود همه تسلیم آدم باشید همه آنها به جز ابلیس تسلیم شدند تکبر او را فرا گرفت و از اطاعت آدم امتناع کرد زیرا کافر به خدا بود (35) ما به آدم گفتیم تو و همسرت همین جا در بهشت ساکن باشید و از هرچه بخواهید فراوان استفاده کنید به این شجره هوای نفس نزدیک نشوید که ظالم شناخته

می‌شوید (36) ابلیس که همان مقتضیات نفس اماره بود آنهارابه شجره خبیثه هوای نفس نزدیک کرد و از سایه شجره ولایت خدا دور ساخت و این خود سقوط و هبوط بود (وضعیت بهشتی از آنها سلب شد و در وضعیت دنیایی براساس جنگ و تنازع قرارگرفتند لازم شد دراین وضعیت مدتی دوره ببینند که چطور زندگی کنند کسی نگوید که ابلیس موجود مستقلی است که دشمن آدم است جواب این است که يك موجود مستقل به نام شیطان در بهشت راه ندارد مصداق واقعی شیطان هوای نفس و انسان فریب کار است) (37) آدم به گناه خود آگاه شد و به خمسه طیبه متوسل شد لطف خدا او را فراگرفت زیرا رحمت خدا شامل حال توبه کاران است (38) بعد از قبولی توبه خدا فرمود دراین تبعید گاه باشید من برنامه دین و هدایت در اختیار شما می‌گذارم هرکس از هدایت من پیروی کند خوفی و غم و غصه‌ای نداشته باشد (39) و هرکس کافر شود و آیات من را تکذیب کند عاقبت کارش جهنم است که در آن حبس ابد خواهد شد (40) شما بنی اسرائیل به یاد نعمت‌هایی که به شما داده‌ام باشید به پیمان من وفا کنید تا من به عهد شما که بهشت

است وفا کنم از مخالفت من بترسید. پاورقی 6 (41) به این قران که نازل نموده‌ام دین شما اهل کتاب را تصدیق می‌کند ایمان بیاورید اولین امتی نباشید که کافر به اسلام شوند دین و آیات من را به بهای اندک دنیا نفروشید و از مخالفت من بپرهیزید (42)

حَقَّ رَا بَلَّاسَ بَاطِلَ
 نپوشانید حق را کتمان نکنید با این که می‌دانید (43) نماز بپادارید و زکات بدهید و با جمع اهل توحید عبادت کنید (معنای توحید وحدت یافتن با اهل توحید است اول کاروان حرکت بسوی خدا را بشناسید بعد حرکت کنید) (44) آیا درست است که مردم را به نیکوکاری امر کنید و خود را فراموش نمائید با این که کتاب خدا را می‌خوانید که همه کس در برابر دین یکسانند چرا عقل خود را به کار نمی‌برید (45) از صبر و استقامت و ارتباط با خدا کمک بگیرید گرچه نماز جز برای کسانی که عظمت خدا را درک می‌کنند سنگین است (46) آشنایان به عظمت خدا کسانی هستند که عقیده به ملاقات خدا دارند که عاقبت به او رجوع می‌کنند (47) ای بنی‌اسرائیل نعمتی که به شما داده‌ام و شمارابر جهانیان برتری بخشیدم یاد آوری کنید (48) بترسید از روزی که کسی به جای

دیگری مجازات نمی‌شود و از کسی فدیةئی معادل گناه قبول نمی‌شود (هرکسی به ارزش خود قبول است) و از نصرت خدا بهره‌ائی نمی‌برد (49) به یاد روزی باشید که شما را از شر فرعونیان نجات دادم آنها به بدترین عذاب شما را شکنجه می‌کردند پسران شما را می‌کشتند و دختران شما را زنده نگاه می‌داشتند شما به بلای بزرگی از سلطان خود مبتلا بودید (50) و نعمت دیگر که برای شما خیابان دریمانی ب_____ از کردم شما را نجات دادم و فرعونیان را در مرآ و منظر شما غرق نمودم (51) و نعمت دیگر آن که به موسی وعده دادم که در ظرف چهل شب عبادت و ریاضت به او کتاب و مکتب بدهم شما در این مدت گوساله پرست شدید و به خود ستم کردید (52) بعد از این همه گناه از شما گذشتم شاید شکر خدا را به جا آورید (53) به موسی کتابی دادم که حق را از باطل جدا می‌کرد شاید بوسیله آن به حق هدایت شوید (54) و آنجا که موسی به قوم خود گفت شما با این گوساله پرستی به خود ستم کردید پس به خدا توجه کنید و هوای نفس خود را بکشید که این نفس کشی نزد پروردگارتان بهتر است لطف

خدا شما را فرا می‌گیرد او همیشه به‌بندگان خود محبت دارد (55) و باز جرئت و جسارت کردید که ای موسی تا ما آشکارا خدا را نبینیم به تو ایمان نمی‌آوریم دیدید که از این جسارت صاعقه عذاب شما را هلاک کرد (56) و بعد از مرگ شما را زنده نمودیم شاید شکر گزار باشید (57) و بعد در آن بیابان و حرارت خورشید ابرها را سایبان شما قرار دادیم غذای من و سلوی برای شما نازل کردیم که از این غذای طیب و طاهر بخورید آنها به ما ستم نکردند بلکه به خود ستم نمودند (58) به شما گفتیم به این سرزمین‌ها که ملک ابراهیم خلیل است وارد شوید نعمت خدا برای شما هر جا باشید فراوان است از در ورودی دین به حال سجده وارد شوید بگوئید خدایا گناه ما را بریز تا آلودگی‌های گناه را از لوح دل شما پاک کنیم و به نیکوکاران اجر بیشتری بدهیم. پاورقی 7 (59) گناه کاران دستور خدا را به مسخره تغییر

دادند به‌جای (حط) که مغفرت است (حنطه) که گندم است برزبان جاری کردند ما در برابر این جسارت عذاب آسمانی نازل کردیم (60) و باز شما از موسی تقاضای آب نمودید

موسي از خدا آب خواست گفتيم عصاي خود را به سنگ بزند از آن سنگ دوازده دوازده چشمه آب جاري كرديم تا هر کدام از آن دوازده سبط آبگاه مخصوص به خود را بشناسند به آنها امكانات داديم بخورند و بياشامند و در زمين مفسده به پا نکنند (61) و باز به موسي گفتيد که ما نمي توانيم به يك نوع غذا قناعت كنيم به خدای خود بگو از نباتات زمين براي ما سبزي خيار و سير و عدس و پياز به وجود آورد موسي ناراحت شد که چقدر نادانيد جاي غذاي آسماني که لطف خدای شماست غذاي زميني مي طلبيد برويد به شهر خود آنجا آنچه بخواهيد براي شما آماده است ذلت و مسكنت آنها را فراگرفت که از کنار سفره لطف خدا به سفره خلق خدا رفتند در معرض خشم خدا واقع شدند زیرا کافر به آیات خدا شدند پيغمبران را به ناحق کشتند که عاصي و متجاوز بودند (62) شما بدانيد که از مومن و مسلمان يهودي و نصراني و پي جويان دين حق هرکس اين سه اصل را (ايمان به خدا و زندگي آخرت و عمل صالح) رعايت کند اجرش نزد خدا محفوظ است نترسند و غم و غصه ائي نداشته باشند. پاورقي 8 (63) بخاطر داشته باشيد که از شما براي حفظ دين

عهد و پیمان گرفتیم و برای بقای آن کوه طور و یا آثار وجودی آن را که تورات بود بر شما حاکمیت دادیم که اجبار دارید با قوه قهریه الهی ه این کتاب را حفظ کنید و مندرجات آن را بدانید و بخوانید شاید تقوا پیدا کنید (64) با همه این‌ها دین خدا را کنار گذاشتید اگر فضل و رحمت خدا نبود که شما را حفظ کند نابود شده بودید (65) شما قهر خدا را به تجاوزگران روز شنبه شناختید که چگونه آنها را به صورت میمون مسخ نمودیم (66) و این مسخ را برای مردم زمان و آیندگان مایه وزر و وبال و برای متقین مایه پند و موعظه قرار دادیم (67) و داستان گاو بنی‌اسرائیل که موسی به آنها گفت خداوند دستور می‌دهد برای زنده شدن مقتول گاوی را بکشید گوشت آن را به تن مقتول بمالید زنده می‌شود قاتل خود را معرفی می‌کند شما به موسی گفتید ما را مسخره می‌کنی موسی گفت پناه به خدا که مانند جاهلان باشم (68) خدا را شناختید خیال کردید احیای میت هنر گوساله است (به موسی گفتید از خدای خودپرس آن چه گاوی است که چنین هنری دارد موسی گفت خدا می‌فرماید گاوی است نه پیر و نه جوان بلکه متوسط بروید به دستور خدا عمل کنید (69) بازهم

متحیر شدند که چه گاوی باشد گفتند از خدا بخواه که چه رنگی دارد موسی گفت خدا می‌گوید زرد متمایل به سرخی چنان رنگی که بیننده را نشاط می‌دهد(70) و باز هم تکرار نمودند که ای موسی از خدا بخواه بهتر تعریف کند گاوی به این وصف پیدا کرده‌ایم شاید ان شاء الله درست شناخته‌ایم. پاورقی 9 (71) موسی فرمود خدا می‌گوید گاوی باشد نه چنان رام که زمین را شخم زده و نه آب از چاه کشیده گاوی سالم بدون عیب آنها خوشحال شدند که درست گفتی (گاو زنده کننده مرده را پیدا کردیم) خود را برای ذبح آماده نمودند (نتوانستند بفهمند که اراده خدا در کار است نه تاثیر گوشت گوساله) (72) شما مرد بی‌گناهی را کشتید سرآن به نزاع افتادید خدا آشکار می‌کند آنچه را پنهان می‌دارید (73) به آنها گفتیم گوشت گوساله رابه تن مرده بمالید قدرت خدا را ببینید خدا این طور مرده را زنده می‌کند شاید شما عقل خود را بکاربرید (74) با همه این معجزه‌ها قساوت قلب پیدا کردید دل‌هایتان چون سنگ و از سنگ هم سخت‌تر شد بعضی سنگ‌ها محل جوشش آب می‌شوند و بعضی شکافته شده اجازه عبور به آب می‌دهند و بعضی از عظمت خدا

سقوط می‌کنند (اما از دل شما یهودیان خیر و برکت جاری نمی‌شود اجازه عبور علم به آیندگان نمی‌دهد (در برابر عظمت خدا سرفرود نمی‌آورد) خدا از اعمال شما غافل نیست (75) شما مسلمانان طمع دارید آنها به شما ایمان آورند با این که فرقه‌ای از آنها کلام حق را شنیدند و آن را به هوا و هوس تغییر دادند و می‌دانستند که خیانت می‌کنند (76) با مومنین که روبرو می‌شوند تظاهر به ایمان می‌کند و در خلوت با یکدیگر می‌گویند چرا نشانه‌های محمد را از کتاب خود به آنها می‌گوئید تا شما را محکوم کنند چرا فکر نمی‌کنید (77) مگر نمی‌دانند که این پنهان‌داری‌ها را خدا می‌داند خدا از سر و نهان شما آگاه است (78) بعضی از آنها عوامند معلومات ما دري دارند دین را به امید و آرزو می‌دانند با حدس و گمان بدون یقین تسلیم پیشوایان دین می‌شوند (79) وای به حال کسانی که برای خود کتاب و قانون می‌نویسند و به مردم می‌گویند کتاب خدا است تا با این دروغ‌سازی‌ها و دین‌فروشی‌ها کاسبی کنند وای به حال آنها و نوشته‌ها و نتایج کسب و کار آنها (80) به عقیده خود می‌گویند چند روزی بیشتر عذاب نمی‌شویم بگو عهد و پیمان از خدا دارید خدا خلف

وعده نمی‌کند یا چیزی را که نمی‌دانید به خدا دروغ می‌بندید (81) آری کسی که در کفر و گناه اصرار کند فرهنگ کفر و گناه وجودش را احاطه نماید چنان که در کفر و گناه مخلد است در جهنم مخلد خواهد بود. پاورقی 10 (82) و آنها که اهل ایمان و عمل صالحند اهل بهشتند که جاودانه مخلد خواهند بود (83) از بنی‌اسرائیل عهد و پیمان گرفتیم که جز خداکسی را نپرستند به پدر و مادر احسان کنند همین طور به خویشان و یتیمان و مساکین و با مردم گفتار نیک داشته باشند نماز به پا دارند زکات بدهند ولی شما بنی‌اسرائیل جز عده کمی به هوای نفس خود رفتید و از دین اعراض نمودید (84) از شما بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید و یکدیگر را از شهر و دیار خود خارج نکنید و یا تکفیر ننمائید شما به این عهد و پیمان اقرار کردید و شاهد آن بودید. پاورقی 11 (85) با همه این‌ها شما بنی‌اسرائیل یکدیگر را کشتید عده‌ای بی‌گناه را از شهر و دیار خود خارج کردید و یا تکفیر نمودید اگر اسیر دشمن می‌شدند با فدیة آنها را آزاد می‌کردید با این که تبعید و یا تکفیر آنها بر شما حرام بود آیا درست است که به بعضی از آیات (آزادی

اسرا) ایمان می آورید و به بعضی دیگر (اخراج از شهر و دیار) کافر می شوید سزای کسی که چنین باشد جز رسوائی دنیا چیزی نیست روز قیامت هم به سخت ترین عذاب معذب خواهد شد خدا از اعمال شما غافل نیست (86) آنها کسانی هستند که آخرت را به دنیا فروختند عذاب آنها سبک نمی شود و خدا آنها را یاری نمی کند (فروش آخرت به دنیا یعنی تبدیل جنسیت ایمان به کفر) (87) ما به موسی کتاب تورات دادیم و در پی او پیغمبران دیگر مبعوث نمودیم به عیسی دلایل علمی و اعجازی دادیم و با روح القدس او را تأیید نمودیم آیا درست است که شما یهودیان هر وقت پیغمبری خلاف میل شما مامور شود متکبرانه با او روبه رو می شوید عده ای را تکذیب می کنید و عده ای را به قتل می رسانید (88) می گوئید دل های ما در غلاف است (حقیقت رادرك نمی کنیم) بلکه آن غلاف آثار لعن خدا است کسی از شما توفیق ایمان پیدانمی کند (89) زمانی هم که کتابی مثل قرآن نازل شده و دین آنها را تصدیق می کند (با این که پیش از ظهور پیغمبر به برکت توسل به او در جنگ با دشمن پیروز می شدند) پیغمبری را که شناخته بودند کافر به او شدند لعنت

خدا بر کفار که منشاء فساد جهانند (90) بدمتاعي است که خود را به آن فروختند روي حسد و اعتراض که چرا خدا دين خود را بر هرکسي که بخواهد نازل مي کند پيغمبران بايد از بني اسرائيل باشند آنها از دايره خشم خدا که حسودي باشد در دايره غضب خدا که اعتراض بر خدا باشد قرار گرفتند عذابي خوار کننده براي کفار مقدر است (91) وقتي به آنها مي گویند به دين و کتابي که بر محمد نازل شده ايمان بياوريد مي گویند به دين و کتابي که بر خودمان نازل شده ايمان مي آوريم به غير دين خود کافر مي شوند با اين که دين اسلام حق است و دين آنها را قبول مي کند بگو اگر به دين خود ايمان داريد چرا پيغمبران را کشتيد (92) با آن که موسي آن همه معجزات آورد شما بعد از او و در زمان او گوساله پرست شديد به خود ستم کرديد (93) زماني که ما از شما بني اسرائيل عهد و پيمان گرفتيم و با قوه قهریه، کوه طور و مندرجات آن را بر شما حاکميت داديم که قبول کنيد و عمل نمائيد گفتند آري مي شنويم و نافرمانی مي کنيم در اثر کفر به خدا و موسي علاقه به گوساله پرستي در دل شما جا گرفت بگو اگر ايمان به خدا داشته باشيد مي دانيد

که بد راهی رفته‌اید. پاورقی 12 (94) بگواگر زندگی بهشت خالص مال شما است (دیگران حقی ندارند) مرگ خود را از خدا بخواهید به بهشت بروید اگر راست می‌گوئید (95) به دلیل این همه جنایت و خیانت هرگز آرزوی مرگ نمی‌کنید خدا ستمکاران رامی شناسد (96) از تمامی اهل ادیان و مشرکین حریص‌تر به زندگی دنیا هستند هر یک از آنها دوست دارند هزار سال زندگی کنند و این عمر هزارساله هم آنها را از عذاب کنار نمی‌کشد خدا به اعمال آنها بصیر و آگاه است. پاورقی 13 (97) باجبرائیل امین وحی دشمنی دارند بگو هرکس دشمن جبرائیل است بداند که او قرآن را بر تو نازل می‌کند و این قرآن ادیان و کتب زمان خود را تصدیق می‌کند برای اهل ایمان هدایت و بشارت است (98) هرکس دشمن خدا و فرشتگان و پیغمبران و جبرائیل و میکائیل باشد بداند که خدا هم دشمن کفار است (99) ما این همه آیات و معجزات بر تو نازل کردیم فقط فاسق و منافق است که کافر به این آیات می‌شوند (100) هر وقت عهده‌ی باخدا می‌بندند عده‌ای از آنها عهد خود را می‌شکنند اکثر اهل کتاب ایمان به خدا ندارند (101) و امروز که پیغمبری از جانب خدا آمده دین آنها را

تصدیق می‌کند عده‌ای از اهل کتاب کتاب خدا را پشت سر می‌اندازند (که چرا بشارت به ظهور اسلام داده است) گوئی از مندرجات کتاب خود بی‌خبرند (102) از تبلیغات منافقین علیه سلطنت سلیمان پیروی کردند او را کافر دانستند با این که سلیمان کافر نبود و لیکن شیاطین کافر شده بودند که به مردم سحر می‌آموختند هم چنین از تعلیمات دوفرشته به نام هاروت و ماروت که در بابل نازل شده بودند پیروی کردند با این که آن دوفرشته به هر کس سحر می‌آموختند می‌گفتند ما با این تعلیمات شما را آزمایش می‌کنیم که سحرچنین است و معجزه چنان کافر به خدا نشوید ولی آنها از تعلیمات سحر استفاده نمودند بین زن و شوهر جدائی می‌انداختند با این که ضررهای سحر هم به اذن خدا بود (زیرا سحر ارتباط طبیعی بانفع و ضرر ندارد اثر سحر به اذن خدا واقع می‌شود) از آن دو فرشته چیزی می‌آموختند که نافع نبود بلکه مضر بود هر کس سحر می‌آموخت می‌دانست که بهره آخرتی ندارد زیرا ساحر کافر است چه بد کاری که جان ارزشمند خود را به مال دنیا فروختند اگر می‌دانستند پاورقی 14

(103) اگر می‌دانستند و ایمان به خدا می‌آوردند از سحر پرهیز می‌کردند ذخیره آخرتی برای آنها بهتر بود (104) ای اهل ایمان درمواجه با رسول خدا کلمه راعنا نگوئید (انظرنا) بگوئید دستور خدا را بشنوید که کفار عذاب‌ی دردناک خواهند دید (زیرا کلمه راعنا دلیل بردگی است پیغمبران برده نمی‌خواهند بلکه شاگردی و آزادگی می‌خواهند) (105) کفار و مشرکین دوست نمی‌دارند که خیر و برکتی از پروردگار بر شما نازل شود به میل آنها نیست خدا لطف خود را به هرکسی بخواهد اختصاص می‌دهد رحمت خدا بی‌نهایت است (106) ما هر وقت آیتی را نسخ کنیم یا آن را به فراموشی بسپاریم در مقدمه این است که آیتی بهتر از آن یا مانند آن بیاوریم نمی‌دانی که خدا به هرکاری توانا است. پاورقی 15 (107) مگر نمی‌دانی که پادشاهی عوالم آسمان و زمین خاص خداست و شما اهل زمین بجز خدا سرپرست و یاری ندارید (108) مثل این که شما مسلمانان مانند بنی اسرائیل می‌خواهید از پیغمبرتان سئوالات بی‌جا داشته باشید (خدا را ببینیم و صدایش را بشنویم) کسی که ایمان خود را به کفر تبدیل کند از راه راست منحرف شده است (109) بسیاری از اهل کتاب روی

حسد با شما مسلمانان آرزو دارند شما را به کفر برگردانند این آرزوها بعد از آن است که هدایت اسلام در نظرشان روشن است با آنها مدارا کنید و گذشت نمائید تا خدا حکومت خود را ظاهر کند خدا به هرکاری توانا است (110) در اطاعت خدا و در خدمت خلق باشید آنچه از نیکی‌ها ذخیره کنید به شما می‌رسد خدا به اعمال شما آگاه است (111) اهل کتاب می‌گویند جز یهودی و نصرانی کسی داخل بهشت نمی‌شود عقیده آنها این است بگو اگر راست می‌گوئید دلیل ادعای خود را بیاورید (112) آری هرکس در وضعیت نکوکاری تسلیم خدا شود اجرش محفوظ است نترسد و غم و غصه‌ئی نداشته باشد (113) یهو دیان مسیحیان و مسیحیان هم یهودیان را متهم می‌کنند که مایه دینی ندارند با این که هر دو طایفه کتاب آسمانی خود را می‌خوانند جاهلان هم به همین کیفیت یکدیگر را متهم می‌کنند خدا روز قیامت در این اختلافات قضاوت می‌کند (114) از کسانی که مانع یاد آوری خدا در مساجد می‌شوند و در خرابی و خلوتی آن می‌کوشند چه کسی بدتر و

ظالم تر است آنها جز با نگرانی داخل مسجد نمی‌شوند در دنیا رسوایند و در آخرت به عذاب سختی مبتلا می‌شوند (115) جهت‌گیری‌ها در شرق و غرب به سوی خدا است به هر طرف روی آورید به سوی خدائید خدا گشایش‌گرو دانا است (خدا وجودی است نامتناهی محیط به زمان و مکان پس به هر طرف باشید به سوی خدائید) (116) اهل کتاب می‌گویند خدا عیسی را به فرزندی انتخاب کرده خدا از این صفت منزّه است آن چه در آسمان‌ها و زمین است ملک او و مخلوق اوست همه تسلیم اویند (117) آسمانها و زمین را بدون سابقه آفرید هر وقت کاری را بخواهد به محض خواستن شدن است (118) جهال می‌گویند چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید یا خود را به ما نشان نمی‌دهد سفهای تاریخ هم چنین ادعائی داشتند افکار جاهلانه آنها شبیه یکدیگر است ما آیات خود را برای اهل یقین روشن کرده‌ایم. پاورقی 16 (119) تو را رسالت دادیم تا بشیر نیکان و نذیر بدکاران باشی تو مسئول اهل جهنم نخواهی بود (120) یهود و نصارا از تو راضی نمی‌شوند مگر این که به ملیت آنها درآیی بگو هدایت درست فقط هدایت خدا است

اگر بعد از علم به حقانیت خود به‌دین آنها در آئی از ولایت و نصرت خدا محروم خواهی بود (121) عده‌ای از اهل کتاب که کتاب خود را رعایت می‌کنند ایمان به قرآن و اسلام می‌آورند کسانیکه کافر به اسلام می‌شوند خسارت بزرگی می‌برند (122) ای بنی اسرائیل نعمت‌هایی که به شما دادم و شما را بر اهل عالم برتری دادم یاد آوری کنید (123) بترسید از روزی که کسی به‌جای دیگری مجازات نمی‌شود و در برابر کفر و گناه جریمه یا شفاعت قبول نمی‌شود و خدا آنها را یاری نمی‌کند (زیرا جریمه یا شفاعت ماهیت کفر را عوض نمی‌کند) (124) آن‌جا که ابراهیم را به‌حوادثی مبتلا نمود ابتلاآت و تعلیمات او را کامل گردانید به او گفت تورا به‌مقام امامت انتخاب می‌کنم عرض کرد اولاد مرا هم آری خدا فرمود با ظالم عهد و پیمانی ندارم (125) ما خانه کعبه را مرکز ثواب و نتیجه‌گیری از اعمال و امن و امان قرار دادیم و به‌مردم گفتیم نماز خود را از جای پای ابراهیم شروع کنید (یعنی از خط ابراهیم به‌سوی خدا حرکت کنید) از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم که خانه مرا برای طواف کاران و راکعان و ساجدان از خرافات و نجاسات پاکیزه‌نمائید (126) ابراهیم عرضه

داشت پروردگارا این خانه را امن و امان کن و به کسانی که اهل حرمتند ایمان به خدا و آخرت دارند روزی برسان خدا فرمود هرکس کافر به خدا شود کمی او را در دنیا بهرمنده می کنیم و او را به سوی عذاب آتش می کشانیم چه بد حرکت و بد عاقبتی است (127) آن جاکه ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه را بالا بردند عرضه داشتند پروردگارا این خانه سازی را از ما بپذیر تو شنوا و دانا هستی. پاورقی 17 (128) پروردگارا ما دو نفر را تسلیم خود کن و از اولاد ما امتی مسلمان بساز مناسب حج را به ما بیاموز به ما توجه کن تو توبه پذیر و مهربانی (129) پروردگارا در میان این امت پیغمبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنها تلاوت کند کتاب و حکمت به آنها بیاموزد آنها را پاک کند و پیروانند تو دانا و توانا هستی (130) چه کسی بجز سفیه و نادان از روش ابراهیم اعراض می کند ما او را در دنیا به صافی و پاکی انتخاب کردیم و در آخرت از بندگان شایسته ما خواهد بود (131) وقتی که خدا به او گفت تسلیم خدا باش گفت آری تسلیم پروردگار عالمیان شدم (132) ابراهیم فرزندان خود را به دین اسلام وصیت کرد و یعقوب هم به فرزندان گفت

عزیزانم خدا دین اسلام را برای شما اختیار کرد مواظب باشید از دنیا نروید مگر که مسلمان باشید (133) آیا شما حاضر بودید آن جا که یعقوب هنگام حضور مرگ به فرزندان خود گفت بعد از من چه کسی رامی پرستید آنها گفتند خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق خدای واحد یگانه را ما همه تسلیم اوئیم (134) آنها امتی بودند که با اعمال خود گذشتند شما نیز با اعمال خود می‌گذرید شما مردم زمان مسئول اعمال گذشتگان نیستید (135) اهل کتاب می‌گویند اگر یهودی یا نصرانی باشید هدایت می‌شوید بگو نه بلکه دین مترقی ابراهیم خلیل او هیچ وقت مشرک نبود (136) بگو ما مسلمانان به خدا و آن چه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شده ایمان می‌آوریم (137) اگر اهل کتاب مانند شما مسلمانان به همه پیغمبران ایمان آوردند هدایت یافته‌اند و اگر از چنین روشی اعراض نمودند در وضع شقاق و شکاف افکنی هستند خداوند به زودی شر آنها و نقشه شوم آنها را از شما می‌گرداند خدا شنوا و دانا است (138) شما همه جا رنگ خدائی بگیرید وابسته به خدا شوید چه کسانی از وابستگان به خدا

بهبتراند ما خدا را می‌پرستیم. پاورقی 18 (139) بگو آیا شما در باره خدا و خدا شناسی با ما مسلمانان بحث می‌کنید با این که پروردگار ما و شما یکی است و هر کدام به عمل خود مربوطیم و ما اخلاص به خدا داریم (140) آیا شما می‌گوئید ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط یهودی و یا نصرانی بودند (به جای این که شما وابسته به آنها باشید آنها را وابسته به خود می‌کنید) شما بهتر می‌دانید یا خدا چه کسی ظالم تراست از کسی که شهادت الهی را کتمان می‌کند خدا از اعمال شما غافل نیست (141) آنها امتی بودند که با اعمال خود گذشتند شما هم با اعمال خود می‌گذرید شما مردم زمان مسئول اعمال گذشتگان نیستید (142) به همین زودی نابخردان اعتراض می‌کنند که چه عاملی مسلمانان را از قبله اولیه منحرف کرد بگو جهات شرق و غرب مال خدا است هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند (صراط مستقیم قبله ابراهیم است). پاورقی 19 (143) ما با تغییر قبله شما امت مسلمان را در اعتدال کامل قرار دادیم تا شما برای مردم الگویی حق باشید و رسول خدا برای شما الگو باشد تغییر قبله در حال نماز به این منظور بود تا

معلوم شود چه کسی در حال نماز به پیروی از پیغمبر روی پاشنه پا برمی گردد گرچه تغییر قبله جز برای کسانی که خدا آنها را هدایت نموده سنگین است خدا ایمان شما را ضایع نمی کند او با مردم رئوف و مهربان است (144) ما دیدیم که در انتظار قبله چگونه رو به سوی خدا داری تو را به سوی قبله ای که می پسندیدی برگردانیدیم پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و هر جا بودید به مسجدالحرام رو کنید اهل کتاب هم می دانند که تغییر قبله حق است به امر پروردگارا است (مسجد الحرام قبله زمان اول بوده است) خدا از اعمال آنها غافل نیست (145) آن چه آیات و معجزات برای اهل کتاب بیاوری از قبله تو پیروی نمی کنند تو هم نباید از قبله آنها پیروی کنی از قبله های یکدیگر هم پیروی نمی کنند اگر بعد از علم به قبله اصلی به میل اهل کتاب رفتار کنی ظالم به بندگان خدا خواهی بود که آنها را از قبله اصیل محروم کرده ای (146) اهل کتاب تغییر قبله و رسول خدا را چنان می شناسند که فرزندان خود را ولی عده ای از آنها حق را با این که می دانند کتمان می کنند (147) حق آن است که پروردگار تو می گوید مبادا شك و شبهه پیدا کنی

(148) هر کسی جهتی و عقیده‌ای دارد به‌سوی عقیده خود جهت می‌گیرد شما همه جا به‌کار خیر سبقت گیرید که از مسیر این خیر خواهی خدا همه را متحد می‌کند خدا به هرکاري قادر است (149) از هر جا خارج شدي به مسجدالحرام توجه کن و شما مسلمانان هر جا بودید به مسجدالحرام توجه کنید که آن قبله حق است از جانب پروردگار است خدا از اعمالتان غافل نیست (150) از هر جا برای نماز خارج شدي به مسجدالحرام روکن و شما مسلمانان هر جا بودید به طرف مسجدالحرام باشید مبادا اهل کتاب حجت پیدا کنند که شما تابع قبله آنها هستید مگر ستمکاران آنها که بدون حجت و منطق می‌تازند آنها را مهم نشناسید بلکه خدارا، من با تغییر قبله می‌خواهم نعمت دین را برای شما کامل کنم باشد که با توجه به قبله اصیل دین خدا هدایت شوید (151) همان طور که برای استقلال دین و فرهنگ، از خودتان پیغمبر مبعوث کردم تا آیات ما را برای شما تلاوت کند شما را پرورش دهد کتاب و حکمت به شما بیاموزد و علوم دیگری را که اگر این پیغمبر نبود نمی‌توانستید بدانید (152) پس شما به یاد من باشید تا به یاد شما باشم نعمت خدا را

منظور داشته باشید کفران نعمت نکنید(153) ای اهل ایمان با اقامه نماز و صبر و استقامت از خدا کمک بگیرید که خدا با صابرين است .پاورقي 20 (154) خیال نکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه آنها زنده‌اند شما حیات آنها را درک نمی‌کنید .پاورقي 21 (155) ما شما را با حوادثی مانند خوف از دشمن فقر و گرسنگی و کمی اموال و مرگ نفوس و اولاد آزمایش می‌کنیم .مژدگانی از نتیجه آزمایش مخصوص صابرين است (156) کسانی که در مقابله با مصیبت‌ها مقاومت دارند و می‌گویند ما بندگان خدائیم و به‌سوی خدا می‌رویم (157) آنها ایند که برکات الهی و رحمت خدا آنها را فرا می‌گیرد و هدایت یافته‌اند (158) کوه صفا و مروه از شعائر خدا است کسی که حج یا عمره به‌جا آورد مانعی ندارد بین این دو کوه طواف کند هرکس به میل و آزادی کار خیری انجام دهد خدا می‌داند و منظور می‌دارد .پاورقي 22 (159) کسانی که آیات روشن‌گر خدا را بعد از نزول در کتاب از مردم پنهان می‌دارند بدانند که خدا و تمامی نفرین‌گران آنها را نفرین می‌کنند (که مردم را در تاریکی جهل نگه می‌دارند) (160) مگر کسانی که

توبه کنند و فکر مردم را اصلاح نمایند و کتاب خدا را برای آنها بیان کنند توبه آنها را می‌پذیرم من توبه‌پذیر و مهربانم (161) کسانی که کافر می‌شوند و به حال کفر می‌میرند لعنت خدا و مردم و فرشتگان آنها را می‌گیرد (162) در آن عذاب‌ها و لعنت‌ها مخلدند عذاب آنها سبک نمی‌شود و در آخرت مهلت و آزادی ندارند (163) خدای شما واحد است بجز او خدائی نیست بخشنده و مهربان است (164) آفرینش عوالم آسمان و زمین و تفاوت شب و روز و کشتی‌ها که در دریا به نفع مردم حرکت می‌کند و آب باران که از آسمان نازل می‌شود و با آن زمین مرده را زنده می‌کند و این همه حیوانات مختلف که در زمین منتشر می‌سازد هواها را تغییر می‌دهد ابرها را بین زمین و آسمان مسخر می‌کند همه این‌ها برای خردمندان نشانه عظمت خدا است (165) عده‌ای از مردم به جای خدا دیگری را می‌پرستند و چنان که باید خدا را دوست بدارند آنها را دوست می‌دارند و لکن دوستی مومنین به خدا از دوستی آنها به بت‌ها و طاغوت‌ها بیشتر است اگر وضع و حال ستم‌کاران را آنجا که با آتش روبه‌رو می‌شوند ببینید که می‌بینند تمام قدرت‌ها به دست خدا است و عذاب

خدا سخت است خواهي ديد كه چقدر ذليلند (166) آن جاكه پيشوايان به پيروان خود بي‌اعتنائى مي‌كنند از آنها كنار مي‌كشند در برابر عذاب قرار مي‌گيرند و وسائل دنيايي از كف آنها خارج مي‌شود (167) پيروان آنها كه با بي‌اعتنائى پيشوايان روبه‌رو مي‌شوند آرزو مي‌كنند كه به زندگي دنيا برگردند به آنها بي‌اعتنائى مي‌كنند چنان كه آنها بي‌اعتنائى كردند اين چنين اعمال خلاف مايه حسرت آنها مي‌شود هيچ كدام راه خلاصي از عذاب ندارند (168) اي مردم از روزي‌هاي خدا به‌كيفيت حلال و طيب استفاده كنيد راه و روش شيطان را كنار بگذاريد و اصرار است كه او دشمن شما است (169) او شما را به فحشاء و منكر امر مي‌كند شما را وادار مي‌كند كه جاهلانه دين و عقیده باطل را به خدا نسبت دهيد و به دروغ خود رنگ و لعاب صداقت بدهيد (170) اگر به آنها گفته شود از آن چه خدا نازل فرمود پيروي كنيد مي‌گويند از راه و روشي كه اجدادمان داشته‌اند پيروي مي‌كنيم مگر اجدادشان را به بي‌شعوري و ضلالت نشناخته بودند (171) كفار در برابر دعوت حق چنانند كه گوئي حيواني را هشهش مي‌كني و آن حيوان جز سرو صدا چيزي نمي‌فهمد كر و كور و

لالند عقل خود را به کار نمی‌گیرند (172) ای اهل ایمان از روزی‌های طیب و طاهر خدا استفاده کنید شکر گذار خدا باشید اگر او رامی پرستید (173) خداوند مردار و گوشت خوک و خون و آنچه برای وابستگی به غیر خدا تهیه شده حرام کرده است اگر بدون طمع و تجاوز ناچار شدید تا رفع ناچاری استفاده کنید مانعی ندارد خدا آمرزنده و مهربان است. پاورقی 23 (174) پیشوایانی که که علوم و احکام نازله را از مردم کتمان می‌کنند با این کتمان منافعی به دست می‌آورند مثل این است که آتش می‌خورند خدا روز قیامت به آنها اعتنا نمی‌کند خبث و رذیلت آنها را نمی‌زداید بلکه عذابی دردناک برای آنها مهیا است (175) آنها کسانی هستند که بانقد هدایت ضلالت و با فروش مغفرت عذاب خریدند چطور می‌توانند با آتش بسازند (176) خداوند دین و کتاب خود را به حق نازل کرد کسانی که خلاف رفتند به مشقت افتادند از حق دور شدند (177) نیکی آن نیست که به شرق و غرب توجه کنید نیکی در ایمان به خدا و آخرت و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی و پیغمبران است از مالی را که دوست دارید به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و

واماندگان از راه و هدف مشروع و اجابت سئوال و آزادی بردگان انفاق کنید نماز بپا دارید و زکات بدهید به پیمان خود وفادار باشید در سختی‌ها و مرض‌ها و میدان جنگ صبر کنید چنین افرادی نکوکارند (178) ای اهل ایمان برای احیای حق کشته شده گان قصاص واجب می‌شود آزاد برابر آزاد برده در برابر برده زن در برابر زن اگر قاتل مورد عفو قرار گرفت با پرداخت دیه به اولیای مقتول احسان کند این رحمت خدا است که جرم را از قتل به دیه تخفیف می‌دهد کسی که تجاوز خود را تکرار کند عذاب سختی خواهد داشت (179) ای خردمندان حیات اجتماعی شما در قصاص است شاید از قتل به ناحق پرهیز کنید (180) پیش از ظهور علائم مرگ اگر کار خیری از شما ناتمام مانده است وصیت کنید وصیت به حق پدر و مادر و یا به خویشاوندان یا به کار خیر وصیت وظیفه پرهیزکاران است. پاورقی 24 (181) گناه تغییر وصیت به گردن کسانی است که تغییر می‌دهند بر خدا پوشیده نیست خدا شنوا ودانا است (182) اگر کسی در وصیت خود به کسی اجحاف کند یا وصیت به گناه نماید مصلحین اجازه دارند وصیت را اصلاح کنند خداوند اصلاح گر و مهربان است (غفران

به معنای رفع عیب و نواقص وجودی است) (183) ای اهل ایمان روزه بر شما واجب شده همان طور که بر امت‌های گذشته واجب شده بود شاید باعمل روزه تقوا پیدا کنید (184) روزه در ایام معین واجب می‌شود کسی که در این ایام مریض یا مسافر باشد روزه‌های دیگر به جا آورد کسانی که از گرسنگی بی طاقت می‌شوند به جای هرروز فقیری را اطعام کنند هرکس کار خیری انجام دهد به نفع او است ولی روزه برای شما بهتر است (روح تقوا در شما می‌دمد) (185) روزه در ماه رمضان بر شما واجب می‌شود ماهی که قرآن در آن نازل شده قرآنی که هدایت می‌کند و دلایل هدایت را بیان می‌دارد حق را از باطل جدا می‌سازد هرکس در وطن حاضر است روزه بگیرد و هرکس مریض یا مسافر است روزه‌های دیگر بگیرد خدا آسایش شما را می‌خواهد نه مشقت شما را تا باقضای روزه شماره را تکمیل کنید و با هدایت به وسیله روزه خدا را به عظمت بشناسید شکر گذار خدا باشید. پاورقی 25 (186) وقتی بندگان از تو بپرسند که خدا دور است یا نزدیک بگو خدا می‌گوید من به شما نزدیکم خواهش‌های شما را اجابت می‌کند حوائج خود را از خدا بخواهید ایمان

به اجابت داشته باشید شاید دعا و اجابت را به عقل دریابید (187) شب‌های روزه رابطه با همسر آزاد است آنها لباس تن شما و شمالباس تن آنهاست خدا دانست که در سال‌های حرمت بامخالفت خدا به خود خیانت کردید به شما محبت کرد حرمت را برطرف نمود گناه گذشته شما را عفو کرد بعد از ابلاغ این آیه به همسران خود نزدیک شده تا آن دقیقه که خط سپید صبح از سیاهی شب نمایان می‌شود بهره بگیرید و در خوردن و آشامیدن آزادید بعد از طلوع فجر روزه خود را تا ظهور شب کامل کنید و اگر در مساجد اعتکاف دارید تا پایان اعتکاف از ارتباط با همسر خودداری کنید این احکام حدود الهی است به آن نزدیک نشوید خداوند آیات خود را برای شما روشن می‌دارد شاید روح تقوا در شما پیدا شود (188) از مال و ثروت یکدیگر به طور نامشروع استفاده نکنید مال خود را به حکام رشوه خوار ندهید تا به حکم او مال مردم را غصب کنید با این که می‌دانید چه کرده‌اید (189) از تو حکمت پیدایش هلال ماه می‌پرسند بگو چهره ماه یک ساعت آسمانی برای تعیین حج و اوقات زندگی مردم است درست نیست که از بی‌راهه وارد کارها و یا خانه

هاي مردم شويد تقوا پيشه كنيد در هر كاري و خانه‌اي از در آن وارد شويد از بي‌راهه روي پرهيزيد شايد رستگار شويد. پاورقي 26 (190) در راه خدا با كساني كه باشما مي‌جنگند بجنگيد (جنگ دفاع نه جنگ تجاوز) خداوند تجاوزگران رادوست نمي‌دارد (191) هر جا تجاوزگران كافر را شناختيد بکشيد همان طور كه شما را از زندگي خارج مي‌كنند خارجشان كنيد فتنه انگيزي از آدم كشي بدتر است در حرم خدا با آنها نجنگيد مگر كه با شما بجنگند اگر جنگيدند آنها را بکشيد كه سزاي كفار همين است (192) اگر آنها از جنگ در حرم باز ايستادند شما هم باز ايستيد كه خدا آمرزنده و مهربان است (193) دائم در حال جنگ با كفار باشيد تا فتنه بر طرف شود و حكومت اختصاص به خدا پيدا كند اگر جنگ را متوقف كردند فقط دشمن ستم‌كاران باشيد (194) جنگ در ماه حرام برابر تجاوز در ماه حرام است حرمت‌شكني‌ها قصاص خودش را دارد هر كس بر شما بتازد براو بتازيد تقواي صلح و جنگ را رعايت كنيد بدانيد كه نصرت خدا بامتقين است. پاورقي 27 (195) از مال و جان خود در راه خدا سرمايه‌گذاري كنيد در مسير باطل‌گراني و بي‌راهه روي خود را به

هلاکت نیندازید خالصانه به‌بندگان خدا خدمت کنید خدا نیکوکاران را دوست دارد (196) حج و عمره را در شعاع ولایت اولیاء الله کامل کنید اگر به محاصره یا مرض از حج بازماندید تا آنجا که ممکن است قربانی خود را ارسال دارید و تازمانی که قربانی شما به منی نرسیده سر خود را تراشید و اگر مریض باشید یا از موی سر اذیت می‌کشید بتراشید و به کفاره آن سه روز روزه یا اطعام شش مسکین یا ذبح گوسفندی اقدام کنید وقتی محاصره برطرف شد از عمره در مقدمه حج استفاده کنید و برای حج قربانی تهیه نمایید اگر نتوانستید سه روز در ایام حج و هفت روز در وطن روزه بگیرید تا ده روز کامل شود حج تمتع برای کسانی است که زندگی آنها درمکه یا اطراف نزدیک نیست از مخالفت با خدا بپرهیزید بدانید که کیفرالهی شدید است (197) حج در ماه‌های معین واقع می‌شود بر هرکس حج واجب شود در حال احرام رابطه با همسر و فسق و گناه و یاوه گوئی حرام می‌شود هرکار خیری انجام دهید خدا می‌داند خود را برای زندگی آخرت مجهز کنید و بدانید که بهترین توشه آخرت تقوا است ای خردمندان از خود رایی بپرهیزید (198) مانعی ندارد فضیلت بیشتری

کسب کنید از عرفات که بر گشتید در مشعرالحرام چنان که شما را هدایت می‌کند خدا را یاد کنید (یعنی مناسک حج را طبق دستور انجام دهید) گرچه پیش از هدایت الهی گمراه بودید (199) پس از آن طبق روش پیشوایان دین از مشعرالحرام به منی کوچ کنید با کلمه استغفار از خدا رشد شعور بخواهید خدا مهربان است شما را تکامل می‌دهد (200) بعد از انجام مناسک به یاد خدا باشید چنان که به یاد پدر و مادر خود هستید یا بیشتر بعضی حاجیان فقط خواهش دنیائی دارند می‌گویند ثروت دنیائی به ما عنایت کن آنها بهره آخرتی ندارند. پاورقی 28 (201) و بعضی از حاجیان عاقل و عارفند می‌گویند خدایا آنچه در دنیا و آخرت مایه عزت و عظمت است به ما عنایت کن و ما را از سقوط در جهنم نگهدار (202) آنهایند که از سر مایه عمر خود نتیجه می‌گیرند (که خیر دنیا و آخرت از خدا می‌طلبند) خدا سریعاً به حساب بندگان خود می‌رسد (203) در این روزهای مشعر و منی زیاد به یاد خدا باشید کسی که روز یازدهم و دوازدهم بعد از رمی جمرات به طواف کعبه رود مانعی ندارد و کسی که بعد از دوازدهم برود مانعی ندارد این تساوی برای متقین است تقوا

پیشه کنید و بدانید که در پناه حکومت او جمع می‌شوید (204) بی حیائی و کفر بعضی اشخاص مایه تعجب است که برای اثبات باطل گوئی خود خدا را به شهادت می‌گیرد و سخت با اهل حق به مجادله برمی‌خیزد (با بی‌حیائی عقیده باطل خود را به کرسی می‌نشانند) (205) این بی‌حیا وقتی به کرسی قدرت بنشیند سعی دارد دواصل حیات بخش کشاورزی و تربیت نسل را نابود کند تا زندگی انسان‌ها را به نابودی بکشاند خدا فساد را دوست نمی‌دارد (206) در برابر دعوت به ایمان و تقوا به کفر و گناه افتخار می‌کند تکبر به گناه او را می‌گیرد جواب چنین بی‌حیائی فقط جهنم است چه بد مکتبی است جهنم (207) بعضی دیگر از بندگان جان خود را به رضایت خدا می‌فروشند خدای مهربان او را دوست دارد. پاورقی 29 (208) ای اهل ایمان همه باهم در صلح و صفا باشید از وساوس شیطانی پیروی نکنید او دشمن شما است (209) اگر بعد از هدایت و دلایل روشن پایتان لغزید بدانید که خدا غالب و حکیم است (210) مگر پیروان شیطان بیشتر از این مهلت دارند که حکومت خدا و فرشتگان با قیام واسطه‌های رحمت ظاهر شود و دوران

زندگی دنیا به آخر برسد مرجع زندگی دنیا و آخرت خدا است. پاورقی 30 (211) از بنی اسرائیل پرس چقدر زیاد آیات و معجزات برای آنها ظاهر شد کسی که نعمت دین را بعد از وضوح و ظهور تبدیل به کفر کند بداند که کیفر الهی سخت است (212) زندگی دنیا در نظر کفار جلوه کرده است با غرور ثروت مومنین را مسخره می‌کنند اما بدانند که در زندگی آخرت مومنین فوق آنها و حاکم بر آنها هستند خدا کسی را که بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد (213) مردم در ابتدای زندگی امت واحد بودند خداوند برای تربیت آنها پیغمبران را مبعوث کرد تا مردم را به کار خیر تشویق و از عمل شر باز دارند به وسیله آنها کتاب نازل فرمود تا بین مردم برای رفع اختلاف قضاوت کنند و این اختلاف بعد از وضوح حق به قصد تجاوز بود در این اختلافات خدا اهل ایمان را هدایت فرمود خدا هرکس را دوست بدارد به راه راست هدایت می‌کند (214) خیال می‌کنید که بی حساب داخل بهشت می‌شوید مگر نمونه حوادث گذشتگان بر شما نگذشته است آن همه حوادث جنگ و مرض بر آنها گذشت تاجائی که متزلزل شدند رسول خدا و مومنین گفتند پس کجا است وعده خدا خداوند

هشدار داد که وعده او نزدیک است (215) می‌پرسند که در چه راهی انفاق کنند بگو در راه خدمت به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مساکین و واماندگان در مسافرت و مقاصد حق خداوند به اعمال نیک شما آگاه است ثمره‌اش را به شما می‌رساند. پاورقی 31 (216) جنگ با دشمنان دین بر شما واجب است باین که دوست نمی‌دارید شاید عملی را دوست نداشته باشید که برای شما بهتر باشد و عملی را دوست داشته باشید که برای شما بدتر باشد خدا می‌داند شما نمی‌دانید (217) اگر از حکم جنگ در ماه‌های حرام از تو سئوال کردند بگو جنگ در این ماه‌ها گناه کبیره است مانع حرکت در راه خدا و کفر به مسجد الحرام است و گناه بزرگتر این که اهل خانه خدا را اخراج می‌کنید فتنه‌انگیزی از قتل بزرگتر است کفار دائم با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دین خدا اخراج کنند هرکس از دین حق برگردد و در حال کفر بمیرد اعمال او در دنیا و آخرت بی‌ثمر خواهد شد گرفتار جهنم می‌شود و در آن مخلد خواهد شد. پاورقی 32 (218) کسانی که به خدا ایمان می‌آورند و با جهاد و کوشش در راه خدا به سوی خدا حرکت می‌کنند امیدوار به رحمت خداوند

خدا مهربان است آنها را به کمال می‌رساند (219) حکم شراب و قمار را از تو می‌پرسند بگو که گناه بزرگی است گرچه منفعی دارد ولی گناهِش بزرگ تر است باز می‌پرسند چه مالی انفاق کنند بگو بهترین انفاق گذشت از گناه است خدا حقایق را برای شما روشن می‌کند شاید که فکر کنید (220) اول و آخر هر کاری را در نظر بگیرید و باز اگر در باره حقوق ایتم سئوال کردند بگو بهتر است زندگی آنها را اصلاح کنید اگر در زندگی شریک آنها شدید برادران شما ایند خدا مصلح و مفسد را می‌شناسد اگر بخواهد شما را در مزیقه قانونی قرار می‌دهد خدا غالب و حکیم است (221) با زنان مشرکه ازدواج نکنید مگر بعد از آن که ایمان بیاورند کنیز مومنه از آزاد مشرکه بهتر است گرچه جالب و زیبا باشد و به مردان مشرک زن ندهید مگر که ایمان بیاورند برده مومن از آزاد مشرک بهتر است گرچه جالب و جاذب باشد زیرا مشرک همسر خود را به جهنم می‌کشاند خدا شما را به زندگی بهشتی و کمال دعوت می‌کند آیات خود را برای مردم روشن می‌دارد شاید حقیقت رادرك کنند (222) در باره عادت زنان حکم خدا را از تو می‌پرسند بگو ارتباط در این حال مایه اذیت و مرض

است از آنها تا پاکی از عادت فاصله بگیرید بعد از غسل چنان که خدا اجازه داده است به آنها مربوط شوید خدا توبه کنندگان و پاکان را دوست دارد (223) همسران کشت گاه شما ایند هر وقت مایلید به کشت گاه خود مربوط شوید تا ذخایری از فرزندان داشته باشید تقوا پیشه کنید و بدانید که به حضور او خواهید رسید مومنین را به ساعت ملاقات مژده دهید (224) برای اثبات نیکی خود و برای اصلاح کار مردم نام خدا را عرضه گاه قسم قرار ندهید خدا خود شنوا و دانا است. پاورقی 33 (225) خداوند شما را بر قسم‌های لغو بدون قصد مجازات نمی‌کند ولیکن برابر تعهداتی که با قسم تاکید می‌کنید مواخذه می‌کند خداوند آمرزنده و بردبار است (226) کسانی که قسم می‌خورند از رابطه با همسر خود داری کنند فقط تا چهار ماه حق کناره‌گیری دارند بعد اگر به همسر خود مربوط شدند خدا مهربان است آنها را توفیق می‌دهد (227) اگر هم تصمیم به طلاق گرفتند خدا از طلاق ظالمانه یا عادلانه آگاه است (228) لازم است زنان مطلقه تا سه دور عادت عده نگه‌دارند برای آنها جایز نیست حمل خود را پنهان دارند اگر ایمان به خدا و روز قیامت دارند اگر اراده

اصلاح دارند شوهر آنها سزاوار تر است آنها را به زندگی برگرداند حق زن بر شوهر در عرف زمان برابر حق شوهر بر زن است فقط حق مدیریت زندگی با شوهر است خدا حکیم و عزتمند است. پاورقی 34 (229) تکرار طلاق تا دو مرتبه درست است پیش از طلاق سوم یا طبق عرف و عدالت زن رانگه دارید یا با احسان و جلب رضایت او را آزاد کنید حق ندارید از آنچه به زن بخشیده‌اید چیزی پس بگیرید مگر این که ادامه زندگی طبق حدود الهی برایتان مشکل باشد در این صورت که ناسازگاری از جانب زن است که شوهر را به خسارت انداخته شوهر حق دارد در مقابل طلاق چیزی بگیرد حدود الهی این است تجاوز نکنید کسی که تجاوز کند ظالم خواهد بود (230) اگر برای مرتبه سوم طلاق داد بعد برای شوهر حلال نیست مگر این که با دیگری ازدواج کند و بعد از او هم طلاق بگیرد در این صورت اگر با شوهر اول می‌توانند حدود الهی را حفظ کنند به یکدیگر مراجعه نمایند (حرمت بعد از طلاق دوم برای تنبیه شوهر است که طلاق را تکرار نکند) (231) وقتی که زن را طلاق دادید و عده او سر آمد یا ضمن خدمت و محبت او را ننگه دارید و یا ضمن احسان و جلب

رضایت او را آزاد کنید جایز نیست به قصد تجاوز و اذیت او رانگه دارید هرکس به همسر خود ستم کند به خود ستم کرده است آیات الهی را به مسخره نگیرید نعمت‌هایی که به شما داده و کتاب و حکمتی که نازل کرده و شما را با آن موعظه می‌کند یاد آوری کنید تقواپیشه کنید و بدانید که خدا به هرکاری دانا است (232) وقتی که زن را طلاق دادید و عده‌اش سرآمد و با دیگری رضایت دادند که به طور متعارف ازدواج کنند مزاحم آنها نشوید خدا با این دستورات کسانی را موعظه می‌کند که ایمان به خدا و آخرت دارند رعایت این دستورات بیشتر مایه طهارت اخلاقی و رشد اجتماعی شما می‌شود خدا می‌داند شما نمی‌دانید (233) مادرانی که دوست دارند دوران شیر کودکان خود را تکمیل کنند دو سال شیر بدهند پدران وظیفه دارند در برابر شیر و حضانت مادر نفقات او و کودک را بپردازند هیچ کس مکلف به عملی فوق استعداد خود نمی‌شود جایز نیست پدر یا مادر به جرم اولاد داری متضرر شوند وارثان پدر وظیفه او را در ارتباط با مادر و کودک انجام دهند اگر پدر و مادر با رضایت یکدیگر کودک را از شیر باز دارند مانعی ندارد و اگر مادر با حفظ تامین نفقات

از حضانت كودك خود داري كرد و پدر كودك را به دایه سپرد مانعی ندارد از آزار یكدیگر بپرهیزید كه خدا به حالتان آگاه است. پاورقی 35 (234) زنی كه همسرش از دنیا می رود چهار ماه و ده روز عده نگهدارد پس از اتمام عده برای شما خویشاوندان مانعی نباشد كه زن به طور متعارف خواستگار قبول كند خدا به اعمالشان آگاهی دارد (235) برای شما مردان مانعی نباشد كه متعرض خواستگاری و یا تصمیم به خواستگاری زنانی بگیرید كه مطلقه بطلاق باین شده اند خدا می داند كه به همین زودی از آنها خواستگاری می كنید و لكن رابطه مخفیانه با آنها پیدا نكنید فقط رابطه متعارف و پیش از اتمام عده عقد نكاح جاری نكنید بدانید كه خدا از خاطرات شما آگاه است از غضب او بر حذر باشید و بدانید كه با شما مدارا می كند رحمت او فراگیر است (236) پیش از رابطه و یا پیش از تعیین مهرمانعی ندارد كه زن را طلاق دهید شوهر غنی یا فقیر باشد باید برابر توانائی خود زن را بهر مند كند این كمك مالی بر نیکو كاران واجب است (237) و اگر پیش از رابطه زناشوئی و بعد از تعیین مهر طلاق دادید نصف مهر را بپردازید مگر این كه خودشان یا كسی كه اختیار ازدواج با

اوست بگذرند البته گذشت از این مهر به تقوا نزدیک تر است روابط فضیلت و انسانیت را بین خود فراموش نکنید خداوند به اعمال شما آگاه است. پاورقی 36 (238) محافظ اوقات نمازها و مخصوصا نماز میانه باشید دائم به یاد خدا و در ارتباط او قرار بگیرید. پاورقی 37 (239) در حال خوف از دشمن در جنگ و ستیز سواره و پیاده نماز بخوانید و بعد از امنیت چنان که دستور داده است بخوانید آنچه نمی دانید خدا به شما می آموزد (240) کسانی که از دنیا می روند و نفقه یک سال برای همسر خود وصیت می کنند و شرط می کنند که یک سال در خانه بنشینند باکسی تماس نگیرد قبول یارد این وصیت از طرف زن آزاد است اگر شرط شوهر را به هم زد برای فامیل شوهر ایرادی نباشد خدا عزیز و حکیم است (241) بر مومن متقی واجب است زن مطلقه خود را بهرمند کند او را در ناداری و نا چاری رها نکند (242) خدا حدود و حقوق شما را با نزول آیات روشن می کند شاید به عقل خود دریابید (243) مگر داستان عده ای از بنی اسرائیل را شنیدید که از ترس شیوع مرگ در شهر به سوی بیابان فرار کردند خدا در حال فرار به آنها فرمان مرگ صادر کرد همه مردند و بعد از چندی آنها

را زنده نمود لطف خدا شامل حال مردم است ولیکن بیشتر مردم نمی‌دانند (244) از مرگ نترسید در راه خدا جهاد کنید بدانید که خدا شنوا و دانا است (245) چه کسی مایل است از مال و جان خود به‌خدا قرض دهد تا خدا چندین برابر به‌او برگرداند قبض و بسط روزی با خدا است همه را به‌دایره حکومت خود می‌کشاند (246) داستان دیگر بنی اسرائیل را بعد از موسی بین که به پیغمبر زمان خود گفتند پادشاهی برای ما انتخاب کن تا همراه او در راه خدا بجنگیم پیغمبر گفت چه می‌دانید شاید اگر پادشاه انتخاب کنم با او نجنگید گفتند چطور در راه خدا جهاد نکنیم با این که دشمنان ما را از شهر و دیار و خانواده اخراج نمودند اما بعد از تعیین شاه و فرمان جنگ اکثرشان اعراض نمودند خدا ظالمین را بهتر می‌شناسد. پاورقی 38 (247) پیغمبرشان گفت که خدا طالوت را به پادشاهی شما انتخاب کرد گفتند چطور او بر ما حکومت می‌کند که مال و ثروت ندارد پیغمبر گفت خدا قدرت بدنی و علمی او را وسعت داده است خدابه‌هرکسی بخواهد پادشاهی می‌دهد او گشایش‌گر و دانا است (248) پیغمبر به‌آنها گفت علامت پادشاهی او این است که صندوق عهد

یادگاری‌های موسی و هارون به وسیله فرشتگان تحویل او می‌شود حمل صندوق بوسیله فرشته‌ها برابر چشم شما انجام می‌گیرد به شما آرامش می‌دهد این آیت الهی است اگر ایمان به خدا دارید (249) طالوت لشکریان خود را برای جنگ حرکت داد در راه عبور گفت خدا شما تشنگان را به این نهر آب آزمایش می‌کند فقط یکی دوماشت حق آشامیدن دارید هرکس سربه نهر بگذارد از من نیست اما همه آنها جز عده کمی از نهر آشامیدند وقتی که مومنین بادشمن رو برو شدند گفتند ما طاقت جنگ با طالوت را نداریم اما آن عده که عقیده به ملاقات خدا داشتند و از آب نهر غرقه‌ای چشیده بودند گفتند چقدر زیاد لشکر قلیل که بر لشکر کثیر به‌اذن خدا غلبه کرده‌اند نصرت خدا با صابرين است. پاورقي 39 (250) وقتی که با جالوت و لشکرش روبه‌رو شدند همان طایفه مطیع گفتند پروردگارا صبر و مقاومت به ما عطاکن ما را ثابت قدم بدار و بر کفار پیروز کن (251) به‌اذن خدا کفار را شکست دادند داوود جالوت را کشت خدا به داوود پادشاهی داد و به او حکمت بخشید و آنچه خواست به او تعلیم داد اگر خدا شر کفار را به وسیله مومنین دفع نکند زمین به فساد کشیده می‌شود

لطف خدا شامل اهل عالم است (252) تدبیر خدا و آیات عظمت او چنین است که برای تو گزارش می‌شود تو از پیغمبران خدا هستی (253) پیغمبران در فضیلت يك نواخت نیستند مابعضی را بر بعض دیگر برتری دادیم خدا با بعضی از آنها سخن گفت درجات بعضی را بالا بردیم به عیسی ابن مریم معجزات دادیم و با روح القدس او را تقویت نمودیم اگر خدا می‌خواست می‌توانست بعد از این همه معجزات مانع جنگ‌ها شود ولی مردم اختلاف بوجود آوردند بعضی مومن و بعضی کافر شدند خدا اگر می‌خواست مانع جنگ‌ها می‌شد ولیکن آن چه می‌خواهد مقدر می‌کند (زیرادوای رفع اختلاف و تکامل بشر جنگ است) (254) ای مردم پیش از قیامت که کار و کاسبی‌های دنیا تمام شود دوستی‌ها و کار و کاسبی‌ها و شفاعت‌ها و رابطه‌ها سودی نبخشد از مال خود در راه خدا انفاق کنید و بدانید که هر کافری ظالم شناخته خواهد شد. پاورقی 40 (255) خدا کسی است که جز او خدائی نیست زنده و پایدار است چرت و خواب او را نمی‌گیرد هرچه هست در عوالم آسمان و زمین مال و ملك او است چه کسی بدون اذن و اجازه او شفاعت می‌کند به گذشته و

آینده افکار مردم احاطه دارد هیچ کس به ذره‌ای از علم او محیط نیست مگر آنچه را تعلیم دهد کرسی قدرت و عظمت او آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته حفظ و اداره عالم و آدم او را خسته نمی‌کند بی‌نهایت برتروبالا تر است (256) قبول دین خدا اجباری نیست راه حق از باطل مشخص شده هر کس بطاغوت‌ها کافر شود و ایمان به خدا بیاورد به‌رشته محکمی دست‌زده که هرگز گسسته نمی‌شود خدا شنوا و داناست (257) خدا ولی اهل ایمان است آنها را از تاریکی جهل به علم و آگاهی می‌کشاند و اما سرپرست کفار طاغوت‌ها هستند که آنها را از فضای علم به جهل و خرافات می‌کشانند آنها اهل آتشند در آن جاویدند (258) به داستان نمرود توجه کن که با ابراهیم مجادله می‌کند که خدایه او پادشاهی داده است ابراهیم می‌گوید خدای من کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند گفت من هم می‌کشم و نمی‌کشم ابراهیم گفت خدای من خورشید را از مشرق می‌آورد تو اگر می‌توانی از مغرب در آور نمرود کافر مبهوت شد خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند (259) یا مانند عزیز که از روستائی گذشت و دید همه مردم خاک و استخوان شده‌اند گفت چطور

خدا استخوان‌ها را بعد از مرگ زنده می‌کند در این تفکر خدا جان او را گرفت صد سال مرده بود بعد خدا او را زنده کرد نفهمید که مرده بوده فرشته‌ای به او گفت چند وقت است این جایی گفت روزی یانصف روز گفت نه بلکه صد سال است بین آب و غذایت سالم است این استخوان‌ها مال الاغت است تو را آیتی برای مردم قرار دادیم بین چه‌طور استخوان‌ها را جمع‌آوری می‌کنیم و گوشت بر آنها می‌رویانیم وقتی دید که الاغش زنده شد گفت دانستم که خدا به هرکاری توانا است. پاورقی 41 (260) یا آن جا که ابراهیم گفت خدایا به من نشان بده چطور مردگان را زنده می‌کنی گفت مگر ایمان به قدرت من نداری گفت چرامی خواهم اطمینان پیدا کنم خدا فرمود چهار مرغ بگیر به خودت عادت بده بعد ذبح کن روی هرکوهی قطعه‌ای از گوشت‌ها را بگذار بعد آنها را به طرف خودت صدا بزن خواهی دید زنده می‌شوند و به سوی تو می‌آیند و بعد که زنده شدند گفت خدا به هرکاری توانا است (261) کسانی که مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند مانند دانه گندمی است که می‌کارند می‌روید و هفت خوشه می‌آورد در هر خوشه صد دانه گندم است خدا برای هرکسی

بخواهد بیشتر می‌دهد خدا گشایش‌گر و دانا است. پاورقی 42 (262) کسانی که مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و دنباله انفاق منت و اذیتی ندارند اجرشان نزد خدا محفوظ است نترسند و غم و غصه‌ئی نداشته باشند (263) گفتار خوب و متعارف و گذشت از مردم بهتر از صدقاتی است که در پی آن منت و اذیت باشد خدا بی‌نیاز و بردبار است (264) ای اهل ایمان صدقات خود را بامنت و اذیت باطل نکنید مانند کسی که مال خود را به‌ریاکاری انفاق می‌کند ایمان به‌خدا و آخرت ندارد انفاقش مانند‌گرد و غباری است که روی سنگ نشسته باران تند بر آن ببارد غبارش را ببرد آنها بهره‌ای از انفاق نمی‌برند خدا کافر را هدایت نمی‌کند (265) کسانی که مال خود را برای جلب رضای خدا انفاق می‌کنند اجر الهی را به حساب خود ثبت می‌کنند مانند کسانی هستند که بذر و نهال خود را در خاک نرم برآمده از زمین می‌کارند باران ملایم و آفتاب آن را می‌پروراند چند برابر محصول می‌دهد خدا به اعمال شما بصیر و بیناست (266) کدام یک از شما دوست دارید که باغی از انگور و خرما و ثمرات مجهز و مفصلی داشته باشید دوران پیری شما برسد و همراه این ثروت

فرزندانی ضعیف و ناتوان به ناگاه تند بادی همراه آتش ثروت شما را نابود کند (یعنی ریاکاری همان آتش است) خدا این طور آیات خود را روشن می‌کند شاید به فکر خود دریابید که عامل حفظ شما ایمان است. پاورقی 43 (267) ای اهل ایمان از مال پاک حلال و ثمرات باغ و زراعت که به شما داده‌ایم در راه خدا انفاق کنید انفاق خود را با نیت خبیث و ریاکارانه توأم بامنت آلوده نکنید چنان انفاقی که شخصیت را می‌کشد و خود شما حاضر نیستید از انفاق کسی توأم بامنت استفاده کنید مگر این که چشم‌پوشی کنید بدانید که خدا غنی و پسندیده است (268) شیطان هنگام انفاق شما را از فقر می‌ترساند و ادا را به عمل فحشاء و منکر می‌کند خدا شما را وعده تکامل و ثروت بیشتر می‌دهد خدا گشایش‌گر و دانا است (269) حکمت احکام را به کسی که دوست دارد می‌رساند به هر کسی که حکمت برسد بسیار خیر و برکت می‌رسد بجز خردمندان کسی حقیقت را درک نمی‌کنند (270) آن چه از مال و خدمات که انفاق می‌کنید و یا نذر و معاهداتی که با خدا دارید خدا می‌داند ستم‌کاران بدانند که یآوری ندارند. پاورقی 44 (271) اگر صدقات خود را آشکار برسانید

چقدر خوب است و اگر هم مخفیانه به فقرا بدهید بهتر است خدا بدی‌های شما را می‌زداید او به اعمال شما آگاه است (272) هدایت تکوینی مردم با شما پیغمبران نیست خدا هرکسی را بخواهد هدایت می‌کند آنچه در راه خدا انفاق می‌کنید به خودتان بر می‌گردد شما مالی را جز در طلب رضای خدا انفاق نکنید آنچه انفاق می‌کنید به خودتان می‌رسد به شما ستم نمی‌شود عملتان ضایع نمی‌شود (273) به فقرایی بدهید که به دلیل وظیفه شناسی و رعایت دین‌الهی به فقر افتاده‌اند و قدرت تلاش بیشتر نداشته‌اند کسی که به حال آنها آشنا نیست به خاطر عفت نفس آنها را غنی می‌پندارد فقر آنها به نمایش زندگی شناخته می‌شود نه به سئوال برای حفظ عفت نفس از کسی سئوال نمی‌کنند آنچه از مال خود انفاق می‌کنید خدا بآن آگاه است (274) کسانی که مال خود را در راه احیای دین خدا و خدمت به مردم پنهان و آشکار انفاق می‌کنند اجرشان پیش خدا محفوظ است نترسند و غم و غصه‌ئی نداشته باشند (275) زندگی کسانی که از سرمایه خود با ربا خواری استفاده می‌کنند دوام و قوام پیدا نمی‌کند مگر مانند کسی که که

شیطان او را مخبط کرده است آنها خیال می‌کنند ربا خوری مانند تجارت است خدا ربا را حرام و تجارت را حلال فرموده است کسی که حکم به او ابلاغ می‌شود منصرف می‌شود گذشته‌ها مسئولیت ندارد مقدراتش به دست خدا است و کسی که بعد از ابلاغ حکم به رباخواری ادامه می‌دهد اهل جهنم است در آن عذاب مغلط است . پاورقی 45 . (276)

خدا مال ربا را نـابود می‌کند صدقات را می‌پروراند خدا گناه‌کاران را دوست نمی‌دارد (277) کسانی که اهل ایمان و عمل نافع به حال خود و دیگران هستند و بانماز و زکات رابطه با خدا و مردم را حفظ می‌کنند اجرشان نزد خدا محفوظ است نترسند غم و غصه‌ای نداشته باشند (278) ای اهل ایمان تقوایبش کنید و آن چه از ربا باقی مانده است رها کنید اگر ایمان به خدا دارید (279) اگر ربا خواری را ادامه دهید با خدا و رسول اعلام جنگ می‌کنید اگر توبه کردید اصل سرمایه را بگیرید ظلم نکنید مظلوم هم نشوید (280) اگر مدیون شما در عسرت و مشقت است به او مهلت دهید و اگر طلب را از صدقات و انفاقات به حساب آورید قبول است و خیلی بهتر است

(281) بترسید از روزی که مرجع همه شما خدا است آن روز نتیجه کسب و کار شما کامل به شما می رسد و به کسی ستم نمی شود (282) ای اهل ایمان اگر باقرض الحسنه یا تجارت از کسی در مدت معینی طلب کار شدید بنویسید يك نو یسنده عادلانه قرض و طلب شما را بنویسد نویسنده آن چنان که خدا او را به حقوق آشنا کرده است از نوشتن خودداری نکند مدیون هم سند را امضا کند تقوا پیشه کنید حق داین را رعایت نمائید اگر مدیون سفیه یا نابالغ است ولی شرعی او سند را عادلانه امضا کند از دو نفر مرد عادل که شهادت آنها را می پسندید بر قرض و طلب گواه بگیرید اگر دو مرد نبودند يك مرد و دو زن گواه شوند تا اگر يك نفر از آن دو شاهد فراموش کرد دیگری به یاد آورد اگر گواهان به شهادت دعوت شدند از گواهی دادن خودداری نکنند از گواهی و نوشتن قرض و طلب بزرگ یا کوچک باشد خسته نشوید نویسندگی و شهادت در نزد خدا بهتر مایه ظهور عدالت و قوام شهادت بوده و نزدیکترین راه برای رفع شك و شبهه است مگر معاملات دم دست روز مره که احتیاج به کتابت ندارد لازم نیست نوشته شود بر معاملات مهم خود

شاهد بگیرید نویسندگان و گواهان را به خسارت نیندازید که علامت فسق و فجور شما است تقوا داشته باشید خدا با این مقررات شما را آموزش می‌دهد خدا به هر چیزی داناست پاورقی 46 (283) اگر قرض و طلب شما در مسافرت اتفاق افتاد و نویسنده نداشتید مالی را به‌عنوان رهن به طلبکار بسپارید اگر مالی به امانت سپردید شخص امین امانت را به‌صاحبش برساند از خدا بترسد خیانت نکند شهادت را کتمان نکنید اگر کسی شهادت را کتمان کند قلبش آلوده به‌گناه می‌شود خدا به‌اعمال شما آگاه است (284) هر چه هست در عوالم آسمان و زمین مال خدا است اگر سری از اسرار خود را پنهان و یا آشکار سازید خدا همه را به‌حساب می‌آورد هر کسی را بخواهد می‌آموزد و هر کسی را بخواهد عذاب می‌کند خدا به‌هرکاری توانا است (285) (خدا فرمود) رسول خدا به‌دین و کتابی که بر او نازل شده ایمان آورد (رسول گفت) مومنین هم به خدا و پیغمبران و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی ایمان آوردند (اظهار می‌دارند) که ما پیغمبران را از یکدیگر جدا نمی‌دانیم می‌گویند پروردگارا دعوت تو را شنیدیم اطاعت کردیم تقاضای عفو و غفران داریم بازگشت

همه به سوي تو است (286) خداوند فرمود کسی را جز برابر استعدادش مکلف نمی کنیم نیک و بدی انجام دهد برابر آن مجازات می شود (رسول خدا عرض کرد) پروردگارا از نسیان و خطای مادر گذر پروردگارا مسئولیت ما را سنگین مکن چنانکه مسئولیت گذشتگان را سنگین فرمودی پروردگارا ما را به عملی که طاقت آن را نداریم مکلف مکن ما را در پوشش عفو و غفران خود قراریده به ما رحم کن تومولای ما هستی ما را برکفار پیروز گردان (دو آیه آخر سوره نمایشگر مذاکراتی است که شب معراج بین خدا و رسول انجام گرفته، خداوند بر اطاعت و ترک معصیت تاکید می کند و رسول اکرم برای گناه کاران امت عفو، غفران می طلبد. پاورقی 47

سور آل عمران

بسم الله الرحمن الرحيم

ا- ل - م - اشاره به اصول خلقت دارد که عبارت است از اراده خدا و نور و ماده پیش از آن که به صورت مخلوقی ساخته شود (2) خدا کسی است که واحد و یگانه است جز او خدائی نیست زنده و پایدار است (هر چیزی که در علم ویا در عین در آید خدا نیست بلکه مخلوق است) (3) این کتاب حق خالص است بر تو نازل کردیم آن چه را که حق است تصدیق می‌کند پیش از این تورات و انجیل را نازل کردیم (4) که هدایت گر مردم بودند و قرآن را هم نازل کردیم کسانی که کافر به آیات خدا می‌شوند عذاب سختی دارند خدا غالب و انتقام گیراست (زیرا ظالم برای ادامه ظلم متوسل به سلاح آتش می‌شود و آن آتش به خودش برمی‌گردد) (5) خدا کسی است که در آسمان و زمین و علم عالم و عوام چیزی از او مخفی نیست (6) او است که شما را در رحم مادر به هر صورتی که بخواهد می‌سازد خدائی جز او نیست غالب و حکیم است (7) خدا است که این قرآن را بر تو نازل کرد بعضی آیات آن حکیمانه و روشن است که آنها اصل علوم است و بعضی شبیه به آنها کسانی که انحراف قلبی دارند در پی فتنه جوئی به دنبال متشابهات می‌روند با

این که تاویل آن رابه جز خدا و راسخون در علم کسی نمی داند و آنها به تمام آیات محکم و متشابه ایمان می آورند که همه از جانب خدا است به جز خرد مندان کسی حقیقت را درک نمی کند. پاورقی 48 (8) خردمندان عرضه می دارند پروردگارا قلب ما را بعد از آنکه هدایت نمودی از حق منصرف مکن لطف و رحمت خود را به ما برسان تو بخشنده و مهربانی (9) پروردگارا تو هستی که مردم را در روز قیامت که شکمی در آن نیست جمع می کنی وعده تو خلاف ندارد (10) کفار بدانند که با قدرت و ثروت مقدرات الهی را تغییر نمی دهند آنها در خط ظلم و کفر جهنم خود را روشن خواهند کرد (11) مانند روش آل فرعون و گذشتگان آنها که آیات ما را تکذیب کردند و خدا آنها را به سبب گناهشان عذاب نمود عقاب الهی شدید است (12) به کفار بگو به همین زودی مغلوب می شوید و بعد از محاکمه به جهنم کشیده خواهید شد (13) داستان دو گروه مکه و مدینه که در برابر هم جبهه گرفتند آیت الهی است گروهی در راه خدا و گروهی کافر که مسلمانان را دو برابر خود می دیدند خداوند هر گروهی را که بخواهد یاری می کند داستان جنگ بدر برای عقلا درس عبرت است (14)

مشتبهات به هوای نفس مثل زنان و فرزندان و کیسه‌های طلا و نقره و چهارپایان و باغ و زراعت در نظر مردم جلوه نموده است بگو این‌ها متاع دنیای فانی است حسن عاقبت به دست خدا است (15) به شما بگویم خدا برای مومن نعمت‌هایی بهتر از این‌ها ذخیره کرد خدا اهل تقوا را به علم و قدرتی مجهز می‌کند که از آن نعمت ولذت مانند نهر جریان پیدا می‌کند در آن نعمت‌ها مخلدند و همسران پاک و پاکیزه و از همه بهتر رضای خدا خدا به حال بندگان بصیر است (اهل بهشت صاحب اراده کن فیکونی‌اند که هرچه بخواهند می‌شود این قدرت جنات عدن است که خداوند در حدیث نافله بهشت را این طور تعریف می‌کند). پاورقی 49 (16) اهل تقوا کسانی هستند که می‌گویند پروردگارا به تو ایمان آوردیم نواقص ما را بر طرف کن و ما را از عذاب جهنم حفظ کن (17) کسانی که صبور و راستگویند در حال نیایش و خواهش‌اند مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و سحرها در حال دعا و استغفارند. پاورقی 50 (18) خدا خود گواهی می‌دهد که جز او خدائی نیست فرشتگان و دانشمندان هم گواهی می‌دهند و اعتراف دارند که خدا قیام به قسط و عدالت دارد

خدائی جز او نیست عزیز و حکیم است (19) دین حق و نجات بخش فقط دین اسلام به رهبری امام معصوم است اهل کتاب بعد از علم به حقانیت اسلام روی حسد و دنیا طلبی اختلاف به وجود آوردند کسی که کافر به آیات خدا شد بداند که خدا سریع‌الابه حساب او می‌رسد (20) اگر با تو بحث و جدال راه انداختند بگو من و پیروانم تسلیم خدا شده‌ایم به اهل کتاب و اهل مکه بگو اگر مسلمان شدند هدایت می‌شوند و اگر از قبول حق اعراض کردند وظیفه تو فقط تبلیغ است خدا بندگان خود را می‌شناسد (21) کسانی که کافر به آیات خدا می‌شوند پیغمبران و کسانی را که امر به معروف و ناهی از منکرند می‌کشند آنها را به عذابی بزرگ مزدگانی بده (اینجا کلمه بشارت به جای تهدید به کار رفته است برای این که کفار از راهی که خود را موفق می‌دانند گرفتار جهنم می‌شوند) (22) آنها از نتایج اعمال خود در دنیا و آخرت محرومند و کسی آنها رایاری نمی‌کند (23) بین اهل کتاب که بهره‌ای از کتاب خدا دارند افرادی هستند که دعوت به کتاب خدا می‌شوند ولی بیشتر از همه به حکم خدا بی‌اعتنائی می‌کنند (24) عقاید خرافی درست کرده‌اند که چند روزی بیش در

جهنم نیستند این دروغ سازي‌ها آنها را در دین مغرور کرده است (25) روزي که همه آنها در قیامت جمع شوند و نتایج اعمالشان ملازم وجودشان شود آنجا چه حالي دارند چند روزي معذبند یا تا ابد (26) بگو که ای خدا مالک پادشاهي‌ها و قدرت‌ها تویی که به هرکس بخواهي پادشاهي مي‌دهي و از هر کس بخواهي مي‌گیری هرکسي را بخواهي عزت مي‌دهي و هرکسي را بخواهي ذلت مي‌دهي خیر و برکت به دست تو است به هرکاري توانائي (27) توهستي که شب را به روز و روز را به شب مي‌کشاني از اصول مرده زنده مي‌سازي و زنده را به مرگ بر مي‌گرداني هرکسي را بخواهي بدون حساب روزي مي‌دهي (خروج مرده از زنده و زنده از مرده برهان این است که حیات درخلاق اثر ترکیبي است نه اثر ذاتي، روح و ماده پس اشتراك وجود خلق و خالق غلط است). پاورقي 51 (28) مومنين حق ندارند ولایت اولیاء خدا را کنار گذاشته کفار را بر خود ولایت دهند کسی که چنین کند ارزشي نزد خدا ندارد مگر که این کار به مصلحت باشد که تقیه کند خدا شما را از مخالفت خود برحذر مي‌دارد آخرین مرجع شما خدا است (29) اگر در فکر خود

چیزی را پنهان و یا آشکار سازید خدا می‌داند آنچه در آسمان و زمین است خدا می‌داند خدابه‌هرکاری توانا است (30) روزی که نتایج کار خیر و شر خود را ببیند دوست دارد از عمل شر خود بسیار فاصله داشته باشد خدا شما را از نافرمانی خود برحذر می‌دارد خدا به بندگان مهربان است. پاورقی 52 (31) بگو اگر شما خدا را دوست دارید از من پیروی کنید خدا هم شما را دوست می‌دارد و شما را رشد می‌دهد خدا آمرزنده و مهربان است (32) بگو شما از خدا و رسول اطاعت کنید اگر به‌خود رایی رفتید بدانید که خدا کافرین را دوست نمی‌دارد (33) خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را براهل عالم برتری داد (34) خانواده‌هایی که از جنس یکدیگر و وابستگان به‌دین خدا هستند خدا شنوا و دانا است (35) آن‌جا که همسر عمران عرضه داشت پروردگارا نذر کردم بچه رحم من از حق پدر و مادر آزاد و در خدمت خدا باشد پروردگارا قبول فرما تو شنوا و دانا هستی (36) بعد از وضع حمل عرضه داشت پروردگارا دختر زائیدم خدا داناتر بود که دختر زائیده دختر مانند پسر نیست پروردگارا دخترم را مریم نامیدم او را و اولادش را از شر شیطان به پناه تو می‌آورم

(37) خداوند نذر مادر را به وضعی هرچه بهتر قبول کرد و شجره وجود مریم را هرچه نیکوتر رویانید زکریا کفالت او را عهده دار شد. زکریا هر وقت برای پذیرائی به محراب می‌رفت غذای تازه‌ای کنار او می‌دید می‌گفت مریم از کجا این غذا را آورده‌اند گفت از جانب خدا هر کسی را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد (38) زکریا این جا متوجه عظمت خدا شد عرض کرد پروردگارا از لطف خود فرزند پاک‌ی به من مرحمت کن تو خواهش بندگان خود را اجابت می‌کنی (39) فرشتگان او را در حال عبادت صدا زدند که ای زکریا خدا تو را مژده می‌دهد که فرزندی به نام یحیی مرحمت کند او کلمات خدا را تصدیق می‌کند پارسا و پرهیزگار است پیغمبری از بندگان صالح خدا خواهد بود (40) زکریا عرض کرد پروردگارا چه طور برای من فرزندی می‌شود که پیری مرا فرا گرفته و همسرم نازا است خدا فرمود همین طور که می‌گویم خدا هرچه بخواهد می‌کند (41) عرض کرد پروردگارا نشانه‌ای به من مرحمت کن فرمود نشانه‌ات این که تاسه شبانه روز جز با ایما و اشاره نتوانی با کسی تکلم کنی صبح و شام به ذکر و تسبیح خدا مشغول باش (42) فرشتگان به مریم

گفتند خدا تو را صاف و پاکیزه نمود و تورا بر تمامی زنان عالم برتری داد (43) مریم به پروردگارت توجه داشته باش و دائم با بندگان مخلص خدا در سجده و رکوع باش (44) آن چه می‌گویم اخبار غیبی غیر قابل کشف است که برای تو بازگو می‌کنم تو آن جا نبودی که خدمه مسجد قرعه کشی می‌کردند کدام يك كفيل مریم باشند نبودی که بینی برای کفالت مریم منازعه دارند (45) آن جا که فرشتگان مریم را صدا زدند که ای مریم خدا تورا به فرزندی پاک به نام مسیح مژده می‌دهد عیسی مسیح فرزند مریم آبرومند در دنیا و آخرت و از مقربین درگاه خدا، پاورقی 53 (46) در پیری و کودکی بامردم سخن می‌گوید مومن و شایسته است (47) مریم عرض کرد پروردگارا چطور برای من فرزندی می‌شود با این که با مردی تماس ندارم خدا فرمود همین طور بدون سبب خدا وقتی کاری را بخواهد می‌شود (48) مریم بدان که خدا به او کتاب و حکمت می‌آموزد تورات و انجیل به او یاد می‌دهد (49) او را به سوی بنی اسرائیل رسالت می‌دهد که ای بنی اسرائیل من بامعجزات از جانب خدا آمده‌ام من از گل‌ها کبوتر می‌سازم به آن جان می‌دهم به اذن خدا به پرواز در می‌آورم

مرض‌های کوری و برص را به‌اذن خدا شفا می‌دهم
مرده را به‌اذن خدا زنده می‌کنم از آنچه در خانه
ذخیره می‌کنید خبر می‌دهم این اعمال معجزات من
است اگر ایمان به‌خدا دارید (50) کتاب تورات را قبول
دارم و آن را تصدیق می‌کنم بعضی محرمات را حلال
می‌کنم همراه آیات و معجزات آمده‌ام از مخالفت
حق بترسید ازمن اطاعت کنید (51) پروردگار من و
شما خداست او را بپرستید که راه راست این است
(52) وقتی که عیسی احساس کرد بنی اسرائیل
کافربه او هستند اراده کرد یاران خود را از عموم جدا
کند گفت چه کسی ما را در حرکت به‌سوی خدا یاری
می‌کند حواریون گفتند مایاران خدا هستیم ایمان
به‌خدا آوردیم گواه باش که ما مسلمانیم
(53) حواریون عرض کردند پروردگارا ما به دینی که
نازل کردی ایمان آوردیم از این پیغمبر پیروی نمودیم
نام ما را در دفتر حق جویان ثبت کن (54) بنی
اسرائیل تا توانستند علیه او مکر و حيله به‌کار بردند
خدا با مکر خود کید و مکر آنها را شکست داد و
خدا بهترین مکار است (55) خداوند به عیسی فرمود
که ای عیسی من تو را از این جامعه فرا می‌گیرم
به‌سوی خود می‌برم و از این تهمت‌ها تو را پاکیزه

می‌گردانم تا قیامت پیروان تو را بر کافران به تو برتری می‌دهم پس از آن در قیامت مرجع شما خواهم بود و در اختلافاتی که باهم دارید قضاوت می‌کنم. پاورقی 54 (56) اما کافران به‌دین خدا را در دنیا و آخرت سخت عذاب می‌کنم کافران به‌دین تو بدانند که یآوری نخواهند داشت (57) و اما پاداش اهل ایمان و عمل صالح را به آنها می‌رسانم (روایات صریح است که در ظهور امام دین اسلام بشریت را فرامی‌گیرد دین دیگری وجود ندارد پس در این آیه قیام آن حضرت قیامت شناخته شده است) خداظالمین را دوست نمی‌دارد (58) این آیات برنامه‌های حکیمانه است که برای تو تلاوت می‌کنیم (59) داستان عیسی و تولد او مانند آدم است که خداوند با اراده کن فیکونی خود بدون پدر و مادر او را از خاک آفرید (60) حق آن است که از پروردگار تو می‌رسد مبادا شك داشته باشی (61) بعد از علم به حقانیت خود اگر پیشوایان مسیحی حجت تو را نمی‌پذیرند بگو بیائید هریک خانواده خود را از پسران و زنان و آن که به‌منزله جان ما است بیاوریم در پیشگاه مقدس خدا بنالیم و تقاضا کنیم لعنت خود را بر آنکه کاذب است فرود آورد (رسول خدایه‌جای ابناء و نساء و انفس حسنین و

زهرا و علي را حاضر کرد آنها ترسیدند وگفتند که چهره هاي نوراني را مي بینیم اگر نفرین کنند مسیحیت نابود می شود (62) اینها داستان هاي حق است که بازگومی شود خدائي به جز خدا نیست غالب و حکیم است (63) اگر باز هم با خود رائي از دین خدا اعراض کردند خدامفسدین رامي شناسد (64) به عموم اهل کتاب اعلام کن بیائید همه بر يك کلام که آن را قبول داریم اتحاد کنیم به جز خدا کسی را نپرستیم کسی را شريك او نسازیم ارباب پرستي غير خدا را کنار بگذاریم اگر از این منطق اعراض کردند بگو گواه باشید که ماتسلیم حق هستیم (65) اي اهل کتاب چرا در باره ابراهیم خلیل با ما بحث می کنید که او را از خود بدانید با این که تورات و انجیل بعد از او نازل شده چرا عاقلانه سخن نمی گوئید (66) شما بحث هائي را مطرح کنید که می دانید (دین و کتاب خود را) چرا علمي را که می دانید بحث می کنید خدا ابراهیم را می شناسد و شما نمی شناسید (67) ابراهیم يهودي و نصراني نبود که از شما باشد او مردی مسلمان و متکی به خدا بود هرگز شرك به خدا نیاورد (68) نزدیک ترین افراد به ابراهیم آنها بودند که از او پیروي کردند این

پیغمبر و مومنین اولی به او هستند خدا هم اولی به اهل ایمان است (69) عده‌ای از اهل کتاب دوست دارند اگر بتوانند شما اهل ایمان را همراه کنند آنها خودشان را همراه می‌کنند و شعور ندارند (70) بگو ای اهل کتاب با این که شاهد حقانیت من هستید چرا کافر به آیات خدا می‌شوید (71) ای اهل کتاب چرا حق را به لباس باطل می‌آرائید حق را کتمان می‌کنید با این که می‌دانید چه می‌کنید (72) طایفه ای از اهل کتاب به یکدیگر سفارش می‌کنند که شما روزها در برابر مومنین تظاهر به ایمان کنید و شب‌ها پیش خود کافر به آنها باشید شاید آنها از دین شان برگردند (73) باید ایمان بکسانی داشته باشید که دین شما را قبول داشته باشند به آنها بگو من و شما مطرح نیست فقط هدایت خدا درست است که به دیگران اگر بخواهد کتابی مانند شما می‌دهد تا به وسیله او حجت بر شما تمام شود فیض بعثت به دست خداست هرکسی را بخواهد مجهز می‌کند خدا گشایش گر و دانا است (74) خدا لطف و رحمت خود را به هرکسی بخواهد اختصاص می‌دهد فضل و رحمت او نامتناهی است (75) بعضی از اهل کتاب امین هستند چنان که اگر انبانی پر از جواهرات به آنها

بسپاری به صاحبش برمی‌گردانند و بعضی چنان خائن که دیناری را به صاحبش نمی‌رسانند مگر که نظارت درکار باشد خیال می‌کنند در خیانت به غیر اهل کتاب محکوم نیستند عمداً به خدا دروغ می‌بندند (76) آری کسی که تقوا پیشه کند و به عهد خود وفا نماید خدا اهل تقوا را دوست دارد (77) کسانی که عهد خدا و پیمان مردم را به طمع دنیا می‌فروشند در آخرت بهره‌ای ندارند خدایه آنها اعتنائی کند و شجره زندگی آنها را نمی‌پروراند عذابی الیم در انتظار آنها است (78) بعضی از آنها با توجیحات غلط مقاصد خود را به کتاب خدا نسبت می‌دهند باین که به کتاب خدا مربوط نیست می‌گویند قانون الهی است باین که قانون الهی نیست به خدا دروغ می‌بندند باین که می‌دانند (79) ممکن نیست خدا کسی را به نبوت انتخاب کند حکم و کتاب به او بدهد اما او مردم را به پرستش خودش دعوت کند بگوید بنده من باشید بلکه او به مردم می‌گوید همه تان کتاب خدا را بیاموزید عالم ربانی باشید (80) هرگز خدا و پیغمبران به شما اجازه نمی‌دهند که فرشتگان و پیغمبران را ارباب خود بشناسید چطور می‌شود بعد از مسلمانی شما را به کفر بکشاند (81) خدا از هر

پیغمبری بعد از بعثت عهد و پیمان گرفت که وقتی به شما کتاب و ماموریت دادم و به شما خبر دادم که آخرین پیغمبر بعد از شما می آید دین و کتاب شما را تصدیق می کند شما وظیفه دارید دین و مرام او را تبلیغ کنید و به او ایمان بیاورید به آنها گفتم که به عهد و پیمان من اقرار نمودید و بار مسئولیت آخرین پیغمبر را پذیرفتید گفتند آری اقرار کردیم خدا فرمود گواه این عهد و پیمان باشید من هم گواهم. پاورقی 55 (82) بعد از این عهد و پیمان، کسانی که از دین خدا اعراض می کنند فاسقند (83) آنها در پی دینی سواي دین خدايند با این که اهل آسمانها و زمین خواسته و ناخواسته تسلیم خدايند آخرین مرجع آنها خداست (84) ای پیغمبر تو و پیروانت بگوئید ما به دینی که برخودمان نازل شده ایمان می آوریم و به دین ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و به دینی که از پروردگار بر موسی و عیسی و پیغمبران دیگر نازل شده ایمان می آوریم پیغمبران يك راه و يك دينند آنها را از يكديگر جدا نمی دانیم همه تسلیم خدايند (85) کسی که در جستجوی دینی غیر از دین اسلام باشد از او قبول نمی شود و در آخرت زیان کار است (86) چگونه ممکن است خدا کسی را

که بعد از ایمان کافر به او شده است هدایت کند یعنی کسانی که شاهد حقانیت رسول خدا و این همه معجزات بوده اند خدا ستم‌کاران را هدایت نمی‌کند (یعنی نمی‌شود) (87) مجازات آنها همین است که مشمول لعنت خدا و فرشتگان و مردم واقع شوند (88) این عذاب که نتیجه واگذاری انسان به خود او است سبک نمی‌شود مهلت و فرصت هم با ظهور مرگ یا قیامت از آنها گرفته می‌شود (89) مگر کسانی که بعد از کفر و گناه توبه کنند و خرابی‌های کفر و گناه خود را اصلاح نمایند خدا بعد از توبه و اصلاح آمرزنده و مهربان است (توبه به معنای برگشت از بی‌راهه به راه است). پاورقی 56 (90) کسانی که بعد از ایمان کافر به خدا می‌شوند و بر کفر خود می‌افزایند توبه آنها قبول نمی‌شود چون که آنها گمراهند و توبه به معنای برگشت به راه است (91) کسانی که کافر به خدا می‌شوند و در حال کفر می‌میرند اگر برابر وزن زمین جریمه بدهند قبول نمی‌شود چرا که آنها گمراهند (جریمه فاسد را اصلاح نمی‌کند بلکه توبه) عذابی دردناک در انتظار آنها است و یار و یاور ندارند (92) شما مردم بدانید هرگز به نیک بختی نمی‌رسید مگر که از آن چه دوست دارید در راه خدا

انفاق کنید و از آن چه انفاق می‌کنید خدا آگاه است (انفاق کادوئی است که به خدا می‌دهید که باید بهترین‌ها باشد) (93) کلیه طعام‌ها برای بنی اسرائیل حلال بود مگر آن چه را اسرائیل پیش از نزول تورات بر خود حرام کرد به یهودیان بگو تورات را بیاورید بخوانید اگر راست می‌گوئید خدا حلالی که شما می‌گوئید حرام کرده است. پاورقی 57 (94) کسی که بعد از آگاهی به حلال و حرام واقعی به خدا دروغ ببندد ظالم خواهد بود (95) به یهودیان بگو خدا راست می‌گوید شما از دین مترقی ابراهیم پیروی کنید که هرگز مشرک نبوده است (96) اولین مسجد که برای عبادت مردم ساخته شد خانه کعبه بود (پس قبله واقعی اولین مسجد است) خانه‌ای است پر برکت هدایت گر اهل عالم (97) در این خانه آیات الهی زیاد است از آن جمله موقعیت تاریخی ابراهیم هرکس به زیارت خانه برود از خطرات دینی درامن و امان است حق خدا بر مردم است که در صورت استطاعت به زیارت خانه بروند هرکس کافر شود بداند که خدا از عالمیان بی نیاز است (98) بگوی اهل کتاب چرا با این همه آیات و معجزات کافر به خانه خدا و اسلام می‌شوید با این که خدا گواه اعمال است

(99) بگو ای اهل کتاب چرا اهل ایمان را از راه خدا باز می‌دارید و این راه را غلط می‌دانید با این که شاهد حقانیت آن هستید خدا از اعمالتان غافل نیست (100) ای مسلمانان و اهل ایمان اگر از روش بسیاری از اهل کتاب پیروی کنید شمارا بعد از ایمان به کفر می‌کشانند (101) چگونه کافریه آیات خدای خود را با این که آیات خدا برای شما تلاوت می‌شود و رسول خدا در میان شما است کسی که به آیات خدا و رسول متوسل شود بداند که به راه راست هدایت یافته است (102) ای اهل ایمان آن چنان که شایسته تقوا است از خدا بپرهیزید و در حال مسلمانی از دنیا بروید (103) همه شما به ریسمان خدا (که توسل به رسول و ائمه است) متمسک شوید از دایره ولایت خارج نشوید ولایت را که نعمت بزرگ خدا است فرا گیرید یادتان باشد که چگونه با یکدیگر دشمنی داشتید خدا به برکت نعمت ولایت قلب شما را به یکدیگر الفت داد و آن دشمنی‌ها تبدیل به دوستی شد در لبه آتش بودید شما را نجات داد خدا این طور حقایق را روشن می‌کند شاید هدایت یابید (104) لازم است گروهی در میان شما باشند مردم را امر به کار خیر کنند امر به معروف و نهی از

منکر نمایند این گروه مفلح و رستگارند (105) شما مسلمانان مانند گذشتگان نباشید که وحدت دینی خود را به هم زدند متفرق شدند و با آن همه دلایل وحدت اختلاف پیدا کردند مستحق عذابی بزرگ شدند (106) یعنی عذاب قیامت که بعضی رو سفید و آبرومندند و بعضی روسیاه بندگان آبرومند به روسیاهان می‌گویند آیا بعد از ایمان کافر به خدا شدید این است عذابی که نتیجه کفر شماست (107) اما آنها که آبرومندند متنعم به رحمت خداوند در آن جاویدند (108) این است آیات خدا که برای تو به حق تلاوت می‌شود خدا به کسی ستم نمی‌کند. پاورقی 58 (109) هرچه هست در آسمان‌ها و زمین مال خداست (احتیاج به ستم ندارد) بازگشت تمامی امور به سوی خدا است (110) شما امت مسلمان (به رهبری ائمه اطهار) بهترین امت‌ها هستید که برای مردم ظاهر شدید مردم را به نیکی امر و از بدی‌ها باز می‌دارید به خدا ایمان می‌آورید اگر اهل کتاب مانند شما ایمان بیاورند برای آنها بهتر است عده‌ای ایمان می‌آورند و اکثر آنها فاسقند (111) از آنها نترسید نمی‌توانند به شما ضرری بزنند فقط اذیت می‌کنند اگر باشما بجنگند فرار می‌کنند

مستحق نصرت خدا نیستند (112) هر جا شناخته شوند ذلت و مسکنت آنها را فرامی گیرد مگر این که وابسته به خدا و یا مردم باشند بازگشت آنها به دایره غضب خداست خواری و پریشانی ملازم زندگی آنها است برای این که کافر به خدا شدند این همه پیغمبران را کشتند معصیت کار و تجاوزگرند (113) از اهل کتاب کسانی که نیمه های شب قیام می کنند در رکوع و سجودند با دیگران مساوی نیستند. پاورقی 59 (114) آنها به خدا و آخرت ایمان دارند امر به معروف و نهی از منکر دارند در کار خیر سرعت می کنند مردمی صالح و شایسته اند (115) از کار خیر خود بهره می برند خدا عمل آنها را منظور دارد پر هیزکاران را می شناسد (116) اما طایفه دیگر از اهل کتاب که کافرند بدانند که مال و اولاد آنها را از عذاب کفر نجات نمی دهد اهل جهنمند در آن مغلند. پاورقی 60 (117) مال و ثروتی که در راه کفر انفاق می کنند مانند زراعتی است که باد بسیار سرد و تندی بر آن می وزد و نابود می شود خدا به آنها ظلم نمی کند بلکه آنها به خود ستم می کنند که مال خود را در راه کفر مصرف می کنند (118) ای اهل ایمان رابطه مخفیانه با غیر مسلمان پیدان کنید که

آنها از هیچ خیانتی کوتاهی نمی‌کنند رنج و زحمت شمارا دوست دارند دشمنی آنها از قیافه شان پیدااست عناد قلبی آنها شدید تر است ما واقعیت‌ها را روشن کردیم که به عقل خود دریابید (119) شما مسلمانان آنها را دوست دارید ولی آنها شمارا دشمن دارند شما به تمامی کتاب‌های آسمانی ایمان دارید آنها در ملاقات شما تظاهر به ایمان دارند و در خلوت از غیظ و غضب انگشت خود را گاز می‌گیرند بگو از غیظ و غضب بمیرید خدا از سر شما آگاه است (120) اگر خیری به شمارسد ناراحت می‌شوند و اگر بلائی سر شما بیاید خوشحال می‌شوند اگر شما در دینتان صبور و پایدار باشید سیاست آنها ضرری به شما نمی‌زند خدا به اعمال آنها محیط است (121) به یاد روزی باش که فردای آن مردم را برای جنگ بدر آماده می‌کردی مواضع جنگ رانشان می‌دادی خدای شنید و می‌دانست (122) آن جا که دو طایفه از جهاد سستی نمودند خدا ولی آنها است (به حسابشان می‌رسد) مومنین جهادگر به خدا توکل کنند (123) دیدید چگونه خدا شمارا در جنگ بدر پیروز کرد با این که عده شما کم بودند از نافرمانی خدا بپرهیزید

شاکر لطف خدا باشید (124) آن جا که در جنگ به مردم می‌گفتی شمارا کافی نیست که خداوند با سه هزار فرشته ردیف هم نازل نماید شمارا یاری کند. پاورقی 61 (125) آری اگر در میدان جنگ صبر و تقوا پیشه کنید و فوری بر آنها بتازید خداوند با پنج هزار فرشته نشانه دار شمارا یاری می‌کند (126) یاری فرشتگان برای این است که خوشحال شوید آرامش پیدا کنید و الا نصرت به دست خداوند است خدا عزیز و حکیم است (127) خداوند می‌خواهد با قدرت خود سورت کفار را بشکند آنها را سرکوب کند تا با ناامیدی به وطن برگردند (128) مقدرات به دست خداست که آنها را بپذیرد و یا عذاب کند آنها در ظلم و ظلمت واقع شده‌اند (مهلت دارند) (129) هرچه هست در عوالم آسمان و زمین ملک خداست آن که را بخواهد پرورش می‌دهد و آن که را بخواهد عذاب می‌کند خدا آمرزنده و مهربان است (غفران به معنای رفع نواقص وجودی است) (130) ای اهل ایمان از رباخواری بپرهیزید که چند برابر پول خود را از مدیون بگیرید شاید رستگار شوید (131) از آتش جهنم که برای کفار مهیا شده است بترسید ربا خوار مانند کفار است (132) در اطاعت خدا و رسول

باشید شاید لطف خدا شمارا فرا گیرد (133) برای وصول به مغفرت خدا بر یکدیگر سبقت گیرید تا خود را به بهشتی برسانید که وسعت آن پهنه آسمانها و زمین است برای متقین مهیا شده است. پاورقی 62 (134) کسانی که درگشایشها و ضررها به مردم خدمت می‌کنند صبر و تحمل دارند و از بد رفتاری مردم می‌گذرند بدانند که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد (235) و کسانی که اگر گناهی کردند و به کسی بد کردند به یاد خدا می‌افتند و توبه می‌کنند آمرزش می‌طلبند چه کسی جز خدا می‌تواند از گناه آنها بگذرد کسانی که اصرار به گناه ندارند در صورتی که دانسته‌اند و توبه کردند (136) پاداش آنها رشد ایمانی و وصول به علم و قدرتی است که از آن نعمت و ثروت مانند نهر جریان پیدا می‌کند در این ثروت و نعمت جاویدند چقدر پاداش علم و عمل خوب است (137) روش‌های بد و خوب پیش از شما جریان داشته است درست فکر کنید از سرنوشت تکذیب کنندگان دین خدا عبرت گیرید (138) این آیات بیان حقایق است برای اهل تقوا پند و موعظه است (139) شما مسلمانان اگر ایمان داشته باشید بهترین امت‌ها خواهید بود سستی به خود راه ندهید غم و غصه‌ای

نداشته باشید (اسلام چشمه آب حیات است صاحبان آن بهترینند) (140) اگر شما مسلمانان در جنگ احد مجروح شدید دشمنان شما هم مجروح شدند این زندگی دنیا است که ما آن را دست به دست می‌کنیم تا در این شکست و پیروزی‌ها اهل ایمان مشخص شوند و شما شاهد اعمال یکدیگر باشید خدا ستمکاران را دوست نمی‌دارد (141) تا در این ابتلاآت ایمان اهل ایمان خالص شده و کفار محو و نابود شوند (142) خیال نکنید پیش از مشخص شدن مومن مجاهد از ظالم منافق درهای بهشت به رویتان باز می‌شود (زندگی بهشت از مومنین خالص تشکیل می‌شود) (143) شما پیش از این در جنگ بدر آرزو داشتید که در راه خدا شهید شوید و حالا در جنگ احد شهادت را دیدید (چرا ترسیدید) (144) محمد فقط رسول خدا است که پیش از او پیغمبرانی بوده‌اند خیال نکنید اگر بمیرد یا کشته شود دین خدا هم می‌میرد اگر شما به جاهلیت قبل از اسلام برگردید به خدا ضرر نمی‌زنید (خود را بدبخت می‌کنید) خدا به زودی کسانی را که در دین پایدار و شکرگزارند پاداش می‌دهد (145) کسی جز به اذن خدا نمی‌میرد مدت عمر نزد خدا محفوظ است هر کس

محصول کار خود را در دنیا بخواهد به او می‌دهیم و کسی که در آخرت بخواهد به او می‌رسانیم ما شکر گذاران را پاداش می‌دهیم (146) چقدر زیاد پیغمبرانی بودند که خدا پرستان با آنها در راه خدا جنگیدند و در برابر دشمنان سستی به خود راه ندادند و ذلت سلطه دشمن را نپذیرفتند خدا صابران را دوست دارد (147) برابر حوادث گفته‌ای نداشتند جز اینکه بگویند خدایا از قصور و تقصیر ما در گذر ما را ثابت قدم بدار و بر کفار پیروز کن (148) خدا بهترین نتیجه صبر (پیروزی) را در دنیا و بهترین ثواب آخرت را به آنها داد خدا نکوکاران را دوست دارد (149) ای اهل ایمان اگر از کفار اطاعت کنید شما را از مسیر تکامل و تمدن اسلامی منحرف نموده به توحش می‌کشانند و به خسارت عقلی و روانی مبتلا می‌کنند. پاورقی 63 (150) در خط ایمان و اسلام مولای شما خدا است چه مولای خوبی و یاور خوبی که دارید (151) به همین زودی (در پی غلبه کفار در جنگ احد) آنها را به رعب و وحشت مبتلا می‌کنیم زیرا آنها بت‌ها را بدون حجت شریک خدا ساخته‌اند آخرین نتیجه زندگی آنها جهنم است چه محصول بدی است عاقبت کفار (152) خداوند در ابتدای جنگ احد به وعده خود که پیروزی

باشد و فاکرد ولی شما بعد از پیروزی در اطاعت سستی کردید بعضی دنیا خواستید و بعضی آخرت خدا فکر شما را از دشمن منصرف کرد تا خسارت نا فرمانی را ببینید با همه اینها خدا از تقصیر شما گذشت و دشمن را فرار داد لطف خدا شامل حال مومنین است (153) آن جا که بالای کوهها فرار کردید رسول خدا از پشت سر صدا میزد اجابت نکردید در نتیجه به شکست و غم و غصه مبتلا شدید تا به تقدیر خدا راضی شوید و به آنچه از دست شما رفته یا مصیبتی که به شما رسیده محزون نباشید خدا به اعمالتان آگاه است (154) پس از آن برای پیدایش امنیت خواب را بر مومنین مستولی کرد و منافقین که به خود اهمیت می دادند عقیده خلاف حق پیدا کردند جاهلانه گفتند که آیا خدا نظر لطفی به ما خواهد داشت. بگو مقدرات همه جا به دست خداست نفاق خود را مخفی می دارند می گویند اگر برحق بودیم کشته نمی شدیم بگو اگر قتل شما مقدر بود به خوابگاه شما می آمد این تقدیرات برای این است که آزمایش شوید و دل شما اهل ایمان از شك و شبهه پاک شود خدا به افکار شما عالم است . پاورقی 64 (155) کسانی که روز بر خورد دولشکر در

جنگ احد به طلب غنیمت، جنگ را رها کردند
شیطان آنها را لغزش داد بعد از فرار، خدا آنها را عفو
نمود خدا آمرزنده و مهربان است (156) ای اهل
ایمان شما مانند کفار نباشید که وقتی برادرانتان با
رسول خدا در جنگ شهید شدند گفتند اگر با ما بودند
به جنگ نمی رفتند کشته نمی شدند آری
خدا شهادت یا پیروزی شما را مایه حسرت آنها قرار
می دهد بگوئید موت و حیات به دست خداست خدا
به اعمال شما بصیر است (157) اگر در راه
خدا کشته شدید یا مردید رحمت و مغفرت خدا از مال
دنیا بهتر است (158) اگر مردید یا کشته شدید در
دایره ولایت خدا حاضر می شوید (159) از لطف و
رحمت خدا بود که با مردم نرمش پیدا کردی اگر خشن
و سخت دل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند از
آنها بگذر و برای آنها مغفرت بخواه در کارها با آنها
مشورت کن و چون تصمیم گرفتی به خدا توکل کن
خدا متوکل را دوست دارد (160) اگر خدا شما را یاری
کند کسی بر شما غلبه نمی کند و اگر شما را واگذار
کند چه کسی بعد از خدا شما را یاری می کند پس
اهل ایمان به خدا توکل کنند (161) هیچ پیغمبری
نباید به بیت المال خیانت کند هر کس به بیت المال

خیانت کند با همان خیانت در قیامت محشور می‌شود سپس نتیجه عمل هرکس به او می‌رسد به کسی ستم نمی‌شود (162) آیا کسی که در زندگی طالب رضای خداست مانند کسی است که مغضوب خدا واقع شده و جای او جهنم است چه بد عاقبتی است جهنم (163) شهدای راه خدا درجاتی نزد خدا دارند خدا به اهدافشان بصیر و بینا است (164) خدا براهل ایمان منت دارد که پیغمبری از خودشان برای آنها مبعوث کرد تا آیات خدا را بر آنها بخواند آنها را تزکیه نماید کتاب و حکمت به آنها تعلیم دهد هر چند که پیش از این در جهالت بودند (165) و امروز که در جنگ احد مصیبت دیده‌اید اعتراض می‌کنید باین که دو برابر شهدای احد به آنها مصیبت زده‌اید بگو مصیبت احد را خودتان ساختید (که فرمان رسول را در حفظ دره رعایت نکردید) خدا به هر کاری قادر است

(166) آن چه در جنگ احد روز ملاقات دو گروه به شما رسید به اذن خدا بود تا با این آزمایش مومنین شناخته شوند (167) و هم چنین منافقین شناخته شوند که وقتی مومنین به آنها گفتند اگر ایمان به خدا ندارید از خودتان دفاع کنید گفتند اگر این جنگ را

قبول داشتیم دفاع می‌کردیم آنها که جهاد راه خدا را قبول ندارند به کفر از ایمان نزدیکترند به زبان چیزی می‌گویند که عقیده ندارند خدا داناتر است به آنچه کتمان می‌کنند (168) منافقین همان‌ها بودند که از شرکت در میدان جنگ خودداری نمودند به برادران امثال خود گفتند اگر یاران ما از ما اطاعت می‌کردند کشته نمی‌شدند به آنها بگو اگر می‌توانید مرگ را از خودتان دفع کنید (169) خیال نکنید آنها که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند آنها زنده‌اند نزد خدا روزی می‌خورند (170) خوشحالند به آنچه از لطف خدا دریافت نموده‌اند و از مقدرات آیندگان که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند ذوق و شوق دارند که خوفی و غم و غصه‌ای نخواهند داشت (171) ذوق و شوقشان به این دلیل است که در شعاع لطف خدا وائمه‌اند لطف خدا شامل است خدا اجر نیکوکاران را ضایع نخواهد گذاشت (172) آنها رزمندگانی بودند که در جنگ احد دعوت خدا و رسول را با بدن مجروح اجابت کردند دشمن را تعقیب نمودند برای نیکوکاران و اهل تقوا از آنها اجری عظیم آماده شده است (173) همان رزمندگانی که وقتی مردم آنها را از کثرت

دشمن ترسانیدند ایمانشان زیاد ترشد گفتند خدا ما را کافی است بهترین وکیل بندگان خود است.

(174) آنها باین عقیده در سایه لطف خداقرار گرفتند سایه حکومتی که در آن بد و بلائی وجود ندارد تابع رضایت خدایند لطف خدا در باره آنها عظیم است (175) این شیطان است که دوستان خود را از جنگ و جهاد می ترساند شمامومنین اگر ایمان دارید از شیطان نترسید ازمن بترسید (176) آنها که برای پیشرفت کفر فعالیت دارند تورا ناراحت نکنند آنها نمی توانند به خدا و دین ضرری برسانند خدا می خواهد باین فعالیت آنها را از نعمت آخرت محروم کند عذابی درناک برای آنها مقدر است (177) کسانی که ایمان خود را به کفر می فروشند به خدا ضرری نمی رسانند عذابی الیم برای آنها مقدر است (178) کفار خیال نکنند مهلت و فرصتی که به آنها داده ایم به نفع آنها است بلکه تا گناهانشان زیادتر شود بیشتر خوار و ذلیل شوند (179) خداوند هرگز مومنین را در همین حال ابتدائی واگذار نمی کند مگر که بد را از خوب مشخص کند خدا مردم را برغیب عالم مطلع نمی کند ولیکن از پیغمبران آنکه را بخواهد آگاه می کند شما مردم به خدا و رسول ایمان آورید اگر

ایمان آوردید و تقوا پیشه نمودید اجری عظیم خواهید داشت (180) و کسانی که از خدمت به مردم مضایقه دارند خیال نکنند که بخل برای آنها بهتر است بلکه بدتر است به زودی مسئولیت مال حرام به گردنشان خواهد افتاد خدا وارث آسمانها و زمین است از اعمال آنها آگاه است. پاورقی 65 (181) خداوند اظهارات کسانی که خدا را فقیر و خود را غنی دانستند شنید و آن را ثبت کرد همین طور قتل پیغمبران که به ناحق آنها را کشتند به آنها می گوئیم بچشید عذاب جهنم را (182) این عذاب همان است که به دست خود ساخته اید خدا به بندگان ستم نمی کند. پاورقی 66 (183) همانها که به دروغ می گویند خدا با ما عهد بسته به هیچ پیغمبری ایمان نیاوریم مگر که قربانی او را آتش بسوزاند بگو پیغمبران پیش از من با همین قربانی و معجزات که گفتید آمدند چرا آنها را کشتید اگر راست می گوئید (184) اگر تورا تکذیب نمودند پیغمبران پیش از تو را هم تکذیب نمودند آنها با معجزات و کتابهای روشن ظاهر شدند (185) هرکسی مرگ را می چشد خدا اجر شمارا در قیامت به شما می رساند کسی که از آتش کنار کشیده شود داخل بهشت شود

سعادت‌مند است این زندگی دنیا نمایش خلاف حقیقت است (186) تا با این زرق و برق‌های دنیا، در جان و مالتان آزمایش شوید و برای حفظ دینتان از اهل کتاب که پیش از شما بوده‌اند و از مشرکین اذیت ببینید اگر در برابر اذیت‌ها صبر و تقوا پیشه کنید عزم و اراده شما استوار خواهد بود (187) خداوند با امت کتاب داران آسمانی خود پیمان بست که حقایق کتاب را برای مردم روشن کنند اما آنها عهد الهی را پشت سر انداختند و آن را به بهای اندک دنیا فروختند چه بد معامله‌ای که دین را به دنیا فروختند (188) خیال نکن کسانی که با اعمال دنیائی خود خوشحالند و بدون وظیفه شناسی دوست دارند مردم آنها را ستایش کنند از عذاب الهی برکنارند عذابی الیم در انتظار آنها است (189) ملک آسمان‌ها و زمین مال خدا است و خدا به هرکاری قادر است (این آیه که خدا خود را پادشاه آسمان‌ها می‌داند دلیل است که عوالم آسمان مانند زمین مسکونی است). پاورقی 67 (190) آفرینش آسمان‌ها و زمین و این همه تغییرات و اختلاف روز و شب در نظر خردمندان آیت قدرت الهی است (191) خردمندان کسانی هستند که در همه حال قیام و قعود و

درازکش به یاد خدایند در خلقت آسمانها و زمین فکر می‌کنند که‌ای خدا این خلقت عظیم باطل و عبث نیست تو منزهی از این که بدون هدف خلقی را خلق کنی ما را از آتش جهنم حفظ کن (192) پروردگارا تو هرکسی را به جهنم ببری رسوا می‌کنی برای ستم‌کاران یاوری نخواهد بود (193) پروردگارا ما از منادی حق دعوت تورا شنیدیم که دعوت به ایمان می‌کرد پروردگارا ما ایمان به تو آوردیم از گناهان ما درگذر نواقص وجودی ما را برطرف کن صفات و اخلاق بد ما را از وجود ما بزدای و ما را بانیکان بمیران (194) پروردگارا آن چه به وسیله پیغمبران وعده دادی به ما برسان روز قیامت ما را رسوا مکن تو هرگز خلف وعده نمی‌کنی (این آیه زبان حال مومن است) (195) خداوند دعوت آنها را اجابت نمود و فرمود من عمل هیچ عاملی را وحقی که بریگدیگر دارید مرد یازن ضایع نمی‌گذارم پس کسانی که بدی‌ها را رها می‌کنند از حاکمیت هوای نفس خارج شده به دایره ولایت خدا سفر می‌کنند و در این راه اذیت می‌شوند می‌جنگند و کشته می‌شوند صفات بد آنها را می‌زدایم و آنها را مجهز به علم و دانش می‌کنیم که از آن علم و دانش نهرهای نعمت ولذت جریان پیدا

می‌کند ثوابی است که از جانب خدا مقدر شده است خدابهترین ثواب را به بندگان خود می‌دهد (جنات عدن تجری من تحتها الانهار علم و قدرتی است که مومن به آن مجهز می‌شود و با آن هر چه بخواهد فراهم می‌شود مانند اراده خدا که معدن تمامی نعمت‌ها است) (196) تحولات و انقلابات کفار تورا فریفته نکند (مانند زرق و برق و صنایع) (197) این‌ها نمایش‌های محدودی است که عاقبت کار آنها جهنم است چه بد مهد تربیتی که دارند (198) ولیکن برای اهل تقوا موفقیت‌هایی پیدا می‌شود که مجرای نعمت‌ها و لذت‌ها است در آن موفقیت‌ها جاویدند آن چه خدا برای نیکان مقدر می‌کند بهتر است (199) بعضی اهل کتاب که ایمان به خدا و کتابی که بر شما نازل شده است می‌آورند در برابر خدا خاضع و خاشعند خدا و آیات او را به‌بهای اندک دنیا نمی‌فروشند اجرشان نزد خدا محفوظ است خدا سریع الحساب است (200) ای اهل ایمان صبر کنید و وادار به صبر نمائید و با امامتان رابطه داشته باشید و از نافرمانی خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید. پاورقی 68

سوره نساء

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) ای مردم در اطاعت پروردگارتان باشید خدایی که شما را از يك طینت آفرید و از همان طینت همسر او را خلق کرد و از آن دو نفر، زن و مرد بسیار منتشر ساخت از نافرمانی خدا و قطع رحم که خود را مسئول آن می‌دانید بپرهیزید خدا مراقب اعمال شما است (2) حقوق یتیمان را رعایت کنید مال پاك و ناپاك را با هم مخلوط ننمائید مال یتیم را بامال خود نخورید که گناه بزرگی است (3) اگر می‌توانید که نتوانید حقوق ایتام را رعایت کنید با آنها از دواج کنید دو تائی سه تائی چهار تائی و اگر از بی عدالتی می‌ترسید به يك همسر و یا کنیز اکتفا کنید مبادا عائله شما زیاد شود (کسی که یتیم داری می‌کرد طمع به مالکیت آنها داشت که باین طمع حق انسانی آنها هدر می‌شد خدا اجازه ازدواج

داد تا حق یتیمان حفظ شود). پاورقی 69 (4) مهر زنان را بارضایت کامل پردازید اگرخوش داشتند چیزی به شما ببخشند بپذیرید که بذل گوارائی است (5) مال و ثروتی که قیم آن هستید در اختیار سفها نگذارید نفقات آنها را برسانید درس زندگی به آنها بیاموزید تا به عقل کافی برسند (6) یتیمان را تا حد ازدواج آموزش دهید و آزمایش کنید اگر عقل زندگی پیدا کردند مالشان را به آنها بسپارید مبادا از فرصت پیش از بلوغ سوء استفاده نموده مالشان را تصرف نمایند اگر غنی هستید از حق کفالت بگذرید و اگر فقیر بودید مزد متعارف بگیرید وبعد از رشد عقلي ضمن شهادت شاهد مالشان را به آنها بسپارید گر چه خدا بهترین حسابگراست (7) زنان و مردان هرکدام از ماترك والدین و خویشاوندان بهره‌ای دارند کم باشد یا زیاد فرض الهی است لازم است به آنها برسد (8) هنگام تقسیم ارث که خویشاوندان و یتیمان و مساکین حاضر می‌شوند بهره‌ای به آنها برسانید و یا باگفته‌های خوب آنها را آرامش دهید (9) کسانی که از فقر فرزندان بعد از خود می‌ترسند ناتوانی دیگران را منظور کنند از خدا بترسند حکیمانه سخن بگویند (10) کسانی که به مال یتیمان تجاوز

می‌کنند بدانند که در واقع آتش می‌خورند (آنها به زودی از مسیر تجاوز به حقوق جهنم را خواهند ساخت زیرا که آخرین اسلحه ظالم آتش است) (11) خداوند در تقسیم ارث فرزندان به شما سفارش می‌کند که پسران دوبرابر دختران سهم می‌برند اگر وارث دونفر به بالا همه دختر بودند دوسوم به فرض اولیه می‌برند بقیه را به نسبت سهام و اگر وارث یک دختر بود یک دوم را به فرض اولیه می‌برد بقیه را به نسبت سهام پدر و مادر همراه اولاد هر کدام یک ششم می‌برند و بدون اولاد مادر یک سوم و اگر میت برادرانی دارد مادر یک ششم می‌برد حق وارث بعد از دین و وصیت است وارث، پدران باشند یا مادران شما نمی‌دانید نفع کدام یک برای شما بیشتر است این تقسیمات فریضه الهی است خدا عالم و حکیم است. پاورقی 70 (12) شما مردان از ما ترک همسر خود اگر فرزندی ندارد یک دوم می‌برید و اگر اولاد دارد یک چهارم و زنان شما از مال شما اگر اولاد ندارید یک چهارم و اگر اولاد دارید یک هشتم می‌برند این احکام بعد از وصیت یا اداء دین است و اگر وارث میت برادران و خواهران مادری هستند اگر یک نفرند یک ششم و اگر بیشترند یک سوم به طور مساوی تقسیم کنند

بقیه حق برادر و خواهر پدر و مادری و یاپدری است آن هم بعد از اداء دین و یا وصیتی که ضرری نباشد این احکام وصیت الهی است خدا دانا و حکیم است (13) این احکام حدود الهی است کسی که خدا و رسول را اطاعت کند خدا او را به بهشتی می‌برد که از آن نهرهای ثروت و نعمت جاری است در آن جاوید و مخلد است زندگی او در بی‌نهایت سعادت و موفقیت است (14) و کسی که فرمان خدا و رسول را نبرد و از حدود الهی تجاوز کند در جهنم حبس می‌شود عذابی توهین آمیز دارد (آخرین محصول ظلم و تجاوز آتش هسته‌ای است و این آتش بعد از انفجار ظالمانه در قیامت به خودشان برمی‌گردد) (15) از زنان شوهر دار شما هرکس مرتکب منافی عفت شود از چهار نفر شهادت بخواهید اگر شهادت دادند آنها را حبس ابد کنید مگر که خدا راه دیگری باز کند. پاورقی 71 (16) و اما زن و مرد بدون همسر را تعزیر کنید اگر اصلاح شدند آنها را آزاد کنید خدا توبه‌پذیر و مهربان است (حکم واقعی در سوره نور بیان شد) (17) توبه قابل قبول، توبه کسانی است که بعد از شعور گناه بلا فاصله توبه می‌کنند خدا توبه آنها را می‌پذیرد که حکیم و دانا است (18) ولیکن توبه کسی که تادم

مرگ اصرار به گناه دارد و با مشاهده مرگ می‌گویند توبه کردم و یاکسانی که به حال کفر می‌میرند توبه نیست که خدا آن را قبول کند در این خط گناه عذابي دردناك براي آنها مهيا است (19) اي اهل ايمان حلال نیست که به جبر و اکراه زنان را به ارث ببرید یا آنها را آزار دهید تا از مهر خود بگذرند مگر که مرتکب منافي عفت شوند که با شهادت چهار شاهد ثابت شده است بازنان خوش رفتار باشید اگر هم آنها را دوست نمی‌دارید چه بسا چیزی را که دوست نمی‌دارید ولي خدا در آنها برکت فراوان قرار دهد. پاورقي 72 (20) واگرهم تصمیم گرفتید زن دیگر بگیرید و برای زن اول انباني پراز سکه مهر کرده‌اید حق ندارید چیزی از آن کسر کنید مگر جایز است که با بهتان حق کسی را ضایع کنید (21) چطور مهر او را می‌گیرید با این که دوشیزگی و جوانی او را برده‌اید و عهد بسته‌اید که همسر او باشید (22) با همسر پدر خود ازدواج نکنید مگر آن چه در جاهلیت گذشته است این ازدواج فحشاء بوده باعث خشم خداوند است بد راهی است که حرمت پدر و مادر را می‌شکنید (23) ازدواج بامادران و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها برادرزاده و خواهرزاده و مادرانی که به شما شیر داده‌اند و

خواهران همشیر شما و مادر همسر حرام است و دختران همسری که با او نزدیکی نموده‌اید اگر نزدیکی نکرده‌اید مانعی ندارد و هم چنین همسر پسران که از صلب شمایند و جمع بین دوخواهر مگر این که خواهر اول رفته باشد خدا آمرزنده و مهربان است. پاورقی 73 (24) هم چنین ازدواج با زنان شوهر دار مگر کنیزان که ملك شمایند کتاب خدا ناظر اعمال است با غیرنامبردگان می‌توانید بعد از تعیین حق بهره برداری و کسب رضایت طبق قانون شرع ازدواج کنید که با پرداخت مال آنها را راضی کنید نه به‌طور نامشروع گر چه رضایت باشد اگر هم عقد انقطاعی بود حق آنها را بدهید خدا دانا و حکیم است (25) کسانی که قدرت مالی ندارند و نمی‌توانند با زن آزاد مومنه ازدواج کنند باکنیز مومنه ازدواج کنند خدا به‌ایمان شما نسبت به یکدیگر آگاه است پس کنیز را از مالکش خواستگاری نموده حق آنها را برسانید رضایت به‌کیفیت ازدواج باشد زنی که همسر دارد دوست خصوصی نگیرد کنیزان اگر منافی عفت مرتکب شدند با يك‌دوم عذاب آزادگان مجازات شوند ازدواج با کنیز حق کسی است که نمی‌تواند عزوبت را تحمل کند اگر صبر کند بهتر است خدا

آمرزنده و مهربان است (26) خداوند با این مقررات می‌خواهد شما را به علم و حکمت برساند راه و روش گذشتگان را به شما بیاموزد و از مسیر عمل به این مقررات رحمت خود را به شما برساند خدا دانا و حکیم است (27) خدا شما را در سایه لطف خود قرار می‌دهد اما شهوت پرستان است شمارگر می‌خواهند يك جا موجودیت شما را به یغما ببرند و يك سره بر شما بتازند. پاورقي 74 (28) خدا با این مقررات زندگی را بر شما آسان می‌کند زیرا انسان ضعیف آفریده شده توانائی بارکشی ندارد (29) ای اهل ایمان اموال خود را بین خود به باطل نخورید مگر از طریق تجارت و کسب رضایت و یکدیگر را نکشید که خدا با شما مهربان است (30) کسانی که ظالمانه مال و جان مردم را می‌برند از مسیر این اعمال آنها را وادار به جهنم سازی می‌کنیم و این کار برخدا آسان است (زیرا ظالم برای ادامه

ظلم عاقبت مسلح به سلاح آتشین می‌شود و این آتش ذخیره آخرت او است) (31) اگر از گناهان کبیره اجتناب کنید خدا بدی‌ها را از وجود شما می‌زداید و دريك زندگی کریمانه وارد می‌کند (32) اگر در بعضی نسبت به دیگران از نظر مالی و مقامی و چیزهای دیگر

برتری دیدید نگوئید کاش مثل او بودم مرد و زن هر يك برابر استعداد خود بهره‌ای دارند شما نیز از خدا بخواهید مثل آنها یا بهتر از آنها شمارا بهره‌مند کند خدا به هر چیزی دانا است (این‌آیه بهترین داروی مرض حسد است) (33) برای ما ترك هر يك از والدین و خویشاوندان به‌نزدیک‌تران آنها (34) مدیریت زندگی زنان با مردان است زیرا خدا قوت کار به‌آنها داده و مخارج زندگی را به‌عهده آنها گذاشته پس زنان شایسته ضمن رابطه با خدا در داخل زندگی با وظیفه شناسی و حفظ احکام الهی حافظ زندگی و آبروی خانواده باشند اگر شوهر ملاحظه کرد که همسرش به‌زندگی سرسنگین شده به‌جای دیگر علاقه دارد برای حفظ نظام ابتدا او را موعظه کند که نباید زندگی را متلاشی سازد اگر سودی نبخشید مدتی در خوابگاه با او قهرکند اگر فائده نداد با ضرباتی که دیه آور نباشد اورا تنبیه کند اگر سر به‌خط گذاشت کاری به او نداشته باشد خدا برتر و بزرگتر است (در تمام موارد بالا باید مرد بی‌عیب و بی‌گناه باشد اگر در اثر بد اخلاقی و آزار او را و دار به نشوز کند حق تنبیه ندارد) .پاورقی 75 (35) اگر جدایی آنها جدی است داورانی از طرفین کنار یکدیگر

بنشینند مشکل زندگی را حل کنند اگر طالب اصلاح باشند خدا قلب آنها را به هم الفت می‌دهد خدا عالم و آگاه است (36) خدا را بپرستید چیزی را شریک خدا نسازید به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مساکین و همسایه خویشاوند و غیر خویشاوند و رفیق راه مسافرت و درماندگان در راه و کنیز و غلام احسان کنید خدا متکبری را که به خود می‌نازد دوست نمی‌دارد (37) همان‌ها که از خدمت به دیگران بخل می‌کنند و دیگران را به بخل و می‌دارند فضیلت و نعمتی که خدا به آنها داده از دیگران کتمان می‌کنند ما برای آنها عذابی خوار کننده مهیا کرده‌ایم (38) کسانی هم که به ریاکاری مال خود را انفاق می‌کنند ایمان به خدا و آخرت نمی‌آورند مستحق عذابند کسی که شیطان را قرین خود می‌سازد بداند که قرین بدی دارد (39) چه می‌شود اگر ایمان به خدا و آخرت بیاورند و به منظور جلب رضایت و اجر آخرت فعالیت کنند و از آنچه خدا به آنها داده انفاق نمایند خدا به اعمال آنها آگاه است (40) خداوند برابر وزن ذره‌ای ستم نمی‌کند و اگر آن ذره نکوکاری باشد چند برابر اجر می‌دهد و در انتها اجری عظیم به آنها مرحمت می‌کند (در این صورت مالک ثروت خدایند)

(41) زمانی که ما از هر امتی الگویی حق بیاوریم و تورا هم الگویی صالح مسلمانانها آیا آنها فکرمی کنند که در برابر این الگوهای حق چه وضعی دارند (اولیاء خدا ترازوهایی حق وعدالتند) (42) در برابر این شاهدان حق کافران و معصیت کاران چنان رسوا می‌شوند که دوست دارند به زمین فرو روند زیرا نمی‌توانند وضعیت بد خود را از کسی پنهان دارند (43) ای اهل ایمان در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گوئید و در حال جنابت پیش از غسل به مسجد نروید مگر در حال عبور و اگر مریض یا در مسافرت بودید به دست شوئی رفته یا با همسر خود نزدیک شدید و نتوانستید از آب استفاده کنید تیمم بگیرید باغباری از سطح زمین صورت و دست خود را مسح کنید با این عمل خدا آلودگی گناه را برطرف نموده شما را تکامل می‌دهد (44) در حال اهل کتاب مطالعه کنید با این که بهره‌ای از کتاب آسمانی دارند ضلالت را به جای هدایت می‌خرند و سعی می‌کنند مسلمانان را گمراه کنند (45) اما نترسید خدا دشمنان شما را بهتر می‌شناسد کافی است که ولی و یاور شما باشد (46) بعضی یهودیان عبارات کتاب و یا احکام آن را تغییر می‌دهند می‌شنوند و نافرمانی می‌کنند

به مسخره می‌گویند چیزهای نشنیده بشنوید دهن کجی می‌کنند که ای رسول خدا ما را رعایت کن اگر مودبانه بگویند بچشم یار رسول الله شنیدیم و اطاعت کردیم بما توجه کن بهتر بود در زندگی دوام و قوام پیدا می‌کردند و لیکن به سبب کفر و کفران لعنت خدا آنها را فرا گرفت به جز عده کمی ایمان نمی‌آورند. پاورقی 76 (47) ای اهل کتاب (پیش از آن که صورت انسانی شمارا محو کنیم و به حیوانیت برگردانیم) به این قرآن که دین شمارا تصدیق می‌کند ایمان بیاورید شما دیدید که گناهکاران روز شنبه چگونه مسخ شدند بدانید که فرمان خدا در وقت مناسب واقع شدنی است (48) مشرک از توفیق الهی بهره نمی‌برد ولی خدا اگر بخواهد سایر گناهکاران را توفیق

توبه می‌دهد (زیرا مشرک راه رابطه با خدا را بسته است) کسی که خلق را به جای خالق می‌پرستد گناه بزرگی مرتکب شده است. پاورقی 77 (49) بعضی را بین چگونه خود را تعریف می‌کنند فقط خدا است که مقام هرکسی را بخواهد بالا می‌برد به کسانی که مستحق مقامند ذره‌ئی ستم نمی‌شود (50) بین چگونه به خدا دروغ می‌بندند که خود را بالا و والا

می‌دانند (مدعی امامت می‌شوند) دروغ بزرگترین گناه است (51) بین عده‌ای از اهل کتاب که بهره‌ای از کتاب خدا دارند چقدر بی‌انصافند به بت‌های جبت و طاغوت ایمان می‌آورند می‌گویند بت پرستان از مومنین بهتر هدایت شده‌اند (52) لعنت خدا آنها را فراگرفت که بت پرستی را بر دین آسمانی خود ترجیح دادند کسی را که خدا لعنت کند یاری ندارد (53) با چنین انحرافی چطور ممکن است بهره‌ای از پادشاهی داشته باشند که برابر دانه خرمائی به مردم کمک نخواهند کرد (54) آنها به آل ابراهیم و آل محمد حسودی می‌کنند که چرا خدا لطف و رحمت خود را به آنها داده است بگو بسوزید خدا به آنها کتاب و حکمت داده و سلطنتی عظیم برای آنها مقدر فرموده است. پاورقی 78 (55) بعضی به این سلطنت ایمان می‌آورند و بعضی افکار مردم را از آن باز می‌دارند برای آنها آتش جهنم کافی است (56) کسانی که کافر به آیات مامی شوند بدانند که به همین زودی آتش جهنم را به دست خودشان روشن خواهیم کرد که هر وقت پوست بدنشان پخته شود پوست دیگری به جای آن می‌روید تازنده باشند معذب شوند (57) و اما آنها که اهل ایمان و عمل

شایسته‌اند به‌زودی آنها را وارد بهشت‌هایی می‌کنیم که از آن نهرهای نعمت و ثروت جریان دارد (یعنی قدرت ارادی که با آن هرچه بخواهند می‌شود) در آن بهشت همسرانی پاک و پاکیزه در سایه حکومت گوارای خداوند متعال دارند (58) خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش برگردانید و در حقوق مردم عادلانه قضاوت کنید چقدر خدا خوب شمارا موعظه می‌کند خدا شنوا و دانا است (59) ای اهل ایمان از خدا و رسول و فرمان داران خود اطاعت کنید و اگر در حکمی اختلاف پیدا کردید به خدا و رسول مراجعه کنید اگر ایمان به خدا و آخرت دارید ارجاع حکم به خدا و رسول بهترین راه و بهترین تفسیر است (60) بعضی مسلمانان که خیال می‌کنند به آنچه بر تو و پیغمبران قبل نازل شده ایمان دارند حکومت‌های طاغوتی را مرجع خود قرار می‌دهند باین که مامورند کافر به آنها باشند شیطان آنها را به گمراهی دور می‌کشد (که حقیقت ندانند و نجویند) (61) اگر به آنها گفته شود هوای نفس را رها کنید از خدا و رسول اطاعت نمائید خواهی دید که منافقین ناراحت شده مردم را از خدا و رسول باز می‌دارند (62) چطور است حال آنها اگر در اثر این

مخالفت‌ها مصیبت بزرگی آنها را فراگیرد در این صورت به تو مراجعه می‌کنند عذر خواهی می‌کنند که نظر ما از آن اعمال احسان و خدمت بود (63) خدا به این تظاهرات خلاف حقیقت آگاه است از آنها اعراض کن و آنها را موعظه کن گفتار حکیمانه خود را به آنها ابلاغ کن تاحجت تمام شود (64) ما هیچ پیغمبری را نفرستادیم جز این که باید به‌اذن خدا حاکم باشد اگر آنها که به‌خود ستم کردند بعد از نافرمانی به‌سوی تو آیند و استغفار کنند رسول خدا هم برای آنها استغفار کند خواهند دانست که خداتوبه‌پذیر و مهربان است (برای این که در دایره ولایت رسول توبه قبول می‌شود) (65) نه والله ایمان به خدا نمی‌آورند مگر این که تورا در اختلافات خود حاکم کنند در این صورت چاره‌ای جز قبول حکومت تو ندارند و قهراً تسلیم می‌شوند (66) اگر آنها را ملزم کنیم که هوای نفس خود را بکشید و یا از دایره فکر باطل خود خارج شده به‌دایره حق بروید به‌جز عده کمی اطاعت نمی‌کنند با این که اگر از موعظه‌ها پیروی کنند بهتر است عمل به دستورات آنها را ثابت نگه می‌دارد (67) در این صورت اجر بزرگی به آنها خواهیم داد (68) و آنها را به‌راه راست هدایت خواهیم کرد (راه راست

ولایت خدا است) (69) کسی که از خدا و رسول اطاعت کند با کسانی محشور می‌شود که از نعمت ولایت خدا بهره‌مند شده‌اند با پیغمبران و صدیقین و شهدا و صالحین چه دوستان و رفقای خوبی که دارند (70) حشر با آنها لطف خدا است کافی است که خدا عالم به اجر بندگان است (71) ای اهل ایمان همیشه از دشمنان برحذر باشید آمادگی جنگی داشته باشید خواه همه باهم بجنگید یا گروه گروه (72) بعضی از شما از شرکت در جنگ سستی می‌کنند در انتظارند که اگر مصیبت شکست به شما برسد بگویند لطف خدا شامل حال ما شد که با آنها نبودیم (73) و اگر پیروز شدید غمناک می‌شوند مثل اینکه رابطه انسانی با شما ندارند بلکه فقط رابطه مالی می‌گویند کاش با آنها بودیم به سعادت غنیمت می‌رسیدیم (74) پس باید در راه خدا بجنگید با کسانی که آخرت را به دنیا می‌فروشند کسی که در راه خدا بجنگد کشته شود یا پیروز شود به اجری عظیم خواهد رسید (75) شمارا چه شده که در راه خدا نمی‌جنگید با این که مستضعفین از مردان و زنان و فرزندان زیر سلطه مستکبرین دادشان بلند است که ای خدا ما را از سلطه مستکبران آزاد

کن و از جانب خود برای ماحاکم عادل‌ی معین فرما که ماریاری کند (76) اهل ایمان در راه خدا می‌جنگند تا ولی خدا را به حکومت برسانند و کفار می‌جنگند تا طاغوتی را به کرسی بنشانند شما اهل ایمان با لشکریان شیطان بجنگید که مکر شیطان ضعیف و ناپایدار است (77) تو در حال بعضی اعتراض گران فکر کن که وقتی از جانب رهبر فرمانی برمتار که جنگ صادر می‌شود که امروز به نماز و خدمات مشغول باشید اعتراض می‌کنند و زمانی که فرمان جنگ صادر می‌شود از مردم چنان می‌ترسند که باید از خدا بترسند و یا این که کفار را مهم‌تر می‌دانند اعتراض می‌کنند که چرا در این زمان فرمان جنگ دادید لازم بود مدتی به تاخیر بیندازید به آنها بگو دنیا ارزش ندارد آخرت برای اهل تقوا بهتر است (78) به آنها بگو هر جا باشید گرچه در برج‌های محکم مرگ شمارا فرا می‌گیرد اگر نعمت و ثروتی نصیب آنها شود می‌گویند به دست خدا به ما رسید و اگر شکست و ضرری به آنها برسد می‌گویند به دست رهبر بگو تمامی حوادث به دست خدا است چه مردمی هستند که نمی‌توانند حوادث را ریشه‌یابی کنند (79) آری آن چه برکت به شما می‌رسد به دست خدا است و آن چه

شر و بلااست به دست خودتان تو رسول خدایی آگاهی خدا به اوضاع و احوال مردم کفایت می کند (80) هرکسی از رسول خدا اطاعت کند از خدا اطاعت نموده و هرکس به خود رای می گراید تو مامور نیستی آنها را از عذاب مقدر حفظ کنی (81) هنگام رویارویی تظاهر به اطاعت دارند و در مجالس خلوت شبانه عده ای از آنها خلاف آنچه گفته اند می گویند خدا گفتگوی شبانه آنها را ثبت می کند به آنها اعتنا نکن توکل به خدا داشته باش کافی است که خدا وکیل تو باشد (82) چرا در آیات خدا فکر نمی کنند که اگر این آیات از غیر خدا بود اختلافات بسیاری در آن پیدا می شد (83) وقتی که اسراری راجع به صلح یا جنگ بشنوند این طرف آن طرف شهرت می دهند با این که آن چه می شنوند اگر به رسول خدا و فرمانداران مراجعه دهند آنها صحت و سقم آن گزارشات را کاملاً می دانند اگر لطف خدا شامل حال شما نشود به جز عده کمی همه شما از شیاطین پیروی می کردید (84) با کفار در راه خدا بجنگ به جز خودت کسی مکلف به جنگ نیست مومنین راهم به جهاد و قتال تشویق کن شاید خدا سورت کفار را بشکند شر آنها را از شما باز دارد غضب خدا

شدیدتر و عذاب او سخت‌تر است (85) هرکس سنت خوبی را رواج دهد بهره آن را می‌برد و هرکس سنت بدی را رواج دهد مسئولیت آن را به‌عهده دارد خدا منزّه است هر عملی را مراقبت دارد (86) اگر کسی با هدیه‌ای یا سلامی به‌شما اظهار محبت کرد شما نیز مثل او یا بهتر از او اظهار محبت کنید خداوند حسابگر اعمال شما می‌باشد (87) خداکسی است که به‌جز او خدائی نیست همه شما را به‌سوی قیامت جمع می‌کند شکی در قیامت نیست چه حدیثی از اخبار خدا بیشتر مطابق واقع است (88) چرا قضاوت شما درباره منافقین مختلف است خدا آنها را به‌دلیل نفاق هلاک نموده است شما با این طرفداری می‌خواهید کسی را هدایت کنید که خدا او را گمراه نموده است کسی را که خدا گمراه کند هدایت نخواهد شد (89) آنها دوست دارند شما را مانند خود به‌کفر بکشانند هیچ وقت دوستی آنها را نپذیرید مگر این که به‌سوی خدا هجرت کنند اگر از دین خدا اعراض کردند هرچا آنها را شناختید بکشید سرپرستی آنها را نپذیرید و از آنها نصرت نطلبید (90) مگر این که به‌اقوامی پناهنده شوند که با شما پیمان بسته‌اند یا به شما اظهار کنند که

حوصله ما از جنگ سر آمده نمی‌توانیم همراه شما با اقوام خود بجنگیم اگر خدا بخواهد آنها را بر شما مسلط می‌کند پس اگر آنها از شما کنار کشیدند که نجنگند و اعلام نمودند که طالب صلحند خدا جنگ با آنها را اجازه نداده است (91) و از آنها طایفه‌ای هستند که دوست دارند شما و آنها در امن و امان باشید و لیکن ثبات و استقامت ندارند جذب فتنه‌ها می‌شوند به‌هلاکت کفر مبتلا می‌گردند آنها اگر از شما کنار نکشیدند طالب صلح نبودند هر جا آنها را شناختید بکشید خدا شمارا بر آنها حجت و حاکمیت داده است (92) *یک مومن حق ندارد مومنی را بکشد مگر که به‌خطا باشد که به‌کفاره قتل باید برده‌ای را آزاد کنید (دیه لازم نیست) و اگر مومن مقتول از طایفه‌ای باشد که با شما پیمان متارکه جنگ دارند دیه قتل را بدهید برده مومنی هم آزاد کنید اگر برده نبود دو ماه پشت هم روزه بگیرید لطف خدا شمارا می‌گیرد خدا عالم و حکیم است (93) اما اگر کسی مومنی را به عمد و عناد بکشد سزای او جهنم ابدی است غضب و لعنت خدا او را می‌گیرد عذابی شدید برای او آماده است (94) ای اهل ایمان وقتی که مسافرید و در راه خدا با کسی رو برو می‌شوید*

در حال او تحقیق کنید اگر سالم برخورد نمود به خاطر دنیا طلبی او را متهم به عدم ایمان نکنید غنیمت و ثروت او را نبرید ثروت نزد خدا زیاد است در ایام گذشته بدون تحقیق کسی را کشتید لطف خدا شامل حال شما شد (که دین صلح و صفا آمد) خدا به اعمال شما آگاه است. پاورقی 79 (95) مومنی که بدون ضرر و مرض از جنگ باز می نشیند بامومنی که در راه خدا با جان و مال خود می جنگد مساوی نیستند خداوند مومنین مجاهد بامال و جان را بر باز نشستگان از جهاد به درجاتی برتری داده است گرچه به تمامی اهل ایمان وعده نیک می دهد ولیکن با اجر عظیمی مجاهدین را بر باز نشستگان فضیلت داده است. پاورقی 80 (96) آن درجات مغفرت و رحمت است خداوند درجات بخش و مهربان است (درجات از شفاعت پیدا می شود مغفرت پوشش های تکاملی است. خدا به شهید روحیه و استعداد و اجازه شفاعت می دهد) (97) کسانی را که فرشتگان با پرونده سیاه قبض روح می کنند به آنها می گویند با این سیاه روئی کجا بودید می گویند ببخشید در جو فساد، قدرت ترک گناه نداشتیم می گویند مگر زمین وسعت نداشت که از فساد هجرت کنید عذر بدتر از

گناه آنها قبول نمی‌شود جایشان جهنم است (98) مگر مردان و زنان و فرزندان که حقیقتاً مستضعف بودند توانائی و دانائی هجرت نداشتند و راه به جایی نبردند (99) عذر آنها پذیرفته می‌شود شاید خداوند از گناه آنها بگذرد خداوند آمرزنده و مهربان است (100) هرکس از جو فساد به مکتب خدا و رسول هجرت کند ممکن است در مضیقه و یا وسعت قرار گیرد و هرکس در خط هجرت به دین خدا بمیرد اجرش محفوظ است خدا آمرزنده و مهربان است (101) وقتی که به جنگ یا مسافرت می‌روید مانعی ندارد که نماز خود را کوتاه بخوانید البته در صورتی که از کمین گیری کفار و یا دزد و درنده می‌ترسید آنها دشمن شمایند (102) و زمانی که خودت یا فرمانده، همراه سربازان بودید برای نماز دو گروه شوید گروهی با اسلحه اقتدا کنند و گروه دیگر مقابل دشمن گروه اول بعد از سجده فرادا بخوانند و بعد از سلام جای گروه دوم بروند و آنها با سلاح خود به رکوع دوم اقتدا کنند بقیه را فرادی بخوانند و بعد باهم با دشمن بجنگند، دشمن دوست دارد شما را غافل گیر کند و به ناگاه بتازد و اگر گرفتار باران و یا مرض شدید مانعی ندارد سلاح را بگذارید ولی بر حذر باشید خداوند برای

کفار عذاب‌ی خوارکننده مهیا کرده است. پاورقی 81 (103) بعد از نماز همه با هم بجنگید دائم به یاد خدا باشید در قیام و قعود و درازکش ذکر خدا بگوئید و بعد از متارکه جنگ نماز را متعارف بخوانید نماز در اوقات معین مانند مطالعه کتاب است (104) در تعقیب دشمن و رویارویی با آنها سستی نشان ندهید با صلابت و شجاعت باشید شما اگر مجروح شدید آنها هم مجروح شدند ولی شما به لطف خدا امیدوارید و آنها نیستند که می‌دانند ظالمند خدا علیم و حکیم است (105) ما این قرآن را به حق نازل کردیم تا آن طور که خدابه تویاد می‌دهد میان مردم قضاوت کنی هرگز از خیانت کاران دفاع مکن (106) از خدا مغفرت بخواه که خدا تکامل دهنده و مهربان است (مغفرت خواهی به معنای طلب رفع نواقص وجودی است) (107) از حق کسانی که به خود خیانت می‌کنند دفاع مکن خداوند خیانت کاران را دوست نمی‌دارد. پاورقی 82 (108) گناه خود را از مردم پنهان می‌دارند از آنها خجالت می‌کشند و از خدا حیا نمی‌کنند با این که خدا در آن مجالس سری با آنهاست و از توطئه آنها با خبر است خدابه همه کس و همه چیز محیط است (109) شما

مومنین که در دنیا از آنها دفاع می‌کنید چه کسی روز قیامت از آنها دفاع می‌کند یا چه کسی وکیل مدافع آنها می‌شود (110) کسی که گناهی مرتکب می‌شود به خود ستم می‌کند اگر از خدا مغفرت بخواهد خدا را آمرزنده و مهر بان خواهد شناخت (برای نجات از عوارض گناه راهی بجز توبه وجود ندارد) (111) کسی که مرتکب گناه می‌شود به خود ستم می‌کند خدا عالم و حکیم است (112) کسی که مرتکب گناه شود و دیگری را به گناه خود متهم کند دو مسئولیت بهتان و گناه متحمل می‌شود (هم گناه و هم تهمت) (113) اگر لطف خدا با تو نباشد و تو را حفظ نکند گمراهان همت کردند تو را گمراه کنند آنها خود را گمراه می‌کنند نمی‌توانند ضرری به تو و یا دین تو وارد کنند خدا کتاب و حکمت به تو داده آن چه ندانستی به تو تعلیم داده لطف خدا برای تو بزرگ است (114) در این راز و نجواها و توطئه‌ها خیری نیست مگر این که به خدمات و انفاقات سفارش کنند و یا اصلاح و صلاح زندگی را در نظر گیرند کسانی که در طلب رضای خدامجالس خود را به اصلاح می‌گذرانند اجر بزرگی خواهند داشت. پاورقی 83 (115) کسانی که بعد از وضوح حقانیت

رسول خدا او را زحمت می‌دهند و به‌راهی غیر راه مومنین می‌روند ما آنها را ملزم به تبعات بی‌راهه روی نموده و به‌سوی آتش می‌کشانیم چه بدراهی است راه جهنم (116) خدا از گناه شرك نمی‌گذرد و غیر این گناه هرچه باشد می‌گذرد کسی که مخلوقی را به‌جای خالق بپرستد زیاد ازجاده حق به‌دور افتاده است (عدم نجات مشرك ازباب نشدن است نه نکردن) (117) دراطاعت شیاطین استثماریگر نباش که تمام همشان شهوت و شکم و اطاعت شیاطین است (چطور ممکن است تربیت پیداکنند) (118) خداشیطان را لعنت کرد که گفت تمام بندگانت را به‌راه خود می‌برم (119) آنها را گمراه می‌کنم به آرزوهای دراز می‌کشانم و ادارشان می‌کنم با مارك شیطانی ظاهر شوند خلق تورا تغییر دهند هرکس شیطان را رهبر خود سازد به‌خسارت بزرگی افتاده است (120) شیاطین استثماریگر باغ سبز به‌آنها نشان می‌دهند به آرزوهای دراز می‌کشانند وعده‌های شیاطین به‌جز غرور و فریب چیزی نیست (121) جای این فریب خوردگان و رؤسای آنها جهنم است محاصره می‌شوند و راه فرار ندارند (122) ما اهل ایمان و عمل

صالح رابه علم و قدرتی مجهز می‌کنیم که از آن ثروت و نعمت مانند نهر جریان پیدا می‌کند در این زندگی جاویدند و عده خدا حق است چه کسی از خدا راستگوتر است (جنات تجری را از حدیث نافله بشناسید که فرمود لایزال یتقرب) (123) این طور نیست که شما مسلمانان و اهل کتاب عقیده دارید (که ما به گناه مجازات نمی‌شویم) هرکسی به نتایج گناه خود مجازات می‌شود و جز خدا سرپرست و یآوری برای او نیست. پاورقی 84 (124) هر زن و مردی که اهل ایمان و عمل صالح باشند داخل زندگی بهشتی می‌شوند ذره‌ای به آنها ستم نمی‌شود (125) دین چه کسی بهتر است از دین کسی که خود را تسلیم خدا می‌کند نیکوکار و خدمت‌گذار به مردم است و از دین مترقی ابراهیم پیروی می‌کند خداوند ابراهیم را به عنوان خلیل انتخاب نمود (126) به خدا مربوط شوید که هرچه هست در آسمان و زمین مال او است و خدا به همه چیز محیط است (127) حکم خدا را در باره حقوق زنان مطالبه می‌کنند بگو خدا درباره حق آنها فتوا می‌دهد (آیه دوم این سوره راجع به دختران یتیمی که حق آنها را نداده‌اند و می‌خواهند با آنها ازدواج

کنند، تلاوت شد) و هم در با ره حقوق مستضعفان و کودکان و دختران یتیمی که بدون رعایت حق آنها دوست دارید با آنها ازدواج کنید توصیه شد که قسط و عدالت را در باره آنها رعایت کنید هر عمل خیری انجام دهید خدا آگاه است (128) اگر زنی از شوهر خود بی‌اعتنائی به زندگی احساس نمود مانعی ندارد با مراجعه به شوراهای خانوادگی یا مراجع قانونی شوهر را وادار به تسلیم مقررات کند اصلاح زندگی از جدائی بهتر است نفوس انسانها خود گرا و خود رای است اگر زن و شوهر و همه مردم به یکدیگر احسان کنند بهتر است خدا به اعمال شما آگاه است. پاورقی 85 (129) شما شوهران هرگز نمی‌توانید بین زنان عدالت بر قرار کنید گرچه حریص به عدالت باشید پس خود سرانه در پی زن دیگر نباشید که زن اول را از حقوق محروم کنید شما زن و شوهر تقوا پیشه کنید و زندگی را اصلاح نمائید خدا مهربان است به شما توفیق می‌دهد (130) اگر هم زن و شوهر از یکدیگر جدا شدند خدا به سعه رحمت خود هر کدام را اداره می‌کند او گشایش‌گر و حکیم است (131) هر چه هست در عوالم آسمانها و زمین مال خدا است ما به شما مسلمانان و اهل

کتاب پیش از این توصیه نمودیم که تقوا پیشه کنید و اگر هم کافر به خدا شدند بدانند که از دایره قدرت او خارج نمی شوند هرچا و هرچه هست در آسمانها و زمین مال خدا است خدا بی نیاز و پسندیده است (132) بگو که در عوالم آسمان و زمین هرچه هست ملك خداست کافی است وکیل بندگان خود باشد (133) اگر بخواهد شما مردم را می برد و دیگران را به جای شما می آورد خدا براین کار قادر است (134) هرکس زندگی دنیا را می خواهد بداند که زندگی دنیا و آخرت به دست خداست خدا شنوا و دانا است (135) ای اهل ایمان همه جا و همه وقت برای عدالت قیام داشته باشید به حق گواهی دهید گرچه به ضرر شما و خویشاوندان باشد اگر آنها فقیر و یا غنی باشند خدا به حال آنها اولی است (زیرا عدالت بزرگترین ثروت آنهاست) مبادا به خاطر خود رایی از عدالت منصرف شوید اگر زبان بچرخانید و یا اعراض کنید خدابه اعمالتان آگاه است (136) ای اهل ایمان به خدا و رسول و کتابی که بر او نازل شده و کتابی که پیش از این نازل شده ایمان بیاورید کسانی که به خدا و فرشتگان و پیغمبران و کتاب خدا و روز قیامت کافر می شوند بدانند که زیاد از سعادت

به دور افتاده‌اند (137) کسانی که ایمان می‌آورند و بعد کافر می‌شوند باز ایمان می‌آورند و کافر می‌شوند و برکفر خود می‌افزایند خدا هرگز به آنها رشد و استعداد نمی‌دهد و به راه نجات هدایت نمی‌کند (که طالب هدایت نیستند). پاورقی 86 (138) به منافقین مژدگانی بده که عاقبت به عذابی بزرگ معذب خواهند شد (139) همان‌ها که به دایره ولایت کفار می‌روند می‌خواهند به وسیله آنها به عزت برسند نمی‌دانند که تمامی عزت‌ها به دست خدا است (140) برای شما مسلمانان در کتاب خود روشن کردیم که وقتی مشاهده کردید کفار در محفلی کافر به آیات شده آن را به مسخره گرفته‌اند با آنها بنشینید تا مگر وارد بحث دیگری شوند اگر با آنها بنشینید از آنها شناخته می‌شوید خداوند کفار و منافقین را به آتش جهنم خواهد کشانید (141) کفار و منافقین همان‌ها هستند که دائم در انتظارند اگر پیروزی نصیب شما شود فوری سرمی‌کشند که باشما بودیم و اگر کفار پیروز شوند می‌گویند ما بودیم که در خلوت به نفع شما کار کردیم و مومنین را از جنگ باز داشتیم خدا روز قیامت بین آنها قضاوت می‌کند خدا هرگز کفار را بر مومنین حاکمیت نمی‌

دهد (142) منافقین به عقیده خود خدا را می فریبند بلکه خدا آنها را می فریبد (خدعه را به خودشان بر می گرداند) در حال کسالت برای نماز قیام می کنند دینشان را به مردم نمایش می دهند خیلی کم به یاد خدا هستند (143) بین دو گروه مومن و کافر بسیار طبیعت مگس می پرند خود پرستند به هیچ گروهی وابستگی ندارند کسی را که خدا گمراه کند راهی برای او پیدا نیست. پاورقی 87 (144) ای اهل ایمان کفار را به دوستی و سرپرستی نپذیرید فقط با اهل ایمان باشید مبادا نزد خدا محکومیت پیدا کنید (145) منافقین در پائین ترین درک جهنمند (که به کافر و مومن خیانت می کنند) هرگز برای آنها یارو یاور پیدا نیست. پاورقی 88 (146) مگر آنها که توبه کنند عمل خود را اصلاح نمایند به خدا متوسل شوند و دین خود را برای خدا خالص کنند با چنین او صافی با مومنین محشور می شوند خداوند به مومنین اجری عظیم خواهد داد (147) شما اگر نعمت خدا را منظور بدارید و ایمان بیاورید چرا خدا شما را عذاب کند بلکه اطاعت شما را منظور می دارد او کاملاً به حال شما آگاه است (148) خداوند تظاهر به اعمال بد را دوست

نمی‌دارد مگر شکایت مظلوم علیه ظالم خدا شنوا و دانا است. پاورقی 89 (149) اگر اعمال نیک خود را آشکار یا مخفی دارید از بدی بدکاران بگذرید خدا توانا است از گناه شما می‌گذرد (150) کسانی که کافر به خدا و رسول می‌شوند و می‌خواهند بین خدا و رسول جدائی بیندازند می‌گویند بعضی احکام را قبول داریم و بعضی را نه می‌خواهند راهی به جز راه خدا برای خود ترسیم کنند (151) آنها حقیقتاً کافرند و ما برای کفار عذابی خوار کننده مهیا کرده‌ایم (152) و اما کسانی که به خدا و پیغمبران ایمان می‌آورند و رسولان را از هم جدا نمی‌دانند به زودی پاداش بزرگی به آنها خواهیم داد خدا آمرزنده و مهربان است (153) اگر جسورانه از تو خواهش می‌کنند که خدا کتابی بر آنها نازل کند پیش از این از موسی جسورانه‌تر خواهش کردند که خدا خود را به ما نشان دهد ما به سزای این سؤال جسورانه صاعقه بر آنها نازل کردیم و آنها بعد از آن همه معجزات گوساله را پرستیدند ما از آن گناه بزرگ گذشتیم و به موسی قدرت و سلطنت دادیم (154) طبق عهد و پیمانی که از آنها گرفتیم کوه طور (یعنی تورات را) بر آنها حاکمیت دادیم و دستور دادیم که از در ورودی دین به حال

سجده وارد شوید و قانون شنبه را رعایت کنید از آنها بر حفظ این مقررات پیمانی محکم گرفتیم (155) بعد از آن به خاطر نقض این پیمان و کفر به آیات خدا و قتل پیغمبران و بهانه جوئی که دل ما درغلاف است نمی فهمیم ندانستند که کفر پرده قلب آنها شده به جز عده کمی ایمان نمی آورند (156) وهم چنین کافربه حضرت عیسی شدند تهمت بزرگی به حضرت مریم زدند (157) و گفتند که ما عیسی را کشتیم با این که نه او را کشتند و نه هم به دار زدند بلکه بر آنها مشته شد (یهودای اسخریوتی را به جای او گرفتند) به یقین ندانستند که کشته اند. پاورقی 90 (158) بلکه خدا او را به فضایی فوق افکار بالا برد خدا غالب و حکیم است (159) اهل کتاب بدون استثنا پیش از مرگ به عیسی ایمان می آورند و عیسی در قیامت شاهد ایمان آنها خواهد بود (160) مابه کیفر ظلم یهودیان که مردم را از راه خدا باز داشتند بعضی نعمت های حلال خود را بر آنها حرام کردیم (161) و هم چنین ربا خواری داشتند با این که در کتاب خود از ربا نهی شده بودند مال مردم رابه باطل می خوردند ما برای کفار از آنها عذاب بزرگی مهیا کرده ایم (162) اما یهودیانی که پایه

ومایه علمی دارند و یهودیانی که به کتاب تو و کتابی که بر پیغمبران قبل از تو نازل شده ایمان می آورند نماز اقامه می کنند زکات می دهند ایمان به خدا و قیامت دارند برای آنها اجر بزرگی آماده نموده ایم (163) ماچنان که دین و کتاب را به تو وحی کردیم به نوح و پیغمبران بعد از او و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم و به داوود کتاب زبور دادیم (164) هم چنین به پیغمبرانی که داستان آنها را به تو وحی نمودیم و پیغمبرانی که گزارش ندادیم و مابه طرز بی سابقه ای با موسی تکلم نمودیم (165) پیغمبرانی که مردم را به نتایج عمل خیر مژده دادند و از عمل شر ترسانیدند که مبادا مردم بعد از پیغمبران بر خدا حجت پیدا کنند (که خدا ما را هدایت نکرد) خدا غالب و حکیم است (166) خدا گواهی می دهد که قرآن را به علم خود بر تو نازل کرد فرشتگان هم شهادت می دهند گرچه شهادت خدا کافی است (167) کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا باز داشتند خیلی زیاد از راه خدا به دور افتاده اند (168) کسانی که کافر شدند و به بندگان خدا ستم کردند هرگز آنها را نمی آمرزد و

به راه راست هدایت نمی‌کند (169) مگر به راه جهنم که در آن تاابد هستند که این عمل ورود آنها به جهنم برای خدا آسان است (170) ای مردم این پیغمبر از جانب خدا به حق مبعوث شده به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است اگر هم کافر به خدا شوید بدانید که هرچه هست در آسمان و زمین مال خدا است از شعاع قدرت او خارج نمی‌شوید خدا عالم حکیم است (171) ای اهل کتاب از حدود عقیده دینی خود خارج نشوید به جز وصف حق به خدا نسبت ندهید عیسی مسیح فرزند مریم فقط رسول خدا و کلمه ای بود که خدا به تقدیر خود او را به دامن مریم گذاشت روح علم و حکمت خدا در او است به خدا و پیغمبران ایمان بیاورید نگوئید سه خدا و سه حقیقت دست از این خرافات بردارید بهتر است خدا فقط يك حقیقت نا متناهی است از شباهت به خلق منزّه است هرچه هست در آسمان و زمین ملك خدا است کافی است که خدا وکیل عقاید باشد (172) عیسی خودش امتناع از بندگی خدا ندارد همین طور فرشتگان مقرب کسی که باتکبر از اطاعت خدا خارج شود بداند که متکبرین به سوي خدا محشور می‌شوند (173) در قیامت کسانی که اهل ایمان و عمل

صالحند اجرشان بیشتر از عملشان به آنها خواهد رسید و اما آنها که از اطاعت خدا استنکاف نموده تکبر نمایند به عذاب سختی معذب می‌شوند (174) ای مردم دلیل روشن حق از پروردگار برای شما آمد علمی قطعی و واضح برای شما نازل کردیم (175) کسانی که ایمان به خدا بیاورند و به این (برهان) متوسل شوند از این راه داخل فضل و رحمت خدا می‌شوند که به راه راست هدایت شده به سوی خدا رفته‌اند (176) بندگان خدا اگر از ارث برادر و خواهرپدری یا پدری و مادری سئوال کردند بگو اگر میت اولادی نداشت فقط يك خواهر داشت آن خواهر يك دوم مال را به فرض می‌برد بقیه را هم (به اولویت) و اگر وارث برادر بود تمام را می‌برد اگر وارث دو خواهر یا بیشتر بودند دو سوم را به فرض و بقیه را به اولویت می‌برند و اگر برادر و خواهر با هم بودند برادر دو برابر خواهر قسمت می‌کنند خداوند احکام خود را روشن می‌کند که گمراه نشوید او علیم و حکیم است

سوره مائده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(1) ای اهل ایمان به عهد و پیمان خود وفادار باشید ما گوشت چهارپایان چرنده را به جز آنچه بیان میشود برای شما حلال کردیم ولی صید در حال احرام حلال نیست خدا هر جور بخواهد حکم می‌کند (2) ای اهل ایمان شعائر خدا را نادیده نگیرید مانند ماههای حرام و گاو و شتر قربانی که به امید لطف و کرم خدا راه حرم راپیش گرفته‌اند و قتی که محل شدید می‌توانید صید کنید روش‌های غلط ملت‌ها شما را از زیارت حرم باز ندارد که از حدود الهی تجاوز کنید در تقوا و نیکو کاری کمک هم باشید در تجاوز و گناه کمک یکدیگر نباشید تقوا پیشه کنید که خدا سخت کیفر می‌کند (3) مردار و خون و گوشت خوک و سفره‌هایی که شعار کفرو گناه است و حلال گوشتی که خفه شده و یا پرت شده و یا با ضربت کشته شده و یا در رنده آن را پاره کرده مگر که پیش از مردن ذبح شود و حیوانی که در بازی قمار تقسیم شود و یا حیوانی که برای بت‌ها و رواج کفر و گناه ذبح شود استفاده از چنین سفره‌ها فسق است اگر ملتزم

به اجرای احکام باشید کفار از تسلط بر شما مایوس می شوند به کفار اهمیت ندهید خدا را مهم بدانید با این احکام در شعاع ولایت خدا و ائمه دین شما را کامل کردم نعمت خود را بر شما تمام نمودم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد کسانی که در اضطرار واقع می شوند بدون تمایل به گناه می توانند از محرمات مذکور استفاده کنند خدا آمرزنده و مهربان است. پاورقی 91 (4) از توای پیغمبر می پرسند که خدا چه نعمتهائی را حلال فرموده بگو خوراکی های طیب و طاهر و یا حیوانی که به وسیله سگ های تعلیم دیده صید می شود از گوشت آن حیوان که سگ های شکاری نگه داشته اند بخورید و هنگام حمله سگ بسم الله بگوئید (اگر زنده بود ذبح کنید) تقوای خدا را رعایت کنید که خدا سریع العتاب حساب شما می رسد (5) امروز که غلبه دین اسلام است خوراکی های طیب را به رای شما حلال نمودم خوار و بار اهل کتاب برای شما و از شما برای اهل کتاب حلال است ازدواج دائم با زن های مومنه که در حصار دین هستند و ازدواج موقت با زن های اهل کتاب حلال است که با تعیین مدت و مبلغ با آنها باشید رابطه مشروع باشد نه نا مشروع زنان از

دوست یابی بپرهیزند کسی که کافر به ایمان شود عمل خیرش بی نتیجه است در آخرت زیانکار است (6) ای اهل ایمان زمانی که برای نماز آماده می شوید صورت و دست خود را تا مرفق بشوئید سرو پای خود را تا بر آمدگی پشت پا مسح کنید اگر جنب بودید تمام بدن را بشوئید و اگر مریض یا مسافر بودید از دستشوئی آمدید و یا با همسر خود نزدیک شدید و آب نیافتید با خاک پاک تیمم بگیرید کف دست ها را به خاک زده صورت و دست خود را مسح کنید خدا نمی خواهد شما را زحمت دهد بلکه شما را با این اعمال پاک و مطهر گرداند تا نعمت خود را برای شما کامل نماید شاید با این اعمال شکر گذار خدا باشید . پاورقی 92 (7) دائم به یاد نعمت ولایت و عهد الهی باشید که شما دعوت دین را شنیدید و حاضر به اطاعت شدید تقوای خدا را رعایت کنید خدا به حال شما آگاه است (8) ای اهل ایمان برای خدا قیام کنید الگویی عدالت باشید روش های کفار شما را از عدالت باز ندارد عدالت به تقوا نزدیکتر است از نا فرمانی خدا بپرهیزید خدا به اعمال شما آگاه است (9) خدا به اهل ایمان و عمل صالح وعده داده است که آنها را به دانائی و توانائی و اجر عظیم

برساند (مغفرت درمقابل ذنب به معنای رفع نقائص است) (10) و کسانی که کافر شدند آیات ما را تکذیب نمودند بدانند که اهل جهنمند (11) ای اهل ایمان به یاد این نعمت بزرگ باشید که طایفه ای از کفار تصمیم گرفتند بر شما بتازند خدا شر آنها را از شما بگردانید از نا فرمانی خدا بترسید و اهل ایمان به خدا توکل کنید. پاورقی 93 (12) ما از بنی اسرائیل برا طاعت خدا پیمان گرفتیم و دوازده نفر ناظر و نقیب براعمال آنها گماشتیم خدا به آنها فرمود تا زمانی که به اقامه نماز و اداء زکوت مشغول باشید ایمان به پیغمبران بیاورید و آنها را یاری کنید به خدا قرض الحسنه بدهید از مسیر این اعمال نصرت من باشما است شمارا از آلودگی به گناه پاک می کنم به قدرت و علم می رسانم که از آن انهار نعمت جاری می شود بعد از این وعده الهی هرکس کافر شود از راه راست منحرف شده است (13) بعد به واسطه پیمان شکنی آنها را لعنت کردیم دل آنها را از مسیر دنیاپرستی به قساوت کشانیدیم کلمات خدا را از معانی آن منصرف کردند و عده های خدا را فراموش کردند شما دائم به خیانت کاران آنها آشنا می شوید مگر عده قلیلی که عهد خدا را رعایت کردند از آنها بگذر

و چهره‌ات را به‌روی آنها باز کن خدایکوکاران را دوست می‌دارد (14) از نصرانیان هم به‌همان کیفیت عهد و پیمان گرفتیم آنها نیز بهره خود را که وعده خدا بود فراموش کردند از این تفرقه اندازی‌ها بین آنها تا قیامت عداوت بوجود آمد خدا به آنها خبر می‌دهد که چه کردند و چه شدید (15) ای اهل کتاب پیامبر ما (حضرت محمد) ظاهر شد تا بسیاری از احکام که در کتاب شما محو و یا مخفی شده ظاهر سازد و از خطاهای شما بگذرد از جانب خدا نور و رحمت و کتاب حکمت نازل شده است (16) با این کتاب خداوند کسانی را که طالب رضای او هستند به راه‌های سلامت هدایت می‌کند و آنها را از فضای جهل به فضای علم می‌رساند و در این فضا آنها را به زندگی بهشتی می‌رساند. پاورقی 94 (17) کسانی که گفتند عیسی مسیح فرزند مریم پسر خدا است کافر به خدا شدند به آنها بگو چه کسی مانع خدا می‌شود اگر بخواهد عیسی مسیح و مادر او را و تمامی اهل عالم را به هلاکت برساند سلطنت عوالم آسمان و زمین و آنچه میان آنها است به دست خدا است خدا به هر کاری قادر است (18) یهودیان و مسیحیان گفتند که فقط ما فرزندان خدا و

دوستان او هستیم بگو پس چرا خداوند شما را به سبب گناه عذاب می‌کند بلکه شما هم مانند سایر مردم خلق خدا هستید خدا هرکسی را بخواهد می‌آمرد و هر کسی را بخواهد عذاب می‌کند پادشاهی آسمانها و زمین و مابین آنها با او است و سیر انقلابات و تحولات به سویی او است. پاورقی 95 (19) ای اهل کتاب بعد از مدتی طولانی که شما پیغمبری ندیده بودید رسول ما محمد ص ظاهر شد تا شما را به دین خالص پیغمبران هدایت کند مبادا بهانه بگیرید که پیغمبری نیامد ما را هدایت کند آری رسول بشیر و نذیر آمد خدا به هرکاری توانا است (20) پیش از این پیغمبر ما موسی به شما گفت که ای قوم به یاد این نعمت بزرگ که خدا به شما داده، باشید پیغمبران میان شما مبعوث کرد پادشاهانی از خود شما برای شما قرار داد به شما قدرت و عزتی داد که به کسی از اهل عالم نداده بود (21) به شما گفت ای مردم به این سرزمین مقدس ابراهیم وارد شوید پیش بروید و به عقب برنگردید مباد از این ارتجاع به جهل و خرافات گرفتار شوید خسارت ببینید (22) آنها گفتند ای موسی در این سرزمین مردمی جبار زندگی می‌کنند تا آنها خارج نشوند ما وارد

نمی‌شویم وقتی که آنها رفتند ما به‌جای آنها می‌نشینیم (23) دونفر از آنها که ازایمان بهره‌مند بودند و از نافرمانی خدا می‌ترسیدند صدا زدند که ای مردم به‌جنگ این قوم بروید به‌محض آرایش جنگی پیروز می‌شوید اگر ایمان به‌خدا دارید به‌خدا توکل کنید (24) جواب دادند که نه ما تا وقتی که آنها هستند به‌جنگ نمی‌رویم ای موسی تو و خدایت بروید و بجنگید ما همین‌جا به‌انتظار زندگی نقد نشسته‌ایم. پاورقی 96 (25) موسی که بی‌چاره شد عرض کرد که ای خدا من جز خودم و برادرم کسی را ندارم حساب ما را ازاین مردم جاهل جداکن (26) خداوند به‌موسی فرمود که این قوم چهل سال از زندگی درشهر محرومند در همین بیابان سرگردانند (تانسلی دیگری بیاید) به‌خاطر مردم فاسق ناراحت مباش (27) داستان دو پسرآدم (هابیل وقابیل) را بیان کن که هرکدام قربانی تقدیم کردند از قابیل مردود و از هابیل قبول شد قابیل گفت تورا می‌کشم جواب داد چه‌کنم خدا قربانی متقین را قبول می‌کند (28) تو اگر دست تجاوز به‌طرف من دراز کنی من نمی‌کنم من از پروردگار عالمیان می‌ترسم (29) توبار مسئولیت قتل مرا به‌دوش

می‌کشی اهل آتش خواهی بود مجازات ظالم بجز آتش چیزی نیست (که آخرین حربه ظالم آتش است) (30) هوای نفس او را وادار به قتل برادر کرد برادر را کشت و از خسارت زده گان شناخته شد (به دلیل این آیه شیطان هوای نفس است) (31) سرگردان شد که نعش برادر را چه کند خداوند کلاهی را برابر او نمایان ساخت که باینچه خود زمین را می‌کند تا دفن برادر را به او یاد دهد گفت وای بر من که از این کلاغ عاجز ترم که نعش برادر را دفن کنم و بعد پشیمان شد که چرا برادرم را کشتم (ندامت غیراز توبه است) (32) به دلیل این تجاوز در حکومت بنی اسرائیل تذکر دادیم که هرکس انسانی را بکشد مثل این است که تمام مردم را کشته و اگر زنده کند مثل این است که تمام مردم را زنده نموده است (زیرا ارزش انسان به علم و ایمان است و علم در یک نفر برابر همه است) پیغمبران با دلائل و بینات به سوی مردم آمدند و به بسیاری از این بینات تجاوز کردند (33) مجازات کسانی که با خدا و رسول می‌جنگند و به فساد و فساد می‌کوشند این است که قطعه قطعه شوند یا به دار آویخته شوند یا دست و پای آنها خلاف یکدیگر قطع شود یا تبعید شوند این است رسوائی

آنها در دنیا و در آخرت به عذاب سخت معذبند .پاورقی 97 (34) مگر کسانی که پیش از دستگیری توبه کنند بدانند که خدا مهربان است عقل زندگی به آنها می‌دهد (35) ای اهل ایمان از خود رایي وگناه پرهیزید در جستجوی وسیله‌ای بین خود و خدا باشید در راه خدا جهاد کنید تارستگار شوید (36) کفار بدانند که اگر چند برابر ثروت زمین فدا بدهند تا از عذاب قیامت نجات یابند قبول نمی‌شود (زیرا سرمایه نجات فضیلت انسانیت است) بلکه عذابی الیم برای آنها مقدر است (37) اراده می‌کنند تا از عذاب برهند و نمی‌توانند (که عذاب ملازم وجود آنهاست) عذابی دائم وپای دار (38) مرد و زنی که دزدی کنند دست آنها را قطع کنید سزای دزدی آنها همین است شکنجه‌ای است از جانب خدا که او غالب و حکیم است .پاورقی 98 (39) مگر کسانی که بعد از دزدی پیش از دستگیری توبه کنند لطف خدا آنها را فرا می‌گیرد خدا آمرزنده و مهربان است (40) مگر نمی‌دانی که پادشاهی عوالم آسمان و زمین با خدا است هر کسی را بخواهد عذاب می‌کند و یا بخواهد عقل و شعور می‌دهد (آمرزش به معنای رشد است) خدا به هرکاری قادر است (41)

ای رسول خدا سرعت فعالیت کفار و منافقین که به زبان ایمان می‌آورند و به دل ایمان ندارند و یهودیان که به تبلیغات کسانی که شمارا ندیده‌اند گوش می‌دهند و کلمات خدا را از معانی مخصوص آن منصرف می‌کنند تورا ناراحت نکند به یکدیگر سفارش می‌کنند که اگر پیغمبر به نفع ما سخن گفت بپذیرید و الا حذر کنید کسی را که خدا اسیر فتنه ها کند تو نمی‌توانی او را هدایت کنی آنها کسانی هستند که خدانمی خواهد دل آنها را پاک کند رسوائی دنیا و عذاب بزرگ آخرت برای آنها مهیا شده است (42) یهودیان حریص استماع اکاذیب و خوردن مال حرامند اگر به قضاوت تو راضی شدند قضاوت کن و یا از آنها اعراض کن اگر از آنها اعراض کنی نمی‌توانند ضرری برسانند و اگر هم بین آنها قضاوت کردی به عدالت قضاوت کن خداوند عدالت گران را دوست می‌دارد (43) چطور به قضاوت عادلانه تو راضی می‌شوند با این که حکم خدا در تورات به اختیار آنهاست و از آن احکام اعراض می‌کنند آنها ایمان به خدا ندارند (44) ماتورات را که نور خدا بود نازل کردیم پیغمبران که تسلیم خدا بودند و دانشمندان و ربانیون که حافظ کتاب خدا بودند بین یهودیان قضاوت می‌کردند و آن

پیغمبران شاهد عمل به احکام خدا بودند از مردم نترس از خدا بترس آیات مرا به بهای اندک دنیا نفروشید کسانی که مطابق کتاب خدا قضاوت نمی‌کنند کافرنند. پاورقی 99 (45) در کتاب تورات نوشتیم که نفوس برابر یکدیگرند چشم و گوش و سایر اعضاء برابر یکدیگر جراحات‌ها برابر خود قصاص دارد عفو از قصاص کفاره گناه است کسی که مطابق کتاب خدا قضاوت نکند ظالم است (46) بعد از موسی در خط او عیسی ابن مریم را مبعوث کردیم که مندرجات تورات را تصدیق می‌کرد کتاب انجیل به او دادیم که علم و هدایت بود کتاب تورات را تصدیق کرد و برای اهل تقوا موعظه و هدایت بود (47) پیروان انجیل طبق کتاب خدا قضاوت کنند کسانی که طبق کتاب خدا قضاوت نمی‌کنند فاسقند (48) و این قرآن را هم بر تو نازل کردیم که واقعیت‌ها و کتاب‌های آسمانی را تصدیق می‌کند و بر آن کتاب‌ها هیمنت دارد مطابق آنچه خدا نازل می‌کند بین آنها قضاوت کن از هوا هوس آنها خلاف آنچه بر تو روشن است پیروی مکن ما برای هر ملتی راه و روشی قرار داده ایم خدا اگر بخواهد می‌تواند همه را به صورت يك امت متحد کند ولیکن آنها را بر مدار علم

و دین آزمایش می‌کند شما همه درکار نیک به‌سوی خدا سبقت گیرید آخرین مرجع همه شما خدا است شمارا در آنچه اختلاف دارید آگاه می‌کند. پاورقی 100 (49) طبق آن چه خدا بر تو نازل می‌کند قضاوت کن از هوا هوس آنها پیروی مکن بر حذر باش مبادا تورا بفریبند و از بعضی احکام دین و ابلاغ ولایت بازدارند اگر از دعوت تو اعراض کردند بدان که خدا می‌خواهد آنها را به نتایج اعمالشان مبتلا کند بسیاری از مردم فاسقند (50) آنها قضاوت‌های جاهلانه جاهلیت را می‌طلبند بگو برای کسانی که اهل ایمان هستند چه کسی بهتر از خدا قضاوت می‌کند (51) ای اهل ایمان یهود و نصارا را به ولایت و سرپرستی نپذیرید که بعضی از آنها ولی طایفه‌ای از شما باشند کسی که آنها را به ولایت بپذیرد از آنها خواهد بود خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند (چونکه نمی‌شود) (52) بعضی از مسلمانان در میان آنها فعالیت دارند عذر می‌آورند که اگر مسلمانان شکست بخورند مبادا از آنها ضرری به ما برسد (محافظه کارند) شاید فتح و ظفر نصیب شما شود که آنها بر این محافظه کاری پشیمان می‌شوند (53) مومنین در این پیروزی به

محافظه کاران بگویند همین دشمنان شما بودند که سخت قسم خوردند روز حادثه در خدمت شما باشند پس کجا رفتند خدمات آنها در قیامت بی نتیجه است به جز خسارت چیزی ندارند (54) ای مسلمانان بدانید که هرکس از مسلمانی به کفر و گناه برگردد به زودی خداوند اقوامی را ظاهر می کند که خدا آنها را دوست دارد و آنها هم خدا را دوست می دارند در مقابل برادران رام و آرام و در برابر کفار شجاع و خشن در راه خدا جهاد می کنند از ملامت ملامت کننده نمی ترسند این ایمان محکم لطف خدا است که به هرکسی بخواهد می بخشد خدا گشایش گر و دانا است (55) ولی شما خدا و رسول و مومنینی هستید که نماز می خوانند و در حال رکوع زکوة می دهند (به اتفاق مسلمانان علی بود که در رکوع نماز زکات داد و این آیه در شان او نازل شد). پاورقی 101 (56) کسی که در ولایت خدا و رسول و چنین مومنی باشد از افراد حزب الله است و حزب الله پیروز است (57) ای اهل ایمان ولایت کسانی از اهل کتاب که دین شما را به مسخره می گیرند نپذیرید از رابطه دوستی با آنها برحذر باشید اگر ایمان به خدا دارید (58) چقدر بی حیا هستند که وقتی صدای اذان

را می‌شنوند مسخره می‌کنند عقل و شعور خود را به کار نمی‌برند تا عظمت خدا را درک کنند (59) بگو ای اهل کتاب دشمنی شما با ما برای این است که ما به کتابی که بر ما و بر پیغمبران پیش از ما نازل شده ایم آورده‌ایم حقیقت این است که اکثر شما فاسقید (60) بگو شما را خبردهم چه کسانی به بدترین نتیجه اعمالشان مجازات می‌شوند کسانی که خدا آنها را لعنت کرد و بر آنها غضب نمود و به صورت خوک و میمون مسخ شدند و عاقبت برده دشمن خود شدند چنین افرادی بدترین وضعیت را پیدا کردند و از همه گمراهان گمراه‌تر شدند (61) آنها منافقند وقتی که باشما مسلمانان روبه‌رو می‌شوند تظاهر به ایمان می‌کنند آنها با عامل کفر به حضور تو وارد و یا خارج می‌شوند خدا به کفر باطنی آنها آگاه‌تر است (62) می‌بینی که بسیاری از آنها در کفر و گناه سرعت و شدت دارند در حرام خوری حریصند بسیار بداست اعمالی که مرتکب می‌شوند (63) چرا پیشوایان ربانی و دانشمندان آنها را از دروغ گوئی و حرام خوری باز نمی‌دارند چقدر بداست اعمالی که انجام می‌دهند (64) یهودیان در عقاید جاهلانه خود می‌گویند دست خدا بسته است دست

خودشان بسته باد با این عقیده و حرف‌ها از رحمت خدا دور باشند بلکه هر دو دست خدا باز است هر طور که بخواهد می‌بخشد بسیاری از آنها در برابر آیاتی که بر تو نازل می‌شود کفر و طغیانشان زیادتر می‌شود ما تا روز قیامت بین آنها بغض و عداوت انداخته‌ایم هر وقت آتش جنگ روشن کنند خدا خاموش می‌کند در افساد و خراب‌کاری کوشا هستند خدا مفسدین را دوست نمی‌دارد. پاورقی 102 (65) اگر اهل کتاب ایمان آورند از مخالفت با حق منصرف شوند آنها را از بدی‌ها پاک می‌کنیم و آنها را وارد باغ بهشت می‌کنیم (66) اگر اهل کتاب خود را و آنچه از جانب خدا بر آنها نازل شده زنده بدارند از زمین و آسمان برکات خود را بر آنها نازل می‌کنیم ولیکن عده‌ای از آنها میانه رو بوده و اکثریت بد کاره‌اند (67) ای رسول بزرگوار آن چه از مسائل ولایت که بر تو نازل می‌شود به مردم ابلاغ کن اگر مسئله ولایت بعد از خود را ابلاغ نکنی رسالت خود را انجام نداده‌ای خدا تو را از شر مردم حفظ می‌کند خدا کفار را هدایت نمی‌کند. پاورقی 103 (68) بگو ای اهل کتاب شما آینده‌ای ندارید مگر این که کتاب تورات و انجیل و آنچه از پروردگار بر شما

نازل می‌شود زنده نگه دارید در مقابل دین و کتابی که بر تو نازل می‌شود کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب بیشتر می‌شود از روش کفار خود را ناراحت نکن (69) از مسلمانان و یهود و نصارا و کسانی که در جستجوی حق فعالیت دارند هر کسی این سه اصل را (ایمان به خدا و آخرت و عمل صالح) رعایت کند نترسد و غم و غصه‌ای نداشته باشد که اهل بهشت است (برکت این سه اصل این است که مردم را دریک دین و یک راه رهبری متحد می‌کند) (70) ما از بنی اسرائیل عهد و پیمان اطاعت گرفتیم و این همه پیغمبران فرستادیم اما آنها هر وقت پیغمبری را دیدند که خلاف میل آنها سخن گفت به قتل رسانیدند و یا تکذیب نمودند (71) خیال کردند با این مخالفت‌ها در فتنه و ضلالت واقع نمی‌شوند کرو کور شدند خداوند به وسیله پیغمبر دیگری بر آنها رحم کرد راه زندگی را دانستند بازهم مخالفت کردند کرو کور شدند خدایه آن چه کردند آگاه بود (72) کسانی که گفتند خدا همان مسیح ابن مریم است حقیقتاً کافر شدند با این که مسیح صدا می‌زد ای مردم خدا را پرستید و اصرار داشت که هرکس برای خدا شریک بترشد خدا بهشت را بر او حرام می‌کند جایش

جهنم است مشرك ظالم است ياوري ندارد (73) كساني هم كه گفتند خدا يكي از اين سه است (خدا روح القدس و عيسي) گمراه شدند خدا فقط يكي است مثل و مانند ندارد اگر از اين گفته‌ها منصرف نشوند كفار از آنها به عذابي اليم مبتلا مي‌شوند، (74) چرا به خدا پناه ندهند نمي‌شوند تا به عقل و شعور برسند اگر توبه كنند خدا به آنها آگاهي مي‌دهد (75) مسيح ابن مريم پيغمبري مانند ديگران است كه پيش از او بودند مادرش هم زن پاكي كه گفته خدا را تصديق كرد غذا مي‌خوردند زندگي مي‌کردند بين چگونه حقيقت را براي آنها روشن مي‌كنيم باز هم براه شرك مي‌روند (76) به آنها بگو چرا به جز خدا كسي و چيزي را مي‌پرستيد كه نفع و ضرري به شما نمي‌دهد خدا شنوا و دانا است (77) اي اهل كتاب در دين خود به جز راه حق نپوئيد از هواهوس كساني كه پيش از شما به ضلالت افتادند و مردم را گمراه كردند پيروي نكنيد (78) كفار از بني اسرائيل مورد لعن داوود پيغمبر و عيسي ابن مريم واقع شدند براي اين كه معصيت كردند و به حق ضعفا تجاوز نمودند (79) از اعمال زشتي كه مرتكب مي‌شدند دست بردار

نبودند چه بد مردمی و چه اعمال بدی که داشتند (80) بسیاری از آنها را می‌بینید که کفار را به سرپرستی اختیار می‌کنند از ولایت دین خدا خارج می‌شوند چه بد اولیائی که باعث می‌شوند خدا بر آنها غضب کند و همراه کفار در آتش مخلد باشند. پاورقی 104 (81) اگر آنها ایمان داشتند و آن چه را خدا نازل کرد قبول می‌کردند در ولایت کفار قرار نمی‌گرفتند ولیکن اکثریت آنها فاسقند (82) سخت‌ترین دشمن مسلمانان یهودیان و مشرکین هستند و نزدیک‌ترین ملت‌ها به دوستی مسلمانان مسیحیان هستند زیرا بسیاری از آنها تارک دنیا و پیشوای دینند تکبر ندارند حق را می‌پذیرند (83) مسیحیان وقتی آیاتی را می‌شنوند که بر حضرت رسول نازل شده متأثر می‌شوند اشکشان جاری می‌شود که حق را از لسان رسول خدا می‌شناسند می‌گویند خدایا به دین تو ایمان آوردیم اسم ما را در عداد شاهدان حق ثبت کن (84) به خود می‌گویند چرا ایمان به خدا و دین حق که نازل شده نیاوریم با اینکه طمع داریم ما را با گذشتگان صالح خود محشور کند (85) خدا به پاداش این عقیده‌ها آنها را به بهشتی می‌برد که از آن نهرهای نعمت جاری

می‌شود در آن جاویدند پاداش نیکوکاران چنین است (86) اما کسانی از آنها که کافر به آیات خدا می‌شوند و آن را تکذیب می‌کنند اهل جهنم خواهند بود (87) ای اهل ایمان نعمت‌های پاک خدا را تحریم نکنید به حقوق یکدیگر تجاوز ننمائید خدا تجاوزگران را دوست نمی‌دارد (88) از نعمت‌های خدا به طریق تجارت و کسب رضایت استفاده کنید از نافرمانی خدا که به او ایمان دارید بپرهیزید (89) خداوند شمارا به خاطر قسم‌های لغوی که بدون هدف بر زبان جاری می‌کنید مواخذه نمی‌کند بلکه به قسم‌های جدی اعتقادی که چه کاری خواهم کرد کفاره مخالفت با چنین قسم‌هایی این است که ده نفر مسکین را با متوسط غذای خانواده خود اطعام کنید یا به آنها لباس بپوشانید یا برده‌ای را آزاد کنید اگر نتوانستید سه روز روزه بگیرید این دستورات کفاره قسم است عهد خود را با خدا حفظ کنید خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند شاید حق خدا را منظور دارید (90) ای اهل ایمان شراب خواری و قمار بازی و بت‌ها و چوب‌های قمار پلیداست عمل شیطان است از این اعمال اجتناب کنید شاید رستگار شوید (91) شیطان می‌خواهد با اعمال شراب و قمار بین

شما بغض و عداوت ایجاد کند شما را از یاد خدا و نماز که رابطه با خدا است باز دارد آیا می‌شود از این اعمال دست بردارید (92) از خدا و رسول اطاعت کنید از خدا بترسید اگر از حکم خدا اعراض نمودید وظیفه رسول ما فقط تبلیغ است (93) اهل ایمان و تقوا بعد از آن که از محرّمات اجتناب دارند و عمل شان صالح است در سایر خوراک و پوشاک‌ها مسئولیتی ندارند با رعایت ایمان و تقوا حق دارند از نعمت‌های خدا استفاده کنند و بعد ایمان و تقوا را رعایت کنند باز هم ایمان و تقوا را رعایت کنند احسان کنند خدا احسان کنندگان را دوست می‌دارد (94) ای اهل ایمان خداوند شما را با تحریم صید حرم که قدرت صید آن را دارید آزمایش می‌کند تا معلوم شود چه کسی غایبانه از خدا می‌ترسد بعد از ابلاغ تحریم صید اگر کسی تجاوز کند به عذاب سختی معذب می‌شود (95) ای اهل حرم در حال احرام حیوانی را صید نکنید کسی که عمداً صید کند واجب

می‌شود برابر همان صید از چهارپایان کفاره بدهد تعیین کفاره بامرد عادل‌ی مانند امام است کفاره صید حج را در منی و صید عمره را روبه‌روی کعبه

انجام دهید یا برابر قربانی چند فقیر را اطعام کند یا برابر آن روزه بگیرید تا برابر گناه تنبیه شوید با این کفاره از گذشته‌ها صرف نظر می‌شود اگر صید را تکرار نمود خدا از او انتقام می‌گیرد خدا انتقام‌گیر است. پاورقی 105 (96) صید دریا و طعام دریائی برای محرم و کاروان‌های دریائی حلال است فقط مادامی که محرم هستید صید خشکی‌ها حرام است بترسید از خدائی که عاقبت به او رجوع می‌کنید (97) خداوند کعبه را که خانه محترم او است مایه قیام اجتماعی مردم قرارداد و هم چنین ماه‌های حرام و قربانی را حرمت داده تا با انجام این مراسم بدانید که خدا به‌آنچه در آسمان و زمین است دانا است (98) بدانید که خداوند متعال گرچه آمرزنده و مهربان است گاهی هم سخت کیفر می‌کند (99) وظیفه رسول ما فقط تبلیغ است خدا بر نهان و آشکار شما آگاه است (100) بگو انسان‌های بد و خوب با هم مساوی نیستند گرچه کثرت جمعیت خبیث مایه تعجب باشد ای خردمندان تقوا پیشه کنید تا به‌خبث طینت مبتلا نشوید و رستگار باشید (101) ای اهل ایمان در پی کشف اسراری که شما را ناراحت

می کند نباشید. سئوال بی‌جا نکنید اگر لازم باشد همراه نزول آیات قرآن بعضی اسرار برای شما روشن می‌شود. خدا از شما می‌گذرد که آمرزنده و مهربان است (102). گذشتگان شما چقدر زیاد سئوالات بی‌جا کردند که بعد از کشف حقیقت منکر شدند (مانند بنی اسرائیل که گفتند صدای خدا را بشنویم چون شنیدند کافر شدند) (103). خداوند شترهایی به نامهای بحیره و سائبه و وصیله و حام را حرام نکرده. این تحریم‌ها بدعت‌های جاهلیت است که به خدا دروغ بستند. بسیاری از آنها عقل و شعور نداشتند (104). وقتی به آنها گفته می‌شود دست از این بدعت‌ها بردارید ببینید خدا و رسول چه می‌گویند. می‌گویند تقلید از آباء و اجداد برای ما کافی است با این که می‌دانند پدرانشان جاهل بوده‌اند عقل و شعور نداشته‌اند. پاورقی 106 (105). ای اهل ایمان اگر خود را از کفر و گناه حفظ کنید گمراهی دیگران برای شما ضرری ندارد در صورتی که خودتان هدایت شدید. مرجع تمامی شما خدا است و خداوند شما را به آن چه انجام می‌دهید آگاه می‌کند. پاورقی 107 (106). ای اهل ایمان شهادت‌ها را بین خود حفظ کنید. وقتی که مرگ يك نفر از شما

می‌رسد و می‌خواهد وصیت کند دو نفر شاهد عادل از خودتان لازم است و اگر در مسافرت بودید و مرگ شما رسید و دو نفر شاهد غیر مسلمان بودند وصیت را امضا کنند و بعد از نماز جمعه آن دو نفر شاهد را نگه دارید تا شهادت به صحت وصیت بدهند اگر شهادتشان مشکوک بود قسم بخورند که دین خود را به دنیا نمی‌فروشیم گرچه به ضرر خویشاوندانمان باشد شهادت به حق را کتمان نمی‌کنیم که در این صورت گناهکاریم (107) اگر احساس شد که آن دو نفر به دروغ شهادت دادند طرف دیگر که اولیای وصیتند به جای آن دو نفر شهادت دهند و قسم بخورند که گواهی ما از گواهی آنها بهتر مطابق با حقیقت است ما خلاف حق شهادت نمی‌دهیم که در این صورت ظالم هستیم (108) شهادت به این کیفیت نزدیکترین راه برای کشف حقیقت است و خوفی نیست از این که شهادتی مردود و شهادتی مقبول شود تقوا پیشه کنید حرف حق را بشنوید خدا فاسق را هدایت نمی‌کند (109) فردای قیامت خدا پیغمبران را احضار می‌کند که آیا دعوت شما از جانب امت اجابت شد جواب می‌دهند که ما نمی‌دانیم تو هستی که عالم به غیب هستی (110)

خداوند به عیسی مسیح گفت که ای عیسی به یاد نعمت‌هایی که به تو و مادرت بخشیدم باش که تو را به روح علم و حکمت تایید نمودم در کودکی و پیری با مردم سخن گفتی به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل دادم از گل مجسمه مرغ ساختی و در آن روح دمیدی به اذن خدا پرواز کرد مرض کوری و برص را به اذن من شفا دادی مرده را به اذن من زنده نمودی و آن جا که نبوت خود را اظهار نمودی شر بنی اسرائیل را که گفتند سحراست از تو بازداشتیم (111) به حواریون وحی نمودم که به من و پیغمبرم ایمان بیاورید گفتند ایمان آوردیم گواه باش که ما مسلمانیم. پاورقی 108 (112) و باز آنجا که حواریون گفتند ای عیسی آیا خدای تو می‌تواند مائده‌ای از آسمان نازل کند عیسی گفت اگر ایمان به خدا دارید از خواهش‌های بی‌جا بپرهیزید (113) گفتند منظور ما این است که از مائده آسمانی بخوریم اطمینان قلب پیدا کنیم که تو به ما راست گفته‌ای و گواه معجزه تو باشیم (114) عیسی از خدا خواهش کرد که پروردگارا مائده آسمانی برای مانازل کن تا چنین روزی برای اولین و آخرین ما عید باشد از این روزی آسمانی به ما لطف کن که تو بهترین روزی رسانی

(115) خداوند فرمود مائده آسمانی نازل می‌کنم اما بعد از مائده اگر کسی کافر شود او را چنان عذاب کنم که کسی را عذاب نکرده باشم (زیرا انکار حق بعد از وضوح کفر عناد است) (116) خداوند به عیسی فرمود تو به مردم گفتی که مرا و مادرم را جای خدا بپرستید عرض کرد پروردگارا تو منزهی از شباهت به خلق شایسته من نیست چنین ادعائی کنم اگر چنین گفته باشم خودت دانسته‌ای تو از اسرار من باخبری و من از علم تویی خبرم تو دانای غیبی (117) من به‌جز آنچه تو دستور دادی به مردم ابلاغ نکردم که خدا پروردگار من و شما است او را پرستش کنید تا وقتی که با آنها بودم شاهد حال آنها بودم و زمانی که مرا به‌سوی خود بردی مراقب آنها بودی تو شاهد همه کس و همه چیز هستی (118) اگر آنها را عذاب کنی بندگان خودت هستند و اگر هم از آنها بگذری غالب و حکیم هستی (119) خداوند فرمود قیامت روزی است که صداقت راست گویان به‌حال آنها نافع است برای آنها مقام و قدرت‌هایی مقدر است که از آن نعمت و ثروت مانند نهر جریان دارد در آن زندگی تا ابد هستند خدا از آنها راضی و آنها از خدا راضیند این است سعادت

بزرگ (120) پادشاهی عوالم آسمان و زمین و آنچه
بین آنها است با خدا است خدا به هر کاری قادر
است. پاورقی 109

سوره انعام

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) ستایش با کلمه حمد مخصوص خداوندی است که عوالم آسمان و زمین را آفرید نور و ماده ظلمانی را بدون سابقه ایجاد کرد با این عظمت و قدرت آفرینندگی باز هم کفار برای خدا نظیر و عدیل می تراشند. پاورقی 110 (2) او خدائی است که شما انسانها را از مواد و املاح خاك آفرید و مقدر کرد که زندگی شما محدود باشد و مدتی هم در علم خدا معین است با همه اینها در قدرت خدا شك دارید (3) او خدا است در عوالم آسمان و زمین از نهان و

آشکار شما با خبر است محصول کسب و کار شما را می‌داند (4) آیتی از آیات الهی برای شما ظاهر نمی‌شود مگر این که از آن اعراض می‌کنید (5) وقتی که دین حق برای آنها ظاهر شد به‌جای تصدیق تکذیب کردند به‌زودی نتیجه تکذیب و استهزای خود را خواهند دید (6) مگر ندیدند چقدر زیاد گذشتگان آنها به‌هلاکت کفر و گناه افتادند امکاناتی در زندگی به‌آنها دادیم که به‌شما ندادیم باران و برکات فراوان بر آنها نازل کردیم در داخل زندگی آنها نهر آب جاری کردیم بعد در اثر کفر و گناه زندگی آنها را به محکومیت خاتمه دادیم و بعد از آنها قرن دیگری بوجود آوردیم (7) اگر برای آنها کتابی در جلد و کاغذ نازل کنیم تا آن را لمس کنند باز هم می‌گویند این‌ها سحراست و ما مسحور شده‌ایم (8) و می‌گویند اگر او پیغمبر است چرا فرشتگان بر او نازل نمی‌شوند ما آنها را ببینیم خبر ندارند که رویت فرشتگان مخصوص روز قیامت است که مهلت از کفار برداشته می‌شود (در حال کشف حقایق امتحان و تکلیف لغویت پیدا می‌کند) (9) و اگر هم در دنیا فرشته نازل کنیم لباس انسان به‌قامت او می‌پوشیم تا قابل تماس باشد (10) پیغمبران پیش از تو هم مورد استهزا واقع شدند

نتیجه آن تمسخرها عاقبت خودشان را احاطه نمود (11) بگو بروند تاریخ را مطالعه کنند تا بدانند عاقبت کار تکذیب کنندگان به کجاکشید (12) به آنها بگو این همه عوالم آسمان و زمین مال کیست بگو مال خدا است او محبت و رحمت رسانی به شما را بر خود واجب نموده به همین منظور شما را به صحرائی قیامت می کشاند شکی در آن نیست آنجا کسانی که ایمان نیاورده اند می دانند که به خود خسارت زده اند. پاورقی 111 (13) تمامی موجودات ساکن و متحرک در شب و روز مال خدایند او شنوا و دانا است (14) بگو آیا درست است که به جز خدا خدای دیگری را به سرپرستی اختیار کنم با این که او خالق آسمانها و زمین است طعام می دهد و طعام نمی گیرد بگو من مأمورم اولین مسلمان باشم مبادا مشرک به خدا باشی (15) بگو اگر مرتکب گناه شوم از عذاب روز قیامت می ترسم (پیغمبران مانند امیرکاروان و مثل کاروانیان از انحراف وحشت دارند) (16) اگر کسی از عذاب خدا نجات یابد به لطف خدا نجات یافته به سعادت بزرگی رسیده است (17) اگر خدا بخواهد ضرری برساند کسی به جز خودش نمی تواند آن ضرر را برطرف کند و اگر بخواهد خیری

برساند به هرکاري قادر است (18) اوقادر و قاهر است محیط و مسلط است به حکمت کار خود آگاهی دارد (19) بگو چه کسی از خدا بهتر شاهد حق و حقیقت است بگو خدا بین من و شما شاهد حق است این قرآن به من وحی شده تا شما و هر کسی که قرآن به او می‌رسد از گناه بترسانم آیا شما شاهدید که با خدا خدای دیگری هست من که هرگز شهادت نمی‌دهم فقط خدا یکی و یگانه است من مسئولیت شرك شما را نمی‌پذیرم (20) اهل کتاب این قرآن و پیغمبر را مانند فرزندان خود می‌شناسند کسی که به انسانیت خود ضرر می‌زند ایمان به خدا نمی‌آورد (21) چه کسی ظالم‌تر است از کسی که به خدا دروغ می‌بندد و یا آیات خدا را تکذیب می‌کند حقیقت این است که ظالم رستگار نمی‌شود (دروغ بستن به خدا همه کائنات را به دشمنی انسان برمی‌انگیزد) (22) فردا که در صحرائی محشر همه را جمع کنیم به مشرکین می‌گوئیم کجا ایند کسانی که آنها را شريك خدا می‌دانستید (23) شرك و ضلالت آنها بهره‌ای ندارد جز این که انکار کنند و قسم خورند که ما مشرك نبودیم (24) بین چگونه به خود دروغ می‌بندند و آن همه وسائل کفر و تهمت

از دستشان خارج می‌شود (25) بعضی‌ها (بدون این که طالب حق باشند) به سخنان گویا گوش می‌دهند با این که دل آنها را در غلاف و غفلت قرار داده‌ایم و گوش آنها سنگین که نمی‌توانند بفهمند آنها هر نوع معجزه ببینند ایمان نمی‌آورند تا این که باتو جدال کنند و عاقبت می‌گویند این حرف‌ها افسانه‌های قدیم است. پاورقی 112 (26) آنها مردم را از قبول دین خدا نهی می‌کنند خودشان هم از دین فاصله می‌گیرند خبرندارند که خود را به هلاکت انداخته‌اند (27) در آن ساعت که با آتش جهنم رو برو می‌شوند اگر ببینی چه حالی دارند دچار حسرت می‌شوند که ای کاش به دنیا برگردیم آیات خدا را تکذیب نکنیم و مومن باشیم (28) کفر و نفاق را که مخفی می‌داشتند بر خودشان و مردم روشن شد اگر هم به دنیا برگردند به همان کفر و نفاق برمی‌گردند دروغ می‌گویند که خود را اصلاح می‌کنند (29) آنها می‌گویند هر چه هست همین زندگی دنیا است دوباره زنده نخواهیم شد (30) اگر ببینی وقتی که زنده شوند در برابر قدرت خدا قرار گیرند چه وضعی دارند خدا به آنها می‌گوید آیا آخرت حق نبود می‌گویند قسم به پروردگار که حق است پس

بچشید عذابی را که نتیجه کفر و گناه است (31) کسانی که روز لقاء الله را تکذیب کردند ضرر کردند تا اینکه در ساعت قیامت قرار گرفتند از نتایج کفر و گناه دچار حسرت شدند بار کفر و گناه را به دوش می‌کشند چه بد باری است بار گناه (32) این زندگی دنیا لهو و لعب است زندگی آخرت برای اهل تقوا بهتر است چرا از عقل خود استفاده نمی‌کنید (که عقل شما را هدایت می‌کند) (33) ما می‌دانیم که رد و ایراد آنها بر معرفی مقام ولایت تو را ناراحت می‌کند این ایراد گران تو را تکذیب نمی‌کنند (ساده و زود باورند) تکذیب کنندگان به آیات خدا ظالمان و منافقاند که حق را انکار می‌کنند. پاورقی 113 (34) پیغمبران پیش از تو هم تکذیب شدند بر انکار و تکذیب مردم صبر کردند تا این که نصرت ما رسید تقدیرات در باره انبیا تغییر نمی‌کند داستان آنها به تو رسیده است (35) اگر این تکذیب و انکارها بر تو سخت می‌گذرد بین علاج آن چیست ثروت زیاد یا قدرت الهی آسمانی تا با تهدید و تطمیع آنها را به اطاعت درآوری اگر خدا بخواهد می‌تواند آنها را به اطاعت در آورد (تا حکومتی بر اساس ترس و طمع باشد) مبادا جاهلانه فکر کنی (36) کسانی که

حق را می شنوند و می فهمند دعوت تورا اجابت می کنند و در آینده خداوند مردگان به جهل و نادانی را نهضت فکری می دهد تا به حکومت خدا رجوع کنند (37) می گویند چرا آیات و معجزات براین پیغمبر نازل نمی شود بگو خدا قدرت دارد مرا به معجزات مجهز کند معجزات مردم را به عقل و دانش نمی رساند (دین باعقل پیش می رود) (38) جنبنده ای نمی جنبد پرنده ای پرواز نمی کند مگر این که امتی مانند شمایند ما از آن چه خلقت آن لازم بوده کوتاهی نکرده ایم عاقبت با پیدایش عقل و شعور تمامی امت ها در دایره حکومت خدا محشور می شوند (39) کسانی که آیات ما را تکذیب می کنند کرو لاند جاهلند خدا کسی را که طالب حق نیست گمراه می کند و آن که طالب حق است درصراط مستقیم حرکت می دهد (40) درست فکر کنید اگر عذاب خدا شما را فرا گیرد و ساعت قیامت برسد آیا دراین گرفتاری ها به غیر خدا پناهنده می شوید قضاوت کنید اگر راست می گوئید (41) دراین حالات فقط به خدا پناهنده می شوید از او خواهش و تنها دارید خدا بلارا از شما بر طرف می کند و آن را که شريك خدا ساخته بودید فراموش می کنید (42) ما پیش از

تو برای امت‌ها پیغمبران فرستادیم و در شعاع دعوت او مردم را در محاصره عذاب‌ها قرار دادیم شاید به هدایت آن پیغمبر برای نجات به‌ما پناهنده شوند (43) چرا وقتی در محاصره عذاب‌ها واقع شدند به‌سوی خدا ننالیدند به‌خدا پناه نبردند علاوه قساوت قلب پیدا کردند شیطان هم کفر و گناه رادر نظرشان جلوه داد (44) در پی این ابتلاآت و قساوت قلب غضب ما آنها را فرا گرفت درهای ثروت و نعمت و همه نوع لذت به‌روی آنها باز کردیم تا خوشی و غفلت آنها به نهایت رسید در این غفلت به‌ناگاه آنها را در عذاب شدید قرار دادیم به‌جای این که امیدوار شوند در یاس کامل واقع شدند. پاورقی 114 (45) راه و رابطه آنها با زندگی دنیا قطع شد خدا در این تقدیرات مستحق ستایش است (که تقدیراتش حکیمانه است) (46) به آنها بگو فکر کنند اگر خدا شنوایی و بینایی آنها را بگیرد و رابطه دل آنها را با خدا ببندد چه کسی می‌تواند آنچه سلب شده به‌آنها برگرداند بین چه خوب آیات خود را برای آنها روشن می‌کنیم باز هم سر به‌لاک خود می‌برند تا نفهمند (47) بگو فکر کنند اگر خدا عذاب خود را ناگهانی یا آشکارا بر آنها نازل کند کسی به‌جز ستمکاران هلاک می‌شود

(هلاکت مرگ بدون نتیجه است) (48) پیغمبران را برای این فرستادیم که نیکان را مژده دهند و بدکاران را بترسانند اهل ایمان و عمل صالح نترسند غم و غصه ای نداشته باشند (49) کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کنند بدانند که عذاب ما از خط فسق و فجور به آنها خواهد رسید (50) به آنها بگو من ادعا ندارم که خزائن ثروت و قدرت در اختیار من است نمی‌گویم که علم غیب دارم یا فرشته‌ام فقط از آنچه به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم مگر بینا و نابینا و دانا و نادان با هم برابرند چرا فکر نمی‌کنید (51) با تعلیمات قرآن کسانی را که عقیده دارند عاقبت به خدا رجوع می‌کنند بترسان کسانی که مولا و شفيعی به جز خدا ندارند شاید ازنا فرمانی خدا بپرهیزند (52) کسانی که دائم با خدا راز و نیاز دارند طالب رضای خدایند از خود مران تو مسئول اعمال آنها نیستی و آنها مسئول اعمال تو نیستند تا آنها را از خود برانی (53) ما برای پیدایش علم و فعالیت با ایجاد درجات و مراتب در مال و مقام بعضی را مبتلا به بعضی دیگر نموده‌ایم تا فروتران اعتراض کنند که چرا مقام آنها را بالا برده‌اند مگر خدا بندگان شاکر خود را نمی‌شناسد. پاورقی 115 (54) وقتی

که اهل ایمان به حضور می‌رسند به آنها سلام کن و مزدگانی بده که خداوند بر خود واجب نموده لطف و رحمت خود را به شما برساند هرکس از شما روی نادانی گناهی مرتکب شود و بعد توبه کند به راه صلاح و اصلاح درآید خدا مهربان است وعده مغفرت می‌دهد (55) ما این طور حقایق و راه حق و باطل را روشن می‌کنیم تا بی‌راهه روان از راهروان مشخص شوند (56) بگو من از پرستش کسانی که شما آنها را مرجع خود قرار داده‌اید ممنوع شده‌ام اگر از هوا و هوس شما پیروی کنم گمراهم و هرگز هدایت نمی‌شوم (57) بگو من در خط روشن روی بینه و برهان از پروردگارم حرکت می‌کنم که شما آن را تکذیب می‌کنید آخرتی را که شما با شتاب می‌طلبید به دست من نیست قضاوت به دست خدا است حق را می‌گویند و حق و باطل را از هم جدا می‌کند (58) بگو آنچه می‌خواهید اگر به دست من باشد کار من و شما به آخر رسیده است خدا ظالم را بهتر می‌شناسد (59) کلید درهای غیب به دست او است کسی جز او نمی‌داند آنچه در دریا و خشکی و در فکر عالم و جاهل است می‌داند برگ درختی ساقط نمی‌شود جز این که می‌داند

دانه ای و یا نطفه‌ای شکوفا نمی‌شود مگر این که می‌داند تر و خشکی نیست مگر که در کتاب خدا ثبت است پاورقی 116 (60) او است که شب‌ها جان شمارا می‌گیرد و از خراب‌کاری روز شما با خبر است باز فردا شمارا زنده می‌کند تا عمر معین به سر رسد و بعد از مرگ مرجع شما خدا است اعمال شمارا به شما گزارش می‌دهد (61) او قاهر و غالب محیط به بندگان است شمارا در حفاظت مامورین خود می‌گذارد تا که مدت مرگ برسد در این صورت مامورین جان او را می‌گیرند و کوتاهی نمی‌کنند (62) پس از مرگ به سوی مولای حق خود بر می‌گردید حکم به دست او است سریعاً به حساب شما می‌رسد (63) به آنها بگوچه کس شمارا از تاریکی دریا و صحرا نجات می‌دهد آنجا که مخفیانه یا آشکارا به خدا می‌نالید که اگر ما را از این مهلکه نجات داد شکر تو را به جا می‌آوریم (64) بگو از این بلا و هر بلائی فقط خدا شمارا نجات می‌دهد ولی شما بعد از نجات حق خدا را منظور نمی‌کنید (65) بگو خدا قدرت دارد از فضایی بالای سر شما (از حاکم) و یا از زیر پای شما (افراد تحت امر) عذاب نازل کند و یا شمارا گروه گروه نموده به جان یکدیگر

بیندازد بین چطور آیات خود را برای آنها روشن می‌کنیم شاید حقیقت را بفهمند (66) با این که این کتاب و این دین حق است قوم تو آن را تکذیب می‌کنند بگو من وکیل مدافع شما نیستم (67) هر کار خیری در جای خود ثبت است به زودی خواهید فهمید (68) وقتی که می‌بینی عده‌ای جاهل در آیات خدا مجادله می‌کنند از آنها اعراض کن تا بحث خود را عوض کنند و اگر هم نفس اماره تورا به فراموشی انداخت بعد از آگاهی اعراض کن هرگز با ظالم همراهی مکن (69) اهل تقوا و تقیه مسئول اعمال خود نیستند ولیکن به یاد خدا باشند تا تقوای آنها کامل‌تر شود. پاورقی 117 (70) کسانی که دین خود را به بازی گرفته و فریفته دنیا شده‌اند به خود واگذار دین و دعوت را به آنها برسان مبادا در کفر و گناه هلاک شوند که دیگر به جز خدا ولی و شفيعی نداشته باشند که خسارت آنها بابت تمام ثروت قابل جبران نباشد چنین افرادی در کفر و گناه نابودند آخرین نتیجه اعمال آنها شراب جوشان و عذابی دردناک است (71) بگو چرا سوای خدا از اشیاء و اشخاصی که نفع و ضرری ندارند خواهش و تمنا کنیم و بعد از هدایت خدا به کفر و گناه برگردیم مانند

کسی که اخلاص گران او را به هوا و هوس انداخته سرگردان ساخته‌اند هرروز عده‌ای او را به راه و مرامی دعوت می‌کنند که به دین و مرام ما بیا بگو هدایت درست هدایت خدا است ما مسلمانان تسلیم خدا پروردگار عالمیان هستیم (72) و دیگر این که با اقامه نماز رابطه خود را با خدا محفوظ داریم تقوا پیشه کنیم که همه ما اجباراً به سوی او محشور می‌شویم (73) او آسمان و زمین را به حق آفریده آنچه را بخواهد به محض خواستن شدن است گفته او حق است روزی که مردگان زنده شوند پادشاهی مخصوص او است عالم به غیب و شهود و حکیم و آگاه است (74) داستان ابراهیم را یادآوری کن که به پدرش آزر گفت آیا بت‌ها را به جای خدا می‌پرستی من تورا و قوم تورا در ضلالت و گمراهی می‌بینم (75) ما ابراهیم را به ملائکه خلقت و حکمت آشنا نمودیم تا به قدرت و عظمت خدا یقین پیدا کند (76) وقتی که شب بر او سایه افکند ستاره‌ای را دید گفت شاید همین ستاره خدا باشد اما وقتی که غروب کرد گفت خدائی را که پنهان می‌شود دوست نمی‌دارم (77) و باز چهره ماه را که دید می‌درخشد گفت شاید این خدا باشد اما وقتی که غروب کرد

گفت اگر خدا مرا هدایت نکند گمراه خواهم بود (78) و فردا که چهره درخشان خورشید را دید گفت این پروردگار من است که از آنها روشن تر است خورشید هم که غروب کرد گفت ای مردم من از این مظاهر شرك بي زارم (79) من به خدائي رو آوردم که آفریننده آسمانها و زمین است در دین خود مترقی هستم هرگز مشرك نخواهم بود (80) مردم با او به مجادله برخواستند که چرا دین آنها را رها می‌کند گفت شما درباره خدا با من بحث می‌کنید خدا مرا هدایت کرد من به مرام شرك شما کاری ندارم مگر که خدا بخواهد و امر کند که متعرض شما شوم علم خدای من همه چیز را فرا گرفته چرا متذکر حقیقت نمی‌شوید (81) چرا من از گمراهی شما ناراحت باشم با این که شما ناراحت نیستید از این که چیزی را که خدا به او حاکمیت نداده شريك خدا ساخته‌اید اگر می‌دانید بگوئید کدام يك از ما دو گروه به امنیت نزدیکتریم. پاورقی 118 (82) کسانی که ایمان به خدا می‌آورند و ایمان خود را به ظلم و گناه آلوده نمی‌کنند امنیت کامل دارند و هدایت می‌شوند (83) این مطالب حجت حقانیت است که به ابراهیم تعلیم دادیم و او را بر قوم خود حاکمیت دادیم درجات

هرکسی را که بخواهیم بالا می‌بریم خدا حکیم و دانا است (84) به او فرزندانمانند اسحاق و یعقوب دادیم همه را هدایت کردیم و نوح را هم قبل از آنها هدایت کردیم و از اولاد آنها داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را به‌دادن فرزندان نیکوکار پاداش دادیم (85) و همین‌طور زکریا و یحیی و عیسی و الیاس که همه از صالحین بودند (86) و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط همه آنها را براهل عالم برتری دادیم (87) و آباء و اجداد آنها و اولاد آنها و از برادران آنها افرادی را امتیاز دادیم و آنها را به‌راه راست هدایت کردیم (88) چنین است هدایت الهی که هرکس ازبندگان را بخواهد هدایت می‌کند به‌صلاح و تقوا می‌رساند اگر مشرک به‌خدا شوند از نتایج اعمال خود محروم می‌شوند. پاورقی 119 (89) آنها افرادی بودند که به‌آنها کتاب و حکمت و نبوت دادیم اگر این گروه مردم زمان کافر به‌آیات الهی شنوند به‌جای آنها اقوامی را می‌آوریم که ایمان بیاورند و دین خدا را یاری کنند (90) آنها اقوامی بودند که خدا آنها را هدایت کرد تو هم به‌هدایت آنها اقتدا کن به‌مردم بگو که در برابر این خدمات از شمامزدي نمی‌خواهم این قرآن کتاب

هدایت جهانیان است (91) کسانی که گفتند خدا دین و هدایتی نازل نکرده خدا را چنانکه شایسته او است نشناختند بگو کتاب تورات را چه کسی نازل کرد که برای مردم هدایت بود شما آن را به صورت کاغذ پاره‌ها درآوردید آنچه به نفع مال و مقام بود تبلیغ کردید و علوم اصلاح گر و عدالت پرور آن را کتمان نمودید در آن کتاب علومی به شما تعلیم شد که اجداد شما ندانستند توای پیغمبر من دین خدا را یاری کن و بگذار آنها به بازی خود مشغول باشند (92) و این قرآن هم کتابی است بابرکت آنچه حق و حقیقت است تصدیق می کند تا با این کتاب مکه و اطراف را تا انتها هدایت کنی از کفر و گناه بترسانی هر کس ایمان به آخرت داشته باشد قرآن را می پذیرد آنها کسانی هستند که نماز و رابطه خود را با خدا حفظ می کنند (93) چه کسی ظالم تر است از کسانی که به خدا دروغ می بندند یا می گویند خدا به ما وحی کرد با این که به آنها وحی نشده یا می گویند به زودی دین و کتابی مانند کتاب خدا نازل می کنیم اگر وضع و حال آنها را در سکران مرگ ببینی که فرشتگان جان آنها را می گیرند به آنها می گویند امروز در عذاب ذلت قرار می گیرید که خلاف

حق به خدا دروغ بستید با تکبر از اولیای خدا اعراض نمودید. پاورقی 120 (94) چطور شد که امروز لخت و عور مانند روز تولد در حاکمیت مقرر گرفتید آن مال و مقام که شما را به خیالات انداخته بود پشت سر انداختید کجایند پارتهای و رؤسای شما که آنها را به جای خدا و اولیاء خدا اطاعت نمودید رابطه شما با همه قطع شد و خواب و خیالات از کف شمارفت (95) او خدا است که حبوبات و هسته درختها را می شکافد (وهم چنین اسرار دلها را) و از اصول مرده زنده می سازد و زنده را به اصول مرده برمی گرداند این است خدای شما چرا خود را به ضلالت می کشانید. پاورقی 121 (96) صبح روشن را از فضا و علم را از جهل ظاهر می سازد شب را برای آرامش و روز را برای معاش بوجود می آورد ماه و خورشید و مظاهر حق را به حساب دقیق می گرداند این است هندسه خلقت و تربیت خدای غالب و توانا (97) اوکسی است که ستارگان فضا و یاعوامل هدایت را آفرید تادر تاریکی صحرا و دریا و تاریکی جهل به وسیله آنها هدایت شوید آیات قدرت و مظاهر علم را جدا جدا برای مردم روشن ساخته ایم (98) اوکسی است که شما انسانها را از یک طینت آفرید

پس از آن درمسیر ایمان به خدا بعضی استقرار یافتند و بعضی نا پایدار شدند ما آیات و حقایق را برای کسانی که عمیق فکر می‌کنند روشن ساخته‌ایم (99) و او کسی است که بارش باران از آسمان این همه نباتات و زراعت‌های سبز و خرم آفرید و این همه حبوبات با ترکیبات مختلف و از طلیعه درخت خرما خوشه‌ها با ثمرات نزدیک و باغ‌ها از انگور و انار و زیتون و میوه‌های شبیه و غیر شبیه به یکدیگر ایجاد کرد در بارش باران و پیدایش ثمرات فکر کنید (بارش باران علم و فضیلت از شجره وجود انسان به‌همین کیفیت) همه این‌ها برای اهل ایمان آیت الهی است (100) از طایفه جن برای خدا شریک تراشیده‌اند با این که آنها مخلوق خدایند و باز به‌جهل خود برای خدا پسر و دختر تراشیده‌اند خدا منزّه است برتر و بالاتر است از این وصف و تعریف‌ها که نموده‌اند (101) او بدون نقشه و بدون نمونه قبلی آسمانها و زمین را آفرید کجا مناسب او است که همسر و فرزندی داشته باشد هرچه هست آفریده و به‌همه چیز دانا است (102) این است پروردگار شما به‌جز او خدائی نیست هرچه هست آفریده او را عبادت کنید او وکیل تمامی موجودات است (103) چشم‌ها و

بصیرت‌ها او را فرا نمی‌گیرد بلکه او بصیرت‌ها را فرا می‌گیرد بی‌نهایت لطیف و آگاه است (104) به‌وسیله پیغمبر این همه برنامه دانش و بینش در اختیار شما قرار گرفته هر کس دانش و بینش پیدا کند به نفع او است و هر کس عقل و بصیرت را رها کند خود را به خطر انداخته است رسول خدا نگهبان شما نیست (105) ما قرآن را با توضیح و تفصیل بر تونازل کردیم تا بدانند همه از جانب خدا است و از خدا آموخته‌ای تا حقیقت را برای دانشجویان روشن کنیم (106) از آن چه به تو وحی می‌شود پیروی کن که خدایی به جز او نیست از مشرکین اعراض کن (107) اگر خدا بخواهد مانع شرك آنها می‌شود (مهلت دارند تا شرك را بفهمند) تو مامور محافظ و وکیل مدافع آنها نیستی (108) به خدای مشرکین و عقاید آنها توهین نکنید که آنها هم روی جهالت به خدا توهین می‌کنند ما اعمال و عقاید هر طایفه‌ای را در نظرشان جلوه داده‌ایم (مبادا از حرکت باز مانند) مرجع همه آنها خدا است آنها را از عقایدشان آگاه می‌کند. پاورقی 122 (109) قسم‌های موکد می‌خورند که اگر معجزه‌ای بیاوری ایمان می‌آورند بگو آیات و معجزات همه به امر خدا است چه می‌دانند که اگر

معجزه هم بیاوری ایمان نمی‌آورند (110) بینائی و دانائی آنها را در تحول و انقلاب قرار می‌دهیم تا حقیقتی را که در اولین مرتبه رها کردند دریابند و ما در مقدمه آنها را در حال طغیان کور کورانه رها می‌کنیم (111) اگر هم فرشتگان را بر آنها نازل کنیم یا مردگان با آنها سخن بگویند و یا همه چیز با آنها رو برو شود باز هم ایمان نمی‌آورند مگر که خدا بخواهد و لی بسیاری از مردم جاهل به حقیقت هستند (112) در برابر هر پیغمبری دشمنانی از جن و انس قرار گرفتند همه آنها با یکدیگر علیه آن پیغمبر تبلیغ می‌کنند خدا اگر بخواهد مانع کارشکنی آنها می‌شود آنها را رهاکن تا ثمره کذب و دروغ خود را ببینند (113) ما اهل کفر و گناه را در راه هدف‌های دنیائی آنها مجهز می‌کنیم تا کسانی که ایمان به خدا و آخرت ندارند بی‌هدف نباشند جذب سازمان آنها شوند و در آن راه مجهز و بعد به گمراهی خود واقف شوند (114) بگو آیا به‌جز خدا حکومتی اختیار کنم با این که خدا چنین کتابی با شرح و تفصیل نازل کرده هر کس از کتب آسمانی بهره‌ای داشته باشد می‌داند که قرآن حق است از جانب خدا است مبدا در حقانیت دین خود شك داشته باشی (115) کتاب

ناطق و صامت خدا در بیان حقایق و عدالت اجتماعی کامل است قابل تغییر نیست خدا شنوا و دانا است. پاورقی 123 (116) اگر از اکثریت مردم اطاعت کنی، تورا از راه خدا منحرف می‌کنند آنها اسیرظن و گمان خود هستند به حدس و تخمین کار می‌کنند (117) خداوند خودش گمراهان را بهتر می‌شناسد و به هدایت یافتگان دانا تراست (118) اگر به آیات خدا و حجت‌های او ایمان دارید از هر چیزی به نام خدا استفاده کنید (119) چرا از نعمت‌های خدا به نام خدا استفاده نمی‌کنید خدا آن چه حرام است مفصلاً بیان کرده است مگر که محتاج شوید که از حرام استفاده کنید بسیاری از مردم با هوا و هوس خود دیگران را گمراه می‌کنند خداوند تجاوزگران را بهتر می‌شناسد (120) گناه را چه ظاهری و چه باطنی ترک کنید کسانی که به گناه مشغولند عاقبت به نتیجه گناه مجازات می‌شوند (121) از آن چه به نام خدا نیست استفاده نکنید که فسق و گناه است شمارا به دایره شرک می‌کشاند شیاطین به یکدیگر سفارش می‌کنند تا با شما مجادله کنند که چه عیبی دارد سفره علی و معاویه یکی است اگر از آنها اطاعت کنید به کفر و

گناه کشیده می‌شوید (122) مگر کسی که مرده بود ما او را به روح ایمان و تقوا زنده نمودیم تا بتواند عالمانه و عادلانه زندگی کند مانند کسی است که در تاریکی جهل و نادانی به سر می‌برد که نمی‌تواند به جهل خود واقف شود زندگانی جاهلانه کفار در نظرشان جلوه کرده است (123) مادر هر شهر و دهی بزرگترین مجرم را به ثروت و قدرت رسانیدیم و امکانات به او دادیم تا آن چه بتواند علیه دین و اولیاء خدا فعالیت کند زیرا نتیجه فعالیت‌ها به خودش بر می‌گردد گرچه نمی‌داند (124) وقتی که با آیتی و معجزه‌ای روبه‌رو می‌شوند می‌گویند ایمان نمی‌آوریم مگر این که خودمان به این معجزه مجهز شویم خدا بندگان لایق خود را بهتر می‌شناسد که به آنها رسالت دهد به زودی مجرمین و جنایت‌کاران با مکر و سیاست خود به ذلت و عذابی سخت معذب خواهند شد (125) کسی را که خدا هدایت کند علم و استعداد او را وسعت می‌دهد و کسی را که گمراه کند آنچنان در مضیقه جهل قرار می‌گیرد که برای بیان کلمه‌ای مثل این است که با زحمت به آسمان می‌پرد پلیدی کفر و جهل کسانی را فرامی‌گیرد که ایمان به خدا

نمی آورند (126) این قرآن به رهبری امام معصوم راه راست به سوی بهشت است ما آیات کتاب خود را برای کسانی که بخواهند روشن کرده ایم (127) آنها در شعاع ولایت خدا باعمل صالح خود در دایره امن و سلامت قرار می گیرند (128) روزی که همه آنها را در دایره حکومت خود جمع کنیم به جنیان خواهیم گفت که تعداد شما از انسانها بیشتر است در این جا اولیاء آنها که انسانها بوده اند معذرت می خواهند که ای خدا ما از استثمار آنها بهره بردیم تا این که مدت مقدر ما به آخر رسید خدا فرمود عذر بدتر از گناه شما سودی ندارد آخرین محصول کفر و گناه شما آتش است مگر خدا بخواهد خدا حکیم و دانا است. پاورقی 124 (129) ما به این کیفیت از طریق عمل کفر و گناه اکثریت جاهل را در حاکمیت اقلیت ظالم قرار می دهیم (طبیعت جهل و گناه حاکمیت ظالم است) (130) ای گروه جن و انس مگر از خود شما پیغمبرانی نیامدند که آیات دعوت ما را با تفصیل برای شما بازگو کنند و از چنین روزی شما را بر حذر دارند می گویند آری به محکومیت خود گواهی می دهیم زندگی دنیا آنها را گول زد علیه خود گواهی دادند که کافر بوده اند (131) برای این که خداوند هیچ وقت

شهر و دهی را در حال غفلت به هلاکت نمی‌کشاند (132) هر يك از آنها از مسیر اعمالی که دارند به درجاتی نائل می‌شوند (133) پروردگار تو بی‌نیاز است منشا رحمت و برکت است اگر بخواهد مردم زمان را می‌برد و دیگران را به جای آنها می‌آورد همانطور که شما را از نسل دیگران بوجود آورد (134) آنچه به شما وعده می‌دهند آمدنی است نمی‌توانید خدا را از اراده خود باز دارید (135) بگو ای مردم شما در راه و روش خود فعالیت کنید من هم به راه و روش خود خواهی دانست عاقبت زندگی به نفع کیست روشن است که ظالم رستگار نمی‌شود (136) عرب‌های جاهلیت از محصول زراعت و چهار پایان خود سهمی برای خدا معین کردند به عقیده خود می‌گفتند این سهم برای خدا و این برای بت‌ها و بعد سهم بت‌ها را در راه خدا مصرف نمی‌کردند و سهم خدا را برای بت‌ها مصرف می‌کردند چه بد حکومت کردند که ضعف را استثمار می‌کردند (137) به این کیفیت روسای مشرکین قتل اولاد پیروان خود را در نظر آنها جلوه دادند تا آنها را در خواری و ذلت نگهدارند خرافات را در لباس دین جلوه دهند اگر خدا می‌خواست مانع این کار می‌شد و

لیکن بهتر دانست که آنها را در این خرافات آزاد بگذارد (تاشعور پیدا کنند) (138) و ترویج می‌کردند که این زراعت‌ها و چهارپایان ممنوع التصرف است طبق عقیده آنها باید به اجازه ما رؤسا مصرف شود و باز چهارپایان دیگر را به نام خدا ذبح نمی‌کردند تا برای ضعفا حرمت دینی پیدا کند سواری قسمت دیگری از چهار پایان را تحریم می‌کردند خدا به نتایج این دروغ بستن‌ها آنها را مجازات خواهد کرد (139) و جای دیگر می‌گفتند بچه شکم این چهارپایان مخصوص پسران ما است بر دختران و زنان حرام است و اگر مرده متولد شود زن و مرد در آن شریکند به زودی نتیجه این خرافات را خواهند چشید خدا حکیم و دانا است (140) چه قدر ضرر کردند کسانی که روی جهالت فرزندان خود را به ناحق کشتند و با دروغ بستن به خدا روزی خدا را بر خود حرام نمودند آنها گمراه شده بودند هدایت نیافته بودند (141) خدا کسی است که این همه باغ‌های انبوه و غیرانبوه آفرید درخت خرما و زیتون زراعت‌ها و خوراکی‌های مختلف و انار شبیه و غیرشبیه از این میوه‌ها وقتی که پخته می‌شود استفاده کنید و روز چیدن حق فقرا را بدهید نعمت خدا را اسراف نکنید که خداوند

اسراف گران را دوست نمی‌دارد (142) از چهارپایان دوگروه برای بار بری و سواری آفرید از روزی‌های خدا استفاده کنید از شیاطین پیروی ننمائید که عداوت او روشن است (143) هشت جفت از حیوانات حلال گوشت به شما معرفی می‌شود میش یک جفت نر و ماده بز یک جفت نر و ماده بگو خدا نرها را حرام نموده یا ماده‌ها را یا بچه ماده‌ها را اگر راست می‌گوئید عالمانه بگوئید (144) از شترها یک جفت نر و ماده گاو ها یک جفت نر و ماده بگو کدام یک از این حیوانات را حرام نموده نرها را یا ماده‌ها را یا بچه شکم ماده هارا شما عرب‌های جاهلیت کجا بودید که خدا شما را به این حلال و حرام‌ها وصیت کند چه کسی ظالم تراست از کسی که با طرح بدعت‌ها دروغ به خدا می‌بندد تا بدون علم مردم را گمراه کند خدا ظالم را هدایت نمی‌کند (145) به مردم بگو از آیات و احکامی که به‌من وحی شده خوراکی را نمی‌بینم که حرام کرده باشد مگر که مردار یا خون یا گوشت خوک باشد این محرمات شما را پلید می‌کند یا به فسق و گناه می‌کشاند خوراکی است که غیر خدا را به‌نمایش می‌گذارد اگر کسی بدون طمع و تجاوز به اضطرار از آنها استفاده کند مانعی

ندارد پروردگار آمرزنده و مهربان است (146) هر حیوانی که پنجه و ناخن داشته باشد بر یهودیان حرام کردیم پیه شکم گاو و گوسفند را هم بر آنها حرام کردیم مگر چربی‌های داخل پشت و اطراف آن و مخلوط با استخوان تحریم پیه شکم کیفر حرص و تجاوز آنها بود و الا ما خلاف حقیقت نمی‌گوئیم که تحریم طیبات باشد (147) اگر تورا تکذیب کردند بگو لطف و رحمت پروردگار شما فراگیر است غضب او از مجرم و گناه‌کار برگشت ندارد (148) مشرکین بهانه می‌آورند که اگر خدا می‌خواست ما و اجداد ما مشرک نمی‌شدیم و چیزی را خلاف مشیت خدا تحریم نمی‌کردیم پیشینیان آنها هم چنین بهانه‌ها آوردند و عاقبت عذاب ما را چشیدند بگو اگر دلیل بر این مدعا دارید بیاورید شما از شك و گمان خود پیروی می‌کنید این طور حدس می‌زنید (149) خدا حجت‌های بالغه دارد اگر بخواهد همه را هدایت می‌کند (ولیکن آزاد می‌گذارد تا همه را بیازماید) (150) به این بدعت‌گذاران بگو گواهانی که گواهی می‌دهند خدا چنین محرماتی دارد بیاورید اگرهم گواهی دادند قبول نکن که دروغ می‌گویند از هوا و هوس کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کنند ایمان به آخرت ندارند

پیروی مکن آنها برای خدا شریک و عدیل می‌تراشند (151) بگو بیائید آن چه پروردگار برایتان حرام کرده بیان کنم اول این که شرک به خدا نیاورید به پدر و مادر احسان کنید اولاد خود را از ترس روزی نکشید روزی شما و آنها به دست خدا است به فحشاء و منکر آشکارا و یا مخفیانه نزدیک نشوید کسی را که خدا به او حق حیات داده نکشید این دستورات سفارش پروردگار شما است شاید به عقل خود دریابید (152) به مال یتیم جز به کیفیتی که بهتر است نزدیک نشوید تا زمانی که به رشد کافی برسد به کیل و ترازوی خود وفا کنید خدا کسی را جز برابر استعداد مکلف نمی‌کند عادلانه قضاوت کنید گر چه خویشاوند باشد به عهد و پیمان وفا کنید خدا شما را چنین سفارش می‌کند شاید حقیقت را درک کنید (153) راه قرآن به هدایت حجت خدا راه راست است شما را بدون زحمت به سعادت می‌رساند از آن پیروی کنید به راه های دیگر نروید که شما را در برهوت جهل متفرق نموده از دین خدا جدا می‌کند خدا شما را به این دستورات وصیت می‌کند شاید تقوا پیدا کنید (154) به موسی هم کتابی دادیم کامل به کیفیتی هر چه بهتر با شرح و تفصیل

مايه رحمت و هدايت شايد ايمان به روز لقاء الله پيدا کنند (155) اين قرآن هم کتابي است با برکت از آن پيروي کنيد تقوي پيشه نماييد شايد لطف خدا شمارا فراگيرد (156) نگوئيد کتاب خدا مخصوص دو طائفه اهل کتاب است وما از درس و هدايت آن محروميم (157) نگوئيد اگر کتاب خدا بر ما نازل مي شد از آنها بهتر هدايت مي شديم بينه و برهان از جانب خدا براي شما نازل شد مايه هدايت و رحمت چه کسي ظالم تر است از کسي که آيات خدا را تکذيب مي کند به همين زودي کساني را که از آيات ما اعراض مي کنند به عذابي سخت معذب مي کنيم که نتيجه کفر آنها است (158) مگر بيشتر از اين انتظار مي کشند که فرشتگان يا پروردگار تو نازل شوند يا بعضي از آيات پروردگار ظاهر شود روزي که بعضي آيات پروردگار ظاهر شود ايمان کسي که تا آن روز ايمان نياورده يا در ايمان خود کار خيري انجام نداده باشد سودي ندارد بگو در انتظار آن روز باشيد که ما هم در انتظاريم (باقيام امام زمان توبه قبول نيست) .پاورقي 125 (159) کساني که دردين خدا تفرقه اندازي مي کنند گروه گروه مي شوند بهره اي ازدين تو ندارند عاقبت کارشان با خدا است

در آخرت از نتایج تفرقه اندازی خود آگاه می‌شوند (160) کسی که کار خیری انجام دهد برابر اجر می‌برد و عامل شر برابر شر خود مجازات می‌شود به آنها ستم نمی‌شود (161) بگو خدا مرا به راه راست هدایت فرموده دین پایدار روش ابراهیم خلیل دین مترقی‌او ابراهیم از مشرکین نبوده است (162) بگو نماز من روش‌ها و عبادت‌های من موت و حیات من همه برای خدا پروردگار عالمیان است (163) شریکی برای او نیست من به اطاعت او مامورم اولین مسلمانم (164) بگو آیا به جز خدا خدای دیگری بجویم او پروردگار همه چیز است به حکم او هرکسی مسئول اعمال خویش است هیچ مسئولی بار مسئولیت دیگری را قبول نمی‌کند بازگشت همه به سوی خدا است شمارا به اختلافاتان آگاه می‌کند (165) او شمارادر زمین خلیفه خود قرارداده بعضی از شمارا بر بعضی برتری داده تا با این برتری‌ها شمارا بیازماید و تعلیم دهد پروردگار سریعاً به حساب و عقاب شما می‌رسد و درعین حال آمرزنده و مهربان است

سوره اعراف

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) الم حروف مفرده در قرآن ناظر به حروف خلقت در آفرینش است، کلمات تدوین در قرآن مثل کلمات تکوین در آفرینش است. همانطور که حروف تهجی مبادی الفاظ است، حروف تکوین یعنی اصول خلقت هم مبادی مخلوقات است (2) قرآن کتابی است که بر تو نازل می‌شود در تبلیغ و انذار آن حوصله‌ات سر نیاید این قرآن برای مومنین مبدا علم و حکمت است (3) شما مردم همه جا از کتابی که نازل می‌شود پیروی کنید به‌جز قرآن و ولایت از کسی اطاعت نکنید چقدر کمندکسانی که حقیقت را درک می‌کنند (4) چقدر زیاد شهر و روستا که محکوم به هلاکت شدند عذاب ما نیمه شب و یاروز بر آنها فرود آمد (5) و قتی که بلای ما بر آنها نازل شد، سخنی نداشتند جز این که گفتند ما ظالم و گناهکار بودیم

(6) البته مردم و پیغمبران که مامور هدایت بوده‌اند مسئول و ظایف خود خواهند بود (7) اعمال و نتایج آن را مو به‌موبه آنها بازگو خواهیم کرد تا بدانند که از کردار آنها غافل نبوده‌ایم (8) ترازوی اعمال در قیامت کلمه حق است عمل هر کس سنگین وزن درآید رستگار خواهد بود (9) و سبک وزن‌ها کسانی هستند که به خود خسارت زده‌اند و به رسولان ما ستم کرده‌اند (10) ما این همه امکانات در زندگی برای شما فراهم کردیم و این همه وسائل معاش خیلی کم حق خدا را منظور می‌دارید (11) شما از خاک آفریدیم و با علم و اخلاق صورت زیبا به شما دادیم فرشته‌ها را امر به سجده نمودیم همه فرشتگان بجز ابلیس سجده نمودند (انسانهای بد تسلیم اولیاء الله نمی‌شوند) پاورقی 126 (12) به او گفتیم چه مانع شد که آدم را سجده کنی گفت من از او به‌ترم مرا از آتش و او را از خاک آفریدی (ندانستند که شیاطین مانند آتش می‌سوزانند و پیغمبران مانند خاک و گل می‌پرورانند) (13) خداوند به او فرمود به سقوط گاه برو فضای دین خدا جای تکبر نیست از این مکتب خارج شو خوار و ذلیل باش (14) آنها به‌زبان حال خواهش کردند که ما تا روز

قیامت مهلت داشته باشیم (شیطنت مهلت دارنده شیطان سادگی انسان جاهل عامل مهلت بود) (15) خدا فرمود تو مهلت داری (16) (شیطان ها گناه محرومیت خود را به گردن خدا انداختند و گفتند) حالا که ما را اغوا نمودی ما هم کمین می کنیم تمامی آنها را اغوا می کنیم (17) با تطمیع و تهدید از چپ و راست آنها را محاصره می کنیم نمی گذاریم تورا عبادت کنند آنها را به گمراهی می کشانیم (18) خدا فرمود از این فضای قد است خارج شوید مذموم و مطرود باشید جهنم را از شما و پیراوانتان پر خواهیم کرد (شیاطین قابل شناسائی یکی هوای نفس است و دیگر رفیق بدجنس و منظور از ابلیس جنس شیطان است که کثرت دارند) (19) خدا به آدم گفت تو و همسرت در بهشت باشید آزادانه هر جا می خواهید بروید و هرچه می خواهید بخورید فقط به این شجره هوای نفس نزدیک نشوید که درظلمت واقع می شوید (هوای نفس تاریک است) (20) شیطان آنها را وسوسه کرد تا با معصیت صفات بدنفس اماره را آشکار سازد گفت به این منظور شما را از این شجره نهی کرده اند که در شأن فرشتگان نباشید که دائم در بهشت بمانید (21) شیطان قسم خورد که

من شمارا نصیحت می‌کنم (22) آنها را به گناه مغرور کرد وقتی به هوای نفس نزدیک شدند عیوب نفسانی آنها آشکار شد فوری خود را به صفات اهل بهشت جلوه دادند خدا به آنها فرمود مگر شمارا از نزدیکی به این شجره نهی نکردم نگفتم شیطان دشمن بزرگ شماست (23) آدم و حوا گفتند پروردگارا به خود ستم کردیم اگر شعور ما را بالا نبری و رحم نکنی زیانکاریم (24) خدا فرمود در این هبوط فکری باشید کارتان جنگ و نزاع است محل زندگی شما تا آخر عمر همین زندگی دنیا است (25) در همین زندگی متولد می‌شوید و بعد می‌میرید و از همین زندگی در قیامت مبعوث می‌شوید (این زندگی بین تولد و مرگ کلاس درس است) (26) ای بنی آدم برای شما لباسی آوردم که عیب شمارا می‌پوشد و لباسی که زیبایی شما باشد اما لباس تقوا که عیب اخلاقی شمارا می‌پوشد بهترین است لباس تقوی آیت بزرگ خدا است شاید حقیقت را درک کنید (27) ای بنی آدم شیاطین شمارا گول نزنند چنان که پدر و مادر شمارا از بهشت بیرون کردند لباس تقوا از تن آنها کردند عیوب آنها را آشکار نمودند شیاطین از سادگی شما باخبرند شما از زرنگی آنها بی‌خبر

شیاطین بر کسانی مسلط می‌شوند که ایمان به خدا ندارند (28) کسانی که وقتی گناهی مرتکب می‌شوند می‌گویند پدر و مادر ما چنین بوده‌اند خدا چنین امر کرده و چنین خواسته است بگو خدا امر به فحشا و منکر نمی‌کند چرا جاهلانه به خدا دروغ می‌بندید (29) بگو پروردگار من به قسط و عدالت امر می‌کند و امر می‌کند که در مساجد حاضر شوید از او خواهش و تمنا کنید دین خود را برای او خالص نمائید او همانطور که شما را آفریده دومرتبه به زندگی برمی‌گرداند (30) عده‌ای هدایت شدند و عده‌ای در ضلالت ماندند در ولایت شیاطین قرار گرفتند خیال کردند هدایت شده‌اند (31) ای بنی آدم با جلال و جمال در مساجد شرکت کنید از نعمت‌های خدا بهره‌مند شوید اسراف ننمائید که خدا اسراف‌گران را دوست نمی‌دارد (32) بگو چه کسی زینت‌های مادی و معنوی خدا را بر بندگان حرام کرده است بگو مالک اصلی این نعمت‌ها در دنیا مومنین هستند که در قیام امام زمان خالص در اختیار آنها قرار می‌گیرد ما این طور آیات قرآن را با تفصیل برای دانشمندان بیان می‌کنیم. پاورقی 127 (33) بگو پروردگار من اعمال فحشا و منکر را چه مخفی چه

آشکار حرام فرموده است و هم چنین تجاوز را و یا اطاعت از کسی و چیزی که خدا به او حاکمیت نداده و یا دروغ و اباطیل خود را به خدا نسبت دهد (34) هر امتی تا روز معینی حق حیات دارد وقتی که مدت سر رسید ساعتی تقدیم، تاخیر ندارد (35) ای فرزندان آدم وقتی که پیغمبران از شما آیات ما را تلاوت کنند بدانید هرکس به دستور آنها تقوا پیشه کند و اعمال خود را اصلاح نماید در آینده خود خوفی و غم و غصه ای نداشته باشد (36) کسانی که آیات ما را تکذیب می کنند و خود را از پیغمبران برتر می دانند حتما در مسیر ورود به آتشند جهنم جای ابد آنهاست (آخرین نتیجه عمل کفار ظهور آتش هسته ای است که در حکومت امام زمان به خودشان بر می گردد و جهنمشان می شود) (37) چه کسی ظالم تر است از کسی که به خدا دروغ ببندد یا آیات خدا را تکذیب کند آنها بهره دنیائی خود را می برند تا این که مامورین ما برای قبض روح آنها را فرا می گیرند می گویند با این پرونده شرك و كفر كجا بودید می گویند اختیار از دست ما خارج شد علیه خود گواهی می دهند که کافر بوده اند (38) به آنها می گویند همراه برادران خائن خود وارد جهنم شوید

هر گروهی از آنها که داخل می‌شوند گروه قبلی خورا نفرین می‌کنند تا در انتها که همه باهم جمع شوند به پیروان خود می‌گویند که پروردگارا آن گروه اول ما را گمراه کردند عذاب آنها را دو برابر کن به آنها می‌گویند عذاب هر یک از شما دو برابر است ولی شما نمی‌دانید (39) گروه اول گمراه کننده به پیروان خود می‌گویند شما از ما بهتر نبوده‌اید نتیجه اعمال خود را بچشید (همه با هم درساخت جهنم همکاری داشته‌اند) (40) کسانی که پیغمبران ما را تکذیب نمودند خود را برتر از آن دیدند که اطاعت کنند هرگز درهای رابطه با خدا و بهشت به روی آنها باز نمی‌شود مگر که شتر از سوراخ سوزن عبور کند مجرم چنین مجازات می‌شود (دین خدا و اطاعت انبیا مانند سوراخ سوزن است و کفار متکبر مانند شتر مست که ورود آنها به این راه ممکن نیست) (41) مهد تربیت آنها جهنم‌سازی است از طرف اولیای خود به جهنم کشیده می‌شوند پاداش قهری و طبیعی ظالم همین است (42) و اما آنها که اهل ایمان و عمل صالحند (که ما جز برابر استعداد کسی را مکلف نمی‌کنیم) آنها تا ابد در زندگی بهشتی خواهند بود (43) ماصفات بد غیرانسانی را از وجود آنها

می‌زدائیم مجهز به قدرت‌هایی می‌شوند که از آن نهر نعمت و لذت جریان پیدا می‌کند می‌گویند الحمد لله که خدا ما را به این زندگی بهشتی هدایت کرد اگر خدا ما را هدایت نمی‌کرد هرگز هدایت نمی‌شدیم پیغمبران ما به حق مبعوث شدند در این جا فرشتگان می‌گویند مرحبا به شما با عمل صالح خود وارث بهشت شده‌اید (44) اهل بهشت اهل آتش را صدا می‌زنند که ما وعده خدا را به حق یافتیم آیا شما هم وعده خدا را به حق دریافت کردید می‌گویند آری در این جا اعلام می‌شود که لعنت حق برستمکاران (45) همانها که مردم را از راه خدا باز داشتند دین خدا را غلط می‌دانستند و کافر به زندگی آخرت بودند (46) بین اهل بهشت و جهنم حجابی از جهل و نادانی پیدا است طایفه‌ای در وضعی بین اهل بهشت و جهنم هستند که هر دو گروه را در وضعیت بد و خوب خود می‌شناسند به اهل بهشت تبریک می‌گویند و سلام می‌دهند امیدوار به زندگی بهشتی هستند اما هنوز داخل نشده‌اند (47) و گاهی هم اهل جهنم را می‌بینند از خدا خواهش می‌کنند که پروردگارا ما را با ستمکاران محشور مکن (48) این گروه که اصحاب اعراف

شناخته می شوند به بعضی جهنمی‌ها که آنها را می شناسند می‌گویند آن همه ثروت و قدرت که داشتید کجا رفت که به حال شما سودی نبخشید (49) همین بهشتی‌ها بودند که شما قسم می‌خوردید که آنها بدبخت اند خیری از خدا به آنها نمی‌رسد رو به طرف بهشتیان صدا می‌زنند که آی بهشتی‌ها بهشت گوارایتان باد خوفي و غم و غصه‌ای نداشته باشید (50) دراین جا جهنمیان بهشتیان را صدا می‌زنند که می‌شود قدری آب یا روزی‌های دیگری که خدا به شما داده به ما برسانید جواب می‌دهند که خدا این روزی‌ها را بر کفار حرام کرده است. پاورقی 128 (51) همان‌ها که دین خود را به بازی گرفتند و زندگی دنیا آنها را مغرور کرد ما آنها را فراموش کردیم همان طور که آنها چنین روزی را فراموش کردند و منکر آیات مابودند(خدا چیزی را فراموش نمی‌کند اما اگر انسان خدا را فراموش کرد از فیض رحمت خدا بهره نمی‌برد، مثل این است که خدا او را فراموش کرده است) (52) ماکتابی مانند قرآن توام با علمی مفصل و روشن که برای اهل ایمان هدایت و رحمت بود در اختیار آنها قرار دادیم (53) مگر بیشتر از این انتظار دارند که روزگار تاویل

(حکومت قرآن) فرا رسد روزی که حکومت قرآن به وسیله امام زمان فرا رسد ندامت و حسرت کسانی را که دین خدا را فراموش کردند فرا می‌گیرد می‌گویند پیغمبران به حق مبعوث شدند آیا کسی هست که از ماشفاعت کند یا این که به زندگی دنیا برگردیم و خلاف آنچه بودیم عمل کنیم آنها خود را به خسارت انداخته اند و آن وسیله های خلاف حقیقت که داشته‌اند از اختیار شان خارج شده است. پاورقی 129 (54) پروردگار شما کسی است که آسمان و زمین (ویا دوران تکامل بشریت را) درشش دوره آفرید و بعد درعرش حاکمیت بر بشر و همه کائنات قرار گرفت شب وروز و یا دوران حق و باطل را بر یکدیگر می پوشاند که سریعا درپی یکدیگرند خورشید و ماه و ستارگان و یا دانشمندان مسخر قدرت او هستند آفرینند گی و فرماندهی با او است پروردگار عالمیان با برکت و رحمت است. پاورقی 130 (55) مخفیانه و آشکار با خدا در حال تضرع و خواهش و نیایش باشید که او سرکشان و متکبران را دوست نمی دارد (56) درجامعه، بعد از این همه صلاح و اصلاح، مفسده پیا ن کنید در حال خوف و طمع از خدا خواهش و تمنا کنید لطف و رحمت خدا به نیکو کاران

نزدیک است (57) او کسی است که بادهای و یا حوادث را نمایشگر رحمت خود قرار داده بادهای ابرهارا متراکم و بارور می‌سازد (حوادث هم انسان را رشد می‌دهد) ابرهارا به سر زمین‌های خشک می‌رانیم و باران را ریزش می‌دهیم این همه خیرات و برکات از آن ظاهر می‌کنیم مردگان را هم به همین کیفیت زنده می‌کنیم شاید باین تحولات حقیقت را دریابید (58) در این رابطه زمین و استعداد انسان پاک ثمرات خود را به اذن خدا ظاهر می‌سازد اما زمین و زمینه‌های نامناسب بارنج فراوان ثمرات کمی دارند ما برای کسانی که شاگردان واقعیت‌ها را روشن می‌کنیم (59) مانوح را به سوی قوم خود رسالت دادیم او به قوم خود گفت خدایا بپرستید که جز او خدایی نیست می‌ترسم در اثر شرک به عذاب بزرگ معذب شوید (60) سران قوم گفتند ما تورا درگمراهی می‌بینیم (61) نوح گفت که ای قوم من گمراه نیستم رسولی هستم از جانب پروردگار عالمیان (62) رسالت الهی را به شما ابلاغ می‌کنم شما را نصیحت می‌کنم من به لطف خدا مسائلی را می‌دانم که شما نمی‌دانید (63) شما تعجب می‌کنید که از جانب خدا یک نفر از شما رسالت پیدا

کند به شما آگاهی دهد و از عاقبت گناه بترساند تا شما تقوا پیشه کنید شاید لطف خدا شما را فرا گیرد (64) آنها نوح را تکذیب کردند و ما او را با قومش به وسیله کشتی از طوفان نجات دادیم و کسانی که آیات ما را تکذیب نمودند غرق نمودیم که قومی کر و کور بودند (65) به سوی قوم عاد هم برادرشان هود را رسالت دادیم او گفت مردم خدا را بپرستید که جز او خدائی ندارید چرا از شرک و گناه نمی ترسید (66) گروهی از سران قوم او که کافر بودند گفتند تورا چنان می بینیم که عقل خود را از دست داده‌ای و یا این که دروغ می گوئی (67) جواب داد که من سفیه نیستم بلکه رسول پروردگار عالمیانم (68) رسالت الهی خود را به شما ابلاغ می‌کنم نصیحت گرو امین شما هستم (69) تعجب ندارد که فرمان خدا به مردی از شما برسد و شما را هدایت کند یادتان باشد که شما به جای قوم نوح نشسته‌اید از آنها قدرت و وسعت گرفته‌اید به یاد نعمت‌های خدا باشید شاید رستگار شوید (70) قوم گفتند آمده‌ای که ما را وادار کنی خدای واحد را بپرستیم خدایان اجدادی خود را رها کنیم آن وعده‌ها که از خدا می‌دهی ظاهر کن اگر راست می‌گوئی (71) هود پیغمبر گفت پلیدی

کفر و گناه شمارا فرا گرفته غضب خدا شمارا احاطه نموده به حمایت از این اسمائی که شما و پدرانتان ساخته‌اید بامن بحث می‌کنید این بت‌ها و بت سازان حجتی ندارند منتظر کیفر الهی باشید که من هم منتظرم (زیرا نتایج کفر و ایمان حتمی است) (72) ماهود و همراهان او را به لطف و رحمت خود نجات دادیم و کسانی را که ایمان نیاوردند و آیات ما را تکذیب نمودند هلاک نمودیم (73) و بعد به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را رسالت دادیم او به قوم خود گفت خدارا بپرستید که به جز او خدائی ندارید از جانب خدا بینه و برهان به شما رسیده این شتر خدا است که به معجزه ظاهر شده بگذارید بچرد به شما برکت می‌دهد آن را آزار ندهید که عذاب الهی شمارا احاطه می‌کند (74) به یاد لطف خدا باشید که شمارا وارث سرزمین قوم عاد نمود امکانات به شما داد تاروی تپه های بلند با تراش کوه‌ها و تپه‌های نرم قصرها و خانه‌ها ساختید نعمت‌های خدا را یاد آوری کنید زندگی سالم را به فساد نکشانید (75) سران متکبر قوم به ضعف از مومنین گفتند شما عقیده دارید که صالح از جانب خدا رسالت دارد گفتند آری ما به رسالت او ایمان داریم (76) مستکبرین قوم

گفتند ما به رسالت کسی که شما ایمان دارید کافریم (77) در نتیجه ناقه صالح را که آیت الهی بود کشتند و از فرمان خدا سر کشیدند جسورانه به صالح پیغمبر گفتند عذابی که ما را با آن تهدید می‌کنی ظاهر کن اگر از پیغمبران هستی (78) عذاب الهی (رعشه و رجفه) آنها را فرا گرفت به صورت جسمی بی جان روی زمین افتادند (79) صالح از کنار آنها گذشت و گفت من رسالت الهی خود را به شما ابلاغ نمودم شما را نصیحت کردم ولیکن شما به نصیحت گران اعتنا نکردید (80) و داستان لوط پیغمبر که به قوم خود گفت عمل زشتی مرتکب می‌شوید که سابقه ندارد (81) به جای زنان با مردان رابطه پیدامی کنید قومی بی‌حیا و اسراف‌گرید (82) قوم بی‌حیا جوابی نداشتند جز این که گفتند این خانواده را از شهرتان بیرون کنید که خلاف رای ما در خط پاکی و طهارت فعالیت دارند (83) مالوط و خانواده‌اش را از حشر با آنها نجات دادیم مگر زنش را که در حشر و عذاب آنها گرفتار شد (84) زیر باران سنگ و خاک آنها را هلاک نمودیم ببینید عاقبت زندگی بدکاران به کجا می‌کشد (85) و داستان قوم شعیب که او را به سوی اهل مدین رسالت دادیم به

آنها گفت خدا را بپرستید که جز او خدائی ندارید من باینه و برهان به سوي شما آمده‌ام کیل و میزان خود را کامل بدهید از کالای مردم کم نکنید زندگی مردم را بعد از اصلاح به فساد نکشانید راه و روش من برای شما بهتر است اگر ایمان به خدا بیایید (86) سر راه عبور مردم ننشینید که عابری را بترسانید یا آنها را از راه خدا باز دارید و دین خدا را به غلط تعریف کنید به یاد نعمت خدا باشید که عده شما کم بود خدا شما را زیاد کرد فکر کنید سرنوشت بدکاران به کجا می‌کشد (87) اگر طایفه‌ای از شما ایمان آوردند و طایفه‌ای ایمان نیاوردند صبر کنید تا خدا بین ما و آنها قضاوت کند خدا بهترین حکم‌کنندگان است (88) گردنکشان متکبر صدا زدند شعیب تو را و پیروان تو را از این شهر اخراج می‌کنیم مگر این که به دین ما درآئید شعیب گفت چگونه به دین شما درآیم که آن را باطل دانسته‌ام (89) اگر به دین شما درآیم به خدا دروغ بسته‌ام بعد از آن که خدا ما را از کفر نجات داده درست نیست که دو مرتبه به هلاکت بر گردیم مگر این که خدا بخواهد علم پروردگار من محیط به همه چیز است ما به خدا توکل داریم پروردگارا بین ما و این قوم گشایشی مرحمت فرما تو بهترین

گشایش‌گر هستی (90) سران قوم پیروان شعیب را تهدید کردند که اگر شما از او پیروی کنید ضرر خواهید کرد (91) در نتیجه عذاب رجفه آنها را فرا گرفت و در شهر و دیار خود لش مرده‌ای به زمین افتادند (92) کسانی که شعیب را تکذیب کردند مثل این که از زندگی بهره نگرفتند کسانی که شعیب را تکذیب کردند ضرر کردند (93) شعیب از روی نعلش آنها به بی‌اعتنائی گذشت و گفت من رسالت الهی را به شما ابلاغ کردم شما را نصیحت کردم چرا برای قوم کافر متأثر باشم (94) ما هیچ وقت به شهر و دیاری رسولی نفرستادیم جز این که آنها را در محاصره بلا و شدت قرار دادیم شاید به‌خدا پناهنده شوند (اما آنها تضرع نمودند و پناهنده به‌خدا نشدند) (95) بعد حال بد آنها را تبدیل به آسایش نمودیم تا این که آثار بلا محو شد آنها به‌جای شکرگذاری خدا گفتند دنیا همین است گذشتگان ما هم به این بلاها مبتلا شدند (نفع و ضرر خود را به خدا مربوط ندانستند) بعد ناگهانی آنها را هلاک نمودیم که نفهمیدند چه بود و چه شد. پاورقی 131 (96) اگر اهل بلاد ایمان به خدا بیاورند و تقوا پیشه کنند ما درهای خیر و برکت را از زمین و آسمان

به روی آنها باز می کنیم و لیکن دین خدا را تکذیب نمودند ما هم در اثر کفر و گناه آنها را هلاک نمودیم (97) چرا اهل شهر و روستا خود را در امن و امان می دانند شاید نیمه شبی در حال خواب در محاصره بلا واقع شوند (98) به چه دلیل خود را در امن و امان می دانند که شاید نیمه شبی یاروز در حال بازی عذاب ما آنها را فرا گیرد (99) چرا از مکر خدا در امن و امانند فقط کفار که خدا را نمی شناسند خود را در امن و امان می دانند (ولی اهل ایمان به لطف خدا امیدوارند) (100) کسانی که جای گذشتگان نشسته اند خبر ندارند که اگر بخواهیم آنها را به سر نوشت گذشتگان مبتلا می کنیم عقل و آگاهی را از آنها می گیریم تا نتوانند حقیقت را درک کنند (101) ما داستان گذشتگان را برای تو بازگو می کنیم این همه پیغمبران به سوی آنها آمدند ولی آنها به خدائی که قبلا کافر شده بودند ایمان نیاوردند خدا این طور در های عقل و شعور را به روی آنها می بندد (حب دنیا جای خدا را در دل آنها می گیرد) (102) اکثر آیندگان مانند گذشتگان عهد الهی را رعایت نکردند اکثریت فاسق و فاجر شدند (103) بعد از آنها موسی را با آن همه معجزات به سوی

فرعون و قوم او مامور کردیم آنها به رسولان ما ستم کردند بین عاقبت کار مفسدین به کجا کشید (104) موسی به فرعون گفت من رسول پروردگار عالمیان هستم (105) شایسته من است که جز حقیقت به خدا نسبت ندهم من با بینه و برهان از جانب پروردگار آمده‌ام بنی اسرائیل را از قید بردگی خود آزاد کن (106) فرعون گفت اگر راست می‌گوئی از پروردگار معجزه داری ظاهر کن بینم (107) موسی عصای خود را انداخت به‌ناگاه از دهنش بزرگی شد (108) دست خود را از یقه‌اش بیرون کشید چون خورشید روشنائی داد (109) سران قوم که به وحشت افتاده بودند گفتند عجب ساحری است دانا و توانا است (110) می‌خواهد با سحر خود ما را از این سرزمین اخراج کند شورا گرفتند که تکلیف چیست (111) رای آنها بر این قرار گرفت که او را مهلت دهیم دستور بده ساحرها را از همه جا جمع کنند (112) فرمان صادر کن تمامی ساحرهای دانا و توانا حاضر شوند (113) طبق فرمان تمامی ساحرها حاضر شدند گفتند اگر ما پیروز شدیم اجر و پاداشی داریم (114) فرعون گفت آری علاوه همه شما مقرب خواهید بود (115) در حضور آن همه تماشاچی

مسابقه شروع شد به موسی گفتند تو اول هنرنمایی می کنی یاما اول باشیم (116) موسی گفت شما اول باشید آنها سحر خود را به نمایش گذاشتند آن چنان چشم مردم را سحر کردند که به خیالشان آمد ریسمانها و عصاها در حرکت هستند مردم ترسیدند (که ریسمانها جان یافته اند) سحر عظیمی به نمایش گذاشتند (117) مابه موسی وحی کردیم عصای خود را بینداز اژدهای عظیمی شد آن همه ریسمانها و عصاها را بلعید و به انتظار فرمان ایستاد (118) حقیقت ظاهر شد و سحر آنها باطل گردید (سحر با معجزه پهلو نزند دل خوش دار، سامری کیست که دست از ید و بیضا ببرد) (119) شکست خوردند به ذلت و خواری افتادند (120) ساحرها در برابر موسی به سجده افتادند و گفتند (121) به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم (122) به پروردگار موسی و هارون (123) فرعون گفت چرا پیش از اذن و اجازه من ایمان آوردید معلوم شد مکر و سیاستی باهم داشته اید تصمیم دارید کودتا کنید اهل شهر را اخراج نمائید و حکومت کنید خواهید دانستت با شما چه می کنم (124) دست و پای شمارا خلاف یکدیگر قطع

می کنم شما را به دار می‌آویزم (125) گفتند مانعی ندارد برگشت ما به پروردگاران می‌باشد (126) تو به این دلیل از ما انتقام می‌گیری که ما به آیات خدا بعد از ظهور ایمان آورده‌ایم پروردگارا خودت به ما صبر و استقامت مرحمت کن و با دین اسلام ما را از دنیا ببر (127) سران قوم به فرعون گفتند چرا موسی و قومش را آزاد می‌گذاری که در زمین مفسده به پا کنند تورا و خدائی تورا نادیده بگیرند فرعون گفت شتاب نکنید به زودی مردان آنها را می‌کشم زنانشان را زنده می‌گذارم من بر آنها مسلط هستم (128) موسی به قوم خود گفت از خدا کمک بگیرید و صبر کنید که زمین مال خدا است به هر کسی که بخواهد می‌بخشد و عاقبت زمین در اختیار پرهیزکاران است (129) قوم گفتند پیش از آن که تو بیائی وبعد از آن که آمده‌ای ما زیر شکنجه فرعون بوده‌ایم موسی گفت امید است که خدا دشمنان شما را هلاک کند و شما را به جای آنها بنشانند بعد ببیند شما چه می‌کنید (130) ما فرعون را در محاصره خشک سالی و کم بودی ثمرات قراردادیم شاید حقیقت را درک کنند (131) وقتی که آسایش می‌دیدند می‌گفتند به شانس ما است و اگر

بلائی می‌دیدند می‌گفتند از شومی موسی و پیروان او است شومی ملازم کفر آنها بود اما نمی‌دانستند (132) به موسی گفتند اگر هم معجزه‌ای بیاوری که ما را سحر کنی ما به تو ایمان نمی‌آوریم (133) بلاهای شدیدی مانند طوفان و ملخ و شپش و قورباغه و تبدیل آب به خون را به ترتیب بر آنها مسلط کردیم با همه این‌ها تکبر نمودند تسلیم قدرت خدا نشدند که مجرم و گناهکار بودند (134) هر وقت در محاصره یکی از آن بلاها واقع می‌شدند از موسی خواهش می‌کردند که طبق پیمانی که با خدا داری از او بخواه که بلارا از ما بر طرف کند ایمان می‌آوریم و بنی اسرائیل را به دست تو می‌سپاریم (135) اما بر طبق پیمانی که در مدت معین بسته بودند وقتی که بلارا بر طرف می‌کردیم عهد خود را می‌شکستند و به کفر خود ادامه می‌دادند (136) و در انتها بعد از اصرار و تکرار عهد شکنی از آنها انتقام گرفتیم همه را در دریا غرق نمودیم زیرا آیات ما را تکذیب نمودند و به معجزات بی‌اعتنایی کردند (137) بعد از آن شرق و غرب سرزمین‌های با برکت را در اختیار موسی گذاشتیم مقدرات خوب خدا برای بنی اسرائیل در اثر صبری که داشتند به کمال

رسید فرعون و آثار او و تاج و تخت او را نابود کردیم (138) بنی اسرائیل را به سلامت از دریا عبور دادیم به شهری رسیدند که هر کدام بتی داشتند به موسی گفتند که اینها هر کدام خدائی دارند تو هم برای ما خدائی بساز موسی گفت چقدر نادانید (139) آنها در این بت پرستی هلاک و نابودند راهشان غلط و اعمالشان باطل است (140) آیا من به جز خدائی که شما را نجات داد خدای دیگری بجویم او است که شما را براهل عالم فضیلت داده است (141) خدا شما را از شر آل فرعون نجات داد که به سخت ترین عذاب شما را شکنجه می کردند مردان شما را می کشتند زنان شما را زنده می گذاشتند چه بلای بزرگی از شاه به شما می رسید (142) ما با موسی پیمان بستیم که سی شب در ملاقات خدا باشد و آن مدت را به اضافه ده شب دیگر تکمیل نمودیم تا چهل شب به ثمر رسید موسی این پیمان را با هارون برادرش در میان گذاشت و گفت تو در این مدت جانشین من باش کار مردم را به صلاح آور و از تبه کاران پیروی مکن (143) موسی به میعاد خدا رفت و خدا با او سخن گفت عرض کرد پروردگارا خود را نشان بده تا تورا ببینم خدا فرمود نمی توانی

مرا ببینی به این کوه نگاه کن اگر توانست مقاومت کند تو می‌توانی مرا ببینی و چون نور خدا برکوه تجلی کرد کوبیده شد و موسی بیهوش شد بعد که بیهوش آمد عرض تو منزهی من توبه کردم اولین مومن به عظمت تو هستم . پاورقی 132 (144)

خدا فرمود ای موسی من تو را به رسالت و هم کلامی خود بر سایر مردم برتری دادم کتاب و کلام مرا بگیر و شکر خدا را به‌جا آور (145) ما در الواح تورات از هر نوع اخلاق انسانی موعظه‌ای و از هر علمی مفصل برای موسی نوشتیم که‌ای موسی به تقدیر اجباری ما، تورات را فراگیر و به امت خود دستور بده به بهترین مواعظ آن عمل کنند من عاقبت کار فاسق و فاجر را به شما نشان خواهم داد (146) به‌زودی متکبرین و سرکشان خلاف حق را از درک آیات و معارف دین خود منصرف خواهم نمود آنها هر نوع آیتی ببینند ایمان نمی‌آورند راه دین و معارف را ببینند نمی‌پذیرند خط ضلالت را ببینند می‌پذیرند آنها دین ما را تکذیب نمودند و از آن غافل شدند . پاورقی 133 (147) اعمال نیک کسانی که آیات ماوندگی آخرت را تکذیب کردند بی‌ثمر خواهد بود این بی‌ثمري نتیجه راه غلط آنها است (عمل کافر

حرکت در بی‌راهه است) (148) بنی اسرائیل در غیبت چهل روزه موسی با جمع آوری طلاجات و زیورها يك گوساله طلائی ساختند که خارخار صدا می‌کرد (سامری گفت این خدای شما و خدای موسی است) مگر ندیدند که با آنها حرف نمی‌زند و آنها را به راه غلطی که رفته‌اند به خود ستم کرده‌اند هدایت نمی‌کند (149) زمانی که گوساله پرستی در افکار مردم سقوط کرد و دانستند که گمراه شده‌اند گفتند اگر خدا به ما رحم نکند و ما را نیامرزد زیان کار خواهیم بود (150) موسی بعد از غیبت چهل روزه خشمگین بود به سوی قوم برگشت به آنها پرخاش کرد که در غیبت من چه بد عمل کردید چرا پیش از فرمان من عجولانه از شیطان اطاعت کردید الواح تورات را انداخت سر و محاسن برادرش را گرفته به طرف خود کشید که چرا مانع گمراهی آنها نشدی هارون گفت برادرم آنها مرا به ضعف کشانیدند نزدیک شد مرا بکشند به خاطر گناه دشمن مرا شماتت مکن و مرا با گمراهان به حساب نیاور (151) موسی دست به دعا برداشت که پروردگارا مرا و برادرم را ببخش در شعاع لطف خود قرار بده تو بهترین رحم کنندگانی (152) کسانی که گوساله پرستیدند

به زودی در معرض غضب خدا واقع می شوند در دنیا و آخرت خوار و ذلیلند مشرک را این طور مجازات می کنیم (153) و کسانی که معصیت کردند و بعد توبه نمودند و ایمان آوردند پروردگار غفور و مهربان است (154) خشم موسی که فرونشست الواح تورات را از زمین گرفت نسخه های تورات برای کسانی که از خدا می ترسند مایه هدایت و رحمت بود (155) موسی به همراه خود هفتاد نفر برای میقات با خدا انتخاب نمود اما به مجازات سئوال بی جا که خدا را ببینیم صاعقه آنها را کشت موسی عرض کرد پروردگارا مرا هم با آنها هلاک می کردی آیا به خاطر سفاهت سفها ما را هلاک می کنی همه اینها فتنه خودت می باشد هر کسی را بخواهی گمراه می کنی و یا هدایت می نمائی تو ولی ما هستی به ما رحم کن تو بهترین آمرزندگان پاورقی 134 (156) در این دنیا برای ما نیکی مقدر کن همین طور در آخرت ما به لطف تو هدایت شدیم خداوند فرمود آری عذاب خود را به هر کسی بخواهم می رسانم رحمت من همه چیز را فرا گرفته کسی را که تقوا دارد و زکات می دهد و کسانی که به آیات من ایمان می آورند دائم در شعاع رحمت خود قرار

می‌دهم (157) کسانی که از پیغمبر امی پیغمبر آخر که وصف او را در تورات و انجیل خوانده‌اند پیروی می‌کنند پیغمبری که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند روزی‌های طیب را حلال و خبیث را حرام می‌کند بارهای سنگین مسئولیت و مراسمی که مانند غل و زنجیر به گردن مردم افتاده برمی‌دارد کسانی که به این پیغمبر ایمان می‌آورند و او را تقویت می‌کنند و از نور قرآن و امامی که همراه او نازل شده پیروی می‌نمایند بدانند که رستگارند. پاورقی 135

(158) تو به مردم ابلاغ کن که ای مردم من رسول خدا برای همه شما هستم خدائی که پادشاهی آسمان‌ها و زمین با او است خدائی به جز او نیست زنده می‌کند و می‌میراند پس شما مردم به خدا و این پیغمبر امی که ایمان به خدا و کلمات او آورده است ایمان بیاورید از او پیروی کنید شاید هدایت شوید

(159) عده‌ای از قوم موسی به حق هدایت شدند و به امر حق عدالت می‌کردند (160) مابنی اسرائیل را که دوازده سبط بودند به صورت دوازده امت در آوردیم در آن بیابان که تشنه بودند از موسی آب خواستند به موسی گفتیم عصای خود را به سنگ بزن دوازده چشمه جاری شد هر سبطی چشمه آب خود را

شناختند ابر هارا سایه بان آنها قرار دادیم غذای من و سلوا برای آنها نازل کردیم که از روزی‌های طیب و طاهر خدا بخورید آنها به ما ستم نکردند بلکه به خود ستم کردند که قدر نعمت ندانستند (161) به آنها دستور دادیم در این شهر ساکن شوید آنچه می‌خواهید از نعمت‌های خدا آزادانه استفاده کنید از در ورودی دین به حال سجده وارد شوید بگوئید حط عنا الذنوب تا از گناه شما بگذریم نیکوکاران را اجر بیشتر بدهیم (162) اما آنها کلام خدا را تغییر دادند به هوا هوس خود حرف زدند ما هم در اثر ظلم و ستم بلای آسمانی بر آنها نازل کردیم (163) از داستان شهرهای کنار دریا پرس که از قانون شنبه تجاوز کردند ماهی‌ها روز شنبه فراوان جلو می‌آمدند و روزهای دیگر کمتر به طمع خود حکم روز شنبه را به بازی گرفتند به آنها گفتیم پس میمون باشید ما این طور با فسق و گناه مردم را آزمایش می‌کنیم. پاورقی 136 (164) جمعی از بنی اسرائیل به دیگران اعتراض کردند که چرا قومی را که محکوم به هلاکت هستند موعظه می‌کنید جواب دادند برای این که نزد پروردگار معذور باشیم یا که شاید تقوا پیشه کنند (165) وقتی که دین و یاد خدا را فراموش کردند ابتدا

اهل امر به معروف و نهی از منکر را حفظ نمودیم و ستمکاران را به عذابی سخت معذب کردیم (166) و آنجا که قانون شنبه را به بازی گرفتند آنها را به شکل میمون مسخ نمودیم (167) خدای تو برای یهودیان چنین مقدر کرد که تا روز قیامت زیر سلطه دشمنان خود باشند پروردگار تو متجاوز را سخت کیفر می‌کند و با اهل ایمان مهربان است. پاورقی 137 (168) جمعیت آنان را متلاشی نمودیم عده‌ای از آنها صالح بودند و طایفه‌ای در درجات پائین‌تر آنها را به آسایش و فرسایش مبتلا نمودیم شاید به پناه خدای گردند (169) نسل بعدی دین و کتاب آنها را به ارث بردند دنیا طلب و دنیا پرست شدند که خدا از ما می‌گذرد و باز دنیا طلبی نا مشروع را تکرار می‌کردند مگر در کتاب تورات از آنها عهد و پیمان نگرفتیم که به خدا دروغ نبنند و درس تورات را فراگیرند و بدانند که آخرت از دنیا برای اهل تقوا بهتر است چرا عقل خود را به کار نمی‌برند (170) یهودیانی که متمسک به کتاب دینی خود می‌شوند و نماز اقامه می‌کنند بدانند که ما اجر صالح و مصلح را ضایع نمی‌گذاریم (171) ما یهودیان را در حاکمیت مندرجات کوه طور قرار دادیم که اجبار دارید دین و شریعت موسی را قبول کنید کتاب تورات

را بین خود مذاکره کنید شاید تقوا پیدا کنید (یهودیان می‌خواستند موجودیت دین را نفی کنند که باقوه قهریه وادار به قبول آن شدند). پاورقی 138 (172) آنجا که پروردگار تو از اولاد آدم بعد از آن که به عقل و دانش رسیدند عهد و پیمان گرفت که آیا من پروردگار شما نیستم گفتند آری که مبادا روز قیامت بگویند ما از این عهد و پیمان غافل بودیم. پاورقی 139 (173) یامبادا عذر بدتر از گناه بیاورند که آبا و اجداد ما مشرک شدند ما هم اولاد آنها در خط آنها بودیم آیا به عمل پیشوایان باطل ما را هلاک می‌کنی (174) ما این طور آیات خود را مفصل و روشن برای همه بیان می‌کنیم شاید مردم به پناه حق برگردند (175) و داستان بلعم باعور را بازگو کن که آن همه آیات ربوبیت در اختیار او قرار گرفت و او لباس حجت و حقیقت را از تن خود کند شیطان او را به دنبال خود راه انداخت و از گمراهان شناخته شد (176) اگر ممکن بود از مسیر اجابت دعاها او را به سوی خود می‌کشیدیم و لیکن در حب دنیا متمرکز شد تابع هوای نفس بود مانند سگ بود که در حال زجر و حمله زبان می‌کشد و در حال رهائی همین طور کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کنند چه بد نمونه

هائی دارند داستان او را برای مردم بخوان شاید عبرت بگیرند (177) چه قدر بدند کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کنند و در اثر کفر و گناه به خود ستم می‌کنند (178) هدایت یافتگان فقط کسانی هستند که خدا آنها را هدایت می‌کند و خسارت یافتگان کسانی که آنها را به خود وامی‌گذارد (179) بسیاری از جن و انس گوئی فقط برای جهنم ساخته شده‌اند به قلب خود نمی‌خواهند بفهمند و با چشم خود نمی‌خواهند ببینند و با گوش خود نمی‌خواهند بشنوند آنها مانند حیواناتند و بلکه گمراه‌ترند آنها غافلند (180) بهترین اسم‌ها مخصوص خدا است از او بخواهید شما را به صفات خود متصف کند کسانی که در این اسماء خود را شبیه خدا و شریک او می‌دانند آنها به دلیل ادعای خلاف مجازات می‌شوند (181) عده‌ای از بندگان مردم را به حق هدایت می‌کنند و به حق و عدالت قضاوت دارند (182) اما کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کنند. آرام آرام ندانسته به جهنم کشیده می‌شوند (183) به آنها مهلت می‌دهم سربند دنیا می‌شوند سیاست من با کفار متین است قابل درک نیست (184) چرا درک نمی‌کنند که این پیغمبر دیوانه نیست عقل کامل است که مردم

را از کفر و گناه می‌ترساند (185) چرا در خلقت آسمانها و زمین و چیزهای دیگر فکر نمی‌کنند شاید مرگ آنها نزدیک باشد به چه حدیثی بعد از قرآن ایمان می‌آورند (186) کسی را که خدا واگذار کند هدایت کننده نخواهد داشت خدا آنها را کور کورانه در حال طغیان و تکبر واگذار می‌کند (187) درباره ساعت قیامت می‌پرسند که ظهور آن تاچه وقتی ادامه دارد بگو علم قیامت نزد خداست جز خدا کسی در وقت مناسب آن را ظاهر نمی‌کند ظهور قیامت درعالم آسمان و زمین خیلی سنگین است ناگهانی ظاهر می‌شود طوری اصرار به سئوال دارند که گوئی تو می‌دانی و نمی‌گوئی بگو این علم مخصوص خداست ولی بسیاری از مردم نمی‌دانند (میلیون ها عالم و آدم در فضای آسمان و زمین یکنواخت قیامت دارند) (188) بگو من هم مانند شما نفع و ضرری برای خود ندارم مگر آنچه را خدا بخواهد اگر علم غیب داشتم ثروت زیاد می‌انداختم بلاها را از خود دور می‌کردم من فقط اهل ایمان را مژده می‌دهم و از کفر و گناه می‌ترسانم (189) او خدا است که انسان را از يك طینت به نام نفس آفرید و از همان طینت همسر او را خلق کرد تا در ارتباط

باهمسر آرامش پیدا کند وقتی که شوهر همسر خود را فرا گرفت آرام آرام آستن شد و بعد از مدتی سنگین شد در این حال زن و شوهر از خدا تقاضا کردند که اگر فرزند صالحی بدهد شکر او را به جای آورند (190) اما بعد از آنکه فرزند صالحی به آنها داد همان فرزند را شریک خدا قرار دادند خدا منزّه است که شریک داشته باشد (191) آیا کسی را که خودش مخلوق است و نمی‌تواند چیزی خلق کند شریک خدا قرار می‌دهند (192) با این که آن شریک خدا نمی‌تواند آنها را یاری کند یا الا اقل خود را یاری کند و از بلا و مرگ نجات دهد (193) اگر آن بت‌ها یا رؤسای بت‌ها را دعوت به هدایت کنید از شما پیروی نمی‌کنند مساوی است که آنها را دعوت کنید یا نکنید (194) این شرکا که به جای خدا از آنها امید و انتظار دارید مانند شما بنده خدایند از آنها کمک بخواهید شما را کمک کنند اگر راست می‌گوئید (195) آیا پای رفتن دارند تا راه بروند یا دستی که با آن به جنگند یا چشمی که ببینند و گوشی که بشنوند بگو این بت‌ها را به کمک بخواهید و علیه من فعالیت کنید مهلت هم ندهید (196) ولی من خدائی است که این قرآن را نازل کرده و او سرپرست صالحان

است (197) این شرکا که به جای خدا از آنها خواهش و تمنا دارید نمی توانند شما و یا خودشان را یاری کنند (198) اگر آنها را به دین خدا دعوت کنید نمی شنوند گرچه به تو نگاه می کنند اما نمی بینند (199) عفو و گذشت را پیشه خودساز مردم را به نیکی امر کن و از جهال فاصله بگیر (200) اگر شیطان تورا به وسوسه انداخت پناه به خدا ببر او شنوا و دانا است (201) پرهیزکاران وقتی در معرض وسوسه شیطان قرار می گیرند فوری می فهمند که خیلی زرنگ و بیدارند (202) با این که شیطان برادران فاقد تقوای آنها را به گمراهی می کشانند و کوتاهی ندارند (203) وقتی که برای آنها معجزه ای نمی آوری می گویند چرا نیاوردی بگو من از آنچه به من وحی می شود پیروی می کنم این قرآن از جانب خدا برای شما منبع عقل و بصیرت است و برای اهل ایمان رحمت و هدایت است (204) وقتی که قرآن قرائت می شود گوش بدهید و ساکت شوید شاید به کمک لطف خدا قرآن را بفهمید پاورقی 140 (205) در قلب و نیت خود مخفیانه بدون سر و صدا صبح و شام با تضرع و خشوع از خدا خواهش و تمنا داشته باش و از خدا غافل مباش (206) کسانی که معرفت به خدا

دارند از دعا و نیایش تکبر نمی کنند تسبیح خدا
می گویند و سجده می کنند

سوره انفال
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انفال جمع نفل و نافله ثروت‌های طبیعی است که به تصرف مالک خصوصی در نیامده مانند کوه‌ها و بیابان‌ها و دریاها و معادن و املاکی که بدون جنگ در تصرف رهبر مسلمانان قرار می‌گیرد (1) مردم از ثروت‌های عمومی سوال می‌کنند بگو این ثروت‌ها مال خدا و رسول است شما مردم تقوا پیشه کنید اگر ایمان به خدا دارید مسائل مربوط به خود را اصلاح نمائید و از خدا و رسول اطاعت کنید. پاورقی 141 (2) مومنین کسانی هستند که وقتی نام خدا بر زبان‌شان جاری می‌شود خوف از خدا قلبشان را فرا

می‌گیرد و آیات خدا که خوانده می‌شود بر ایمانشان می‌افزاید به خدا توکل دارند (3) کسانی که با نماز رابطه خود را با خدا حفظ می‌کنند و از آنچه خدا به آنها داده است انفاق می‌کنند (4) آنها حقیقتاً مومند از جانب خدا به درجات بزرگ نائل می‌شوند خدا به آنها عقل و توفیق می‌دهد روزی کریمانه دارند (5) همان طور که خدا تورا با قلت امکانات به طرف میدان جنگ کشید گر چه عده ای از مومنین راضی نبودند (6) آنها با تو بحث و جدال داشتند با این که روشن بود فرمان جنگ از جانب خدا است مثل این که به طرف مرگ و قتلگاه کشیده می‌شوند (7) آن جا که خدا وعده داد یکی از آن دو گروه به تصرف شما درآید شما کاروان را دوست داشتید اما خدا جنگ را تا حق را به کرسی بنشانند ریشه کفار را قطع نماید (شما کاروان خواستید خدا فتح جهان) (8) خدا می‌خواهد حق را حاکم کند و باطل را محو نماید گرچه مجرمین مایل نباشند (9) آنجا که استغاثه می‌کردید پیروزی می‌خواستید خدا دعای شما را اجابت نمود که با هزار فرشته ردیف یکدیگر شما را یاری می‌کند (10) کمک با فرشته مؤذنه‌ای برای شما بود تا اطمینان قلب پیدا کنید و الا یاری به دست خدا

است خدا غالب و حکیم است (فرشته ها نیروهای تقویتی هستند که به سرباز روحیه می‌دهند) (11) آنجا که برای آرامش و امنیت خواب شما را گرفت و خدا باران نازل کرد تا گرد و غبار شما را بشوید و سوسه شیطان را از شما بزداید دل‌های شما را پیوند دهد زمین را زیر پای شما محکم گرداند (وقتی بیدار شدید دیدید زمین محکم هوا شفاف و دل‌ها قوی است) (12) خدا فرشتگان را وادار کرد به سربازان روحیه دادند قدم‌ها را استوار نمودند و در دل کفار وحشت انداختند کفار زیر پنجه قدرت سربازان افتادند گردن آنها را می‌زدند دست و پای آنها را قطع می‌کردند. پاورقی 142 (13) برای این که آنها خدا و رسول را به مشقت انداختند کسی که خدا و رسول او را به مشقت اندازد خدا او را سخت کیفر می‌کند (14) این است عذاب شما کفار باید بچشید آخرین عذاب شما آتش است (15) ای اهل ایمان در گرما گرم جنگ با کفار فرار نکنید (16) کسی که در میدان جنگ پشت به دشمن کند (مگر جهت‌گیری برای جنگ یا جاگرفتن میان یاران) بداند که به دایره غضب خدا می‌رود جای این فراری هم جهنم است که بد عاقبتی است (17) اکنون که

پیروز شدید بدانید که شما آنها را نکشتید بلکه خدا کشت تو تیر نیانداختی خدا انداخت تا خدا مومنین را به کیفیت خوبی آزمایش کند خدا شنوا و دانا است (رسول خدا قبضه ریگی به روی دشمن پاشید هر کدام به چشم سربازی اصابت کرد) .پاورقی 143 (18) خدا این چنین کید و مکر کفار را ضعیف کرد (19) شما کفار که در جنگ بدر فتح و ظفر خواستید فتح و ظفر چنین بود که دیدید اگر از کفر و گناه اجتناب کنید برایتان بهتر است و اگر به جنگ بر گردید بر می گردیم ثروت و لشکر به حال شما سودی ندارد لطف خدا با اهل ایمان است (20) ای اهل ایمان در اطاعت خدا و رسول باشید اکنون که حرف حق می شنوید از این راه بر نگردید (21) مانند گذشتگان نباشید که به پیغمبرشان گفتند دعوت شما را شنیدیم اما نشنیدند و اعتنا نکردند (22) بدترین جنبنندگان آدم‌های کر و لالی هستند که حاضر نیستند حق را به حقانیت درک کنند (23) اگر خدا دلائل خیری در آنها ببیند به آنها شنوائی می‌دهد اگر هم حق را به گوش آنها بدواند به بی اعتنائی اعراض می‌کنند (24) ای اهل ایمان وقتی که خدا و رسول شما را به مسائل حیات بخش اجتماعی دعوت

می‌کنند اجابت کنید و بدانید خدا به شما محیط و مسلط است بین شما و اراده شما حائل می‌شود تمامی شما به دایره حکومت او کشیده می‌شوید (25) از فتنه‌ها و عذاب‌هایی که ظالم و غیر ظالم را می‌گیرد بترسید و بدانید که خدا سخت ظالم را کیفر می‌کند (26) به یادتان باشد که عده قلیلی بودید در محاصره دشمنان مبادا شمارا برابند خدا شمارا تقویت کرد و یاری نمود روزی طیب و طاهر به شما بخشید شاید لطف خدا را منظور داشته باشید (27) ای اهل ایمان به خدا و رسول خیانت نکنید به امانت های خود هم خیانت ننمائید با این که فساد خیانت را می‌دانید (28) مال و اولاد فتنه و آزمایش است پاداش بزرگ شما نزد خدا در زندگی آخرت است (اسیر دنیا نشوید) (29) ای اهل ایمان اگر تقوا پیشه کنید خدا به شما عقلمی می‌دهد که با آن بتوانید حق و باطل و صلاح و فساد بشناسید خدا بدی‌ها را از وجود شما می‌زداید عقل و ایمان شمارا رشد می‌دهد رحمت خدا عظیم است. پاورقی 144 (30) نمونه لطف خدا آن بود که کفار نقشه کشیدند تورا حبس کنند یا بکشند یا تبعید نمایند آنها برای هلاک و خدا برای نجات تو مکر نمود خدا بهترین مکاران

است (31) وقتی که مقابل این عرب‌های متجاوز قرآن قرائت می‌شود متکبرانه سر می‌کشند که اگر بخواهیم مانند قرآن می‌آوریم همه این‌ها سحر و افسانه است (32) و بیشتر از این بی‌حیایی دارند که ای خدا اگر این قرآن حق است از جانب تو است سنگی از آسمان سر ما ببار و یا به عذاب بدتری ما را معذب کن (33) با این که تا وقتی تو در میان آنها باشی و یا از گناهشان استغفار کنند خدا آنها را عذاب نمی‌کند (34) چرا خدا آنها را عذاب نکند که بندگان خدا را از مسجد الحرام باز می‌دارند با این که اولیاء مسجد نیستند فقط پر هیزکاران ولی مسجدند گر چه آنها نمی‌دانند (35) نمازشان در مسجد به جز صدا و صغیر چیزی نیست بگو با این کفر و گناه آماده عذاب خدا باشند. پاورقی 145 (36) کفار مال و ثروت خود را در راه باز داری مردم از دین خدا خرج می‌کنند بگو هرچه می‌توانید انفاق کنید حسرت این انفاقات شمارا خواهد گرفت پس از این مغلوب شده به جهنم کشیده خواهند شد (37) مهلت کفار برای این است که نیکان از بدان مشخص شوند تا در حکومت خود افراد خبیث را با هم جمع کند متراکم نماید و به جهنم بکشاند آنها همه زیان

کارند (38) به کفار قریش بگوئید اگر از مخالفت با رسول خدا باز مانند خدا از گذشته آنها می‌گذرد و اگر به مخالفت ادامه دهند رفتار خدا را با کفار تاریخ دانسته اند (39) با کفار بجنگید و جنگ را ادامه دهید تا فتنه و فساد از عالم برطرف شود و حکومت دینی خدا ظاهر شود اگر از کفر و گناه منصرف شوند خدا به حالشان آگاه است (40) و اگر آنها از دین اعراض نمودند شما اهل ایمان بدانید که خدا مولای شماست و چه ناصر خوبی است خداوند متعال (41) آنچه از غنائم به دست می‌آورید بدانید که یک پنجم آن مال خدا و رسول و ذوی القربا و یتیمان و مساکین و ابناء السبیل است اگر شما ایمان به خدا و قرآن (و نصرت خدا روز ملاقات دو گروه در جنگ بدر) دارید حکم خدا را رعایت کنید خدا به هر کاری توانا است. پاورقی 146 (42) آن جا که شما در میدان نزدیک‌تر جنگ بدر بودید و دشمن در میدان دورتر و کاروان قریش قدری دورتر اگر از اول جنگ قول و قرار بود که هدف جنگ است نه کاروان قول و قرار خود را به هم می‌زدید و لیکن خدا به طمع کاروان شما را به جنگ کشید تا تقدیر خود را به ثمر برساند تا با حق شناسی هر کس بخواهد به راه کفر برود و از کسی

که با حق شناسی به راه ایمان می رود مشخص شود خدا شنوا و دانا است (43) آن جا که خدا در عالم خواب عده آنها را کم نمایش داد اگر زیاد نمایش می داد سستی شما را می گرفت و در حرکت به جنگ اختلاف پیدا می کردید و لیکن مسلم است که خدا به استعداد شما آگاه است (44) و باز سیاست خدا بر این قرار گرفت که هنگام رویارویی شما را به نظر آنها و آنها را به نظر شما کم نمایش دهد تا هر دو طایفه جنگ را جدی بگیرید و هدف خدا که پیروزی اسلام است محقق شود عاقبت هر کاری با خداوند متعال است (45) ای اهل ایمان هنگام رویارویی با گروه کفار ثابت قدم و استوار باشید خدا را زیاد یاد آوری کنید شاید رستگار شوید (46) از خدا و رسول اطاعت کنید با یکدیگر نزاع ننمائید که وحدت شما به هم می خورد ثروت و قدرت شما می رود در راه خدا صبر کنید خدا صابران را دوست می دارد (47) مانند کسانی نباشید که با ریاکاری و تکبر به جنگ می روند و مردم را از راه خدا باز می دارند خدا به اعمال آنها محیط است (48) آنجا که شیطان صفتان جنگ بدر را در نظر اهل مکه جلوه دادند که کسی بر شما غلبه نخواهد کرد من با شمایم اما

وقتی که دو گروه روبه‌روی هم ایستادند اولین فراریان شیاطین بودند به پیروان خود گفتند ما مسئول شما نیستیم ما علائم شکستی می‌بینیم که شما نمی‌بینید ما از خدا و لشکر او می‌ترسیم که خدا سخت کیفر می‌کند پاورقی 147 (49) منافقین و مسلمانانی که به مرض شك آلوده بودند طعنه می‌زدند که این خوش باوران به‌دین خود مغرور شده‌اند باقلت جمعیت به جنگ می‌روند آنها خبر ندارند که هرکس به خدا توکل کند خدا غالب و حکیم است (50) اگر ببینی وقتی که فرشتگان جان کفار را می‌گیرند آنها را از روبه‌رو و پشت سر می‌کوبند که باید عذاب جهنم را بچشید (51) می‌گویند این عذاب‌ها نتیجه اعمال بد شما است خدا به‌بندگان خود ظلم نمی‌کند (52) مانند فرعونیان و پیشینیان آنها که کافر به آیات خدا شدند خداوند به نتایج کفر و گناه آنها را هلاک نمود خدا سخت کیفر می‌کند (53) خدا هیچ وقت وضعیت خوب قومی را تغییر نمی‌دهد مگر این که آنها وضعیت اخلاقی خود را تغییر دهند خدا شنوا و دانا است (54) مانند روش فرعونیان و گذشتگان آنها که آیات پروردگار خود را نادیده گرفتند ما آنها را به نتایج

اعمالشان هلاك نموديم فرعون و اتباعش را در دريا غرق نموديم كه همه آنها ظالم بودند (55) بدترين جنبندگان در نظر خدا كساني هستند كه كافر به خدا شده‌اند و ايمان نمي‌آورند (56) همان‌ها كه با آنها پيمان متاركه جنگ مي‌بندى و آنها هر سال چند مرتبه عهد خود را مي‌شكنند و پرهيز ندارند (57) اگر در ميدان جنگ با آنها روبه‌رو شدي تار و مارشان كن و آيندگان آنها را هم سرجاي خود بنشان شايد حقيقت را بفهمند (58) اگر احساس كردي كه قومي آماده جنگ با تو شده‌اند دستور بسيج عمومي بده و پيش از حركت آنها را محاصره كن خدا خائن را دوست نمي‌دارد (59) كفار خيال نكنند از مسلمين را پيش افتاده‌اند آنها هرگز نمي‌توانند مسلمين را عاجز كنند (60) آنچه در توان خود داريد عليه آنها با اسب و سلاح نيرو تهيه كنيد با آن نيروها دشمنان خود و خدا را بترسانيد و هم چنين دشمنان آينده خود را كه نمي‌شناسيد خدا مي‌شناسد آنچه در راه خدا سرمايه‌گذاري كنيد به خودتان بر مي‌گردد و به شما ستم نمي‌شود (61) اگر دشمنان شما متمايل به صلح شدند شما پذيريد توكل به خدا كنيد خدا شنوا و دانا است (62) اگر هم ضمن تمايل

به صلح قصد خیانت داشته باشند خدا تورا کفایت می‌کند خدا بود که بانصرت و یاری خود اهل ایمان را تقویت نمود (63) خدا قلوب اهل ایمان را به هم الفت داد که اگر ثروت دنیا را انفاق می‌کردی چنین الفتی پیدا نمی‌شد و لیکن خدا آنها را به هم الفت داد خدا غالب و حکیم است (64) ای رسول خدا بدان که خدا و اهل ایمان تورا کافی هستند کسی بر خدا غلبه نمی‌کند (65) ای رسول خدا اهل ایمان را به جنگ تشویق کن اگر بیست نفر از شما در جنگ صابر باشند بر دویست نفر غلبه می‌کنند و صد نفر صابر از شما بر هزار نفر غلبه می‌کنند زیرا آنها عقل و شعور ندارند. پاورقی 148 (66) الآن که خدا ضعف شما را دانست به شما تخفیف داد صد نفر از شما در مصائب جنگ صبرکنند بر دویست نفر و هزار نفر از شما بر دو هزار نفر به‌اذن خدا غلبه می‌کنند خدا کمک صابری است (67) يك پیغمبر نباید در برابر بذل مال اسرا را آزاد کند باید با قتل و جرح کفار را قلع و قمع نماید (که آزادی اسرا مایه تقویت بعدی آنها می‌شود) شما مال دنیا می‌خواهید خدا پیروزی شمارا خدا غالب و حکیم است (68) اگر تقدیر خدا نبود که شما پیروز شوید از طریق آزادی اسرا در برابر

اخذ مال به مصیبت بزرگی مبتلا می‌شدید) مانند جنگ احد (69) از غنائم جنگ استفاده کنید طیب و طاهر است تقوا پیشه کنید خدا آمرزنده و مهربان است (70) ای رسول خدا به اسرا بگو اگر خدا نیت خیری در دل شما احساس کند نعمتی بهتر و بیشتر از این فدا که گرفته است به شما بر می‌گرداند علاوه عقل و شعور شما را بالا می‌برد (71) و اگر هم در آینده خیانت کنید که پیش از این هم در مکه خیانت کردید خدا تورا بر آنها مسلط کرد خدا عالم و حکیم است (72) کسانی که ایمان می‌آورند و به سوی خدا هجرت می‌کنند و با مال و جانشان جهاد می‌کنند و کسانی که مهاجرین را پناه می‌دهند و آنها را یاری می‌کنند همه آنها دوست یکدیگرند اما کسانی که اسلام آورده‌اند و به سوی دولت اسلامی مهاجرت نمی‌کنند در ولایت اسلامی نیستند مگر این که هجرت کنند اگر از شما کمک خواستند به آنها کمک کنید مگر بر علیه قومی که با آنها عهد و پیمان دارید خدا به اعمال شما آگاه است. پاورقی 149 (73) کفار یک ملتند محافظ یکدیگرند اگر شما اتحاد خود را حفظ نکنید فتنه و فساد بزرگی در عالم به پا می‌شود (زیرا کفار آتشند همه چیز را

می‌سوزانند) (74) کسانی که ایمان می‌آورند و از دنیا به سوی خدا می‌گذرند و در راه خدا جهاد می‌کنند و کسانی که مهاجر و مجاهد را پناه می‌دهند و یاری می‌کنند آنها حقیقتاً مومند خدا به آنها قدرت و استعداد می‌دهد و روزی آنها را کریمانه می‌رساند (75) و کسانی که بعد از این ایمان می‌آورند و هجرت می‌کنند و با شما جهاد می‌کنند از شما و با شمایند اما خویشاوندان از دیگران به یکدیگر اولی هستند خدا به هر چیزی دانا است

توضیح مقدماتی سوره توبه

این سوره شریفه اعلامیه غضب خداوند متعال به کفار از ابتدای خلقت تا روز قیامت است، تهدیدات خدا در دنیا و اعمال غضب او در آخرت است. اسلام و قرآن همراه بشر به وجود آمده و همراه بشر در دنیا و آخرت ادامه دارد تا روزی که او را به کمال مطلق برساند. طرف خطاب قرآن کل بشریت از هبوط آدم تا قیام قائم است علم قرآن کم کم در تاریخ به وسیله پیغمبران نازل و به وسیله حضرت رسول تکمیل شده است. انسان‌ها گرچه از نظر بدن سوا هستند ولی

از نظر علم و عمل يك اجتماع اند و همه باهم اند در علم يکديگر جا گرفته اند. خداوند در اين دوره دنيا آنها را به دين و اخلاق دعوت مي کند و بعد در برابر دعوت به دو گروه کافر و مومن تقسيم مي شوند. اين مدت عمر دوره صبر و حلم اوست و دوره آخرت زمان اعمال غضب و رحمت. اين سوره شريفه اولتيماتوم جنگ خدا و يا اعلام غضب او بر کفار است و بعد از ابلاغ اين سوره خدا آنها را نجس مي داند، در حريم دين خود راه نمي دهد. حريم دين خدا در دنيا مسجد الحرام و در آخرت حوزه ولايت و حکومت او است که همان بهشت و يا دايره ولايت آل محمد عليهم السلام است الان زمان ما حقيقتا آخر الزمان است که زندگي هردو گروه به ثمر مي رسد. آخرين ثمره ظلم و زور کفار همين آتشفشانهاي هسته اي و جنگ هسته اي است که عاقبت به وسيله آنها روشن مي شود زيرا مسلم است که جنگهاي گلوله و توپ و تانک پيروزي به وجود نمي آورد و جنگ هسته اي هم زندگي را نابود مي کند که در اين جنگ هسته اي يك سوم مردم زمان کشته مي شوند و يك سوم مي ميرند و بقيه لت و پار مي شوند. نه براي کفار زندگي مي ماند نه براي مومنين کفار که آخرين قدرت خود را به کار برده جهنم

خود را روشن کرده‌اند. نا امید می‌شوند و مومنین امیدوار به خدا و امام زمان می‌شوند می‌گویند ربنا اکشف عنا العذاب انا مومنون و خداوند امید آنها را جواب می‌دهد می‌گوید انا کاشفو العذاب قليلا انکم عائدون یوم نبطش البطشه الکبری انا منتقمون بطشه الکبری همان فتح اکبر است که با ظهور امام زمان شروع می‌شود و بعد از جنگ هسته‌ای زندگی می‌میرد که جز امام زمان کسی زندگی را زنده نمی‌کند.

سوره توبه

(1) اعلامیه برائت و رفع مسئولیت از خدا و رسول برای مشرکینی است که شما مسلمانان با آنها معاهده دارید (2) شما مشرکین فقط چهار ماه مهلت دارید به‌وضع سابق خود باشید و بدانید که نمی‌توانید خدا را از کار خود باز دارید خدا کفار را رسوا خواهد نمود (3) اعلام رفع مسئولیت از خدا و رسول که لازم است ایام حج اکبر ابلاغ شود خدا و رسول از مشرکین رفع مسئولیت می‌کنند اگر در این مدت توبه کردید چه خوب و اگر به‌کفر خود باقی

ماندید خدا و رسول با شما در جنگند نمی‌توانید خدا را در کار خود عاجز کنید کفار را به عذابی بزرگ مژده دهید (4) مگر آن دسته از مشرکین که با آنها معاهده دارید و آنها عهد خورا رعایت نموده و کسی را علیه شما یاری ننموده‌اند عهد خود را تا مدت مقرر با آنها رعایت کنید که خدا پرهیزکاران را دوست می‌دارد (5) ماه‌های حرام که تمام شد مشرکین را هر جا شناختید به قتل برسانید آنها را محاصره کنید همه جاکمین کنید اگر توبه کردند نماز خواندند و زکات دادند آزاد شان بگذارید خدا آمرزنده و مهربان است (6) اگر مشرکی از تو پناه خواست به او پناه بده تا کلام خدا را بشنود بعد او را به جای امن برسان برای این که آنها روی نادانی مشرک شده‌اند مستحق محبت اند (7) چگونه عهد مشرکین نزد خدا دارای اعتبار است مگر کسانی که در مسجد الحرام با آنها عهد بسته‌اید تا زمانی که به عهد خود وفادارند شما هم وفادار باشید که خدا اهل تقوا را همه جا دوست دارد (8) چه طور قابل اطمینان هستند با این که اگر غلبه کنند ذره‌ای عهد خود را رعایت نمی‌کنند با زبان شمارا راضی می‌کنند و قلبشان موافق نیست اکثر آنها فاسقند (9) آیات خدا را به بهای

اندك فروختند و مردم را از راه خدا باز داشتند چه بد اعمالی است که دارند (10) هیچ عهد و پیمانی را در باره اهل ایمان رعایت نمی‌کنند مردمی متجاوزاند (11) اگر توبه کردند و نماز خواندند زکات دادند برادر دینی شما ایند ما حقایق و احکام را برای دانشجویان روشن می‌کنیم (12) و اگر عهد و پیمان خود را شکستند و به‌دین شما طعنه زدند با پیشوایان کفر بکنید که عهد و پیمانی ندارند شاید از کفر و گناه منصرف شوند (13) چرا با کسانی که عهد خود را شکستند و همت کردند تا رسول خدا را از مکه اخراج کنند نمی‌کنید با این که آنها متجاوزند و جنگ را شروع کردند آیا آنها را اهمیت می‌دهید خدا سزاوارتر به اهمیت است اگر اهل ایمان هستید (14) با آنها بکنید خدا آنها را به دست شما عذاب کند و رسوا نماید شما را بر آنها پیروز گرداند و دل آزرده اهل ایمان را به وسیله شما شفا بدهد (15) کینه دل مومنین را بزداید و بعد از پیروزی خدا توبه هرکسی را که بخواهد قبول می‌کند خدا حکیم و دانا است (16) شما مسلمانان خیال می‌کنید واگذار می‌شوید با این که هنوز جهاد گران شما و کسانی که جز با خدا و رسول و اهل ایمان با

کسی رابطه نداشته‌اند شناخته نشده‌اند خدا به اعمال شما آگاه است (17) مشرکین تا زمانی که به کفر خود معترفند حق ندارند با حضور و کمک خود مساجد را آباد کنند اعمال نیک آنها بی نتیجه است و در عذاب جهنم مغلندند (18) فقط کسانی حق دارند با حضور خود مساجد را آباد کنند که ایمان به خدا و آخرت دارند نماز می‌خوانند و زکات می‌دهند و جز برای خدا عظمت و اهمیت قائل نیستند آنها ایند که هدایت می‌یابند (19) شما عرب‌ها خود را (به دلیل آب دادن به حاجی‌ها و حضور در مسجد الحرام) برابر کسی می‌دانید که ایمان به خدا و آخرت دارد و در راه خدا جهاد می‌کنند هرگز این دو گروه نزد خدا مساوی نیستند خدا ظالم راه‌دایت نمی‌کند (20) درجات کسانی که ایمان به خدا دارند از دنیا می‌گذرند در راه خدا با مال و جان خود جهاد می‌کنند نزد خدا بالاتر و بزرگتر است فقط آنها سعادت مندند (21) خدا آنها را به لطف و رحمت و رضایت خود و بهشت جاوید که آن همه نعمت و لذت دارد بشارت می‌دهد (22) در آن بهشت دائم زندگی می‌کنند برای آنها از جانب خدا اجری بی نهایت مقدر است (23) ای اهل ایمان اگر پدران و برادران شما مرام

کفر را از ایمان بیشتر دوست دارند به دوستی و سر پرستی خود نپذیرید کسی که ولایت ظالم را می‌پذیرد ظالم است. پاورقی 150 (24) به مسلمانان بگو اگر شما پدران و فرزندان و برادران و همسران و خویشاوندان و اموال خود را و یاسرمایه های تجارتي که می‌ترسید کساد شود و یا ساختمان‌های مجهزی که پسندیده‌اید همه این‌ها را از خدا و رسول و جهاد در راه خدا بیشتر دوست دارید آماده کیفر الهی باشید خدا آدم‌های فاسق و فاجر را هدایت نمی‌کند (25) خداوند در بسیاری از جنگ‌ها شما را یاری نمود مخصوصاً جنگ حنین که شما ابتدا به کثرت خود مغرور شدید در اولین حملات فرار کردید زمین با وسعت خود برای شما تنگ شد (26) و بعد از فرار که عده‌ای استقامت کردند و فراریان برگشتند خداوند روح آرامش و استقامت بر پیغمبر و مومنین نازل کرد و با لشکریان غیبی شما را تقویت نمود کفار را شکست داد و عذاب نمود که سزای کفار همین بود (27) و بعد توبه آن کس از فراریان را که خواست پذیرفت خدا آمرزنده و مهربان است (28) ای اهل ایمان بدانید که مشرکین نجسند حق ندارند از این سال به بعد وارد مسجد الحرام شوند و اگر از فقر

می‌ترسید خدا به شما ثروت می‌دهد خدا حکیم و دانا است. پاورقی 151 (29) با کسانی از اهل کتاب که ایمان به خدا و آخرت نمی‌آورند، حرام خدا را حرام نمی‌دانند و متدین به‌دین حق نمی‌شوند، بجنگید تا این که با قبول ذلت جزیه بدهند (30) یهودیان می‌گویند عزیز پسر خدا است مسیحیان می‌گویند مسیح پسر خدا است با اقوال جاهلانه‌ای که بر زبان خود جاری می‌کنند شباهت به کفار دارند خدا آنها را بکشد چقدر از حقیقت دورند (31) به جای خدا علما و زاهدان را ارباب مطاع خود دانستند و عیسی را به جای خدا شناختند با این که مامور شدند فقط خدای یگانه را بپرستند که به جز او خدایی نیست منزّه است که شریک داشته باشد (32) می‌خواهند با این اعمال و عقیده هانور دین خدا را خاموش کنند با این که خدا ابا دارد جز این که دین خود را کامل گردانند گرچه خلاف میل کفار باشد (33) خدا است که رسول خود را با هدایت و دین حق رسالت داد تا دین خود را بر همه ادیان پیروز گردانند گرچه خلاف میل کفار و مشرکین باشد (34) ای اهل ایمان بسیاری از احبار و رهبانان در لباس دین مال خدا را به باطل می‌خورند و مردم را از راه خدا

باز می‌دارند آنها باید بدانند که هرکس ثروت عمومی طلا و نقره را ذخیره کند و از انفاق و تولید در راه خدا باز دارد به عذابی دردناک معذب می‌شود (35) فردای قیامت با این گنج‌ها در عذاب جهنم‌اند با پول‌ها پیشانی و پشت و پهلوئی آنها داغی کشیده می‌شود به او می‌گویند همین گنج‌ها است که تبدیل به آتش شده مزه مال نا مشروع را بچشید (36) شماره ماه‌ها و برج‌ها در خلقت آسمان و زمین دوازده است که از آن ماه‌ها چهار ماه حرمت دارد این شماره‌ها دین ابدی خداوند متعال است مبادا در این ماه‌ها به خود ستم کنید با مشرکین بجنگید همانطور که آنها با همه شما می‌جنگند و بدانید که نصرت بامتقین است (دوازده ماه و دوازده برج تفسیر و تاویل به دوازده امام شده است). پاورقی 152 (37) جابجائی ماه‌ها بیشتر مایه کفر و ضلالت می‌شود که ماهی را به جای ماه دیگر حرمت می‌دهند تا عده ماه‌ها تکمیل شود در نتیجه حلال خدا را حرام می‌کنند گناه و بدعت در نظرشان جلوه نموده خدا قوم کافر را هدایت نمی‌کند. پاورقی 153 (38) ای اهل ایمان شمارا چه می‌شود که هنگام اعلام فرمان جهاد سنگینی شما را فرا می‌گیرد آیا

زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهید با این که متاع دنیا در مقابل آخرت هیچ است (39) اگر برای جهاد حرکت نکنید دشمن با تسلط خود سخت شمارا عذاب می‌کند و خدا برای احیای دین اقوام دیگری به جای شما استخدام می‌کند به خانه خزیدن شما به خدا ضرری نمی‌رساند خدا به هر کاری قادر است (40) اگر شما رسول ما را یاری نمی‌کنید مانعی ندارد خدا او را یاری نمود که دیدید کفار مکه او را یعنی نفر دوم از آن دو نفر را اخراج نمودند آنجا که در غار ثور پنهان بودند رسول خدا به رفیق خود گفت ناراحت مباش خدا با ما است خداوند روح آرامش بر رسول خود نازل فرمود و او را با لشکر نامرئی کمک کرد نقشه کفار را پست و نقشه خود را برتر قرار داد خدا حکیم و نفوذ ناپذیر است (41) در راه خدا سبک یا سنگین پیاده و یا سواره حرکت کنید با مال و جان خود جهاد نمائید اگر عقلتان برسد جهاد برای شما بهتراست که عزت و عظمت پیدا می‌کنید (42) سفرهای جهاد اگر کم زحمت و پر غنیمت باشد اجابت می‌کنند اما این سفر (جنگ تبوک) که پر مشقت و زحمت است کوتاهی دارند و بعد از مراجعت قسم می‌خورند که اگر توانائی

داشتیم می‌آمدیم با این عذر خواهی‌ها دین خود را هلاک می‌کنند خدا می‌داند که دروغ می‌گویند (43) خدا از تو بگذرد چرا پیش از مشخص شدن مجاهد و منافق به آنها مرخصی دادی (که جهاد نکنند و خود را هم مسلمان بدانند) (44) کسانی که ایمان به خدا و آخرت دارند اذن و اجازه مرخصی از جهاد نمی‌گیرند با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند خدا اهل تقوا را می‌شناسد (45) کسانی اذن ترک جهاد می‌گیرند که ایمان به خدا و آخرت ندارند در شك و شبهه‌اند دائم مرددند (46) و اگر هم تصمیم به جهاد بگیرند امروز و فردا می‌کنند مستحق فیض شهادت نیستند خدا توفیق جهاد به آنها نمی‌دهد تا با خانه نشینان بنشینند (47) اگر هم با شما حرکت کنند بانق نق و قرقر مجاهدین را به ضعف و سستی می‌کشانند آنها را به دایره فتنه و فساد می‌برند عده‌ای هم از آنها می‌شنوند خداوند ظالمین را می‌شناسد (48) پیش از این فتنه‌جوئی کردند کارهای تو را زیر و رو می‌کردند تا این که حقیقت روشن شد و تقدیر خدا خلاف میل آنها ظاهر گشت (49) بعضی از آنها می‌گویند به من اجازه ترک جهاد بده بدون این که ما را آزمایش کنی تا رسوا

شویم آنها با ترك جهاد در فتنه و رسوائی واقع شدند خط حرکت به سوی جهنم بر کفار احاطه دارد (خط حرکت بر متحرك حاکم است). پاورقی 154 (50) اگر موفق شوی ناراحت می‌شوند و اگر شکست بخوری می‌گویند الحمدلله که ما وظیفه خود را پیش از این دانستیم با نشاط و خوش حالی کنار می‌روند (51) به آنها بگو شکست یا پیروزی هر چه خدا مقدر می‌کند به ما می‌رسد او مولای ما است مومنین به خدا توکل دارند (52) شما منافقین چه سر نوشتی برای ما انتظار می‌کشید حتما یکی از این دو سرنوشت یا پیروزی یا شهادت و اما انتظار ما این است که خدا شمارا به دست ما و یا به اراده خودش معذب نماید شما منتظر باشید که ما هم منتظریم (53) بگو هر چه می‌توانید فدا کاری کنید از شما هرگز قبول نمی‌شود که شما فاسقید (54) مانع قبول نفقات شما این است که کافریه خدا و رسول شده‌اید با سستی و کسالت وارد نماز می‌شوید و مال خود را با کراهت انفاق می‌کنید (55) کثرت مال و اولاد آنها تورا متعجب نکند خدا با این مال و اولاد آنها را در دنیا معذب می‌کند و در حال کفر جان آنها را می‌گیرد (56) قسم می‌خورند که ما از شما هستیم

با این که از شما نیستند بلکه قومی متفرق و تفرقه اندازند (57) اگر پناهگاهی و یاغاری و یا جای ورود دیگری پیدا کنند به آنجا می‌خزند مانند اسب چموش سر می‌جنبانند (58) هنگام تقسیم صدقات از گوشه چشم نگاه می‌کنند اگر سهمی به آنها دادید راضیند اگر ندادید خشمناکند (59) اگر طمع‌کار نیستند، به داده خدا و رسول قناعت کنند بگویند لطف خدا و رسول برای ما کافی است خدا آن چه بخواهد از لطف خود می‌رساند و بگویند ما به لطف خدا راغبیم (60) صدقات فقط برای فقرا و مساکین و مقروضین و ما مورین جمع آوری و برای تالیف قلوب و آزادی بردگان و واماندگان در راه مسافرت و مقاصد تکاملی مصرف می‌شود تقسیم صدقات به نام بردگان فریضه الهی است خدا حکیم و دانا است (61) بعضی منافقین رسول خدا را اذیت می‌کنند و می‌گویند چقدر ساده و خوش باور است بگو خوش باوری او به نفع شما است که به گفته‌های خدا و مومنین ایمان و اطمینان دارد و برای مومنین منشأ رحمت و برکت است کسانی که رسول خدا را اذیت می‌کنند به عذابی الیم معذب می‌شوند. پاورقی 155 (62) به خدا قسم می‌خورند تا با قسم تو را راضی کنند

شایسته است که اول خدا را راضی کنند اگر ایمان به خدا دارند (63) مگر نمی‌دانند کسی که با خدا و رسول دشمنی کند عاقبت جایش جهنم است که در آن مخلد است چه رسوائی بزرگی است جهنم (64) همیشه می‌ترسند سوره‌ای نازل شود سر آنها را فاش کند و در عین حال مسخره می‌کنند (آهسته بگو جبرئیل نشنود) بگو مسخره کنید خدا سر شما را فاش می‌کند تا مردم شما را بشناسند. پاورقی 156 (65) اگر ایراد بگیری که چرا مسخره می‌کنید می‌گویند شوخی می‌کنیم بگو آیا خدا و رسول را ملعبه ساخته‌اید (66) عذر خواهی نکنید شما بعد از ایمان کافر شده‌اید اگر از گناه عده‌ای بگذریم دیگران را عذاب خواهم کرد (67) زن و مرد منافق يك قماشند مردم را به بدی امر و از نیکی‌ها نهی می‌کنند خشك و خشن اند خدا را فراموش کردند خدا نیز آنها را فراموش کرد منافق همان فاسق است (68) خدا زن و مرد منافق و کافر را تهدید به جهنم می‌کند که بهترین جواب اعمال آنها است خدا آنها را از رحمت خود دور ساخته دائم در رنج و عذاب خواهند بود (69) مانند گذشتگان از کافر و منافق که از آنها قوی‌تر بودند مال و اولاد بیشتری

داشتند از نفاق خود بهره دنیائی بردند شما منافقین اسلام هم مانند آنها دست به همان اعمالی می‌زنید که آنها زدند اعمال آنها در دنیا و آخرت بی ثمر ماند گروه منافق زیان کارند (70) مگر داستان گذشتگان مانند قوم نوح و قوم عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و سایر مشرکین را نشنیدید که رسولان با دلائل روشن آنها را دعوت کردند چه سر نوشتی پیدا کردند خدا به آنها ستم نکرد آنها به خود ستم کردند (71) زن و مرد مومن هم یک جنس و یک قماشند رابطه دوستی و ولایتی دارند به نیکی امر و از بدی‌ها نهی می‌کنند با اقامه نماز و ادای زکات رابطه خود را با خدا و بندگان خدا شدت می‌دهند از خدا و رسول اطاعت می‌کنند آنها ایند که به زودی مشمول لطف خدا واقع می‌شوند خدا غالب و حکیم است (72) خدا به زن و مرد مومن وعده می‌دهد آنها را به علم و قدرتی برساند که از آن نهرهای ثروت و نعمت جاری شود علم و قدرتی که اصل و معدن همه نعمت‌ها است مساکن طیب و طاهر بهشت و از همه بزرگتر رضایت خدا که سعادت بی نهایت است. پاورقی 157 (73) ای رسول خدا با کفار و منافقین بجنگ و بر آنها سخت بگیر که جای آنها

جهنم است چه بد عاقبتی است جهنم (74) برای اثبات گفته خود قسم می‌خورند با این که کاذبند آنها بعد از قبول اسلام به کفر برگشتند علیه رسول خدا فعالیت کردند ثروت و نعمتی که از لطف خدا و پیغمبر به دست آوردند علیه اسلام به کار بردند اگر توبه کنند برایشان بهتر است و اگر به نفاق خود ادامه دهند خدا سخت آنها را در دنیا و آخرت عذاب خواهد کرد و دیگر ولی و ناصری نخواهند داشت (75) بعضی با خدا عهد و پیمان می‌بندند که اگر خدا ثروتی به آنها برساند در راه خدا صدقه بدهند و مومن و صالح باشند (76) اما وقتی که خدا مال و ثروت به آنها داد بخل نمودند معاهده خود را پشت سر انداختند و از دین خدا اعراض کردند (77) عهد شکنی نفاق آنها را شدت داد که تا روز لقاء الله باقی است برای این که دروغ گفتند خلف وعده نمودند (78) مگر نمی‌دانند که خدا از سر و نجوای آنها آگاه است خدا عالم به غیب است (79) آنها اهل ایمان را به دلیل صدقات کوچکی که می‌دهند و بیشتر از آن ندارند با چشم و چشمک مسخره می‌کنند خدا آنها را مسخره می‌کند و آنها را در انتظار عذابی الیم می‌گذارد (80) برای آنها مغفرت بخواهی یا نخواهی

اگر هفتاد مرتبه مغفرت بخواهی آنها را نمی‌آمرزد زیرا آنها کافر به خدا شدند و خدا کافر را هدایت نمی‌کند (زیرا نمی‌شود) (81) متخلفین از جهاد در راه خدا خوشحال بودند که خلاف رای رسول خدا در خانه نشسته‌اند و حاضر نشدند با مال و جان خود در راه خدا جهاد کنند به همدیگر می‌گویند هوا گرم است به جهاد نروید بگو حرارت جهنم که نتیجه ظلم و گناه است بیشتر است اگر شعورتان برسد (82) بگو امروز در دنیا کمی خوشحال و در آخرت زیاد ناراحت باشید که ثمره نفاق شماست (83) وقتی که به سلامت از جنگ بر گردی از تو اجازه جهاد می‌خواهند بگو نه شما هرگز با من به جهاد نمی‌روید و با دشمن نمی‌جنگید شما در اولین روز جنگ در خانه نشستید و الان هم در خانه بنشینید (84) اگر یکی از آنها مرد بر او نماز نخوانی سر قبرش نایستی آنها کافر به خدا و رسول شدند و در خط کفر و گناه مردند (85) از کثرت مال و اولاد آنها تعجب نکن خدا می‌خواهد با این مال و اولاد آنها را در دنیا عذاب کند و در حال کفر جان آنها را بگیرد (86) به محض این که سوره‌ای نازل می‌شود که در آن دستور ایمان به خدا و رسول و جهاد است ثروتمندان از تو اجازه می‌گیرند که بگذار

با خانه نشینان بنشینیم (87) راضی شدند که با مخالفین باشند دریچه فهم آنها به دلیل خود پرستی بسته شده جنسیت خود را نمی شناسند (88) ولی رسول خدا و همراهانش با مال و جان خود در راه خدا جهاد می کنند برکات الهی شامل حال آنها می شود و رستگاری (89) خدا برای آنها علم و قدرتی مهیا کرده است که از آن نعمت‌ها مانند نهر جریان پیدا می کند در این وضعیت جاویدند این است رستگاری بزرگ (90) عذر تراشان عرب خدمت می رسند اجازه ترك جهاد بگیرند بعضی هم که به خدا و رسول دروغ می گویند در خانه نشسته اند کافران از آنها به عذاب سختی معذب خواهند شد (91) ضعفا و مریض‌ها و فقرائی که چیزی ندارند انفاق کنند مسئول ترك جهاد نیستند نکوکاران محکومیت ندارند آنها با زبان و بیان به رسول خدا خدمت می کنند (92) همین طور مسلمانانی که خدمت می رسند تا کاری به آنها محول کنی می گوئی کاری ندارم نا راحت می شوند می گیرند که چرا نمی توانند خدمت کنند (93) کسانی مسئول ترك جهادند که قدرتمندند اجازه ترك جهاد می گیرند دوست دارند که با مخالفین باشند راه فهم آنها با

هدف دنیایی بسته شده و نمی‌توانند بدانند (94) وقتی که از جنگ مراجعت کنی می‌آیند عذر خواهی می‌کنند بگو عذر خواهی نکنید خدا فکر و عقیده شما را به ما خبر داده است به زودی خدا و رسول نفاق شما را آشکار خواهند کرد سپس به سوی خدایی که عالم غیب و شهود است رجوع خواهید نمود و از اعمالتان با خبر خواهید شد (95) قسم می‌خورند و خواهش دارند که اگر با آنها رو برو شدی بی‌اعتنائی نکنی نه، به آنها بی‌اعتنا باش آنها پلیدند جایشان جهنم است که نتیجه کار و کسب و نفاقشان می‌باشد (96) و باز خواهش می‌کنند که از ما راضی و خوش برخورد باش اگر شما از آنها راضی شدید خدا از آدم فاسق راضی نخواهد بود (97) کفر و نفاق اعراب از همه ملت‌ها بیشتر است و آنها به جهل و نادانی از همه سزاوار ترند خدا دانا و حکیم است (98) بعضی اعراب غرامت انفاقات خود را می‌جویند منتظرند شکستی پیدا شود رژیم اسلامی برود تا آنها انتقام مالی و خونی خود را بطلبند نمی‌دانند که خودشان در محاصره بلاهیند خدا شنوا و دانا است (99) و بعضی که ایمان به خدا و آخرت آورده‌اند هدفشان از انفاقات تقرب به خدا و

دعای پیغمبر است آنها با این انفاقات مقرب شده‌اند لطف خدا آنها را فرا می‌گیرد خدا آمرزنده و مهربان است (100) پیشتازان اسلام از مهاجرین و انصار و کسانی که در خط احسان از آنها پیروی نمودند از خدا راضیند و خدا از آنها راضی است خدا آنها را به علم و قدرتی مجهز می‌کند که از آن نعمت و لذت مانند نهر جریان پیدا می‌کند تا ابد در آن وضع مخلدند که این سعادت است بسیار بزرگ. پاورقی 158 (101) بعضی اعراب در اطراف شما منافقند و بعضی دیگر از آنها پیروی می‌کنند تو آنها را نمی‌شناسی ما می‌شناسیم به‌زودی آنها را برای امتحان دو مرتبه در دنیا معذب می‌کنیم و بعد در آخرت به‌عذابی سخت معذب خواهیم کرد (102) و عده‌ای از آنها به‌گناهشان اعتراف می‌کنند اعمال نیک و بدشان به‌هم مخلوط است شاید خداوند از آنها بگذرد خدا آمرزنده و مهربان است (103) از آنها صدقات بگیر با این صدقات آنها را از آلودگی به‌دنیا پاک می‌کنی جامعه را رشد می‌دهی برای آنها دعا کن که دعای تو آنها را آرامش می‌دهد خدا شنوا و دانا است (104) مگر نمی‌دانید که قبول توبه و اخذ صدقات فقط با خدا است خدا توبه پذیر و مهربان است (105) به

منافقین بگو به هرکاری مایلید آزادید خدا و رسول و مومنین ناظر اعمال شما هستند به زودی در دایره حکومت خدا قرار می‌گیرید خدائی که عالم به غیب و شهود است به اعمالتان آگاه است (106) بعضی مسلمانان به خدا امیدوارند شاید توبه آنها را بپذیرد و یا آنها را عذاب کند خدا حکیم و دانا است (107) بعضی از منافقین به منظور کمین گیری و ضربه زدن به اسلام مسجدی ساخته‌اند مسجدی مایه کفر و تفرقه اندازی و کمین گاه برای کسانی که به دشمنی خدا و رسول شناخته شده‌اند می‌گویند هدف ما خدمت به اسلام است خدا گواه است که دروغ می‌گویند (108) مبدا به مسجد آنها اعتنا کنی مسجد خودت که از اول به نیت تقوا و اطاعت خدا ساخته شده سزاوارتر به اقامه نماز است کسانی که به این مسجد ها می‌روند که هدف شان طهارت و تقوا است خدا پا کان و نیکان را دوست دارد (109) کسی که اساس کارش بر تقوا و اطاعت خدا استوار شده بهتر است یا کسی که بنای کارش بر لبه پرتگاهی مشرف به سقوط است تا باتکانی در جهنم سقوط کند خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند (110) همیشه زندگی آنها به رشک و تردید می‌گذرد دل

آنها از شك آزاد نمي‌شود مگر اين كه نابود شود خدا دانا و حكيم است (111) خداوند جان و مال اهل ايمان را از آنها خريداري مي‌کند و در مقابل به آنها بهشت مي‌دهد در راه خدا مي‌جنگند مي‌کشند ياکشته مي‌شوند وعده‌اي است كه خدا در تورات و انجيل وقرآن به اهل ايمان داده وعده خدا حق است چه كسي بهتر از خدا به وعده خود وفا مي‌کند از اين تجارت با خدا خوشحال باشيد كه سعادتي است نا متناهي (112) طرف اين معامله توبه کنندگان عابدان و ستايش گران خدا و متفكرين راکع و ساجد و آمرين به معروف و ناهين از منکر و نگهبانان دين خدايند مژده باد اهل ايمان را به اين تجارت الهي (113) رسول خدا و مومنين حق ندارند براي مشرکين معروف و محکوم به جهنم دعا کنند گر چه مشرک و منافق خويشاوند آنها باشد (114) اين كه شنیده‌ايد ابراهيم براي پدر مشرک خود دعا کرد اين استغفار در مدت محدودی بود كه وعده داد شايد توبه کند اما بعد از آن كه معلوم شد دشمن خدا است از او تبرئه جست ابراهيم پناهنده به خدا و صبور بود (115) خداوند هرگز طايفه و يا افراي را بعد از هدايت گمراه نمي‌کند تا اين كه راه و روش تقوارا

روشن سازد خدا به همه مسائل آگاه است (116) سلطنت آسمانها و زمین با خدا است زنده می‌کند و می‌میراند شما بجز خدا سر پرستی و یآوری ندارید (117) خداوند رسول خود را و مهاجرین و انصار را که در ایام سخت تبوک همراهی نمودند مورد عنایت خود قرار داد با این که نزدیک بود دل عده‌ای از آنها متزلزل شود لطف خدا آن دل‌ها را فرا گرفت خدا رئوف و مهربان است. پاورقی 159 (118) هم چنین لطف خدا شامل آن سه نفر متخلف از جنگ شد که زندگی با وسعتشان بر آنها تنگ آمد درمضیقه قرار گرفتند و دانستند که فرار از تقدیر خدا جز به سوی خدا ممکن نیست خدا آنها را مشمول عنایت خود قرار داد خدا توبه پذیر و مهربان است (119) ای اهل ایمان تقوا پیشه کنید و همراه انسان‌های امین و صادق باشید (120) شهر مدینه و اطراف آن نباید از فرمان رسول خدا تخلف کنند و از فکر و فرهنگ او فاصله بگیرند زیرا در دایره ولایت آن حضرت و در راه خدا هر نوع مصیبتی ببینند (تشنگی و گرسنگی)، نمایش‌های جنگی که کفار را نا امید می‌کند یا امید و آرزو برای نابودی دشمن همه این حالات و حرکات برای آنها عمل صالح شناخته

می‌شود خدا اجر نیکو کاران را ضایع نمی‌گذارد (121) هم چنین انفاقات بزرگ و کوچک آنها به هر جایی که بروند و بیایند همه این حالات و حرکات ثبت است تا خداوند اجر آنها را به آنها برساند (122) برای همه مومنین ممکن نیست با هم برای کسب دانش به مراکز علم بروند اما از هر طایفه افرادی وظیفه دارند از مسیر تماس با علما فقاقت پیدا کنند و بعد از مراجعت به قوم خود آنها را ارشاد نمایند شاید از کفر و گناه برگردند (123) ای اهل ایمان با گروه کفار که در اطراف شما هستند بجنگید آنها خشم و خشونت شما را احساس کنند بدانید که نصرت خدا با پرهیزکاران است (124) وقتی که سوره‌ای نازل می‌شود بعضی از منافقین به مسخره می‌گویند ایمان کدام یک از شما زیاد شده است بگو آنها که اهل ایمانند ایمانشان زیاد شده و نشاط یافته‌اند (125) و اما کسانی که به مرض نفاق آلوده‌اند پلیدی مضاعف پیدا می‌کنند و در حال کفر می‌میرند (126) چرا به حال خود نمی‌نگرند که هر سالی یکی دو مرتبه آزمایش می‌شوند که شاید توبه کنند ولی نفاقشان زیادتیر می‌شود و شعور حق شناسی پیدانمی‌کنند. پاورقی 160 (127) وقتی که سوره‌ای

در معرفی منافق نازل می‌شود به یک دیگر نگاه می‌کنند که چه کسی شما را دید خدا قلب آنها را از درک حق منصرف می‌کند عقل خود را کار نمی‌زنند (128) ای مردم رسولی از خودتان که با شما رابطه نفسانی دارد و از خودتان می‌باشد به سوی شما فرستادم که رنج و زحمت شما بر او ناگوار است به هدایت شما حریص است و نسبت به مومنین رئوف و مهربان است (129) اگر از دین و دعوت تو اعراض کردند بگو خدا مرا کافی است به جز او خدائی نیست به او توکل نمودم او سلطانی عظیم و مقتدر است.

سوره یونس

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت این که داستان یونس نبی در آن بیان شده به نام او نامیده شده است. حروف سوره مانند حروف سوره‌های دیگر اشاره به اصول آفرینش و اصول حوادث است. کلمات متناهی و حروف نامتناهی است (1) حروف از معجزات این قرآن حکیمانه است (که گفتن و دانستن آن از عهده خلق خدا بیرون است) (2) چرا برای مردم مایه تعجب است که مردی از آنها را به نبوت مبعوث کنیم تا مردم را از کفر و گناه بترساند اهل ایمان را مژده دهد که بهترین زندگی را در حکومت آخرتی الهی دارند کفار می گویند واضح است که این پیغمبری سحر است (3) پروردگار شما کسی است که آسمان و زمین یا مراتب تکامل بشر را در شش دوران آفرید و بر عرش حاکمیت استوار شد کسی بدون اذن او نمی‌تواند شفاعت کند این است پروردگار شما از او اطاعت کنید چرا حقیقت را درک نمی‌کنید (استوای خداوند بر عرش دلیل حاکمیت است و حاکمیت خدا بعد از تکامل فهم دینی مردم ممکن است). پاورقی 161 (4) باز گشت همه شما به سوی خدا است وعده خدا حق است خدا است که خلقت انسان را شروع می‌کند دو مرتبه آنها را به زندگی برمی‌گرداند تا اهل

ایمان و عمل صالح را به لطف خود پاداش دهد ولی کفار به جز شراب داغ و عذابی دردناک بهره‌ای ندارند (5) خدا کسی است که خورشید را تابنده و ماه را نورانی قرارداد و برای ماه منازلی مقدر کرد تا حساب سال و ماه را در زندگی خود داشته باشید آنچه آفریده به منظور حاکمیت حق است آیات خلقت و کتاب را جدا جدا برای دانشمندان روشن می‌کنیم (6) اختلاف شب و روز و آنچه در آسمان و زمین آفرید برای پرهیزکاران آیت الهی است (7) کسانی که عقیده به زندگی آخرت و لقاء الله ندارند و همین زندگی دنیا را پسندیده اند و به آن آرامش یافته اند و کسانی که در غفلت و بی‌اعتنائی به دین و آیات خدا زندگی می‌کنند (8) آنها جایشان جهنم است که آخرین محصول کار و کسب آنها است (9) و اما کسانی که اهل ایمان و عمل صالحند پروردگار آنها را به علم و قدرتی مجهز می‌کند که از آن نعمت و ثروت بهشتی مانند نهر جریان پیدا می‌کند (به‌اراده کن فیکونی مجهز می‌شوند) (10) علم و بیانشان در آنجاست سبح و تقدیس و روابطشان با هم سلام و سلامتی است و درانتهای هر تنعمی می‌گویند الحمد لله رب العالمین (11) اگر خداوند آن چنان که

نعمت و برکت را با شتاب می‌رساند در کیفر و مجازات هم شتاب کند باید به زندگی آنها خاتمه دهد و لی خداوند زندگی کسانی را که عقیده به لقاء الله ندارند کور کورانه ادامه می‌دهد (شاید توبه کنند) (12) وقتی که شر و بلائی به انسان می‌رسد در تمام حالات درازکش و قیام و قعود به خدا پناهنده می‌شود و زمانی که شر و بلا را از او برطرف می‌کنیم چنان خود سرانه می‌رود که گوئی هرگز خواهشی از ما ننموده کفر و گناه این طور در نظر گناه کار جلوه می‌کند (13) ما سرکشان گذشته را به سبب ظلم و گناه هلاک نمودیم پیغمبران با دلائل و معجزات آنها را دعوت نمودند ایمان نیاوردند و به جرم و گناه ادامه دادند ما هم با نتیجه جرم و گناه آنها را مجازات کردیم (14) و بعد شما مردم زمان را جانشین آنها ساختیم تا ببینیم چگونه عمل می‌کنید آیا عبرت می‌گیرید (15) وقتی که آیات ما واضح و روشن برای آنها تلاوت می‌شود کسانی که عقیده به آخرت ندارند می‌گویند قرآن دیگری بیاور یا آن را به کتاب دیگری تبدیل کن بگو من حق ندارم برای خود کتاب خدا را تغییر دهم اگر نافرمانی کنم از عذاب بزرگ قیامت می‌ترسم (16) اگر خدا امر

نمی‌کرد قرآن را برای شما تلاوت نمی‌کردم و به شما نمی‌آموختم عمر خود را در میان شما به سر برده‌ام چرا عقل خود را کار نمی‌زنید تا بدانید بعثت الهی است (17) چه کسی ظالم تراست از کسی که به خدا دروغ ببندد یا آیات خدا را تکذیب کند حقیقت این است که ظالم رستگار نمی‌شود (18) مجرم به جز خدا کسی را می‌پرستد که برای او نفع و ضرری ندارد می‌گوید بت‌ها شفعاي ما نزد خدایند بگو آیا شما خدا را به چیزی در آسمان و زمین آگاه می‌کنید که از آن خبر ندارد خدا منزه است که مثل شما جاهل باشد (19) مردم در ابتدای زندگی يك راه و يك روش بودند بعد اختلاف پیدا کردند اگر تقدیر خدا نبود (که کفر و ایمان به‌ثمر برسد) بین آنها قضاوت می‌کرد (20) می‌گویند چرا معجزه‌ای نمی‌آورد بگو مسائل غیب به دست خدا است شما منتظر باشید من هم منتظرم. پاورقی 162 (21) وقتی که بعد از بلا و ضرر رحمت خود را به مردم برسانم به جای تشکر و اطاعت با دین ما دسیسه بازی می‌کنند به آنها بگو مکر خدا از بازی شما سریع تراست مامورین اعمال شما را ثبت می‌کنند (22) خداست که شما را در دریا و صحرا سیر می‌دهد

شما را به کشتی می‌نشانند کشتی با باد ملایم و سیر مطلوب حرکت می‌کند اهل کشتی (بدون شکر گذاری خدا) خوش حال می‌شوند در این حال باد تندی می‌وزد امواج آنها را محاصره می‌کند بعد از احساس خطر با خلوص کامل خواهش می‌کنند که ای خدا اگر ما را از این غرقاب نجات دادی شکر تو را بجا می‌آوریم (23) به محض این که آنها را از این غرقاب نجات دادیم دوبر مرتبه باز به راه کفر و گناه ادامه می‌دهند ای مردم کفر و گناه به ضرر خودتان تمام می‌شود چند روزی از دنیا بهره می‌برید و به سوی خدا بازگشت می‌کنید عذاب کفر و گناه به خودتان بر می‌گردد (24) زندگی دنیا مانند بارانی است که نازل می‌شود با علف و گیاه مخلوط می‌شود زمین با این گل و گیاه زیبا جلوه می‌کند صاحب زمین خیال می‌کند می‌تواند این جلوه را حفظ کند و بعد شب یا روز باد خزان می‌وزد چنان گیاه و زراعت را می‌برد که اثری از آن باقی نمی‌ماند چنان که گوئی جلوه‌ئی و بهاری نبود ما این طور آیات عظمت خود را برای متفکرین روشن می‌کنیم (25) خدا شما مردم را به دایره سلام و سلامتی دعوت می‌کند و شما را از راه راست به مقصد سعادت می‌برد (26) به نیکی

نکوکاران پاداش زیادتر می‌دهد چهره آنها را ذلت و خواری نمی‌گیرد آنها اهل بهشتند و جاویدند. پاورقی 163 (27) و اما بدکاران برابر گناه خود نتیجه می‌گیرند در حمایت خدا نیستند ذلیل و خوارند چهره آنها چون شب تاریک سیاه است آنها در عذاب آتش مخلدند (28) روزی که کفار و مشرکین رایک جاجمع می‌کنیم به آنها می‌گوئیم چنان که هستید باشید تظاهر خلاف واقع محال است تابع و متبوع را از یکدیگر جدا می‌کنیم رؤسای شرک به پیروان خود می‌گویند شما هرگز از ما اطاعت نکردید (یعنی اطاعت آنها را منظور نظر ندارند) (29) جواب می‌دهند گواهی خدایین ما و شما کافی است ما از پرستش شما غافل بودیم (30) این جا است که ثمرات کفر و ایمان مشخص می‌شود همه به سوی مولای برحق خود بر می‌گردند مظاهر خلاف حقیقت دنیا از اختیارشان خارج می‌شود (31) بگو چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد چه کسی مالک شنوائی و بینائی شما است کیست که زنده را از مرده و مرده را از زنده بوجود می‌آورد چه کسی مدبر زندگی بندگان است همه می‌گویند خدا است بگو پس چرا از گناه و معصیت پرهیز ندارید (32) این

است پروردگار برحق شما مگر بعد از دین حق بجز ضلالت چیزی هست پس به کجا می‌روید (33) در این ضلالت است که محکومیت فاسق قطعیت پیدا می‌کند که آنها دیگر ایمان نمی‌آورند (34) بگو از این بت‌ها و طاغوت‌ها کسی هست که بتواند خلقي بیافریند و آن را به ثمر برساند، بمیراند و زنده کند خدا است که خلایق را به عالم مرگ می‌برد و به حیات بر می‌گرداند تا کجا از حقیقت دور می‌شوید (35) بگو آیا از این بت‌ها و طاغوت‌ها که شریک خدا ساخته‌اید کسی هست که مردم را به حق هدایت کند فقط خداست که مردم را هدایت می‌کند کسی که هدایت می‌کند سزاوارتر به پیشوائی است یا کسی که هدایت نمی‌شود مگر این که هدایت شود شما چگونه قضاوت می‌کنید (36) اکثریت مشرکین از ظن و گمان خود پیروی می‌کنند و ظن و گمان کسی را به حق نمی‌رساند خدا به اعمال و افعال آنها آگاه است (37) مناسب این قرآن نیست که به غیر خدا منسوب باشد کتابی است که علوم زمان را تصدیق می‌کند مجملات کتب را روشن می‌سازد شك و شبهه ئی نیست که از جانب پروردگار است (38) می‌گویند به خدا دروغ بسته

که آیات از او است بگو اگر کلام بشر است سوره‌ای مثل آن بیاورید و به‌غیر از خدا از هر کسی که می‌خواهید کمک بگیرید اگر راست می‌گوئید (39) چیزی را تکذیب می‌کنید که عالم به آن نیستید و هنوز حقایق آن به‌ثمر ننشسته گذشتگان هم به‌دلیل جهل دین‌داران تکذیب کردند بین عاقبت کار ظالم به کجا می‌رسد (40) بعضی از آنها کسانی‌اند که ایمان می‌آورند و بعضی ایمان نمی‌آورند پروردگارتو مفسدین را می‌شناسد (41) اگر تو را تکذیب نمودند بگو عمل من برای من و عمل شما برای شما است من مسئول اعمال شما و شما مسئول اعمال من نخواهید بود (42) بعضی از آنها گوش می‌دهند که چه می‌گوید مگر تو می‌توانی کران راشنوا کنی بدون این که عقل خود را کار بزنند (43) یا این که نگاه می‌کنند نبوت را ببینند مگر تو می‌توانی نابینارا بینا کنی اگر چه از عقل و بصیرت خود استفاده نمی‌کنند (البته ممکن نیست) (44) خدا به مردم ستم نمی‌کند آنها ایند که به‌خود ستم می‌کنند (45) روزی که در زندگی قیامت جمع شوند به‌نظرشان می‌آید که ساعتی خواب بوده‌اند و بیدار شده‌اند یکدیگر را می‌شناسند که این پدر و آن برادر

است کسانی که روز لقاء الله را تکذیب کردند و هدایت نیافتند خیلی ضرر کردند (46) اگر بعضی وعده‌ها که به آنها می‌دهیم مانند پیروزی‌ها یا عذاب‌ها پیش از وفات یا بعد از وفات تو ظاهر شود مرجع آنها عاقبت حکومت خدا است خدا شاهد اعمال آنها می‌باشد (47) هر امتی رسولی از جانب خدا دارند وقتی که رسول خدا با آنها در آخرت حاضر شوند بین آنها به عدالت قضاوت می‌شود به کسی ستم نمی‌شود (48) می‌گویند اگر شما راست می‌گوئید وعده خدا کجا و کی است (49) بگو من برای خودم مالک نفع و ضرری نیستم مگر آنچه را خدا بخواهد هر امتی مدتی مقدر دارد وقتی که مدت سرآمد ساعتی کم و زیاد نمی‌شود (فاصله هر کس به وعده خدا همین مدت عمر است) (50) بگو رای بدهید اگر عذاب خدا شب یا روز نازل شود عجله مجرم یا عدم عجله او چه تاثیری دارد (51) به شما خواهند گفت الآن که گرفتار عذاب شدید ایمان آوردید و پیش از این به مسخره می‌گفتید کجا است عذاب کجا است عذاب (52) در این حال به ستمکاران خواهند گفت عذاب ابدی را بچشید به نتایج کسب و کار خود مجازات می‌شوید (53) از تو می‌پرسند

آیا عذاب آخرت حق است بگو آری به خدا قسم حق است شما نمی‌توانید مانع وقوع آن باشید (54) چنان عذابی است که اگر تمام ثروت عالم را فدا بدهید برطرف نمی‌شود وقتی عذاب را ببینند پشیمان می‌شوند بین آنها به قسط و عدالت قضاوت می‌شود به آنها ستم نمی‌شود (55) آگاه باشید که هرچه هست در آسمان‌ها و زمین مال خدا است و بدانید که وعده خدا حق است ولیکن اکثریت مردم نمی‌دانند (56) او است که زنده می‌کند و می‌میراند و همه شما به سویی او رجوع خواهید کرد (57) ای مردم قرآن موعظه است نسخه هائی است که مرض‌های فکری و روانی شما را شفا می‌دهد برای اهل ایمان عامل هدایت و رحمت است (58) به آنها بگو رحمت خدا سرمایه ابد شما است به فضل و رحمت خدا نشاط پیدا کنید که از مال و ثروت دنیا بهتر است (59) بگو فکر کنید جواب دهید نعمت‌هائی که خدا به شما داده و شما قسمتی از آن را حلال و قسمتی را حرام می‌دانید خدا به شما دستور داده یا به خدا دروغ بسته‌اید (60) عقیده کسانی که به خدا دروغ بسته‌اند چیست لطف خدا شامل حال مردم است گرچه بسیاری از آنها نمی‌دانند شکر

خدا را بجانمی آورند (61) شما مردم در هر وضع و حالی که باشید قرآن بخوانید یا عمل دیگر خدا شاهد ورود و خروج شما به این اوضاع و احوال است حادثه‌ای یا ذره‌ای در عوالم آسمان و زمین از نظر خدا پنهان نیست تمامی این حادثه‌ها بزرگ و کوچک در کتاب خدا ثبت است (62) آگاه باشید که در این اوضاع و احوال خوفی و غم و غصه‌ای متوجه اولیاء خدا نمی‌شود (63) همان‌ها که اهل ایمان و تقوا هستند (64) مزده باد به حال آنها در دنیا و آخرت خوش حال باشند تقدیر خدا عوض نمی‌شود این است سعادت بسیار بزرگ (65) گفتار کفار شما را نا راحت نکند که کل عزت و عظمت مال خدا است او شنوا ودانا است (وابسته گان به خدا راحت باشند) (66) حتما بدانید که انسان‌های عوالم فضا و زمین ملك خدا هستند کسانی که برای خدا شريك می‌تراشند و به‌غیر او پناهنده می‌شوند گرفتار حدس و خیالاتند (67) او خداست که شب را برای آرامش و روز را برای بینش راه زندگی شما خلق کرد تمامی این‌ها برای شنوایان آیت عظمت خدا است (68) مشرکین گفته‌اند خدا فلانی را فرزند خود قرار داده خدا منزله و بی‌نیاز است هر چه هست در

آسمان‌ها و زمین ملک خداست شما دلیلی بر این گفته‌ها ندارید چرا جاهلانہ چنین گفته‌هایی به خدا نسبت می‌دهید (69) به آنها بگو کسانی که به خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌شوند (70) بهره کمی از دنیا می‌برند بعد در دایره حکومت خدا به نتایج کفر و گناه خود که عذابی شدید است معذب می‌شوند (71) داستان نوح را برایشان بخوان که به قوم خود گفت اگر زندگی من و دعوت من به‌دین خدا برای شما قابل تحمل نیست من به‌خدا توکل دارم شما و دوستان خود با هم مشورت کنید هر نوع که دوست دارید علیه من تصمیم بگیرید به‌خاطر من در فشار غم غصه نباشید علیه من قضاوت کنید مهلت ندهید (72) اگر هم دین و دعوت مرا نمی‌پذیرید من از شما اجر و مزدی نخواسته‌ام اجر من با خدا است من مامورم تسلیم خدا باشم (73) قوم نوح او را تکذیب نمودند ما او را و همراهانش را نجات دادیم و آنها را جانشین گذشتگان کردیم و آنها که دین و آیات ما را تکذیب نمودند غرق کردیم بین عاقبت قومی که تهدید شدند به کجا کشید (74) بعد از نوح پیغمبران دیگر فرستادیم که با دلائل و معجزات مردم را دعوت نمودند و لی دعوتی

را که قبلا تکذیب کرده بودند قبول نکردند ما این طور راه فهم و دانش را به روی تجاوز کاران می‌بندیم (هرکه دنیا را هدف سازد راه فهمش بسته می‌شود) (75) و بعد از آن موسی و هارون را مامور دعوت فرعون و قوم او نمودیم آنها خود را برتر و بالاتر از دین خدا و اولیاء خدا دانستند زیرا مجرم و گناه کار بودند (76) وقتی که حق با معجزه موسی روشن شد گفتند که این‌ها سحراست (77) موسی گفت اکنون که دین حق واضح و روشن شد می‌گوئید سحراست ساحر هرگز موفق به چنین کاری نیست (78) گفتند تو آمده‌ای ما را از دین پدرانمان باز داری سلطنت را به خود اختصاص دهی ما ایمان نمی‌آوریم (79) فرعون گفت تمامی ساحرهای ماهر را احضار کنید (80) وقتی که ساحرها آماده شدند موسی گفت شما اول هنر خود را نمایش دهید (81) وقتی که سحر خود را نمایش دادند موسی گفت خدا به زودی سحر شما را باطل می‌کند خدا عمل فاسد را به صلاح نمی‌آورد (82) خدایه وسیله پیغمبران حق را به کرسی می‌نشاند گرچه مجرمین مایل نباشند (83) فقط عده کمی از جوانان قوم موسی ایمان آوردند از فرعون و قوم او وحشت داشتند مبدا آنها را

هلاک کند فرعون خود را از همه برتر دانست او متجاوز بود (84) موسی به قوم خود گفت اگر ایمان به خدا آورده‌اید و اگر مسلمانید توکل به خدا داشته باشید (85) جواب دادند که آری توکل به خدا نمودیم پروردگارا ما را اسباب بازی ستمکاران قرار مده (86) و به لطف و رحمت خود ما را از شر کفار نجات بده (87) ما به موسی و برادرش دستور دادیم که قوم خود را در خانه هائی نزدیک هم روبروی قبله، ساکن گردان در آن خانه ها نماز بخوانید مومنین را به زندگی موفقیت آمیز آینده مژدگانی دهید (88) موسی عرض کرد پروردگارا تو این همه به فرعون و قومش ثروت و قدرت داده‌ای تا مردم را از راه تو باز دارند پروردگا را زندگی آنها را محو کن دل آنها را سخت و محکم گردان تا ایمان نیاورند و سرانجام عذاب الیم را بچشند (89) خداوند فرمود خواهش تورا و برادرت را قبول کردم استقامت کنید و از راه و روش نادانان پیروی ننمائید (90) بعد از آن بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم فرعونیان هم در پی آنها به قصد تجاوز وارد خیابان‌های دریا شدند دیوارهای آب فروریخت همه غرق شدند فرعون در حال غرق شدن گفت ایمان آوردم به خدائی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند

و من الآن مسلمانم (91) (گفتیم) خفه شو الآن مسلمان شدي پيش از این همه جا نافرمانی کردی تو تباه کاری (92) امروز بدنت را با زیورهایش به نمایش می‌گذاریم تا برای آیندگان درس عبرت باشد گر چه مردم از آیات عظمت ما غافلند (93) ما بني اسرائيل را دريك وضعيت مناسب قرار دادیم روزی‌های طیب و حلال به آنها بخشیدیم امت واحدي بودند اما بعد از علم به حقانیت دین اختلاف پیدا کردند روز قیامت پروردگار در اختلافات آنها قضاوت می‌کند (94) اگر در این دین و کتاب که نازل شده شك داری از کسانی که پيش از تو کتاب آسمانی دارند سئوال کن دین حق از پروردگار بر تو نازل شده مبادا شك و شبهه داشته باشی (95) از کسانی نباشی که آیات خدا را تکذیب کردند و خسارت بردند (96) کسانی که محکومیت آنها از جانب پروردگار قطعی شد که دیگر ایمان نمی‌آورند (97) اگر چه هزاران معجزه در نظر آنها ظاهر سازی مگر این که عذاب دردناك آخرت را مشاهده کنند (98) چرا امت‌ها مانند قوم یونس ایمان نمی‌آورند که از ایمان خود بهرمنند شوند قوم یونس که آثار عذاب را دیدند ایمان آوردند ما عذاب را از آنها برطرف نمودیم و تا آخر عمر مقدر

آنها را بهرمنند ساختیم (99) اگر خدا بخواهد می‌تواند تمامی اهل عالم را وادار به ایمان کند آیا خدا که آزادی می‌خواهد تو می‌خواهی مردم را مجبور به ایمان کنی

(هرکس به عقل خود گرایش به حق پیدا کند خدا کمک می‌کند و اگر نکند یاری او ممکن نیست) (100)

هیچ کس جز به اذن خدائی تواند ایمان بیاورد خداوند پلیدی را ملازم وجود کسانی می‌کند که عقل خود را کار نمی‌زنند تا حقیقت را درک کنند (101) بگو در آثار قدرت خدا در زمین و آسمان فکر کنید گرچه آیات و تهدیدات خدا برای مردمی که ایمان نمی‌آورند سودی ندارد (102) مانند گذشتگان به انتظار عذابی هستند که بر آنها نازل شود بگو منتظر باشید که ماهم به انتظار نشستیم (103) وقتی که عذاب نازل شود وظیفه ما است که پیغمبران و مومنین را نجات دهیم (104) به آنها بگو اگر شما در دین خدایک دارید من شک ندارم از کسانی که شما، خلاف امر خدا اطاعت می‌کنید من اطاعت نمی‌کنم من خدائی را می‌پرستم که جان من و شما در دست او است مامورم که اهل ایمان باشم (105) خدا به من دستور می‌دهد که برای دین مترقی ابراهیم

خلیل قیام کنم مرا نهی می‌کند که از مشرکین باشم (106) خدای من می‌گوید مبادا به کسی متکی باشی که نفع و ضرری به حال تو ندارد اگر چنین باشی ظالم شناخته می‌شوی (107) اگر خدا ضرری برای تو مقدر کند کسی جز او نمی‌تواند برطرف کند و اگر نفعی مقدر کند کسی نمی‌تواند او را منصرف نماید به هرکسی بخواهد مصیبت می‌رساند او تکامل بخش و مهربان است (غفران به معنای رفع نواقص وجودی است) (108) بگوی مردم دین حق برای شما از جانب خدا نازل شد هرکس هدایت شود به نفع او است و هرکس گمراه شود به ضرر او من وکیل مدافع شما نیستم (وظیفه شناس باشید) (109) از آنچه به تو وحی می‌شود پیروی کن صبرکن تا تقدیر خدا حاکم شود خدا بهترین حکومت کنندگان است

سوره هود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در این سوره هم بعد از بیان حقایقی مربوط به علم و اخلاق داستان پیغمبران را نقل می‌کند قرآن همه جا آبادی وجود انسان را برآبادی جهان مقدم می‌دارد زیرا تا انسان آباد نشود جهان آباد نمی‌شود

(1) الف لام را کتابی است که آیات آن حکیمانه است مفصل و روشن از جانب خداوند حکیم و آگاه نازل شده (2) پیام کتاب این است که جز خدا کسی را نپرستید من از عاقبت گناه شمارا می‌ترسانم و به عاقبت ایمان مژده می‌دهم (3) و دیگر این که از خدا عقل و استعداد بخواهید به سویی او توبه کنید او در دنیا و آخرت شمارا از نعمت‌های خود بهرمنند می‌کند و به هر مومنی درجه شایسته او را می‌بخشد اگر از دعوت تو اعراض کردند بگو من می‌ترسم به عذاب بزرگ قیامت معذب شوید (4) بازگشت همه شما به سویی خدا است خدایه هرکاری قادر است (5) بدان که آنها سروسینه می‌پيچانند تا خود را از تفکر دینی پنهان دارند خبر ندارند آن جا که به لاک خود می‌خزند خدا از اسرار و آشکارشان آگاه است

او به افکار مردم دانا است (6) جنبنده‌ای در زمین پیدا نمی‌شود مگر این که روزیش با خداست خدا قرارگاه اوو آینده کار و کسب او را می‌داند تمامی این علوم در کتاب خدائیت است (7) اوست که عوالم آسمان‌ها و زمین (ویا دوران تربیت بشر را) در شش روز آفرید پس از آن بر عرش حاکمیت که بر حکمت استوار است قرار گرفت تا از این راه امتحان کند عمل کدام يك از شما بهتر است اگر به آنها بگوئی شما بعد از مرگ زنده می‌شوید کفار می‌گویند که این‌ها همه سحراست. پاورقی 164 (8) اگر ما عذاب را در مدت معدودی به تاخیر اندازیم می‌گویند کجا است عذاب آگاه باشند وقتی که عذاب آمد قابل انصراف نیست در آن حال نتایج کفر و گناه آنها را محاصره خواهد کرد (9) اگر ما انسان را به رحمت و نعمت برسانیم و بعد از او سلب نعمت کنیم به جای امیدواری به خدا مایوس می‌شود (10) و اگر بعد از فقر و ناداری او را به نعمت و ثروت برسانیم نشاط پیدا می‌کند و می‌گوید بدبختی تمام شد (ثروت را شريك خدا می‌سازد) (11) مگر کسانی که در فقر و غنا صبورند اهل ایمان و عمل صالح‌اند خدا آنها را توفیق می‌دهد اجر بزرگ دارند (12) شاید که حوصله ات سرآمده و

بعضی وظائف را ترك مي‌کنی که می‌گویند چرا گنجی در اختیار او قرار نمی‌گیرد یا فرشتگان با او نیستند وظیفه تو تبلیغ است خدا عهده دارمسائل است (13) یا به‌خاطر این که می‌گویند به‌خدا دروغ می‌بندد ناراحت شده‌ای بگو من اگر از پیش خود می‌گویم شما هم از غیر خدا کمک بگیرید ده آیه مانند آن دروغ، به خدا ببندید اگر راست می‌گوئید (14) اگر اجابت نکردند بدانند که این آیات به‌علم خدا نازل شده است خدائی بجز او نیست آیا می‌شود که مسلمان باشید (15) هرکس جلوه دنیا می‌طلبد به او می‌رسد _____ انیم محرومی _____ نمی‌بیند نتیجه کارش را به‌دست می‌آورد ضرر نمی‌کند (16) ولیکن دنیا طلبان بدانند که در آخرت بهره‌ای ندارند اعمالشان در آخرت بی‌نتیجه است (17) کسی که روی بینه و برهان به‌رسالت شناخته شده و شاهد رسالت او همراه او در حرکت است و پیش از او کتاب موسی که رحمت خدا بود او را تایید می‌کند آیا حقانیت او جای تردید است نیکان به او ایمان می‌آورند و هرکس از سایر گروه‌ها کافر به او شود جایش جهنم است بی‌شک او و پیروانش برحقند گرچه بسیاری ایمان نمی‌آورند (18) چه

کسی ظالم تراست از کسی که به خدا دروغ می‌بندد آنها با اعمالشان به ما عرضه می‌شوند گواهان حق شهادت می‌دهند که آنها به خدا دروغ بسته‌اند لعنت خدا برستم‌کاران باد (19) و آنها هستند که مردم را از راه خدا باز داشته‌اند و آن را غلط دانسته‌اند و کافر به زندگی آخرت شده‌اند (20) آنها نمی‌توانند خدا را از کار خود باز دارند و جز خدا سرپرستی ندارند عذاب آنها در آخرت چند برابر است نتوانستند شنوایی خود را از باطل باز دارند یا حق را به حقانیت ببینند (21) آنها به خود ضرر زده‌اند که کافرنند و این همه وسائل خلاف حقیقت که داشته‌اند از اختیارشان خارج شده است (22) به ناچار آنها در آخرت بیشترین خسارت را متحمل می‌شوند (23) و اما کسانی که اهل ایمان و عمل صالحند در آن ایمان وابستگی کامل به خدا دارند اهل بهشتند در آن جاویدند (24) نمونه این دو گروه حق و باطل نابینا و ناشنوا و بینا و شنوا است آیا این دو گروه مساویند چرا حقیقت را درک نمی‌کنند (25) مانوح را به سوی قوم خود رسالت دادیم که ای قوم من از عاقبت کفر و گناه شما را می‌ترسانم (26) به شمامی گویم که جز خدا کسی را نپرستید می‌ترسم گرفتار عذابی

دردناك شويد (27) سران کفر از قوم نوح گفتند تو چه کاره‌ای بشری مانند مائی پیروان تو درنگاه اول عقب ماندگان جامعه‌اند تو بر ما برتری نداری که پیغمبر خدا شده‌ای شما دروغ می‌گوئید (28) نوح گفت اگر من بینه و برهان داشته باشم و لطف خدا شامل حال من شده باشد که شما نمی‌دانید چه می‌گوئید اگر مایل به قبول دین نیستید شما را مجبور نمی‌کنم (29) من که از شما مرزبی نمی‌خواهم مزد من با خدا است و این یاران و همراهان خود را دور نمی‌کنم آنها به ملاقات خدا می‌روند می‌بینم که شما نادانید (30) اگر آنها را از خود دور کنم محکوم شناخته شوم چه کسی مرایاری می‌کند چرا شما حرف حساب نمی‌فهمید (31) من ادعا ندارم که گنج‌های ثروت نزد من است یا من علم غیب دارم نمی‌گویم فرشته‌ام و این افراد که نزد شما هستند بی‌ارزشند نمی‌گویم خدا خیری به آنها نمی‌رساند خدا از باطن آنها آگاه است اگر چنین باشم از ستمکاران شناخته می‌شوم (32) جواب دادند که ای نوح ما را خسته کردی اگر وعده و وعیدی داری ظاهر کن (33) نوح گفت اگر خدا بخواهد عذاب خود را ظاهر می‌سازد شما نمی‌توانید خدا را از کار خود باز دارید (34) اگر

خدا شمارابه حال گمراهی و گذارد نصیحت‌های من به حال شما سودی ندارد. مری شما خدا است بازگشت همه به سوی او است (35) می‌گوئید من به خدا دروغ بسته‌ام اگر چنین باشد خودم مسئولم مسئول جرم و گناه شما نیستم (36) ما به نوح خبر دادیم که بیشتر از این افراد که ایمان آورده‌اند کسی ایمان نمی‌آورد تو از کفر و گناه آنها ناراحت مباش (37) بانظارت ما کشتی نجات خود را بساز و درباره ستمکاران با من حرف نزن که آنها باید غرق شوند (38) نوح کشتی خود را می‌ساخت مردم به تماشا می‌رفتند و مسخره می‌کردند نوح می‌گفت نوبت ما هم می‌شود که شما را مسخره کنیم چنان که مسخره می‌کنید (39) به زودی خواهید فهمید که عذاب خدا هر کس را فرا گیرد رسوا می‌شود و بعد در عذابی دائم قرار می‌گیرد (40) بعد از ساخت کشتی تقدیر خدا جاری شد آب از تنور فوران زد ما به نوح دستور دادیم از هر نوع حیوان جفتی سوار کن و خانواده‌ات را بجز آن که محکوم به عذاب است و هر کس را که به تو ایمان آورده عده کمی ایمان آورده بودند (41) نوح دستور داد سوار شوید مجرا و انتهای کشتی به نام خدا است پروردگار من آمرزنده و

مهربان است (42) آب کشتی را در امواجی مانند کوه حرکت داد نوح پسرش را که در گوشه‌ای ایستاده بود صدا زد پسر جان بیا سوار شو همراه کفار مباش (43) پسر جواب داد بالای کوه می روم محفوظ می مانم پدر گفت امروز کسی از تقدیر خدا در امان نیست مگر کسی که خدا به او رحم کند در این حال موجی بین آنها حایل شد و او را غرق نمود (44) پس از خاتمه کار به زمین فرمان رسید آب خود را فروکش و ای آسمان آب خود را جذب کن آبها به زمین فرورفت کشتی روی کوه جودی نشست و همه آنها ستمکاران را نفرین کردند که باعث این عذاب شده بودند (45) نوح صدازد پروردگارا پسر من از خانواده‌ام بود وعده‌ای که دادی حق است تو بهترین حاکمان هستی (46) خدا فرمود ای نوح پسر من با تو اهلیت نداشت عمل ناصالح بود خدارا مسئول آنچه نمی‌دانی مکن من تورا نصیحت می‌کنم مبادا جاهل به حکمت خدا باشی (47) نوح معذرت خواست که پروردگارا به تو پناه می‌برم که جاهلانه اعتراض کنم اگر مرا نیامرزی و رحم نکنی خسارت خواهم برد (48) خدا به نوح فرمود به سلامتی و برکت با امتی که با تو هستند پیاده شوید و امت‌های

دیگری که آنها را بهره‌مند خواهیم کرد و بعد به‌عذابی سخت مبتلا خواهیم نمود (49) این‌ها داستان‌هایی از غیب زمان است که برای توباز گو می‌کنم تو و اقوام عرب از این داستانها خبری نداشتید در راه دین خدا صبرکن که عاقبت به‌نفع پرهیزکاران است (50) به‌سوی قوم عاد هم برادرشان هود را رسالت دادیم که‌ای قوم خدا را بپرستید خدائی جز او نیست چرا به‌دروغ خود را اهل دین می‌دانید (51) من از شما مزد رسالت نمی‌خواهم اجر من با خدا است که مرا آفرید چرا عقل خود را به‌کار نمی‌گیرید (52) از خدا عقل و معرفت بخواهید و بعد به‌سوی خدا توبه کنید او باران با برکت برایتان نازل می‌کند قدرت شمارا افزایش می‌دهد کافر نشوید از دین خدا اعراض نکنید (53) گفتند تو برای ما آیت و معجزه‌ای نیاوردی ما به‌گفته تو خدایان خود را رها نمی‌کنیم به‌تو ایمان نمی‌آوریم (54) مثل این که خدایان ما تورا نفرین کرده اند که یاهو گوئی می‌کنی هود گفت خدا را گواه می‌گیرم شما هم گواه باشید که من از شرك شما بی‌زارم (55) شما غیر خدا را می‌پرستید هرچه می‌توانید علیه من فعالیت کنید دقیقه‌ای هم مهلت ندهید (56) من به خدا که پروردگار من و شما است

توکل نمودم زمام حیات هر جنبنده ای به دست او است اراده پروردگار من در راه راست عمل می کند (57) اگر اعراض نمودند بگو من وظیفه تبلیغی خود را انجام می دهم خدا بخواهد قوم دیگری به جای شما می آورد کفر شما به او ضرری نمی زند پروردگار من حافظ همه چیز است (58) وقتی که فرمان عذاب مار سید هود و همراهانش را به رحمت خود نجات دادیم و از شدت عذاب طوفان رهایی دادیم (59) این قوم عاد بودند که منکر آیات خدا شدند از رسول خدا اطاعت نکردند در اطاعت تجاوز گران بودند (60) در دنیا و آخرت لعنت به یادگار گذاشتند قوم عاد کافر به پروردگار شدند قوم عاد که قوم هودند از رحمت خدا دور باشند (61) ما به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را رسالت دادیم او به مردم گفت خدا را پرستید که به جز او خدائی ندارید او شمارا در زمین آفرید به وسیله شما زمین را آباد کرد از او عقل و شعور بخواهید به او پناهنده شوید به شما نزدیک است خواهش شما را اجابت می کند (62) گفتند صالح تو مرد خوبی بودی به تو امیدوار بودیم تو ما را از پیروی اجداد مان نهی می کنی ما در دین و دعوت تو شك داریم (63) گفت اگر بینه و برهان از خدا داشته باشم

لطف و رحمت او شامل حال من شده باشد با همه این‌ها اگر نافرمانی خدا کنم چه کسی مرا از انتقام او نجات می‌دهد شما برای من به‌جز خسارت چیزی ندارید (64) این شتر معجزه الهی است بگذارید در زمین بچرد به شما برکت می‌دهد حیوان را اذیت نکنید که عذاب خدا شما را می‌گیرد (65) آنها شتر را که آیت خدا بود به حسادت کشتند صالح به آنها گفت سه روز مهلت دارید این مهلت وعده خداست دروغ نیست (66) وقتی که وعده خدا رسید صالح و همراهانش را به رحمت خود از عذاب رسوایی نجات دادیم پروردگار تو توانا و عزیز است (67) صیحه عذاب ستمکاران را فراگرفت در زندگی خود جسمی بی‌جان به زمین افتادند (68) چنان هلاک شدند که گوئی نبودند قوم ثمود کافر به خدا شدند قوم ثمود از رحمت خدا دور باشند (69) مامورین ما برای ابراهیم مزدگانی بردند به او سلام دادند جواب شنیدند بلا فاصله گوساله بریانی برای آنها آماده نمود (70) مشاهده کرد که غذا نمی‌خورند آنها را نشناخت ترسید مبادا قصد سوئی دارند گفتند نترس ما مامور عذاب قوم لوطیم (71) همسر ابراهیم خندید که چرا غذا نمی‌خورند فرشتگان او را

به فرزندی به نام اسحاق و نوه‌ای به نام یعقوب مژده دادند (72) سارا بیشتر تعجب کرد که وا! چطور می‌شود فرزندی پیداکنم پیره زنم و شوهرم پیرمرد. خیلی عجیب است (73) به او گفتند از قدرت خدا تعجب می‌کنی رحمت و برکات الهی شامل حال شما اهل بیت است خدا حمید و مجید است (74) کم کم ترس از دل ابراهیم برطرف شد خوش حال شد که مامور بشارتند در باره قوم لوط با آنها بحث نمود (که چرا خشک و تر با هم بسوزند) (75) زیرا ابراهیم بسیار مدارا گر و حلیم بود متضرع به خدا و پناهنده به او بود (76) فرشتگان گفتند از آنها دفاع مکن امر خدا قطعی است عذاب آنها قابل رفع نیست. پاورقی 165 (77) آنها به طرف قوم لوط رفتند لوط ناراحت شد که میهمانان زیبا براو وارد می‌شوند سینه‌اش به تنگ آمد و گفت چه روز شومی است امروز (ناراحتی از این جهت بود که می‌گفتند خودش جوانان زیبابه خانه می‌برد) (78) قوم لوط که میهمان‌ها را دیدند به طرف آنها دویدند که آلوده به عمل زشت بودند لوط صدازد بی‌حیاها با دخترانم ازدواج کنید آنها پاکتر و مناسب ترند آبروی مرا مقابل میهمان‌ها نریزید آیا مرد عاقلی در میان شما نیست

(79) آنها جواب دادند ما به دختران تو کاری نداریم خودت میدانی هدف ما چیست (80) لوط آرزو کرد که ای کاش قدرت داشتم یا به قدرتمندی پناه می‌بردم به حساب این بی‌حیاها می‌رسیدم (امام که قیام کند آنها زنده می‌شوند لوط بر آنها مسلط می‌شود، امام صادق فرمودند آرزوی لوط این بود که امام قائم به‌دادش برسد) (81) میهمان‌ها گفتند مترس ما همان قدرتمندیم دست آنها به تو نمی‌رسد تو نیمه شب دست دخترانت را بگیر به‌خارج شهر برو کسی جز همسرت ملتفت نشود که او هم به‌سر نوشت قوم مبتلا است وقت نزول عذاب صبح است مگر صبح نزدیک نیست (82) وقتی که فرمان عذاب رسید آن شهرها را زیرو رو کردیم باران سنگ و هوار بر آنها باریدیم (83) گوئی که سنگ‌ها آنها را نشانه گرفته بود چنین عذاب‌هایی از ستمکاران بدور نیست (84) به‌سوی قوم مدین هم برادرشان شعیب را رسالت دادیم فرمود مردم خدا را بپرستید که جز او خدائی نیست کیل و ترازو را کم ندهید من خیر شمارا می‌خواهم می‌ترسم عذاب محیط خدا شمارا فرا گیرد (85) مردم، کیل و ترازو را به قسط و عدالت بدهید اجناس مردم را کم ندهید در زمین مفسده به

پا نکنید (86) یادگاران خدا و پیغمبران برای شما بهترند اگر ایمان به خدا دارید من حافظ شما از بلاهانیستم (87) گفتند شعیب همین دین و نماز تو به ما دستور می‌دهد که دین آبا و اجداد خود را رها کنیم به دستور تو در اموال خود تصرفات داشته باشیم آری تو خیلی حلیم و بردباری (88) شعیب گفت اگر برهان رسالت داشته باشم و خدا خودش روزی من را برساند (چه می‌گوئید) من سر مخالفت با شما ندارم که شما را نهی می‌کنم هدفم آنچه بتوانم اصلاح است خدا به من توفیق می‌دهد به او توکل دارم و به او پناه می‌برم (89) ای قوم آزار و اذیت شما به من چنان شمارا مجرم و محکوم نکند که مستحق عذابی مانند عذاب قوم نوح یا قوم صالح و هود شوید شما از داستان قوم لوط فاصله ندارید (سرنوشت آنها را دیده‌اید) (90) از پروردگار توفیق بخواهید به سوي او توبه کنید پروردگار من رؤوف و مهربان است (91) آنها نیز مانند دیگران گفتند شعیب حرف‌های تورا نمی‌فهمیم تودر میان ما ضعیف هستی اگر فامیل تو نبودند سنگبارانت می‌کردیم خیلی پیش ما عزیز نیستی (92) شعیب گفت وای به حال شما فامیل من در نظر شما از خدا عزیز ترند

که رضایت خدا را نادیده گرفتید خدا به اعمال شما محیط است (93) شما به راه و روش خود بروید من هم به راه خود بزودی خواهید فهمید عذاب خدا چه کسی را رسوا می‌کند و چه کسی کاذب است شما منتظر باشید من هم منتظرم (94) وقتی که عذاب خدا ظاهر شد ما شعیب و همراهانش را به لطف خود نجات دادیم فرمان عذاب ما به ظالم‌ها رسید در خانه خود خشکیدند (95) مثل این که آنها نبودند زندگی نداشتند مانند قوم ثمود از رحمت خدا دور باشند (96) موسی را هم با آن‌همه معجزات به سوی فرعون و گروه او رسالت دادیم (97) آنها از فرعون اطاعت نمودند با این که فرعون عقل و شعور نداشت (98) روز قیامت پیشاپیش قوم خود حرکت می‌کند آنها را با خود به جهنم می‌کشاند چه بد جایگاهی است جهنم (99) بدرقه آنها در این زندگی دنیا و قیامت نفرین است چه قدر به ذلت و نکبت پذیرایی می‌شوند (100) این آیات خبرهای غیبی است که برای تو بازگو می‌کنیم بعضی از آن ملت‌ها به روش‌های مکتبی خود قائمند و بعضی نابود شده‌اند (101) ما به آنها ستم نکردیم آنها بودند که به خود ستم کردند خدایانی که می‌پرستیدند یا از

آنها خواهش و تقاضا داشتند به حال آنها سودی نبخشیدند و به جز هلاکت چاره‌ای نداشتند (102) انتقام خدا چنین است که از ملت‌های کافران تقام می‌گیرد انتقام او سخت و درد آوراست (103) این داستان‌ها برای کسانی که از خدا و آخرت خوف دارند آیت الهی است آخرت روزی است که تمامی انسان‌ها در آن جمعند و همه چیز برای همه قابل مشاهده است (104) که ما آن روز را برای مدت معین به تاخیر انداخته‌ایم (105) آن روز که دایر شد کسی بدون اذن خدا سخن نمی‌گوید عده‌ای سعید و عده‌ای شقی اند (106) اشقیاء در عذاب آتش اند صدای شهقه و زوزه آنها زیاد است (107) آن عذاب تاز مانی که آسمان‌ها و زمین دایر باشد ادامه دارد مگر این که خدا خاتمه دهد خدا آنچه اراده کند خیلی سریع انجام می‌دهد. پاورقی 167 (108) و اما سعادت‌مندان در بهشتند زندگی آنها تا زمانی که آسمان‌ها و زمین برپا است ادامه دارد مگر که خدا بخواهد نعمت خدا قابل قطع نیست (109) در بطلان خط مشرکین شك و شبهه نداشته باش آنها همان راهی را می‌روند که اجدادشان رفته‌اند نتایج کفر و گناه آنها کاملاً به آنها خواهد رسید (110) ما به موسی

کتاب دادیم امت او در دین و کتاب او اختلاف پیدا کردند اگر تقدیر خدا نبود که مدتی زندگی کنند به حیات آنها خاتمه می‌دادیم آنها در حقانیت دین و کتاب خود شک و شبهه دارند (111) تمامی آنها به نتایج اعمالشان می‌رسند خدایه اعمال آنها آگاه است (112) چنان که ماموری، خود و امتت باید استقامت داشته باشید و از حدود خود تجاوز نکنید خدا به اعمالتان آگاه است (113) مواظب باشید مبادا پایه و مایه قدرت ستمکاران در ستمکاری آنها باشید که آتش ظلم و ستم آنها به شما هم می‌رسد در این حال جز خدا سر پرستی ندارید و یاری نمی‌شوید (114) شما در دو طرف روز و قسمتی از شب نماز بخوانید و بدانید که نیکی‌ها بدی‌ها را نابود می‌کند نماز برای پیروان حق یاد آور خدا است. پاورقی 168 (115) در راه خدا صبرکن که خدا اجر نکوکاران را ضایع نمی‌گذارد (116) چرا امت‌های گذشته نسلی از خود بجا نگذاشتند تا مردم را از فساد باز دارند مگر قلیلی از آنها که اهل نجات بودند ستمکاران در پی خوردن و خوابیدن زندگی خود را به کفر و گناه سپری کردند که مجرم بودند (117) خداوند هرگز اهل شهر و روستایی را که در خط صلاح و اصلاحند به هلاکت

نمی کشاند (118) اگر خدا بخواهد می تواند تمام مردم را به صورت يك امت وحدت دهد و لیکن همیشه در اختلاف به سر می برند (119) مگر کسانی که خدا به آنها رحم کند (به آنها توفیق دهد) خدا اختلاف برای آنها مقدر کرد تا جویای حقیقت باشند حکم خدا قطعیت پیدا کرد که تمامی جن و انس را به جهنم کشاند تا بترسند به راه حق برگردند (تا خودیت خود را لغو کنند) (120) ما داستان پیغمبران را برای تو می خوانیم تا عقیده ات محکم شود این داستان ها برای اهل ایمان پند و موعظه و یاد آور خدا است (121) به کفار بگو شما در راه و روش خود فعالیت کنید مانیز چنین هستیم (122) منتظر ظهور حاکمیت حق باشید ما هم منتظریم (123) آیندها در زمین و آسمان مال خدا است مرجع تمامی امور خدا است بنده خدا باش به او توکل کن خدا از اعمال شما غافل نیست.

سوره یوسف

بسم الله الرحمن الرحيم

داستان یوسف آموزنده این حقیقت است که خداوند همان طور که نطفه بی ارزش را تبدیل به یک انسان زیبا می‌کند مومن را هم از ته چاه مذلت که مردم به جرم ایمان برای او کنده‌اند به اوج عزت می‌رساند (1) الف - لام - را. این حروف آیات کتاب خلقت است (2) ما این قرآن را به زبان عرب نازل کردیم شاید شما عقل خود را به کار برید. پاورقی 169 (3) ما بهترین داستان را از طریق وحی برای تو بازگو می‌کنیم گرچه پیش از این غافل بودی (زیرا آن حضرت درس و کتابت نداشته است) (4) آن‌جا که یوسف به پدر گفت پدر جان دیشب خواب دیدم یازده ستاره باماه و خورشید مراسم‌ده کردند (پدر که آینده یوسف را درخشان دانست) (5) گفت پسر من خوابت را برای برادرانت نقل نکنی مبادا علیه تو فعالیت کنند شیطان دشمن بزرگ است (6) خدا به تو برتری می‌دهد تاویل حوادث را به تو یاد می‌دهد نعمت خود را بر تو و آل یعقوب کامل می‌کند چنان که بر اجداد تو ابراهیم و اسحاق کامل گردانید خدا حکیم و دانا است (7)

داستان یوسف و برادران برای پرسش گران نشانه عظمت خدا است (8) آن جا که برادران نشستند و گفتند یوسف و برادرش در نزد پدر از ما محبوب ترند با این که ما نیرومندیم حافظ خانواده پدر ما هستیم پدر در این تبعیض اشتباه می‌کند (9) باید یوسف را بکشیم یا به جایی دور ببریم که پدر او را نبیند و ما در نظر پدر محبوبترین باشیم (10) برادر عاقل‌تر گفت نه یوسف را نکشید به چاهی بیندازید تا کاروانیان او را ببرند این عمل بهتراست اگر به جا آورید (11) برادران بعد از وحدت نظر خدمت پدر آمدند که پدر جان چرا اطمینان نداری یوسف را با ما همراه و همبازی کنی ما ناصح او هستیم (12) اجازه بده فردا با او به صحرا برویم بازی کنیم خیالت راحت باشد ما او را حفظ می‌کنیم (13) پدر گفت عزیزانم اگر او را از من جدا کنید من ناراحت می‌شوم می‌ترسم شما غفلت کنید گرگ او را بخورد (14) گفتند پدر جان چطور گرگ او را می‌خورد با این که ما مردانی توانا و نیرومندیم اگرچنین شود ما برادرانی بی‌عرضه‌ایم (15) فردا او را به صحرا بردند تصمیم گرفتند او را به چاه بیندازند ما به یوسف آگاهی دادیم که این عمل را به رخ آنها خواهی کشید و آنها نمی‌دانستند

(16) بعد پیراهن او را به خون آلودند شب به خانه نزد پدر برگشتند گریه می‌کردند که (17) پدرجان ما به بازی مشغول شدیم غفلت داشتیم گرگ یوسف را ربود و خورد می‌دانیم که باور نمی‌کنی اگر چه راست گفته باشیم (18) پیراهن یوسف را که به دروغ به خون آلوده بودند حاضر کردند پدر که دروغ آنها را دانست گفت می‌دانم گرفتار وسوسه شیطان شده‌اید صبر زیبا تراست از خدا کمک می‌خواهم که صبرکنم (19) کاروانی نزدیک چاه رسید مردی را فرستادند آب بیاورد دل‌و را به چاه انداخت پسر زیبایی بالا آمد داد زد آهای مژده غلام زیبایی یافتم خیلی قیمت دارد خدا از کار آنها باخبر بود (برادران که ناظر بودند جلو آمدند که برده ما است فرار کرده) (20) بعد او را به چند درهم ناقابل فروختند به آن اعتنائی نداشتند (21) کاروان یوسف را به مصر برد عزیز مصر او را خرید به همسرش گفت این پسر را که نجیب است گرامی بدار شاید از او سودی ببریم یا به فرزندی بگیریم ما به این صورت یوسف را به قدرت رسانیدیم تاویل حوادث را به او آموختیم خدا بر آنچه مقدر می‌کند غالب است ولیکن مردم نمی‌دانند (22) زمانی که یوسف به حد بلوغ رسید

به او علم و حکمت آموختیم ما نیکو کاران را چنین پاداش می دهیم (23) او با زیبایی و جمال عقلی محبوب عزیز مصر واقع شد زن عزیز که عاشق شده بود با او رابطه برقرار کرد او را به خلوت برد درهای خروجی را بست به او گفت بیا جلو گفت پناه به خدا عزیز مصر مرا گرامی داشت امین خانه شناخت خدا ظالم را رستگار نمی کند (24) زلیخا خواست با او درآویزد یوسف هم آری اگر عظمت خدا را ندیده بود ما قدرت خود را به او جلوه دادیم تا فحشا و منکر را از او برطرف سازیم که او بنده مخلص ما بود (25) یوسف فرار کرد زلیخا در تعقیب او از پشت پیراهنش راکشید و پاره کرد در درب خروجی با شوهر رو برو شدند فوری زلیخا تهمت زد که اگر کسی متعرض حریمت شود به جز زندان یا تنبیه سخت مجازاتی دارد؟ (26) یوسف گفت این خانم مرا به خود مربوط کرد در این جا شاهدهی که ناظر اعمال بود گفت اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده یوسف گناه کار است (زلیخا از خود دفاع نموده) (27) و اگر پیراهن از پشت پاره شده زلیخا او را تعقیب داشته یوسف راست می گوید بی گناه است (28) عزیز نگاه کرد که پیراهن از پشت پاره شده گفت مگر شما زنان است

شیطنتت شما بزرگ است (گفته‌اند که شاهد در این جا کودکی بوده است شاید حقیقت باشد زیرا اگر بزرگ باشد علیه زلیخا شهادت نمی‌داد که می‌ترسد) (29) به یوسف گفت از این خانم فاصله بگیر تو هم ای زن استغفار کن که خطا کار بوده‌ای (30) رابطه زلیخا شهرت یافت عده‌ای از زنان گفتند ملکه مصر عاشق جوان در باری خود شده از دایره عفت منحرف شده است (31) زلیخاکه از این بدگوئی‌ها آگاه شد ضیافتی ترتیب داد متکا پشت سر زنان گذاشت به هر يك كارد و پرتقالي داد به یوسف گفت بیا پذیرائی کن زنان که او را در آن زیبایی دیدند چنان مجذوب شدند که دست خود را به جای میوه بریدند گفتند سبحان الله این پسر بشر نیست فرشته بزرگواری است (32) زلیخا گفت این است آقائی که مرا درباره او ملامت می‌کنید به او عشق ورزیدم او خودداری نمود اگر عشق مرا اجابت نکند او را زندانی می‌کنم یا به ذلت و خواری می‌اندازم (33) یوسف که اسم زندان شنید عرض کرد پروردگارا زندان را از رابطه با زنان بیشتر دوست دارم اگر تو مکر زنان را از من نگردانی به آنها متمایل می‌شوم و جاهل و گنه کار شناخته می‌شوم (34) خداوند

دعایش را اجابت نمود مکر زنان را از او بگردانید که او شنوا و دانا است (35) سر و صدائی از این حوادث پیدا شد درباریان صلاح دراین دیدند که او را زندانی کنند (36) یوسف با دو نفر متهم دیگر به زندان افتادند یکی از آن دو نفر زندانی گفت که ای یوسف دیشب خواب دیدم شربت و شراب می‌سازم دیگری گفت خواب دیدم بالای سرم سبد نان برداشته‌ام پرندگان نان‌ها را می‌خورند ای یوسف تو مرد پاک‌هستی خواب ما را تعبیر کن (37) یوسف گفت بچشم پیش از آن‌که شام شب را بیاورند تعبیر می‌کنم این تعبیر خواب علمی است که خدا به من آموخته است برای این که ما راه و روش کسانی را که ایمان به خدا نیاورده‌اند و کافر به آخرت شده‌اند ترک نمودیم. پاورقی 170 (38) ما از راه و روش اجدادمان ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی نمودیم شایسته ما نیست کسی یا چیزی را شریک خدا سازیم این لطف خدا است که شامل حال ما و مردم شده گرچه اکثر مردم نعمت خدا را منظور ندارند (39) ای رفقای زندانی من این‌همه ارباب بازی متفرق بهتر است یا خداوند واحد قادر و غالب (40) شما و اجدادتان پیش خود کلماتی به نام خدا ساخته‌اید و می‌پرستید خدا به این اسم‌ها

قدرتی نداده حکم و حکومت مخصوص خدا است اجازه نداده بجز او کسی را بپرستند دین ثابت و پایدار همین است گر چه بسیاری از مردم نمی‌دانند (واماتعبیرخواب) (41) رفقای زندانی من يك نفر از شما به مقام اول خود بر می‌گردد به شاه شراب و شربت می‌دهد و دیگری بدار آویخته می‌شود و مرغان مغز سر او را می‌خورند تعبیر خواب همین است (معرفی نکرد که ناراحت نشوند) (42) مخفیانه به کسی که می‌دانست آزاد می‌شود گفت بی گناهی مرا به شاه خود بگو اما شیطان این یادآوری را از یاد زندانی برد در نتیجه زندان یوسف هفت سال ادامه یافت (شیطان بر آن زندانی غلبه کرد یوسف حق داشت تهمت را از خود بگرداند). پاورقی 171 (43) و بعد از چندی پادشاه در خواب دید هفت گاو لاغر هفت گاو چاق را می‌خورند کنار آنها هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک نگران شد خواب گذاران را خواست که خواب مرا تعبیر کنید اگر تعبیر می‌دانید (44) جواب دادند خواب‌ها پریشان است ما خواب پریشان را نمی‌توانیم تعبیر کنیم (45) رفیق زندانی یوسف بعد از مدتی تعبیر خواب یوسف یادش آمد گفت اجازه بده الآن تعبیر خواب را می‌آورم فوری

به زندان رفت که (46) ای یوسف صادق راست گو این خواب را تعبیر کن که هفت گاو لاغر هفت گاو چاق را می‌خورند و هفت خوشه سبز و خوشه خشک شاه و مردم در انتظارند بر گردم آنها را آگاه کنم (47) گفت برو به شاه بگو هفت سال اول باران فراوان می‌آید گندم زیاد بکارند باخوشه آنها را ذخیره کنند مگر آن چه را که لازم دارند (48) بعد از آن دوره هفت سال خشک و قحطی می‌آید که آنچه ذخیره کرده‌اید می‌خورید مگر مقدار کمی که می‌ماند (49) و بعد از این خشک سالی سال فراوانی می‌شود باران می‌بارد خدا به داد مردم می‌رسد (50) شاه که خوش حال شد گفت یوسف را بیاورید مامور به زندان رفت او را بیاورد یوسف گفت اول به شاه بگو گناه من چه بود داستان زنان که در ضیافت دست خود را بریدند چه بود خدا به مکر زنان آگاه است (شاه زنان را احضار کرد) (51) که داستان رابطه شما با یوسف چه بوده گفتند خدا منزّه است ما گناهی از او ندیدیم فوری زلیخا گفت الآن حقیقت معلوم شد گناه من بود که با او رابطه پیدا کردم او راست می‌گوید (52) (یوسف گفت) به این دلیل تقاضای رسیدگی نمودم که شاه بداند من در غیاب او خیانت به او نکرده‌ام خدا خیانت

کاران را هدایت نمی‌کند (53) من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم نفس انسان را به بدی‌ها وادار می‌کند مگر که پروردگارم رحم کند پروردگار من آمرزنده و مهربان است (54) شاه که تواضع او را شناخت گفت او را بیاورید مشاور خاص من باشد وقتی که حاضر شد و با او سخن گفت گفت تو امروز نزد ما مقرب و نیرومندی امین ماهستی (55) یوسف بر پایه خواب شاه گفت اجازه بده مدیر غلات و خزانه‌ها باشم خیالت راحت باشد که دانا و نگهبانم (56) ما این چنین یوسف را در زمین به قدرت رسانیدیم اختیارات مطلق داشت به هرکاری موفق بود مالطف و رحمت خود را به هرکسی بخواهیم می‌رسانیم اجر نیکوکار را ضایع نمی‌گذاریم (57) برای اهل تقوا اجر آخرت بهتر و بالا تر است (یوسف در سال‌های فراوانی غلات زیاد ذخیره کرد در سال‌های خشکی تمام محیط به او محتاج شدند) (58) برادران یوسف برای تهیه غله به مصر آمدند یوسف آنها را شناخت آنها یوسف را نشناختند (بعد از پرس و جو گفت چرا برادر دیگران را نیاورده‌اید) (59) کاروان آنها را مجهز کرد و به راه انداخت و گفت دو مرتبه که آمدید برادر دیگر خود را هم بیاورید مگر ندیدید غله شما را بهتر و

بیشتر دادم و شمارا پذیرائی کردم (60) اگر برادر دیگران را نیاورید به شما غله نمی پذیرائی هم نمی‌کنم (61) گفتند به چشم با پدرش مذاکره می‌کنیم اورا می‌آوریم (62) یوسف به مامورین دستور داد کالائی که با خود آورده‌اند در داخل بار شتران قرار داده به خودشان برگردانند تا وقتی که به وطن برگشتند و دیدند غله مجانی به آنها داده شاید دو مرتبه برگردند (63) وقتی به وطن رسیدند به پدر گفتند عزیز مصر به ما گفت اگر دو مرتبه برای غله آمدید برادر دیگران را با خود بیاورید و الا خوار و بار ندارید اجازه بده برادر را با خود ببریم ما اورا حفظ می‌کنیم (64) پدر گفت آری مطمئن باشم همانطور که برای یوسف مطمئن شدم خدا بهترین حافظ است ارحم الراحمین است (65) بار شتران را گشودند دیدند قیمت کالاها به خودشان برگشته باذوق و شوق گفتند پدرجان دنبال چي هستیم قیمت کالا را هم به خودمان برگردانیده تا بتوانیم زندگی را اداره کنیم این مقدار که آورده‌ایم کافی نیست بیشتر از این لازم داریم خیالت راحت باشد برادرمان را حفظ می‌کنیم (66) پدر گفت نه این برادر را نمی‌دهم جز این که قسم بخورید او را به من برگردانید

می‌گردانید مگر که نتوانید وقتی که پیمان بستند گفت مانعی ندارد خدا وکیل است (67) به آنها سفارش کرد وقتی وارد مصر شدید از يك در وارد نشوید بلکه هر دو برادر از يك در نمی‌توانم تقدیر خدا را از شما بگردانم حکم با خدا است من به او توکل نمودم همه به او توکل کنند (68) برادران به مصر برگشتند طبق دستور پدر وارد مصر شدند دستور پدر تقدیر خدا را عوض نکرد جز این که قدری فکر او را آرام نمود یعقوب از طریق تعلیمات ما آگاهی پیدا کرده بود گر چه بسیاری از مردم نمی‌دانند (شاید از این قضایا احساس کرده بود که یوسف آنجا است) (69) وقتی که وارد دربار شدند یوسف غم تنهائی برادر را احساس کرد مخفیانه خود را به او معرفی نمود و گفت از کردار برادران نا اهل نا راحت مباش (70) نقشه کشید برادر را نگهدارد و سائل حرکت آنها را فراهم کرد جام آب را در بار شتر برادر گذاشت و جارچی داد زد که شما کاروان دزدی کرده‌اید (71) برادران رو آوردند که چه چیز گم کرده‌اید (72) گفتند جام آب شاه را گم کرده‌ایم هرکس بیاورد يك بار شتر جایزه دارد من ضامنم (73) برادران گفتند شما ما را می‌شناسید ما از تباه کاران نیستیم نیامده‌ایم

دزدی کنیم (74) یوسف گفت مجازات شما چیست اگر دروغ گفته باشید (75) گفتند مجازات دزد همان است که جام شاه در بار شتر او پیدا شود ما ظالم را مجازات می کنیم. پاورقی 172 (76) اول بار شتر برادران را گشتند بعد جام شاه را از بار شتر برادر یوسف درآوردند ما خود چنین نقشه‌ای کشیدیم و الا در دین یوسف جایز نبود برادرش را به تهمت دزدی نگه دارد مگر که اذن خدا باشد ما درجه هرکسی را بخواهیم بالا می‌بریم بالاتر از هر دانائی دانشمندی هست (77) برادران گفتند اگر این پسر دزدی کرد قبلاً برادرش هم دزدی کرده بود خاطره‌های گذشته در فکر یوسف گذشت اما ظاهر نکرد گفت وضعیت شما خیلی بدتر است خدا آگاه تراست (78) برادران گفتند ای عزیز این پسر پدر پیری دارد شما یک نفر از ما برادران را به جای او نگه دارید او را آزاد کنید ما تورا مهربان و نیکوکار می‌بینیم (79) یوسف گفت پناه به خدا فقط کسی را نگه می‌داریم که جام خود را از او گرفته‌ایم و گرنه ظالم خواهیم بود (80) وقتی که مایوس شدند برای نجات از نگرانی شدید از جواب پدر به تلاش افتادند بزرگتر آنها گفت مگر نمی‌دانید پدر از ما عهد و پیمان گرفت پیش از این هم در رفتار

با یوسف سابقه بدی داشتیم من که از این جا به جای دیگر نمی‌روم مگر که پدر اجازه دهد یا خدا حکم دیگری کند که بهترین حاکمان است (81) شما به وطن برگردید بگوئید پدر جان پسرت دزدی کرد او را توقیف نمودند ما به حق شهادت می‌دهیم از غیب این واقعه خبر نداشتیم (82) اگر از ما قبول نداری از شهری که این اتفاق افتاده یا از کاروانی که همراه ما بود پرس تا بدانی که راست می‌گوئیم (83) یعقوب گفت در این جا هم گرفتار وسوسه نفس شده‌اید مکر دیگری به کار بردید باز هم صبر می‌کنم شاید خداوند هر دو پسر را به من برگرداند او حکیم و دانا است (84) از همه آنها رو گردانید که وا اسفا از فراق یوسف چشم‌هایش از غصه و گریه سفید شد ولی تحمل می‌کرد (85) پسران اعتراض کردند که همیشه یوسف یوسف می‌زنی پوست و استخوان شدی به هلاکت افتادی (86) گفت من غم و غصه خود را به خدا شکایت دارم از تقدیر خدا چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید (87) پسران من، من احساس می‌کنم که یوسفم زنده است و همان جا است بروید از یوسف و برادرش جستجو کنید از لطف خدا مایوس نشوید که به جز قوم کافران خدا

مایوس نمی‌شود (88) پسران به مصر برگشتند به عزیز مصر گفتند که ای عزیز ما و اهل بیت ماسخت مبتلا شده‌ایم سرمایه کمی آورده‌ایم خوار و بار ما را کامل مرحمت کن به ما لطف کن خدا بخشنده‌گان را دوست می‌دارد (89) یوسف که دید خیلی ناراحت شده‌اند گفت خبر دارید که در جوانی و نادانی با یوسف و برادرش چه کردید (90) گفتند مگر تو همان یوسف مائی گفت آری من یوسفم و این برادر من است خدا بر ما منت نهاد هرکس تقوا پیشه کند و صبر نماید خدا اجر صابر را ضایع نمی‌گذارد (91) گفتند خدا تو را بر ما برتری داد آقائی بخشید و حقیقتا ما خطاکار بودیم (92) گفت ایرادی بر شما نیست خدا مرا و شمارا می‌آمرزد او ارحم الراحمین است (93) شما پیراهن مرا ببرید به صورت پدر بیندازید چشمانش روشن می‌شود بعد همه با هم به مصر بیایید (94) کاروان به طرف کنعان حرکت کرد یعقوب بوی پیراهن را استشمام نمود گفت اگر بر من ایراد نگیرید بوی یوسف را می‌شنوم (95) گفتند به خدا قسم تو هنوز در همان خیالات قدیم هستی (96) بشیر مزده دار یوسف وارد شد پیراهن یوسف را به صورت پدر انداخت فوری چشم‌هایش بینا شد

به خانواده‌اش گفت نگفتم از تقدیر خدا چیزهائی می‌دانم که شما نمی‌دانید (97) برادران عذر خواستند که پدر برای ما استغفار کن ما خطا کار بودیم (98) پدر گفت باشد شب جمعه برایتان استغفار می‌کنم خدا آمرزنده و مهربان است (99) خانواده یعقوب به طرف مصر حرکت نمودند یوسف به استقبال پدر آمد پدر را پذیرا شد گفت بفرمائید به شهر مصر ان شاءالله در امن و امان باشید (100) پدر خود را به تخت قدرت نشانید همه جلال و شکوه یافتند برادران به سجده افتادند یوسف گفت پدر این تعبیر خواب قبل است که خداوند آن را محقق ساخت چقدر خداوند در این مدت به من محبت کرد مرا از زندان آزاد نمود شما را به طرف من آورد بعد از آن که شیطان بین من و برادرانم تیرگی ایجاد کرد مهربانی بوجود آورد پروردگار من چقدر لطیف است آن چه بخواهد انجام می‌دهد او حکیم و دانا است (101) پروردگارا تورا سپاس که به من سلطنت دادی حکمت حادثه هارا به من آموختی ای آفریننده آسمان‌ها و زمین در دنیا و آخرت تو ولی من هستی مرا به دین اسلام از دنیا ببر به شایستگان از بندگان خود ملحق کن (102)

خدا بعد از خاتمه داستان به پیغمبر خطاب می‌کند) که این بود داستان یوسف علم غیبی که تو نمی‌دانستی و در آن زمان نبودی که برای یوسف نقشه کشیدند (103) گرچه تو در دعوت و تعلیم حریص هستی ولی اکثریت ایمان نمی‌آورند (104) به آنها محتاج نیستی که مزدی بخواهی این دین و قرآن پند جهانیان است (105) چقدر زیاد نشانه‌های عظمت خدا در آسمان و زمین هست که می‌بینند و توجه نمی‌کنند (106) بسیاری از مردم ایمان به خدا نمی‌آورند خود را و یا خلق خدا را شریک خدا قرار می‌دهند (107) آنها باچه استحقاقی خود را ایمن می‌دانند که عذاب خدا یا ساعت قیامت ناگهانی آنها را فرا گیرد بدون این که ظهور عذاب را درک کنند (108) بگو این قرآن راه من است من و پیروانم با بصیرت کامل شما را به آن دعوت می‌کنیم خدا منزّه است ما کسی یا چیزی را شریک او قرار نمی‌دهیم (109) پیش از تو کسی را رسالت ندادیم مگر مردانی از شهر و روستا که اوامر خود را به آنها وحی نمودیم تاریخ را مطالعه کنید تا ببینید عاقبت کفار چه بود و چه شد آخرت برای اهل تقوا بهتر است چرا عقل خود را کار نمی‌زنید (110) ما به کفار در زندگی

مهلت و فرصت دادیم تا زمانی که پیغمبران به یاس افتادند که پس کجا است و عده خدا خیال کردند خلاف حقیقت به آنها گفته‌ایم در آن حال نصرت خدا رسید و هر کسی را که خواستیم نجات یافت قهر خدا از مشرکین برگشت ندارد (111) داستان قرآن برای خردمندان پل عبور است داستان‌های قرآن دروغ نیست بلکه مورد تصدیق کتاب‌های گذشته و تفصیل علوم و احکام است مایه هدایت و رحمت برای اهل ایمان است.

سوره رعد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این سوره شریفه از خلقت آسمان و زمین و رعد و برق و جاذبه‌ها و نزول علم از جانب خدا و عجایب دیگر بحث می‌کند (1) الف - لام - میم - را - این حروف

از آیات کتاب آفرینش است آنچه بر تو نازل می‌شود حق است و لاکن بسیاری از مردم ایمان نمی‌آورند (2) خدا کسی است که عالم آسمان و زمین را بدون ستون قابل رویت بالا برد و بعد از خلقت و تربیت بر عرش حاکمیت قرار گرفت خورشید و ماه را مسخر نمود که هر کدام برای دوره معین در حرکتند امور عالم و بندگان را تنظیم می‌کند آیات قدرت خود را با تفصیل بیان می‌کند شاید مردم به‌روز لقاء الله یقین پیدا کنند (3) او کسی است که زمین را گسترش داد و کوه‌ها را در آن استوار ساخت نهرها جاری نموده و از هر نوع میوه جفت آفرید شب را به‌روز و روز را به‌شب می‌پوشاند همه این‌ها برای کسانی که فکر می‌کنند آیت قدرت خدا است. پاورقی 173 (4) زمین را به‌قطعات مختلف کنار هم چیده باغ‌هایی از انواع زراعت‌ها و درخت انگور و خرما شبیه و غیر شبیه به یکدیگر در زمین آفریده که همه آنها از يك آب و خاک ساخته می‌شود در ذائقه مردم و در لطافت بعضی از بعض دیگر بهتر است همه این تنوعات برای عقلا آیت الهی است (5) تو اگر از کفر و گناه آنها تعجب می‌کنی جای تعجب است که در قدرت خدا شك می‌کنند که مگر ممکن است وقتی

مردیم و خاک شدیم دو مرتبه زنده شویم آنها را که به پروردگار خود کافر شده‌اند و آنها را که غل و زنجیر دنیا پرستی آنها را به جهنم کشیده و در حقیقت همان‌ها اهل آتشند و در آن مخلدند (6) آنها پیش از خیر و سعادت به راه شر و شقاوت می‌روند با این‌که این همه نمونه‌های شر و شقاوت تکرار شده است پروردگار تو در برابر کفر و گناه عفو و مغفرت به کار می‌گیرد و گاهی سخت کیفر می‌کند (7) کفار اعتراض می‌کنند که چرا معجزه‌ای نمی‌آورد و وظیفه تو فقط تعلیم و تبلیغ است هر قومی هدایت گر مخصوصی لازم دارند (8) خدا از حمل هر انسان و حیوانی آگاه است از رحمی که نطفه را محو می‌کند یا آن را زیاد و کم می‌کند خبر دارد هر چیزی از نظر خدا روی حساب و هندسه است (9) او عالم به غیب و شهود است بزرگ و برتر است (10) برای او مساوی است مخفیانه و یا آشکارا سخن بگوئید یا در شب تاریک و روز روشن حرکت کنید (11) گماشتگان از رو برو و پشت سر به امر خدا محافظ شما هستند خدا هرگز مقدرات قومی را تغییر نمی‌دهد مگر که آنها وضع علمی و اخلاقی خود را تغییر دهند اگر خدا برای قومی بلا و مصیبتی مقدر کند کسی

نمی‌تواند آن بلارا دفع کند مردم بجز خدا ولی و سر پرستی ندارند (12) او خداست که رعد و برق را به نمایش می‌گذارد می‌ترساند یا به طمع می‌اندازد ابرهای سنگین و پرباران به وجود می‌آورد (13) رعد و برق نمایش‌گر تسبیح و ستایش خدا است فرشتگان مقهور اراده اویند هر کسی را بخواهد با صاعقه مصیبت می‌رساند با این همه نمایش قدرت باز هم در اقرار و انکار او باهم مجادله دارند (14) دعوت به حق مخصوص خدا است کسانی که از غیر خدا خواهش و تمنا دارند مانند کسی هستند که کفی به آب می‌زند تا به دهان برساند آرزوهای کفار نمی‌تواند در خلاء مطلق قرار می‌گیرد (15) هرچه هست و هرکه هست در آسمان و زمین به میل خود یا به خلاف میل از نظر جسمانیت و روحانیت صبح و شام خدا را سجده می‌کند (16) پیرس مربی عوالم آسمان‌ها و زمین کیست بگو خدا است پس چرا به جای خدا از دیگران اطاعت می‌کنید، آن هم کسانی که برای خود مالک نفع و ضرری نیستند چه برسد برای دیگران آیا بینا و نا بینا، تاریکی و روشنایی مساویند یا آنها برای خدا شریکانی تراشیده‌اند که خلایقی مانند خلایق خدا دارند در نتیجه بر آنها

مشتبه شده است که خلق کدام خالقند بگو خالق همه کس و همه چیز خدا است او خدای یگانه و قهار است (17) او است که از این آسمان باران و از سوی خود علم و دانش برای شما نازل می‌کند وادی‌ها فراخور خود آب و دل‌ها به استعداد خود علم می‌گیرند از این وادی‌ها، سیل بنیان کن به همراه خود کف انبوه و چیزهای دیگر که برای ایجاد آتش نافع و مایه زینت زندگی است می‌آورد خداوند برای نمایش حق و باطل مثل می‌زند بعد کف‌ها از بین می‌رود و آنچه برای مردم نافع است به جا می‌ماند خدا این طور برای نمایش حق و باطل مثل می‌زند (کلمه حق نافع و باقی است و باطل مانند کف آب). پاورقی 174 (18) برای کسانی که دعوت پروردگار خود را اجابت می‌کنند عاقبت نیک مقدر است و کسانی که اجابت نمی‌کنند در وضعی قرار می‌گیرند که اگر چند برابر ثروت زمین داشته باشند برای نجات خود فدا می‌دهند تا از عذاب برهند آنها عاقبت بدی دارند یعنی خط جهنم چه بد مکتبی است (19) آیا کسی که به حقانیت دین و کتابی که بر تو نازل شده آگاه است مانند کسی است که جاهل و نا بینا است فقط خردمندان حقیقت را درک می‌کنند (20)

آنها که به عهد خود وفادارند میثاق خود را نمی‌شکنند (21) و کسانی که وابسته می‌شوند به افرادی که امر به وابستگی به آنها دارند عظمت خدارادرك می‌کنند از عاقبت کفر و گناه می‌ترسند (22) کسانی که در جستجوی رضایت خدا صبر می‌کنند نماز را زنده می‌دارند و از آنچه به آنها داده‌ایم پنهان و آشکار انفاق می‌کنند بد رفتاری‌ها را با خوش رفتاری محو می‌کنند آنها ایند که عاقبت زندگی به نفع آنها تمام می‌شود (23) و آن عاقبت خوب علم و قدرتی است که از آن نعمت و ثروت مانند نهر جریان پیدا می‌کند با اجداد و اولاد صالحشان وارد آن زندگی می‌شوند فرشته‌گان همه جادو خدمت هستند (24) از هر جهت عوامل سلامت سازی، آنها هستند می‌گویند مرحبا به شما از صبری که در راه خدا داشتید چه عاقبت خوبی دارید (25) و اما کسانی که عهد الهی را بعد از محکم کاری می‌شکنند و از کسانی که مامور رابطه با آنها هستند قطع رابطه می‌کنند و در زمین فساد بیامی کنند لعنت خدا و بد عاقبتی ملازم وجود آنها می‌شود (26) خدا است که به روزی شما وسعت می‌دهد و یا تنگ می‌گیرد کفاره زندگی دنیای خود مشعوفند با این که دنیا در

برابر آخرت طعمه‌ای بیشتر نیست (27) کفار می‌گویند چرا آیتی و معجزه‌ای بردست او جاری نمی‌شود بگو خدا هرکسی را بخواهد گمراه می‌کند و کسی را که به او رجوع کند هدایت می‌نماید (28) هدایت شده‌گان همان‌هایند که ایمان به خدا می‌آورند و دلشان به یاد خدا آرامش پیدا می‌کند آری به یاد خدا دل‌ها آرام می‌شود (29) خوشا به حال کسانی که اهل ایمان و عمل صالحند چه عاقبت خوبی دارند (30) ماتو را برای امت‌هائی رسالت دادیم که پیش از این امت‌هائی از آنها گذشته است تا کتابی که به تو وحی می‌شود بر آنها تلاوت کنی با این که آنها کافر به خدای رحمان می‌شوند بگو او پروردگار من است به جز او خدائی نیست به او توکل دارم مرجع توبه من است (31) اگر کتابی می‌طلبی که در شعاع تربیت آن سیرابر قدرت‌های مادی و مذهبی به آخر می‌رسد و یا امت‌ها در شعاع آن متفرق و متحد می‌شوند و یا در خط تکامل آن مردگان به حیات ابدی می‌رسند آن کتاب همین قرآن است (یعنی قرآن کتاب عظیمی است که در دایره آن کفر و ایمان به ثمر می‌رسد) تمامی کارها به دست خدا است مگر اهل ایمان نمی‌دانند که اگر خدا

بخواهد تمام مردم را هدایت می‌کند همیشه کفار با صنایع جنگی خود به سر خود می‌کوبند یا خانه را سر خود خراب می‌کنند تا وعده خدا (امام زمان) ظاهر شود خدا خلف وعده نمی‌کند (32) پیغمبران گذشته را هم مسخره کردند من اول به کفار مهلت دادم و در آخر از آنها انتقام گرفتم بین کیفر خدا چه بود (33) آیا برای خدائی که این طور به اعمال آنها محیط است شریک قرار داده‌اند بگو تعریف کنید آنهاچه کاره‌اند لابد می‌خواهید خدا را به چیزی آگاه کنید که از آن بی‌خبر است یا به تعریفات خلاف حقیقت اکتفا کنید کید و مکر کفار در نظرشان جلوه یافته است مردم را از راه خدا باز می‌دارند کسانی را که خدا گمراه کند هدایت گری ندارند (34) آنها در زندگی دنیا معذب می‌شوند و عذاب آخرت سخت‌تر است برای آنها نگهبانی از جانب خدا نیست (35) نمونه بهشتی که خدابه اهل تقوا وعده می‌دهد علم و قدرتی است که از آن نعمت و لذت مانندنهر در جریان است (اراده کن فیکونی) آن نعمت‌ها وسایه گوارای حکومت خدا ابدی است این است عاقبت متقین و عاقبت کفار آتش جهنم است (36) کسانی که توفیق فهم کتاب خدا را دارند از این

قرآن که نازل می‌شود خوش حالند و بعضی احزاب منکر قسمتی از آیات می‌شوند بگو من مأمورم در اطاعت خدا باشم کسی را شریک اونسازم مردم رابه دین او دعوت کنم همه وقت به او مربوط باشم (37) ما به این کیفیت احکامی عربی بر تو نازل کردیم اگر بعد از آشنائی به آن از هوای آنها پیروی کنی از دایره ولایت خدا و حفاظت او خارج خواهی بود (38) پیش از تو پیغمبرانی فرستادیم زن و فرزندان برای آنها مقدر نمودیم هیچ پیغمبری بدون اذن خدا معجزه نمی‌آورد عمر هرکسی حساب خود را دارد (39) خدا بعضی مقدرات را محو نموده و بعضی را اثبات می‌نماید اصول مقدرات به اختیار او است (40) اگر در زمان حیات تو بعضی مقدرات رابه نمایش درآوریم یا بعد از وفات تو (مانند فتوحات بعد) وظیفه تو تبلیغ و وظیفه خدا حساب گری است (41) مگر ندیدند که ما با مرگ بزرگان زندگی دنیا رابه انتهایم بریم و حکومت با خدا است کسی نمی‌تواند او را تعقیب کند خیلی زود به حساب بندگان می‌رسد (42) گذشتگان این همه مکر و حيله به‌کار بردند همه آنها به‌نفع دین خدا تمام شد خدا کار و کسب هر کسی را

می داند کفار خواهند دانست که عاقبت زندگی به نفع کیست (43) کفار می گویند تو رسول خدانیستی بگو گواهی خدا و گواهی کسی که علم قرآن نزد او است به رسالت من کفایت می کند.

سوره ابراهیم

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه به مناسبت بیان قسمتی از داستان حضرت ابراهیم خلیل به نام ابراهیم نام گذاری شده است (1) الف لام را) کتابی است که بر تونازل کردیم تا به وسیله آن مردم را از تاریکی جهل به سوی نور علم و به سوی خدای غالب و حمید هدایت کنی. پاورقی 175 (2) خدایی که هر چه هست در آسمان و زمین مال او است و ای به حال کفار از عذاب سختی که در انتظار آنها است (3) همانها که زندگی دنیا در نظرشان از زندگی آخرت مطلوب تر است مردم را از راه خدا

باز می دارند و دین خدا را غلط می دانند آنها بسیار از حقیقت دورند (4) هر پیغمبری را به زبان قومش مامور کردیم تا رسالت خود را به رای آنها روشن سازد و بعد از بیان دین، هر کس بی اعتنائی کند قهرا گمراه می شود و هر کس گرایش به دین پیدا کند خدا او را هدایت می کند خدا غالب و حکیم است (5) موسی راهم به سوی قوم خود رسالت دادیم که قوم خود را از تاریکی به نور علم هدایت کند و آنها را در انتظار ایام حکومت خدا قرار بدهد این رسالت و تبلیغ برای انسان های صابر و شکور آیت خدا است (ایام الله قیام امام و حکومت ائمه اطهار است) (6) موسی به قوم خود گفت به یاد نعمت بزرگ خدا باشید که شما را از بردگی و شکنجه نجات داد فرعون مردان شما را می کشت و زنان را ننگه می داشت چه بلای بزرگی به دست سلطان به جان شما افتاده بود (7) خدایه شما اعلام کرد که اگر نعمت او را منظور ندارید ادامه می دهد و اگر کافریه نعمت خدا شوید عذاب من شدید است (8) موسی به آنها گفت اگر شما بنی اسرائیل و تمامی اهل زمین کافر شوید خدا از شما بی نیازی و پسندیده است (9) مگر داستان گذشتگان قوم عاد و ثمود و کفار بعد از آنها را که جز

خدا کسی آنها را نمی شناسد نشنیده‌ای که پیغمبران با معجزات به سوی آنها رفتند و تبلیغ نمودند آنها دست به دهان خود بردند که مابه رسالت شما کافریم در دین و دعوت شما شك داریم قبول نمی‌کنیم (10) پیغمبران گفتند آیا در وجود خدا خالق آسمان‌ها و زمین شك دارید شما را دعوت می‌کند تا نقایص و جودی شما را برطرف کند شما را ترقی دهد به عمر مقدر برساند جواب دادند که مگر شما چکاره‌اید بشری مانند ما ئید می‌خواهید ما را از دین اجداد مان باز دارید اگر راست می‌گوئید معجزه بیاورید. پاورقی (11) پیغمبران گفتند که ما هم بشری مانند شمائیم و لیکن خداوند به هر بنده‌ای که بخواهد منت می‌گذارد به او وحی می‌کند ما معجزه نمی‌آوریم مگر به اذن خدا اهل ایمان به خدا توکل کنند (12) چرا ما پیغمبران به خدا توکل نکنیم با این که ما رابه سعادت هدایت فرموده در برابر اذیت شما صبر می‌کنیم اهل ایمان به خدا توکل کنند (13) کفار گفتند ما شما را از شهر و دیار خود اخراج می‌کنیم مگر این که به ملیت ما در آئید خدا فرمود ما ستمگران را هلاک می‌کنیم (14) شهرو دیار آنها رابه شما می‌سپاریم

این وراثت مال کسانی است که عظمت خدا را درک می کنند از عذاب او می ترسند (15) پیغمبران از خدا کمک خواستند جباران و معاندین نا امید شدند (16) بعد از این زندگی به آتش جهنم معذب می شوند آب های چرک و کثیف می آشامند (17) جرعه جرعه آن آب ها را می آشامند با این که گوا را نیست از هر طرف عوامل مرگ به آنها رو می آورد ولی از مرگ خبری نیست و در پی آن عذابی سخت آنها را فرا می گیرد (18) اعمال کسانی که کافربه پروردگار شده اند مانند خاکستری است که بادی تند بر آن می وزد و می برد از اعمال خود نتیجه ای نمی برند از مقصد سعادت بسیار به دورند (19) مگر نمی بینند که خدا آسمان و زمین را به حق آفریده اگر بخواهد شما را می برد خلقی تازه به وجود می آورد و این تجدید خلق بر خدا مشکل نیست (20) فردا که در صحرای محشر جمع شدند ضعفا به اقویای متکبر می گویند ما در دنیا پیرو شما بودیم آیا می توانید کمی عذاب ما را تخفیف دهید متکبرین می گویند اگر خدا ما را هدایت می کرد شما را هدایت می کردیم آه و ناله کنیم یا نکنیم راه چاره ای نداریم (22) در این جا شیطان اکبر به آنها می گوید خدا به شما وعده به

حق داد و من وعده دروغ دادم و خلف وعده نمودم
من بر شما مسلط نبودم جز این که شما را به
حاکمیت خود دعوت نمودم اجابت کردید مرا ملامت
نکنید بلکه خودتان را ملامت کنید نه من می‌توانم
به‌داد شما برسم نه شما به‌داد من می‌رسید من
ذره‌ای قبول ندارم که مرا شریک خدا کردید و اطاعت
نمودید کفار به عذاب سختی معذبند. پاورقی 176
(23) آنها که اهل ایمان و عمل صالحند به بهشتی
(یا علم و قدرتی) می‌رسند که از آن نعمت و ثروت
مانند نهر در جریان است در آن وضع جاویدند رابطه
آنها با یکدیگر سلام و سلامتی است (24) مگر
نمی‌بینی که خدا برای بیان حقایق مثل می‌زند
مومن عالم مانند درختی طیب و طاهر است اصل آن
ثابت و شاخ و برگ آن به آسمان‌ها و افکار مردم قد
کشیده (25) ثمرات علم و قدرت خود را که همان
بهشت است دائم به اذن خدا در اختیار بندگان می
گذارد خدا اولیای خود را به درخت طیب و طاهر مثل
می‌زند که مردم معرفت به آنها پیدا کنند پاورقی 177
(26) و از آن طرف انسان‌های خبیث مانند درخت
خبیثند که از زمین کنده شده به جایی بند نیستند
(27) خدا اهل ایمان را در دنیا و آخرت بر قول و عقیده

ثابت است اسرار می دارد و لیکن ستمکاران را گمراه می کند و هر کاری بخواهد حکیمانانه انجام می دهد (28) بین چه آدمهائی هستند که نعمت ایمان را تبدیل به کفر می کنند و قوم خود را به وادی عذاب و هلاکت می کشانند (29) یعنی به وادی جهنم چه بدقرار گاهی است جهنم (30) آنها کسانی بودند که برای خدا شریک تراشیدند از غیر خدا اطاعت نمودند تا مردم را از راه خدا باز دارند بگو هر چه می توانید خوش گذرانی کنید جای شما جهنم است (31) به بندگان مومن من بگو پیش از روزگاری که تجارت و دوستیها لغو شود نماز بپا دارند و از آنچه به آنها روزی کرده ایم مخفی یا آشکار در راه دین انفاق کنند (32) خدا کسی است که عوالم آسمان و زمین را خلق کرد از آسمان آب نازل نمود برای روزی شما این همه ثمرات آفرید کشتی را به اختیار شما گذاشت که به امرا و در دریا حرکت می کند و این همه نهر آب و نهر علم مسخر شما نمود (33) همین طور ماه و خورشید و مظاهر هدایت را به اختیار شما قرار داد شب و روز و حق و باطل را مسخر شما کرد (34) آنچه در خواهش و نیاز شما بود آفرید اگر

بخواید نعمت‌های خدا را بشمارید از شمارش آن به جایی نمی‌رسید انسان ظالم و ناسپاس است (35) ابراهیم بعد از بنای کعبه عرض کرد پروردگارا این شهر را امن و امان قرار بده مرا و فرزندان مرا از پرستش بت‌ها دور بدار. پاورقی 178 (36) پروردگارا این بت‌ها و بت‌سازان بسیاری از بندگان تورا گمراه کردند هرکس از من پیروی کند از من است و هرکس نافرمانی کند مقدراتش به دست تو است تو آمرزنده و مهربانی (37) پروردگارا تو شاهی که یک تیره از فرزندان خود را در سر زمین خشک بی آب و علف در حرم امن تو سکونت دادم تا در این جا نماز به پا دارند خودت قلب عده‌ای از بندگان را متمایل به آنها گردان و روزی آنها را برسان شاید شکر تورا به جا آورند (38) پروردگارا آنچه را مخفی می‌داریم یا آشکار می‌کنیم خودت می‌دانی در روی زمین و آسمان چیزی از خدای من مخفی نیست (39) خدای خود را ستایش می‌کنم که در این سن پیری دو فرزند صالح اسماعیل و اسحاق به من مرحمت فرمود خدای من خواهش بندگان خود را اجابت می‌کند (40) خدایا به من و فرزندانم توفیق اقامه نماز مرحمت کن و خواهش ما را اجابت نما (41) پروردگارا روزی که به

حساب بندگان می‌رسی مرا و پدر و مادر و فرزندانم را و مومنین و مومنات را مشمول عفو و مغفرت خود قرار بده (42) خدا فرمود خیال نکنی که او از ستمکاران غافل است بلکه آنها را برای روزی ننگه می‌دارد که چشم‌ها از وحشت و عظمت آن خیره می‌شود (43) با سرعت از وحشت سر خود رامی‌گردانند چشم به‌هم نمی‌زنند قلب و عقیده آنها مضطرب است (44) مردم را از روز قیامت که عذاب الهی متوجه آنها می‌شود بترسان در آن روز ظالم دست و پا می‌کنند که پروردگارا مرگ ما را به تاخیرانداز ما را به دنیا برگردان تا دعوتت را اجابت کنیم از پیغمبران اطاعت نمائیم بگو مگر شما نبودید که در دنیا قسم خورده بودید که صالح باشید برگشت به دنیا محال است همین جاتشریف دارید (45) فکر و فعالیت خود را در راه و روش ستم‌کاران قرار دادید با این که راه و رفتار ما را با آنها دیده بودید و آن همه نمونه‌های تاریخی برای شما مثل زده بودیم (46) آن قدر که توانستند مکر خود را به‌کار بردند کید و سیاست آنها نزد خدا محفوظ است گرچه مکرشان آن قدر قوی باشد که کوه‌ها وابر قدرت‌ها را از پا در آورد (47) خیال نکنی خداوند وعده‌ای که به

پیغمبران داده خلاف خواهد کرد خدا غالب است این تاخیر مدت برای این است که از دشمنان به دست خودشان انتقام بگیرد (48) روزی که زندگی اهل زمین و عوالم آسمان به غیر این زندگی تبدیل شود همه از قبر خارج شده در دایره حکومت خدای غالب قهار قرار گیرند (تبدیل این زندگی به زندگی دیگر مانند زندگی رحم باین زندگی است). پاورقی 179 (49) در آن روز مجرمین را خواهی دید که از وحشت عذاب لابلای سنگ‌ها پنهان شوند (50) در پوشش حرارتی مانند قیرند سران آنها در محاصره آتشند (تمامی آتش‌ها که در دنیا بوجود آورده‌اند به خودشان بر می‌گردد) (51) تا هر کسی نتیجه کار و کسب خود را بیابد خدا سریع الحساب است (52) این قرآن واقعیت‌ها را به مردم ابلاغ می‌کند تا مردم بترسند و بدانند که خدا واحد و یگانه است و خردمندان به حقیقت علم آگاه شوند.

سوره حجر

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت داستان قوم ثمود که در محلی به نام حجر (سرزمینی بین شام و مدینه) زندگی داشته‌اند حجر نامیده شده (1) الف لام را - حروف اشاره به اصول خلقت است. دلیل جامعیت قرآن همین حروف است که اصول و فروع آفرینش را توضیح می‌دهد (2) کفار چه آرزو ها خواهند کرد که ای کاش مسلمان بودند (3) آنها را به خودشان واگذار کن بخورند و بچرند اسیر آرزوها باشند به زودی حقیقت را درک نموده پشیمان می‌شوند (4) هیچ وقت قومی راهلاک نمی‌کنیم مگر بعد از این که حجت حق بر آنها تمام شده باشد (5) هیچ امتی از مدت مقدر خود سبقت نمی‌گیرد و اجل مقدر او تاخیر ندارد (6) کفار صدا می‌زدند ای آقای که می‌گوئی قرآن بر من نازل شده تو دیوانه هستی (7) اگر راست می‌گوئی چرا فرشتگان را بر ما نازل نمی‌کنی. پاورقی 180 (8) ما فرشتگان را برابر مردم جز برای اجرای حکومت حق ظاهر نمی‌کنیم در این صورت مهلت دنیایی از آنها برداشته می‌شود (فرشتگان مانند نیروی برق در اختیار امامند با به کار گیری آنها قیامت دایر می‌شود) (9) ما این قرآن را

نـازل نمـوده و خودمـان آن را حـفظ
می کنیم (10) پیش از تو هم برای مردم پیغمبران
فرستادیم (11) اما هر وقت پیغمبری فرستادیم او را به
مسخره گرفتند (12) این روش مسخره و استهزا در
دل جنایت کاران جریان دارد (13) کفار این زمان هم
به قرآن ایمان نمی آورند به روش گذشتگان می روند
(14) اگر راه آسمان را باز کنیم به سوی آن بالا
بروند (15) می گویند سحرشده ایم عوضی می بینیم
(16) ما در آسمان ستاره ها و در مکتب دین ستاره
هدایت ساخته ایم و این دو آسمان را در نظر مردم
زیبا جلوه داده ایم (17) به وسیله ستاره گان هدایت
بدعت شیاطین را از حوزه دین طرد نموده آن را حفظ
می کنیم (18) مگر کسانی که دین دزدی کنند که با
شهاب منطبق آنها را نابود می کنیم (19) کره زمین و
زمینه تربیت را برای مردم گسترش داده ایم کوه ها و
شخصیت های علمی در آن قرار داده و هر نوع ثمرات
مادی و معنوی در آن رویانیده ایم (20) برای
شما مردم و کسانی که روزی آنها به دست شما
نیست این همه وسیله معاش آفریدیم (21) خزائن
همه نوع نعمت ها و لذت ها در اختیار ما است که آن
نعمت ها را در اندازه های معین به شما می رسانیم

(22) به وسیله بادهای درختها و نباتات زمین را آبستن می‌کنیم از آسمان آب باران نازل نموده شما و نباتات را آبیاری می‌کنیم که خزائن این روزی‌ها و آبها به دست شما نیست (23) ما هستیم که موجودات را زنده می‌کنیم و ما وارث نتایج اعمال و افعال آنها هستیم (24) گذشتگان و آیندگان شما مردم را کاملاً می‌شناسیم (25) فردای محشر همه آنها را يك جا جمع می‌کنیم خدا دانا و حکیم است (26) ما انسان‌ها را از گل خشکیده آماده شده ساختیم (معنای خشکیده در این جایعنی فاقد کم و کیف) (27) جنیان راهم پیش از این از آتش هلاک کننده آفریدیم (جن و انس هر دو انسانند در خلقت ابتدائی یکسانند اما در تربیت یکی به طبیعت خاک و دیگری به طبیعت آتش ساخته می‌شود) (28) زمانی که خداوند به فرشتگان فرمود من از این لای ولجن خشکیده انسانی را خلق می‌کنم (29) وقتی که او را به اعتدال آوردم از روح علم خود در او دمیدم شما همه او را سجده کنید (روح در این جا علم خداست) (30) وقتی که انسان به علم و دانش رسید فرشتگان در اطاعت او قرار گرفتند. پاورقی 181 (31) مگر ابلیس و شیطان‌ها (نفس اماره) که

تسلیم انسان کامل نمی‌شوند (الان فرشتگان و مومنین تسلیم امام زمانند ولی شیاطین تسلیم نمی‌شوند) (32) خدا به ابلیس فرمود چرا آدم را سجده نکردی. پاورقی 182 (33) عرض کرد بشری را که از لای و لجن ساخته‌ای سجده نمی‌کنم (34) خدا فرمود از جوار رحمت من بیرون شو که تو ذلیل خواهی بود (35) و تا روز قیامت مستحق لعن من خواهی بود (36) ابلیس گفت پس تا روز قیامت به من مهلت بده زنده بمانم (37) خدا فرمود باشد تو مهلت داری (اما). پاورقی 182 (38) تا وقت معین و معلوم که بازار شیطنت کساد شود (39) شیطان گفت حال که مرا اغوا نمودی زندگی را در زمین برای آنها جلوه می‌دهم همه آنها را اغوا می‌کنم (40) مگر بندگان مخلص تورا که نمی‌توانم اغوا کنم (41) خدا فرمود این راه به روی من و به سوی من روشن و مستقیم است (42) تو بر بندگان من در این راه تسلط نخواهی یافت مگر گمراهان که از تو پیروی کنند (43) میعاد تو و پیروانت همان آتش جهنم است (44) هفت در برای جهنم بوجود خواهد آمد که هر گروهی از دری وارد شوند) در برابر هشت در بهشت هفت در از جهنم باز می‌شود زیرا خط کفر بن بست است) (45) اهل

بهشت در باغها کنار چشمه های آب حیات و علم و حکمت زندگی می کنند (46) همه جا درهای فرج به روی آنها باز است که بفرمائید بفرمائید به سلامت و امنیت (47) کدورت و تیرگی از دل آنها زدوده می شود برادرانه مقابل یکدیگر بر اریکه قدرت تکیه می زنند (48) زندگی آنها ابدی است رنج و زحمتی متوجه آنها نمی شود (49) به بندگانم آگاهی بده که من به آنها مهربانم (50) ولیکن اگر کافر شدید عذاب من خیلی دردناک است (51) مردم را از داستان میهمانان ابرهیم خلیل آگاه کن (52) آنها بر ابراهیم خلیل وارد شدند سلام دادند ابراهیم جواب داد و گفت از شما ترسانیم (53) گفتند نترس ما تو را به فرزندی دانا بشارت می دهیم (54) گفت در این سن پیری مرا به فرزند مژده می دهید (55) گفتند به حق مژده می دهیم ناامید مباش (56) گفت بجز گمراهان کسی از لطف خدا نا امید نمی شود (57) شما مامورین مثل این که برای انجام کاری آمده اید (58) گفتند آری مامور مجازات این قوم هستیم (59) یعنی قوم لوط مگر لوط و خانواده اش که همه آنها را نجات می دهیم (60) به جز آن عجوزه همسرش که به سرنوشت قوم مبتلا خواهد شد (61) از محضر

ابراهیم به طرف قوم لوط حرکت کردند(62) در بیرون شهر بالوط پیغمبر روبه‌رو شدند لوط گفت شما را نمی‌شناسم (63) گفتند مامور عذاب قوم تو هستیم که آنها در عذاب الهی شک دارند (64) حقیقت می‌گوئیم ماموریم این قوم را هلاک کنیم (65) نیمه شب خانواده‌ات را از شهر خارج کن به پشت سرنگاه نکن کسی خبر دار نشود بروید به جایی که مامورید (66) تقدیر خود را به لوط ابلاغ کردیم که این قوم فردا صبح باید هلاک شوند (67) مردم بی‌حیا خانه لوط را محاصره کردند به یکدیگر مژده می‌دادند که چه جوانان زیبایی هستند (68) لوط به آنها گفت آنها میهمانان من هستند مرا رسوا نکنید (69) از خدا بترسید مرا جلو میهمان رسوا نکنید (70) گفتند مگر ما تو را از روش سایر مردم نهی نکردیم (71) گفت راضی ام با دختران من ازدواج کنید (72) به‌جانت قسم ای رسول من که آنها را شهوت ربوده بود و جاهلانه حرکت می‌کردند(73) فردا پیش از طلوع آفتاب غضب الهی آنها را فرا گرفت (74) شهرشان را زیرو رو کردیم آن‌ها را زیر باران سنگ و کلوخ کوبیدیم (75) یک چنین بلاهائی برای مردم با فراست آیت الهی است (76) تقدیر دائمی خدا برای مردم ظالم

وعاصي همین است (77) این حادثه‌ها برای اهل ایمان آیت الهی است (78) قوم ایکه (شعیب) هم مانند قوم لوط عاصی و ظالم بودند (79) از آنها هم بانزول عذاب انتقام گرفتیم و آنها را برای آیندگان پند عبرت نمودیم (80) هم چنین اصحاب حجر (قوم ثمود) که رسول ما را تکذیب نمودند (81) به آن معجزه بزرگ (ناقه صالح) که مایه برکت بود اعتنا نکردند (آن راکشتمند) (82) آنها در دل کوه‌ها برای خود خانه می‌تراشیدند تا درامن وامان باشند (83) صبح روزی عذاب الهی آنها را فرا گرفت (84) آن ثروت‌ها و فعالیت‌ها به حالشان سودی نبخشید (85) ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنها است به حق آفریدیم آنها خلقت را به بازی گرفتند ساعت قیامت خواهد آمد خیلی زیبا صفحه تاریخ را مطالعه کن (86) پروردگار تو آفریننده‌ای است دانا و توانا (87) ما دو کتاب بزرگ سوره حمد و قرآن بر تو نازل کردیم (88) به دنیا و متاع دنیا و نعمت‌ها که به آنها داده‌ایم اعتنا نکن غم آنها را مخور در برابر مومنین متواضع باش (89) بگو من پیغمبری دانا و توانا هستم (90) مانند اهل کتاب نباشید که کتاب خدا را قسمت قسمت کردند (91) بعضی را که به نفع دنیا بود عمل کردند و

آنچه ظاهراً سود دنیائی نداشت ترك نمودند (92) به پروردگارت قسم که فردا مسئول اعمال خود خواهند بود (93) بر این تبعیض و تقسیم که روا داشتند مجازات خواهند شد (94) با انجام ماموریت افکار مردم را شکوفاکن به مشرکین اعتنا نداشته باش (95) مآشر مزاحمین استهزاگر را از تو بر طرف کردیم (96) همانها که در برابر خدا بتها را علم کرده اند به زودی فساد عمل خود را خواهند شناخت (97) ما می دانیم که از گفته ها و اعتراضات آنها سینه ات به تنگ آمده (98) برای رفع دلتنگی خدا را تسبیح و ستایش کن و او را سجده نما (99) در خط عبادت و تقوا باش تا یقین به عاقبت پیدا کنی.

سوره نحل

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه به مناسبت این که از زنبور عسل بحث می‌کند سوره نحل نامیده شده است. شاگردان مکتب ولایت هم به مناسبت این که علوم شفابخش دارند تشبیه به زنبور عسل شده‌اند. تنها علم شفابخش که غذای طبیعی روح است و انسان را از مرض کفر و نفاق نجات می‌دهد علوم قرآن به‌رهبری ائمه اطهار است (1) مردم شتاب نکنید فرمان الهی برای اقامه عدل جهانی رسید خدا منزّه و بر تراست از شرك و خرافات که مردم درارتباط به قیامت ساخته‌اند (2) خدا نیروی علم و قدرت بر هر یک از بندگان که بخواهد نازل می‌کند او را مأمور می‌کند به مردم هشدار دهد که خدائی جز من نیست از نافرمانی من بپرهیزید (3) خدا آسمان و زمین را به حق آفریده منزّه است از آنچه آن را شریک خدا ساخته‌اید (4) انسان را از نطفه آفرید و او را به گویایی رسانید که چه قدر خوب از خود دفاع می‌کند (5) چهار پایان را برای شما آفریدیم از پشم و کرک آنها برای لباس استفاده می‌کنید و منافع دیگر که از گوشت آنها می‌خورید (6) از سواری آنها استفاده می‌کنید به گردش و تفریح می‌روید جلال و جمال پیدا می‌کنید (7) یا بار سنگین از شهری به شهری

حمل می‌کنید که اگر خودتان حمل کنید رنج فراوان می‌برید خدا به شما رئوف و مهربان است (8) اسب‌ها و استرها و الاغ‌ها برای شما آفرید و چیزهای دیگر خلق می‌کند که الآن نمی‌دانید تا سوار شوید جلوه پیدا کنید (مانند مرکب‌های امروز و مرکب‌های معراجی) (9) خط مستقیم شما را به سوی خدا می‌برد (اقتصادی و متعادل است) بعضی خطوط هم انحرافی است خدا اگر بخواهد شما را هدایت می‌کند (10) او خدا است که از آسمان باران رحمت خود را برای شما نازل می‌کند با آن شراب و شربت می‌سازید درخت و چراگاه می‌پرورانید (11) با این آب باران زراعت‌ها، درخت زیتون و خرما و انگور و همه نوع میوه‌ها به رای شما می‌پروراند همه این‌ها برای انسان‌های متفکر آیت الهی است (12) شب و روز و ماه و خورشید را در خدمت شما قرار داده ستارگان را به خدمت خود در آورده همه این‌ها برای عقلا آیت الهی است (13) این همه نعمت‌ها و موجودات دیگر به رنگ‌های مختلف از زمین برای شما خارج نموده همه این‌ها برای خردمندان آیت عظمت خدا است (14) او دریا را به اختیار شما در آورده تا گوشت‌های ترو تازه و جواهرات از آن استخراج کنید و

خود را آرایش دهید کشتی‌ها در آن جریان دارند و با آنها نعمت‌های الهی را به دست می‌آورید شاید شکر خدا را به جای آورید (15) این همه کوه‌های ریشه دار و استوار تا حرکات زمین را به اعتدال آورد مبادا شما را به موجان آورد در آن نهرهای آب و راه‌های حرکت تا شما هدایت شوید (16) کوه‌ها را برای شناسایی زمین ستارگان را برای هدایت به شرق و غرب (و ستارگان علم برای هدایت به دین) (17) آیا کسی که این همه قدرت آفرینندگی دارد مانند کسی است که نمی‌تواند خلق کند چرا حقیقت را درک نمی‌کنید (18) اگر بخواهید نعمت‌های خدا را با مشخصات بشمارید ممکن نیست خدا شما را رشد می‌دهد تا به نعمت‌های خود برساند (19) خدا از آنچه شما پنهان می‌دارید یا آشکار می‌کنید آگاه است (20) افرادی را که شریک خدا ساخته‌اید و از آنها خواهش و تمنا دارید مخلوقند قدرت آفرینش ندارند (21) مرده‌اند حیات ایمانی و انسانی ندارند از عاقبت کار و بعثت خود بی‌خبرند (22) خدای شما واحد و یگانه است کسانی که ایمان به خدا و آخرت ندارند منکر خدا و مستکبرند (23) ولیکن خدا از ظاهر و باطن آنها آگاه است خدا مستکبرین را دوست نمی‌دارد (24)

وقتی از آنها بپرسند نظر شما در این قرآنی که نازل شده چیست می‌گویند هیچ افسانه‌های قدیم است (25) خبر ندارند که روز قیامت مسئول گمراهی خود و گمراه شده‌گان به دست خود هستند چه بد بار سنگینی است این مسئولیت (26) گذشتگان هم مانند آنها چنین برنامه‌هایی چیدند خدا بنای آنچه ساخته بودند از پایه و سقف بر سر آنها خراب کرد و از جایی که نمی‌دانستند در محاصره عذاب واقع شدند (27) روز قیامت خدا آنها را رسوا می‌کند و می‌پرسد کجایند آنها که در اطاعت برای خدا شریک ساخته بودید خود را در راه موفقیت آنها فدا کردید دانشمندان اظهار می‌دارند که رسوائی و بد بختی نصیب کفار است (28) کسانی که با پرونده سیاه ظلم و ستم زیر پنجه قدرت فرشتگان واقع می‌شوند در حال تسلیم می‌گویند ما عمل بدی مرتکب نشده‌ایم جواب می‌شنوند آری خدایه اعمال شما آگاه است (29) از درهای مختلف جهنم وارد شوید در آن مخلد باشید اعمال مستکبرین چه نتایج بدی به وجود می‌آورد (30) به مومن اهل تقوا می‌گویند خدا با شما چه کرد جواب می‌دهند خیر و برکت و عزت کسانی که اهل

احسانند خدا به آنها احسان می‌کند آخرت از دنیا بهتر است چقدر زندگی پرهیزگاران خوبست (31) یعنی بهشتی که معدن نعمت‌ها است مجهز به علم و قدرتی می‌شوند که نعمت ولذت مانند نهر از آن جریان پیدا می‌کند پاداش پرهیزکاران چنین است (32) کسانی که فرشتگان در حال پاکی و طهارت جان آنها را فرا می‌گیرند به آنها می‌گویند که مرحبا به شما از مسیر همین پاکی و طهارت وارد بهشت می‌شوید (33) مگر کفار بیشتر از این مهلت دارند که زیر پنجه قدرت فرشتگان واقع شوند یا فرمان قیامت برسد گذشتگان هم از این مهلت استفاده کردند خدا به آنها ظلم نکرد بلکه آنها به خود ستم کردند (34) نتیجه اعمال بد آنها را محاصره کرد استهزا و مسخره هابه خودشان برگشت (35) مشرکین خدا را مسئول شرک و گناه خود دانستند که اگر خدا می‌خواست ما و اجدادمان مشرک نمی‌شدیم و چیزی را حرام نمی‌کردیم مشرکین گذشته هم مثل آنها بودند پیغمبران مافقط دین را تبلیغ می‌کنند و مامور اصلاح کسی نیستند (36) برای هر امتی پیغمبری فرستادیم که خداپرستش کنید از اطاعت طاغوت اجتناب نمائید

بعضی را خدا هدایت کرد و بعضی گمراه شدند تاریخ را مطالعه کنید تا ببینید عاقبت تکذیب کنندگان به کجاکشید (37) اگر هم تو برهدایت آنها حریص باشی خدا کسی را که گمراه شود هدایت نمی‌کند (زیرا نمی‌شود) و آن گمراهان یاور و ناصری ندارند (38) قسم‌های غلیظ یاد می‌کنند که خدا مردگان را زنده نمی‌کند آری وعده خدا حق است و لیکن اکثریت مردم نمی‌دانند (39) بعد از حیات همه رایک جا جمع می‌کند تا اختلاف آنها را رفع نماید تا این که کفار بدانند دروغ می‌گویند که خدا را عاجز می‌دانند (40) ما عاجز نیستیم هرکاری را که بخواهیم به محض خواستن شدن است (41) کسانی که در اثر ظلم ظالم به سوی خدا و رسول هجرت می‌کنند ما آنها را در وضعیت خوبی قرار می‌دهیم البته اگر بدانند ثواب آخرتی آنها خیلی بهتر است (42) یعنی مهاجرینی که در راه خدا صبر می‌کنند و به خدا توکل دارند (43) پیش از توبه کسی ماموریت ندادیم مگر مردانی که به آنها وحی نمودیم اگر نمی‌دانید از کسانی که می‌دانند پرسید (44) آنها را با معجزات و دلائل روشن مجهز کردیم این قرآن و عترت را هم به تو دادیم تا حقایق

آن را برای مردم روشن کنی شاید آنها برای درک حقایق فکرکنند (45) آیا کسانی که این همه کید و مکر به کار می‌برند سند ایمنی دارند که زمین آنها را فرو نبلعد یا از راهی که نمی‌دانند در محاصره عذاب واقع شوند (46) یا در همان حالی که این طرف و آن طرف می‌روند عذاب آنها را فراگیرد (47) یا در حال خوف و نگرانی پروردگار شما رثوف و مهربان است که مدارا می‌کند (48) آیا در وضعیت خلاق فکر نمی‌کنند که چگونه در تمام حرکات تسلیم خدایند در سجده او و مسخراویند (49) هرچه هست در آسمان‌ها و زمین از فرشتگان و جنبنندگان تسلیم خدایند تکبر ندارند (50) از اراده خدا که محیط به آنها است می‌ترسند و به آنچه مامورند عمل می‌کنند (51) خداوند به شما ابلاغ نمود که اعتقاد به دو خدائی را قبول نکنید خدا یکی است از من که خدای شما هستم بترسید (52) هرچه هست در آسمان‌ها و زمین مال او است دین او به اجتماع شما نظام می‌دهد آیا با بودن چنین خدائی از غیر او حساب می‌برید (53) هرچه هست از نعمت و ثروت مال خدا است اگر هم بلائی متوجه شما شود باید به او پناهنده شوید (54) (بعد از پناهندگی) که بلا را از شما برطرف نماید باز هم

عده‌ای از شما برای خدا شریک می‌تراشند از غیر خدا اطاعت می‌کنند (55) نمی‌خواهند سپاسگزار نعمت خدا باشند به آنها بگو بخورید و بچرید به همین زودی نتایج کار خود را می‌بینید (56) از این روزی‌ها که مابه آنها داده‌ایم سهمی برای بت‌ها و مرام‌های باطل و مجهول سرمایه‌گذاری می‌کنند به خدا قسم که مسئول اعمال خلاف حقیقت خود خواهند بود (57) دختران را که دوست نمی‌دارند می‌گویند مال خداست پسران و یا آنچه دوست می‌دارند می‌گویند مال ما است (باعقاید خرافی توهین به خدا می‌کنند) (58) و قتی به آنها خبر می‌دهند که خانم شما دختر زائیده چهره‌اش سیاه می‌شود (چه خبریدی) ولی تحمل می‌کند (59) و بعد خود را از جامعه کنار می‌کشد که بانگ دخترداری چه کند او را به‌زاری و خواری بدارد و یا زنده به گور کند چه بد قضاوت ظالمانه و احمقانه‌ای دارند (60) کسانی که ایمان به آخرت ندارند چه نمونه‌های بدی هستند خدا بهترین نمونه است که غالب و حکیم است (61) اگر خدا به این ستمکاری‌ها مردم را مواخذه کند باید جنبنده‌ای در زمین باقی نگذارد ولیکن تا مدت مقدر آنها را مهلت می‌دهد و قتی که مدت سرآمد

دقیقه‌ای پس و پیش ندارد (62) چیزهائی را که دوست نمی‌دارند برای خدا نذر می‌کنند به دروغ خود را تعریف می‌کنند که خوبند و هرچه خوب است مال آنهاست به ناچار حرکت آنها به سوی آتش است که مردمی افراطی هستند (63) به خدا قسم که پیش از تو برای همه آنها پیغمبر فرستادیم ولیکن شیطان کفر و گناه را در نظر آنها جلوه داد در این زمان هم شیطان ولی آنهاست منتظر عذابی درد ناک با شند (64) ما قرآن را به این منظور نازل کردیم که حق ولایت را که در آن اختلاف دارند برای آنها روشن کنی تا برای اهل ایمان مایه هدایت باشد (65) خدا کسی است که از آسمان باران نازل می‌کند با آن زمین مرده را زنده می‌نماید نزول باران برای شنوندگان آیت الهی است (66) چهارپایان برای شما مایه عبرت و اعتبارند از شکم آنها و از میان چرک و خون شیری گوارا برای شما تهیه می‌کنیم (67) هم چنین از ثمرات خرما و انگور این همه شربت و شراب می‌سازید همه این‌ها برای خردمندان آیت الهی است (68) خدابه زنبور عسل وحی کرد (وادار نمود) که در دامنه کوه‌ها و جنگل‌ها و سقف‌ها کندو بسازد (69) و زنبور را وادار می‌کند از تمامی

گل‌ها و ثمرات تغذیه نماید در خط اطاعت خدا حرکت کند از شکم این زنبوران شربت‌های مختلف الالوان خارج می‌کند که شفای امراض است تمامی این مسائل آیت الهی برای متفکرین است (70) خدا شما را خلق می‌کند و بعد جان شما را می‌گیرد بعضی را آن چنان به طرف پیری می‌برد که معلومات اولیه خود را از دست می‌دهند خدا به هر کاری توانا است (71) خدا است که در ثروت و روزی بعضی را بالا می‌برد آنها که ثروتمندند حاضر نیستند که زیردستان خود را با خود در حد تساوی قرار دهند که ثروت را مایه عظمت می‌دانند چرا منکر قدرت خدا می‌شوند (72) و باز خدا از جنس خودتان برای شما همسر آفرید و از آن همسران فرزندان و نوباوگان به شما مرحمت کرد روزی‌های طیب و طاهر را به شما اختصاص داد با همه این‌ها شما به راه‌های باطل می‌روید و به نعمت خدا کافر می‌شوید (73) به جز خدا از کسی یا چیزی اطاعت می‌کنید که قدرت ندارد از آسمان و زمین لقمه نانی برای شما تهیه کند و کاری از آنها ساخته نیست (74) برای خدامثل نزنید که چنین و چنان هستید خدا می‌داند و شما نمی‌دانید (75) خدا برای خود و شرکای شما به

بندهای مثل میزند که فقر محض است و بندهای که ثروت حلال به او داده‌ایم هر جور که بخواهد مخفی و آشکا را انفاق می‌کند آیا این دو نفر برده و آزاد مساوی‌اند الحمدلله که کفار فهم و شعور ندارند (76) و باز مثل دیگری می‌زند دو نفر که يك نفر از آنها کرو لال است کاری از او ساخته نیست بار زندگی اش به دوش مولا است هر جا که برود دست خالی برمی‌گردد و دیگری آزاد و توانا که در صراط مستقیم دین خدا عادلانه کار می‌کند آیا این دو نفر مساوی‌اند (یعنی معبود کفار برده کر و لال و معبود مومن دانا و توانا است) (77) آنچه در آسمان و زمین مخفی است مال خدا است وقوع قیامت مانند چشم به هم زدن و یا از آن هم آسان تر است خدا به هر کاری دانا و توانا است (78) خدا شما را از رحم مادران بیرون آورد که در صفر معلومات بودید بعد شمارا به بینائی و شنوائی و دانائی مجهز کرد که شاید نعمت خدا را منظور دارید (79) مگر نمی‌بینید که چگونه پرندگان در آسمان مسخر امر خدایند به جز خدا کسی نمی‌تواند آنها را در آسمان نگهدارد تمامی این‌ها برای اهل ایمان آیت الهی است (80) خدا همسران شما را در خانه داری سبب آرامش قرار داده و از پوست و پشم

حیوانات خانه سبکتر برای شما ساخته که در سفر و حضر از آن استفاده کنید و از پشم و کرک و موی گوسفندان لباس و وسیله زندگی برای شما آماده کرده است (81) خداوند در سایه درختان و حکومت حاکمان عادل برای شما آرامش و امنیت بوجود آورده در دل کوه‌ها و پناه ابر قدرت‌ها برای شما پناهگاه ساخته و لباسی که در گرما و سرما شما را حفظ می‌کند و زره که شما را در جنگ حفظ می‌کند خدا نعمت‌های خود را بر شما کامل می‌کند شاید که تسلیم او شوید (82) اگر با این همه تذکرات باز هم از دین خدا اعراض نمودند وظیفه توفیق تبلیغ است (83) آنها نعمت ولایت الهی و مولا را می‌شناسند و منکر می‌شوند اکثریت آنها کافرند (84) روز قیامت که از هر امتی مومنی صالح به عنوان شاهد حقانیت مبعوث می‌کنیم اجازه عذر خواهی به کفار نخواهیم داد و زمینه حرف زدن برای آنها فراهم نیست (85) وقتی که در خط ظلم و ستم با آتش رو برو شدند دیگر عذاب آنها سبک نمی‌شود و مهلتی نخواهند داشت (86) مشرکین وابسته که رؤسای خود را می‌بینند داد می‌زنند که ای خدا این‌ها رؤسای ما هستند که به جای تو از آنها اطاعت کردیم فریاد ما را به آنها

برسان که چراهه کذب و دروغ مارا فریب دادند (87) آن روز قهرا و جبرا در اختیار خدایند و سائط خلاف حقیقت از اختیار آنها خارج می‌شود (88) کسانی که کافر می‌شوند و مردم را از راه خدا باز می‌دارند عذاب آنها در این مسیر هر روز زیادتیر می‌شود. پاورقی 183 (89) روز قیامت از هرامتی گواه حقی بر خودشان اقامه می‌کنیم تو هم بر همه مسلمانان گواه حق خواهی بود این کتاب را بر تو نازل کردیم تا بیانگر حق بوده و برای مسلمانان مژده رحمت و هدایت باشد (90) خدا مردم را به عدالت و احسان و ارتباط به ذوی القربی (امام‌های معصوم) امر می‌کند و از ظلم و گناه و تجاوز به حقوق نهی می‌نماید شاید با این امر و نهی حقیقت دین را دریابید (91) وقتی که با خدا پیمان اطاعت می‌بندید به پیمان خود وفا دار باشید و بعد از استحکام عهد و پیمان آن را نشکنید شما خدا را وکیل و کفیل معاهده خود قرار داده اید خدا به اعمال و افعال شما آگاه است (92) مانند زنی نباشید که رشته خود را بعد از استحکام پنبه می‌کند عهد خود را می‌شکنید جامعه توحیدی را متلاشی می‌کنید عهد و پیمان خود را اسیر منافع خود می‌کنید که فلان امت از ما پیش رفته تراست خدا با

این جلوه های دنیائی شما را آزمایش می‌کند تا روز قیامت دلائل تفاوت حالات شما را روشن سازد. پاورقی 184 (93) اگر خدا بخواهد می‌تواند اجبارا شما را به صورت يك امت واحد در آورد و لیکن آزاد می‌گذارد تا هرکسی را بخواهد هدایت و هرکسی را بخواهد گمراه نماید البته مسئول اعمال خود خواهید بود (94) عهد و پیمان خود را در اسارت هوا وهوس قرار ندهید که از این پیمان شکنی ثبات ایمانی شما متزلزل می‌شود مردم را از راه خدا باز می‌دارید ————— بــــــدی و بــــــدبختی می‌بینید به عذاب آخرت گرفتار می‌شوید (95) عهد و پیمان الهی را به بهای اندک دنیا نفروشید که آنچه نزد خدا ذخیره شده است از دنیا بهتر است (96) آنچه در دنیا ذخیره می‌کنید تمام می‌شود و آنچه برای آخرت ذخیره می‌کنید باقی است کسانی که در دنیا برای اجر آخرت صبر می‌کنند برابر بهترین اعمال خود پاداش می‌گیرند (97) هر مرد و زنی که اهل ایمان و عمل صالح باشند بدانند که خدا آنها را برای يك زندگی پاك و پاکیزه آماده می‌کند و برابر بهترین اعمال به آنها پاداش می‌دهد (98) وقتی که قرآن می‌خوانی از شر هوای نفس و شیطان به خدا پناه

ببر (99) نفس اماره بر کسانی که به خدا ایمان دارند و به او توکل می‌کنند مسلط نمی‌شود (100) هوای نفس کسانی را به ضلالت می‌کشد که در اطاعت شیطان قرار گیرند و او را شریک خدا قرار دهند. پاورقی 185 (101) وقتی که خدایه حکمت خود حکمی را به جای حکمی و آیه‌ای را به جای آیه‌ای نازل کند می‌گویند این آیه را به خدا دروغ بستی بلکه اکثریت نادانند (102) بگو چنین نیست که می‌گوئید آیه را روح القدس از پروردگار نازل فرمود تا اهل ایمان را ثابت قدم بدارد و برای مسلمانان بشارت و هدایت باشد (103) مامی دانیم که کفار می‌گویند این قرآن را مردم به او تعلیم می‌دهند بگو زبان شما فصیح نیست زبان عربی فصیح و بلیغ همین قرآن است (104) حقیقت این است که کسانی که ایمان به خدانمی‌آورند خدا آنها را هدایت نمی‌کند که حق و باطل بفهمند عذابی سخت درانتظار آنها است (105) کسانی دروغ به خدا می‌بندند که ایمان به خدا ندارند و همان‌ها کاذبند (106) کسی که بعد از ایمان به کفر برگردد هلاک است مگر کسی که با اجبار وادار به کفر شود و قلبش مطمئن به ایمان باشد ولی کسانی که با آب و تاب کفر و گناه را تبلیغ

می‌کنند در معرض خشم و لعنت خدایند و به عذاب ابدی مبتلا می‌شوند (107) آنها زندگی دنیا را به جای آخرت قبول کردند خداوند قوم کافر را هدایت نمی‌کند (108) محبت دنیا بین آنها و معارف الهی حجاب می‌شود نمی‌توانند آن طرف حجاب را ببینند و بشنوند از یاد خدا و سر نوشت خود غافلند (109) به ناچار برای دنیا، آخرت عظیم را از دست می‌دهند بی‌نهایت ضرر می‌کنند (110) خداوند به کسانی که از شر فتنه‌ها به‌سوی خدا هجرت می‌کنند و صبر و جهاد را پیشه خود می‌سازند اعلام می‌کند که آمرزنده و مهربان است (111) لطف و رحمت خدای روزی به آنها می‌رسد که هرکسی به فکر خود است آن روز نتیجه اعمال هرکسی به او می‌رسد به‌کسی ستم نمی‌شود (112) خدا برای کسانی که تارک ولایت او هستند مثل می‌زند قومی که مملکت امن و امان دارند در ناز و نعمت و آرامش کاملند و قومی که لطف خدا را منظور نمی‌کنند خدا به مجازات کفران آنها را در پوشش گرسنگی و نا امنی قرار می‌دهد که نتیجه راه غلط آنها است (113) برای آنها رسولی از خودشان ظاهر شد او را تکذیب نمودند در محاصره عذاب واقع شدند آنها به خود ستم کردند

(114) اگر خدا را می‌پرستید از آنچه خدا به شما روزی نموده به کیفیت حلال استفاده کنید همیشه به یاد نعمت ولایت و امامت باشید (115) خداوند فقط مردار و خون و گوشت خوک و متاعی که شما رابه غیر دین خدا می‌کشاند حرام کرده اگر بدون طمع و تجاوز مجبور به استفاده شدید مانعی ندارد خدا آمرزنده و مهربان است (116) هرگز برای خودنمائی و عالم‌نمائی نگوئید این متاع حلال و آن یکی حرام است که باین گفته‌ها دروغ به خدا ببندید کسانی که به خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌شوند (117) آنها بهره کمی در دنیا می‌برند و در آخرت به عذابی الیم گرفتار می‌شوند (118) چنان که برای تو گزارش دادیم پیش از ظهور اسلام بعضی نعمت‌ها را بر یهودیان حرام کرده بودیم ما به آنها ستم نکردیم آنها بودند که به خود ستم کردند (119) پروردگار تو نسبت به کسانی که روی جهل و نادانی مرتکب گناه می‌شوند و بعد توبه نموده کار خود را اصلاح می‌نمایند آمرزنده و مهربان است (120) ابراهیم خلیل با این که یک نفر بود یک امت بود هدفش جلب رضایت خدا و او مترقی و طالب حق بود کسی را شریک خدا ندانست (121) نعمت‌های خدا را منظور

داشت خدا او را اختیار نمود و به راه حق هدایت کرد (122) مادر دنیا برای او سابقه و اعمال نیک مقدر کردیم و در آخرت از شایسته گان خواهد بود و به تو و مسلمانان وحی کردیم که از او پیروی کنید او مشرک به خدا نبود (124) داستان روز شنبه و حرمت صید ماهی را به این منظور مقرر کردیم تا کسانی که در آن اختلاف به وجود آوردند شناخته شوند خدا روز قیامت برای رفع اختلاف بین آنها قضاوت می کند (125) مردم را با حکمت و موعظه به راه پروردگارت دعوت کن و بادلثلی هرچه بهتر با آنها بحث کن خداوند گمراهان را بهتر می شناسد و به حال هدایت یافتگان آگاه است (126) اگر خواستید کسی را مجازات کنید به همان کیفیتی باشد که شما را آزار داده اند اگر بر آزار آنها صبر کنید بهتر است (127) تا می توانی صبر کن صبرت به کمک خدا خواهد بود غم آنها را نداشته باش و از مکر آنها خود را ناراحت مکن (128) همیشه لطف و نصرت خدا با پرهیزکاران و نیکو کاران است.

سوره اسرا

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت کلمه اسرا به نام اسرا نامیده شده و به مناسبت کلمه بنی اسرائیل به نام بنی اسرائیل و نظر به این که معراج حضرت رسول مسئله مهمی است بهتر این است که به اسرا نامگذاری شود. کلمه سري سري به معنای سرایت یا رسوخ علمی و به معنای سیر در خلقت که شامل معراج تکاملی و سیری می شود قابل تفسیر است (1) منزه است خدائی که بنده خود را در شبی از مسجد الحرام تا مسجد اقصی (انتهای خارج عالم خلقت شهر علمی با برکت) سیر و سرایت داد تا در این سیر آیات قدرت خود را به او نشان دهیم خدا شنوا و دانا است (2) ما کتاب تورات را به موسی دادیم و آن را مایه هدایت برای بنی اسرائیل ساختیم که وکیلی جز من اختیار نکنند (3) بنی اسرائیل اولاد کسانی بودند که با کشتی نوح از طوفان نجات یافتند نوح بنده شکرگذار ما بود (4) ما زندگی بنی اسرائیل را (بر اساس طبیعت آنها) چنین مقدر کردیم که تا دو مرتبه در زمین فساد به پا کنند و برتری خواهی خود

رابه اوج برسانند. پاورقی 186 (5) وقتی که انتقام نوبت اول رسید قومی خشن را بر شما مسلط خواهیم نمود آنها بر شهر و دیار شما مسلط می‌شوند دین و مسجد شما رابه بازی می‌گیرند این وعده خدا شدنی خواهد بود (6) اما باز شمارانجات داده به قدرت می‌رسانیم با مال اولاد کمک می‌کنیم نفرات شما را زیاد می‌کنیم (7) در این موفقیت اگرراه وروش احسان گرفتید به خود احسان می‌کنید و اگر بدکردیده خود بد می‌کنید دراین وعده دوم چهره اجتماعی شما بد می‌شود و دشمن بر شما مسلط شده مانند اول مسجد و محراب شمارابه بازی می‌گیرند و شمارا به انتهای هلاکت می‌رسانند (8) باز هم در مرتبه سوم شاید لطف ورحمت الهی شما را فرا گیرد و به قدرت و ثروت برساند و دراین مرتبه هم اگر به کفر و گناه بر گشتید ما هم به انتقام بر می‌گردیم و در محاصره جهنم واقع خواهید شد (9) این قرآن شمارابه بهترین راه با دوام و قوام هدایت می‌کند به اهل ایمان و عمل صالح مژده می‌دهد که اجر بزرگی دارند (10) و کسانی را که ایمان به آخرت ندارند تهدید می‌کند که عذابی شدید برای آنها مهیا شده است (11) انسان با شتابزدگی خود

پیش از آن که موفقیت به دست آورد خود را گرفتار می‌کند (12) ماشب و روز و یا دوران حق و باطل را در زندگی نمایش گر قدرت خود قرار دادیم آیت شب و مظاهر باطل را محو نموده روز را و مظاهر حق را روشن ساختیم تا در این روشنی‌ها و بینائی‌ها کسب فضیلت کنید و حساب سال و ماه را داشته باشید ما همه چیز را این طور مفصل و روشن بیان کردیم (13) ماسرنوشت هر انسانی را ملازم وجود و مسئولیت او ساختیم و روز قیامت نتایج اعمال او را مفصل در اختیارش می‌گذاریم (14) این است نتیجه اعمال تو بخوان و حساب آن را داشته باش (15) هر کس هدایت یابد به نفع خود هدایت یافته و هر کس گمراه شود به ضرر خود هیچ کس مسئولیت دیگری را قبول نمی‌کند و ما پیش از بعثت پیغمبران کسی را عذاب نمی‌کنیم (16) وقتی که بخواهیم شهری را به هلاکت بکشانیم ثروتمندان بی درد آن را آزاد می‌گذاریم هر چه بتوانند فساد پیا کنند تا محکومیت آنها قطعی شود بعد کاملاً آنها را نابود می‌کنیم (17) بعد از نوح پیغمبر چه قدر اقوام به هلاکت افتادند کافی است که خدا عالم به کفر و گناه آنها باشد (18) هر کس دنیا را می‌طلبد ما آنچه

بخواهیم و به هر کس که بخواهیم می‌رسانیم اما بدانند که عاقبت دنیا طلبی جهنم است که خود و همکارانشان آن را روشن می‌کنند و در نهایت ذلت مبتلا می‌شوند (19) و اما کسانی که آخرت را بخواهند و برای کسب آن تلاش کنند ایمان به خدا داشته باشند ما کسب و کار او را منظور می‌داریم (20) هر دو گروه طالب دنیا و آخرت را کم می‌کنیم تا به مقصد مطلوب خود برسند عنایت الهی به بندگان ممنوع نیست (21) بین چگونه بعضی انسان‌ها را از مسیر عنایت خود بر بعضی دیگر برتری می‌دهیم مراتب عالم آخرت خیلی بهتر و وسیع تر است (22) مبادا با خدای خود خدای دیگری پرستش کنی که مبتلا به وحشت و ملامت خواهی شد (23) فرمان اولیه خدا این است که جز او کسی را پرستید و به والدین خود احسان کنید اگر یکی یا هر دو آنها را به سن پیری رسیدند مبادا در برابر خواهش آنها گرفتگی در چهره شما پیدا شود به آنها تشر نزنید کریمانه با آنها سخن بگوئید (24) برای پذیرائی آنها دامن محبت بگسترانید و دعا کنید که ای خدا همان طور که در کودکی مرا پرورش دادند آنها را مشمول لطف و عنایت خود قرار بده (25)

خداوند از خود شما به اسرار تان آگاه تر است اگر صالح باشید بدانید که استعداد پناهندگان به خود را بالا می‌برد (غفران در برابر پناهندگی به معنای تقویت است) (26) حقوق خویشاوندان و ماندگان در مسافرت و یا خط تکامل را رعایت کن و از تزیین مال بپرهیز (27) که تزیین کنندگان مال برادران شیطانند و شیطان به پروردگار خود ناسپاس است (28) وقتی که در جستجوی لطف خدا از مردم فاصله می‌گیری بانرمش و آرامش آنها را راضی کن (29) در بذل و بخشش خشک و خشن مباش و آنچه داری مانند تخم علف می‌پاش مبادا با این افراط و تفریط مورد ملامت واقع شوی (30) گشایش روزی و تنگی آن به دست خدا است خدا به وضع بندگان خود آگاه است (31) از ترس فقر و ناداری فرزندان خود را نکشید روزی شما و آنها به دست خداست قتل فرزندان گناهی بزرگ است (32) به زنا و رابطه نامشروع نزدیک نشوید که گناه زشتی است بدراهی است مایه غضب خداست (33) کسی را به نام حق نکشید و بدانید که اگر مظلومانه کشته شود ما به ولی او قدرت انتقام می‌دهیم کسی را ظالمانه نکشید که ولی او را یاری می‌کنیم (مظلوم واقعی امام حسین

وولي واقعي امام زمان است) (34) به مال یتیم پیش از بلوغ نزدیک نشوید مگر به صورتی که آن را حفظ و یا تکثیرنمائید به عهد و پیمان خود وفا کنید که مسئول عهد خود هستند (35) در مبادلات مالی کیل وزن خود را رعایت کنید عدالت بهترین راه به سوی حسن عاقبت است (36) به راهی وارد نشوید که عاقبت آن را نمی‌دانید جاهل از مسیر عدم شنوایی و بینایی و دانایی محکوم و معذب می‌شود (37) در روی زمین متکبرانه حرکت نکنید طول قد شما به کوه‌ها نمی‌رسد و نمی‌توانی زمین را بترکانی (38) تمامی این بدی‌ها و گناه‌ها مطلوب خدا نیست (39) مواعظ بالا مطالبی از حکمت خداوند است که به تو وحی می‌شود کسی را به جای خدا اطاعت مکن که عاقبت منفور همه بندگان او خواهی شد (40) آیا شما مردان را به عنوان پسر و فرشتگان را به جای دختر خدا می‌شناسید چقدر جاهلانه نسبت نا مناسبی به خدا می‌دهید (41) مادر این قرآن همه جور مواعظ و نصایح در اختیار آنها قرار دادیم تا حقیقت را درک کنند ولیکن به جای گرایش بیشتر از آن رمیدند (42) بگو اگر چنان که آنها می‌گویند خدای دیگری باشد پس به فکر ناقص خود به ساحت قدس خدای

عظیم راه یافته‌اند (43) او منزّه و بالاتر است از این که به فکر ناقص خود عظمت ذات او را دریابند (44) اهل آسمان‌های هفتگانه و زمین او را منزّه و برتر می‌دانند هر چه هست خدا را تسبیح می‌کند ولیکن شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید خدا حلیم و آمرزنده است (45) وقتی که قرآن قرائت می‌کنی بین تو و کفار حجابی از هدف‌های مادی قرار می‌دهیم (اگر حق هدف نباشد دنیا هدف است) (46) و دل‌های آنها در غلاف است که نمی‌توانند بفهمند گوش آنها سنگین است که نمی‌توانند بشنوند وقتی که خدا را به وحدانیت بخوانی پشت به حق می‌رمند (47) ما به حال آنها آگاه‌تریم که وقتی گوش می‌دهند چه می‌شنوند و آنجا که باهم راز و نجوا دارند چه می‌گویند می‌گویند که این مردم از ساحر پیروی می‌کنند (48) بین چه نمونه‌هایی در تعریف تو ذکر می‌کنند در نتیجه گمراه می‌شوند و راه به جایی نمی‌برند (49) تعجب می‌کنند که اگر استخوانی پوسیده شدیم چطور دو مرتبه خلق تازه‌ای خواهیم بود (50) بگو سنگ و آهن باشید (51) یا تبدیل به چیزی که که حیات آن مشکل باشد به زودی با تعجب سر می‌کشند و می‌گویند کی است چه

کسی مارابه زندگی برمی گرداند بگو همان کسی که در اولین مرتبه شما را آفرید بعد با تعجب و استهزاء می گویند که چه زمانی چنین می شود بگو شاید نزدیک باشد (52) روزی که از دل خاک شما را احضار کند به حمد و ستایش او گویا می شوید به نظر تان می آید که چند ساعتی بیشتر در دل خاک نبوده اید (53) به بندگان من بگو حکیمانه سخن بگویند شیطان فکر آنها را به یاوه گوئی می کشاند دشمنی شیطان مشهور و معلوم است (54) خدابه حال شما آگاه تر است اگر بخواهد رحم می کند یا شما رابه عذاب می کشاند تو ماموریت نداری و کیل مدافع آنها باشی (55) خدا به اهل آسمانها و زمین آگاه تر است ما بعضی پیغمبران را بر بعضی برتری دادیم به داوود کتاب زبور دادیم (56) بگو به جز در خانه خدا به هر جا که می خواهید بروید واز هر کسی هرچه می خواهید بخواهید کسی نمی تواند بلائی را از شما بگرداند یا وضع زندگی شما را تغییر دهد (57) گروه اهل ایمان کسانی هستند که آنچه می خواهند از خدا می خواهند امیدوار به رحمت خدایند در جستجوی بهترین وسیله ها به سوی خدایند از عذاب خدا می ترسند برآستی که عذاب

خدا ترس آوراست (58) شهر و دهی در روی زمین نیست جز این که پیش از قیامت آن را هلاک می‌کنیم یا به شدیدترین عذاب مبتلا می‌سازیم این تقدیر در کتاب خدا ثبت است (قیامت در این آیه قیام امام زمان است) (59) تنها عاملی که در تاریخ مانع آیات و معجزات بود تکذیب گذشتگان بود به قوم ثمود ناقه دادیم که مایه بصیرت بود به آن حیوان ستم کردند معجزات را به این منظور ظاهر می‌کردیم که مردم را از تعرض به رسولان باز داریم (60) مابه تووحي کردیم که خدا بر مردم محیط و مسلط است و فتنه‌های بعد رابه تو در خواب نشان دادیم و داستان شجره ملعونه بنی‌امیه را که هرچه آنها را می‌ترسانیم برکفرو طغیان خود می‌افزایند (61) مابه فرشتگان دستور دادیم که در اطاعت آدم (ولی خدا) باشند همه آنها تسلیم شدند به جز ابلیس و شیاطین تکبر نمودند که چرا آدمی را که از گل ساخته‌ای سجده کنیم (62) به علاوه تهدید نمودند که اگر تا قیامت به ما مهلت دادی نسل این آدمی را که بر ما برتری دادی با تهدید و تطمیع به ضلالت می‌کشیم مگر عده کمی که بنده مخلص تو باشند (63) خدا فرمود باشد هرکس از تو پیروی کند به آتش

جهنم معذب می‌شود مجازاتی است کامل وافر(64) شما ای شیاطین با وز وز و سر و صدا هر کسی را که بتوانید با گروه سواره و پیاده خود جلب و جذب کنید مال و اولاد آنها را در استثمار خود قرار دهید مردم را تطمیع کنید که وعده‌های شما به جز فریب چیزی نیست (65) برآن بندگان مخلص من تسلط پیدا نمی‌کنید کافی است که پروردگار وکیل مدافع آنها باشد. پاورقی 187 (66) پرودگارت کسی است که کشتی‌ها را در دریا و دانشجویان را در دریای علم قرآن به جریان می‌اندازد تانعمت‌های مادی و معنوی او را به دست آورید خدابه شما بندگان مهربان است (67) وقتی که در دریا خطری متوجه شما می‌شود تمامی عوامل نجات از اختیار شما خارج می‌شود به او پناهنده می‌شوید و چون شما را نجات می‌دهد از او اعراض می‌کنید انسان موجودی ناسپاس است (68) به چه دلیل بدون سند امنیت از خدا با خیال راحت حرکت می‌کنید شاید زمین شما را ببلعد یا آسمان برسرتان سنگ ببارد در این صورت کسی وکیل مدافع شما نیست (69) یا این که شاید خدا دو مرتبه شما را به دریا باز گرداند باد تندی بر شما مسلط کند و به سبب کفران نعمت غرق نماید

که دیگر و سیله ای نداشته باشید از ما کمک بگیرید (70) ما بانی آدم را کرامت دادیم دریا و صحرا را در اختیارشان گذاشتیم روزی‌های طیب و طاهر به آنها بخشیدیم و آنها را بر بسیاری از خلائق برتری دادیم (71) روز قیامت هر گروهی را با پیشوای خود به موافق حساب می‌کشانیم کسانی که اعمالشان از مسیر حق و عدالت نتیجه داده به ثواب اعمال خود می‌رسند ذره‌ای به آنها ستم نمی‌شود (72) کسانی که زندگی را به کوردلی گذرانده‌اند حق را نشناخته‌اند در قیامت کوردل و گمراه ترند (73) شاید منافقین تورا از معرفی کسی که دستور داده‌ایم منصرف نمایند تا به جای او دیگری را به جای خود بنشانند در این خیالات خیلی گرم به دوستی تو تظاهر می‌کنند (74) اگر تو را ثبات و استقامت ندهیم شاید کمی به خواهش آنها گرایش پیدا کنی (75) در این صورت دین تو را به موت و حیات کشانیده از تکامل باز می‌داریم و راهی نداری که از نصرت خدا بهره‌مند شوی (شرح این دوآیه در تفسیر همین سوره روشن شده است و در این جا مختصر عرض می‌شود که اگر غیر معصوم جای پیغمبر بنشیند دین خدابه وسیله او می‌میرد و در آینده پیغمبر دیگری لازم

است آن را احیا کند). پاورقی 188 (76) این همه فعالیت دارند تورا بر باینند از زندگی خارج کنند خبر ندارند که اگر نباشی حق حیات از آنها سلب می‌شود (77) راه و روش پیغمبران پیش چنین بوده است سنت خدا بر پایه خلقت قابل تغییر نیست (78) از زمانی که خورشید متمایل به غرب می‌شود تا تاریکی کامل شب نماز خود را زنده بدار و همچنین نماز بین طلوعین که در معرض مشاهده فرشتگان است (79) قسمتی از شب را زنده بدار نافله بخوان تا خداوند تورا به مقام شایسته‌ای انتخاب کند (80) بگو پروردگارا چنان کن که ورود و خروج من در کارها و راه‌ها همه جا صداقت و حقیقت باشد به اراده خود قدرتی به من عطا کن که کمک من در اطاعت تو باشد (81) به مردم ابلاغ کن که با نزول قرآن حق خالص ظاهر شده باطل نابود است باطل مانند ظلمت است که در برابر نور نابود شدنی است (82) با نزول قرآن احکام و اخلاقی بر شما نازل می‌کنیم که برای اهل ایمان مایه شفا و رحمت است و برای ستمکاران به جز خسارت چیزی به بار نمی‌آورد. پاورقی 189 (83) زمانی که نعمت هدایت را به انسا ن عرضه می‌کنیم پهلو می‌تابد و اعراض می‌کند و

زمانی که شر و بلائی به او اصابت کند مایوس می‌شود (84) بگو همه کس به عادت مزاج و هوای نفس کار می‌کنند خدا هدایت یافته گان را بهتر می‌شناسد (85) از تو سئوال می‌کنند که روح چه حقیقتی است بگو روح به امر تکوینی خدا افاضه می‌شود بهره کمی از علم به حقایق به شما داده‌اند (86) اگر بخواهیم علمی که به تو داده‌ایم می‌گیریم در این صورت وکیل مدافعی علیه ما نخواهی داشت (87) مگر این که لطف خدا تو را فرا گیرد عنایت خدا به تو بسیار بزرگ است (88) به معارضین خود بگو اگر جن و انس همکاری کنند تا مثل و مانند قرآن بیاورند نمی‌توانند گرچه همه آنها کمک یکدیگر باشند (89) ما در این قرآن از تمامی علوم و حقایق نمونه آوردیم ولی اکثر مردم قبول نکردند جز این که بر کفر خود افزودند (90) می‌گویند در صورتی به تو ایمان می‌آوریم که چشمه آبی از زمین جاری کنی (91) و یا باغ‌هایی از درخت خرما و انگور داشته باشی و در وسط آن نهر آب جاری نمائی (92) و یا این که به عقیده خود سقف آسمان را بر سر ما خراب کنی و یا خدا و فرشتگان را گروه گروه ظاهر سازی (93) و یا خانه طلائی مجهز و مزین

داشته باشی و یا به آسمان پرواز کنی و تازه پرواز تو را هم قبول نداریم مگر که نامهای از طرف خدا بیاوری که ما آن را بخوانیم بگو سبحان الله از این جسارتها مگر من بشری بیشتر هستم که رسالت یافته‌ام (94) تنها چیزی که از ظهور عامل هدایت مانع ایمان مردم می‌شد همین بود که بگویند و تعجب کنند که آیا انسانی رسول خدا شده است (95) بگو اگر زمین پر از فرشتگان باشد که در نظم و آرامش کامل باشند باز هم ما فرشته‌ای را به رسالت مامور می‌کنیم تا تکامل یابند (96) بگو خدا بین من و شما گواه حق است او به حال بندگان بصیر و آگاه است (97) کسی را که خدا هدایت کند هدایت یافته و کسی را که به خود واگذار نماید به جز خدا ولی ندارد و آنها روز قیامت مانند خزندگان محشور می‌شوند کور و کر و لال در عذاب جهنم‌اند که هر وقت به خاموشی گراید بیشتر فوران پیدامی‌کند (98) این مجازات نتیجه کفر آنهاست که منکر قیامت شدند و گفتند وقتی که پوسیده و پوک شدیم چه طور ممکن است به تازگی اول برگردیم (99) مگر نمی‌دانند خدایی که آسمانها و زمین را آفریده می‌تواند مثل و مانند آنها را بیافریند آنها مدتی مقدر دارند در آن

شکي نيست ولي کافران به جز کفرو ناسپاسي چيزي نمي دانند (100) بگواگر شما مالک آسمانها و زمين باشيد باز هم مي ترسيد که انفاق کنيد زيرا انسان خشک و گرفته است (101) ما به موسي نه معجزه مفصل داديم از بني اسرائيل پرس چه معجزاتيديدند فرعون به موسي گفت گمان مي کنم ساحر ماهري باشي (102) موسي به فرعون گفت تو خوب دانستي که معجزه بود صنعت پروردگار آسمانها بود سحر نبود من هم گمان مي کنم به هلاکت کفر و گناه مبتلا شده اي. پاورقي 190 (103) فرعون تصميم گرفت بني اسرائيل رانابود کند ما هم او و تمامي همراهانش را غرق دريا نموديم (104) بعد از آن به بني اسرائيل اجازه داديم که در زمين ساکن شويد آخرين وعده خدا قيامت است وقتي که رسيد همه شما را يك جا جمع مي کنيم (105) ما قرآن را به حق نازل کرديم و به حق در افکار مردم شناخته شد تورا براي بيان نتايج اعمال نيك و بد رسالت داديم (106) مطالب قرآن را جدا جدا روشن ساختيم تا آنها را آرام آرام براي مردم بخواني به صورتي بي سابقه آنرا نازل کرديم (107) به آنها بگو ايمان بياوريد يا نياوريد کساني که توفيق علم و

ایمان یافته‌اند در برابر عظمت قرآن به سجده می‌روند و هرچه بیشتر خشوع آنها زیاد ترمی شود (108) آنها می‌گویند پروردگار ما منزّه است وعده‌های او واقع شدنی است (109) صورت به خاک می‌سایند می‌گیرند خشوعشان زیادتر می‌شود (110) بگو خواهش‌های خود را از خدا بخواهید یا از مظاهر رحمت او (ائمه اطهار) تمام نیکان و نام‌های نیک مربوط به خدا است بر نماز یا ابلاغ ولایت اصرار مکن واگذار هم مکن آرام آرام برابر استعداد مردم (مولا در حدیث تنزیل القرآن فرمودند نماز اقامه ولایت من است) (111) بگو ستایش حمد مخصوص خدائی است که بین او و خلق رابطه حسب و نسب نیست در پادشاهی خود شریک ندارد نیازمند به ولایت کسی نیست هرچه می‌توانی او رابه عظمت یادکن.

سوره کهف

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) ستایش حمد مخصوص خدا است کسی که قرآن را بر بنده خود نازل کرد و دستور غلطي در آن قرار نداد (2) کتابي است پایدار مردم را از عذاب شدید که نتیجه انحراف است می‌ترساند اهل ایمان و عمل صالح را مژده می‌دهد که پاداشي نیکو دارند (3) در آن نعمت‌ها تا ابد زندگی می‌کنند (4) و می‌ترساند کسانی را که می‌گویند خدا کسی را به فرزندی گرفته است (5) آنها علم به واقعیت ندارند و اجداد آنها همین طور چه گناه بزرگی است کلمه‌ای که بر زبان می‌رانند آنها دروغ می‌گویند (6) شاید از کثرت غم و غصه بر اثر گفتار و رفتاری که دارند خود را به هلاکت می‌رسانی که چاره این قرآن ایمان نمی‌آورند (7) ناراحت مباش که ما زندگی دنیا را در نظر آنها رونق داده‌ایم تا آزمایش کنیم کدام يك اعمالشان بهتر است (8) ما در آینده تمامی این زینت‌ها و زیورها را نابود می‌کنیم زمین را به صورت بیابانی خشک ظاهر می‌سازیم (9) خیال نکنی داستان اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما است

(10) آنجا که آن جوانمردان فراری از حکومت ظالم در غاری پناه گرفتند و دعا کردند که پروردگارا لطف و رحمت خود را به ما برسان و ما را به يك زندگي سالم هدايت فرما (11) ما براي رفع ترس و وحشت چند سالي آنها را به خوابي عميق فروبردیم (براي فراریان خائف و ترسان بهترين دارو خواب عميق است) (12) بعد از مدتي تا تقدير خدا روشن شود بيدارشان کردیم تا معلوم شود ما يا آنها کدام يك مدت خواب را بهتر شناخته‌ایم (13) ما داستان آنها را چنان که بوده براي تو مي‌خوانیم آنها جوان مرداني بودند که ايمان به خدا آوردند ما هم بيشتر آنها را هدايت نمودیم (14) دل آنها را به خود مربوط ساختيم که خلاف مرام باطل زمان قيام کردند و گفتند پروردگار ما پروردگار آسمان‌ها و زمين است به جز او خدائي نمي‌پرستيم که به شرك و پراکنده گوئي مبتلا شويم (15) مردم زمان ما به جز خدا ديگري را مي‌پرستند نمي‌توانند دليلي روشن بر صحت عمل خود بياورند چه کسي ظالم تراست از کساني که به خدا دروغ مي‌بندند (16) و اکنون که از آنها و بت‌هاي آنها فاصله گرفتيد در اين غار خود را به خدا بسپاريد او دامن لطف خورا براي شما مي‌گستراند و وسائل

آسایش و آرامش برای شما فراهم می‌کند (17) آنها در غار چنان وضعیتی دارند که چون خورشید طلوع می‌کند از غار آنها به طرف راست حرکت می‌کند و هنگامی که غروب می‌کند نور خود را به طرف شمال می‌برد و آنها در فضای غارند این داستان از آیات عجیب خداوند است کسی را که خدا هدایت کند هدایت یافته و کسی را که واگذار نماید کسی نمی‌تواند او را ارشاد کند (تاویل این آیات مربوط به کهف ولایت است لطائف عظیم آن در تاویل داستان است که ولایت و پناهندگان به ولایت باشد) (18) وقتی که آنها را ببینی چنان‌اند که گویا بیدارند با این که خواب‌اند سگ آنها هم به حال آماده باش دو دست خود را گسترده است چنان وضعی که ببینی وحشت پیدا می‌کنی و فرار می‌کنی. پاورقی 191 (19) بعد از مدتی آنها را بیدار کردیم تا از وضع خود آگاه شوند از یکدیگر پرسیدند چند وقت خواب بوده‌ایم یکی جواب داد روزی و یانصف روز دیگری گفت خدایم بهتر می‌داند الآن گرسنه‌ایم یک نفر پول به شهر ببرد دقت کند چه غذایی بهتر است تهیه کند خوب دقت کند مبادا کسی از حال ما آگاه شود (20) آنها در تعقیب ماهستند اگر ما را ببینند سنگسار

می‌کنند یا مارا به‌دین خود بر می‌گردانند که در این صورت رستگار نخواهیم شد (21) به‌این کیفیت مردم رابه حال آنها آگاه نمودیم تا از این خواب و بیداری بدانند و عده قیامت حق است اهل شهرکه به‌تعقیب آمده بودند بعد از آگاهی آنها را نیافتند با هم بحث و جدال داشتند که آنها چه کسی بودند و کجا رفتند رئیس گفت خدا به حال آنها آگاه تراست مسجدی برای یاد و بود آنها می‌سازیم. پاورقی 179 (22) در تعریف شماره آنها گفتگو کردند گفتند سه نفر بوده‌اند که چهارم سگ آنها بوده وگفتند پنج نفر بوده‌اند ششم سگ آنها بوده تیر به‌تاریکی پرانیده‌اند و می‌گویند هفت نفر بوده و هشتم سگ آنها بوده تو بگو پروردگار من به‌حال آنها آگاه تراست عده کمی آنها را می‌شناسند تو در ظاهر خود را ناشناس به‌حال آنها نشان بده و از کسی در تعریف آنها پرس و جو مکن (23) هرگز مگو فردا چه کاری می‌کنم مگر که به‌مشیت خدا واگذار کنی (24) و بگوئی ان شاء الله و اگر فراموش کردی زودتر یاد آوری کن و بگو شاید خدا مارا به‌راهی بهتر از این هدایت کند (25) آنها درکھف خود سیصد سال خواب بودند مردم براین مدت نه سال اضافه کردند (26) بگو خدا به‌مدت خواب

آنها آشناتر است علم غیب در آسمانها و زمین مخصوص خدا است چه قدر خدا شنوا و دانا است مردم بجز خدا سر پرستی ندارند و خدا کسی را در حکم خود شریک نمی‌کند (27) آن چه از کتاب خدا به تو وحی می‌شود بخوان و بدان کلمات خدا حقیقت است قابل تبدیل نیست و بجز او پناهگاهی نخواهی داشت (28) با کسانی بنشین و محشور باش که صبح و شام به یاد خدایند رضایت او را می‌طلبند مبادا در طلب دنیا لطف و محبت خود را از آنها بگردانی از کسانی پیروی کنی که از خدا غافلند تابع هوا هوس خود بوده و در افراط و تفریط عملی و اخلاقی هستند (29) حق را آشکا را به مردم ابلاغ کن هر کس مایل است ایمان آورد و هر کس می‌خواهد کافر شود کفار بدانند سر راه فعالیت آنها آتشی در کمین است که زندگی آنها را احاطه می‌کند وقتی در آن آتش از تشنگی بنالند آبی مانند مس ذوب شده در اختیار آنهاست که صورت آنها را کباب می‌کند چه بد شربتی و زندگی ناگواری است (30) و اما کسانی که اهل ایمان و عمل صالحند بدانند که ما پاداش عمل آنها را ضایع نمی‌گذاریم (31) علم و قدرتی و بهشتی در اختیار آنها می‌گذاریم که نعمت و لذت

مانند نهر از آن در جریان است به زینت‌هایی از طلا و نقره مزین می‌شوند لباس‌هایی سبز از سندس و استبرق می‌پوشند بر اریکه قدرت تکیه دارند چه خوب است نتایج اعمال و زندگی گوارای آنها (32) برای بیان حقیقت داستان دو نفر را برای آنها باز گو کن که ما به یکی از آنها دوباغ دادیم در حصار درخت‌های خرما و انگور و درمیان دوباغ زمین زراعت (33) باغ‌ها و زمین زراعتی محصول خودرابدون مضایقه آماده می‌کرد و درمیان دو باغ نهر آب در جریان بود (34) میوه‌هایی لطیف و شیرین با رفیق خود بحث و مفاخره داشت که ببین مال و ثروت و نفرات من از تو بیشتر است (35) با ناز و تکبر میان باغ‌ها قدم می‌زد و می‌گفت هرگز این ثروت و قدرت نابود نخواهد شد (36) گمان نمی‌کنم آخرت و قیامتی باشد تازه اگر باشد به ملاقات خدا می‌روم بهتر از این نعمت و ثروت به من خواهد داد (37) رفیقش با او بحث می‌کرد که آیا به خدائی که تورا از خاک و نطفه آفرید و به اعتدال رسانید کافر می‌شوی (38) ولیکن من عقیده دارم که او پروردگار من است کسی یا چیزی را شریک او نمی‌دانم (39) چرا وقتی که درباغ خود گردش کردی نگفتی ماشاء الله لاحول و لاقوه الا بالله اگر تو

می‌بینی که مال اولاد من از تو کمتر است (40) شاید خدا بهتر از این باغ و این زندگی به من مرحمت کند و شاید بلای آسمانی بر این باغ مسلط کند که فردا خشک و نابود شود (41) و یا آب این نهر به زمین فرو رود که نتوانی از آن استفاده کنی (42) باغ او با بلای آسمانی نابود شد فردا در حسرت سرمایه هایش که هدر شده بود دست پشت دست می‌مالید که باغش با خاک یکسان شده بود می‌گفت ای کاش کسی را شریک خدا نساخته بودم (43) کسی جز خدا نبود که او را یاری کند و قدرت نداشت که دو مرتبه سامان گیرد (44) آنجا که زندگی شما نابود شود در حکومت خدا قرار می‌گیرید رضایت او بهترین نتیجه و بهترین عاقبت است (تاویل داستان ثمره باغ ولایت است که گروهی به میوه و درخت آن چسبیدند و گروهی در ولایت باغبان دین) (45) به آنها بگو دنیا در جلوه خود مانند بارانی است که می‌بارد با خاک و گیاه مخلوط می‌شود با گل و گیاه جلوه می‌کند و فردا طوفان پائیز آن را می‌خشکاند این طرف و آن طرف می‌برد خدا به هر کاری توانا است (46) مال و اولاد زینت زندگی دنیا است اعمال صالح که باقی و بادوام است بهتر نتیجه می‌دهد و

بیشتر انسان‌ها را آرزومند به خدا می‌کند (47) روزی که کوه‌ها (ابر قدرت‌ها) را به انتهای سیر خود برسانیم به جایی و به حالی که به عجز خود واقف شوند در آن انتها تمامی نتایج آشکار می‌شود تمام مردم را زنده می‌کنیم و کسی را در دل زمین باقی نمی‌گذاریم (48) همه در يك صف به خدای خود عرضه می‌شوند به آنها می‌گوئیم شما مانند روز تولد دست خالی وارد محشر شدید و خیال کردید که ما مقصد و موعدی برای شما قرار نداده‌ایم (49) کتاب محاسبه اعمال در مقابل مردم قرار می‌گیرد جنایت کاران وحشت پیدا می‌کنند که وای به حال ما این چه کتابی است که بزرگ و کوچک اعمال را ثبت نموده نتایج اعمال خود را حاضر می‌بینند و می‌دانند که خدا به کسی ستم نمی‌کند (50) (شیاطین را بشناسید) و قتی ما به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید همه بجز ابلیس که از جنیان بود سجده کردند ابلیس به فسق و فجور گرائید آیا شما مردم ابلیس و پیروان او را به سرپرستی خود انتخاب می‌کنید با این که دشمن سرسخت شما است چه بد حکومتی به جای حکومت خدا اختیار کرده‌اید (51) من آنها را شاهد خلقت آسمان و زمین و شاهد

خلقت خودشان قرار ندادم من هرگز گمراه‌کنندگان را به کمک نمی‌گیرم (52) روزی که به مشرکین ابلاغ می‌شود از کسانی که به جای خدا اطاعت کرده‌اید کمک نخواهید از آنها کمک می‌خواهند و اجابت نمی‌شود رؤسای خود را می‌بینند که در وادی هلاکت غرقند (53) ستمکاران با آتشی که خود بر افروخته‌اند روبرو می‌شوند و گمان می‌کنند که معذب می‌شوند و راه نجات ندارند (54) همه نوع نمونه‌های حق و باطل به نمایش گذاشیم و لیکن انسان هر چه بیشتر برای فرار از حقیقت بحث و جدال می‌کند (55) بعد از ظهور نبوت و هدایت چه مانعی پیدا می‌شود که ایمان به خدا بیاورند و از او برای رفع نواقص فردی و اجتماعی خود کمک بگیرند جز این که منتظرند به سر نوشت گذشتگان کافر خود مبتلا شوند و یاباه ساعت قیامت مواجه شود (56) ما پیغمبران را به این منظور فرستادیم که مردم را به نتایج حسن عمل مژده داده و از عواقب سو عمل بترسانند اما کفار برای خاموش کردن چراغ حق به مجادله بر می‌خیزند دین خدا و آیات او را مسخره می‌کنند. پاورقی 192 (57) ظالم‌تر و بدتر از کسانی که به دین خدا دعوت می‌شوند و از آن اعراض

می‌کنند کیست که از عواقب کفر و گناه بی‌خبرند ما دل‌های آنها را درغلاف (هدف‌های مادی) قرار داده‌ایم که نفهمند و گوششان را سنگین اگر به کتاب خدا دعوت شوند هدایت نمی‌شوند (58) پروردگار تو صاحب رحمت و گذشت است اگر بخواهد موآخذه کند بعد از گناه انتقام می‌گیرد بلکه مدتی برای نتیجه‌گیری از عمل بد و خوب مهلت می‌دهد زیرا بعد از اتمام مدت به جز خدا پناهگاهی ندارند (59) چقدر زیاد گذشتگان را بعد از اتمام مهلت به سبب ظلم و گناه هلاک نمودیم (60) داستان آموزنده موسی و خضر پیغمبر را بیان کن که به رفیق خود گفت به‌کاری نمی‌پردازم جز این‌که خود را به‌محل تلاقی دو دریای (مدیترانه و بحر احمر) برسانم گر چه مدتی طول بکشد. پاورقی 193(61) وقتی به مجمع البحرین رسیدند ماهی خود را فراموش کردند و ماهی به دریا خزید و رفت (62) از آنجا که گذشتند گرسنه شدند به رفیق خود گفت غذای ما را بیاور که خیلی گرسنه و خسته شده‌ام (63) رفیق او گفت وای دیدی آنجا که کنار دریا نشسته بودیم ماهی را فراموش کردم شیطان از یاد من برد به دریا خزید و رفت (64) موسی گفت در انتظار همین علامت بودم

در این رابطه داستان خضر و موسی به وجود آمد (65) در آنجا بایندهای از بندگان ما که مشمول رحمت ما شده و علمی به او آموخته بودیم روبرو شد (66) موسی به آن بنده صالح گفت ممکن است در اطاعت شما باشم و از تعلیمات شما بهره مند شوم (67) او جواب داد مانعی ندارد اما نمی‌توانی رفتار و کردار ما را تحمل کنی (68) چطور گفتار و کرداری را می‌توانی تحمل کنی که حکمت آن را نمی‌دانی (69) موسی گفت ان شاء الله صبر می‌کنم ایراد و اعتراضی به کار شما ندارم (70) خضر گفت اگر می‌خواهی بامن باشی باید برکار من ایراد نگیری تا خودم حکمت آن را بگویم (71) باهم سوار کشتی شدند خضر دیواره کشتی را پاره کرد موسی گفت چرا دیواره کشتی را سوراخ کردی مردم را غرق کنی خراب کاری چه کار بدی است (72) خضر گفت نگفتم که نمی‌توانی بامن راه بیایی و برکار من صبر کنی (73) موسی گفت به چشم فراموش کردم مرا ملامت نکن به فراق خودت مبتلا نساز (74) بعد به حرکت خود ادامه دادند با پسری رو برو شدند خضر گلوی پسر را فشرد و او را خفه کرد موسی گفت پسر بی‌گناهی را به ناحق کشتی چه عمل زشتی

مرتکب شدی خضر گفت (75) باز هم اعتراض کردی نگفتم که نمی‌توانی بر کارهای من صبر کنی (76) موسی گفت به چشم اگر بار سوم اعتراض کردم مرا از خود جدا کن که معذور خواهی بود (77) همان طور به حرکت ادامه دادند تا به روستائی رسیدند از آنها تقاضای پذیرائی کردند آنها از پذیرائی امتناع نمودند در آن جا دیواری مشرف به خرابی بود خضر دیوار را تعمیر کرد موسی گفت خوب بود لااقل مزد کارت را از آنها می‌گرفتی (78) خضر گفت ساعت جدائی رسید الآن به تو خبر می‌دهم که چرا چنین کارهائی که نتوانستی تحمل کنی انجام دادم (79) اما داستان کشتی برای این بود که رئیس شهر کشتی‌ها را غصب می‌کرد و این کشتی‌ها مال عده‌ای از فقرا بود کار می‌کردند که روزی خود را به دست آورند آن را معیوب کردم تا غاصب به آن رغبت نکند (زیرا يك عيب كوچك از نابودي بهتر است) (80) و اما آن پسر پدر و مادر مومن داشت من و خدای من ترسیدیم مبادا پدر و مادر خود را به کفر و گناه بکشاند (81) چنین خواستیم که پروردگار پسر بهتری به آنها بدهد پاکیزه‌تر باشد و بهتر بتواند به آنها خدمت کند (82) و اما تعمیر دیوار برای این بود که روی گنجی

مال دوظفل یتیم قرار گرفته بود پدر آنها مومنی صالح بود (اگر دیوار خراب می‌شد گنج شناخته می‌شد) پروردگار چنین خواست که یتیم‌ها بالغ شوند و گنج خود را استخراج کنند من به اراده خود چنین کاری نکردم این بود حکمت کارهائی که نتوانستی تحمل کنی. پاورقی 194 (83) و اما داستان ذوالقرنین که از تو پرسیدند قسمتی از تاریخ او را برای تو بازگو می‌کنیم. پاورقی 181 (84) ما در زمین به او قدرت و امکانات دادیم از هر چیزی و سیله‌ای در اختیار او گذاشتیم (85) ذوالقرنین از آن وسیله‌ها استفاده کرد (86) به غروب گاه کشور خود کنار دریای سیاه رسید خورشید را چنان دید که در لای و لجن غروب می‌کند در آنجا با قومی که مغلوب شده بودند روبرو شد ما به او آزادی دادیم که یا آنها را عذاب کند و یا احسان نماید (87) ذوالقرنین گفت هرکس از آنها ستم کند از او انتقام می‌گیریم و او رابه به سویی خدا روانه می‌کنیم او را سخت عذاب خواهد کرد (88) و هرکس اهل ایمان و عمل صالح باشد پاداش نیک مابه او می‌رسد آسایش و آرامش او را فراهم می‌کنیم (89) او باز از امکانات و قدرت خود استفاده کرد (90) به طرف شرق مملکت حرکت

نمود قوم شرقی را دید که جز شعاع خورشید سایبانی نداشتند آفتاب نشین بودند (91) ما در این حرکت هم به همه وقایع آشنا بودیم (92) و باز از امکانات خود استفاده کرد (93) به طرف شمال لشکر کشید تامیانه دو رشته کوه که مانند دو سد جلو دو دریا بودند رسید در آنجا با قومی که فاقد فهم و بیان بودند روبرو شد (94) آنها شکایت کردند که این اقوام وحشی یا جوج ماجوج در این زمین فساد به پا می کنند اجازه هست مبلغی در اختیار شما بگذاریم به جای آن بین ما و آنها سدی بسازید مانع تجاوز آنها باشد (95) ذوالقرنین گفت امکانات الهی برای من بهتر است شمانیروی کار در اختیار من بگذارید بین شما و آنها سدی می سازم (96) قطعات آهن آماده کنید آن قطعات را روی هم چید تا برابر ارتفاع دو کوه بالا رفت بعد پای آن دیوار آهنی آتش افروختند تا سرخ شد و بعد روی آن دیوار مس گداخته ریختند تا دیوار یک قطعه مس و آهن شد (97) دیواری محکم و مرتفع که نتوانند از بالای آن بگذرند و نتوانند آن را سوراخ کنند (98) شکر خدا را به جا آورد و گفت این لطف خدا بود این سد تا روز موعود قیامت باقی است وقتی که وعده خدا رسید آن را می کوبد

و عده خدا حق است (99) در این روز تمامی مردم به هم می‌آمیزند نفخه دوم دمیده می‌شود مردگان به پا می‌خیزند همه يك جا جمع می‌شوند (100) آن روز آتش جهنم برابر کفار عجیب نمایش پیدا می‌کند (101) همان‌ها که در پرده جهالت از یاد خدا غافل بودند و طاقت شنیدن حرف حق نداشتند (102) کفار که از بندگان خدا به جای اطاعت می‌کنند خیال می‌کنند که بخود واگذارند نه ما با آتش جهنم از آنها پذیرائی می‌کنیم (103) بگو شمارا آگاه کنم چه کسانی بیشترین خسارت‌ها را برده‌اند (104) همان‌ها که در بی‌راهه فعالیت می‌کنند و خیال می‌کنند که در راه نجاتند و اعمالشان حیات بخش است (105) آنها کسانی هستند که به آیات پروردگار و روز ملاقات او کافر شده‌اند اعمال نیک آنها نتیجه نمی‌دهد ما برای آنها ارزش قائل نمی‌شویم (106) پاداش آنها که آخرین نتیجه اعمال آنها است جهنم است آنها به آیات ما کافر شدند و پیغمبران را به مسخره گرفتند (107) و اما آنها که اهل ایمان و عمل صالحند بدانند که ما برای پذیرائی آنها بهشت فردوس را آماده کرده‌ایم (108) دائم در آنجا متنعم به نعمت‌های خدایند هرگز ناراحتی و ناکامی ندارند و

راضی نیستند که آن زندگی را به چیز دیگری بدل کنند (109) به آنها بگو خیال نکنند که نعمت‌های خدا کم و کسر می‌شود اگر دریاها مرکب شود پیش از شمارش نعمت‌های خدا تمام می‌شود اگر چه تکرار شود (زیرا عدد به نامتناهی نمی‌رسد) (110) بگو تعجب نکنید من هم مانند شما بشرم فقط به من وحی می‌شود که خدای شما یگانه است هر کس به لطف خدا امیدوار است باید عملش صالح باشد و کسی را شریک خدا نسازد

سوره مریم

بسم الله الرحمن الرحيم

کاف - هاء - یا - عین - صاد - این حروف اشاره به داستان کربلا است که حضرت زکریا داستان فاجعه کربلا را یاد آوری می‌کرد و بر مصائب امام حسین

عليه السلام اشك مي ريخت حضرت سيد الشهداء رحمت واسعه الهي شناخته شده (2) خداوند فرمود اين حروف ياد آوري رحمت خدا براي بنده خود زكريا بود (3) آنجا كه زكريا مخفيانه باخداي خود راز و نياز داشت (4) عرضه داشت پروردگارا پير شدم استخوانهايم سست موي سرم سپيد و از دعا و نيايش کوتاهي نداشته‌ام (5) مي‌ترسم بعد از خود ولي و جانشيني نداشته باشم همسرم نازا بوده به لطف خود فرزندي به من مرحمت كن (6) كه از من و دودمان يعقوب ارث ببرد فرزندي صالح و پسند تو باشد (7) خدا فرمود زكريا دعائت را اجابت كردم تورا به فرزندي به نام يحيي مژده مي‌دهم كه پيش از اين همنامي نداشته است (8) زكريا براي اين كه مطمئن شود عرض كرد چطور براي من پسري مي‌شود كه من در نهايت پيري و همسرم نازا بوده است (9) خدا فرمود همين طور (بدون علت طبيعي) تورا پيش از اين آفريدم كه چيزي نبودي (10) زكريا عرض كرد براي اجابت نشانه‌اي مرحمت كن خدا فرمود به نشانه اين كه سه شبانه روز نتواني باكسي سخن بگوئي (11) براي آگاهي مسجديان به سوي آنها رفت بارمز و اشاره گفت كه صبح و شام

به نماز خود مشغول باشید (12) یحیی را آفریدیم و باقوه قهریه به او کتاب و حکمت دادیم. پاورقی 195 (13) در شعاع محبت و رحمت ما رشد کرد مومنی پرهیزکار بود (14) به پدر و مادر خود مهربان و خوشرفتار بود نافرمان و جبار نبود (15) او روز تولد و روز مرگ و روز بعثت سالم و سلامت خواهد بود (16) داستان مریم را هم در این کتاب ذکر کن آنجا که از قوم خود کناره گرفت و در جهت شرقی بیت المقدس به عبادت مشغول شد. پاورقی 196 (17) شدیداً خود را از مردم پوشیده داشت به خدا مربوط شد ما روح القدس را به سراغش فرستادیم که به صورت انسانی برابرش ظاهر شد (18) مریم به خیال این که انسان است گفت از شرتو به خدا پناه می‌برم اگر با تقوا هستی این جا چه می‌کنی (19) گفت من فرشته مامور خدایم می‌خواهم فرزندی پاکي به تو تقدیم کنم (20) مریم گفت چه طور ممکن است با این که دست کسی به من نرسیده و من بدکاره نیستم (21) فرشته گفت همین طور بدون شوهر خدا می‌گوید برای من آسان است اورا آیت عظمت و رحمت خود قرار می‌دهم و این تقدیر حتمی خداوند متعال بود (22) مریم به عیسی حامله شد

بعد از احساس حمل به محل دوری از شهر آواره شد (23) درد زایمان او را به شاخه درخت خرما کشانید بچه به دنیا آمد مریم گفت ای کاش پیش از این مرده بودم اسمی در خاطره‌ها نداشتم (24) کودک از زیر دامن او صدا زد مادر غم و غصه نداشته باش من مایه خوشحالی تو هستم بین برایت نهر آبی جاری شده است (25) شاخه درخت را به سوی خود بتکان خرماي تازه برایت می‌ریزد (26) خرما بخور آب بنوش چشمت روشن اگر کسی اعتراض کرد بگو روزه سکوت گرفته‌ام باکسی حرف نمی‌زنم (27) کودک را بغل گرفت به سوی مردمی که در جست و جوی او بودند رفت مردم پرخاش کردند که مریم این چه عملی است که داشته‌ای این بچه از کجا است عمل گناه مرتکب شده‌ای (28) ای خواهر هارون پدرت مرد بدی نبوده و مادرت زن بد کاره ای نبود (29) به کودک اشاره کرد که از او بپرسید گفتند چطور با کودک گهواره سخن بگوئیم (30) کودک با صدای رسا گفت مردم من بنده خدایم خدابه من کتاب داده مرا پیغمبر خود قرار داده (31) هر جا باشم برکت مندم خدا به من سفارش فرمود تا وقتی زنده باشم نماز بخوانم زکات بد هم (32) مرا نسبت به

مادرم نکوکار و مهربان نموده شقی و جبار قرار نداده است (33) از روز تولد و ایام زندگی و مردن و هنگام بعثت و قیامت از هر عیب و گناهی سالم و سلامت هستم (34) این است واقعیت عیسی ابن مریم گفتار حقی که شما مردم در آن شك دارید (35) مناسب شان خدانیست که مخلوقی را به فرزندی بگیرد از این نسبت‌ها مبرا و منزّه است وقتی که چیزی را بخواهد به محض خواستن شدن است (36) او پروردگار من و شماست او راپرستش کنید راه راست به سوی سعادت همین است (37) گروه مردم در پیدایش عیسی به شك و اختلاف افتادند هرکدام نظری دادند وای به حال کسانی که کافر به قدرت خدا شدند که روز قیامت چه عذری دارند (38) آن روز که در حاکمیت خدا قرار گیرند چه قدر بصیر و بینا هستند که به چه کسی تهمت زدند ولیکن معلوم است که کفار در ضلالتند (39) آنها را از روز حسرت و ندامت بترسان روزی که در حال غفلت زدگی آنها خاتمه یابد که ایمان به خدانمی آورند (40) فقط ما هستیم که محصول زندگی بشریت را به وراثت می‌بریم همه کس و همه چیز در حاکمیت ما قرار می‌گیرد (41) داستان ابراهیم را هم در کتاب خود

یاد آوری کن او پیغمبری بود تصدیق کننده و عده‌های خدا(42) آن جا که به پدر خود گفت چرا چیزی را می‌پرستی که نمی‌شنود و نمی‌بیند و فائده‌ای برای تو ندارد (43) ای پدر من از جانب خدا به علمی رسیده‌ام که تو نرسیده‌ای از من پیروی کن تا تورا به راه راست به سوی بهشت هدایت کنم (44) ای پدر شیطان را اطاعت مکن که او عاصی و نافرمان خدای متعال است (45) پدر می‌ترسم غضب خدا تو را فرا گیرد که در ولایت و اطاعت شیطان واقع شوی (46) پدر خوانده پرخاش نمود که تو می‌خواهی مرابه خدایان خود بی‌اعتنا کنی اگر دست از این دعوت برنداری تورا سنگسار می‌کنم از من دور شو تورا نبینم (47) ابراهیم گفت خدا تورا سالم بدارد برای تو استغفار می‌کنم خدای متعال به من مهربان است (48) از شما و بت‌های شما فاصله می‌گیرم به خدا پناه می‌برم امیدوارم شقی نباشم که از او خواهشی نکنم (49) وقتی که از آنها و مرام آنها کناره گرفت به او فرزندانمانند اسحاق و یعقوب دادیم و آنها را به مقام نبوت رسانیدیم (50) آنها را مشمول عنایات خاصه خود قرار دادیم لسانی راستگو همراه حجتی برتر و بالاتر به آنها بخشیدیم

(51) داستان موسی را هم در کتاب خود یاد آوری کن که مردی با اخلاص و پیغمبر مرسل بود (52) او را از جانب کوه طور صدا زدیم (کوه بابرکت از شجره ولایت) او را به خود نزدیک نمودیم از خطرات نجات دادیم (53) برادری دانا و دانشمند هارون را کمک او نمودیم (54) اسماعیل را هم یاد آوری کن پیغمبر مرسل صادق و راستگو به عهد خود وفادار بود (55) خانواده خود را به نماز و زکوة امر می کرد مردی محبوب و پسندیده خدا بود (56) داستان ادريس را هم یاد آوری کن پیغمبری بود که دین خدا را تصدیق کرد (57) ما او را به مقامی بزرگ بالا بردیم (58) آنها افرادی از پیغمبران بودند که ما به آنها نعمت ولایت و نبوت دادیم از فرزندان آدم و از نسل کسانی که بانوح سوار کشتی شده بودند و از اولاد ابراهیم و یعقوب از کسانی بودند که ما آنها را هدایت نمودیم برتری دادیم وقتی که آیات خدا برای آنها خوانده می شد به گریه می افتادند سجده می کردند (59) بعد از آنها افرادی به وجود آمدند که نماز و ارتباط با خدا را ضایع گذاشتند از هوای نفس و شهوات پیروی نمودند که در وادی ضلالت سرازیر خواهند شد (60) مگر کسانی که بعد از گناه توبه کنند در خط

ایمان و عمل صالح باشند که آنها داخل بهشت می‌شوند ذره‌ای به آنها ستم نمی‌شود (61) بهشتی که معدن نعمت است خدا در آینده غیب به آنها وعده داده وعده خدا آمدنی است (62) در آن جا حرف لغوی عمل سفیهانه ای به جز سلام و سلامتی از آنها سر نمی‌زند صبح و شام روزی‌های مادی و معنوی به آنها می‌رسد (63) آن بهشت وراثتی است از نتیجه اعمال که به آنها رسیده است (64) ما فرشتگان بهشت‌ساز در اختیار کسی قرار نمی‌گیریم مگر به امر پروردگارت آنچه در گذشته‌ها و در آینده‌ها به وجود آید برای پروردگار است پروردگار تو فراموش نمی‌کند (فرشتگان عوامل سازنده بهشتند که مانند نیروی برق در اختیار مومنانند) (65) پروردگار تو مری آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنها است اورا پرستش کن و در این پرستش صبور باش آیا شبیه و نظیری برای او پیدا می‌کنی (66) انسان تعجب می‌کند که اگر بمیرم چه طور دو مرتبه زنده می‌شوم (67) چرا فکر نمی‌کند که پیش از این هیچ نبود و ما اورا آفریده‌ایم (68) آری والله همه آنها و شیاطین را زنده می‌کنیم و به صحرائی قیامت می‌کشانیم و بعد در

برابر آتشی که خودشان آنرا روشن کرده‌اند به‌زانو درمی‌آوریم. پاورقی 197 (69) و بعد متجاوزین و متجاسرین درجه اول را برای محاکمه و حسابرسی جلب می‌کنیم (70) و ما خودمان آگاه‌تریم که چه کسانی سزاوارترین افراد برای خلود در جهنم خواهند بود (71) چاره‌ای نیست جز این که به اجبار زندگی همه کس وارد آتشی که محصول کفر و گناه است می‌شوند (زیرا راه آسایش از فرسایش می‌گذرد) (72) پس از ورود کسانی راکه اهل تقوا بوده‌اند نجات می‌دهیم و ستمکاران تاریخ را در همان‌جا به‌حال عجز و ناتوانی رها می‌کنیم (73) وقتی که آیات ما روشن تلاوت می‌شد کفار به مومنین می‌گفتند و فخر می‌کردند که زندگی و منزلت کدام يك از ما دوگروه بهتر است (74) چرا فکر نمی‌کنند که این همه ثروتمندان و قدرتمندان تاریخ را که مقام و منزلتشان از آنها بهتر بوده به‌دست هلاکت سپرده‌ایم (75) بگو تدبیر خدا این است که به قدرتمندان و ثروتمندان مهلت می‌دهد تا در حال غفلت به وعده خدا برسند و به عذاب و یا ساعت قیامت رو برو شوند در آن جا معلوم می‌شود کدام يك از دو گروه وضعشان بهتر است (76) خداوند اهل

تقوا را بهتر و بیشتر هدایت می‌کند اعمال صالح از نظر بهره دهی در آخر زندگی بهتر و پایدار تر است (77) منطق کسانی که کافر به آیات خدا شده‌اند چقدر احمقانه است که می‌گویند در همین راه و مرام به مال و اولاد خوبی خواهیم رسید (78) آنها علم غیب دارند یا از خدا عهد و پیمان گرفته‌اند که به آنچه انتظار دارند باید برسند (79) تمامی این خاطره‌های غلط را در لوح دلش می‌نویسیم و او را به سوی هدفش که همان جهنم است می‌کشانیم (80) نتایج آن چه می‌گویند و می‌کنند به نفع ما است و او تنها و با دست خالی وارد محشر می‌شود (81) آنها به جای خدا از خدایان دروغین اطاعت کردند تا به عزت و عظمت برسند (82) آن خدایان اطاعت و عبادت آنها را قبول ندارند و با آنها ضدیت خواهند کرد (83) مگر نمی‌بینی شیاطین چه گونه بر کفار مسلط می‌شوند که آنها را به هر جاکه می‌خواهند می‌کشند (اگر اطاعت خدا نکنیم اطاعت شیطان قهري است) (84) برای گرفتاری و مجازات آنها شتاب مکن که ما مدتی به آنها مهلت داده‌ایم (85) فردا که اهل تقوا گروه گروه به صورت میهمان به سوی خدای رحمان حرکت کنند (86) مجرمین و جنایت کاران را هم گروه

گروه به سوي جهنم مي رانيم (87) کسي قدرت شفاعت از آنها ندارد مگر که عهد و پيماني از خدا داشته باشد (88) مسيحيان گفتند خدا عيسي را به جاي فرزند خود اختيار نموده است (89) آنها قول و عقیده زشت و باطلاي اظهار مي دارند (90) چنان که از اين عقیده باطل آسمان و يا سازمان علم و دانش متلاشي مي شود زمين شکاف بر مي دارد و کوهها منهدم مي شود. پاورقي 198 (91) که براي خدا زاد و ولد قائل شده اند (92) شايسته مقام ربوبيت نيست که فرزند داشته باشد (93) هرچه هست در آسمانها و زمين مخلوق خداوند متعال و بنده او است (94) تمامي آنها را با مشخصات دانسته و شمارش کرده است (زيرا مخلوقات قابل اشاره و شماره اند متناهي هستند) (95) همه آنها روز قيامت تنها و بدون مال و سرمايه در حاکميت خدا قرار مي گيرند (96) کساني که اهل ايمان و عمل صالحند به پاداش عمل نيك خدا آنها را محبوب دلها قرار مي دهد (97) ما اين قرآن را ساده و آسان بردل تو نازل کرديم تا با آن متقين را به آینده نيك مژده داده و قوم لجوج و عنود را بترساني (98) چه قدر اقوام

گذشته را هلاك نموديم آيا وجود آنها را احساس مي‌كني و يا صداي آنها را مي‌شنوي.

سوره طاها

بسم الله الرحمن الرحيم

در اين سوره خداوند كيفيت رابطه خود را با موسي و عجائب داستان او را ذكر مي‌كند (1) طا-ها- حروف در كلمات اشاره مي‌شود به اصول خلايق و مبادي آفريش (2) ما قرآن را به اين منظور نازل نكرديم كه خود را به مشقت اندازي (3) اين كتاب براي كساني كه عظمت خدا را درك مي‌كنند يادآور علم و حكمت خدا است (4) از جانب خدائي نازل شده كه زمين و عوالم آسمان را آفريده است (5) خدای رحمان كه بر عرش حاكميت و قدرت قرار گرفته است (6) هرچه هست در آسمانها و زمين و آنچه در دل خاك و

فضاها مال او است (7) آشکا را سخن بگوئی یا مخفی سر و آشکارا را يك نواخت می‌داند (8) او خداست بجز او خدائی نیست تمامی اسماء و صفات نیکو مخصوص او است (9) بگو بینم داستان بعثت و ارتباط خدا با موسی به تو رسیده است (10) آنجا که آتشی مشاهده کرد به خانواده‌اش گفت شما این جا باشید نور آتشی مرا جلب کرد بروم پاره‌ای بیاورم یا به جای دیگر هدایت شوم (11) وقتی که آن جا رسید از میان نور صدای خدا را شنید که ای موسی (12) من پروردگار تو هستم این جا وادی مقدس طور ولایت است نعلین خود را در آور . پاورفی 199 (13) من تو را به رسالت اختیار کردم آنچه را به تو وحی می‌کنم گوش فرا دار (14) فقط من خدایم به جز من خدائی نیست بنده من باش و برای یادآوری من نماز را به پادار (15) ساعت قیامت خواهد آمد وقت آن را مخفی داشته‌ام تا هر کسی به نتایج اعمال خود مجازات شود (16) انکار قیامت به نظر کسانی که ایمان به آن ندارند و از هوای نفس پیروی می‌کنند تورا از یاد قیامت باز ندارد که در نتیجه هلاک شوی (17) ای موسی بینم آن چیست که به دست راست خود گرفته‌ای (18) موسی گفت عصای من

است به آن تکیه می‌زنم گو سفندان خود را با آن می‌رانم و احتیاجات دیگری که به آن دارم (19) خدا فرمود بینداز بینم چه می‌شود (20) موسی عصارا انداخت که دید به صورت ماری روی زمین می‌خزد (21) موسی ترسید خدا فرمود نترس آنرا بردار به صورت اول برمی‌گردانیم (22) موسی برداشت همان عصای اول شد فرمود حالا دست به جیب خود وارد کن بین چگونه بدون ضرر نورانی می‌شود (این هم معجزه دیگر) (23) خواستم رمز قدرت خود را به تو نمایش دهم (تا مطمئن باشی) (24) و حالا ماموری به سوی فرعون بروی که چون کوه آتشفشان طغیان کرده است (25) موسی عرض کرد پروردگارا دانش و بینش مرا زیاد کن (26) امر دعوت و نبوت مرا آسان گردان (27) بیان مرا رسا و ساده کن (گره از زبانم بردار) (28) تا مردم گفتار مرا درک نمایند (29) یک نفر معاون و مسئول از خانواده‌ام معین فرما (30) برادرم هارون را تا کمک من باشد (31) پشت مرا به وسیله او محکم فرما (32) او را درکار نبوت من شریک فرما (33) تا تورا بیشتر از این تسبیح و تقدیس کنیم (34) و دائم به یاد تو باشیم (35) خودت به موارد ضعف و قدرت ما آگاهی (36) خدا فرمود مانعی ندارد آنچه

خواستی برای تو مهیا کردم (37) مرتبه دیگر تورا مشمول عنایت خود قرار دادم (کودکی خود را به یادآور) (38) که برای حفظ جان تو آنچه لازم بود به مادرت وحی کردم (39) گفتم کودک خود را در صندوقی به امواج دریا بسپار دریا او را به ساحل نجات می‌کشد دشمن من و او کودک را می‌گیرد در قیافه تو جاذبه آفریدم تا در نظارت خودم تربیت شوی (40) آنجا که در پی دایه‌ای بودند خاله‌ات به آنها گفتم می‌خواهید شما را به خانواده‌ای هدایت کنم که او را کفالت کنند باین تدبیر تورا به دامن مادر آوردم تا چشمش روشن شود غم فراق نداشته باشد و باز به یادت باشد که مردی را کشتی تحت تعقیب قرارگرفتی فرار کردی از غم و غصه نجاتت دادم این همه تورا آزمایش کردم مدت‌ها در مدین خدمت شعیب و عاقبت تورا در تقدیر خود پای این شجره نورانی آوردم (41) ای موسی من تورا برای رسالت خود تربیت نمودم (42) تو و برادرت همراه این معجزات به سوی فرعون بروید و در انجام مأموریت سستی نکنید (43) حتما بروید که او طغیان کرده است (44) بالحن و بیان ساده او را دعوت و نصیحت کنید شاید بفهمد از خدا بترسد (45) موسی و هارون

گفتند پروردگارا ما می‌ترسیم بر ما بتازد و یا طغیان کند (46) خدا فرمود نترسید من باشما می‌شنوم و می‌بینم (47) بروید و بگوئید ما رسولان خدا هستیم که بنی اسرائیل را بما بسپاری آنها را آزاد کنی شکنجه ننمائی ما آیت الهی داریم سلامتی مخصوص کسانی است که از هدایت خدا پیروی کنند (48) از خدا به ما پیام رسیده است که هر کس دین خدا را تکذیب کند و در حاکمیت هوای نفس قرار گیرد به عذاب خدا گرفتار می‌شود (49) فرعون متکبرانه گفت بینم خدای شما کیست (50) گفت خدای ما همان کسی است که هر مخلوقی را آفریده و هدایت کرده است (51) فرعون گفت پس گذشتگان تاریخ کجا رفته‌اند (52) موسی گفت خدا به حال آنها آگاه است نام آنها در کتاب ثبت است گم نمی‌شوند خدا آنها را فراموش نمی‌کند (53) خدا کسی است که زمین را مهد تربیت قرار داده و این همه راه معاش و زندگی آفریده است می‌فرماید ما از آسمان آب نازل می‌کنیم و این همه زراعت‌ها و میوه برای شما خلق می‌کنیم (54) تا شما از آن میوه‌ها بخورید حیوانات خود را بچرانید این آفرینش برای خردمندان آیت الهی است (55) خدا می‌فرماید ما شما را از آب و خاک زمین

آفریدیم بعد شما را به خاک زمین بر می‌گردانیم دو مرتبه شما را از خاک بیرون می‌آوریم (56) ما این همه آیات و معجزات به فرعون نشان دادیم او همه را تکذیب نمود از قبول دین امتناع کرد (57) به موسی پرخاش نمود که آمده‌ای با سحر خود ما را از این سر زمین خارج کنی (58) ما هم مانند تو سحر و جادو می‌آوریم زمان و مکانی را معین کنید ما و شما آنجا حاضر شویم (59) موسی فرمود وعده گاه ما روز عید باشد مردم روز روشن آنجا حاضر شوند (60) فرعون به‌رای و نظر خود تمامی نقشه‌های خود را اجرا کرد و آماده شد (61) ساحران همه جمع شدند موسی آنها را نصیحت کرد که سحر خود را به خدا نسبت ندهید که خدا شما را به عذاب بکشد کسی که به خدا دروغ ببندد نا امید می‌شود (62) ساحران و فرعونیان به بحث و جدال افتادند که (63) این دو نفر ساحر ماهری هستند که می‌خواهند با سحر خود شما را از این مملکت برانند و این تمدن عالی‌را از شما بگیرند (64) فرعون به ساحران گفت کار خود را جدی بگیرید فردا باتمامی وسایل سحر خود حاضر شوید و بدانید که هرکس امتیاز آورد رستگار است (65) ساحران به موسی گفتند تو اول

نمایش می‌دهی یا ما اول هنر خود را به نمایش در آوریم (66) موسی گفت اول شما، آنها ریسمان‌ها و عصاهای خود را انداختند به خیال مردم چنان آمد که ریسمان‌ها حرکت می‌کنند (67) موسی پیش خود نگران شد که مبادا مردم فریفته شوند و بر او بتازند (68) ما به موسی گفتیم نترس که پیروزی با تو خواهد بود (69) عصای خود را بینداز که آنچه ساخته‌اند می‌بلعد زیرا سحر نمایش خلاف حقیقت است حق که ظاهر شد باطل نابود است (70) ساحران تسلیم شدند و گفتند ما به خدای موسی و هارون ایمان آوردیم (71) فرعون گفت چرا پیش از اذن و اجازه من ایمان آوردید معلوم شد مکر و سیاستی است که استاد به شما آموخته است من دست و پای شما را خلاف یکدیگر قطع می‌کنم شمارا بر شاخه درخت می‌آویزم معلوم خواهد شد کدام یک از ما پایدارتر و عذابش سخت‌تر است (72) ساحران گفتند ما را ی تورا بعد از ظهور دلائل حق و حقانیت موسی و خدائی که ما را آفریده ترجیح نمی‌دهیم هرطور دلت می‌خواهد قضاوت کن فقط قضاوت دنیا به دست تو است (73) مابه پروردگار خود ایمان آوردیم تا از خطاها و سحر و جادوها که ما را بر

آن مجبور کردی بگذرد لطف خدا بهتر و پایدار تر است (74) حقیقت این است که هرکس با پرونده کفر و گناه در دایره حکومت خدا واقع شود گرفتار آتش می شود که در آنجانه مرگ دارد و نه هم زندگی (75) و هرکس با پرونده ایمان و عمل صالح وارد شود در درجات عالی بهشتی قرار می گیرد (76) آن بهشت علم و قدرتی است که انسان به آن مجهز می شود و نعمت ها چون نهر از آن جریان پیدا می کند و این پاداش کسی است که خود را تزکیه نماید (77) با همه این آیات فرعون به کفر خود ادامه داد ما به موسی دستور دادیم امت خود را به فلسطین کوچ دهد خدا از دریا خیابان به روی او باز می کند از تعقیب فرعون نترسد و اهمیت ندهد (78) موسی کوچ کرد و فرعون بالشکر او را تعقیب نمود به خیابان های دریائی رو برو شد دیوارهایی از آب برابر صدمتر ارتفاع فروریخت و او را فرا گرفت (79) فرعون قوم خود را به گمراهی کشید آنها را هدایت نکرد (80) ای بنی اسرائیل من شما را از شر دشمنان نجات دادم از جانب طور ایمن وعده کتاب دادم غذای من و سلوا برایتان نازل نمودم (81) به شما اجازه دادم از آن روزی های طیب و طاهر بخورید و از

حکم خدا تجاوز ننمائید که خشم من شما را فرا می‌گیرد کسی که خشم من او را فرا گیرد هلاک می‌شود (82) من به کسانی که توبه می‌کنند، ایمان می‌آورند، عمل صالح به‌جا می‌آورند و هدایت پذیرند آمرزنده و آموزنده‌ام (83) (موسی طبق وعده خدا به کوه طور رفت) خدا فرمود قوم خود را رهاکردی و با عجله آمدی (84) موسی عرض کرد پروردگارا آنها هم پشت سر من می‌آیند من زودتر آمدم که از من راضی باشی (85) خدا فرمود موسی خبر نداری که من آنها را در بوته آزمایش گذاشتم سامری آنها را گمراه کرد (86) موسی باخشم و اندوه به سوی قوم خود برگشت و به آنها پرخاش کرد که مگر خدا وعده خوبی به شما نداد عهد الهی طولانی شد و یا خواستید که در معرض غضب خدا واقع شوید که خلف وعده نمودید و گمراه شدید (87) عرض کردند ما به اراده خود خلف وعده نکردیم ولیکن سامری ما را مسئول جمع آوری طلاجات مردم کرد و آنها را به قالب ریخت (88) و مجسمه گوساله‌ای ساخت که خارخار می‌کرد و گفت خدای شما و خدای موسی همین گوساله است و او عهد و پیمان خدا را فراموش کرد (89) مگر ندیدند که گوساله با آنها سخن نمی‌گوید و

نفع و ضرري به حال آنها ندارد (90) پيش از اين هارون به آنها گفت كه اى مردم گرفتار فتنه سامري شديد پروردگار شما خداى رحمان است از من پيروي كنيد و از من اطاعت نماييد (91) جواب دادند كه فعلا در اين گوساله پرستى هستيم تا موسى به سوي ما بر گردد (92) موسى از وعده گاه الهى برگشت به برادر پرخاش كرد كه چرا مانع گمراهى آنها نشدي (93) چرا از من پيروي نكردي و امر مرا نافرمانى كردي (94) هارون گفت برادرم ريش مرا نگر و آزارم مكن ترسيدم ايراد بگيري كه بين بنى اسرائيل تفرقه انداختى به انتظار دستور من ننشستي (95) بعد موسى متعرض سامري شد كه چه فتنه اى به پا کرده اى (96) سامري گفت از سياست رسول چيزى دانستم كه شما ندانستيد به وسوسه خودم خدائى براى آنها ساختم (قوم موسى كه بت هاراديدند گفتند ما هم از اين خداها مى خواهيم موسى پرخاش كرد كه بت پرستان گمراهند. سامري فهميد كه آنها خداى مصنوعى مى خواهند برايشان گوساله درست كرده همين مناسبت گفت بصرت به ما لم بيسروا به) . پاورقى 200 (97) موسى گفت از ميان مردم بيرون شو كسى با تو تماس نگيرد به امر خدا

سرنوشتی داری که غیر آن نمی‌شود ببین با خدائی که ساختی چه می‌کنم آنرا می‌سوزانم خاکسترش را به دریا می‌ریزم (98) خدای شما خدائی است که جز او خدائی نیست علم او محیط به همه کس و همه چیز است (99) این مطالب قسمتی از داستان‌های گذشته است که برای تو باز گو می‌کنیم قرآن علم تازه‌ای است که بر تو نازل کردیم (100) کسی که از این قرآن اعراض کند وزرو وبال آن را خواهد دید (101) در آن وزر وبال خواهد ماند چه بد بار سنگینی که به دوش می‌گیرد (102) روزی که دو باره روح حیا در ابدان دمیده شود جنایت کاران را با چهره سیاه و کبود محشور خواهیم کرد (103) در آن حال سربه میان هم برده گفتگو خواهند کرد که جز ده روزی زندگی نداشتیم (104) ما داناتریم که آنجا با هم چه می‌گویند عاقل‌ترین آنها خواهد گفت که نه يك روز بیشتر زندگی نکردیم (105) درباره سرنوشت کوه‌ها (ابر قدرت‌ها) از تو می‌پرسند که عاقبت آنها چه خواهد شد بگو خدا آنها را می‌کوبد تاگرد و غبار شوند (106) دنیا را به صورت سطحی هموار رها خواهد کرد (107) آن وقت خواهی دید که آنها را به صورت بیابان یکسان خواهد کرد کره زمین

(سطح جامعه) هموار خواهد شد که پست و بلندی در کار نباشد. پاورقی 201 (108) در این روز تمام مردم در برابر دعوت داعی الهی قرار می‌گیرند که داعی به حق است سرو صداها و داعیه‌ها در برابر مظاهر رحمت خدا ساکت و صامتند که به جز هیس و هیس صدائی نیست (109) در این روز شفاعت شفاعت کنندگان به جز کسانی که خدا از آنها راضی باشد و گفتار آنها را بیسندد سودی ندارد (110) خدا آثار اعمال زمان و آینده آنها را می‌داند و آنها به علم خدا احاطه ندارند (111) در این روز ابر قدرت‌ها در برابر خدای حی قیوم خاضع و تسلیمند فقط کسانی نا امیدند که ظالم و ستمکار بوده‌اند (112) اما کسانی که اهل ایمان و عمل صالح بوده‌اند نترسند که به آنها ظلم شود یا عملشان ضایع شود (113) ما به این کیفیت قرآن را به زبان عربی نازل کردیم و در آن گناهکار را تهدید نمودیم شاید که روح تقوا پیدا کنند یا حقیقت را درک نمایند (114) خدائی که سلطان حق است فوق افکار مردم است در اجرای احکام قرآن پیش از آن که دستوری برسد شتاب مکن و از خدا بخواه تا سطح دانش تورا بالا ببرد (115) پیش از این با آدم عهد و پیمان بستیم که در اطاعت اولیا

خدا باشد فراموش کرد عزم قاطعی در او نیافتیم (116) به فرشتگان گفتیم همه تسلیم آدم باشند همه سجده کردند به جز ابلیس که امتناع نمود (117) به آدم گفتیم ابلیس دشمن تو و همسرت است مبادا شمارا از بهشت اخراج کند به مشقت اندازد (118) اگر در بهشت بمانی گرسنگی و برهنگی نخواهی دید (119) و هم چنین تشنگی و آفتاب زدگی نخواهی داشت (120) شیطان اورا وسوسه کرد که ای آدم می‌خواهی تورا به درختی هدایت کنم که در سایه آن جاوید باشی و پادشاهی غیر قابل زوال داشته باشی (121) آنها را به سایه شجره هوای نفس کشانید صفات بد آنها آشکار شد از ترس رسوایی خود را در پوشش صفات نیک بهشتیان قرار دادند آدم نافرمانی خدا کرد و گمراه شد (122) بعد از آن توبه کرد خدا به او امتیاز داد و هدایت فرمود (123) و گفت ای آدم لازم است در همین هبوط گاه دنیا بمانید با یکدیگر در نزاع و دشمنی باشید من کتاب و هدایت به شما می‌رسانم هرکس از هدایت من پیروی کند گمراه نمی‌شود و شقاوت ندارد (124) و هرکس از دین من اعراض کند در زندگی سختی قرار می‌گیرد و نابینا

وارد صحراي محشر مي‌شود (125) آن جا داد مي‌زند پروردگارا من بينا بودم چرا نابينا وارد محشر شدم (126) جواب مي‌شنود که تو در دنيا آيات مارا فراموش کردی امروز از نظر ما به فراموشي سپرده مي‌شوي (127) ما اسراف گران و کساني که به آيات ما ايمان نمي‌آورند اين طور در دنيا مجازات مي‌کنيم ولي عذاب آخرت شديدتر و باقي‌تر است (128) مگر ندیدند چگونه قرون گذشته را هلاک نموديم که مردم زمان در محل زندگي آنها حرکت دارند حوادث تاريخ براي مردم درس عبرت است (129) اگر تقدير خدا نبود که همه بايد در زندگي آخرت جمع شوند و نتيجه اعمال خود را دريابند در همين دنيا معذب مي‌شدند (130) در برابر گفتار و کردار آنها صبر کن و پيش از طلوع و غروب خورشيد و نيمه هاي شب و اطراف روز به کمک لطف خدا اورا تسبيح کن شايد پسند خدا واقع شوي (131) مبادا به ثروت دنيا و نعمت‌هائي که به آنها داده‌ايم خيره شوي ثروت دنيا نمايش خلاف حقيقت است با آن مردم را آزمائش مي‌کنيم نعمت آخرت بهتر و باقي تر است (132) اهل بيت خود را به نماز امر کن و خود هم به اقامه نماز صبور باش تو مسئل روزي خود نيستي بلکه ما

هستیم و عاقبت به نفع اهل تقوا خواهد بود (133) می‌گویند چرا از پروردگارش معجزه نمی‌آورد مگر ما این‌همه دلائل حقانیت پیغمبران را برای آنها نیاوردیم (134) اگر پیش از اتمام حجت آنها را هلاک کنیم اعتراض می‌کنند که چرا پیش از ذلت و خواری ما پیغمبری نفرستادی (135) بگو همه ملت‌ها منتظر سرنوشتند شما هم منتظر باشید به‌زودی کسانی را که در راه راست حرکت کرده‌اند و هدایت یافته‌اند خواهید شناخت

سوره انبیاء

بسم الله الرحمن الرحيم

- (1) دوران حساب مردم نزدیک شده با این که آنها غافلند و از آن اعراض می‌کنند. پاورقی 202
- (2) داستان تازه‌ای از پروردگار برای مردم ظاهر نمی‌شود

شود مگر که گوش می‌دهند و به‌بازی مشغول می‌شوند (3) به لَهو لعب دل می‌دهند ستمکاران سر به گوش یکدیگر می‌برند که این آقا هم بشری مانند شما است ادعای نبوت می‌کند چرا به تماشای سحرا و می‌روید با این که می‌دانید سحر است (4) پیغمبر فرمود خدا گفته شما را می‌داند او شنوا و دانا است (5) یامی گفتند خواب و خیالات است یا شاعر است یا به خدا دروغ می‌بندد اگر راست می‌گوید چرا مانند پیغمبران معجزه نمی‌آورد (6) ما گذشتگان را برای این که ایمان به خدا نیاوردند هلاک نمودیم تو انتظار داری آنها ایمان بیاورند (7) پیامبران پیش از توهم رجالی بودند که به آنها وحی نمودیم اگر آشنائی به آنها ندارید از دانشمندان پرسید (8) آنها نیز مانند شما انسان بودند مانند شما غذا می‌خوردند و در دنیا مخلد نبودند (9) مابه وعده هائی که به آنها دادیم وفا نمودیم آنها را از آزار مردم نجات دادیم و متجاوزین را هلاک نمودیم (10) برای شما مسلمانان هم کتابی نازل کردیم که دروس خدا شناسی و احکام خدادر آنجاست شاید که قرآن منشا فعالیت عقل شما شود (11) چه قدر زیاد در قرون گذشته ستمکاران را

هلاک نمودیم و بعد از آنها اقوام دیگری به وجود آوردیم (12) وقتی که عذاب ما را احساس نمودند فرار کردند (13) گفتیم آی فراریان کجا می‌روید به سوی ناز و نعمت‌ها و آپارتمان‌های خود برگردید شاید باز جوئی شوید (14) آنها در حال فرار می‌گویند وای به حال ما که ظالم بودیم (15) آنها در حال ندامت گفت‌وگو می‌کردند تا این که به اراده ما خاموش شدند (16) ما آسمان و زمین و آنچه بین آنها است به بازی نیافریدیم (17) اگر هم بازی باشد به اراده خود آن را به بازی می‌گیریم نه به اراده کفار (18) ما با کلام و بیان حق، باطل را هدف می‌گیریم آن را نابود می‌کنیم وای به حال شما اهل باطل و تعریفاتی که از خود دارید (19) هر که هست در آسمان و زمین بنده خدا است بندگان مقرب از بندگی تکبر ندارند و پیشیمان نمی‌شوند (20) شبانه روز به ذکر و تسبیح خدا مشغولند و سستی نمی‌کنند (21) آیا آنها خدایانی در زمین پیدا کرده‌اند که الوهیت آنها را تبلیغ می‌کنند (22) اگر در آسمان‌ها و زمین خدای دیگری باشد به فساد کشیده می‌شود خدای حاکم بر عرش منزّه است از آنچه او را وصف می‌کنند (23) کسی بر اعمال حق اعتراض ندارد (که حکیمانه

است) بلکه افعال مردم قابل اعتراض و بازجوئی است (24) آنها به جز خدای مهربان خدایان دیگری قبول کرده‌اند بگو دلیل خود را بیاورید این قرآن دانش همراهان من و دانش گذشتگان است اکثریت مردم حق را نمی‌شناسند و از آن اعراض می‌کنند (25) ما رسولی پیش از تو نفرستادیم مگر که به او وحی نمودیم که خدائی به جز من نیست فقط مرا پرستش کنید (26) عده‌ای گفتند خدا کسی را به فرزند پی‌پذیرفته است منزّه است خدا تمامی پیغمبران بندگان مکرم خدا هستند (27) که در گفتار و کردار بر خدا سبقت نمی‌گیرند به فرمان او عمل می‌کنند (28) خدا وضعیت زمان و آینده آنها را می‌داند از کسی به رای خود شفاعت نمی‌کنند مگر که خدا بپسندد در برابر عظمت خدا تسلیم‌اند (29) اگر کسی از پیغمبران ادعای خدائی کند او را به جهنم می‌کشانیم ما ظالم را مجازات می‌کنیم (30) چرا کفار فکر نمی‌کنند که آسمان و زمین در ابتدا يك ماده بی‌خاصیت بود ما آن را با ساخت و سازندگی شکوفا نمودیم و آب را منشا حیات همه چیز قرار دادیم چرا ایمان به خدا نمی‌آورند (31) در سطح زمین کوه‌های ریشه دار به

وجود آوردیم مبادا حرکت زمین احساس شود و این همه راه و روش‌های زندگی آفریدیم شاید هدایت شوید (32) و آسمان را مانند سقفی سپربلاهای وارده ساختیم (هم چنین سایه ولایت را) تا در سایه آن محفوظ باشید آنها از این همه آیات غافلند (33) او است که برای شما شب و روز آفرید ماه و خورشید و ستارگان همه در فضا شناورند (34) ما پیش از تو به کسی اجازه اقامت در دنیا نداده‌ایم مانند تو شخصی که از دنیا برود آنها انتظار دارند که بمانند؟ (35) همه کس مزه مرگ را خواهند چشید ما در این دنیا شما را با خیر و شر و حق و باطل آزمایش می‌کنیم عاقبت تمامی شما به دایره حاکمیت ما بر می‌گردید (36) وقتی که کفار تورا می‌بینند به مسخره می‌گیرند که همین آقا خدایان شما را به بدی یاد می‌کند آنها کافر به خدای رحمانند (37) انسان در خلقت خود عجول است بگو شتاب نکنید به همین زودی نشانه های قدرت خود را به نمایش می‌گذاریم (38) می‌گویند اگر شما راست می‌گوئید این وعده‌های خدا کی است و کجا است؟ (39) اگر خبر داشته باشند که عاقبت به دست خود در محاصره آتش واقع می‌شوند که

نمی‌توانند عذاب را از خود دفع کنند و کسی آنها را یاری نمی‌کند (40) ساعت قیامت که ناگهانی ظاهر شود مات و مبهوت می‌شوند نمی‌توانند قیامت را برگردانند مهلتي براي آنها نیست (41) رسولان پیش از تو هم مورد استهزا واقع شدند عاقبت نتایج آن مسخره‌ها به خودشان برگشت (42) بگو چه کسی شبانه روز شمارا از خطراتی که به اراده خدا مقدر می‌شود حفظ می‌کند بلکه آنها از یاد خدا اعراض می‌کنند (43) شاید فکر می‌کنند خدایانی دارند که بدون اراده ما آنها را از خطرات مقدر حفظ می‌کنند آن خدایان خود را نمی‌توانند یاری کنند و از جانب ما حمایت نمی‌شوند (44) ما آنها و اجدادشان را در دنیا بهره‌مند کردیم تا که عمرشان طولانی شد و مغرور شدند مگر نمی‌بینند که ما هر روز جمعی از آنها را به دیار مرگ می‌بریم آیا می‌توانند بر ما غالب شوند (45) بگو من برابر آن چه به من وحی می‌شود شمارا از کفر و گناه می‌ترسانم ناشنویان از دعوت حق متنه نمی‌شوند (46) اگر آثار عذاب خدا را احساس کنند می‌گویند وای به حال ما که ظالم بودیم (47) ما روز قیامت برای حسابرسی ترازوی عدالت نصب می‌کنیم ظلمی و جود ندارد ذره‌ای خیر و شر

هرچه باشد آشکار می‌کنیم کافی است که ما حسابگر باشیم (48) مابه پیغمبران خود موسی و هارون کتابی دادیم که فارق بین حق و باطل و روشن گر اهل تقوا بود (49) یعنی همان‌ها که عظمت خدای غایب را درک می‌کنند و از حساب گری قیامت نگرانند (50) و این قرآن هم یاد آور حق است با برکت که برای هدایت شما مردم نازل کردیم چگونه منکر این کتاب می‌شوید (51) پیش از این به ابراهیم رشد حق شناسی دادیم به احوال او آگاهی داشتیم (52) آن‌جا که به پدرخوانده و قوم خود گفت این مجسمه‌ها چیست که شما آن‌ها را می‌پرستید و وابسته آنها شده‌اید (53) جواب دادند که از اجداد خود پیروی می‌کنیم که بت‌ها را می‌پرستیدند (54) ابراهیم گفت روشن است که شما و اجدادتان گمراه شده‌اید (55) آنها گفتند ابراهیم تو حرف حق می‌گوئی یا ما را به بازی گرفته‌ای (56) گفت خدای شما خالق آسمان‌ها و زمین است که آنها را آفریده و من شاهد حقانیت خدا هستم (57) گفت به خدا قسم از غیبت شما استفاده می‌کنم و بلائی سر آنها می‌آورم (58) وقتی که آنها به عیدگاه رفتند ابراهیم تمامی بت‌ها را به جز بت بزرگ کوبید و تبر را

به گردن بت بزرگ آویخت (59) فردا که مراجعت کردند گفتند کسی که این بلا را سر بت‌ها آورده ظالم بوده است (60) دیگران گفتند می شنیدیم که این آقا. ابراهیم به بت‌ها بد می‌گفت (61) او را مقابل چشم مردم حاضر کنید همه او را ببینند (62) ابراهیم را حاضر نمودند و گفتند ابراهیم تو این بلا را سر بت‌های ما آورده‌ای (63) گفت نه همان بت بزرگ چنین کاری کرده است اگر حرف می‌زنند از او سؤال کنید (64) آنها به فکر فرو رفتند به یکدیگر گفتند که ما ظالم و جاهل هستیم (65) از خجالت سر به زیر انداختند که شما می‌دانید بت‌ها حرف نمی‌زنند (66) ابراهیم گفت پس چرا مجسمه هائی را می‌پرستید که حرف نمی‌زنند و نفع و ضرری ندارند (67) نابود شوید با بت‌هایی که می‌پرستید چرا عقل خود را به کار نمی‌برید (68) مردم به یکدیگر نگاه کردند و سر و صدا کردند که دشمن بت‌ها را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید (69) میدانی را پر از آتش کردند و ابراهیم را با منجنیق به آتش انداختند ما به آتش فرمان دادیم که برای ابراهیم سرد و سلامت باشد (70) کید و مکر به کار انداختند ما آنها را بیشتر به خسارت انداختیم (71) ما ابراهیم و لوط و خانواده آنها را نجات دادیم و به

سر زمین با برکت فلسطین انتقال دادیم (72) به ابراهیم فرزندی به نام اسحاق و نوه ای به نام یعقوب دادیم همه آنها را صالح و شایسته تربیت نمودیم (73) فرزندان او را به پیشوائی انتخاب کردیم که طبق فرمان ما مردم را هدایت کردند و اعمال اقامه نماز و اداء زکات و کارنیک به آنها آموختیم همه درخط اطاعت ما بودند (74) ما به لوط علم و حکمت دادیم و او را از شر مردمی که مرتکب اعمال زشت می‌شدند نجات دادیم امت او قومی فاسق و فاجر بودند (75) لوط را در سایه لطف و رحمت خود قرار دادیم که مردی شایسته و صالح بود (76) و دعای نوح نبی را پیش از او اجابت نمودیم او و خانواده‌اش را از بلای طوفان نجات دادیم (77) او را یاری نمودیم از اذیت و آزار مردمی که او را تکذیب نمودند نجات دادیم و قوم بدکار او را با طوفان هلاک کردیم (78) داوود و سلیمان را همچنین (آن جا که بین دو نفر کشاورز و چوپان قضاوت نمودند که گوسفندان زراعت را پامال کرده بودند) یاری نمودیم که ما شاهد قضاوت آنها بودیم (79) قضاوت عادلانه را به سلیمان آموختیم به همه آنها علم و حکمت آموختیم کوه‌ها و ابرقدرت‌های زمان و پرندگان را مسخر او نمودیم که با او تسبیح

نمودند ما عامل چنین کارها بودیم (80) صنعت زره سازی و استفاده از آهن آلات به او آموختیم تا از خطرات جنگ محفوظ بماند می شود شکر خدا را به جا آورید (81) نیروی باد های تند را به اختیار سلیمان در آوردیم روی بساط می نشستند و باد آنها را آرام به شهرهای بابرکت می برد ما به سفر های هوایی آنها آگاه بودیم .پاورقی 203 (82) شیاطین و جنیان مسخر سلیمان شدند کار صید ماهی و غواصی و اعمال دیگر انجام می دادند ما حافظ نظام آنها بودیم .پاورقی 204 (83) و داستان ایوب آن جا که از شدت مصیبت به خدا نالید که ای خدا ضرر شدید (تعرض به ناموس) مرا تهدید می کند تو بهترین رحم کنندگانی (84) خواهش او را اجابت نمودیم بلا و مصیبت را از او بر طرف ساختیم به لطف و رحمت خود زندگی او را سر و سامان دادیم تا برای آیندگان درس و دانش باشد (85) و هم چنین اسماعیل و ذالکفل و ادريس که تمامشان مردانی صالح و صابر بودند (86) همه رابه دایره رحمت خود در آوردیم که شایسته و صالح بودند (87) و ذالنون یونس نبی به حال غضب از قوم خود فاصله گرفت گمان کرد بر او مسلط نیستیم در تاریکی شکم

نهنگ ناله کرد که ای خدا به جز تو خدائی نیست تو منزهی من ظالم بودم (88) خواهش او را اجابت نمودیم از تنگنای غم و اندوه نجاتش دادیم اهل ایمان را این چنین نجات می‌دهیم (89) و زکریا که خواهش کرد پروردگا را مرا تنها نگذار تو بهترین وارث بندگان هستی (90) دعای او را مستجاب نمودیم مانند یحیی فرزند صالحی به او دادیم همسر نازایش را به صلاح آوردیم آنها در کارهای خیر کوشا بودند در حال خوف و امید از خدا خواهش و تمنا داشتند خاضع و خاشع بودند (91) و حضرت مریم خانمی که عفت خود را حصار کرده بود مابه رحم او روح حیاه دمیدیم و او را و پسر او را آیت بزرگی برای اهل عالم قرار دادیم (92) این است امت شما دارای يك هدف من هم خدای شما مرا بپرستید تفرقه پیدا نکنید (93) آنها در دین خود تفرقه ایجاد کردند ولی عاقبت به دایره ولایت ما بر می‌گردند (94) کسانی که عمل صالح انجام می‌دهند و مومنانند بدانند که اجر آنها محفوظ است ماعمال آنها را به ثمر می‌رسانیم (95) بهشت بر کسانی که به هلاکت کفر مرده‌اند حرام است آنها به ولایت ما بر نمی‌گردند (96) تا این که عاقبت و حشیان یاجوج و ماجوج آزاد و از همه جا

به نظام و تمدن حمله ور شوند (97) در این فساد جهانی وعده خدا (ظهور امام زمان) نزدیک شود و از عظمتی که در آن قیام ظاهر شود چشم کفار خیره شود که وای بر ما از چنین روزی غافل بودیم بلکه ظالم بودیم. پاورقی 205 (98) کفار بدانند که خود آنها و آنچه جز خدا می‌پرستند آتش گیره جهنم‌اند حتما وارد جهنم می‌شوند (99) اگر آن بت‌ها خدا بودند وارد جهنم نمی‌شدند تمام آنها در جهنم مخلدند (100) ناله و فریادشان در جهنم زیاد است در آن جا هم حرف حق نمی‌شنوند (101) و اما کسانی که سابقه نیک آنها را شناخته‌ایم از آتش به دورند (102) حرارت آتش را احساس نمی‌کنند و در آن نعمت‌ها که اشتها دارند مخلدند (103) مصیبت‌های بزرگ قیامت آنها را فرا نمی‌گیرد فرشتگان در اطاعت آنها هستند این است زندگی روزگاری که به شما وعده داده‌اند (104) روزی که آسمان (مکتب دین) را مانند ورق زدن کتاب به انتها برسانیم همانطور که خلقت را شروع کرده‌ایم از انتها آن را به حیات بر می‌گردانیم وظیفه ما وفای به وعده است که انجام خواهیم داد (آسمان به فضای علم دین تفسیر شده). پاورقی 206 (105) در زبور داوود بعد از تذکره

حکومت الهی خبر دادیم که بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد (106) این فرمان رجعت از ولایت امری است که به بندگان خدا ابلاغ شده است (107) تورا به این منظور رسالت دادیم که برای عالمیان منشاء رحمت باشی (108) بگو به من وحی می‌شود که خدای شما واحد و یگانه است آیا می‌شود که تسلیم خدا باشید (109) اگر بعد از این تبلیغات باز هم به کفر خود ادامه دادند بگو من یکنواخت به همه مردم دین را تبلیغ نمودم نمی‌دانم آنچه وعده داده‌ام دور است یا نزدیک (110) او خدا است که سخنان مخفی و آشکار شمارا می‌داند (111) بگو پروردگارا بین من و آنها به حق قضاوت کن برای حذف تعریف‌های نامناسب که شما دارید خدای رحمان کمک ما است.

سوره حج

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت این که آیات مربوط به حج در آن نازل شده حج نامیده شده است (1) ای مردم تقوای پیشه کنید که زلزله ظهور قیامت عظیم است (2) آن روز خواهید دید که از وحشت و دهشت زنان حامله حمل خود را سقط نموده و زنان شیرده شیر خواره خود را به و وحشت و غفلت رها می کنند مردم را مست و بی هوش می بینید با این که مست نیستند بلکه عذاب خدا خیلی بزرگ است. پاورقی 193 (3) بعضی انسانها جاهلانه در باره خدا بحث و جدال دارند از شیطان وسوسه گر پیروی می کنند (4) با این که واضح و مسلم است که هرکس در ولایت شیطان باشد او را گمراه می کند و به راه جهنم می کشاند (5) ای مردم اگر شما در حیات بعد از مرگ شك دارید به خلقت خود نگاه کنید که من شما را از آب و خاک به نطفه در آوردم از نطفه به خون بسته از خون بسته به غظروف و از غظروف مهندسی شده و نشده به تدریج شما را ساختم تا در جریان خلقت باشید مدتی شما را در رحم قرار دادم به صورت کودکی بیرون آوردم و بعد رشد شما را تا حد بلوغ ادامه دادم و بعد از بلوغ به قهقرا بردم بعضی مردند

و بعضی به پست ترین دوران زندگی افتادند دانش خود را از دست دادند و شما زمین را ساکت آرام می بینید اما وقتی که باران ببارد می جنبد بالا می آید از هر نوع گیاهی جفت سبز و خرم آن را می رویاند (6) وعده خدا حق است خلقت و تربیت حق است پس او مرده هارا زنده خواهد کرد به هرکاری قادر و توانا است (7) ساعت قیامت خواهد آمد شکی نیست مردگان را زنده خواهد کرد (8) بعضی مردم بدون دانش و کتاب در شناخت خدا جدال می کنند. (9) از شنیدن نام خدابه بی اعتنائی گردن می چرخانند مردم را از راه خدا باز می دارند نمی دانند که در دنیا به عذاب رسوائی و در آخرت به عذاب سختی معذب می شوند (10) به او خواهیم گفت که این عذاب نتیجه اعمال بدی است که تقدیم داشته ای پروردگار به کسی ستم نمی کند (11) بعضی مردم بدون اعتقاد خدا را می پرستند اگر از این پرستش به مالی رسیدند مطمئن می شوند می گویند حق است و اگر مصیبتی دیدند به کلی از اعتقاد منصرف می شوند موجودیت دنیا و آخرت را ضرر می کنند این است خسارت بزرگ (12) حوائج خود را از کسی می طلبند که نفع و ضرری به حال

آنها ندارد چه قدر از حقیقت دورند (13) به کسی پناه می‌برد که ضررش از نفعش بیشتر است چه بد مولاها و همراهانی که دارند (14) خداوند اهل ایمان و عمل صالح را به علم و قدرتی می‌رساند که از آن نعمت و ثروت هم چون نهر جریان پیدا می‌کند خدا به هر کاری قادر و توانا است (15) کسی که خیال می‌کند خدا رسول خود را یاری نمی‌کند بگو به هر وسیله ای که ممکن است متوسل شود خود را خسته کند ببیند این کید و مکرها عقده آتش خشم او را فرومی‌نشانند (16) ما این آیات را واضح و روشن نازل کردیم خدا هر کسی را بخواهد یاری می‌کند (17) مومنین و یهودیان و نصرانیان و مجوسیان و پی جویان حق و سایر مشرکان بدانند که خدا روز قیامت آنها را از یکدیگر جدا می‌کند خدا شاهد همه کس و همه چیز است (18) مگر ندیدی که هر چه هست در آسمانها و زمین خورشید و ماه و ستارگان، کوه و درخت و حیوانات و حشرات خدا را سجده می‌کنند و هم چنین بسیاری از مردم و بسیاری هم مستحق عذاب شده‌اند کسی که خدا او را خوار بدارد حرمتی نخواهد داشت خدا آن چه بخواهد انجام می‌دهد (19) این دو گروه مومن و کافر

متخاصمند بحث و جدال دارند کسانی که کافرند بدانند که در پوشش آتش قرار می‌گیرند از علم و عمل خود و قدرت‌های حاکم آتش بر آنها ریزش دارد (20) در سوزش روانی و بدنی قرار می‌گیرند (21) در معرض گرزها و گلوله های آتشین، پاورقی 207 (22) هر وقت تصمیم بگیرند از حاکمیت این آتش‌ها و جنگ‌ها خارج شوند به دایره آن بر می‌گردند که بچشید عذاب سوزان را (23) خداوند اهل ایمان و عمل صالح را به نیروهائی مجهز می‌کند که با آن نعمت خدا چون نهر جریان پیدا می‌کند به هر نوع طلا و جواهرات مزین می‌شوند لباسشان حریر است (24) ای مردم به بهترین گفته‌ها هدایت شوید به راه پسندیده خدا بروید (25) کسانی که کافر به خدا می‌شوند و مردم را از مسجد الحرام که شهری و بیابانی در آن حقوق مساوی دارند باز می‌دارند کسی که در آنجا عمل شرك آمیز مرتکب می‌شود بداند که عذاب خود را به او می‌چشانیم (26) زمانی که به ابراهیم در مکان کعبه جایگاه دادیم و با او پیمان بستیم که چیزی را شريك خدا نسازد و خانه را برای طواف گران و راکعین و ساجدین پاك نگهدارد (27) به او امر کردیم که مردم را به حج دعوت کن دعوت را اجابت می‌کنند پیاده و

سوار بر شتران از شهرهای دور و رو ستاها به سوي حج مي‌آیند (28) تا در این مکان مقدس منافع اجتماعي خود را بشناسند در ایام عرفات و مشعر و در برابر روزي‌ها که از قرباني‌ها به آنها مي‌رسد خدا را یاد آوري کنند شما حاجیان از قرباني‌ها استفاده کند و فقرا را طعام دهید (29) پس از انجام مناسک آلودگي‌هاي ظاهري و باطني خود را بزدايید خود را آرایش دهید و به عهد خود وفا کنید بعد از رمي و قرباني به زیارت خانه بر گردید طواف کنید (30) این است مراسم حج کسانی که شعائر خدا را تعظیم مي‌کنند برایشان بهتر است چهار پایان به جز آنچه استثنا مي‌شود حلال است از پليدي‌ها مانند بت‌ها و گفتار خلاف حقيقت اجتناب کنید (31) همه جا مترقي و متکي به حق باشید کسی را شريك خدا نسازید کسانی که غير خدا را به جاي خدا اطاعت مي‌کنند مثل این است که از آسمان سقوط کرده طعمه لاشخوران شده‌اند و یا باد تند آنها رابه دره عمیق کشانیده است (32) این حقيقت است کسی که شعائر خدا را تعظیم کند این تعظیم دليل تقوای قلب است (33) در اجرای این مراسم تاملت معین منفعي براي شما مقدر است و جاي مناسک (يعني

شتر قربانی (خانه کعبه است (34) برای هر امتی مناسبی قرار داده‌ایم تا در برابر روزی‌ها که از قربانی می‌رسد به یاد خدا باشند خدای شما و همه امت‌ها یکی است تسلیم او باشید به بندگان عابد مژده دهید (35) آنها کسانی اند که وقتی نام خدا را می‌شنوند دلشان می‌ترسد در مصیبت‌ها صابرند نماز به پا می‌دارند از آن چه به آنها داده‌ایم انفاق می‌کنند (36) شتران قربانی شعائر خدا است سعادت شما در تعظیم شعائر است وقتی که آنها را برای قربانی به صف می‌کشید نام خدا را ببرید از گوشت آنها بخورید فقرای سائل و غیر سائل را اطعام کنید خداوند چهار پایان را مسخر شما کرد که شاید شکر او را به جا آورید (37) گوشت و خون قربانی‌ها بهره خدا نیست بهره خدا تقوای شما است حیوانات را مسخر شما کرد تا او را به عظمت بشناسید که شما را هدایت کرد نیکوکاران را بشارت دهید (38) خدا از حق اهل ایمان دفاع می‌کند خداوند خیانتکاران ناسپاس را دوست نمی‌دارد (39) لطف خدا مسلمانان را فرا گرفت که در معرض تجاوز کفار قرار گرفتند خدا قدرت دارد آنها را یاری کند. پاورقی 208 (40) مسلمانانی که از شهر و دیار و

اموال خود به جرم این که گفتند خدا پروردگار ما است اخراج شدند اگر خدا شر کفار را از مسلمانان دفع نکند شعائر دین خدا را از مساجد و صوامع و کنایس و مراکزی که محل یاد آوری خدا است نابود می‌کنند کسانی که دین خدا را یاری کنند خدا آنها را یاری می‌کند (41) مسلمانانی که اگر به آنها قدرت دادیم نماز به پا می‌دارند به بندگان خدا خدمت می‌کنند به نیکی‌ها امر و از بدی‌ها نهی می‌کنند عاقبت کارها به دست خدا است (42) اگر آنها تورا تکذیب می‌کنند از قماش قوم نوح و عاد و ثمودند که تکذیب نمودند (43) و از قماش قوم ابراهیم و قوم لوط (44) و از قماش قوم مدین و قوم موسی من که خدای تو هستم کفار را مهلت می‌دهم و بعد از مهلت مناسب آنها را معذب می‌کنم بین انتقام من چه طور بوده است (45) چه قدر شهر و روستا که هلاک نمودیم تبدیل به توده خاک شده و قنات‌ها و کاخ‌ها بی‌صاحب مانده‌اند (46) چرا تاریخ را مطالعه نمی‌کنند تا قلبی پیداکنند بتواند تعقل کنند یاگوشی که بتوانند بشنوند کوری چشم مهم نیست کوری این دل که در سینه پنهان است بدترین کوری‌ها است (47) با عجله می‌گویند کو عذاب کجاست عذاب

و عده خدا خلاف ندارد يك روز در نزد خدا برابر هزار سال است که شما مي‌شناسيد (48) چقدر شهرو روستا در تاريخ که کافر و ظالم بودند آنها را مهلت دادم و بعد هلاک نمودم مرجع تمامی اقوام حکومت من است (49) به مردم اعلام کن که من يك پيغمبرم شما را از عاقبت کفر و گناه مي‌ترسانم (50) کسانی که اهل ایمان و عمل صالحند بدانند که غفران خدا و روزي‌هاي کریمانه او براي شماست (51) و اما کسانی که علیه آیات ما فعالیت مي‌کنند تا آنها را از کار تبليغ باز دارند اهل جهنم خواهند بود (52) پيش از تو هيچ پيغمبري را مامور نکردیم جز این که اگر آرزو کرد مردم را هدايت کند شياطين در نقشه او مداخله مي‌کردند اما بعد از چندي خدا القآت شياطين را نسخ نموده احکام خود را استوار مي‌داشت خدا دانا و حکيم است (53) و این مدت مهلت شياطين هم به منظور این است که القآت آنها مایه فتنه و آزمائش باشد مرض کفر و نفاق و قساوت قلب آنها را آشکار کند تا دو گروه کافر و مومن مشخص شوند ستمکاران همه جا در خط نفاق و شکاف افکني هستند. پاورقي 209 (54) و اهل ایمان هم بدانند که آزمائش خدا حق است از جانب خدا مقدر است

ایمان به این مقدرات بیاورند قلبشان روشن شود خدا اهل ایمان را به راه راست هدایت می‌کند (55) کفار همیشه در تقدیرات خدا شك و شبهه دارند تا این که ساعت قیامت آنها را فرا گیرد و یا پیش از قیامت گرفتار عذاب غیر قابل جبران شوند (56) روز قیامت حکومت مخصوص خدا است او بین مردم قضاوت می‌کند برای اهل ایمان و عمل صالح بهشتی پراز نعمت مقدر شده است (57) و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب نمودند بدانند که عذابی خوار کننده برای آنها مقدر است (58) کسانی که در راه خدا از مقاصد دنیائی خود می‌گذرند بدانند که اگر در این راه مردند یا کشته شدند به بهترین وجه اجرشان می‌رسد راه آنها را تقویت می‌کند تا به ثمر برسند خدا بهترین روزی دهنده است. پاورقی 210 (59) تا با تقویت راه و مرام آنها در بهترین جایگاه مورد پسند آنها را ساکن کند خدا دانا و صبور است (60) دلیل تقویت راه و مرام آنها همین است که آنها در دفاع از حق خود مظلوم واقع شده‌اند خدا مظلوم را یاری می‌کند و آثار ظلم را با اجرای عدالت محومی نماید (61) خداوند با این تقویت و اجرای عدالت افکار تاریک را روشن می‌کند و افکار

کافر را به تاریکی می‌کشاند خدا شنوا و بیناست (ولوح روز در شب و شب در روز به پیدایش روشنایی و تاریکی افکار تاویل شده است) (62) برای این که خدا حق است و پناهندگی به ما سواي خدا باطل خدای متعال از هر چیزی برتر و بزرگ تر است (63) مگر قدرت خدا را نمی بینید که از آسمان آب نازل می‌کند زمین خشک را سبز و خرم می‌نماید او بی‌نهایت لطیف و آگاه است (64) هر چه هست و هر که هست در آسمان‌ها و زمین مال او است او غنی و بی‌نیاز است (65) آنچه در زمین است خداوند به اختیار شما در آورده به فرمان او کشتی در دریا حرکت می‌کند کرات آسمان رانگه می‌دارد مبادا روی زمین سقوط کند مگر که خدا بخواهد خدا به مردم رثوف و مهربان است. پاورقی 211 (66) او کسی است که شما را زنده می‌کند و می‌میراند و بعد از مرگ زنده می‌کند انسان بسیار ناسپاس است (67) برای هر گروهی راه و روشی قرار داده‌ایم که در آن حرکت می‌کنند (تا در خلا مطلق نباشند) و مبادا کسی یا چیزی در اجرای دین خدا مزاحم تو باشد، مردم را به راه خدا دعوت کن که راه تو مستقیم است (68) اگر باتو در اجرای مراسم دین

بحث و جدال راه انداختند بگو خدا به اعمال شما آگاه است (69) خداوند روز قیامت در اختلافات قضاوت می‌کند (70) مگر نمی‌دانید آنچه در آسمان‌ها و زمین است خدا می‌داند همه چیز در کتاب خدا ثبت است و ثبت آن برای خدا آسان است (71) به جز خدا از کسانی اطاعت می‌کنند که خدابه او حجت نداده و علم و آگاهی ندارد ظالمین بدانند که یاور و ناصری ندارند (72) وقتی که آیات ما را واضح و روشن برای آنها تلاوت می‌کنی باقی‌افه زشت آنها روبرو می‌شوی چنان‌اند که می‌خواهند به قاری قرآن حمله کنند بگو روزی بدتر از این روز را به شما خبر می‌دهم که آتش جهنم است خدا آنرا به کفار وعده می‌دهد چه بد عاقبتی است آتش (73) ای مردم برای کشف حقیقت برایتان مثل می‌زنم افرادی را که شما به جای خدا از آنها اطاعت می‌کنید قدرت ندارند مگس‌ها بی‌فرینند گرچه بایکدیگر همکاری کنند و اگر مگس چیزی از آنها برآید نمی‌توانند پس بگیرند آنها و مگس‌ها هر دو ضعیفند (74) خدا را به شایستگی او شناختند که شریک تراشیدند خدا نیرومند و غیر قابل نفوذ است (75) خداوند از فرشته گان و پیغمبران مامور انتخاب می‌کند خدا شنوا و بینا است

(76) خداوند از نتایج اعمال پیغمبران در زمان آنها و آینده آگاه است آینده همه اعمال به سوی خدا است (قیام امام زمان آخرین ثمره تاریخ است) (77) ای اهل ایمان در برابر خدا راکع و ساجد باشید با عبادت از خدا یاد بگیرید اعمال نیک بجا آورید تا رستگار شوید (78) آن چنان که شایسته است در راه خدا جهاد کنید خدا اهل ایمان را شایسته جهاد می‌داند نمی‌خواهد شما را به مشقت اندازد دین جد شما ابراهیم است او پیش از این شمارا مسلمان نامیده و همچنین در این زمان تا این پیغمبر نمونه مسلمانی شما و شما نمونه دیگران باشید پس نماز را زنده بدارید زکات بدهید به خدا متوسل شوید او مولای شماست چه مولای خوبی که شما دارید

سوره مؤمنون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در این سوره خداوند علائم خاص اهل ایمان را تعریف می‌کند

(1) حقیقتاً اهل ایمان رستگارانند (2) همان‌ها که در حال نماز عظمت خدا را درک می‌کنند (3) و آنها که از اعمال لغو و بی‌فایده اعراض می‌کنند (4) و همان‌ها که زکات می‌دهند (5) و همان‌ها که حافظ عفت و ناموسند (6) مگر با همسران و کنیزان خود که مورد ملامت نیستند (7) متجاوزین کسانی هستند که با غیر کنیز و همسر خود رابطه دارند (8) و آنها که امانت‌ها و عهد و پیمان خود را رعایت می‌کنند (9) و همان‌ها که رابطه خود را با خدا و اولیا خدا حفظ می‌کنند (نماز معمول را اول سوره بیان کرد این صلوات به حفظ ولایت تفسیر شده است) (10) همان‌ها اهل ایمانند که وارث ثمره شجره تاریخ‌اند (11) کسانی هستند که زندگی فردوس برین رابه ارث می‌برند و در آن جاویداند (12) ما انسان را از یک سلول حیاتی که از خاک ساخته شده آفریدیم (13) و بعد این سلول را نطفه نموده در رحم مادر جا دادیم (14) و بعد نطفه را به خون بسته و خون بسته را به غضروف و غضروف را به استخوان و استخوان را با گوشت و پوست پوشانیدیم و در انتها خلق دیگر که روح حیات

است در آن دمیدیم چقدر بابرکت است پروردگار عالمیان (که خاک را تبدیل به انسان می‌کند) (15) و شما بعد از زندگی دنیا می‌میرید (16) و بعد روز قیامت زنده می‌شوید (17) ما در مسیر تکامل هفت راه یا هفت تحول آفریدیم از خلائق خود غافل نیستیم (از ایمان تا لقای الهی هفت تحول در انسان پیدامی‌شود که در تفسیر سوره قیامت روشن شده است) . پاورقی 212 (18) ما باران نازل کردیم و آن را در دل خاک جا دادیم اگر بخواهیم آن را به جای اول می‌بریم (19) با این باران چه باغ‌ها از انگور و خرما برای شما و میوه زیاد که می‌خورید آفریدیم. پاورقی 213 (20) یا درخت زیتون در سر زمین سینا که روغن و رنگ آمیزی برای شما به وجود می‌آورد (21) و چهار پایان که وسیله حرکت و عبرت برای شماست به شما شیر و شربت و منافع دیگر مانند پشم و گوشت لباس می‌رسانند (22) برای این چهار پایان و کشتی‌ها سوار می‌شوید (23) ما نوح را به سوی قوم خود رسالت دادیم که ای قوم خدا را بپرستید خدایی بجز او نیست چرا از نافرمانی او پرهیز ندارید (24) سردمداران قوم که کافر بودند گفتند نوح هم مانند مایک انسان است با این ادعا می‌خواهد برتری

پیدا کند اگر خدا ماموری لازم داشت فرشته نازل می‌کرد ما چنین حرف‌هایی نشنیده‌ایم (25) شاید این مرد دیوانه شده صبرکنیم تا عاقبت کار او را دریابیم (26) نوح به خدا نالید که که ای خدا آنها مرا تکذیب کردند خودت مرا یاری کن (27) ما به او وحی کردیم که با نظارت ما و دستور ما کشتی بسازد وقتی که فرمان ما به‌ظهور طوفان صادر شود آب از تنور فوران می‌کند در این موقع از هر نوع حیوانی جفتی به کشتی درآور و خانواده‌ات را مگر آن‌که محکومیتش قطعی باشد و دیگر در باره ستمکاران با من حرف نزن که محکوم به هلاکت‌اند (28) وقتی که با همراهان به کشتی نشستیم بگو ستایش خدایا که ما را از حشر با ستمکاران نجات داد (29) و بعد از آن که آنها غرق شدند بگو پروردگارا مرا در يك وضعیت با برکتی زندگی بده تو بهترین پذیرائی‌کنندگان هستی (30) در این داستان آیات الهی نهفته است گرچه ما بندگان خود را مبتلا می‌کنیم (زیرا ابتلاآت برای تعلیمات است) (31) ما بعد از طوفان نوح قرون دیگر آفریدیم (32) پیغمبرانی از خودشان به سوی آنها فرستادیم که‌ای مردم خدا را بپرستید که بجز او خدائی نیست چرا از نافرمانی

خدا نمی‌ترسید (33) سردمداران آنها مانند گذشتگان که کافر شدند و زندگی آخرت را تکذیب نمودند و ما آنها را به ثروت رسانیدیم گفتند این آقا هم بشری مانند شما است می‌خورد و می‌خوابد چه امتیازی دارد که رسول خدا شده است (34) شما اگر از بشری نظیر خود اطاعت کنید بدبختید ضرر می‌کنید (35) چه وعده‌ها می‌دهد که می‌گوید وقتی که مریدید و خاک و استخوان شدید دو مرتبه زنده می‌شوید (36) هیئات هیئات کجا ممکن است که مردگان زنده شوند (37) غیر از همین زندگی دنیا زندگی دیگری وجود ندارد زنده می‌شویم و می‌میریم دیگر زنده نخواهیم شد (38) این آقا هم به خدا دروغ می‌بندد حرف‌های او را قبول نداریم (39) رسولان همه به خدا نالیدند که پروردگارا آنها ما را تکذیب کردند خودت ما را یاری کن (40) خدا فرمود باشد به همین زودی از کفر خود پشیمان می‌شوند (41) فرمان الهی به عذاب آنها رسید مانند گیاه خشکیدند دور با شنند از رحمت خدا (42) و ماباز بعد از آنها فرق دیگری به وجود آوردیم (43) هیچ گروهی از مدت مقرر جلو نمی‌رود به عقب هم برنمی‌گردد (44) و در آینده هم پیغمبران دیگر به وجود آوردیم اما هر امتی که

با پیغمبر خود رو به رو شدند تکذیب نمودند مانیز آیندگان را در پی گذشتگان هلاک نمودیم داستانی از آنها به جا گذاشتیم تا دیگران عبرت بگیرند دور شوند ستمکاران که متنبه نمی‌شوند (45) بعد موسی و برادرش هارون را با چنان معجزات و حجتی به سوی فرعون رسالت دادیم (46) فرعون و سردمدارانش تکبر نمودند خود را برتر دانستند (47) و گفتند ما به این دو نفر که مانند ما هستیم ایمان آوریم که قوم او همه بردگان ما هستند (48) موسی و برادرش را تکذیب نمودند سر نوشتشان مانند دیگران هلاکت بود (49) کتاب تورات را به موسی دادیم شاید بنی اسرائیل هدایت شوند (50) ما مریم و فرزندش عیسی را هم آیت قدرت ساختیم و آن دو را در جای مرتفع و قرارگاه امن و امان پناه دادیم (51) آنها را در این مقام امن و امان صدا زدیم که ای رسولان از روزی‌های طیب و طاهر ما استفاده کنید و عمل صالح به جای آورید من به اعمال شما آگاهم (52) این امت شما پیغمبرانند که یک امت و دریک راهند من هم مولای شما از مخالفت مولای خود پرهیزید (53) ولیکن امت‌ها خود را به تفرقه انداختند هر گروهی به راه و روش خود خوشحال بودند (54) تو

آنها را در این تفرقه و مستی تا آخر عمر به خودشان واگذار کن (55) خیال می‌کنند این مال و اولاد که به آنها داده‌ایم (56) خیلی سریع مقام آنها را بالا برده‌ایم نه، این طور نیست شعور ندارند که اسرار سعادت را بفهمند (57) کسانی که عظمت خدا را درک می‌کنند و از نافرمانی خدا می‌ترسند (58) و کسانی که به آیات پروردگارشان ایمان آورده‌اند (59) و کسانی که به جای پروردگارشان دیگری را اطاعت نمی‌کنند (60) و کسانی که از آنچه دارند در راه خدا انفاق می‌کنند و نگرانند که عاقبت به سوی خدا رجوع می‌کنند (61) آنها ایند که سریعاً به خیرات و برکات رسیده‌اند و از همه سبقت گرفته‌اند (62) ما کسی را بیشتر از وسع و استعدادش مکلف نمی‌کنیم کتابی داریم که حقیقت را باز گو می‌کند به کسی ستم نمی‌شود (63) کفار و منافقین در غفلت و مستی به سر می‌برند به راه و روش جاهلانه خود پای بندند (64) تا این که عاقبت سر خوشان اسراف‌گر آنها را به عذاب خود مجازات کنیم در این حال پناهنده به ما می‌شوند (65) نه، پناهندگی شما سودی ندارد ما شما را یاری نمی‌کنیم (66) آیات ما را در دنیا برای شما می‌خواندند اعتنا نمی‌کردید و به قهقرا

می‌رفتید (67) به حال تکبر فخر می‌فروختید از اولیای خدا فاصله می‌گرفتید (68) چرا در آیات خدا فکر نمی‌کردند یا مگر آنچه از حادثه‌ها که سر اجدادشان آمده بود سر آنها نیامد (که عبرت گیرند) (69) یا مگر پیغمبر خود را نشناختند یا منکر رسالت او بودند (70) یا می‌گفتند این پیغمبر جنون دارد نه، آنها را به حق دعوت کردیم و لی اکثر آنها از قبول حق کراهت داشتند (71) اگر حق تابع هوا هوس آنها باشد عوالم آسمان و زمین و اهل آن را فساد احاطه می‌کند بلکه ما با این قرآن و ظائف به حق آنها را روشن کردیم آنها از وظائفشان گریزانند (72) مگر در مقابل این خدمات اجر و مزدی از آنها خواسته‌ای اجر خدا خیلی بهتر است که بهترین روزی دهندگان است (73) تو آنها را به راه راست دعوت می‌کنی (74) کسانی که ایمان به آخرت ندارند از راه راست منحرفند (75) اگر به آنها رحم کنیم بدی و بلاها را از آنها برطرف نمائیم باز هم طغیان گرانه با حق لج بازی می‌کنند (76) ما آنها را در محاصره عذاب قرار دادیم ولیکن در برابر قدرت خدا خاضع نشدند و تضرع نمودند (77) تا عاقبت عذاب سختی بر آنها نازل کردیم اما به جای تسلیم و امید به خدا ناامیدی پیدا

کردند (78) او خدائی است که برای شما گوش شنوا و چشم بینا و دل دانا قرار داده است کسانی که نعمت‌های خدا را منظور دارند بسیار قلیلند (79) او کسی است که شمار از خاک زمین به وجود آورد و عاقبت حشر و اجتماع شما به سوی خدا است (80) او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند اختلاف شب و روز به دست اوست چرا عقل خود را به کار نمی‌گیرید (81) آنها نیز برای درک عظمت خدا همان را گفتند که اجداد آنها گفته بودند (82) که وقتی مردم خاک و استخوان شدیم کجا دو باره زنده می‌شویم (83) این حرف‌ها همان گفته هائی است که پیش از این به پدران ما وعده داده بودند همه افسانه است ما را سربند می‌کنند (84) بگو اگر عقل و شعور دارید بگوئید زمین و اهل زمین مال کیست و چه کسی آفریده است (85) همه جواب می‌دهند که مال خداست خدا آفریده بگو پس چرا به یاد خدا نیستید (86) بپرس آیا پروردگار عرش عظیم و هفت طبقه آسمان و زمین کیست (87) فوری جواب می‌دهند که خداست بگو پس چرا تقوا ندارید معصیت خدا می‌کنید (88) بپرس جان هر مخلوقی به دست کیست کیست که مردم را پناه می‌دهد و

کسی نمی‌تواند دشمن او را پناه دهد اگر عقل و شعور دارید جواب دهید (89) باز همه جواب می‌دهند که جان همه به دست خدا است بگو پس چرا مانند جن زده‌ها پرت و پلا می‌گوئید (90) ما برای آنها دین حق و دلائل حق آوردیم آنها که منکر حقند دروغ می‌گویند (91) خدا هرگز کسی را به فرزندی نگرفته و با او خدای دیگری نیست اگر خدای دیگری باشد هر کدام خلق خود را از دیگری مشخص می‌کند و یکی بر دیگری برتری می‌جوید خدا از این وصف و تعریف‌ها برتر و منزه‌تر است (92) او عالم به غیب و شهود است از آنچه شریک او قرار می‌دهند برتر و بالا تر است (93) بگو پروردگارا اگر عذاب آخرت آنها را به من نشان دادی (94) خدای من مرا در گروه آنها و با آنها محشور ننمائی (95) ما قادریم وضعیت آخرت آنها را به تو نشان دهیم (96) با هر عملی که بهتر و نیکو تر است بدی‌ها را از خودت دور کن ما به توصیف و تعریف آنها دانا تریم (97) بگو پروردگارا از وسوسه شیاطین به تو پناه می‌برم (98) که شیاطین مرا احاطه کنند و از دوستان خود بشناسند (99) وقتی که مرگ يك کافر می‌رسد در حال احتضار می‌گوید پروردگارا مرا به دنیا برگردان (100) شاید

عمل صالح انجام دهم آنچه از عبادات که ترک نموده‌ام به جا آورم ساکت باش خودت عقیده داشتی که باید صالح باشی بعد از این در توقیف گاه قبر هستی تا روزی که زنده شوی (طبق نص این آیه که می‌گوید بعد از این برزخ است تا بعثت، برزخ مدت مرگ بین دنیا و آخرت است) (101) وقتی که حیات دوباره مردگان شروع شود روابط حسبی و نسبی سودی ندارد سؤال و پرسشی از آن نیست. پاورقی 214 (102) هرکس ترازوی اعمال و اخلاقش سنگین باشد رستگار است (103) و هرکس اعمال و اخلاقش سبک باشد به خود خسارت زده در جهنم مخلداست (104) صورت آنها از حرارت آتش سیاه و خشن می‌شود (105) به آنها گفته می‌شود مگر آیات من برای شما تلاوت نمی‌شد که آنرا تکذیب می‌کردید (106) می‌گویند آری پروردگارا شقاوت بر ما غالب شد که قومی گمراه بودیم (107) پروردگارا ما را به دنیا برگردان اگر به کفر و گناه برگشتیم ظالم هستیم (108) جواب می‌رسد خفه چخه حرف نزنید (برگشت به دنیا مانند برگشت به کودکی و رحم است که ممکن نیست) (109) وقتی مناجات بنده ما را می‌شنیدید که می‌گفت خدا یا ایمان آوردیم ما را ببخش تو ارحم

الراحمین هستی (110) به جای تنبیه آنها را مسخره کردید آنها از شما فاصله گرفتند یاد ما را از خاطره شما بردند شما بر آنها می‌خندیدید (111) من امروز ثواب ایمان و اعمال آنها را دادم آنها رستگارانند (112) اگر کسی به آنها بگوید چندسال زیر خاک پنهان بودید (113) جواب می‌دهند روزی یا نصف روزی از حساب گران بپرسید (114) به آنها می‌گویند اگر حقیقت می‌شناختید می‌دانستید که چندساعتی بیشتر نبوده (115) خیال می‌کردید عبث خلق شده‌اید که به دایره حکومت ما بر نمی‌گردید (116) پس برتر است خدائی که سلطان حق است جز او خدائی نیست پروردگار عرش کرامت و عظمت (117) کسی که جز خدای متعال خدای دیگری اختیار کند دلیل و برهانی بر این اختیار ندارد حسابش با پروردگار است که هرگز رستگار نمی‌شود (118) بگو پروردگارا ایمان آوردیم ما را تقویت کن به ما رحم نما تو بهترین رحم کنندگانی

سوره نور

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت این که خداوند چهارده معصوم را به نورانیت معرفی می‌کند و آنها را نمونه علم خود قرار می‌دهد سوره نور نامیده شده است (1) سوره‌ای است که نازل کردیم مندرجات آن را بر همه کس فرض نمودیم آیات روشنی در این سوره قرار دادیم که شاید حقیقت رادرك کنید (2) به هر يك زن و مرد زنا کار صد تازیانه بزنید اگر ایمان به خدا و آخرت دارید در تنبیه آنها رافت و رحمت به خود راه ندهید باید طایفه‌ای از اهل ایمان شاهد اجرای این حدود باشند (3) مرد زناکار جز با زن زناکار و مشرك رابطه ندارد و زن زناکار هم جز با مرد زناکار و مشرك این رابطه نامشروع بر اهل ایمان حرام است (4) کسانی که زنان پاک با ایمان را متهم می‌کنند و بر اثبات ادعا چهار شاهد نمی‌آورند به هر يك هشتاد تازیانه بزنید دیگر شهادت آنها را قبول نکنید که آنها فاسقند (5) مگر کسانی که بعد از این گناه توبه کنند و اخلاق خود را اصلاح نمایند خدا آمرزنده و مهربان است (6) کسانی که همسر خود را متهم به زنا می‌کنند و

به جز خود گواهی ندارند چهار مرتبه قسم بخورند که راست می‌گویند (7) و مرتبه پنجم بگویند لعنت خدا بر من اگر دروغ می‌گویم (8) و زن او هم اگر می‌خواهد از این تهمت تبرئه شود باید چهار مرتبه قسم بخورد و خدا را شاهد بگیرد که شوهرش دروغ می‌گوید (9) و مرتبه پنجم بگوید غضب خدا بر من اگر شوهرم راست می‌گوید (10) اگر این قانون‌گذاری‌ها که از فضل و رحمت خداست نباشد و یا توبه پذیری او، شما به هلاکت می‌رسید (11) کسانی که به بندگان خدا تهمت می‌زنند طایفه‌ای از خودتان هستند خیال نکنید به ضرر شما است بلکه به نفع شما است هرکسی بار گناه خود را به دوش می‌کشد کسانی که نفس متکبر خود را حاکم می‌کنند به عذاب بزرگی مبتلا می‌شوند (12) چرا وقتی که تهمت و غیبت را می‌شنوند خوش گمان به مردم نیستند و نمی‌گویند که این حرف‌ها دروغ است (13) چرا آنها که تهمت می‌زنند چهار شاهد بر صداقت خود نمی‌آورند و حالا که چهار شاهد نمی‌آورند در نزد خدا دروغ گو شناخته می‌شوند (14) اگر لطف و رحمت خدا در دنیا و آخرت شمارا نگیرد از مسیر این اخلاق جاهلانه عذاب بزرگی شما را فرا

می گیرد (15) چگونه بی باک و بدون احتیاط تهمت‌ها را می‌گیرید و نشر می‌دهید خیال می‌کنید کار ساده‌ای است با این که در نظر خدا گناه بزرگی است که آبروی مومن را می‌ریزد (16) چرا وقتی که تهمت‌ها را می‌شنوید نمی‌گوئید سبحان الله ما حق نداریم چنین گفتاری را بگوئیم و بشنویم که بهتانی بزرگ است (17) خدا شما را نصیحت می‌کند مبادا چنین اعمالی را تکرار کنید اگر ایمان به خدا دارید (18) خداوند دستورات خود را در ارتباط با مصالح و مفاسدی که دارد روشن می‌کند خدا حکیم و دانا است (19) کسانی که دوست دارند فحشا و منکر در جامعه اسلامی شایع شود در دنیا و آخرت به عذابی دردناک معذب می‌شوند خدا چنین عاقبتی را می‌داند و شما نمی‌دانید (20) اگر لطف و رحمت خدا نباشد که رئوف و مهربان است از این رفتار و اخلاق مصیبت بزرگ به شما می‌رسد (21) ای اهل ایمان از تبلیغات شیطان‌های وسوسه‌گر پیروی نکنید کسانی که از تعلیمات شیاطین پیروی می‌کنند او شما را به فساد و فحشا وادار می‌کند اگر لطف و رحمت خدا نباشد هیچ یک از شما به عفل و شعور نمی‌رسد و لیکن خداوند کسانی را که دوست دارد

رشد عقلي مي‌دهد خدا شنوا و دانا است (22) نباید ثروتمندان و خردمندان از شما قسم یاد کنند که بعد از این به خویشاوندان که تهمت زده‌اند یا به مهاجرین و مساکین رسیدگی نکنند از آنها بگذرند و علاوه با آنها خوش برخورد باشند مگر دوست ندارید خدا از شما بگذرد خدا آمرزنده و مهربان است (23) کسانی که زن‌های مومنه غافل از گناه را تهمت می‌زنند ملعون دنیا و آخرت هستند در انتظار عذابي بزرگ باشند (24) روزی که دست و پا و زبان‌شان به اعمال آنها گواهی دهد (25) در آن روز بر مدار دین حق به آنها رسیدگی می‌شود یقین پیدا می‌کنند که حقانیت حق واضح و روشن است (26) زنان خبیث مناسب مردان خبیثند و مردان خبیث مناسب زنان خبیث زنان پاک مناسب مردان پاک و نجیب اند و مردان پاک مناسب زنان پاک آن گروه پاکان از تهمت‌ها منزّه و مبرا هستند مغفرت خدا و روزی‌های کریمانه برای آنها خواهد بود (27) ای اهل ایمان بدون انس و آشنائی و کسب اجازه وارد خانه کسی نشوید و بعد از اجازه به اهل خانه سلام کنید این روش اخلاقی برای شما بهتر است شاید که حقیقت را درک کنید (28) اگر کسی هم در خانه نبود

بدون اجازه وارد نشوید و اگر معذرت خواستند بر گردید که بیشتر مایه عزت شما است خدا به اعمالتان آگاه است (29) مانعی ندارد اگر کاری داشته باشید به خانه های غیر مسکونی وارد شوید خداوند ظاهر و باطن و اعمال و نیات شما را می داند (30) به مومنین دستور بده از بعضی نگاهها خود داری کنند عورت خود را بپوشند دین و عفت آنها را بیشتر شخصیت می دهد خدا به حال آنها آگاهی دارد (31) به زنان مومنه هم دستور بده از بعضی نگاهها خودداری کنند عورت خود را بپوشند زیبایی و زینت خود را جز آنچه خود به خود ظاهر میشود مستور بدارند مقنعه خود را روی سینه بیندازند زینت و زیبایی خود را آشکار نکنند مگر برای شوهر و پدران و پدر شوهر و یا فرزندان و فرزندان شوهر یا برادران و برادر زادگان و خواهر زادگان و غلام و کنیز خود یا زنان مسلمان و یا وابسته گان به زندگی که حاجت به زنان ندارند و یا کودکان که تمیز ندارند و اعمالی بخاطر نمایش زینت انجام ندهند ای مومنین و مومنات همه به سویی خدا گرایش داشته باشید شاید رستگار شوید (32) زن و مرد بی همسر کنیز و یا غلام خود را به ازدواج در آورند اگر هم فقیرند نترسند خداوند از

فضل کرم خود آنها را بی‌نیاز می‌کند خدا دانا و گشایشگر است (33) کسانی که امکانات ازدواج ندارند عفت پیشه کنند تا خدا از لطف و کرم خود آنها را بی‌نیاز کند غلام و کنیزانی که رشد آزادی دارند با معاهده و مکاتبه آنها را آزاد کنید و از ثروتی که خدا به شما داده به آنها کمک کنید زنان نجیب خود را که طالب عفت و یاشوهرند به عمل نامشروع مجبور نکنید تا از این راه ثروتی به دست آورید کسی که آنها را مجبور کند خدا نسبت به آنها آمرزنده و مهربان است (مجبور کننده مجازات می‌شود) (34) آیاتی روشن و روشنگر همراه نمونه های تاریخی و موعظه‌ها برای مومنین و متقین نازل کردیم (35) خدا علم و هدایت آسمان‌ها و زمین است نمونه نور خدا مشکوات نوراست که در آن مصباح و مصباح در شیشه نورانی و شیشه مانند ستاره درخشان از شجره با برکت زیتون که انحراف به شرق و غرب ندارد، می‌درخشد چنان مثلثا است که پیش از تماس با نور رو شنائی می‌دهد لمعات نور در پی یکدیگر می‌تابد خدا هرکسی را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند خدا شخصیت‌های بزرگ آسمانی را به این چراغ‌ها مثل می‌زند خدا به هر چیزی دانا

است. پاورقی 215 (36) این چراغ‌های نورانی از خانواده هائی می‌درخشد که خدا اجازه داده است عظمت داشته باشند ذکر خدا در آن خانواده‌ها زنده است خانواده ای که صبح و شام به تسبیح خدا مشغولند (37) و این چراغ‌های نورانی به علم، رجالی هستند که اشتغال به کار دنیا آنها را از یاد خدا و نماز و اداء زکات باز نمی‌دارد از حادثه قیامت که دلها در اضطراب است می‌ترسند (در این سه آیه خداوند چهارده معصوم را تعریف می‌کند) (38) تا خداوند آنها را در برابر بهترین اعمال جزا بدهد و از فضل خود زیاده به آنها برساند خدا بندگان خود را بدون حساب روزی می‌دهد (39) و اما کفار اعمالشان مانند سراب بیابان است که تشنگان خیال می‌کنند آب است وقتی که به محل سراب می‌رسند خدا نتایج عمرش را کف دستش می‌گذارد خدا سریع الحساب است (40) و یا اعمال و تشکیلات آنها مانند تاریکی‌ها در دریائی است عمیق که امواجی سهمگین به آنها حمله و راست امواج و ظلمات بالای یکدیگر در تاریکی شب و ابر چنان که دستش را مقابل چشمش نمی‌بیند کسی را که خدا آگاه نکند آگاهی نخواهد داشت (41) مگر نمی‌دانی که هر که هست در عوالم آسمان

و زمین و مرغ‌های صف کشیده خدا را تسبیح می‌کنند و همه آنها به تسبیح شان آگاهند و خدا به اعمالشان آگاهی دارد (42) پادشاهی آسمان‌ها و زمین مخصوص خدا است و باز گشت همه تحولات و مردم به سوی او است (43) یا مگر قدرت خدا را نمی‌بینی که ابرها را می‌پراکند و بعد آنها را به هم ارتباط می‌دهد متراکم می‌کند که می‌بینی قطرات از داخل ابرها می‌ریزد و آن قطرات را از داخل کوه‌های سرد هوایی عبور داده به صورت تگرگ نازل می‌کند به ثروت هرکسی که بخواهد اصابت می‌کند و از کسی که بخواهد باز می‌دارد نور برق چنان خیره کننده است که گوئی نور چشم را می‌رباید (44) خداوند جای شب و روز را وارونه می‌کند تا شب و روز پیدا شود تمامی این تحولات و تقلبات مایه عبرت است (45) خداوند تمامی جنبندهگان را از آب می‌آفریند بعضی روی شکم می‌خزند و بعضی با دوبا و یا چهارپا راه می‌روند خدا به هر شکلی که بخواهد خلق می‌کند او به هر کاری توانا است (46) یک چنین آیات روشن به نام قرآن نازل کردیم خدا هرکسی را که دوست داشته باشد به راه راست هدایت می‌کند (47) آنها می‌گویند به خدا و رسول ایمان آوردیم و

اطاعت کردیم عده‌ای بعد از این ادعا به خود رای می‌گیرند اطاعت نمی‌کنند دروغ می‌گویند مومن نیستند (48) و وقتی که به دین خدا و رسول دعوت می‌شوند تا بین آنها قضاوت کند از این قضاوت اعراض می‌کنند (49) اگر قضاوت به نفعشان باشد تسلیم می‌شوند (50) آنها را چه شده است به مرض نفاق مبتلایند یا در قضاوت خدا شك دارند یا می‌ترسند خدا و رسول به آنها ستم کنند بلکه آنها خودشان ظالمند (51) وقتی که اهل ایمان به دین خدا دعوت می‌شوند تا بین آنها قضاوت کنند وظیفه شان این است که بگویند بچشم شنیدیم و اطاعت کردیم چنین افرادی رستگارانند (52) کسی که از خدا و رسول اطاعت کند و تقوا پیشه نماید چنین افرادی سعادت‌مندانند (53) با حدیث قسم می‌خورند که اگر فرمان جهاد بدهی اطاعت می‌کنیم بگو قسم لازم نیست اطاعت خود به خود معلوم است خدا به اعمال شما آگاه است (54) به آنها بگو وظیفه دارید از خدا و رسول اطاعت کنید اگر به خودرایی گرائید مانعی ندارد رسول خدا مسئول وظیفه خود و شما مسئول وظیفه خود هستید اگر از رسول خدا اطاعت کنید هدایت می‌شوید رسول خدا فقط مسئول تبلیغ

است (55) خدا به اهل ایمان و عمل صالح وعده می‌دهد که حتما خلافت زمین را به آنها بسپارد همان‌طور که به بعضی از پیغمبران سپرد چنان باشند که آزادی مطلق داشته باشند احکام و سنن دینی خود را به جا آورند خوف آنها تبدیل به امنیت شود که خالصانه خدا را عبادت کنند و شرک به او نیاورند هر کسی که بعد از این وعده خدا کافر شود فاسق شناخته می‌شود (56) شما اهل ایمان نماز بخوانید زکات بدهید از رسول خدا اطاعت کنید تا مشمول لطف او واقع شوید (57) خیال نکنید که کفار می‌توانند خدا را از اراده خود باز دارند جای آنها جهنم است چه بد عاقبتی که دارند (58) ای اهل ایمان غلام و کنیز شما یا اطفال دیگران که به حد بلوغ نرسیده‌اند در ساعت‌هایی که خلوت شما است در حال ورود به شما اجازه بگیرند اول پیش از نماز صبح که برای نماز بیدار می‌شوید دوم هنگام ظهر که لباس خود را برای استراحت می‌کنید و بعد از نماز عشاء که به خوابگاه می‌روید ساعت‌های خلوتی است که باید مستور باشید (حالات خصوصی شماست) در غیر این حالات مانعی ندارد با هم محشور باشید خدا آیات خود را روشن

می‌کند که او حکیم و دانا است. پاورقی 216 (59) اطفال خودتان هم که به حد بلوغ رسیدند لازم است به ترتیب آیه بالا در اوقات سه گانه از شما اجازه ورود بگیرند خدا این چنین آداب اخلاقی شما را روشن می‌سازد خدا علیم و حکیم است (60) زنانی که از زندگی باز نشسته شده‌اند مانعی ندارد بدون چادر و بدون آرایش و نمایش آزادانه حرکت کنند ولیکن هر چه عقیفانه ظاهر شوند بهتر است (61) مانعی ندارد نابینا و لنگ و مریض و شما خویشاوندان با هم سر يك سفره غذا بخورید یا در خانه پدران و مادران و برادران و خواهران و عموها و عمه‌ها دایی‌ها و خاله‌ها یا خانه دوستانی که کلید خانه را به شما داده‌اند و یا دوستان صمیمی شما مانعی ندارد با هم غذا بخورید یا جدا جدا وقتی که به خانه یکدیگر وارد می‌شوید سلام بدهید سلام تحیتی است با برکت خدا احکام اخلاقی خود را بیان می‌کند شاید حکمت آن را که جلب محبت است در یابید (62) مومنین همان کسانی هستند که ایمان به خدا و رسول آورده‌اند و وقتی که خدا و رهبر دريك امر اجتماعی تصمیم می‌گیرند بدون اذن و اجازه به جایی نمی‌روند تا مگر اجازه بگیرند آنها که در این

حالات اجازه می‌گیرند به خدا و رسول ایمان آورده‌اند وقتی که اجازه می‌گیرند اگر دوست داری به هر کسی که می‌خواهی اجازه بده و برای آنها دعا کن خدا آمرزنده و مهربان است (63) ای اهل ایمان رسول خدا را مودبانه صدا بزنید نه آنطور که یکدیگر را صدا می‌زنید خدا کسانی را که در محضر رسول خدا سرمیان یکدیگر می‌برند و پج پج می‌کنند می‌شناسد کسانی که با فرمان خدا مخالفت دارند بترسند مبادا فتنه‌ای گمراه کننده و عذابی درد آور آنها را فرا گیرد (64) بدانید که هر چه هست در آسمان‌ها و زمین مال خدا است از فکر و عقیده شما با خبر است می‌داند چه روزی در حاکمیت او واقع می‌شوید در آن روز شمارا به اعمال و اخلاقتان آگاه می‌کند او به هر کاری دانا است.

سوره فرقان

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به کلمه فرقان نام گذاری شده مطالبی عمیق در تعریف امام زمان و علمای وابسته به او دارد لازم است بخوانید و بدانید (1) برکت مند است خدائی که این قرآن فارق بین حق و باطل را برینده خود نازل کرد تا تمامی بشریت را به نتایج حسن عمل و سوء اخلاق آگاه کند (2) خدائی که سلطنت عوالم آسمان و زمین مخصوص او است فرزندی برای خود نگرفته و شریکی برای او نیست همه چیز آفریده و به حکمت خود مهندسی نموده است (3) کفار به جز خالق عالم و آدم از کسانی اطاعت می‌کنند که نمی‌توانند چیزی خلق کنند خودشان مخلوقند مالک نفع و ضرری نیستند مالک موت حیات و حشر در قیامت نیستند (4) کفار می‌گویند این قرآن دروغ‌هایی است که این پیغمبر به خدا بسته وعده دیگری هم او را کمک نموده‌اند چه ستم‌کارانی که حرف زور می‌گویند (5) می‌گویند افسانه تاریخ است که از کتاب‌های دیگر نسخه گرفته صبح و شام برای او افسانه می‌سرایند (6) بگو چنین نیست کتابی است که عالم به اسرار عالم و آدم نازل نموده پروردگاری آمرزنده و مهربان است (7) تعجب

می‌کنند که این مدعی رسالت مانند ماراه می‌رود و غذا می‌خورد چه امتیازی دارد که رسول خدا شده اگر فرشته‌ای بر او نازل می‌شد و تبلیغ می‌کرد قابل قبول بود (8) یا اگر گنجی و ثروتی در اختیارش بود یا باغی پر از میوه می‌داشت به اهل ایمان طعنه می‌زنند که شما اسیر یک دیوانه مسحور شده‌اید (9) بین چه مثل‌هایی می‌زنند و خود را با آن مثل‌ها گمراه می‌کنند قدرت تفکر و هدایت را از خود سلب می‌کنند (10) مبارک است خدائی که اگر بخواهد بهتر از این باغ و ثروت به تو می‌دهد کاخ‌های بهشتی برای تو می‌سازد (11) آنها ساعت قیامت را تکذیب می‌کنند خبر ندارند که تکذیب کنندگان قیامت در محاصره عذاب جهنم واقع می‌شوند (12) جهنمی است که زقیر آن را از فاصله دور می‌شنوند که چگونه کینه جو و رنج آور است (13) وقتی که در سجن جهنم کنار یکدیگر حبس شدند صدای فریادشان بلند می‌شود (14) بگو داد بزنید نه یک مرتبه بلکه هزارها مرتبه (15) این جا جهنم بهتر است یا بهشت خلد برین که خدا به اهل تقوا وعده می‌دهد نتیجه عمل صالح و عاقبت کار آنها است (16) آن چه در آنجا مایل باشند در اختیارشان قرار می‌گیرد این

و عده خدا است که خود مسئول وفای به آن است (17) فردا که آنها را محشور کنیم به پیشوایان می‌گوئیم شما آنها را گمراه کردید یا خودشان گمراه شدند (18) جواب می‌دهند پروردگارا تو منزه‌ی شایسته ما نبود که جز تو خدائی پرستش کنیم و لکن به آنها ثروت و قدرت دادی تا که دین را فراموش کردند و هلاک شدند (19) در این‌جا به گمراهان می‌گویند که پیشوایان ادعای شمارا تکذیب کردند شما استطاعت ندارید عذاب را از خود برطرف کنید یا کسی شمارا یاری کند هرکس از شما که ظالم بوده است عذاب سختی خواهد چشید (20) ما رسولی پیش از تو نفرستادیم مگر این که مانند دیگران غذا می‌خوردند و راه می‌رفتند ما شما را به دارائی و ناداری امتحان می‌کنیم تا هر یک چنان که هست شناخته شود آیا در مقدرات صبر می‌کنید پروردگارتو بصیراست (21) کسانی که امید به آخرت ندارند و خلقت را بازی می‌دانند می‌گویند چرا فرشتگان بر ما نازل نمی‌شوند یا خدا خود را نشان نمی‌دهد خیلی خود را بزرگ دانستند و از حد خود سرکشیدند (22) خبرندارند روزی که فرشتگان را بینند دنیای آنها خاتمه پیدا می‌کند دیگر موفقیت

ندارند از فعالیت و حرکت در زندگی خود ممنوع می‌شوند (23) آخرت به اراده اعجازی خدا ساخته می‌شود و این صنایع و تشکیلات دنیائی و آنچه ساخته‌اند هبائا منتورا می‌شود (مثلا حکومتی که به اراده خود مردگان را زنده می‌کند طب و لوازم طبی چه لزومی دارد همان طور که بازار صنایع طبی کساد می‌شود سایر صنایع نیز چنین است) . پاورقی 217 (24) آن روز زندگی دنیا خاتمه است آخرت دایر می‌شود زیرا قرارگاه فکر و منطق مومنین (که در انتظار فرج‌اند) بهتر است . پاورقی 218 (25) آخرت روزی است که آسمان ولایت شکوفا می‌شود غبار از چهره حقیقت برطرف می‌شود فرشتگان یا عوامل طبیعت در اختیار ولی خدا قرار می‌گیرند (26) حاکمیت آن روز بر مدار حق است حاکم مطلق خدا است که بر کفار سخت می‌گذرد . پاورقی 219 (27) آن روز ظالم از حسرت و ندامت دست خود را گاز می‌گیرد که‌ای کاش راه سعادت خود را با رسول گرفته بودم (28) کاش فلان منافق را به عنوان دوست صمیمی خود اتخاذ نمی‌کردم (29) که آن بی‌حیا مرا از حجت خدا باز داشت با این که او را شناخته بودم شیطان انسان را رسوا و تنها

می‌گذارد (30) رسول خدا آن روز به خدا شکایت می‌کند که ای خدا مردم این دو قرآن صامت و ناطق را از زندگی خود اخراج نمودند (31) ما برای هر پیغمبری مزاحمی از جنایتکاران مقدر کردیم خدا خودش به هدایت مردم لایق آگاهی دارد (اختلافات نتیجه آزادی مردم است) (32) کفار ایراد می‌گیرند که چرا قرآن به صورت کتابی کامل از آسمان نازل نمی‌شود ما برای این که قلب تورا استقامت دهیم کم کم قرآن را برای توتلاوت می‌کنیم (33) آنها هر وقت از حادثه‌ها پرسشی آماده می‌کنند ما بهترین تفسیر و حکم به حق آن را نازل می‌کنیم (34) کسانی که از مسیر هدف (روبرو) به سوی جهنم کشیده می‌شوند بدترینند و از همه گمراه‌ترند (35) ما کتاب تورات را به موسی دادیم و برادرش هارون را به وزارت او انتخاب نمودیم (36) به آنها دستور دادیم به سوی قومی که آیات ما را تکذیب نموده‌اند بروند و بعد دشمن آنها را به صورتی عجیب هلاک نمودیم (37) همین طور قوم نوح که پیغمبران را تکذیب نمودند با طوفان غرق نموده آن حادثه را برای آیندگان مایه عبرت نمودیم برای ستمکاران عذابی الیم مهیا ساخته‌ایم (38) همین طور قوم عاد و ثمود

و اصحاب رس و اقوام بسیاری بعد از آنها (39) برای هر يك از آنها حقیقت را روشن ساختیم و همه آنها را هلاك نمودیم (40) قوم تو از شهرهای قوم لوط می‌گذرند که چگونه آنها را سنگ باران کردیم مگر نمی‌بینند بلکه عقیده به قیامت ندارند (41) هر وقت که تورا می‌بینند به مسخره می‌گیرند و می‌گویند همین است کسی که خدا او را به رسالت مبعوث نموده است (42) او می‌خواهد ما را از خدایانمان منصرف کند اگر در دین خود استقامت نکنیم گمراه می‌شویم اما وقتی که با عذاب قیامت رو برو شوند می‌دانند چه کسی گمراه بوده است (43) فکر کن بین کسی که هوای نفسش را خدای خود قرار داده تو می‌توانی وکیل مدافع او باشی (44) یا فکر می‌کنی که بسیاری از این مردم حرف حق می‌شنوند یا به عقل خود درك می‌کنند مانند حیواناتند بلکه گمراهنند (45) مگر نمی‌بینی که خداوند چگونه سایه را امتداد می‌دهد به کمال می‌رساند اگر بخواهد آنرا در وضع ابتدائی خود متوقف و نور آفتاب را نمایش‌گر آن قرار می‌دهد (ظل قابل امتداد ماده بی ارزش است). پاورقی 220 (46) اگر آن را تکامل ندهیم در همان وضع ابتدائی آن را به دایره

حکومت خود می‌کشانیم (47) او کسی است که شب را برای پوشش و خواب را برای استراحت و روز را برای کار و معاش قرار داده (48) او خدائی است که باد را مبشر رحمت (و حادثه‌ها را عامل تکامل) قرار داده و از آسمان آب پاک کننده نازل کردیم (49) به وسیله باران زمین‌های مرده را زنده می‌کنیم و با این باران انسان و حیوان را سقایت می‌نمائیم (50) ما در این قرآن آیات جوراجور نازل کردیم تا فهم و شعور پیدا کنند و لیکن بسیاری از مردم جز کفر و کفران عملی ندارند (51) اگر بخواهیم می‌توانیم در هر شهر و روستائی پیغمبری مبعوث کنیم (52) از روش کفار پیروی مکن و همیشه با آنها در حال جهاد و مبارزه باش (53) او کسی است که دو دریای تلخ و شیرین یا دو فرهنگ حق و باطل را به هم مربوط نموده و بین آنها موانعی ساخت که تغییر جنسیت ندهند (54) و او کسی است که از نطفه انسان آفریده و بین آنها روابط حسبی و نسبی به وجود آورده او به هرکاری قادر است (55) مردم جاهل سوای خدا از کسی اطاعت می‌کنند که نفع و ضرری به حال آنها ندارد کافر همه جا بر علیه دین خدا فعالیت می‌کند (56) ماتو را رسالت ندادیم مگر به این منظور

که مردم را به ظهور نتایج خیر و شر مطلع نمائی (57) بگو ای مردم من در برابر خدمات فرهنگی خود از شما اجر و مزدی نمی‌طلبم جز این که راه خیر و شر خود را دریابید (58) خدائی را به وکالت خود انتخاب کن که هرگز نمی‌میرد زنده است او را از شباهت مخلوقات منزه بدان آگاهی پروردگار تو به نواقص و گناه بندگان کفایت می‌کند (59) کسی که عوالم آسمان و زمین و تحولات تکاملی انسان را و آنچه بین آنها است آفریده و بعد از تکامل بر عرش حاکمیت قرار می‌گیرد، بخشنده و مهربان است از او سئوال کن که خبیر و آگاه است (60) وقتی که به آنها گفته می‌شود خدای رحمان را سجده کنید می‌گویند رحمان چیست که ما به امر شما او را سجده کنیم نفرت آنها از دعوت به حق زیادتر می‌شود (61) مبارک است خدائی که در فضا دوازده برج و در فضایی علم دوازده امام آفریده و در هر دو فضا چراغی تابان و ماه روشن خلق کرده است (62) خدائی که شب و روز را در فضا و علم و جهل را در زندگی جا بجا می‌کند تا کسانی که طالبند به حقیقت آگاه شوند و حق خدا را منظور بدانند (63) بندگان مومن خدا کسانی هستند که آرام حرکت می‌کنند و اگر در معرض

توهین سبک مغزان قرار گیرند باسلام و سالم
برخورد می‌کنند (64) کسانی که شب‌های خود را در
ارتباط با خدا و قیام و سجود می‌گذرانند (65) کسانی
که از خدا خواهش و تمنا دارند که‌ای خدا عذاب
جهنم را از ما بگردان که عذابی رنج آور است
(66) چه بد قرار گاهی و چه بد جایگاهی است جهنم
(67) کسانی که در مخارج زندگی زیادتیر و کمتر از
حد اعتدال خارج نمی‌شوند (68) و کسانی که از غیر
خدا و رسول اطاعت نمی‌کنند کسی را به‌ناحق
نمی‌کشند با زنی رابطه نامشروع ندارند می‌دانند
که گناه کبیره است (69) کسی که مرتکب آن گناه
شود چند برابر عذاب می‌بیند و با ذلت و خواری در آن
مخلد است (70) مگر کسانی که توبه کنند عمل
صالح بجا آورند خدا اعمال بد آنها را تبدیل به نیکی
می‌کند خدا بندگان خود را تقویت می‌کند او رؤوف و
مهربان است (71) کسانی که توبه می‌کنند عمل
صالح بجا می‌آورند به‌سوی خدا توبه و انابه دارند
(توبه سه رکن دارد مرض گناه را و دکتر معالج را که
خدا است بشناسی و به او مراجعه کنی) (72) و
بندگان خدا کسانی هستند که شهادت دروغ نمی‌د
هند و وقتی که بالهو و لعب رو برو می‌شوند با متانت

می‌گذرند (73) و کسانی که در برابر دعوت دینی خود را به کوری و کودنی نمی‌زنند (74) و کسانی که از خدا خواهش و تمنا دارند که ای خدا زن و زندگی ما را نور چشم ما قرار بده توفیقی بده که پیشوای نیکان باشیم (75) آنها ایند که در برابر صبر خود غرقه‌های بهشت را می‌گیرند و از جانب خدا و فرشتگان مشمول تحیت و سلام واقع می‌شوند (76) زندگی آنها در بهشت ابدی است چه مقام و قرارگاه خوبی که دارند (77) به بندگان مومن بگو که اگر شما از خدا خواهش و تمنائی نداشته باشید خدا هم به شما اعتنائی نمی‌کند دین خدا را تکذیب نمودند به‌زودی ملازم عذاب می‌شوند.

سوره شعراء

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت این که از شعر و شاعری سخن گفته است شعراء نامیده شده

طاسین - میم - حروف قرآن نمایش‌گر اصول خلاق و یا حوادث است (2) این کتاب بیان گرجقایق و خلاق است (3) شاید می‌خواهی از غم و اندوه خود را بکشی که ایمان نمی‌آورند (4) اگر بخواهیم می‌توانیم قدرتی به وجود آوریم که در برابر آن خاضع شوند (5) هیچ وقت دین و کتاب تازه‌ای به وجود نیامد مگر که از آن اعراض نمودند (6) دین خدا را تکذیب نمودند به زودی نتیجه تکذیب و استهزار می‌بینند (7) به سطح زمین نگاه نمی‌کنند که چگونه این همه درخت و گیاه آفریده‌ایم که کریمانه از آن استفاده می‌کنند (8) تمامی این آثار آیت الهی است گر چه بسیاری ایمان به خدا نمی‌آورند (9) پروردگار نفوذ ناپذیر است از کفر و گناه متأثر نمی‌شود رؤف و مهربان است (10) زمانی را یاد آوری کن که خدا موسی را صدا زد که مأموریت داری به سوی ستمکاران بروی (11) یعنی قوم فرعون که چرا از ظلم و ستم پرهیز ندارند (12) موسی گفت پروردگارا می‌ترسم که مرا تکذیب کنند (13) حوصله ام سرآید زبانم بند آید که تنهایم برادرم هارون را به کمک من

مامور کن (14) آنها به گردن من گناهی دارند می‌ترسم به جرم آن گناه مرا اعدام کنند (15) خدا فرمود ای موسی با این معجزات بروید من با شما هستم می‌بینم و می‌شنوم (16) بروید به طرف فرعون بگوئید مادو نفر مامور پروردگار عالمیان هستیم (17) وظیفه داری بنی اسرائیل را آزاد کنی و به مابسپاری (18) بعد از ابلاغ حکم فرعون گفت تو همان موسی نیستی که ما بزرگت کردیم مدتی از عمر خود را در دربار ما بسر بردی و بعد (19) عمل خلاف مرتکب شدی تو مردی ناسپاس هستی (20) موسی گفت آری همان موسی هستم قتلی مرتکب شدم قصدي نداشتم (21) از شما ترسیدم فرار کردم خداوند متعال به من ماموریت داد مرا از پیغمبران قرار داد (22) به این دلیل که مرا بزرگ کردی منت می‌گذاری با این که بنی اسرائیل را به بردگی کشیده‌ای (23) فرعون گفت رب العالمین چیست که خود را مامور او می‌دانی (24) گفت خالق آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست اگر عقیده به خدا دارید (25) نگاهی به اطراف کرد و گفت می‌شنوید چه می‌گوید (26) گفت می‌گویم خدا پروردگار شما و اجداد شماست

(27) باز هم خندیدگفت این آقا که رسول خدا به سوي شما شده دیوانه است (28) موسی گفت پروردگار مشرق و مغرب و آنچه مابین آنهاست اگر عقل رابه کار می برید (29) عصیانی شد و گفت اگر خدائی غیر از من قبول کنی تورا به زندان می اندازم (30) گفت دست خالی نیستم آیت الهی دارم (31) گفت بیاور ببینم چه داری اگر راست می گوئی (32) عصای خود را جلو تخت انداخت ازدهائی بزرگ شد (33) دست به جیب بغل برد و بیرون آورد روشنائی می داد (34) فرعون مات و مبهوت به اطرافیان گفت ساحر دانائی است (35) می خواهد با سحر خود شمارا از مملکت اخراج کند رای شما چیست (36) درباریان گفتند به موسی و برادرش فرصتی بده تمامی ساحرها را از مملکت احضار کن (37) ساحرهای دانا و توانا آماده شوند (38) فرعون دستور داد ساحرها را برای روز معین آماده کردند (39) به مردم ابلاغ کردند همه برای روز معین حاضر شوند (40) شاید ساحرهای خودمان پیروز شوند و ما از آنها پیروی کنیم (41) ساحرها همه حاضر شدند گفتند اگر پیروز شدیم جایزه داریم (42) گفت آری علاوه مقرب دربار خواهید بود (43) روز موعود

رسید همه جمع شدند موسی گفت بفرمائید هنرنمائی کنید (44) آنها ریسمانها و عصاها را انداختند به خیال مردم آمد که ریسمانها حرکت دارند گفتند به تاج و تخت فرعون قسم که ما پیروزیم (45) نوبت موسی رسید عصای خود را انداخت از دهائی شد و هرچه در میدان بود بلعید (46) ساحران مات و مبهوت در برابر موسی تسلیم شدند (47) يك صداگفتند به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم (48) پروردگار موسی و هارون (49) فرعون عصبانی شد که چرا پیش از اذن و اجازه من تسلیم موسی شدید معلوم می‌شود نقشه‌ای در کار بوده استاد شما چنین دستوری داده به زودی به حساب شما می‌رسم دست و پای شما را خلاف یکدیگر قطع می‌کنم شما را به دار می‌آویزم (50) گفتند مانعی ندارد مابه سوي پروردگار می‌رویم (51) امیدواریم خدا از گناه سحر ما بگذرد که اولین افرادی بودیم به موسی ایمان آوردیم (مابعد از حوادثی) (52) به موسی امر کردیم که تحت تعقیب هستی با همه بندگان من از مصر خارج شوید (موسی همه را به طرف دریای احمر کوچ داد) (53) و فرعون بسیج عمومی داد که همه در مرکز جمع شوید نترسید

(54) که بنی اسرائیل مشتی ضعیف هستند همه رانابود می‌کنیم (55) آنها متعرض ماشده‌اند ما رابه خشم آورده‌اند (56) ما همه تخصص و تجربه داریم آنها برده گانند چیزی نمی‌دانند (57) بااین خیالات آنها راز باغ‌های مجلل و چشمه‌ها خارج نمودیم (58) و گنج‌ها و نعمت‌ها و مقام و ثروت‌ها (59) تمامی آن ثروت‌ها را به بنی اسرائیل انتقال دادیم (60) قبطی‌ها به تعقیب بنی اسرائیل به طرف شرق حرکت کردند (61) وقتی که دو گروه بایکدیگر رو برو شدند اصحاب موسی ترسیدند که مادر محاصره واقع شدیم موسی گفت ساکت (62) خدا با من است به زودی راه باز می‌کند (قوم موسی بین لشکر و دریا واقع شدند) (63) به موسی دستور دادیم عصای خود را به دریا اشاره کن به محض اشاره دوازده خیابان دریائی باز کردیم آب‌ها بین خیابان‌ها مانند کوه بزرگ روی هم قرار گرفت (64) ما این حرکت و عبور را در نظر فرعونیان جلوه دادیم (65) موسی و همراهانش را عبور دادیم (66) و پشت سر او فرعونیان را غرق نمودیم (67) این داستان آیت بزرگ قدرت و سیاست خداست گرچه بسیاری از مردم ایمان نمی‌آورند (68) پروردگار تو پیروز و مهربان است مدارا می‌کند

(69) داستان ابراهیم را برای مردم باز گو کن آنجا که (70) به پدر خوانده و قومش گفت چه کار می‌کنید چه چیزی را می‌پرستید (71) گفتند بت‌ها را می‌پرستیم دائم در عبادت آنها هستیم (72) گفت اگر از بت‌ها خواهشی کنید اجابت می‌کنند (73) یا این که نفع و ضرری به حال شما دارند گفتند نه (74) آبا و اجداد خود را دیدیم که آنها را می‌پرستند ابراهیم گفت (75) درست فکر کنید چه چیزهایی را شما (76) و گذشتگان شما می‌پرستید (77) این خدایان دروغین و سر دمداران آنها دشمن من هستند مگر خدای من که پروردگار عالمیان است (78) همان خدایی که مرا خلق کرده و هدایت می‌کند (79) خدایی که به من آب و غذا می‌دهد (80) و اگر مریض شدم به من شفا می‌دهد (81) و خدایی که مرا می‌میراند و بعد در قیامت زنده می‌کند (82) و خدایی که طمع دارم در قیامت از خطاهای من درگذرد (83) ای خدا و پروردگار من فرمان خود را به من ابلاغ کن و مرا از بندگان شایسته خود قرار بده چنان کن (84) که نمونه صداقت و امانت برای آیندگان باشم (85) مرا از وارثان بهشت پر نعمت خود قرار بده خدای من (86) پدر گمراه مرا یاری کن شاید

که هدایت شود (87) مبادا روز قیامت در برابر بندگان تو رسوا شوم (88) همان روزی که مال و اولاد به حال انسان سودی ندارد (89) مگر کسی که با قلب سالم به ملاقات پروردگار برود (90) روزی که بهشت در برابر اهل تقوانمایش پیدا می‌کند و خود را آرایش می‌دهد (91) و هم زمان حرارت جهنم برابرگمراهان ظاهر می‌شود (92) به آنها می‌گویند کجایند خدایان شما که ســـــوای خدا می‌پرستیدید (93) آیا آنها امروز می‌توانند به داد شما برسند و شمارایا خود را برهانند (94) گمراهان و رؤسای آنها لال و گنگ شده (95) ولشکر ابلیس به جان یکدیگر می‌افتند (96) بایکدیگر بحث و جدال دارند (97) که به خدا قسم ماگمراه بودیم که (98) شماپیشوایان بت ساز را با خدا برابر دانستیم (99) عرض می‌کنند پروردگا را همین جنایتکاران ماراگمراه کردند (100) وای به حال ماکسی نیست که از ما شفاعت کند (101) یا لا اقل یک دوست صمیمی مهربان نداریم (102) وای به حال ما کاش می‌توانستیم به دنیا بر گردیم ایمان به خدا بیاوریم (103) این حوادث و قضایا آیت الهی است گر چه بسیاری از مردم ایمان نمی‌آورند (104) پروردگار تو

عزیز و مهربان است حقی را ضایع نمی‌گذارد (105) قوم نوح هم پیامبران را تکذیب کردند (106) که برادرشان نوح به آنها گفت چرا از معصیت خدا پرهیز ندارید (107) من برای شما پیغمبری امین هستم (108) از معصیت خدا پرهیز کنید و از من که پیغمبر شمایم اطاعت نمائید (109) من در برابر خدمات و تعلیمات از شما مزدی نمی‌خواهم اجر من با پروردگار عالمیان است (110) باز هم تکرار می‌کنم از خدا بترسید و از من اطاعت کنید (111) آنها به جای اطاعت توهین کردند که ما به تو و پیروان رذل و فقیر تو ایمان نمی‌آوریم (112) نوح گفت چه طور آنها رذلند من از عاقبت آنها خبر ندارم خدا می‌داند (113) اگر شعور داشته باشید می‌فهمید که حسابشان با پروردگار عالمیان است (114) من هرگز این بندگان مومن را از خود دور نمی‌سازم (115) من فقط یک پیغمبرم مامورم مردم را از عواقب اعمال نیک و بدشان آگاه کنم (116) قوم گفتند که ای نوح اگر از ادعایتان دست بردارید شمارا سنگ سار می‌کنیم (117) نوح ناراحت شد که ای خدا خودت می‌بینی که این قوم مرا تکذیب نمودند (118) گشایشی در کار من ایجاد کن مرا و پیروان مرا از شر آنها نجات بده

(119) دعای او را اجابت کردیم او را و همراهانش را در کشتی پر از جمعیت نجات دادیم (120) بقیه مردم را هم با آب و طوفان هلاک نمودیم (121) داستان نوح هم سراسر آیت الهی است و لیکن اکثریت ایمان نمی آورند (122) پروردگار تو مهربان و پیروزاست (123) قوم عاد هم پیغمبران خود را تکذیب نمودند (124) برادرشان هود پیغمبر به آنها گفت چرا از کفر و گناه پرهیز ندارید (125) من برای شما یک رسول امینم نجات بخش شمایم (126) از نا فرمانی خدا بترسید از من اطاعت کنید (127) من در برابر خدمات و تعلیمات خود مرزبی از شما نمی خواهم مرزب من با پروردگار عالمیان است (128) در ارتفاعات منازلی برای بازی و آرایش می سازید (129) بناهای محکم که شاید در دنیا جاوید باشید (130) وقتی که با ضعیفی منازعه دارید قلدرانه می تازید (131) از معصیت خدا بترسید و از من اطاعت کنید (132) پرهیزید از نافرمانی خدائی که این همه به شما کمک کرده است (133) چهارپایان و فرزندان به شما داده (134) باغ ها و چشمه ها و زراعت ها (135) می ترسم که در اثر کفران نعمت به عذاب الهی گرفتار شوید (136) گفتند ما را موعظه کنی یا نکنی اطاعت

نمی‌کنیم (137) این حرف‌ها که می‌گوئی افسانه گذشتگان است (128) هرگز عذاب نخواهیم شد (139) پیغمبر بزرگوار خود را تکذیب نمودند ما هم آنها را هلاک نمودیم این دعوت و هلاکت آیت الهی است ولی اکثریت ایمان نمی‌آورند (140) پروردگار تو پیروز و مهربان است (141) قوم ثمود هم پیغمبران خود را تکذیب نمودند (142) برادرشان صالح گفت چرا از معصیت خدا پرهیز ندارید (143) من برای شما پیغمبری امین هستم (144) از کفر و گناه بترسید از من اطاعت کنید (145) من در برابر خدمت رسالت مزدی از شما نمی‌طلبم اجر من با پروردگار عالمیان است (146) خیال می‌کنید این زندگی امن و امان برای شما قابل دوام است (147) این باغ‌ها و چشمه‌ها (148) و این زراعت‌ها و درخت‌های خرما که خیلی گوارا است (149) و این خانه‌های مسکونی که در دل کوه تراشیده و در آن آرمیده‌اید چنین نیست فردا نعش شما را از این جا بیرون می‌برند (150) تقوا پیشه کنید از من اطاعت نمائید (151) از این تجاوزگران اطاعت نکنید (152) که تا می‌توانند مفسده به پامی کنند ضد صلاح و مصلحتند (153) جواب دادند که تو باین ادعا از سا حران و جادوگران

هستی (154) تو هم مثل ما يك انسان هستی چه کاره‌ای اگر راست می‌گوئی آیت خود را ظاهر کن (155) صالح گفت این شتر که از دل کوه ظاهر شده معجزه من است يك روز آب شما را می‌خورد برابر آن شیر می‌دهد و روز دیگر آب را به شما واگذار می‌کند (156) به این شتر با برکت کاری نداشته باشید که عذاب الهی شمارا فرا می‌گیرد (157) آنها آیت الهی را پی کردند شتر را کشتند و فردا آن همه پشیمانی حاصل نمودند (158) عذاب الهی آنها را فرا گرفت و این عذاب هم آیت الهی بود گرچه بسیاری از مردم آن را قبول ندارند (159) پروردگارتو غالب و مهربان است (160) قوم لوط هم مانند آنها پیغمبرانشان را تکذیب نمودند (161) برادرشان لوط به آنها گفت چرا از غضب خدا نمی‌ترسید (162) من برای شما پیغمبری امین و درستکارم (163) از خدا بترسید و از من اطاعت کنید تا زندگی سالم پیدا کنید (164) من که از شما مزدی نمی‌خواهم اجر من با پروردگار عالمیان است (165) چه قدر بی‌حیا هستید که بر خلاف سنت خدا مردان با مردان رابطه پیدا می‌کنید (166) و همسران زیبا که به این منظور خلق شده‌اند کنار می‌گذارید از حدود الهی تجاوز می‌کنید (167) بی‌حیاها در جواب

گفتند که اگر از دعوت خود دست بر نداري تورا از شهر اخراج مي‌کنيم (168) لوط گفت من مخالف عمل زشت شما هستم دست به دعا برداشت که (169) پروردگارا مرا و خانواده مرا از شر اين مردم گناهکار آزاد کن (170) دعاي او مستجاب شد او را و خانواده‌اش رانجات داديم (171) مگر آن پیره زن همسرش را که در کفر و عذاب مردم باقي گذاشتيم (172) پس از آن تامامي جمعيت را نابود نموديم (173) سنگ و کلوخ بر سرشان باريديم چقدر بداست عاقبت مخالفين پيغمبران (174) داستان قوم لوط هم آيت الهي بود گر چه بسياري از مردم ايمان نمي‌آورند (175) پروردگار تو غالب و مهربان است (176) اصحاب ايکه قوم شعيب هم پيغمبران را تکذيب نمودند (177) شعيب به آنها گفت چرا از خدا نمي‌ترسيد (178) من براي شما پيغمبري صادق و امين هستم (179) از معصيت خدا بترسيد و از من که مامور خدا هستم اطاعت کنيد (180) من در برابر خدمات خود از شما اجر و مزيدي نمي طلبم اجر من باخدای عالميان است (181) کيل و وزن خود را رعايت کنيد با وفا باشيد به مردم ضرر نزنيد (182) با ترازوي عدالت اجناس خود را وزن کنيد (183) حقوق و اجناس

مردم را کم ندهید و در زمین مفسده به پانکنید (184) از نافرمانی خدائی که شما و پیشینیان شما را آفریده پرهیزید (185) گفتند ای شعیب تو از ساحران هستی که ادعای نبوت داری (186) تو هم مانند ما انسانی بیش نیستی به عقیده ما دروغ می‌گوئی (187) اگر راست می‌گوئی آسمان را سر ما خراب کن (188) شعیب گفت خدا از شما و اعمالتان آگاهی دارد (189) آنها هم پیغمبر خود را تکذیب نمودند و در سایه دود غلیظی که خیال کردند ابر رحمت است هلاک شدند (190) این عذاب‌ها آیت الهی است گر چه بسیاری از مردم عبرت نمی‌گیرند و ایمان نمی‌آورند (191) پروردگار تو پیروز و مهربان است (192) و این قرآن هم از جانب پروردگار عالمیان نازل می‌شود (193) جبرائیل امین وحی آن را بر قلب تو نازل می‌کند (194) تا مردم را به مقدراتشان آگاه کنی و عاقبت کفر و گناه را به آنها بنمایانی (195) این قرآن به زبان عربی فصیح نازل می‌شود (196) مندرجات این قرآن در کتب پیشینیان ثبت بوده است (197) برای قوم تو این دلیل کافی نیست که علمای بنی اسرائیل به حقانیت آن اعتراف کنند (198) اگر این قرآن را بر بعضی عجم‌ها نازل می‌کردیم (199) و

آنها براي عربها قرائت مي‌کردند ايمان نمي‌آوردند (200) اين روش خود خواهي در دل جنایت کاران رواج دارد که تسليم حق نمي‌شوند (201) آنها تا عذاب جهنم را نبينند ايمان نمي‌آورند (202) آن عذاب اليم ناگهاني آنها را محاصره مي‌کند (203) آنجا دادشان بلنداست که آيا مهلتي براي ما هست (204) آيا براي ظهور عذاب شتاب مي‌کنند که مي‌گويند کو و کجا است (205) درست دقت کن اگر روي مصلحت مدتي به آنها مهلت داديم (206) و بعد از گذشت آن مدت وعده قيامت فرا رسد (207) ثروت و قدرت موجود آنها براي شان سودي نخواهد داشت (208) ما هرگز شهر و روستائي را هلاک نمي‌کنيم مگر اين که اول آنها را به فساد کفر و گناه آگاه مي‌کنيم (209) تا آنها فساد ظلم و گناه خود را بدانند ما ظالم نيستيم کسي را غافلگير نمي‌کنم (210) اين قرآن به وسيله شياطين ديکته نشده است (211) چنين آياتي مناسب آنها نيست و چنين قدرتي ندارند (212) آنها از شناخت و شنوائي چنين کلام و بياني به دورند (213) کسي و چيزي را در خواهش و نيایش خود شريك خدا مکن که معذب خواهي شد (214) ابتدا خويشاوندان نزديک تر خود را به دين خدا دعوت کن (215) دامن مهر و

محبت خود را برای پذیرائی مومنین بگستران (216) اگر نافرمانی کردند از آنها فاصله بگیر بگو از اعمال شما بی‌زار و بری هستم (217) به‌خداي مهربان خود توکل داشته باش (218) که او تورا در حالات مختلف قیام و قعود می‌بیند (219) و هم چنین درحالات سجود و رکوع میان رکوع کنندگان (220) او خدائی شنوا و دانا است حالت و مسئله‌ای از او پنهان نیست (221) به‌شما بگویم شیاطین با چه کسی رابطه دارند کلام خود را به آنها دیکته می‌کنند (222) به سوي دروغگویان و گناهکاران فاسد و مفسد (223) کلام خود را به‌گوش آنها می‌دوانند اکثر آنها فاسد و مفسدند (224) گمراهان همه جا دنبال شعرائی هستند که چرند و پرند می‌بافند (225) مگر نمی‌بینی اکثر آنها درمیدان خرافات و خیالات پرسه می‌زنند (226) اشعاری می‌سرایند که عملاً از معنا و محتوای آن برکنارند عرفان می‌گویند و معرفت ندارند (227) مگر شعرائی که اهل ایمان و عمل صالحند به‌یاد خدایند و برابر ظالم متجاوز از خود دفاع می‌کنند به همین زودی ستم‌کاران خواهند دانست که در چه پرت گاهی سقوط می‌کنند.

سوره نمل

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت این که داستان مورچه و ارتباط آن با حضرت سلیمان در آن ذکر شده سوره نمل نامیده شده است

(1) طاء- سین - گفته شد که حروف قرآن اشاره به اصول حوادث و حقایق است. از نشانه های مخصوص کتاب الهی است زیرا کسی بجز خدا اصول حقایق و حوادث را نمی داند که توضیح دهد (2) این آیات برای اهل ایمان منشا هدایت و بشارت است (3) کسانی که نماز رابه پا می دارند زکات می دهند و یقین دارند (4) اما کسانی که به آخرت یقین ندارند دنیا در نظرشان جلوه می کند چشم عقلشان کور می شود (5) آنها عاقبت به عذاب سختی معذب می شوند خسارت جانی پیدا می کنند. پاورقی 221 (6) تو ای حبیب من قرآن را از خدای عالم و حکیم فرا

می‌گیری (7) آن‌جا که موسی به خانواده‌اش گفت آتشی از دور مرا جلب می‌کند بروم پاره‌ای بیاورم آتشی بر افروزم (8) وقتی به جای آتش رسید ندائی شنید که این آتش و کسی به آن جذب شده منشا برکت است خدا منزّه است که مانند آتش باشد او مربی عالمیان است (9) ای موسی من خدای عزیز و حکیم هستم که تورا به سوی خود کشانیده‌ام (10) عصای خود را بپنداز بین چه می‌شود انداخت و دید که مانند ماری جنبش دارد ترسید و فرار کرد موسی نترس برگرد پیغامبران در حضور من نمی‌ترسند (11) مگر ستمکاران که آنها هم اگر توبه کنند من آمرزنده و مهربانم (12) دست به جیب خود ببر و درآور بین چگونه بدون ضرر نورانیت پیدا می‌کند نه قسم معجزه در اختیار تو قرار می‌گیرد با این معجزات به سوی فرعون برو که آنها مردمی فاسقند (13) وقتی که با آن معجزات به سوی آنها رفت گفتند چه سحرهای عجیبی است (14) به زبان خود روی ظلم و تکبر منکر موسی و معجزات شدند با آنکه به قلب خود یقین داشتند بین عاقبت کار مفسدین به کجا می‌کشد (15) ما به داوود و سلیمان دانش و سلطنت دادیم شکر خدا را به جا آوردند که الحمدلله

خداوند ما را بر بسیاری از بندگان برتری بخشید (16) سلیمان حکومت و نبوت را از داوود به وراثت گرفت و به مردم ابلاغ نمود که ای مردم خداوند زبان پرندگان به ما آموخت از هرچیزی به ما بخشید که این بخشش فضیلتی بزرگ است (17) لشکریان سلیمان جن و انس و پرندگان همه آماده شدند سلیمان آنها را گروه گروه هر کدام را به کاری مامور می‌کرد (18) روزی با لشکریان خود به لانه مورچگان رسید مورچه‌ای به مورچگان دیگر گفت که همه به لانه خود پناه ببرید که سلیمان و لشکرش شمارا پایمال نکنند آنها نمی‌فهمند (19) سلیمان از این دستور خنده‌اش گرفت عرض کرد پروردگارا به من الهام کن تا شکر این نعمت‌ها که به من و پدر و مادرم بخشیدی بجای آورم خدماتی شایسته داشته باشم موجب رضای تو باشد به لطف و رحمت خود ما را در جمع بندگان صالح خود قرار بده (20) پرندگان روی سر او سایه انداختند هدهد را در جای خود ندید گفت کجا است هدهد او را نمی‌بینم (21) او را سخت عذاب می‌کنم یا می‌کشم مگر که عذر موجهی بیاورد (22) کمی صبر کرد هدهد حاضر شد گفت از شهر سبا اطلاعاتی دارم که شما ندارید (23) زنی را دیدم که بر

آنها حکومت می‌کند همه جور امکانات در اختیار دارد تختی عظیم و جواهر نشان دارد (24) او با قوم خود خورشید را می‌پرستند بت پرستی را شیاطین به نظرشان جلوه داده‌اند و از راه خدا باز داشته‌اند شعور خدا پرستی ندارند (25) چرا خدا را نمی‌پرستند که آنچه در آسمان و زمین پنهان است ظاهر می‌کند و آنچه مخفی و آشکار است می‌داند (26) خدائی که به جز او خدائی نیست مالک عرش عظیم قدرت است (27) سلیمان به هدهد گفت باشد تحقیق می‌کنم گزارش تو حقیقت دارد یادروغ است (28) نامه‌ام را ببر به دامن او بینداز و بعد فاصله بگیر تا ببینم چه خبر می‌شود (29) نامه را رسانید ملکه سبا رؤسارا جمع کرد که از بزرگواری نامه به من رسیده است (30) نامه از سلیمان است نوشته بسم الله الرحمن الرحيم (31) مبادا خود را از من برتر و بالاتر بدانید همه بیائید تسلیم من شوید (32) ملکه به سران قوم گفت نظر بدهید من برای خود بدون نظر شما کاری انجام نمی‌دهم (33) جواب دادند که ما مرد جنگیم نیرومندیم فرمان باتو است به هر چه دستور فرمائی (34) ملکه گفت که پادشاهان اگر مملکتی را بگیرند به فساد می‌کشند مردم را

به ذلت و خواری می‌کشانند که اقتضای پیروزی همین است (35) فکر می‌کنم هدیه‌ای برای آنها بفرستم بعد بینم مامورین با چه وضعی بر می‌گردند (36) مامورین با هدایا به دربار سلیمان آمدند سلیمان گفت می‌خواهید با اموال خود ما را تقویت کنید آنچه خدا به من داده بهتر است از آنچه به شما داده شما به هدایای خود می‌نازید (37) برگردید به کشور خود با چنان لشکری بر شما بتازم که هیچ کس نتواند با آن مقابله کند شما را با ذلت و خواری از آن مملکت اخراج می‌کنم (38) مامورین ملکه با هدایا برگشتند و آماده تسلیم شدند سلیمان به سران قوم گفت کدامتان پیش از ورود ملکه تخت اورادر این جا حاضر می‌کنید. پاورقی 222 (39) عفریتی از جنیان گفت من پیش از پایان مجلس آن را حاضر می‌کنم من بر این کار امین و توانایم (40) و آن دیگری که کمی علم الهی داشت گفت من فوری در یک چشم بهم زدن حاضر می‌کنم سلیمان تا نگاه کرد تخت حاضر بود گفت این لطف خدا است که به من رسیده تا مرا آزمایش کند منظور دارم یا ندارم هرکس کفران کند پروردگار من از او بی‌نیاز است (41) سلیمان گفت تخت او را نا شناخته برابرش بگذارید بینم می‌شناسد یا

نمی‌شناسد (42) وقتی که ملکه در دربار حاضر شد به او گفتند این تخت سلطنتی شما است گفت مثل این که آری پیش از این قدرت شما را شناخته بودم تسلیم شما بودم (43) سلیمان او را وقومش را از بت پرستی باز داشت که او از اقوام کافر به خدا بود (44) در راه عبور حوضی با در پوشی از شیشه بود گفتند از این جا عبور کن خیال کرد آب است ساق پای خود را بالا زد تا عبور کند گفتند آب نیست شیشه است عظمت تشکیلات در او اثر گذاشت گفت خدا یا به خود و سلیمان ستم کردم من تسلیم پروردگار عالمیان شدم (45) به سوی قوم نمود هم برادرشان صالح را رسالت دادیم که ای مردم خدا را عبادت کنید آنها در برابر دعوت به اختلاف افتادند دو گروه باهم مجادله داشتند (46) رسول خدا به آنها گفت چرا پیش از نکوکاری شتاب زده بدکاری می‌کنید چرا طلب مغفرت نمی‌کنید که شاید لطف خدا شما را فرا گیرد (47) گفتند ماتو و همراهان تو را به فال بد می‌گیریم صالح گفت مقدرات بد و خوب شما به دست خدا است شما فریفته گناه و معصیت شده‌اید (48) نه طایفه در شهر به تبهکاری مشغول بودند ضد صلاح

و اصلاح جامعه فعالیت داشتند (49) بایکدیگر هم قسم شدند که شبانه بتازند او را به قتل برسانند و فردا منکر قتل شوند بگویند از قتل او بی خبریم و راست می‌گوئیم (50) نقشه شومی داشتند که مکر آنها به خودشان برگشت و هلاک شدند (51) نتیجه مکر آنها این شد که ما آن افراد تبه کار را به هلاکت انداختیم (52) فردا مشاهده شد که خانه‌ها از سکنه خالی شده این هلاکت در اثر کفر و گناه آیت الهی است (53) از این عذاب اهل ایمان را نجات دادیم (54) و داستان لوط پیغمبر که به قوم خود گفت عمل زشتی مرتکب می‌شوید که خودتان می‌دانید (55) رابطه جنسی خود را به جای زنان با مردان به کار می‌برید چه بد قوم نادانی هستید (56) آن قوم گناهکار جوابی نداشتند جز این که گفتند لوط و خانواده‌اش را به جرم پاکی از شهر و دیار خود خارج کنید (57) و لیکن ما لوط و خانواده‌اش را به جز همسرش که مستحق عذاب بود نجات دادیم (58) قوم لوط را در معرض بارش سنگ و کلوخ و زلزله قرار دادیم چه بد بارش و بارانی بود (59) الحمد لله که سلام و سلامتی اختصاص به بندگان خالص خدا دارد آیا خدا بهتر است یا کسانی را که در عبادت

شريك خدا مي‌سازيد(60)آيا خدائي كه عوالم آسمان و زمين را ساخته و از آسمان آب نازل مي‌كند و اين همه باغ و نباتات سبز و خرم مي‌روياند كه شما مردم قدرت آفرينش برگي از آنها را نداريد آيا با اين خدا خدای ديگري هست بلكه شما قومي مشرك مي‌باشيد (61)آيا كسي كه اين كره زمين را قرارگاه شما ساخته و اين همه نهرها از داخل كوه‌ها براي شما جاري نموده و كوه‌ها را و ابر قدرت‌هاي ديني را در روي زمين استوار نموده درياهاي تلخ و شور و يا فرهنگ گوارا و ناگوار براي شما به وجود آورده و از اختلاط اين دو دريا و دو فرهنگ جلو گيري نموده با اين خدا خدای ديگري هست اكثر مردم از عقل خود استفاده نمي‌كنند (62)آيا كسي كه خواهش بيچارگان را در شدت بيچارگي اجابت مي‌كند و بلاهارا از آنها برطرف مي‌نمايد و به شما نيكوکاران در زمين خلافت مي‌دهد باز هم مي‌گوئيد با اين خدا خدای ديگري هست چقدر كمند كه حقيقت را درك مي‌كنند (63)آيا كسي كه در تاريخي‌هاي دريا و صحرا و ياق و باطل شما را هدايت مي‌كند و به وسيله بادها و يا حوادث شما را به لطف و رحمت خود مژده مي‌دهد با اين خدا خدای ديگري هست خدا

منزه است از آنچه برای او شریک می‌تراشید (64) چه کسی خلقت بندگان را شروع می‌کند و دو مرتبه آنها را به حیات بر می‌گرداند و یا چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد باز هم می‌گوئید با خدا خدای دیگری هست اگر راست می‌گوئید برهان خود را بیاورید (65) به آنها بگو آنچه در آسمان و زمین پنهان است به جز خدا کسی نمی‌داند و مردم نمی‌دانند چه زمانی در قیامت مبعوث می‌شوند (66) بلکه این علم را در آخرت به دست می‌آورند و امروز در زندگی آخرت شك دارند در کوری و کوری فرو رفته‌اند (67) کفار تعجب می‌کنند که اگر به خاک برگشتیم چه طور زنده می‌شویم (68) می‌گویند پیش از این چنین وعده‌هایی داده شده این حرف‌ها افسانه‌های تاریخ است (69) بگو تاریخ را مطالعه کنید ببینید عاقبت گناهکاران به کجا کشید (70) برای آنها ناراحت مباش واز مکر و حيله آنها به تنگ نیائی (71) می‌پرسند اگر شما راست می‌گوئید و عده قیامت کی است (72) بگو شاید آینده‌ها که شما در آن شتاب دارید ردیف يك دیگر ظاهر شود (73) لطف و رحمت خدا شامل حال مردم است به آنها مهلت می‌دهد گر چه بسیاری از مردم نمی‌دانند

(74) خدا از افکار درونی و ظاهر و باطن آنها خبر دارد
(75) آنچه در آسمان و زمین پنهان است در کتاب
خدا ثبت است (76) این قرآن هم بسیاری از اختلافات
بنی اسرائیل را برای آنها روشن می‌سازد (77) و این
قرآن برای جهانیان مومن مایه هدایت و رحمت است
(78) روز قیامت خدا بین آنها به حق قضاوت خواهد کرد
او غالب و توانا است (79) تو در راه حق و دین حق
حرکت می‌کنی به خدا توکل داشته باش (80) حتما
بدان که نمی‌توانی به مردگان و کران که جهت خلاف
حق حرکت دارند حرف حق را بشنوانی (81) و تو
نمی‌توانی نابینایان را از گمراهی برگردانی و هدایت
کنی فقط به کسی می‌توانی حرف حق را بشنوانی
که ایمان به آیات ما بیاورد و مسلمان باشد
(82) زمانی که محکومیت اهل دنیا قطعی شود
بندهای از بندگان خود را ظاهر می‌کنیم به آنها
هشدار دهد و لیکن مردم ایمان به آیات ما نیاورده‌اند
(83) روزی که از هر امتی گروهی از تکذیب‌کنندگان
را محشور کنیم و آنها را در دادگاه‌های قیامت توزیع
نمائیم (در دادگاه‌های امام زمان اول سران حق و
باطل به محاکمه کشیده می‌شوند بعد پیروان زنده
شده به پیشوایان خود ملحق می‌شوند) (84) وقتی

که وارد قیامت شوند به آنها گفته می شود شما بودید که دین و آیات ما را جاهلانۀ تکذیب نمودید و چه اعمال بدی که مرتکب شدید (85) در این حال محکومیت آنها به دلیل ظلمها که داشته اند قطعی می شود و عذری ندارند (86) مگر ندیدند و فکر نکردند که شب را ویا دوره غیبت امام را مایه آرامش آنها قرار دادیم و روز را و یادوره ظهور امام را مایه معاش آنها این تحولات برای آنها آیت الهی است (87) روزی که فرمان مرگ این زندگی دنیائی صادر شود هرکسی در آسمان و زمین باشد می میرد مگر آن که را خدا بخواهد و بعد همه آنها به حال تسلیم به دایره حکومت مارجوع می کنند . پاورقی 223 (88) کوهها یا ابرقدرتها را به حال سکون و سکوت می بینی با این که مانند ابرها در سیر و حرکتند این صنعت خداوند متعال است که هر چیزی را محکم و متقن آفریده است خدا به احوال آنها آگاه است (89) هرکس عمل نیک انجام دهد بهتر از عملش اجر می برد و از مهالك قیامت در امان است (90) و هرکس عمل بد مرتکب شود از مسیر کفر و گناه سرازیر آتش می شود که نتیجه عمل آنهاست (91) من که مامورم پروردگار خانه کعبه را پرستش کنم که به آن حرمت داده

است همه چیز مال او است مامورم که مسلمان باشم (92) و مامورم قرآن را برای مردم تلاوت کنم هرکس هدایت یابد به نفع خود هدایت یافته و هرکس گمراه شود من مسئول گمراهی او نیستم مردم را از کفر و گناه می ترسانم (93) بگو الحمد لله به زودی خدا نشانه های قدرت و عظمت خود را به نمایش می گذارد و شما خواهید دانست که خدا از اعمال مردم غافل نیست.

سوره قصص

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت بازگویی داستان پیغمبران سوره قصص نامیده شده (1) ط-ا- سین - میم - معانی حروف در سوره های قبل گذشت که از اصول خلقت خبر می دهد (2) این حروف نشانه علمیت این کتاب مبین است (3) ما داستان موسی و فرعون را چنانکه حقیقت است برای تو و اهل ایمان بازگو می کنیم (4) فرعون تکبر و طغیان خود را به انتها

رسانید ملت را به دو گروه متکبر و مستضعف تقسیم کرد گروه مستضعف را چنان به ذلت کشانید که پسرانشان را ذبح می‌کرد و دخترانشان را زنده نگه می‌داشت او ظالم و تبهکار بود (5) ما اراده کردیم مستضعفین را به قدرت برسانیم و آنها را وارث ملک زمین کنیم (6) امکانات زمین را به آنها بسپاریم ذلت فرعون و هامان و افراد متکبر آنها را به نمایش بگذاریم بنی اسرائیل را بر کسانی که از آنها می‌ترسیدند مسلط کنیم (7) برای اجرای این تقدیر به مادر موسی وحی کردیم بچه‌ات را شیربده خدا حفظ می‌کند اگر ترسیدی او را به رود نیل بسپار، نترسی غصه نخوری او را به تو بر می‌گردانیم به مقام رسالت می‌رسانیم (8) موج آب موسی را به دربار فرعون برد بلکه او را از آب گرفت تا در آینده دشمن آنها و مایه غم آنها باشد فرعون و هامان و وابستگان آنها خطاکار بودند (9) زن فرعون بچه را گرفت و گفت نور چشم ما و تو است مبادا او را بکشی شاید به نفع ما و یافرزند ما باشد ندانستند که این کودک چه آینده‌ای دارد (10) در جستجوی دایه بچه را به مادر رسانیدیم تا خیال مادر آرام شد با این که اگر قلب مادر را تصرف نکرده بودیم سر خود را فاش می‌کرد تا قدرت خدا را ببیند و

ایمان بیاورد (11) وقتی که کودک را به آب انداخت به خواهرش گفت از دور نظارت کن تا چه می‌شود خواهرش نگران بود تا کسی نفهمد (12) ملکه در پی دایه بود موسی پستان دایه هارا نگرفت خاله‌اش گفت می‌خواهید دایه‌ای را معرفی کنم که او را پذیرائی کند و حافظ او باشد (13) کودک را به مادر برگردانیدیم تا چشمش روشن شود غمگین نباشد و بداند که وعده خدا حق است گرچه بسیاری از مردم خبر ندارند (14) موسی در دربار فرعون به حد بلوغ و اعتدال رسید مابه او علم و حکمت دادیم ما پاداش نیکوکاران را چنین می‌دهیم (15) یک روز بدون آگاهی خانواده می‌مانان شاهر می‌گشت دید که دو نفر با هم می‌جنگند یکی از دوستان و دیگری از دشمنان است دوست موسی استغاثه کرد از موسی کمک خواست موسی مشتتی به سر دشمن کوبید و او در جا مرد موسی گفت غضب شیطانی بود شیطان دشمن گمراه کننده است (16) عرض کرد پروردگارا به خود ستم کردم که او را کشتم مرا بیامرز او را آمرزیدیم خدا آمرزنده و مهربان است (17) و بعد عرض کرد پروردگارا اکنون که مرا آمرزیدی توفیق بده مبادا کمک

جنایتکاران باشم (18) خوف وحشت در اثر قتل او را فرا گرفت و بعد مردی که دیروز از او کمک گرفته بود گرفتار بود باز هم کمک خواست موسی گفت تو مرد گمراهی هستی (19) و باز اراده کرد به آن قبطنی که دشمن هردو نفر بود حمله کند قبطنی داد زد که موسی می‌خواهی مرا بکشی چنان که دیروز مردی را کشتی می‌خواهی در زمین مرد جباری باشی و نمی‌خواهی که مردی مصلح باشی (20) در این حال مردی از انتهای شهر آمد که ای موسی فرعونیان شورا گرفته‌اند که تورا به جرم قتل اعدام کنند بهترین است که فرار کنی من تورا نصیحت می‌کنم (21) موسی با مراقبت کامل که مبادا او را دستگیر کنند فرار کرد عرضه داشت پروردگارا مرا از شر این ستمکاران نجات بده (22) در فرار خود به طرف مدین توجه نمود امیدوار به خدا بود که او را به راه زندگی و راه نجات هدایت کند (23) به چاه‌های شهر مدین رسید مشاهده کرد که مردم گوسفندان خود را آب می‌دهند و آن طرف دیگر دو دختر گوسفندان را از آب باز می‌دارند به آنها گفت چه شده شمارا گفتند منتظریم چوپانان بروند از باز مانده آب آنها استفاده کنیم پدرمان پیر و ناتوان است

(24) آب کشید گوسفندان آنها را آب داد و در سایه درخت نشست عرض کرد پروردگارا سخت به روزی تو محتاجم (امام فرمود موسی قرص نانی تقاضا کرد) (25) در این حال دید یکی از دختران در وضع حیا و عفت آمد و گفت پدرم تورا خواسته تا مزد آب کشی ات را بپردازد موسی به خانه آنها رفت داستان خود را برای آنها بازگو کرد شعیب پیرمرد گفت نترس از شر ظالم نجات یفتی (26) یکی از دختران گفت پدر او را استخدام کن مردی توانا و امین است (27) شعیب گفت موسی تصمیم دارم یکی از این دو دختر م را به عقد تو درآورم که در مقابل هشت سال برای من شبانی کنی و اگر آن را به ده سال تکمیل نمودی به میل تو است نمی‌خواهم تورا به زحمت اندازم خواهی دانست که مردی صالح هستم (28) موسی گفت مانعی ندارد بین من و تو این معاهده محفوظ باشد هر يك از این دو مدت را رعایت کردم وظیفه ام را انجام داده‌ام خدا بین من تو وکیل باشد (29) موسی مدت را تمام کرد با همسرش و گوسفندانش به طرف فلسطین حرکت نمود نیاز به آتش پیدا کردند در طرف کوه طور ایمن روشنائی دید گفت همین جا باشید برای شما پاره آتشی بیاورم

شاید روشن کنید و گرم شوید (30) به طرف آتش دوید مشاهده کرد درختی سبز و نورانی است خداوند در آن وادی ایمن از آن بقعه مبارکه از شجره ولایت او را صدا زد که ای موسی من خدا هستم تورا صدا می‌زنم پروردگار عالمیانم (31) عصایت را بینداز بین چه می‌شود به ناگاه دید عصا ماری شد که از درون می‌جنبید موسی فرار کرد که بر نگردد خدا صدا زد موسی برگرد تو ایمن هستی (32) معجزه دیگر دستت را به جیب خود ببر بیرون بیاور بین چقدر نورانی و بی ضرر است انزوا و گوشه گیری را رها کن به سوی فرعون و قوم او رسالت داری که آنها مردمی فاسقند (33) موسی عرض کرد پروردگارا من يك نفر از آنها را کشته‌ام می‌ترسم مرا اعدام کنند (34) برادرم هارون زبان گویا تری دارد او را مامور کن کمک من باشد مرا تصدیق کند می‌ترسم آنها مرا تکذیب کنند (35) خدا فرمود مانعی ندارد پشت تورا به وسیله او محکم می‌کنم به شما قدرت می‌دهم مبادا مزاحم شوند شما و پیروان شما پیروزی (36) وقتی که که موسی با معجزات به سوی آنها رفت گفتند که این‌ها همه سحراست به خدا دروغ می‌بندند در روزگار گذشته چنین حرف‌ها سابقه ندارد

(37) موسی گفت خدا خود می‌داند که برای شما وسیله هدایت فرستاده است خدا می‌داند که عاقبت کار به نفع کیست حقیقت این است که ظالم رستگار نمی‌شود (38) فرعون داد زد که ای مردم من خدایی به غیر خود سراغ ندارم ای هامان برج بلندی بساز بروم آن بالا بینم خدای موسی کیست گمان می‌کنم دروغ می‌گوید (39) فرعون و لشکریانش را تکبر فرا گرفت باد به دماغ انداختند خیال کردند به دایره حکومت خدا بر نمی‌گردند (40) ما به دست قدرت خود فرعون و لشکریانش را به دریا افکندیم بین عاقبت کار ستمکاران به کجاکشید (41) آنها گروهی بودند که مردم را در دنیا به فساد و در آخرت به جهنم کشیدند نمی‌توانند از نصرت خدا استفاده کنند (42) بدرقه آنها در دنیا لعنت و نفرین و در قیامت چهره‌ای زشت خواهد بود (43) ما به موسی بعد از هلاکت نسل اول کتابی دادیم مایه رحمت و هدایت برای مردمی بود که به یاد خدا بودند (44) تو در وضع غربی امت موسی نبودی و شاهد وضعیت فکری آنها نبودی (امت موسی را غربیون می‌نامند که معنویتشان در مادیتشان غروب کرده است) (45) ولیکن قرن‌های تاریخ را یکی بعد از دیگری به

وجود آوردیم در طول مدت احکام خدا را تغییر دادند و هم چنین در زندگی شعیب و اهل مدین نبودی که آیات ما را برای آنها بخوانی مابه سوی آنها پیغمبران فرستادیم (46) و در جانب کوه طور نبودی که رابطه ما را با موسی بدانی مابه لطف و رحمت خود تو را به این داستانها آگاه نمودیم تا بتوانی قوم خود را هدایت کنی قومی که پیش از این پیغمبری نداشته‌اند شاید حقیقت را درک نمایند (47) مبادا قوم تو در اثر کفر و گناه به هلاکت برسند و اعتراض کنند که ای خدا پیغمبری نفرستادی که از او پیروی کنیم و مومن باشیم (48) و حالا که پیغمبر به سوی آنها آمده می‌گویند چرا مانند موسی معجزه ندارد مگر همانها نبودند که پیش از تو کافر به موسی و معجزات بودند و گفتند سحر خود را آشکار نموده است ما کافر به پیغمبران هستیم (49) بگو اگر شما در ادعای خود صادقید کتابی بیاورید که بهتر از این دو کتاب تورات و قرآن هدایت کند من هم از آن کتاب پیروی می‌کنم (50) اگر دعوت تو را نپذیرفتند بدان که از هوا و هوس خود پیروی می‌کنند از کسانی که تابع هوا و هوس خود هستند کسی گمراه‌تر نیست خدا قوم ظالم را هدایت نمی‌کند

(51) ما گفته حق را به طور اتصال به آنها عرضه کردیم شاید به یاد خدا باشند (52) کسانی که پیش از نزول قرآن از کتابهای آسمانی بهره گرفته‌اند به این قرآن هم ایمان می‌آورند (53) وقتی که قرآن برای آنها تلاوت می‌شود می‌گویند ایمان آوردیم حق است از جانب پروردگار است ما پیش از این مسلمان بودیم (54) آنها هستند که در دنیا و آخرت در برابر صبر دو برابر اجر می‌برند آنها ایند که بانیکی بدی را محو می‌کنند و از آنچه به آنها داده‌ایم انفاق می‌کنند (55) آنها از لهو و لعب اعراض می‌کنند به بازیگران می‌گویند هرکس نتیجه عمل خود را می‌برد سلامت باشید ما در پی دوستی با جهال نیستیم (56) هدایت دوستان به دست تو نیست به دست خدا است هر که را بخواهد هدایت می‌کند او هدایت جویان را بهتر می‌شناسد (57) می‌گویند اگر از تو پیروی کنیم از این سرزمین ربوده می‌شویم مگر حرمی امن و امان برای آنها قرار نداده‌ایم که ثمرات هر چیزی از همه جا به شهر آنها کشیده می‌شود رزق آنها از جانب ما مقدر است ولی بسیاری از آنها نمی‌دانند (58) چقدر زیاد ثروتمندانی را به هلاکت کشانیده‌ایم که در ناز و نعمت بوده‌اند منازلشان

خراب شده و ما مالک ملک آنها شده‌ایم (59) خداوند هرگز شهرو دهی را به هلاکت نمی‌کشد مگر این که اول در مرکز مورد توجه آن شهر رسولی به سوی آنها می‌فرستد تا آیات خدا را برای آنها تلاوت کند در زمانی به هلاکت می‌رسند که ظالم باشند (60) این زندگی جلوه دنیا است که به شما رسیده ولی آنچه نزد خدا برای شما ذخیره شده بهتر و باقی‌تر است آیا عقل خود را به کار نمی‌برید (61) آیا کسی که مابه او وعده نیکو داده‌ایم و به وعده نائل می‌شود مانند کسی است که بهره‌دنیایی دارد و بعد با دست خالی وارد محشر می‌شود (62) در آنجا به آنها صدا می‌زنیم کجایند کسانی که آنها را شریک ما دانستید و از آنها اطاعت نمودید (63) در آنجا کسانی که محکوم به عذاب شده‌اند عذر می‌آورند که پروردگارا آنها کسانی هستند که ما آنها را گمراه نمودیم چنانکه گمراه شدیم از آنها بی‌زاری جستیم به سوی تو آمدیم آنها ما را پرستش نکردند بلکه به دنبال منافع خود بودند (64) به اغوا شده‌گان گفته می‌شود که شما آنها را شریک خدا قرار دادید حوائج خود را از آنها بخواهید آنها حوائج خود را می‌طلبند ولی اجابت نمی‌کنند اگر هدایت یافته بودند می‌دانستند که با

عذاب آنها رو به رو شده‌اند (65) آن روز جمعیت گمراه را صدا می‌زنند که چقدر از پیغمبران اطاعت کردید (66) آنها گنج می‌شوند که پیغمبری نشناخته بودند سوال و پرسشی از یکدیگر ندارند با فرهنگ رسالت بیگانه بوده‌اند (67) ولیکن آنها که اهل ایمان و عمل صالح بوده‌اند شاید که رستگار شده باشند (68) همانطور که خلقت به دست خدا است اختیارات هم به دست خدا است مردم در کار خدا حق مداخله و اختیار ندارند خدا منزّه است که کسی را شریک خود قرار دهد (69) خدا از اسرار و نیت آنها و کار و گفتار آنها با خبر است (70) او خدائی است که به جز او خدائی نیست ستایش حمد در دنیا و آخرت مخصوص او است حکومت با اوست همه به سوی او رجوع خواهید کرد (71) به آنها بگو فکر کنید اگر خدای شب را و یا جهل آنها را تا روز قیامت ثابت نگه دارد چه کسی می‌تواند روشنائی و یا علم به وجود آورد چرا گفته حق را نمی‌شنوند (72) و یا اگر بخواهد روز روشن را تا قیامت ادامه دهد چه کسی می‌تواند شب را و یا غفلت را برای آرامش شما بوجود آورد چرا به حقیقت فکر نمی‌کنید. پاورقی 224 (73) این لطف و رحمت خداست که برای شما شب و روز و

یا آگاهی و غفلت بوجود آورده تا بعد از استراحت شب‌ها بتوانید دنبال روزی خدا و فضیلت بروید چراغ‌الطف خدا را منظور نمی‌دارید (74) فردای قیامت آنها را صدا می‌زنند کجایند کسانی که شما از آنها اطاعت کردید و آنها را شریک خدا قرار دادید (75) ما افراد برجسته از هرامتی را احضار می‌کنیم که دلائل حقانیت خود را بیاورید در آن روز خواهند فهمید که حق با خدا است و دیگر وسائل کفر و گناه در اختیار آنها نیست (76) قارون از ثروتمندان قوم موسی بود به حقوق آنها تجاوز نمود آن قدر گنج طلا و جواهرات در اختیار داشت که کلید گنج‌های او چند نفر را خسته می‌کرد قوم موسی به او گفتند این قدر به خود مناز که خدا ناز و تکبر را دوست نمی‌دارد (77) از این ثروت که خدایه توداده آخرت خود را آباد کن بهره‌دنیائی خود را هم فراموش مکن به مردم احسان کن چنانکه خدایه تو احسان کرده است به دنبال تبه کاری و فساد مباش که خدا تبه کاران را دوست نمی‌دارد (78) قارون گفت این گنج‌ها را به علم خود فراهم کرده‌ام مگر ندانست که ما چگونه ثروتمندان تاریخ را اهلاک نموده‌ایم کسانی که ثروتشان از او بیشتر و توانا تر بوده‌اند ستمکاران بدون محاکمه

محکومند (79) قارون خود را با زینت و جواهرات برابر مردم نمایش داد دنیاپرستان گفتند کاش ما هم مانند قارون این همه ثروت می‌داشتیم که حقیقتاً خوش بخت است و بهره بزرگی دارد (80) و آنها که عاقل بودند پرخاش کردند که وای بر شما ثواب آخرت برای اهل ایمان و عمل صالح بهتر است و جز مردم با ایمان و صبور کسی به آن نائل نمی‌شود (81) ما قارون و جواهراتش را به قعر زمین فرو بردیم کسی به جز خدا نبود که او را یاری کند و نمی‌توانست از خود دفاع کند (82) فردا مردمی که آرزوی ثروت او را داشتند گفتند وای بر ما ثروت و عزت به دست خدا است به هرکسی بخواهد وسعت می‌دهد یا نمی‌دهد اگر لطف خدا نبود زمین ما را می‌بلعید حقیقت این است که کافر رستگار نمی‌شود (83) ما زندگی آخرت را برای کسانی مقدر می‌کنیم که برتری جوئی و فساد انگیزی ندارند و عاقبت نصیب اهل تقوا خواهد بود (84) هرکس عمل نیکی انجام دهد بهتر از آن اجر می‌برد و هرکس مرتکب اعمال بد شود نتیجه آن را می‌برد (85) خدائی که ضامن اجرای فرائض قرآن است تورا به وعدهائی که داده است می‌رساند بگو پروردگار من هدایت یافتگان و گمراهان را بهتر

می‌شناسد (86) تو انتظار نداشتی که چنین کتابی بر تو نازل شود جز این که لطف خدا تورا فرا گیرد مبادا کمک کفار باشی (87) مبادا کسی یا چیزی تو را از اجرای آیات خدا بعد از آنکه نازل شده است باز دارد مردم رابه دین پروردگار دعوت کن مبادا از مشرکین شناخته شوی (88) کسی را در خواهش و تقاضا با خدا شریک مکن همه چیز بجز آنچه وجهه الهی دارد نابود می‌شود حکم و حکومت با اوست همه به سوی او برمی‌گردید.

سوره عنکبوت

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) الف - لام - میم - یکی از معانی حروف اثبات ابدیت قرآن است یعنی همان طور که حروف تلفظی انتها ندارد حروف تکوینی هم انتها ندارد (2) مردم خیال می‌کنند به محض تظاهر به ایمان بدون آزمایش و امتحان به خود واگذار می‌شوند. پاورقی 225 (3) ماگذشتگان را امتحان کردیم تقدیر حتمی خدا

این است که صادق و کاذب مشخص شوند (4) یا شاید بدکاران خیال می‌کنند که بر ما غلبه کرده‌اند چه بد قضاوت می‌کنند (آنها از حلم ما و مهلتی که به آنها داده‌ایم استفاده می‌کنند نه این که بر ما غلبه کرده باشند) (5) هرکس امیدوار به ملاقات خدا است بداند که روز ملاقات خواهد رسید او شنوا و دانا است (6) هرکس در راه خیر کوشش کند به نفع او است خدا از تمامی عالمیان بی‌نیاز است (7) هرکس اهل ایمان و عمل صالح باشد ما آثار اعمال بد را از وجود او می‌زدائیم و بهترین پاداش را به پاداش بهترین اعمال به او می‌رسانیم (8) ما انسان را به رعایت حق پدر و مادر و احسان به آنها سفارش کردیم اگر او را وادار به معصیت کردند اطاعت نکند (ولی احسان خود را ادامه دهد) باز گشت همه به سوی من است شما را به اعمالتان آگاه می‌کنم (9) هرکس اهل ایمان و عمل صالح است با اهل ایمان و نیکان محشور می‌شود (10) بعضی اظهار می‌دارند که ایمان دارند اما اگر در راه خدا مصیبت ببینند دین خدا را رها می‌کنند خیال می‌کنند اذیت مردم مانند عذاب خدا است اما اگر پیروزی به شما (مسلمانان) برسد اظهار می‌دارند که

با شمايند مگر خدا از همه بهتر به اسرار دل مردم آگاه نيست (11) لازم است مومن و منافق از يکديگر مشخص شوند (12) کفار به مومنين ميگويند اگر از ما اطاعت کنيد مسئوليت شما را به عهده داريم با اين که عهده دار خطاي شما نمي شوند دروغ ميگويند به محض ظهور محکوميت فرار ميکنند (13) اما روز قيامت بار سنگين گناه خود و آنها را بايد تحمل کنند و مسئول اکاذيب خود باشند (14) مانوح را به طرف قوم خود رسالت داديم نهصد و پنجاه سال در ميان قوم خود رسالت داشت عاقبت قوم او به وسيله طوفان هلاک شدند که ظالم بودند (15) مانوح را واهل کشتي را نجات داديم و اين طوفان و کشتي را براي اهل عالم درس عبرت قرار داديم (16) ابراهيم به قوم خود گفت خدا را عبادت کنيد تقوا پيشه کنيد اطاعت خدا از هر چيزي بهتر است اگر بدانيد (17) شما به جاي خدا بتها را ميپرستيد به کار و گفتار خلاف مشغوليد اين بتها و بت سازان نفعي به حال شما ندارند روزي خود را از خدا بخواهيد او را بپرستيد شکر او را به جا آوريد که باز گشت شما به سوي خداست (18) اگر دين خدا را تکذيب ميکنيد امتهاي پيش از شما هم تکذيب کردند

وظیفه پیغمبران فقط تبلیغ است (19) مگر نمی بینید که خدا خلق را چگونه می آفریند و دو مرتبه زندگی آخرت به وجود می آورد این کار برای خدا آسان است (20) بگو در تاریخ سیر کنید ببینید چگونه خدا می آفریند و دو مرتبه به حیات بر می گرداند خدا این طور زندگی آخرت را دایر می گرداند خدا به هر کاری توانا است (21) هر کسی را بخواهد عذاب می کند و به هر کسی بخواهد رحم می کند آخرین تحول شما دایره حکومت اوست (22) شما در زمین و آسمان نمی توانید خدا را از کار خود باز دارید و جز خدا سر پرستی و یآوری ندارید (23) کسانی که کافر به آیات خدا و روز لقاء الله می شوند عاقبت یاس از رحمت خدا پیدا می کنند و به عذابی الیم مبتلا می شوند (24) قوم ابراهیم در برابر این دعوت جوابی نداشتند مگر این که گفتند باید او را بکشید یا بسوزانید خداوند او را از آتش نجات داد این حادثه هم آیت بزرگی برای اهل ایمان بود (25) به آنها گفت این بت پرستی و آدم پرستی را مایه دوستی بین خود قرار داده اید اما روز قیامت کافر به حق یکدیگر شده و یکدیگر را لعنت می کنید جای شما آتش است و یار و یآوری ندارید (26) لوط به ابراهیم ایمان آورد ابراهیم

گفت من از این بلاد به سوي پرودگارم هجرت مي‌کنم خدای من غالب و حکیم است (27) در این مهاجرت پسرانی مانند اسحاق و یعقوب به او بخشیدیم و در نسل او نبوت و کتاب قرار دادیم پاداش نیک به او دادیم و در آخرت از بندگان صالح ما خواهد بود (28) و همچنین لوط پیغمبر که به قوم خود گفت مبتلا به عمل زشتی شده‌اید که در تاریخ سابقه ندارد (29) با مردان رابطه جنسی دارید راه زنی می‌کنید در مجالس خود منکرات مرتکب می‌شوید قوم جوابی نداشتند جز این که گفتند اگر راست می‌گوئی عذاب خدا را ظاهر کن (30) لوط دست به دعا برداشت که ای خدا مرا بر این قوم بدکار پیروز کن (31) عذاب آنها مقدر شد مامورین ابتدا بر ابراهیم وارد شدند که او را مژده دهند گفتند ماموریم قوم لوط را هلاک کنیم که آنها ظالمند (32) ابراهیم گفت آنجا لوط پیغمبر است گفتند او را می‌شناسیم او را و خانواده‌اش را بجز همسرش نجات می‌دهیم (33) مامورین به طرف لوط نبی رفتند لوط از ورود میهمان ناراحت شد که اخلاق زشت مردم را می‌دانست گفتند ترس تورا و خانواده تورا بجز همسرت نجات می‌دهیم (34) ما ماموریم بلائی بر آنها نازل کنیم که بی‌حیا و فاسقند

(35) داستان قوم لوط را هم آیتی روشن برای خردمندان قراردادیم (36) به سویی قوم مدین هم برادرشان شعیب را رسالت دادیم به آنها گفت مردم خدا را پرستید امیدوار به آخرت باشید و مفسدانه عمل نکنید (37) او را تکذیب نمودند عذاب رعشه و لرزه بر آنها نازل شد جسم بی جانی روی زمین افتادند (38) هم چنین قوم عاد و ثمود که داستان آنها را توضیح داده ایم شیطان اعمال زشت آنها را جلوه داد و از راه خدا باز داشت با این که مردمی آگاه به گناه بودند (39) فرعون و هامان و قارون به همین کیفیت موسی با آن همه معجزات به سویی آنها رفت تکبر آنها را فرا گرفت نتوانستند مانع تقدیر خدا شوند (40) تمامی آنها به سرنوشت بدی مبتلا شدند قوم لوط سنگ باران شدند و قوم شعیب به عذاب رعشه و قارون خسف زمین شد فرعون و قوم او غرق دریا شدند خدا به آنها ستم نکرد آنها بودند که به خودستم کردند (41) کسانی که جز خدا به دیگری تکیه دارند تکیه گاه آنها مانند لانه عنکبوت است که برای خود لانه می تند سست ترین خانه ها لانه عنکبوت است اگر مردم بدانند (42) خدا می داند که شما به جز خدا چه کسی را پذیرفته اید او غالب و

حکیم است (43) این مطالب داستان‌های گذشتگان است اما بجز دانشمندان کسی آنرا تعقل نمی‌کند (44) خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید این آفرینش آیت الهی برای اهل ایمان است (45) آنچه از کتاب الهی به تو وحی می‌شود تلاوت کن نماز را اقامه کن نماز مردم را از فحشا و منکر باز می‌دارد و یاد خدا بزرگتر است که آن شعور نماز است خدا از اعمال شما آگاه است (46) با اهل کتاب جز با دلائلی هرچه نیکو تری بحث نکنید مگر ستم‌کاران که تابع حرف حساب نیستند بگوئید ما به کتاب شما و کتاب خود ایمان داریم خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم اوئیم (47) ما چنین کتابی کامل بر تو نازل کردیم کسانی که معرفت به کتاب الهی دارند ایمان می‌آورند از این گروه قریش هم بعضی ایمان می‌آورند فقط کفارند که منکر آیات خدا می‌شوند (48) تو پیش از این قرآن کتابی تلاوت نکردی و خطی نوشتی برای این است که اهل باطل شك می‌کنند (49) بلکه این قرآن آیاتی روشن در دل اهل ایمان و علم است فقط ستمکاران منکر آیات ما می‌شوند (50) می‌گویند چرا معجزه‌ای بر دست او نازل نمی‌شود بگو معجزات صنعت خدا است من فقط يك مبلغ روشنگر

هستم (51) مگر همین معجزه کافی نیست که چنین کتابی بر تو نازل کردیم برای آنها تلاوت می‌شود این قرآن برای اهل ایمان مایه جلب رحمت پروردگار است (52) بگو بین من و شما شهادت خدا کافی است او هر چه هست در آسمان‌ها و زمین می‌داند کسانی که ایمان به خدا را ترك می‌کنند به راه باطل می‌روند خسارت می‌برند (53) در ظهور عذاب مقدر شتاب می‌کنند خدا به آنها مهلت می‌دهد و الاعداب نازل می‌شود عاقبت به‌طور ناگهانی عذاب نازل خواهد شد (54) با شتاب عذاب الهی را می‌طلبند با این که جهنم محیط به کفار است (زیرا با کفر و گناه و قتل و کشتار درخت جهنم سازی حرکت می‌کنند، خط حرکت بر آنها احاطه دارد) (55) روزی خواهد شد که عذاب از زیر پا و روی سر آنها را احاطه کند و به آنها گفته شود این است عذابی که شما منکر آن بودید نتیجه اعمال شماست (56) ای بندگان من زمین و زمینه زندگی وسیع است فقط مرا پرستش کنید (57) هرکسی مرگ را خواهد چشید و بعد از مرگ مرجع همه اهل عالم حاکمیت خداوند متعال است (58) کسانی که اهل ایمان و عمل صالحند در غرفه‌های بهشت سکونت می‌کنند در آن زندگی

نعمت‌ها مانند نهر در جریان است چه خوب است پاداش نیکوکاران (59) همان‌ها که در مقدرات صبر نمودند و به خدا توکل داشتند (60) چقدر زیادند حیوانات که قدرت تهیه روزی ندارند خدا روزی آنها و شما را می‌رساند او شنوا و دانا است (61) از هر کس پرسید چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و ماه و خورشید را مسخر نموده همه می‌گویند خدا بگو پس چرا از خط توحید منحرف می‌شوید (62) خدا است که روزی هر کسی را وسعت می‌دهد و یا در تنگی قرار می‌دهد خدا به هر کسی و هر چیزی دانا است (63) اگر پرسید چه کسی از آسمان آب نازل می‌کند و زمین را بعد از مرگ و خشکی زنده می‌نماید همه يك صدا می‌گویند خدا ستایش حمد مخصوص خدا است ولیکن بیشتر مردم تعقل نمی‌کنند (64) این زندگی دنیا بازی و اسباب بازی است حیات معقول زندگی آخرت است اگر حقیقت را درک کنند (65) وقتی سوار کشتی و گرفتار موج می‌شوند بانی‌ت خالص به خدا پناه می‌برند و اما وقتی که به خشکی رسیدند باز به غیر خدا پناه‌هنده می‌شوند (66) تا در برابر نجات خود را مسئول اطاعت خدا ندانند آزادانه بخورند و بچرند

به زودي نتیجه کار خود را می بینند (67) مگر نمی بینند که برای آنها حرم امن امانی مانند کعبه و ولایت حق قرار داده ایم که در امن و امان زندگی می کنند و سایر مردم در خارج حوزه ولایت ربوده می شوند آیا درست است به باطل ایمان آورند و به نعمت خدا کافر شوند (68) چه کسی ظالم تر است از کسی که به خدا دروغ می بندد یا دین حق را بعد از وضوح تکذیب می کند آیا جهنم آخرین نتیجه عمل کفار نیست (69) کسانی که در راه ماجهاد و کوشش دارند ما آنها را به راههای سعادت هدایت می کنیم خدا همه جا بانگ و کاران است.

ترجمه سوره روم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- (1) الف - لام - میم - حروف اصول خلاق و کلمات است
- (2) رومیان از ایرانیان در نزدیکی شبه جزیره عرب شکست خوردند (3) ولیکن آنها بعد از چندی غلبه

خواهند کرد (4) مقدرات گذشته و آینده به دست خداست در این موقع اهل ایمان با پیروزی‌های خود خوشحال می‌شوند (5) و این خوشحالی از این جا است که خدا مسلمانان را پیروز می‌کند خدا هر کسی را بخواهد یاری می‌کند او غالب و رحیم است (6) این پیروزی وعده خداست خدا خلف وعده نمی‌کند ولی اکثر مردم نمی‌دانند (7) آنها فقط همین ظواهر زندگی را می‌دانند و از آخرت غافلند (8) چرا پیش خود فکر نمی‌کنند که خدا آسمان و زمین و آنچه بین آنها است برای مدت معین به حق آفریده بسیاری از مردم کافر به روز لقاء الله (9) چرا در تاریخ فکر نمی‌کنند که ببینند عاقبت کار گذشتگان به کجا کشیده آنها قوی‌تر بودند زمین را بهتر و بیشتر آباد کردند پیغمبران را با دلایل و معجزات فرستادیم آنها را دعوت نمودند خدایه آنهاستم نکرد ولی آنها به خود ستم نمودند (10) عاقبت کار بدکاران از نظر روانی همین است که آیات خدا را تکذیب کنند و اولیاء خدا را استهزا نمایند (11) خداست که آفرینش بندگان را شروع می‌کند و آنها را دو مرتبه به زندگی برمی‌گرداند همه به سوی خدا رجوع می‌کنند (12) روزی که ساعت قیامت پیا شود مجرمین

از رحمت خدا مایوس می‌شوند (13) رؤسای دنیایی آنها از آنها شفاعت نمی‌کنند بلکه به حق اطاعت و عبادت آنها کافر می‌شوند (14) روزی که ساعت قیامت بپاشود گروه‌های کافر متفرق می‌شوند روابط مادی و دنیایی قابل دوام نیست (15) و اما اهل ایمان و عمل صالح در باغ‌های بهشت تکامل پیدا می‌کنند (16) اما کسانی که کافر شده‌اند آیات ما و زندگی آخرت را تکذیب می‌کنند عاقبت گرفتار عذاب‌ها می‌شوند (17) خدای خود را صبح و شام تسبیح کن که او در نفي و اثبات قابل ستایش است (18) حمد و ستایش در عوالم آسمان و زمین مخصوص خداست و هم چنین هنگام شب و روز که در جستجوی روزی خود ظاهر می‌شوند (19) خدا از مبادی مرده زنده به وجود می‌آورد و زنده را دو مرتبه به موت برمی‌گرداند و زمین را هم بعد از مرگ زنده می‌کند شما نیز مانند گیاه از زمین می‌روئید. پاورقی 226 (20) از جمله آیات خدا این است که شمار از خاک خلق می‌کند و در سطح زمین منتشر می‌شوید (21) و از جمله آیات خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفریده است تا بین شما آرامش و محبت به وجود آورد همه این حوادث برای متفکرین

آیت الهی است (22) و از جمله آیات قدرت خدا خلقت عوالم آسمان و زمین و اختلاف زبان و بیان و رنگ و نژاد شماست همه اینها برای دانشمندان آیت الهی است (23) و از جمله آیات قدرت خدا خواب شبانه و بیداری روزانه شما در جستجوی فضل و نعمت خداست این تحولات برای کسانی که گوش شنوادرند آیت الهی است (24) و از جمله آیات قدرت برق و باران است که شما رابه خوف و طمع می‌اندازد از آسمان باران نازل می‌کند و زمین رابعدازمرگ زنده می‌نماید همه اینها آیت الهی برای خردمندان است (25) از جمله آیات خدا نظام آسمان و زمین و نظام آفرینش به امر خدا است وقتی که شما راز دل خاکها احضار کند همه از زمین خارج می‌شوید (26) هرچه هست در عوالم آسمان و زمین مال خدا است و همه با او در حال خواهش و نیایش اند (27) او کسی است که خلقت شمارا شروع نموده دو مرتبه همه رابه زندگی برمی‌گرداند رجعت از خلقت آسانتر است او در آسمان و زمین بزرگترین نمونه قدرت و عظمت است او غالب و حکیم است (28) از مسائل زندگی خودتان مثلی می‌آورم آیا بردگانی که دارید شریک زندگی شمایند چنان باهم

مساوي هستيد که از محروميت آنها مانند محروميت خود ناراحت شويد ما اين طور دلائل قدرت خود را براي خردمندان روشن مي‌کنيم (29) بلکه ستمکاران جاهلانه از هوا و هوس خود پيروي مي‌کنند کسي را که خدا گمراه کند چه کسي هدايت مي‌کند آنها ياور و ناصري ندارند (30) خود را براي اقامه دين مترقي خدا آماده کن ديني که برابر فطرت و خلقت مردم به وجود آمده خلقت تغيير پذير نيست ديني است پايدار و اداره کننده ليکن بيشتري مردم نمي‌دانند (31) ديني که شما را در ارتباط با تقوا و اقامه نماز قرار مي‌دهد که مشرک نباشيد (32) يعني از کساني نباشيد که تفرقه ديني بوجود مي‌آورند گروه گروه مي‌شوند و هرگروهي به دين خود مي‌نازند. پاورقي 227 (33) وقتي که به انسان مصيبي مي‌رسد با توجه کامل از خدا خواهش و تمنا دارد و اما وقتي که لطف خدا او را فرامي‌گيرد از غير خدا اطاعت مي‌کند (34) به اين منظور مشرک مي‌شود که حق خدا را منظور نکند بهره‌مند و بي بند و بار باشد به زودي به سرنوشت خود خواهد رسيد (35) مگر مابه اين شرکا قدرت و حجت داده‌ايم که مردم را به اطاعت خود دعوت کنند (36) وقتي که لطف و رحمت خود را

به آنها می‌رسانیم خوشحال می‌شوند و اگر از آثار گناه مصیبتی به آنها برسد از لطف خدا نا امید می‌شوند (37) مگر نمی‌بینند که تقدیر روزی به دست خداست به هرکسی بخواهد وسعت می‌دهد و به هرکسی بخواهد تنگ می‌گیرد این تقدیرات آیت خدا برای اهل ایمان است (38) توای رسول خدا حق ذوی القربی و مسکینان و ماندگان در راه سفر و یا تکامل را به آنها برسان رسیدگی به این حقوق برای کسانی که طالب رضای خدا هستند بهتر است آنها رستگاری (39) پولی که به ربا می‌دهید اگر در نظر مردم بالا می‌رود در تقدیر خدا برکت ندارد اما وقتی که برای رضای خدا زکات می‌دهید چند برابر به شما بر می‌گردد (40) خدا کسی است که به شما روزی می‌دهد شما را زنده می‌کند و می‌میراند آیا این رؤسا و بته‌ها می‌توانند چنین کارهایی انجام دهند خدا منزّه است از این چیزها که شریک او می‌سازد (41) ظلم و فساد به دست مردم دریا و صحرا و عالم و جاهل را فراگرفت تا خدا بعضی نتایج اعمال آنها را به کامشان بچشاند شاید به اطاعت خدا برگردند (42) به ستمکاران بگو در تاریخ سیر کنند ببینند عاقبت کار مفسدین به کجا کشیده است که اکثریت

آنهامشرك بوده اند(43) تو خود را براي اقامه ديني كه قيم بشر است (پيش از آن كه روزي برسد كه راه فرار از حكومت خدا بر آنها بسته شود) آماده كن در آن روزگار عقلشان شكوفا مي شود (44) هر كس كافر شود به ضرر خود كافر است و هر كس عامل عمل صالح باشد به نفع خود تهيه مي بيند(45) تا به اين وسيله پاداش اهل ايمان و عمل صالح را برساند كه او كفار را دوست نمي دارد (46) از جمله نشانه هاي قدرت خدا ايجاد باد است كه مبشر رحمت خدائي باشد تالطف خود را به شما و كشتي ها را به مقصد برساند تا با اين حركت نعمت الهي را به دست آورند شايد شكر خدا را به جا آورند (بادها عامل پرورش گياه است، حوادث هم عامل پرورش انسان) (47) پيش از تو پيغمبراني فرستاديم كه بامعجزات به سوي قوم خود رفتند و از متجاوزين انتقام گرفتيم وظيفه ما بود كه اهل ايمان را ياري كنيم (48) خدا كسي است كه با باد و طوفان ابرهه را مي افشاند و در آسمان مي پراكند بعد آنها را متراكم مي كند كه مي بينيد از لابلای آن قطرات باران مي ريزد وقتي كه باد و باران به بندگان مي رسد خوشحال مي شوند (49) گر چه پيش از نزول باران نااميد شده بودند(50)

رحمت خدا را ببین چگونه زمین را بعد از مرگ زنده می‌کند حیات مردگان هم چنین است خدایه هرکاری قادر است (51) اگر باد گرمی به زراعت آنها بوزد که ببینند زرد شده به جای پناهندگی به خدا که بلا را از آنها بگرداند کافر به خدا می‌شوند (52) روح آنها مرده است نمی‌توانی دعوت خود را به مردگان بشنوانی یا صدای خود را به کران برسانی وقتی که از حق اعراض کنند کر و کورند (53) تو نمی‌توانی کوران را هدایت کنی فقط دعوت حق را به کسی می‌شنوانی که به آیات ما ایمان آورد و مسلمان باشد (54) خدا کسی است که خلقت شمارا از ناتوانی شروع کرد و شمارا به قدرت رسانید و بعد از قدرت به پیری کشانید او خلق خود را به هر صورتی که بخواهد می‌سازد او دانا و توانا است (55) روزی که ساعت قیامت به پاشود قسم می‌خورند که ساعتی بیشتر در دل خاک توقف نداشتند زندگی خلاف حقیقت این طور برایشان جلوه نموده است (56) اما کسانی که اهل علم و ایمانند به آنها می‌گویند بعد از زندگی دنیا تا قیامت زیر خاک بودید والان قیامت است ولیکن شما نمی‌دانستید (57) امروز که قیامت است معذرت خواهی شما سودی ندارد و دیگر

خطاب و عتابي با شما نيست (58) ما در اين قرآن براي روشن گري حقايق همه نوع مثال آورديم وليکن هر وقت آيتي بياوري کفار مي گويند شما پيغمبران در راه باطليد (59) خدا اينطور رابطه قلب جاهل بي ايمان را از درك حقيقت قطع مي کند و اين قطع رابطه خاصيت قهري دنيا پرستي است (60) صبرکن که وعده خدا حق است مراقب باش کساني که يقين به حق ندارند ايمان توراسبک نشناسند

سوره لقمان

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) الف - لام - مي - حروف قرآن اشاره به مبدي خلق ومبدي حوادث است (2) اين حروف اعجاز علمي کتاب حکيمانه خداست (3) کتابي که براي نکوکاران منشا هدايت و رحمت است (4) همان ها که نماز پيا

می‌دارند با خدمات اجتماعی جامعه رارشده می‌دهند یقین به آخرت دارند (5) آنها در خط هدایتند و همان‌ها رستگارانند (6) بعضی مردم در پی یاوه گوئی و یاوه بافی هستند تا مردم را جاهلانه گمراه کنند دین خدا را به مسخره می‌گیرند آنها عذاب خوار کننده‌ای در تقدیر دارند (7) وقتی که آیات خدا برای آنها خوانده می‌شود متکبران پشت به دین می‌کنند مثل این که گوششان سنگین است آنها را به عذابی دردناک مژده دهید. پاورقی 228 (8) و آنها که اهل ایمان و عمل صالحند بهشتی پراز نعمت در انتظار دارند (9) در آن نعمت‌ها جاویداند وعده خدا حق است او غالب و حکیم است (10) عوالم آسمان‌ها را بدون پایه‌ای که ببینید آفریده کوه‌ها را در روی زمین استوار نموده تا حرکت زمین شما را نلرزاند و این همه حیوانات پراکنده ساخته از آسمان آب نازل کرد و از هر نوع نعمت جفت و و کریمانه به شما داد (11) این‌ها خلق خدایند به ما بگوئید بت‌ها و رؤسای شما چه چیز آفریده‌اند واضح است که ستم‌کاران در جهالت و حماقت‌اند (12) ما به لقمان حکمت آموختیم (یعنی خاصیت اعمال و اخلاق بد و خوب و خاصیت میوه جات و نباتات) که الطاف خدا را منظور داشته باشد کسی

که شکر خدا را به جا آورد به نفع او است و کسی که حق خدا را منظور ندارد خدا بی نیاز و پسندیده است (13) لقمان پسرش را موعظه کرد که پسرم کسی را شریک خدا مکن که شرک بزرگترین ظلم است تو را از لطف خدا محروم می کند (14) ما انسان را به رعایت حق پدر و مادر سفارش نمودیم به خصوص مادر که بارنج و زحمت به او حامله شد و دو سال او را شیر داد ای پسر لطف خدا و رنج والدین را منظور بدار باز گشت کارها به سوی خداست (15) اگر تو را به اطاعت غیر خدا امر کردند اطاعت مکن و لیکن به احسان و خوش رفتاری ادامه بده با کسانی که در خط علم و عمل به سوی خدا در حرکتند حرکت کن باز گشت همه به سوی او است و او شمارابه نتایج اعمالتان آگاه می کند (16) پسرم بدان که اگر ذره ای عمل در دل سنگها و یا در دل آسمانها و زمین باشد خدا ظاهر می کند خدا بی نهایت لطیف و آگاه است (17) پسر جانم نماز را زنده بدار به نیکیها امر و از بدیها نهی کن و در برابر مصیبتها استقامت داشته باش تا اراده قاطع پیدا کنی (18) پل عبور برای مقاصد مردم مباش با ناز و تکبر حرکت مکن که خدا متکبر را دوست

نمی‌دارد (19) در مخارج و مقاصد زندگی میانه روباش درصوت و سخن با مردم فروتن باش که بدترین صوت و صداها عرعرالاغ است (20) مگر نمی‌بینید که خدا آنچه در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما نموده نعمت‌های ظاهری و باطنی گوارا در اختیار شما قرار داده بعضی از مردم بدون علم و هدایت و بدون کتاب علمی در وجود خدا بحث و جدال می‌کنند (21) وقتی به آنها می‌گویند از کتابی که خدا نازل فرموده پیروی کنید می‌گویند از روش اجدادمان مگر نمی‌دانند که شیاطین اجداد آنها را به جهنم کشانیده‌اند (22) و اما کسانی که در خط نکوکاری خود را تسلیم خدا می‌کنند طالب رضای خدایند به رشته محکمی متمسک شده‌اند عاقبت کارها با خدا است (23) از کفر کفار ناراحت مباش که عاقبت کارشان با ما است نتایج کفرشان را به آنها می‌رسانیم خدابه نیت قلب آنها آگاه است، پاورقی 229 (24) مدت کوتاهی آنها را بهره‌مند می‌کنیم و بعد اجباراً آنها را به جهنم می‌کشانیم (25) اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده می‌گویند خدا الحمدلله که با این اعتقاد از حساب خود غافلند (26) هر چه هست در آسمان‌ها و زمین مال خدا است

خدایی نیاز و پسندیده است (27) خدا در علم و قدرت و سازندگی بی‌نهایت است اگر درخت‌های زمین به جای قلم و دریاها به جای مرکب و دریاها هفت برابر تکرار شود خلایق خدا به آخر نمی‌رسد او غالب و حکیم است (28) خلقت میلیون‌ها مانند شما و بعثت شما در قیامت مانند خلقت یک نفر است خدا شنوا و دانا است (29) مگر نمی‌بینی خداوند چگونه شب را داخل روز و روز را داخل شب می‌کند و ماه و خورشید را مسخر خود نموده است آنها تا مدت معین گردش دارند خدا به اعمال شما آگاه است (30) فقط مرجعیت خدا حقیقت است و مرجعیت غیر خدا باطل است خدا برتر و بزرگ‌تر است (31) مگر نمی‌بینی چگونه کشتی در دریا یا کشتی نجات به نفع شما مردم حرکت می‌کند تا آیات قدرت و عظمت خدا را نشان دهند تمامی این حوادث برای انسان‌های صابر و شاکر آیت خدا است (32) وقتی که موج دریا و یا حوادث آنها را فرا می‌گیرد با خلوص کامل از خدا خواهش و تمنا دارند اما بعد که به ساحل نجات می‌رسند عده‌ای اعتدال عقیده دارند و عده‌ای کافرند به جز کافر و متکبر کسی منکر آیات خدا نیست (33) ای مردم از مخالفت خدا بپرهیزید و

عظمت روزگاری را بشناسید که اختیار از دست همه بیرون است پدر به جای فرزند و یا فرزند به جای پدر مجازات نمی شود وعده خدا حق است دنیا شما را مغرور نکند فریبندگان لطف خدا را از شما نگیرند (34) علم به ساعت قیامت و علم به نزول باران و جنین رحم مادر و علم به این که هر کسی فردا چه کار خواهد کرد و یاد ر چه زمینی خواهد مرد مخصوص خدا است علم و قدرت لازمه ذات خدای علیم و آگاه است

سوره سجده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(1) الف - لام - میم - حروف اشاره به اصول خلقت و اصول علم است (2) این حروف علم کتاب است کتابی که در آن شکی نیست از جانب پروردگار

عالمیان نازل شده است (3) می‌گویند آیات را به خدا بسته است این طور نیست بلکه حق است از جانب پروردگارت تا قومی را هدایت کنی که پیش از تو هدایت کننده نداشته اند شاید هدایت یابند (4) خدا کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنها است در شش روز آفرید بعد از آن بر عرش حاکمیت قرار گرفت شما مردم به جز او ولی و شفيعي ندارید چرا حقیقت را درک نمی‌کنید. پاورقی 230 (5) امور تربیتی و حکومتی را به وسیله مامورین بر جامعه نازل می‌کند و بعد افکار مردم بر اساس آن تکامل پیدا می‌کند و در مدتی برابر هزار سال به سال شما حاکمیت به خدا برمی‌گردد (6) این است خدا عالم به غیب و شهود که غالب و مهربان است (7) خدائی که هرچه آفرید نیکو آفرید خلقت انسان را از گل شروع کرد (8) و از سلول‌های نطفه نسل او را ادامه داد (9) تا به حد اعتدال رسانید و روح علم و حکمت در او دمید شنوائی و بینائی و دانائی دل به او داد چقدر کمند کسانی که حق خدا را منظور می‌دارند (10) تعجب می‌کنند که وقتی مادر زمین گم و گور شدیم چه طور باز خلق تازه‌ای خواهیم شد آنها کافر به لقاء الله شده‌اند (11) بگو آری فرشته

وکیل مرگ جان شما را می‌گیرد و بعد شما را به سوی خداوند متعال می‌کشاند (12) اگر ببینی آن‌جا که ستمکاران در حضور پروردگار خود سر به پائین انداخته‌اند عذر خواهی می‌کنند که پروردگارا حق را شنیدیم و دانستیم ما را به زندگی دنیا برگردان عمل صالح به‌جا می‌آوریم الان یقین به حق داریم (13) اگر بخواهیم به هر انسانی هدایت لازم را می‌دهیم ولیکن شرایط هدایت پیدانشد و معلوم شد که باید جهنم از جن و انس پر شود (14) بچشید عذاب را که چنین روزی را فراموش کردید ما هم شما را فراموش کردیم بچشید عذاب را که نتیجه اعمال شماست (15) فقط کسانی ایمان به آیات ما می‌آورند که وقتی آیات ما را می‌شنوند به سجده می‌افتند خدا را منزه از شباهت به خلق می‌دانند ذره‌ای ناز و تکبر ندارند (16) از خوابگاه خود حرکت می‌کنند و در حال ترس و طمع از خدا خواهش و تمنا دارند و از آنچه به آنها داده‌ایم دیگران را بهره مند می‌کنند (17) گاهی انسان پیش پا و جلو چشم خود را نمی‌بیند نمی‌داند که این جهل عجیب نتیجه هدف‌های دنیائی آنهاست (هدف حجاب ماوراء هدف است) (18) آیا کسی که مومن است در سعادت

و موفقیت مانند کافراست نه هرگز مساوی نیستند (19) اما اهل ایمان و عمل صالح در جنت الماوی جای می‌گیرند در بهشت خلد برین وسائل پذیرائی از نتیجه اعمال برای آنها فراهم است (20) اما فاسق‌ها در آتشند از هر راهی که نقشه می‌کشند خارج شوند دو مرتبه به آتش بر می‌گردند (جهل بر آنها محیط است و آتش مولود جهل است) به آنها گفته می‌شود بچشید که نتیجه تکذیب شماست (21) ما پیش از عذاب بزرگ آخرت در همین دنیا آنها را عذاب می‌کنیم شاید به پناه حق برگردند. پاورقی 231 (22) چه کسی ظالم تراست از کسانی که به آیات خدا دعوت می‌شوند و بی‌اعتنائی می‌کنند ما از مجرم انتقام خواهیم گرفت (23) ما به موسی کتاب دادیم که روز لقاء الله را نادیده نگیرند و آن کتاب را پایه و مایه هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم (24) از آنها پیشوایانی ساختیم که صبر داشتند مردم را به دین ماهدایت کردند و به آیات ما یقین داشتند (25) خداوند روز قیامت مومن و کافر را از یکدیگر جدا خواهد نمود (26) چرا هلاکت گذشتگان تاریخ مایه هدایت آنها نمی‌شود باین که در مکان آنها زندگی می‌کنند این حادثه‌ها آیات الهی است چرا نمی‌شنوند

(27) مگر نمی بینند که ما آب را به سرزمین‌های خشک می‌کشانیم با این آب این همه نباتات و زراعات برای آنها و حیوانات آنها می‌رویانیم چرا لطف خدا را درک نمی‌کنند (28) می‌پرسند کی است آن فتح بزرگ که قیامت بپا می‌کند اگر راست می‌گوئید (29) بگو روز فتح بزرگ ایمان کفار برایشان سودی ندارد میدان و مهلت از آنها گرفته می‌شود (30) از آنها فاصله بگیر و منتظر فتح بزرگ قیام امام زمان باش که همه بندگان منتظرند.

سوره احزاب

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت جنگ احزاب سوره احزاب نامیده شده زیرا در آن جنگ تمامی احزاب کفر با هم

متحد شدند بارسول خدا جنگیدند خداوند با ایجاد باد تند آنها را تار و مار کرد(1) ای رسول خدا از خدا بپرهیز و از کفار و منافقین اطاعت مکن و بدان که خدا دانا و حکیم است (2) فقط درانتظار وحی خدا باش و از او اطاعت کن که خدا به اعمالتان آگاه است (3) توکل به خدا داشته باش کافی است که خدا وکیل تو باشد (4) خدا در وجود انسان دو قلب و دو اراده قرار نداده و هرگز همسران شما را جای مادر و پسر خوانده‌ها را جای پسر قرار نداده این عقیده‌ها حرف‌هایی است که به زبان خود می‌گویند حقیقت را خدا می‌گوید و او مردم را به راه راست هدایت می‌کند (5) هر کسی را به نام پدرش صدا بزنید عادلانه تر است و اگر پدرشان را نمی‌شناسید به عنوان برادر و دوست خود اشتباه مانعی ندارد تعمد درست نیست خدا آمرزنده و مهربان است (6) ولایت رسول خدا بر مومنین بر ولایت خود برخوردار است زنان پیغمبر مادر مومنین به حساب می‌آیند در کتاب خدا خویشاوندان از مومنین و مهاجرین به یکدیگر نزدیک‌ترند مگر که بخواهید به کسی احسان کنید این اولویت‌ها در کتاب خدا ثبت است (7) به یاد داشته باشید که از شما و پیغمبران و نوح و ابراهیم و

موسی و عیسی ابن مریم پیمانی محکم گرفتیم که طرفدار ولایت باشند. پاورقی 232 (8) خدا این پیمان را از اهل صداقت و امانت مطالبه خواهد کرد و برای مخالفین با این پیمان عذابی سخت مهیا خواهد نمود (9) ای اهل ایمان نعمت بزرگ خدا را یاد آوری کنید که لشکرهای مختلف متحد شدند و شما را محاصره نمودند ما لشکر غیبی خود را به کمک شما فرستادیم خداوند به اعمال شما بینا است (10) آن احزاب شما را از بالا و پائین محاصره کردند چشم‌ها از ترس و وحشت خیره و دل‌ها به گلوگاه رسیده بود چقدر به خدا بدگمان شدید که کجا است نصرت خدا (11) آنجا که مومنین مبتلا به وحشت شدند و سخت متزلزل (12) منافقین و کسانی که به مرض کفر و نفاق آلوده بودند می‌گفتند خدا و رسول هم ما را گول زدند و وعده خلاف دادند (13) طایفه‌ای هم صدا می‌زدند که اهل مدینه این جا محلی ندارید که بمانید بعضی بهانه می‌آوردند که خانه و زندگی ما بی صاحب است اجازه خواستند که بروند قصد فرار داشتند (14) اگر فتنه‌ای می‌شد و تبلیغ می‌شدند که پیغمبر را واگذارید جذب فتنه‌ها می‌شدند و جز عده کمی باقی

نمی ماندند (15) قبلاً عهد بسته بودند که پشت به دشمن نکنند با این که مسئول عهد الهی هستند (16) بگو فرار از مرگ و یا قتل سودی ندارد ممکن است چند روزی زنده بمانید (17) بگو اگر خدا بخواهد لطف خود را به شما برساند یا بر شما غضب کند چه کسی می تواند تقدیر خدا را بگرداند بجز خدا سرپرستی ندارید (18) خدا کسانی که حرکت به جبهه را به تاخیر می انداختند و به یاران خود می گفتند به طرف ما بیایید و خیلی کم در جبهه شرکت می کردند می شناسد (19) بخل شدید علیه شما داشتند وقتی که خوف حمله می رسید چشمشان دور می زد مثل این که مرگ آنها را فرامی گرفت وقتی که خوف بر طرف می شد از حرص مال طلبی تند و تیز پر خاش می کردند آنها ایند که ایمان نیاورده اند خدا اعمال خیرشان را بی ثمر خواهد کرد این عمل بر خدا آسان است (20) خیال می کردند که هنوز احزاب در اطراف مدینه اند و اگر هم دشمن حمله کند دوست دارند در بیابانها باشند و خبرهای جنگ را بشنوند و اگر هم در میان شما باشند سست و ضعیف می جنگند (21) برای کسانی که امید به خدا و آخرت دارند و زیاد به یاد خدایند رسول خدا بهترین

الگوي زندگي است (22) اما اهل ايمان چنين نيستند وقتي که احزاب راديدند نترسيدند گفتند همين جريانات وعده هائي است که خدا و رسول داده اند خدا و رسول راست گفته اند از اين مناظر ايمان و تسليم آنها زيادتر مي شود (23) درميان مومنين افرادي هستند که حقيقتابه عهد خدا و رسول وفا کردند بعضي جان دادند و بعضي درانتظارند عهد خود را تغيير ندادند (24) تا فردي قيامت خداوند به راست گويان پاداش بدهد و منافقين را ان شاءالله عذاب نمايد يا توبه آنها را پذيرد خدا آمرزنده و مهربان است (25) خداوند کفار را با غيظ و غضب فرار داد و با آنها همه تجهيزات خيري نديدند خداوند به وسيله مومنين مخصوصا به وسيله قاتل عمروبن عبد ود جنگ را خاتمه داد خدا غالب وتوانا است (26) يهودياني که کفار را ياري کردند از شهر و ديارشان بيرون راند و ترس وحشت به دلشان انداخت فرقه اي را کشتيد و فرقه اي را اسير نموديد (27) آبادي ها و سرزمين آنها را بدون جنگ دراختيار شما گذاشت خداوند به هرکاري قادر است (28) اي رسول من به همسرانت بگو هدف شما از اين همسري چيست اگر دنيا و جلوه دنيا را مي خواهيد

بیائید به شما پول بدهم و از قید همسری خود آزاد نمایم (29) و اگر هم هدف شما رضایت خدا و رسول و زندگی آخرت است در خط اطاعت باشید خدا برای نیکوکاران شما اجری بزرگ مهیا کرده است (30) ای همسران رسول خدا هر کدام از شما عمل بدی مرتکب شود و ثابت شود به دو برابر مجازات می‌شود و این مجازات بر خدا آسان است (31) و هر کس از شما در برابر رسول خدا خاضع و خاشع باشد و عملش صالح باشد دو برابر اجر می‌برد و علاوه اجر کریمانه بهشتی در انتظار او است (32) ای همسران رسول خدا شما مانند دیگران نیستید اگر تقوا پیشه کنید با کسی سبک حرف نزنید که قلب مریض را در خود به طمع بیاندازید رفتار و گفتار متعارف داشته باشید (33) ملازم خانه داری و خانه نشینی خود باشید مانند زنان جاهلیت به آرایش و نمایش نپردازید نماز بخوانید خود راتزکیه نمائید و در اطاعت خدا و رسول باشید خدا می‌خواهد باین دستورات پلیدی‌ها را از شما اهل بیت دور سازد و به تمام معنی شما را پاک و مطهر نماید. پاورقی 233 (34) خانه شما مدرسه شما باشد آیات و حکمت خدا را بین خود مذاکره کنید خدا لطیف و آگاه است (35) خداوند برای زن

ومرد مسلمان زن و مرد مومن زن و مرد عابد و خاشع زن و مرد صادق و متصدق وزن و مرد روزه دار وزن و مرد صابر زنان و مردان باعصمت و عفت و زنان و مردانی که دائم به یاد خدایند اجری عظیم و آمرزش مهیا کرده است (36) زن و مرد مومن در برابر حکم خدا و رسول حق مخالفت و اختیار ندارند تسلیم امر خدا باشند کسی که از حکم خدا سرپیچی کند خیلی از حق به دور افتاده است (37) به خاطر باشد وقتی به مردی که خدا و رسول به او نعمت آزادی داده بودند گفتی از خدا بپرهیز همسرت را برای خود حفظ کن سرتی را در دل خود پنهان می‌داری که خدا آشکار می‌کند به اعتراض مردم اهمیت می‌دهی با این که باید خدا را مهم بدانی بعد از آن که زید از همسر خود کام زناشوئی گرفت ما مقدر کردیم که همسرتو باشد تا از این راه حرمت غیر قانونی ازدواج با زن پسرخواندگان را بعد از رابطه زناشوئی برطرف سازیم که مردم زن پسرخوانده را مانند زن پسر خود ندانند حکم خدا واقع شدنی است. پاورقی 234 (38) برای يك پیغمبر نباید مشکلی در اجرای فرایض الهی باشد این سنت خدا در تاریخ گذشتگان است سنت خدا مقدر و اجرا شدنی است (39) پیغمبران

رسالت الهی را اجرامی کنند و جز خدا به کسی اهمیت نمی‌دهند خدا برای حساب‌گری اعمال کفایت می‌کند (40) بدانید که محمد پدر کسی از مردان شما نیست او رسول خدا و خاتم پیغمبران است خدا به هر کسی و هر چیزی دانا است (41) ای مردم خیلی زیاد خدا را یاد آوری کنید (42) صبح و شام او را تسبیح و تقدیس نمائید (43) خدا کسی است که به وسیله فرشتگان برکات علمی خود را نازل می‌کند تا شما را از ظلمت جهل به مکتب علم بکشاند او به بندگان مومن خود مهربان است (44) وقتی که به ملاقات خدا رسیدید هدیه‌ای که به شما تقدیم می‌شود سلامتی مطلق و حیات کریمانه ابدی است (45) ای رسول من تورا به این منظور رسالت دادم که الگویی حق باشی نیکان رامزده دهی بدکاران را بترسانی (46) دعوت کننده به سوی خدا و چراغ نورانی حق باشی (47) به اهل ایمان بشارت بده که لطف بی نهایت خدا به آنها خواهد رسید (48) از کفار و منافقین اطاعت مکن آنها را به خود واگذار به خدا توکل کن که خدا بهترین وکیل است (49) ای اهل ایمان وقتی که زن خود را پیش از تصرف طلاق دادید عده‌ای از شما به عهده

او نیست آنها را بهره‌مند کنید و آبرومندانه آزاد نمائید (50) ای رسول من زنانی که طبق معاهده حق آنها را داده‌ای و کنیزی که از غنائم به دست آورده‌ای دختر عموها و دختر عمه‌ها دختردائی‌ها و دخترخاله‌ها که بسوی تو هجرت کرده‌اند برای توحلال است یازن مومنه ای که به اشتیاق خود را هبه نموده و تو این هبه را قبول نموده‌ای فقط برای توحلال است نه برای مومنین می‌دانیم چه زنان و کنیزانی را برای آنها حلال نموده‌ایم مبادا در مضیقه باشی خدا آمرزنده و مهربان است (51) هر یک از این همسران را که دوست داری امیدوار و یا به خود مربوط کن و اگر بخواهی با همسری که از او فاصله گرفته‌ای آشتی کنی مانعی ندارد این رفتار اخلاقی بهترین راهی است که آنها را خشنود کنی غم و غصه آنها را برطرف نمایی و رضایت آنها را جلب کنی خدا حلیم است از نیت قلب شما باخبر است (52) بعد از این همسران زن دیگری برای توحلال نیست و هم چنین طلاق یکی از آنها و ازدواج با زن دیگر جایز نیست گرچه خیلی زیبا باشد مگر کنیزان که حکم دیگری دارند خداوند مراقب اعمال بندگان است (53) ای اهل ایمان بدون اجازه حق ورود به خانه رسول خدا ندارید مگر که اجازه دهد و دعوت

به طعامی کند که به آن طمع نداشته‌اید اگر دعوت نمود اجابت نمائید و بعد از صرف غذا بدون توقف بروید درست نیست که بعد از غذا کنار یکدیگر بنشینید حدیث و داستان نقل کنید این بی انضباطی مایه زحمت رسول خدا و صاحبخانه است که حیا می‌کنند عذر شما را بخواهند اما خدا از حرف حق و تربیت شما حیا ندارد اگر با همسر پیغمبر سخنی داشتید از پشت پرده بگوئید که بیشتر مایه طهارت قلب شما و آنها می‌شود نباید رسول خدا را آزار دهید و نباید بعد از او با زنانش ازدواج کنید ازدواج با آنها گناه بزرگی شناخته می‌شود (54) اگر چیزی را مخفی و یا آشکار کنید بدانید که خدا به هرکار و گفتاری آگاه است (55) مانعی ندارد که زنان باپدران و و فرزندان و برادران و اولاد برادر و خواهر و زنان هم کیش خود و بردگان نابالغ خود بدون حجاب معاشرت داشته باشند از اعمال و رفتار خلاف بپرهیزید خداوند گواه همه چیز است (56) خدا و فرشتگان به این پیغمبر رحمت و برکت افاضه می‌کنند شما اهل ایمان هم به او دعا کنید صلوات بفرستید تسلیم او و مقام ولایت باشید (57) کسانی که خدا و رسول را اذیت می‌کنند بدانند که در دنیا و آخرت ملعون خدایند خدا عذاب

ذلت آور برای آنها مهیا کرده است (58) و کسانی که بدون تقصیر و گناه زن و مرد مومن را آزار می‌دهند بدانند که بار گناه بزرگی را به دوش گرفته‌اند (59) ای رسول من به همسران و دختران خود و همسران و دختران مومنین بگو پوشش خود را به مواضع زینت خود بکشانند مبادا به زیبایی شناخته شده در معرض آزار اراذل واقع شوند خدا بارعایت این احکام به آنها عقل و شعور می‌دهد لطف خود را به آنها می‌رساند (60) به اراذل و اراجیف بگو که اگر از رذالت خود دست نکشند تو را مامور تنبیه و سرکوبی آنها خواهم نمود که دیگر نتوانند در جوار تو زندگی کنند (61) تا منفور جامعه اسلامی باشند و هر جا شناخته شوند کشته شوند (62) این سنت خدا در تاریخ دین است و سنت خدا قابل تغییر نیست (63) از ساعت قیامت سئوال می‌کنند بگو زمان آن را خدا می‌داند شما چه می‌دانید شاید که قیامت نزدیک باشد. پاورقی 235 (64) خداوند کفار را لعنت نموده و فوران جهنم را برای آنها مهیا نموده است (65) در آن عذاب تا ابد هستند یاوری و دوستی نخواهند داشت (66) روزی که در حرارت جهنم این طرف و آن طرف بغل‌تند و آرزو کنند که ای کاش از خدا و رسول اطاعت

می‌کردیم (67) داد می‌زنند وای برما از رؤسای خود اطاعت نمودیم آنها ما را به ضلالت و جهنم کشانیدند (68) خدایا آن رؤسا رابه دو برابر عذاب کن و با لعنی به حجم بشریت آنها را لعنت کن (69) ای اهل ایمان شما مانند بنی‌اسرائیل نباشید که پیغمبرشان را تهمت زدند و اذیت کردند خدا او را تبرئه نمود او در نزد خدا از هر عیبی مبرا و آبرومند بود (70) ای اهل ایمان تقوا داشته باشید و حکیمانه سخن بگوئید (71) تا خداوند به برکت تقوا اعمال شما را اصلاح کند و عیوب و نواقص شما را برطرف نماید کسی که از خدا و رسول اطاعت کند به سعادت عظیم نائل می‌شود (72) ما بار امانت و امامت دین را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه نمودیم که قبول کنند آنها از عظمت آن ترسیدند اما انسان آن بار را سبک شناخت و به دوش گرفت که بسیار ظالم و جاهل بود (تربیت و اداره انسان به دست خودش و دیگران آن قدر سنگین است که فقط از دست خدا ساخته است کسی که چنین ادعائی دارد ظلوم و جهول است) (73) خداوند این ادعای جاهلانه را مقدر کرد تا مردان و زنان مشرک و منافق را در مسیر حرکت جاهلانه

خود عذاب کند توبه مرد وزن مومن را بپذیرد که خدا
آمرزنده و مهربان است.

سوره سبا

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) ستایش با کلمه حمد مخصوص خداست که هرچه هست در آسمان و زمین از آن اوست و در آخرت هم ستایش حمد خاص اوست او حکیم و آگاه است (2) آنچه وارد زمین‌ها و یا دل‌ها و یا خارج می‌شود می‌داند باران و یا علمی که از آسمان نازل شده و به وسیله آن گیاه زمین و افکار مردم رشد می‌کند او مهربان و آمرزنده است (3) کفار می‌گویند ساعت قیامت کجا بوده بگو آری به خدا قسم که او عالم به غیب است خواهد آمد برابر وزن ذره‌ای در آسمان‌ها و در زمین و یا کوچکتر از آن از علم خدا خارج

نیست همه در کتاب الهی ثبت است (4) تا در برابر کوچک و بزرگ از اعمال صالح اهل ایمان را پاداش دهد آنها مستحق مغفرت و روزی کریمانه هستند (5) و آنها که می‌خواهند با سعی و کوشش خود حرکات دینی را متوقف کنند عذابی بزرگ مقدر دارند (6) اهل ایمان حقانیت دین تورامشاهده می‌کنند که مردم را به راه خدای عزتمند و پسندیده هدایت می‌کند (7) کفار به یکدیگر می‌گویند بیایید شمارا پیش مردی ببریم که می‌گوید وقتی مرید و به تمام معنی خاک شدید دو مرتبه زنده می‌شوید

(8) نمی‌دانیم دروغ می‌گوید و یا این که دیوانه شده است کسانی که عقیده به آخرت ندارند در جهالتی عمیق و عذابی شدید وارد می‌شوند (9) چرابه اطراف و زمین و آسمان فکر نمی‌کنند تا عظمت خدا و حکمت خلقت را درک کنند اگر بخواهیم به زمین امر می‌کنیم شمارا ببلعد و یاسنگ آسمانی بر سر شما سقوط کند همه این حوادث برای بندگان توبه کارآیت الهی است (10) مابه داوود فضیلت دادیم معادن کوه‌ها و قدرت های زمان و پرندگان رامسخر او نمودیم معدن مس و آهن را برایش ذوب نمودیم قطعات آهن را ملایم نمودیم (11) تا آنچه بخواهد

از آهن و مس صنایع مفید و مناسب در اندازه های معین بسازد ای آل داوود عملتان صالح باشد که من به اعمالتان آگاهم (12) باد و طوفان را به اختیار سلیمان درآوردیم تا او را با بساطش به هر شهری که بخواهد برود طرف صبح برابر یک ماه و طرف عصر برابر یک ماه او را سیر می داد و معدن مس را برای او سیلان دادیم تا صنایع مسی بزرگ بسازد جنیان را مسخر او نمودیم که برای او کار می کردند آن چنان در اطاعت که هر کس نافرمانی کند به شدت تنبیه می شود (13) از فلزات ذوب شده مجسمه ها و محراب ها و دیگ های غیر قابل نقل مانند حوض می ساختند (زیرا هزاران جن وانسان که همه عائله سلیمان بودند اطعام می شدند) پس آل داوود در برابر این امکانات شکر خدا را به جا آوردند گرچه بندگان شاکر خیلی کمند (14) مرگ سلیمان در حالی که به عصا تکیه داشت و ارتش را سان می دید مقدر شد ارتش در آماده باش جنیان هم سخت در عذاب بودند حشرات که عصای او را جویدند او روی زمین افتاد و ارتش را به مرگ او هدایت کرد و فهمیدند که اگر علم غیب داشتند آن قدر در عذاب آماده باش گرفتار نمی شدند (15) از جمله آیات الهی در شهر

سبا دو رشته باغ در دو طرف نهر آب بود باغ‌هایی پر برکت که مردم از روزی‌های طیب و طاهر آن استفاده می‌کردند شهری زیبا و خدای مهربان لازم بود شکر خدا را به جا آورند (16) اما کفران نعمت کردند و از خدا اعراض نمودند خداوند سیلی مهیب به سد آنها مسلط کرد آب سد هدر شد و بوستانشان تبدیل به بیابان و جای درخت‌های میوه شوره‌گز و درخت سدر روئید (17) این بلا سزای کفران نعمت بود مگر ما بجز کسی که کفران نعمت می‌کند مجازات می‌کنیم (18) وضعیت شهر بزرگ آنها چنان بود که بین آنها و شهر بزرگ پر برکت روستاهای آبادی در دو طرف نهر قرار داشت و مقدر شد که از روستاها در امن و امان، خود را به شهر بزرگ برسانند و در امن و امان باشند (19) ولیکن وضعیت فکری عملی آنها چنان بود که می‌گفتند خدایا ما را از یکدیگر دور و به هرج و مرج مبتلا کن مانیز به مجازات کفر و گناه آنها را به تمام معنی متلاشی ساختیم هر گروهی به جایی رفتند که گفته‌اند (تفرق و آیادی سبا) این شدت نعمت بعد از نعمت برای مردم صابرو شاکر آیت بزرگی بود (20) ابلیس شیطنت خود را در زندگی آنها به ثمر رسانید بجز عده‌ای مومن همه از او پیروی کردند

(21) شیطان چنان قدرتی ندارد که میدان را از دست مابگیرد ولیکن ما به اومهلت دادیم تا معلوم شود چه کسانی ایمان به آخرت دارند و چه کسانی شك دارند و از او پیروی می‌کنند خدا خود محافظ همه چیزاست (22) بگو از این پیشوایان که آنها را شريك خدا دانسته‌اید اگر چیزی بخواهید می‌دانید برابر ذرت المثقالي در آسمان‌ها وزمین مالکیت و یا شرکت با خدا ندارند كمك خدا هم نبوده‌اند (23) شفاعت کسی هم جز به اذن خدا قبول نیست وقتی که فزع و اضطراب قیامت از دلشان خارج شود از شفعمی پرسند که خدا چه گفت جواب می‌دهند که خدا بجز حق چیزی نمی‌گوید و برتر و بزرگ است (یعنی لازم است استحقاق داشته باشید تا شفاعت کنند) (24) از آنها پرس چه کسی از آسمان وزمین روزی‌های مادی و معنوی به شما می‌رساند بگو فقط خدا می‌رساند لابد يك طرف از ما و شما یا برحقیم و یا گمراهیم (بحث کنیم ببینیم چه می‌شود) (25) بگو شما مسئول جرم و گناه ما و ما مسئول جرم و گناه شما نیستیم (26) خدا روز قیامت همه را يك جاعم می‌کند و بعد اهل حق و باطل را از یکدیگر جدا می‌سازد او دانا و گشایشگر است (27) بگو این

پیشوایان که شما آنها را شریک خدادانسته اید نشان دهید کجایند همه کارها به دست خدای غالب و دانا است (28) تو را برای رهبری تمامی انسانها رسالت دادیم تا نیکان را بشارت دهی و بدان را از عاقبت گناه بترسانی ولی اکثریت مردم نمی دانند (29) و باز ایراد می گیرند که اگر راست می گوئید وعده قیامت کی است (30) بگو هر کدام از شما روز معینی دارید که آنی تقدیم و تاخیر ندارد (31) کفار می گویند ما هرگز به این قرآن و کسی را که به رهبری انتخاب می کند ایمان نمی آوریم تو اگر وضع و حال آنها را ببینی روزی که در برابر سلطان آخرت ایستاده اند بایکدیگر پچ پچ می کنند و هر کدام دیگری را محکوم می کند ضعفا به رؤسای خود می گویند اگر شما نبودید ما ایمان می آوردیم (32) و رؤسای متکبر به آنهامی گویند کی بود که بعد از ظهور دین خدا ما شما را از آن باز داشتیم بلکه خودتان متجاوز بودید (33) جواب می دهند که شبانه روز نقشه کشیدید و ما را امر کردید که کافر به خدا شویم و شما را شریک خدا قرار دهیم وقتی که با عذاب روبرو می شوند پشیمانند ما اینطور هدفهای دنیائی آنها را مانند غل زنجیر محکومیت به گردنشان می اندازیم مگر جز

با نتایج عمل بد مجازاتی دارند (34) مابه هیچ شهر و روستائی پیغمبر نفرستادیم جزاین که دنیاپرستان گفتند ما کافر به رسالت شما هستیم (35) ما این همه مال و اولاد داریم کجاممکن است که معذب شویم (36) بگو مال و اولاد به دست پروردگارا است به هرکسی بخواهد وسعت می دهد ویاتنگ می گیرد گرچه بسیاری از مردم نمی دانند (37) و این مال و اولاد شما را نزد خدا آبرومند نمی دانند (37) و این مال و اولاد ایمان و عمل صالح باشد آنها چندین برابر اعمال نیکشان پاداش می گیرند و در غرفه های بهشت امن و امان زندگی می کنند (38) و آنها که می کوشند دین ما و پیغمبران را درکارشان متوقف کنند به عذاب جهنم احضار می شوند (39) بگو پروردگار من است که روزی را به هر کسی بخواهد وسعت می دهد و یاتنگ می گیرد آنچه درراه خدا انفاق کنید خدا جای آن را پر می کند او بهترین روزی دهندگان است (40) روزی که همه رادر محشر جمع کنیم به فرشتگان می گوئیم مشرکین شما را می پرستیدند (41) می گویند پروردگارا تو منزهی ولی ما هستی آنها جنیان خیالاتی را می پرستیدند و ایمان به آنها داشتند (42) آن روز که روز قیامت است شما عابد و معبودها نفع و

ضرري به حال یکدیگر ندارید به پیشوایان ستمگر آنها می‌گوئیم بچشید عذابی را که تکذیب می‌کردید (43) وقتی که آیات روشن و روشنگر ما برای آنها تلاوت می‌شد می‌گفتند این آقا می‌خواهد شما را از دین اجدادتان باز دارد دروغ‌هایی به خدا می‌بندد همه جا وقتی که در برابر دعوت حق قرار می‌گیرند می‌گویند همه این‌ها سحر است (44) به آنها کتابی نداده‌ایم که بخوانند و پیش از تو پیغمبری برای آنها نفرستاده‌ایم (45) گذشتگان هم دین خدا و پیغمبران را تکذیب نمودند و يك دهم آنچه آنها داشتند امت تو ندارند دیدی عذاب ما برای کسانی که دین را تکذیب نمودند چگونه و چطور بود (46) بگو من فقط شما را به يك کلمه نصیحت می‌کنم و آن این که هر کدام تنها و یا اجتماعی برای خدا قیام کنید و درست فکر کنید که پیغمبر شما دیوانه نیست او فقط شما را از عذاب شدید آینده آخرت می‌ترساند (47) من اجر و مزدی که از شما خواستم برای شما و به نفع شما است اجر من فقط با خداوند متعال است خدا شاهد و ناظر تمامی اعمال است (48) پروردگار من که عالم غیب و شهود است با اظهار دین حق باطل را نابود می‌کند (49) بگو دین خدا ظاهر شد در مقابل حق و اهل حق

اهل باطل چه کاري انجام مي‌دهد و چه ابتدا و انتهايي دارد (50) بگو من اگر گمراه شوم به ضرر خود گمراه مي‌شوم و اگر هدايت شوم با وحي پروردگار است او شنوا و نزديك است (51) اگر وضعيت قيامت آنها را ببيني که به جزع و فزع افتاده‌اند از دایره قدرت خود خارج شده از نزديك ترين راه که قدرت خدا وولي خدا با آنها است دستگير مي‌شوند (52) پس از دستگيري داد مي‌زنند ايمان آورديم ايمان آورديم کجا ممکن است از برهوت کفر به خدا نزديك شوند (53) پيش از اين در دنيا به پيغمبران کافر شدند از اين فاصله دور که باحق دارند به اهل حق نسبت ناروا مي‌دهند (54) فاصله آنها از يك زندگي گوارا بسيار است همانطور که اشباه و امثال آنها از زندگي گوارا فاصله گرفتند زيرا در دين خدا و وعده‌هاي خدا شك و شبهه داشتند.

سوره فاطر

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه به فاطرنام گذاری شده فاطر به معنای خاصیت دادن به ذوات است مانند ماده که فاقد حیات و حرکت است خدابه آن حیات و حرکت می‌دهد از این خواص ذاتی تعبیر به فطر و فطور می‌کنند (1) ستایش حمد مخصوص خدا است که به مواد عالم خاصیت و صورت آسمانی و زمینی داد فرشتگان رادر وضع رسالت آفرید مجهز به نیروهای متفاوت دو نیروئی سه نیروئی چهارنیروئی نمود آنچه بخواهد نیروی خلاق را کم و زیاد می‌کند خدابه هرکاری توانا است (2) اگر خدا در رحمت خود را باز کند کسی نمی‌تواند آنرا ببندد و اگر ببندد کسی نمی‌تواند باز کند او غالب و حکیم است (3) ای مردم نعمت‌هایی که خدا به شما داده بین خود مذاکره کنید آیا بجز خدا کسی هست که شما را از آسمان و زمین روزی بدهد خدائی به جز او نیست تا کجا منحرف می‌شوید (4) اگر تورا تکذیب می‌کنند پیغمبران پیش از تورا هم تکذیب کردند مرجع همه حادثه‌ها و کارها خداوند متعال است (5) ای مردم

و عده خداحق است زندگی دنیا شمارا گول نزند
فنته گران انسانی شمارا نفرینند (6) شیطان را که
هوای نفس و رفیق بد است دشمن خود بشناس او
حزب خود را به راهی می برد که عاقبت جهنم است
(7) کفار بدانند که عذاب سختی در پی دارند و لیکن
اهل ایمان و عمل صالح به عقل و دانش می رسند و
اجر بزرگی دارند (8) کسی که اعمال بدش به نظرش
جلوه می کند چه طور آدمی است خدا هر کسی را که
بخواید گمراه می کند و کسی را که بخواید هدایت
می کند غم آنها را نداشته باش خدا می داند که چه
طور خود را تربیت نموده اند (9) خدا کسی است که
به وسیله بادهای ابرها را می پراکند و آنها را به سر
زمین های خشک می برد و زمین مرده را زنده می کند
حیات اموات هم به همین کیفیت است (10) کسی
که عزت و عظمت می خواهد بداند که عزت به دست
خدا است خدامشتری گفتار نیک است که عمل
صالح آن را ارزش می دهد کسانی که همه جا
نقشه بد می کشند عاقبت بدی دارند نقشه بد آنها
را به هلاکت می کشاند (11) خدا شما را از خاک و
بعد از نطفه آفرید و آن را جفت زن و مرد قرار داد
هیچ زنی حامله نمی شود و وضع حمل نمی کند مگر

به علم خدا و عمر کسی زیاد و کم نمی‌شود مگر که در کتاب ثبت است این تقدیرات برای خدا آسان است (12) دریائی که آب شیرین و گوارا دارد با دریای تلخ و شور مساوی نیست گرچه از هر دو دریا گوشت تر و تازه و اسباب زینتی استخراج می‌کنید کشتی‌ها را می‌بینید که در هر دو دریا در جستجوی نعمت خدایند شاید شکر خدا را بجا آورید. پاورقی 236 (13) خدا شب را وارد روز و روز را وارد شب می‌کند ماه و خورشید را به امر خود تاملت معین می‌چرخاند این است پروردگار شما پادشاهی به دست او است اما کسانی که بجز او به دیگران پناهنده می‌شوند ذره‌ای مالکیت ندارند (14) اگر آن بت‌ها و بت‌سازان را به حق دعوت کنی نمی‌شنوند و اگر بشنوند اجابت نمی‌کنند روز قیامت هم اطاعت شما را قبول ندارند کسی مانند خدا نیست که شما را آگاه کند (15) ای مردم شما محتاج به خدائید خدا از شما بی‌نیاز و پسندیده است (16) اگر بخواهد شما را می‌برد و غیر شما را به جای شما می‌آورد (17) این کار بر خدا مشکل نیست (18) کسی بار مسئولیت دیگری را قبول نمی‌کند اگر سنگین باری از دیگری هر چند خویشاوند باشد خواهش کند بار او

را بردارد امتناع می‌کند تو فقط کسانی را هدایت می‌کنی که عظمت خدای غیب را درک می‌کنند رابطه با خدا را با نماز و دعا حفظ می‌کنند هرکس خود را از جهل و گناه حفظ کند به نفع خود کار کرده است آخرین مقصد ولایت خدا است (19) بینا و نابینا مساوی نیستند یعنی عالم و جاهل (20) تاریکی و روشنایی مساوی نیستند یعنی علم و جهل (21) سایه خنک و حرارت آفتاب مساوی نیستند یعنی حکومت فاسد و صالح (22) مردگان و زندگان مساوی نیستند یعنی مومن و کافر خدا به هر کسی بخواهد حرف حق می‌شنواند به مردگان گورستان نمی‌توانی بشنوانی (23) تو فقط مردم را از گناه می‌ترسانی (24) تورا به این منظور رسالت دادم که بدکاران را بترسانی و نیکان را مژده دهی هیچ امتی نبوده‌اند مگر این که پیغمبر داشته‌اند (25) اگر تو را تکذیب می‌کنند رسولان پیش از تو را هم تکذیب نموده‌اند که با معجزات و براهین به سویی آنها رفتند (26) و مابعد از اتمام حجت ستمکاران را هلاک نمودیم دیدید که چگونه بود عذاب ما (27) مگر نمی‌بینید که چگونه آب از آسمان نازل می‌کنیم و با آن ثمرات مختلف به رنگ‌های مختلف می‌آفرینیم کوه

هاراهم به رنگ‌های مختلف سفید و سیاه و سرخ شامخ و بلند خلق کردیم. پاورقی 237 (28) وهم چنین مردم و حیوانات را به رنگ‌ها و نژادهای مختلف آفریدیم فقط دانشمندان هستند که عظمت خدا را درك می‌کنند خدا آمرزنده و عزت مند است (29) کسانی که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند نماز بپا می‌دارند و از آنچه به آنها داده‌ایم آشکار و نهان انفاق می‌کنند تجارتی دارند که هرگز نابودی ندارد (30) تا خدا اجر انفاقات آنها را برساند و از لطف خود بهتر و زیاده‌تر به آنها برساند او بندگان خود را رشد می‌دهد عمل آنها را منظور می‌دارد (31) آنچه از قرآن به تو وحی می‌کنیم حق است کتاب‌ها و پیغمبران گذشته را تصدیق می‌کند خداوند به حال بندگان بصیر و آگاه است (32) ما علم و کتاب خود را به بندگان دادیم که انتخاب کرده بودیم و آنها به سه گروه تقسیم شدند بعضی ظالم به خود و بعضی میانه رو و بعضی دیگر پیش‌تاز در کارهای خیر شدند این لطف بزرگ خداوند متعال بود (33) آن لطف بزرگ نیروهائی است که به انسان تعلق می‌گیرد منبع تمامی ثروت‌ها و لذت‌ها است که در آن نعمت‌ها جاویدند با طلا و جواهرات دیگر زینت می‌شوند

لباسشان ابریشم بهشت است(34) می‌گویند الحمد لله که خداوند غم و اندوه ما را برطرف کرد پروردگار ما آمرزنده است و اطاعت بندگان خود را منظور می‌کند (35) شکر خدائی را که از لطف خود جایگاه ابدی به ما داد در این جا رنج و زحمت نخواهیم دید (36) اما کفار گرفتار آتش جهنمند فرمان مرگ آنها صادر نمی‌شود که بمیرند عذابشان سبک نمی‌شود خدا این طور کفار را مجازات می‌کند (37) در آن عذاب داد می‌زنند که خدایا ما را آزاد کن عمل صالح به جا می‌آوریم آنها دروغ می‌گویند مگر به آنها عمر طولانی ندادیم که می‌توانستند حقیقت را درک کنند آن‌همه پیغمبران به سراغ آنها رفتند پس بچشید عذابی را که باور نمی‌کردید (38) خدا عالم به‌غیب آسمان‌ها و زمین است عالم به‌افکار و اعمال بندگان خود است (39) او خدائی است که شمارا در زمین خلیفه خود قرار داد هرکس کافر شود به‌ضرر خود کافر می‌شود کفر کفار جز غضب خدا به‌حال آنها نتیجه‌ای نمی‌دهد کفر کفار جز خسارت ببار نمی‌آورد (40) بگو از این اشخاص که آنها را شریک خدا قرار می‌دهید ما را آگاه کنید مانند خدا چیزی در زمین آفریده‌اند یا در خلقت آسمان‌ها شریک

خدا بوده‌اند یا ما به آنها کتابی داده‌ایم که به دلالت آن شریک برای خدا ساخته‌اند وعده‌هایی که کفار می‌دهند بجز دروغ و فریب چیزی نیست (41) خدا است که عوالم آسمان و زمین را سر جای خود نگه می‌دارد مبادا از مدار خارج شود و اگر خارج شد جز خدا کسی نمی‌تواند به مدار برگرداند خدا آمرزنده و بردبار است (42) قسم‌های جدی می‌خورند که اگر پیغمبری داشتند از امت‌های دیگر بهتر بودند اما وقتی که رسول خدا آمد از همه بیشتر از او فاصله گرفتند (43) تکبر آنها را فرا گرفت کید و مکر به کار بردند با این که نتایج کید و مکر به خودشان بر می‌گردد مگر بیشتر از این انتظار دارند که مانند گذشتگان گرفتار عذاب شوند سنت خدا قابل تبدیل و تغییر پذیر نیست (44) چرا تاریخ را مطالعه نمی‌کنند تا ببینند عاقبت کار کفار به کجا کشید با این که آنها قوی‌تر بودند قدرتی در آسمان‌ها و زمین وجود ندارد که خدا را از کار خود باز دارد او دانا و توانا است (45) اگر خداوند مردم را به گناهشان بگیرد باید همه چیز را نابود کند ولیکن آنها را تا مدتی مهلت می‌دهد وقتی که مدت مقدر تمام شد خدا به حال بندگان خود بصیر و بینا است.

سوره یاسین

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه به نام حروف اول آن یاسین نامیده شده است نکات بی سابقه و آموزنده آن آشنائی به مشخصات وجودی ائمه اطهار است که از علم نامتناهی آنها خبر می‌دهد (1) یاسین ترجمه حروف در سوره های قبل روشن شده است (2) قسم به قرآن که هر حکمی را با حکمت آن بیان می‌کند (3) که تو از پیغمبران مرسل هستی (4) تو بر خط مستقیمی و به راه راست هستی (5) و آن راه قرآن است که از جانب خدای توانای مهربان نازل شده است (6) تا مردمی را از عواقب کفر و گناه بترسانی که اجداد آنها هدایت نشده‌اند و در غفلت به سر می‌برند (7) اکثریت آنها محکوم به کفر و گناه شده‌اند قلبشان تیره است ایمان نمی‌آورند (8) غل و زنجیرها) که همان هدف‌های دنیائی است (وجودشان را احاطه نموده دهانه به دهان آنها زده

است (9) در محاصره دنیایند در بن بست مادیت قرار گرفته اند راه رفتن و برگشتن بر آنها بسته شده حقیقت نمی فهمند (10) آنها را به عواقب کفر و گناه آگاه کنی یانکنی مساوی است ایمان نمی آورند (11) فقط کسانی از نتایج گناه می ترسند که پیرو قرآن و رهبر آن باشند و عظمت خدا را درک کنند آنها را به رشد عقلمی و اجر کریمانه مزدگانی بده (12) فقط ما هستیم که مردگان رازنده می کنیم آثار گذشته و آینده آنها را ثبت می کنیم همه چیز را باتمامی مشخصات در وجود امام بیان کننده حقایق ثبت کرده ایم .پاورقی 238 (13) داستان رسولان ما را به شهر انطاکیه که يك نمونه آموزنده است بازگو کن .پاورقی 239 (14) آن جا که دو نفر مبلغ فرستادیم آنها را تکذیب نمودند بعد با مامور سوم آنها را تقویت نمودیم به مردم گفتند که رسولان خداهستیم (15) مردم گفتند شما هم مانند ما بشری هستید دروغ می گوئید خدا کتابی نازل نکرده است (16) گفتند که خدا می داند ما رسولان خدا و حضرت عیسی به سوی شما هستیم (17) و ما وظیفه ای بجز تبلیغ دین خدانداریم (18) گفتند ما وجود شما را به فال بد می گیریم. اگر دست بر ندارید سنگسارتان می کنیم و

عذاب سختي به شما مي‌رسانيم (19) رسولان گفتند اگر بفهميد كفر و گناهتان فال بدتان است شما به خودتان ستم مي‌کنيد (20) در اين حال مردی از فقراي شهر آمد گفت اي مردم از اين رسولان اطاعت کنید (21) آنها مردمی دانا و هدايت یافته‌اند مژدي از شما نمی‌طلبند (22) چرا من خدائي را عبادت نکنم که مرا آفریده و ما همه به سوي او مي‌رويم (23) چرا کسی را به خدائي بگیرم که اگر خدای رحمان به من ضرري بزند نمی‌تواند دفاع کند و مرا از مهلكه نجات دهند (24) در اين صورت بدبخت و گمراه که ولي واقعي خود را نشناختم (25) اي رسولان خداگواه باشید که من به پروردگار شما ايمان آوردم (26) به آن مومن در حال احتضار گفتند داخل بهشت شو گفت کاش قوم من می‌دانستند (27) چگونه پروردگار مرا بخشید و اکرام و احترام نمود (28) ما قوم او را به عذاب زميني و آسماني معذب نکردیم و نخواهیم کرد (29) مگر همان مرگ مقدر که آنها را می‌گیرد و خاموش می‌کند (30) چقدر حال بندگان مایه حسرت است که هر وقت پیغمبر نجات بخشي آمد مسخره‌اش کردند (31) مگر ندیدند که این همه مسخره کنندگان تاریخ را هلاک

نمودیم که دیگر به زندگی دنیا بر نمی‌گردند (32) و عاقبت همه آنها در دایره حاکمیت ما حاضر می‌شوند (33) یکی از آیات بزرگ ما زمین مرده است که ما آنرا زنده می‌کنیم و این همه حبوبات و میوه جات از آن خارج می‌نمائیم که می‌خورند (34) این همه باغ‌های خرما و انگور و نهر و چشمه در آن جاری می‌سازیم (35) تا از ثمرات باغ و زراعت و آنچه به دست خود می‌سازند استفاده کنند چرا شکر خدا را به جا نمی‌آورند (36) خدائی که این همه جفت نعمت‌های مادی و معنوی از وجود خودشان و از خاک زمین و با عوامل دیگری که نمی‌دانند برای آنها تولید می‌کند منزه است که شریک و نظیر داشته باشد (37) و از آیات بزرگ خدا شب است که لباس روشن روز را از قامت آن می‌کنیم و همه در تاریکی قرار می‌گیرند (38) خورشید در قرارگاه خود جریان دارد چنین است هندسه خلقت (39) برای ماه منازلی معین کردیم (ساعت آسمانی) تا عاقبت به صورت خوشه خشکیده خرما هلالی می‌شود (40) خورشید و ماه هرکدام فضائی دارند به یکدیگر نمی‌رسند شب بر روز و باطل بر حق سبقت نمی‌گیرد هر یک در فضای

خود شناورند (41) یکی از آیات خدا این بود که در عصر حجر برای آنها کشتی ساختیم و اجداد آنها را نجات دادیم (42) و مانند کشتی مراکب دیگر که نمی‌دانند در آینده می‌سازیم تا سوار شوند (43) اگر بخواهیم می‌توانیم آنها را غرق کنیم که داد رسی نداشته باشند و نتوانند خود را نجات دهند (44) مگر که لطف و رحمت خدا آنها را فرا گیرد تا برای مدتی آنها را در دنیا بهره مند کنیم (45) اگر به آنها بگوئیم از نتایج کفر و گناه خود در زمان خود و آینده بترسید شاید رحمت خدا شما را فرا گیرد (اجابت نمی‌کنند) (46) آیتی از آیات خدا برای آنها ظاهر نمی‌شود مگر این که از آن اعراض می‌کنند (47) و اگر به آنها گفته شود این ثروت‌ها که خدا داده در راه تولید و کمک به فقرا سرمایه گذاری کنید می‌گویند چرا به کسی کمک کنیم که اگر خدا می‌خواست به آنها کمک می‌کرد شما که به فقرا کمک می‌کنید گمراهید (48) مسخره می‌کنند که اگر شما راست می‌گوئید وعده عذاب و قیامت کی است (49) بگو شما همین قدر مهلت دارید که مرگ شما در حال گفتگو و اشتغال به دنیا برسد (50) هنگام مرگ نه مهلت وصیت دارید و نه هم به زندگی خود بر می‌گردید (51) بلافاصله بعد از

مرگ فرمان حیوه دوم می‌رسد فوری از قبر خود به‌دایره حاکمیت خدا کشیده می‌شوید. پاورقی 240 (52) در این حال فریادتان بلند است که وای بر ما چه کسی ما را از خواب مرگ بیدار کرد همین وعده خدا است پیغمبران راست گفتند (53) نفخ حیات دوم مانند نفخه مرگ يك فرمان است که بلا فاصله در قیامت حاضر می‌شوند (54) در این روز به‌کسی ستم نمی‌شود فقط به نتایج اعمالتان مجازات می‌شوید (55) خوشا به‌حال اهل بهشت که آن‌روز کارشان خوش‌گذرانی است (56) با همسرانشان در سایه لطف خدای اریکه قدرت تکیه می‌زنند (57) هر چه بخواهند از خوشی‌ها و میوه‌ها بدون زحمت حاضر است (مجهز به اراده الهی هستند) (58) از هر چیزی بهتر سلام و تحیت خدای مهربان است که به آنها ابلاغ می‌شود (59) فرمان تکوینی الهی می‌رسد که بدکاران از نیکوکاران جدا شوند (60) خطاب به بدکاران می‌شود که مگر با شما فرزندان آدم عهد نبستم که از شیطان اطاعت نکنید که دشمن شما است (61) و از من اطاعت کنید که راه راست به‌سوی بهشت است (62) دیدید که چقدر زیاد مردم را گمراه نمود چرا عقل خود را به‌کار نبردید

(63) و حالا این همان جهنمی است که شمارا از حرکت به سوی آن بر حذر داشتم (64) به دست خود به عامل کفر و گناه آن را شعله ور ساخته‌اید (65) مهرسکوت به دهانشان می‌زنیم دست و پایشان با ما سخن می‌گوید و شهادت می‌دهد به اعمالی که انجام داده‌اند (66) اگر بخواهیم بینائی و یا عقل آنها را می‌گیریم بعد کجا می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند (67) یا در همان وضعیت موجود آنها را مسخ می‌کنیم تا نتوانند به راهشان بروند یا به صورت انسان برگردند (68) به هرکس عمر طولانی بدهیم در خلقت به قهقرا برمی‌گردانیم چرا عقل خود را به کار نمی‌برند (69) ما به رسول خود شعر نیاموخته‌ایم شایسته او نیست بلکه قرآن است علم است بیانگر حقایق است (70) تا با این قرآن کسانی را که عقل و ایمان دارند از عواقب کفر و گناه بترسانیم و محکومیت کفارهم قطعی شود (71) مگر نمی‌بینید که ما چهار پایان را به دست قدرت خود آفریده‌ایم که آنها مالک شده‌اند (72) آنها را برایشان رام نموده‌ایم بعضی را سوار می‌شوند و بعضی را می‌خورند (73) از پشم و کَرک آنها بهره می‌برند و از شیر و ماست آنها می‌آشامند چرا لطف خدا را

منظور نمی‌دارند(74) بجز خدا خدایان دیگری برای خود ساخته‌اند که شاید از نصرت آنها استفاده کنند(75) خود را در خدمت آنها قرار داده‌اند ولی آنها عاجزترند که کسی را یاری کنند (76) از این شرك و بت پرستی ناراحت مباش ما ظاهر و باطن آنها را می‌شناسیم (77) مگر انسان نمی‌داند که ما او را از نطفه آفریده‌ایم که این‌طور جسورانه سخن می‌گوید (78) خلقت خود را فراموش کرده استخوان پوسیده‌ای را به‌دست گرفته که چه کسی این استخوان را زنده می‌کند (79) بگو همان کسی که اول او را آفریده زنده می‌کند او به‌هرکاری دانا و توانا است (80) همان کسی که از درخت سبز آتش بوجود می‌آورد و شمایندگی خود را با آن روشن می‌کنید (81) آیا کسی که عوالم آسمان‌ها و زمین را آفریده قدرت ندارد مانند آنها بیافریند آری می‌تواند او آفریدگار دانا و توانا است (82) او هر وقت کاری را بخواهد به محض این که اراده کند واقع می‌شود(83) منزله است خدایی که جان هرکسی به‌دست او است و تمامی خلایق به حکومت او بر می‌گردند

سوره صافات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(1) قسم به عوامل آفرینش یا عوامل تربیت که به صف ایستاده‌اند (2) عواملی که طبیعت را از نقص و فساد و انسان را از کفر و گناه باز می‌دارند (3) و عواملی که مردم را تعلیم می‌دهند و به یاد خدا می‌اندازند (4) قسم به همه این‌ها که خدای شما یگانه است (5) پروردگار عوالم آسمان و زمین و آنچه بین آنها است و مربی مکتب‌ها و مشارق (6) ما فضا را به ستارگان و مکتب دین را به ستارگان هدایت آرایش دادیم (7) تا به وسیله آنها مکتب دین را از دستبرد شیاطین حفظ کنیم (8) با وجود ستارگان هدایت نمی‌توانند بر اسرار دین و مقام ولایت مسلط شوند با کردار و گفتار حق از همه جا رانده و رسوا می‌شوند (9) باتیر شهاب (کلمه حق) و تعلیمات انبیا و اولیا رسوا و به عذاب رنج‌آور مبتلا می‌شوند (10) مگر کلمه‌ای

بربایند که در این صورت با شهاب ثاقب تعقیب می‌شوند (شهاب ثاقب تعلیمات بزرگان است چنان که می‌گوئی یابن الشهب الثاقبه) (11) از آنها پرس که آنها قوی ترند یا خلاق ما آنها را از گل عمل آمده ساخته‌ایم. پاورقی 241 (12) تو از حماقت آنها تعجب می‌کنی و آنها مسخره می‌کنند (13) و اگر دین خدا به آنها تبلیغ شود نمی‌پذیرند (14) و اگر معجزه‌ای ببینند مسخره می‌کنند (15) می‌گویند این‌ها سحر و جادوگری است (16) مگر ممکن است بعد از آن که خاک و استخوان شدیم دو مرتبه زنده شویم (17) و یا اجداد گذشته ما زنده شوند (18) بگو آری زنده می‌شوید شما تسلیم قدرت خدائید (19) نفخه حیات يك اراده الهي است که فوری مردگان زنده می‌شوند (20) فریاد می‌زنند که ای وای این است روز قیامت (21) آری همین روز قیامت است روز جدائی حق و باطل که آن را تکذیب می‌کردید (22) فرمانی می‌رسد که همسران و همکاران و مانند آنها و بت‌هایی که می‌پرستیدند همه را باهم جمع کنید (23) به راه جهنم ببرید (یعنی خود به خود به جهنم کشیده می‌شوند که خلاف جهت حق حرکت می‌کنند) (24) آنها را سر گذرها نگه دارید که

مسئولند(يك توقف طبيعي نه بامامور) (25) آنجا بگو چه شده شما را که یکدیگر را یاری نمی‌کنید (26) تمامی آنها آن روز تسلیم يك قدرت محیط و مسلطند (27) آنجا به یکدیگر می‌تازند و پرخاش می‌کنند (28) ضعفابه اقویا می‌گویند شما ما را فریب دادید و حاکمیت پیدا کردید (29) اقویا جواب می‌دهند که شما اصلا ایمان به خدا نداشتید (30) ما بر شما مسلط نبودیم خودتان طغیان گر بودید (31) عاقبت هر دو طایفه محکوم به عذاب پروردگار شدیم (32) خودمان گمراه بودیم شما را هم گمراه کردیم (33) در نتیجه دو گروه در عذاب مشترک می‌باشند (34) چنین است کردار و رفتار ما با ستمکاران (35) آنها وقتی کلمه لا اله الا الله را می شنیدند تکبر می‌کردند (36) می‌گفتند چرا به خاطر این پیغمبر دیوانه شاعر خدایان خود را ترك کنیم (37) چنین نیست که می‌گویند بلکه مبعوث از جانب خدا است که پیغمبران را تصدیق می‌کند (38) شما تکذیب کنندگان دین باید به عذاب جهنم معذب شوید (39) و این عذاب فقط نتیجه اعمال شما است (40) مگر بندگان مخلص ما که عمل بدی نداشته‌اند (41) روزی بندگان مخلص مشخص و معلوم است (42) همه نوع میوه و نشاط

با احترام کامل (43) در باغ‌های پراز نعمت مادی و معنوی (44) کنار یکدیگر براریکه قدرت تکیه می‌زنند (حاکم بر طبیعت و کائنات) (45) به وسیله حور و غلمان و شراب طهور پذیرائی می‌شوند (46) شربت‌هایی سفید و نورانی برای کسانی که می‌آشامند لذت‌بخش است (47) مانند شراب دنیا سستی و مستی به وجود نمی‌آورد (48) در کنارشان حوریان زیبا چشم (مجهز به معرفت و عشق و شهوت) (49) همچون دره‌های سفید دست نخورده (50) در این شوق و نشاط با یکدیگر سئوال و پاسخ دارند (51) گوینده‌ای به دیگری می‌گوید که دردنیار فیک بد و ناجوری داشتم (52) مرا مسخره می‌کرد که تو پیغمبران را قبول داری (53) که چه حرف‌هایی می‌زنند که و قتی که مردیم واستخوان شدیم دومرتبه زنده می‌شویم (54) شما دوستان از آن رفیق بد اطلاع دارید (که کارش به کجاکشید) (55) به او می‌گویند آنجا نگاه کن می‌بیند که در اعماق جهنم است (56) از او می‌پرسد حالت چطور است به خدا که نزدیک بود مرا هم به آنجا بکشانی (57) اگر نعمت ولایت نبود من هم آنجا معذب بودم (58) مگر ما هر دو نفر نمردیم (59) فقط

مرگ اول بود که دیگر رنج و عذابی برای ما نیست (60) این است زندگی ما سعادت است بسیار عظیم (61) تلاش گران لازم است برای وصول به این زندگی تلاش کنند (62) شجره طوبای بهشت (شجره ولایت) بهتر است یا درخت زقوم جهنم (شجره کفر و گناه) (63) ما درخت زقوم را وسیله‌ای برای آزمایش ستمکاران قرار دادیم (64) آن درختی است که در مرکز جهنم و اصول ظلم و فساد می‌روید (65) ثمره آن شجره سرو کله همین شیاطین بزرگ است (66) ستم کاران فکر و فرهنگ خود را از ثمرات آن درخت که ظلم و فساد است اشباع می‌کنند (67) و این فکر پر از شر و فساد که وجود آنها است آتش جنگ و تجاوز را روشن می‌کند (68) و این جنگ‌ها و تجاوزها به وسیله آتش دنیا آنها را به جهنم آخرت می‌کشاند (نیکان شاخ و برگ شجره ایمان و کفار شاخ و برگ شجره ظلم و فسادند) (69) آنها پدران خود را گمراه شناختند (70) با شوق و شتاب از کفر و گناه آنها پیروی نمودند (71) پیش از آنها گذشتگان هم گمراه بودند (72) این همه پیغمبران برای آنها فرستادیم (73) بین عاقبت کار کفار ظالم به کجا کشید (74) فقط بندگان مخلص

خدانجات یافتند (75) نوح در شدت گرفتاری از ما کمک خواست چه خوب بندگان خود را کمک می‌کنیم (76) او را و خانواده‌اش را از مصیبت بزرگ طوفان نجات دادیم (77) و نسل بشریت را از نوح ادامه دادیم (78) از نوح پیغمبر درآینده زندگی (79) سلام و تحیت و نام نیک به یادگار گذاشتیم (80) اجر نیکوکاران در نظر ما چنین است (81) نوح از بندگان مومن مابود (82) امت عصیانگر او را غرق نمودیم (83) ابراهیم هم از شیعیان انبیا و ائمه بود (84) که با قلبی سالم و خالص به سوی خدا حرکت کرد (85) به پدر خوانده و قوم خود گفت چه چیزی رامی پرستید (86) از خدایان دروغین برای نجات خود اطاعت می‌کنید (87) پروردگار عالمیان را چگونه شناخته‌اید (88) به ستارگان هدایت (ائمه اطهار) فکری کرد (89) در قیاس با آنها خود را ضعیف شناخت (90) تمام مردم از او اعراض نمودند و به عیدگاه خود رفتند (91) ابراهیم وقت خلوتی پیدا کرد به بتخانه رفت و گفت آیا غذا نمی‌خورید (92) چرا حرف نمی‌زنید (93) نفسی براحث کشید تبرا برداشت جانانه آنها را کوبید (94) مردم از عیدگاه برگشتند سرو صدا کردند که ای ابراهیم چه کسی بت‌های ما را خرد کرده است

(95) گفت بتی را که به دست خود تراشیده‌اید و می‌پرستید (96) باین که شما و ماده صنعت شما را خدا آفریده است (97) به یکدیگر سفارش کردند آتش روشن کنید او را بسوزانید (98) خواستند او را بسوزانند ما آنها را سرکوب نمودیم (99) تصمیم گرفتند او را تبعید کنند گفت باشد به سویی خدای خود می‌روم او مرا هدایت می‌کند (100) بعد خواهش کرد که ای خدا فرزند صالحی به من مرحمت کن (خدا اسماعیل را به او مرحمت کرد) (101) وقتی بالغ شد و به سعی و طواف مشغول شدند به پسر گفت خواب دیدم تورا قربانی کنم هدیه خدای من باشی نظر تو چیست پسر گفت بچشم ماموریت خود را انجام بده انشاء الله که من صبر می‌کنم (103) وقتی هردو نفر تسلیم شدند صورت پسر را به خاک گذاشت (104) او را صدا زدیم که ابراهیم (105) خوابت حقیقت پیدا کرد ما این طور نیکو کاران را پاداش می‌رسانیم (106) و جای آن قربانی عظیم کربلا را مقدر کردیم که دین خدا را حیات بخشید (108) و این فداکاری را یادگار بزرگی برای آینده قرار دادیم (109) که نام نیک و سلام و درود برای پدر و پسر بود (110) اجر نیکو کاران را چنین می‌رسانیم (111) ابراهیم

ازبندگان مومن مابود (112) به پاداش این فداکاری او را به پسرش اسحاق بشارت دادیم و او پیغمبری صالح و شایسته بود (113) به ابراهیم و اسحاق برکت دادیم اولاد آنها بعضی صالح و نیکوکار و بعضی ظالم و گنه کار بودند (114) موسی و هارون هم مشمول انعام ما شدند (115) آن دو برادر و قومشان را از مصیبت بزرگ سلطه فرعون نجات دادیم (116) آنها را یاری کردیم بر دشمن خود پیروز شدند (117) کتابی واضح و روشن گر به آنها تعلیم دادیم (118) آنها را به راه مستقیم سعادت هدایت کردیم (119) در زندگی آیندگان (120) از موسی و هارون سلام و تحیت به یادگار گذاشتیم (121) نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم (122) آن دو برادر از بندگان مومن و شاکر ما بودند (122) الیاس هم از پیغمبران مابود (124) قوم خود را هدایت می‌کرد که تقواداشته باشید (125) چرا بهترین آفرینندگان را رها می‌کنید و از بت‌ها سعادت می‌طلبید (126) یعنی خدا که پروردگار شما و گذشتگان شما است (127) او را تکذیب نمودند همه آنها در حساب قیامت حاضر می‌شوند (128) مگر بندگان مخلص که حساب و کتابی ندارند (129) از الیاس رسول هم در آینده

(130) نام و نشان خوبی به یادگار گذاشتیم (131) پاداش نیکوکاران در نظر ما چنین است (132) الیاس از بندگان مومن مابود (133) لوط هم از رسولان ما به سویی قوم خود بود (134) او را و خانواده اش را از زلزله نجات دادیم (135) مگر عجوزه همسرش را که گرفتار زلزله شد (136) بقیه قومش را به دست هلاکت سپردیم (137) شما مردم حجاز هر روز صبح (138) و فردا شب از خرابه های شهر آنها عبور می کنید چرا عبرت نمی گیرید (139) یونس هم از پیغمبران مابود (140) از تقدیر خدا فرار و به کشتی نشست (141) قرعه کشی شد و طعمه نهنگ گردید (142) نهنگ او را بلعید و خود را ملامت می کرد (143) اگر نبود که تسبیح خدا می کرد (144) تا قیامت در شکم ماهی مدفون بود (145) در حالی که مریض بود او را در ساحل دریا رها کردیم (146) کدو بنی رویانیدیم که سایبانش باشد (147) و بعد او را به سویی امت صد هزار نفری رسالت دادیم (148) امت به او ایمان آوردند تا مدتی در زندگی بهره مند شدند (149) از این امت خرافاتی پیرس که آیا دختران مال خدا و پسران مال شمایند (150) یا آنها دیدند که فرشتگان را به صورت دختران آفریده ایم

(151) از جمله دروغسازي آنها اين كه مي‌گويند
(152) خدا پسر به دنيا آورده چه دروغ‌ها مي‌گويند
(153) آيا خدا دختران را بر پسران ترجيح داده
(154) شما چگونه قضاوت مي‌كنيد كه مناسب شان
خدا باشد (155) چرا حقيقت را به عقل خود درك
نمي‌كنيد (مخلوق صنعت خداست نه جلوه ذات او)
(156) شما در اثبات اين خرافات چه حجتی دارید
(157) كتاب و دليل خود را بياوريد اگر راست مي
گوئيد (158) و باز آنها بين خدا و جنیان خویشاوندي
ساخته‌اند با اين كه جنیان مي‌دانند مثل ساير مردم
در قيامت حساب و كتاب دارند (159) خدا از اين وصف
ها پاك و منزّه است (160) مگر بندگان خالص كه خدا
را مناسب شان او وصف مي‌كنند (161) شما
خرافاتيان و رهبرانتان (162) نمي‌توانيد بندگان
مخلص خدا را گمراه كنيد (163) فقط كساني را
گمراه مي‌كنيد كه در خط جهنم سازي باشند (164)
ما اخلاص كيشان هر کدام مقام معيني داريم (165)
ما مجاهدان آماده به صف در راه خدائيم (166) و
تسبيح كنندگان خدا از روي معرفت هستيم (167)
گر چه كفار مي‌گويند كه (168) اگر ما مانند اهل كتاب
كتابي داشتيم (169) مانند مومنين بندگان مخلص

بودیم (170) با این عذر و بهانه‌ها کافر به اسلام شدند به زودی عاقبت کار خود را خواهند دانست (171) تقدیر ما در باره اهل ایمان و پیغمبران چنین بوده است که (172) آنها منصورند آنها را یاری می‌کنیم (173) لشکر ما همه جا غالب و پیروزند پس (174) آنها را تا آخر عمر به خود واگذار (تا محکومیت قطعی پیدا کنند) (175) آنها را بیناکن تا بفهمند (176) آنها عذاب انتقامی ما را با شتاب می‌طلبند (176) باشد تا وقتی که عذاب به ساحت زندگی آنها وارد شد خواهند دانست چه وضع بدی دارند (178) آنها را مهلت بده و فاصله بگیر (179) آگاهی بده خود را خواهند شناخت (180) پروردگار تو صاحب عزت و کرامت است از وصف آنها بالا تراست (181) درود و سلام بر پیغمبران (182) و ستایش حمد مخصوص خدا پروردگار عالمیان

سوره صاد

بسم الله الرحمن الرحيم

روایت‌ها می‌گویند صاد نهری است مبدا خیر و برکت. البته همانطور که حروف لفظی مبدا کلمات و عبارات است حروف سازندگی هم مبدا خیرات و برکات است (1) قسم به نهر خیرات و برکات و این قرآنی که مبادی علم و حکمت است (3) کفار همیشه در غرور و تکبر و شکاف افکنی در وحدت بشریتند (3) چقدر زیاد نمونه آنها را در تاریخ گذشته هلاک نمودیم می‌نالیدند و راه فراری نداشتند (4) تعجب می‌کنند که يك هدایت کننده از جانب خدا می‌آید کفار می‌گویند که ساحر و کذاب است (5) می‌گویند این همه خدا یان را منحصر به يك خدا دانسته خیلی عجیب است می‌گویند خدا یکی است (6) سردمداران به یکدیگر سفارش می‌کنند بروید با خدایان خود باشید و وظیفه‌ای است که باید جدی بگیرید (7) حرف‌هایی که این مرد می‌گوید سابقه ندارد از خودش خلق می‌کند (8) در میان این همه آدم‌ها فقط وحی خدا بر او نازل می‌شود آنها در دین خدا شك دارند بلکه عذاب الهی را نچشیده اند (9) یا

خیال می‌کنند خزائن رحمت پروردگار بخشنده عزتمند به دست آنهاست (10) یا فکر می‌کنند بر عوالم آسمان‌ها و زمین پادشاهی دارند پس و سیله فضائی بسازند بالا بروند (11) آری گروهی به فکر سفر فضائی خواهند بود ولی باشکست رو برو می‌شوند (زیرا حرکت در فضای نا متناهی باسفینه‌ها برابر صفر است) (12) پیش از این‌ها قوم نوح و قوم عاد و ثمود و فرعون که مردم را به میخ می‌کشید دین خدا را تکذیب کردند (13) و هم چنین قوم ثمود و قوم لوط و اصحاب ایکه گروه کفر و عناد (14) تمامی آنها دین خدا و پیغمبران را تکذیب نمودند مستحق عذاب الهی شدند (15) آن گروه کفر و عناد در انتظار یک فرمان الهی هستند که بعد از فرمان مهلت نفس کشیدن ندارند (16) همه آنها به زبان حال می‌گویند سهم زندگی ما را پیش از حساب قیامت به ما برسان (17) برای این گفته‌های سفیهانه صبر کن و برای عبرت داستان بنده ما داوود را یاد آوری کن پیغمبری که قدرتمند و پناهنده به خدا بود (18) ماکوه‌ها (ابر قدرت‌ها را) مسخر او نمودیم روز و شب با او به تسبیح خدامشغول بودند. پاورقی 242 (19) هم چنین پرندگان مسخرا و پناهنده به او

بودند (20) ارکان سلطنت او را محکم نمودیم به او حکمت مدیریت و حجت قاطع دادیم (21) داستان دونفر داد خواه او به نظرت رسید که اطراف محراب او را گرفتند (22) قدری ترسید گفتند ترس ما باهم نزاع داریم یکی متجاوز و یکی مدافع است بین ما عادلانه قضاوت کن و ما را به راه راست هدایت نما (23) این برادر من نود و نه گوسفند دارد و من يك گوسفند می گوید آن یکی راهم به من بده در سخن پرانی بر من غالب است (24) داوود گفت به تو ستم می کند که گوسفند تو را می طلبد بسیاری از شرکا که قویترند بر ضعفا می تازند مگر اهل ایمان و عمل صالح که بسیار کمند داوود به ناگاه ملتفت شد که این داد خواهی آزمایش و تنبیه او بوده است متنبه شد و به سجده افتاد به خدا پناهانده شد (25) مانیز گناه او را بخشیدیم داوود از نظر ما دارای مقام و حسن عاقبت است (26) ای داوود ما تو را در زمین خلافت دادیم بین مردم به حق قضاوت کن از هوا و هوس بپرهیز که هوای نفس تو را منحرف می کند کسانی که از راه خدا منحرف می شوند عذاب سختی دارند که روز حساب را فراموش می کنند (27) ما آسمان و زمین و آنچه بین آنها است به بازی

نیافریدیم کفار چنین خیال می‌کنند وای به حال کفار و این بازیگری که عاقبت گرفتار آتش می‌شوند (28) آیا آنها خیال می‌کنند که مازندگی اهل ایمان و عمل صالح را بازندگی مفسدین برابر خواهیم ساخت یا خیال می‌کنند که پرهیزکاران مانند جنایت‌کاران هستند (29) ما این کتاب بابرکت را نازل کردیم تا در مندرجات آن تفکر کنند خردمندان حقیقت آن را درک کنند (30) ما به خلیفه خود داوود پسری مانند سلیمان بخشیدیم چه بنده خوبی بود سلیمان پناهنده به خدا بود (31) روزی نزدیک شامگاه اسب‌های برجسته برابر او سان رفتند (32) گفت چنان جذب نمایش اسب‌ها شدم که از یاد خدا غافل شدم و خورشید به غروب‌گاه رفت (33) دستور داد اسب‌ها را برگردانند دست به سرو صورت آنها می‌مالید (34) ما سلیمان را در اثر فریفتگی به سلطنت آزمایش کردیم کرسی سلطنت او را به دست دیوی سپردیم بعد از تنبه پناهنده به خدا شد و توبه کرد (35) عرضه داشت پروردگارا از گناه من درگذر و سلطنتی به من مرحمت کن که شایسته دیگری نباشد تو بخشنده و مهربانی (36) خواهش او را اجابت کردیم و نیروی باد را به فرمان او درآوردیم بساط

سلطنت او را بایارانش آرام آرام از شهری به شهری حرکت می‌داد (صبح‌ها برابر یک‌ماه و عصرها برابر یک‌ماه سرعت داشت) (37) جنیان و شیاطین متمرّد را مسخر خود کرد آنها را به بنائی و غواصی و کارهای دیگر وادار نمود (38) هرکدام از فرمان او سرپیچی می‌کرد به زندان و غل زنجیر می‌کشید (جنیان و دیوان انسان‌های وحشی بوده‌اند که سلیمان آنها را به تمدن و شهر نشینی عادت داد) (39) به سلیمان گفتیم این همه ثروت و قدرت بخشش ما است هرچه می‌خواهی بدون حساب مصرف کن (40) او به اضافه این سلطنت در نزد ما آبرومند و خوش عاقبت است (41) بنده ما ایوب را هم یاد آوری کن آن‌جاکه به خدا نالید که ای خدا شیاطین و بدکاران مرا در شکنجه و عذاب قرار دادند (42) به او گفتیم پایت را به زمین بزن چشمه آب گوارائی برای شستشو و آشامیدن آماده است (در اثر شستشو امراضش برطرف شد) (43) به لطف و رحمت خود خانواده‌اش را برابرگذشته به او بخشیدیم تا این غنای بعد از فقریاد آوری لطف خدا برای خرد مندان باشد (44) برای تبرئه قسم گفتیم یک‌دسته چوب صد شاخه‌ای بزند ایوب بنده

صابري بود چه بنده خوبی پناهنده به خدا بود
(45) بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را هم یاد
آوری کن که صاحب قدرت ایمان و بصیرت بودند
(46) ما برای آنها در دنیا و آخرت یاد واره نیک به وجود
آوردیم (47) آنها در نزد ما از صاف شدگان و پاک
شدگان و نیکان بودند (48) اسماعیل و الیسع و
ذالکفل و سایر نیکان را هم یادآوری کن (49) این آیات
یادآوری آنها است اهل تقوا نزد ما چه عاقبت خوبی
دارند (50) یعنی بهشت معدن تمامی نعمت ها و
همه جا درها به روی آنها باز است (51) در آن زندگی
به قدرت حق تکیه دارند هرچه بخواهند از میوه ها و
شربت هادر اختیارشان قرار می گیرد (52) در کنار
همسران شوهر دوست و زیبا چشم
(53) نعمت هائی است که روز حساب به شما اهل
ایمان وعده داده است (54) اینها روزی های ما است
که تمام شدنی نیست (55) و باز بین طغیانگران چه
عاقبت بدی دارند (56) جهنمی که خودشان علیه
خودشان روشن می کنند چه بد مکتبی است مکتب
جهنم سازی (57) بچشید عذاب را بهره شما به جز
آب داغ و چرک و خون چیزی نیست (58) و غذاهای
دیگر نمونه آنها (59) همه به یکدیگر می تازند که خیر

نبینید آن گروه جنس شما و همکاران شما بودند که چنین آتشی روشن کردند(60) طایفه دیگر به آنها می‌گویند شما خیر نبینید شما بودید که چنین جهنمی برای ما درست کردید چه بدجائی که ساختید (61) عاقبت هر دو طایفه می‌گویند خدایا هرکس چنین آتشی روشن کرده است عذاب او را چند برابر کن (62) و باز همه آنها داد می‌زنند که چرا کسانی را که از اشرار می‌شناختیم این جانمی بینیم (63) ما آنها را مسخره می‌کنیم که اهل بهشت رانمی‌بینند یا چشم آنها عوضی می‌بیند که به عینک سیاه خود بهشتی را جهنمی می‌بینند (64) آنچه در این آیات می‌بینید حقیقت داستان اهل جهنم است که بایکدیگر جنگ و جدال دارند (65) به مردم بگو من فقط شما را از عاقبت کفر و گناه می‌ترسانم خدائی بجز خدای واحد قهار نیست (66) پروردگار آسمان و زمین و آنچه میان آنها است خدای عزتمند و آمرزنده (67) این قرآن و یا قرآن ناطق نبا عظیم و علمی است بی‌پایان (68) ولیکن شما از این نبا عظیم اعراض می‌کنید (69) من محیط به علم خدا نیستم که مردم در قیامت چگونه با یکدیگر مخاصمه دارند (70) فقط به من وحی می‌شود من يك پیغمبرم

مامور هدایت شما (71) به یاد زمانی باشید که خدا به فرشتگان گفت می‌خواهم انسانی از گل و خاک بیافرینم (72) وقتی که او را آفریدم به اعتدال آوردم و از روح علم و ایمان در او دمیدم شما او را سجده کنید (73) تمامی فرشتگان آدم را سجده نمودند (فرشتگان مانند برق عوامل آفرینش هستند که در اختیار انسان کامل قرار می‌گیرند) (74) مگر ابلیس که خود را بزرگ دانست و کافر به خدا بود. پاورقی 243 (75) خدا به ابلیس فرمود چه مانعی پیدا شد انسانی را که به دست خود ساخته‌ام سجده کنی تکبر تورا فرا گرفت یا از آن بزرگان بودی (76) گفت من از او بهترم که مرا از آتش و او را از خاک آفریده ای (77) فرمود از جوار من بیرون شو که تو در معرض لعن و رجم خواهی بود (78) تا روز قیامت ملعون مطرود به لعن من می‌باشی (79) شیطان گفت تا روز قیامت به من مهلت بده (80) فرمود مانعی ندارد مهلت خواهی داشت (81) تا روز معین و معلوم (روز ظهور امام زمان) (82) گفت قسم به عزتت که همه آنها را گمراه خواهم نمود (83) مگر بندگان مخلص تورا که نتوانم اغوا کنم (84) فرمود من هم به حقیقت می‌گویم (85) که جهنم را از تو و جمیع

پیروانت پر خواهم کرد (86) به مردم بگو من در برابر خدمات اجری نمی‌خواهم شما را هم بر قبول دین مجبور نمی‌کنم (87) این قرآن علم تمام عالمیان است که باید بخوانند و بدانند (88) در انتهای زندگی خواهید دانست که آنچه گفته‌ام حقیقت دارد (کافر و مشرک مظهر ماده و طبیعت اند که بدون نظام، به طبیعت آتش تربیت می‌شوند، تسلیم اولیاء خدا نمی‌شوند و مومنین را اغوا می‌کنند).

سوره زمر

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت این که حرکت بشریت را به صورت کاروان به سوی بهشت یا جهنم ترسیم می‌کند زمر نامیده شده زمیعنی کاروان حرکت (1) این سوره کتابی است که از جانب خدای عزیز و حکیم نازل شده (2) ما این قرآن را به حق بر تو نازل کردیم بنده خدا باش و دینت را برای خدا خالص کن

(3) دین خالص فقط برای خدا مصداق پیدا می‌کند کسانی که سوای خدا کسی یا چیزی را می‌پرستند و می‌گویند برای تقرب به خدا آنها را می‌پرستیم خدا روز قیامت در این عقاید بین آنها قضاوت می‌کند آنچه مسلم است خدا کافران را هدایت نمی‌کند (4) اگر کسی را به فرزندی بپذیرد از خلائق خود بهترین را انتخاب می‌کند خدا منزّه است که رابطه فرزندی با کسی داشته باشد او غالب و قاهر است (5) او عوالم آسمان و زمین را به حق آفریده شب را بر روز و روز را بر شب می‌گرداند ماه و خورشید را مسخر خود نموده که هر یک در دایره خود تا مدت معینی گردش دارند او غالب و آمرزنده است (6) شمارا از يك خمير و يك نفس آفرید و از همان جنس همسرش را خلق کرد هشت جفت گاو و شتر و بز و میش آفرید در رحم مادر و در تاریکی سه برابر به شما شکل‌های مختلف داد این است خدا پروردگار شما پادشاهی مخصوص او است خدائی بجز او نیست کجا می‌روید (7) اگر کافر شوید خدا از بندگانش بی‌نیاز است کفر شما را نمی‌پسندد بلکه شکر گذاری شما را نمی‌پسندد هیچ کس بار مسئولیت دیگری را قبول ندارد باز گشت همه

به سوي خداست شمارا به نتایج اعمالتان آگاه مي‌کند از آنچه در نیت شماست خبر دارد (8) انسان چنین است که اگر ضرري ببیند به خدا پناه مي‌برد خواهش و تمنا دارد و وقتي به ثروت و نعمت برسد فراموش مي‌کند که به خدا پناه برده و از او دفع ضرر خواسته به علاوه ديگري را شريك خدا مي‌سازد تا مردم را گمراه کند بگو اي ناسپاس از کفر خود بهره‌مند باش عاقبت اهل جهنم خواهي بود (9) آیا کسی که نیمه هاي شب در سجود و قیام است از مسئولیت آخرت مي‌ترسد امید به رحمت خدا بسته مثل ديگران است بگو آیا دانا و نادان با هم مساويند فقط خردمندان حقیقت را درک مي‌کنند (10) بگو بندگان مومن من هر چه ممکن است تقوا پيشه کنید کسانی که احسان مي‌کنند در این دنیا احسان مي‌بینند زمین خدا وسیع است و اجر صابرين بي حساب است (11) بگو من مامور شدم در اطاعت خدا و بنده او باشم دین خود را براي او خالص گردانم (12) مامور شدم اولین مسلمان باشم (13) از روز عظیم قیامت مي‌ترسم که نا فرماني کنم (14) باید در اطاعت خدا باشم دین خود را براي او خالص گردانم (15) شما آزديد از هر کسی به جز

خدا اطاعت کنید بزرگترین زیان کار کسی است که روز قیامت به جان خود و وابستگان خود ضرر می‌زند این خسارت قابل جبران نیست (16) عاقبت در وضعی قرار می‌گیرند که از جانب ملت و دولت از زیر پا و بالای سر در محاصره آتش قرار می‌گیرند آتشی است که خدا بندگان خود را از آن می‌ترساند که ای بندگان تقوایپیشه کنید (17) کسانی که از اطاعت طاغوت اجتناب دارند و به‌سوی خدا توبه و انابه دارند به‌حسن عاقبت مزدگانی بده (18) همان‌ها که گفته‌ها را می‌شنوند و بهترین آن‌را ملائک عمل قرار می‌دهند آنها کسانی هستند که خدا قلب آنها را هدایت نموده‌آنها خردمندانند (19) کسی که محکومیت او از جانب خدا قطعی شده تو آیا می‌توانی او را از آتش نجات بدهی (20) ولیکن اهل تقوی در غرفه‌های بهشت زندگی می‌کنند نعمت‌های الهی برای آنها مانندنهر در جریان است این وعده خدا است خدا خلف وعده نمی‌کند (این غرفات مراتب وجودی و تکاملی انسان است که بر پایه آن زندگی تفاوت پیدا می‌کند) (21) مگر نمی‌بینی چگونه خداوند از آسمان آب نازل می‌کند و به‌صورت چشمه‌ها به‌جریان می‌اندازد و با آن

زراعت‌ها را در شکل‌های مختلف می‌رویاند و بعد از چندی طراوت زراعت را می‌برد زرد می‌شود و می‌خشکد تمامی این تحولات و تغییرات برای خردمندان درس و دانش است (22) کسی که خداوند برای اسلام به او شرح صدر داده و قلب او را روشن کرده مانند کسی است که در تاریکی به سر می‌برد و ای به حال کسی که قساوت قلب دارد از نام خدا متأثر نمی‌شود آنها گمراهند (23) خداوند بهترین حدیث را برای شما نازل کرده کتابی با آیات متشابه و دو معنایی کسانی که عظمت خدا را درک می‌کنند تن آنها می‌لرزد و بعد به یاد لطف خدا آرامش پیدا می‌کنند این هدایت الهی است که با آن هرکسی را بخواهد هدایت می‌کند و کسی را که گمراه کند هدایت گری نخواهد داشت (24) آیا کسی که روز قیامت عذاب را با صورت خود دفع می‌کند مانند اهل بهشت است به ظالمین گفته می‌شود عذاب الهی را بچشید (25) گذشتگان عذاب خدا را تکذیب نمودند و لیکن ازجائی که نمی‌دانستند سرشان آمد (26) خداوند عذاب رسوائی را در دنیا به آنها چشانید اگر عقل خود را به کار اندازند می‌فهمند که عذاب آخرت سخت تر است (27) محققان این قرآن رادر

لباس تشبیه برای تو ذکر می‌کنیم شاید که مردم بفهمند (28) این قرآن عیب و نقصی ادبی و یا علمی ندارد شاید از این کتاب درس تقوا فرا گیرند (29) خداوند برای بندگان خود و بت پرستان مثل می‌زند مردی که برده چند نفر ارباب است هرکدام به او دستوری می‌دهند و مردی که فقط يك مولا دارد مساویند الحمدلله که اکثر آنها نمی‌دانند (30) توای رسول من خواهی مرد و دیگران هم می‌میرند (31) و بعد همه شماروز قیامت با هم محشور می‌شوید و جدال و نزاع دارید (32) چه کسی ظالم تراست از کسی که به خدا دروغ می‌بندد و رسول صادق را تکذیب می‌کند آیا عذاب جهنم که آخرین نتیجه کفر است برای کفار کافی نیست (33) پیغمبری که مردم را به حق دعوت می‌کند و مومنی که او را تصدیق می‌کند هر دو اهل تقوا هستند (34) آنها هرچه بخواهند نزد خدا برایشان محفوظ است جزای نیکوکاران چنین است (35) خداوند با نیکوکاری آثار اعمال بد را از وجود آنها می‌زداید و در برابر بهترین اعمال به آنها پاداش می‌دهد (36) مگر خدا برای اداره بندگان خود کافی نیست که آنها تورا از غیر خدا می‌ترسانند آنها گمراهند و کسی را که خدا واگذار

کند هدایت کننده نخواهد داشت (37) و یا اگر خدا کسی را هدایت کند گمراه کننده ندارد خدا غالب و انتقام گراست (38) اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفرید به دلیل بدهت علم همه می گویند خدا بگو پس شما که مرا از غیر خدا می ترسانید اگر خدا ضرری به من برساند آن خدایان می توانند ضرر الهی را از من بگردانند و یا اگر نفعی به من برساند آنها می توانند مانع شوند پس خدا مرا کافی است توکل کنندگان به خدا توکل کنند (39) شما طبق موقعیت خود عمل کنید من هم بر طبق موقعیت خودم به زودی خواهید دانست چه کسی موفق است (40) و خواهید دانست آن عذاب رسوا کننده سرچه کسی خواهد آمد و در آن حبس ابد خواهد شد (41) ما این کتاب را به حق نازل کردیم هر کس هدایت شود به نفع خود هدایت شده و هر کس گمراه شود به ضرر خود تو وکیل محافظ و مدافع آنهانیستی (42) خدا است که هنگام خواب و مرگ جان انسان را می گیرد و بعد از خواب اگر مرگ مقدر شد جان خوابیده را حبس می کند و الا دو مرتبه آن را بر می گرداند تا عمر مقدر تمام شود این خوابیدن و مردن برای انسانهای متفکر درس

شناسائی خداوند است (43) مشرکین سوای خدا شریک و شفیع تراشیده‌اند بگو مگر نمی‌بینید که آن شرکا مالک چیزی نیستند و عقل و شعوری ندارند (44) بگو وسائل نجات همه به دست خداوند است پادشاهی برعوالم آسمان‌ها و زمین با او است و عاقبت به او مراجعه خواهید کرد. پاورقی 244 (45) وقتی که خدا و دین او تبلیغ می‌شود دل کسانی که ایمان به آخرت ندارند مضمئز می‌شود اما اگر از غیر خدا سخن به میان آید خوشحال می‌شوند (46) بگو ای خدا فقط توئی خالق آسمان‌ها و زمین عالم به آشکار و پنهان تو بین بندگان در اختلافاتی که دارند قضاوت می‌کنی (47) بدان که اگر ثروت مندان چندین برابر ثروت زمین در اختیار داشته باشند حاضرند برای نجات خود فدا کنند با عذاب‌هایی از جانب خدا رو برو می‌شوند که هرگز خیال نمی‌کردند (48) نتایج اعمال بدشان برابر چشمشان ظاهر می‌شود شرآن همه مسخره‌ها و استهزاهای خودشان بر می‌گردد (49) انسان چنان وضعی دارد که اگر بلائی به او برسد به ما پناهنده می‌شود و بعد از آن که به ثروت و نعمت می‌رسد می‌گوید به عقل خودم بود به خدا مربوط نیست خبر ندارد که ما با این فقر و غنا او را آزمایش

می‌کنیم گرچه بسیاری از مردم خبر ندارند (50) ثروتمندان تاریخ هم چنین بودند ولی از کسب و کارشان برای رفع و دفع عذاب آخرت سودی نبردند (51) نتایج بد اعمال آنها به آنها اصابت کرد ستمکاران دیگر هم دنباله رو اعمال آنها هستند به همین زودی به نتایج اعمالشان خواهند رسید نمی‌توانند خدار از اجرای مقدرات خود باز دارند (52) مگر نمی‌بینند که خدا روزی هرکسی را بخواهد وسعت می‌دهد و بردیگری تنگ می‌گیرد این وسعت و تنگی برای اهل ایمان آیت قدرت و حکمت خداوند است (53) ابلاغ کن که ای بندگان من که به خودستم کرده‌اید و مرتکب گناه شده‌اید از رحمت خدا مایوس نباشید که خدا از جمیع گناهان شما می‌گذرد او آمرزنده و مهربان است (54) به سویی خدا گرایش پیدا کنید و پیش از آن که عذاب الهی شما را فرا گیرد تسلیم خدا شوید مبادا از نصرت او محروم باشید (55) پیش از آن که عذاب ناگهانی قیامت شما را فراگیرد از آیات حیات بخش قرآن استفاده کنید (56) مبادا حسرت آنروز شما را فرا گیرد که ایوای در حضور خدا مرتکب گناه شدیم و او لیا خدارا مسخره کردیم (57) یا ناراحت شوید که اگر خدا ما را هدایت

می‌کرد باتقوا شده بودیم (58) یا وقتی که با عذاب روبرو شوید آرزو کنید که دو مرتبه به دنیا برگردیم نیکوکار خواهیم بود (59) آری غم و اندوه شما آن روز فایده ندارد آیات ما به شما رسید و اولیای ما گفتند شما آنها را تکذیب نمودید تکبر داشتید و از گروه کفار بودید (60) چهره کسانی که به خدا دروغ بسته‌اند خواهی دید که سیاه است آیا جهنم نتیجه عمل اهل ریا و تکبر نیست (61) خداوند اهل ایمان و تقوا را به مناسبت این که حقی را ضایع ننموده‌اند نجات می‌دهد رنج و بلائی به آنها نمی‌رسد و غم و غصه‌ای ندارند (62) خدا خود آفریننده همه چیز است و وکیل همه مخلوقات است (63) زمام امور اهل آسمان‌ها و زمین بدست او است کسانی که کافر به آیات خدا می‌شوند بدانند که خسارت می‌برند (64) بگو ای نادان‌ها شما مرا امر می‌کنید که غیر خدا را بپرستم (65) ای رسول خدا ما به تو و پیغمبران پیش از تو امر نمودیم که اگر جز خدا کسی را اطاعت کنی شجره زندگیت می‌خشکد به خسارت محرومیت از علم و ایمان مبتلا می‌شوید (66) بلکه باید در اطاعت خدا باشید حق او را منظور بدارید (تازندگی شمارا به ثمر برساند) (67) خدا را چنان که

شایسته او است نشناختند با این که روز قیامت تمام کره زمین در تصرف او است قدرت او چنان است که آسمان‌ها را درمی‌نوردد او منزّه و برتر است از آنچه به جای او می‌پرستند. پاورقی 245 (68) در این موقع فرمان مرگ می‌رسد هر که هست در عوالم آسمان و زمین بجز آن که خدا می‌خواهد می‌میرد و بعد از مرگ زندگی دنیا حیات آخرت با نفخه دوم شروع می‌شود همه قیام می‌کنند تا ناظر زندگی آخرت باشند. پاورقی 246 (69) در این موقع با قیام امام زمان افکار مردم کره زمین روشن می‌شود کتاب ناطق و صامت خدا که میزان عدالت است نصب می‌شود تمامی پیغمبران و صلحا و شهدا با آن میزان سنجیده می‌شوند بین آنها به حق قضاوت می‌شود به کسی ستم نمی‌شود (70) تمامی نفوس در قیامت جمع می‌شوند هر کسی به نتایج اعمال خود می‌رسد خدا به همه کس آگاه است (71) در این زمان ابتدا کفار گروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند در های عذاب به روی آنها باز می‌شود به آنها می‌گویند مگر این همه پیغمبران نیامدند آیات خدا برای شما تلاوت کردند و از چنین عذابی ترسانیدند می‌گویند چرا آمدند ولیکن عذاب الهی برای کفار قطعیت پیدا کرد (72) پس

بفرمائید درهای جهنم بروی شما باز است جای ابدی شماست چه جای بدی است برای متکبرین (73) اهل تقوا هم گروه گروه از مسیر ایمان و عمل صالح به سوی بهشت رانده می‌شوند وقتی که رسیدند خود به خود درها باز می‌شود با سلام و استقبال مواجهند که بفرمائید خوشا به حال شما جای ابد شماست (74) بعد از ورود و استقرار می‌گویند الحمد لله که وعده او حقیقت پیدا کرد امروز کره زمین که به صورت بهشت در آمده در اختیار ما است و هر جا بخواهیم جای می‌گیریم چه قدر خوبست عاقبت نیکوکاران (75) و خواهی دید فرشتگان (عوامل سازنده) در اطاعت مقام ولایت که عرش خدا است، هستند و تسبیح خدابه جا می‌آورند بین بندگان به حق قضاوت می‌شود همه می‌گویند الحمد لله رب العالمین.

این سوره به **مناسبت استعمال همین** کلمه درآیه سوم غافر نامیده شده است

(1) ح-ا-میم - شرح حروف در سوره‌های قبل گفته شد که اشاره به اصول حوادث و اصول خلقت است مانند الفبا که اصول کلمات است (2) این کتاب و حروف از جانب خدای عزیز و حکیم نازل شده است (3) خدای تکامل دهنده انسان‌ها قبول کننده توبه و کیفر کننده دشمنان و بخشنده نعمت و ثروت به دوستان خدائی بجزاو نیست مرجع امور دنیا و آخرت است (4) کسی بجز کفار بر آیات خدا رد و ایراد ندارد جلوه‌ها و تحولات آنها در شهرها تورا فریب ندهد که آنچه دارند هیچ و پوچ است (5) پیش از آنها قوم نوح و احزاب پیغمبران را تکذیب نمودند تصمیم جدی گرفتند او را دستگیر کنند بحث و جدال راه انداختند تا حق را محو کنند آنها را هلاک نمودیم کیفر ما چگونه بود (6) به دلیل کفر و تجاوز محکومیت آنها قطعی شد که آنها به ناچار اهل جهنمند (7) کسانی که مجهز به علم الهی هستند به هدایت علم ایمان به خدا می‌آورند و خدا را منزله از شباهت به خلق می‌دانند رشد علم و استعداد اهل ایمان را از خدا می‌طلبند عرض می‌کنند پروردگارا علم و رحمت تو

کل آفرینش را فرا گرفته پناهندگان و پیروان راه خود را هدایت کن و از عذاب جهنم محفوظ بدار. پاورقی 247 (8) خدایا این بندگان پاک و مومن را وارد بهشتی کن که معدن برکات است بهشتی که به آنها و پدران و فرزندان و همسران صالح آنها وعده دادی تو حکیم و توانا هستی (9) خدایا آنها را از گناه و معصیت حفظ کن لطف تو شامل کسانی می‌شود که آنها را از گناه حفظ می‌کنی لطف تو بزرگ‌ترین سعادت است (10) روز قیامت کفار را صدا می‌زنند که عذاب خدا از عذابی که خودتان برای خودتان آماده کرده اید سخت‌تر است زیرا شما بعد از هدایت و دعوت کافر به خدا شدید. پاورقی 248 (11) آنها جواب می‌دهند پروردگارا دو مرتبه ما را میرانیدی و دو مرتبه ما را زنده کردی به گناه خود اعتراف کردیم آیا راه نجات برای ما پیدا می‌شود. پاورقی 249 (12) موت و حیات و تحولات دیگر برای این است که اگر شما را دعوت به خدا کنند کافر می‌شوید و دعوت به شرک را می‌پذیرید تا بدانید موت و حیات باخدای برتر و بالا تر است (13) با این موت و حیات قدرت خود را به نمایش می‌گذارد روزی شما را از آسمان نازل می‌کند اما جز توبه کاران کسی عظمت خدایا درک نمی‌کند (14) اکنون که مقدرات

همه به دست خدا است شما دین خود را برای خدا خالص کنید گر چه کفار خلوص شما را دوست نمی‌دارند (15) خدا در موضع قدرت و حاکمیت است در جانش بسیار بالا است روح نبوت را در وجود هر کسی بخواهد القا می‌کند تا با علم خود بتواند بندگان خدا را از قیامت و آخرت بترساند (16) روزی که همه از مخفی گاه قبر خارج می‌شوند چیزی بر خدا پوشیده نیست در آن حال که همه تسلیم قدرتند گفته می‌شود امروز پادشاهی باکیست همه يك صدا جواب می‌دهند برای خدای واحد قهار (17) در آن روز است که هر کسی نتیجه عمل خود را می‌بیند خدا سریعاً به حساب‌ها می‌رسد به کسی ستم نمی‌شود (18) مردم را از روز نمایش قدرت خدا بترسان آن روز دل‌ها تسلیم اعضای بدن است و زبان علیه دل گواهی می‌دهد ستمکاران دوستی یا شفیعی قابل قبول ندارند (19) خدا است که خیانت چشم را می‌داند و از آنچه در فکر و نیت شما است خبر دارد (20) خدا همه جا به حق قضاوت می‌کند و معبودهای شما که از آنها اطاعت می‌کنید قضاوتی ندارند خدا شنوا و بینا است (21) چرا در تاریخ سیر نمی‌کنند تا عاقبت کفر و گناه را ببینند آنها در قدرت

و ثروت از شما مردم زمان بالاتر بودند و آثارشان بیشتر در مسیر کفر و گناه به هلاکت افتادند در حمایت خدا نبودند (22) هلاکت آنها به این دلیل بود که کافر به دعوت پیغمبران و معجزات آنها شدند خدا از آنها انتقام گرفت خدا قوی است سخت کیفر می‌کند (23) موسی را هم با آن همه معجزات و قدرت فوق العاده به سوی (24) فرعون و هامان و قارون رسالت دادیم به جای قبول حق گفتند ساحر و کذاب است (25) بعد از ظهور حق به جای تسلیم گفتند مردان بنی اسرائیل را بکشید زنانشان را زنده نگه دارید اما خبر نداشتند که از کید و مکرشان نتیجه‌ای نمی‌برند (26) فرعون فریاد برآورد که بگذارید موسی را بکشم او هم از خدای خود کمک بخواهد می‌ترسم این مرد فرعون پرستی شما را تغییر دهد و مفسده بپا کند (27) موسی به آنها گفت من از شر شما انسان‌های کافر که ایمان به خدا نمی‌آورید به پروردگار خود و شما پناه می‌برم (28) در این جا مرد مومنی از فرعونیان که ایمان خود را پنهان می‌داشت جلو آمد گفت که شما مردی را که می‌گوید خدا پروردگار من است با این همه دلائل و معجزات که دارد می‌کشید اگر دروغ می‌گوید به ضرر خود می‌گوید و

اگر راست می‌گوید عذاب‌ی که خبر می‌دهد سر شما می‌آید خدا اسراف‌گران کذاب را دوست نمی‌دارد (29) شما فرعونیان گر چه بر بندگان خدا مسلط هستید اگر غضب خدا ما را فرا گیرد چه کسی می‌تواند ما را از غضب خدا برهاند فرعون گفت فرمان همان است که گفتم من شما را به عقل و تمدن هدایت می‌کنم (30) آن بنده مومن به مردم گفت می‌ترسم عذاب‌هایی که بر اقوام گذشته نازل شد بر شما هم نازل شود (31) عذاب‌ی مانند عذاب‌های قوم نوح و عاد و ثمود و اقوام بعد از آنها خدا به بندگان خودستم نمی‌کند (32) ای قوم می‌ترسم عذاب قیامت که همه از شدت آن داد می‌زنند شما را فرا گیرد (33) آن روز این طرف و آن طرف فرار می‌کنید کسی از عذاب خدا حامی شما نمی‌شود کسی را که خدا گمراه کند هدایت‌گری نخواهد داشت (34) پیش از این هم یوسف صدیق بادلائل روشن به دعوت شما مشغول شد و شما دائم در حقانیت حق شك و شبهه داشتید تا این که یوسف از دنیا رفت گفتید خدا دیگر پیغمبری نخواهد فرستاد خدا انسان‌های متجاوز و شكاک را این طور گمراه می‌کند (35) انسان‌هایی که بدون دلیل در آیات خدا

مجادله دارند مجادله جاهلانه در نزد خدا ومومنین (ائمه) گناهی بس بزرگ است خدا قلب انسان‌های متکبر و جبار را در غلاف دنیا پرستی قرار می‌دهد(این غلاف لازمه کفر است) (36) فرعون که خیال می‌کرد خدا در آسمان است به وزیر خود هامان گفت برای من برج و بارویی بساز شاید بالا بروم (37) خدای موسی را ببینم فکر می‌کنم دروغ می‌گویند که از جانب خدا و رسول او هستم کفر و گناه تا این اندازه فرعون را به سفاهت کشید و از معارف باز داشت سیاست فرعون در راه هلاکت و نابودی است (38) مومن قبیطی صدا زد ای قوم از من پیروی کنید شمارا به راه حق هدایت می‌کنم (39) این زندگی دنیا بهره اندکی بیش نیست زندگی ابدی و ماندنی زندگی آخرت است (40) هرکس عمل بدی مرتکب شود به نتیجه عملش می‌رسد نیکان از مرد یا زن که اهل ایمان و عمل صالحند داخل بهشت می‌شوند اجر آنها ابدی و بدون حساب است (41) و باز آن مومن صدا زد که ای قوم شما چه آدم‌هائی هستید که من شمارا به راه نجات دعوت می‌کنم و شما مرا به جهنم می‌کشانید (42) دعوت می‌کنید که کافر به خدا شوم و از چیزی که ماهیت آن را نمی‌دانم

به جای خدا اطاعت نمایم با این که من شما را به خدای غالب و غفار هدایت می‌کنم (43) شما مرا به اطاعت کسی دعوت می‌کنید که در دنیا و آخرت مقامی و دعوتی ندارد با این که مسیر حرکت ما به سوی خداوند است و تجاوز گران عاقبت اهل جهنمند (44) به همین زودی به نتایج دعوت من می‌رسید من کار خود را به خدا واگذار می‌کنم خدایه حال بندگان خود آگاه است (45) خدا آن مومن آل فرعون را از شر فرعونیان حفظ کرد و با بدترین عذاب‌ها فرعونیان را محاصره نمود (46) یعنی عذاب جهنم که شبانه روز به آنها عرضه می‌شود و روز قیامت فرمانی می‌رسد که آل فرعون را به بدترین عذاب معذب کنند. پاورقی 250 (47) زمانی که در جهنم با مردم بحث و جدال دارند ضعفابه مستکبرین می‌گویند که ما در دنیا از شما پیروی کردیم ممکن است مقداری از این عذاب‌ها را از ما برطرف کنید (48) متکبرین جواب می‌دهند نه همه ما در عذاب گرفتاریم خدا به عدالت خود بین بندگان قضاوت کرده است (49) اهل جهنم به مامورین جهنم می‌گویند از پروردگار خود بخواهید عذاب ما را کمی سبک کند (50) جواب می‌دهند مگر پیغمبران با معجزات الهی

به طرف شما نیامدند و شما را به راه نجات دعوت نکردند می‌گویند چرا آمدند جواب می‌دهند که هرچه می‌خواهید داد بزنید نتیجه‌ای ندارد (51) ما فقط پیغمبران و اهل ایمان را در دنیا و آخرت یاری می‌کنیم (52) آن روز روزی است که معذرت خواهی ستمکاران سودی نمی‌بخشد لعنت خدا و بدترین زندگی آنها را فرا می‌گیرد (53) ماموسی را هدایت کردیم کتاب تورات را در اختیار بنی اسرائیل گذاشتیم (54) کتابی که منشا هدایت و یادآور حقیقت برای خردمندان بود (55) توای رسول خدا صبر کن که وعده خدا حق است از خدا بخواه تورا به کمال علم برساند صبح و شام به حمد و تسبیح پروردگار مشغول باش (56) کسانی که بدون علم و برهان در عظمت خدا و آیات او بحث و جدال دارند منشا این جدال تکبر آنها است که هرگز به عزت و عظمت نخواهند رسید از شر مستکبرین به خدا پناه ببر خدا شنوا و بینا است (57) خلایقی که در عالم آسمان هستند از خلایق زمین بیشتر و بزرگترند گرچه بسیاری از مردم نمی‌دانند (58) بینا و نا بینا عالم و جاهل مساوی نیستند و هم چنین نکوکاران و بدکاران کسانی که حقیقت را درک می‌کنند خیلی کمند (59) ساعت

قیامت خواهد آمد شکی در وقوع آن نیست گرچه بسیاری از مردم ایمان نمی‌آورند (60) خداوند می‌فرماید آنچه می‌خواهید از من بخواهید اجابت می‌کنم کسانی خود را بزرگ تر می‌دانند که از خدا خواهش و تقاضا کنند با ذلت و خواری گرفتار جهنم می‌شوند (61) خدا کسی است که شب را برای آرامش و روز را برای معاش و دانش قرار داد لطف خدا به بندگانش زیاد است ولیکن اکثر مردم حق خدا را منظور نمی‌دارند (62) این است پروردگار شما خالق همه کس و همه چیز بجز او خدائی نیست به کجا پرت می‌شوید و از خدایان دروغین اطاعت می‌کنید (63) همین طور در تاریخ گذشته کسانی که منکر خدا بودند در اطاعت خدایان دروغین در آمدند (64) خدا کسی است که زمین را قرارگاه و سقف آسمان را (ویا فضای ولایت را) پناهگاه شما قرار داد و شما را در بهترین نقش آفرید و صورت نیکوئی به شما داد روزی‌های طیب و طاهر علم حیات بخش از مقام ولایت به شما بخشید این است پروردگار با برکت است خدای عالمیان (65) او خدای زنده است بجز او خدائی نیست حوائج خود را از او بخواهید دین خود را برای او خالص کنید ستایش مطلق

مخصوص او است رب العالمین است(66) بگو من بعد از این همه دلائل که از خدای خود دارم ممنوع شدم از خدایانی که شما آنها را اطاعت می‌کنید چیزی بخواهم مامور شدم تسلیم پروردگار عالمیان باشم (67) او کسی است که شما را از خاک و بعد از نطفه و خون بسته آفرید و بعد به صورت کودکی به دنیا آورد و شما را به علم و قدرت رسانید و بعد به دوران پیری که بعضی از شما پیش از پیری می‌میرید و بعضی به اجل مقدر می‌رسید این تحولات برای این است که به عقل خود عظمت خدا را درک کنید (68) او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند هرکاری را که بخواهد به محض خواستن شدن است (69) چقدر جاهلند کسانی که در عظمت خدا شک و شبهه دارند و بحث و جدال راه می‌اندازند فکر خود را به کجا می‌کشانند (70) آنها که کتاب‌های آسمانی و رسالت رسولان را تکذیب می‌کنند به زودی خواهند دانست که (71) چگونه باغل و زنجیرهای محکومیت به جهنم کشیده می‌شوند (72) در دنیا در جنگ و در آخرت در آتش جهنم شعله ورنند (73) بعد به آنها گفته می‌شود کجایند کسانی که آنها را شریک خدای دانستید (74) به جای خدا از آنها اطاعت

می‌کردید می‌گویند آنها از اختیار ما خارج شدند اصلاً ما جای خدا کسی را اطاعت نکردیم خدا منکر حق را گمراه می‌کند (75) این مصیبت‌ها از این راه سر تان آمد که بدون آشنائی به حق سرگرمی و شوق و نشاط داشتید (76) و حالا از این درهای کفر و گناه که به روی خود باز کرده‌اید وارد جهنم شوید چه بد است جای متکبرین (77) تو در راه خدا صبر کن وعده خدا شدنی است و اگر مشاهده می‌کنی وعد و وعید ما در زمان حیات یا بعد از مرگ ظاهر می‌شود آنها اجباراً به حاکمیت ما باز می‌گردند. پاورقی 251 (78) پیش از تو هم پیغمبرانی فرستادیم بعضی را معرفی نمودیم و بعضی را نه هیچ پیغمبری بدون اذن خدا معجزه‌ای نمی‌آورد وقتی که نوبت حکومت به ما رسید بین مردم به حق قضاوت می‌شود در آن زمان اهل باطل به خسارت روانی و ایمانی خود آگاه می‌شوند (79) خدا کسی است که چهار پایان را برای سواری و باربری و برای خوراک شما آفرید (80) از آنها منافع بسیار دارید به وسیله آنها به حوائج خود می‌رسید از آنها و از کشتی‌ها برای سواری استفاده می‌کنید (81) خدابه وسیله آنها آیات عظمت خود را نشان می‌دهد کدام يك از آیات خدا را منکر می‌شوید

(82) آیا در زمین و یا تاریخ سیر نمی‌کنید تا بدانید عاقبت کارگذشتگان به کجا کشید آنها از شما بیشتر بودند و قدرت و آثارشان زیادتر ثروت و کارشان به حال شان سودی نبخشید (83) زمانی که پیغمبران به دعوت آنها مامور شدند به علم و قدرت خود نازیدند و پیغمبران را مسخره کردند که نتایج مسخره‌ها به خودشان برگشت (84) و چون با عذاب ما رو برو شدند گفتند به خدای یگانه ایمان آوردیم و به آنها که شریک خدا قرار داده بودیم کافر شدیم (85) ولیکن این توبه که در پنجه قدرت خدا بود سودی نبخشید سنت خدا در مقدرات بندگان چنین است روز حساب کفار بجز خسارت بهره‌ای ندارند (زیرا توبه رجوع به حق است نه تسلیم قدرت). پاورقی 252

سوره فصلت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این سوره به مناسبت کلمه فصلت به همین کلمه نام‌گذاری شده است در این سوره مطالبی عمیق راجع به تکامل بشر ضمن آیات مربوط به خلقت آسمان و زمین و کوه‌ها و اقوات بیان شده که شرح مفصل آن در تفسیر سوره قاف ذکر شده است (1) حا- میم - شرح حروف درسوره‌های قبل بیان شده است (2) این حروف و آیات از جانب خدای بخشنده مهربان نازل شده است (3) این آیات کتابی است که به تفصیل حقایق آن روشن شده است قرآنی است به زبان عربی برای کسانی که تعقل کنند (4) نیکان را به نتایج اعمال نیک و بد کاران را به نتایج اعمال بد آگاه می‌کند گرچه بسیاری از آن اعراض می‌کنند و حاضر نیستند حرف حق بشنوند (5) می‌گویند دل ما در غلاف است و دعوت تو را نمی‌فهمیم گوش ما سنگین است بین ما و تو حجاب است هر چه می‌خواهی عمل کن ما نیز کار خود را می‌کنیم (6) بگو من هم انسانی مانند شمایم فقط به من وحی می‌شود که خدای شما یگانه است در راه او استقامت فکری پیدا کنید از او نیرو بگیرید وای به حال مشرکین (مغفرت رفع نواقص وجودی است) (7) مشرکین کسانی هستند که زکات نمی‌دهند و

کافر به زندگی آخرت هستند (8) کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح داشته‌اند اجری بدون منت دارند (9) بگو آیا شما کافر به خدائی هستید که زمین را (یا زمینه تربیت را) در دو دوره آفرید برای چنین خدائی شریک می‌تراشید او مربی عالمیان است. پاورقی 231 (10) خدائی که بعد از خلق زمین و زمینه تربیت کوه‌های استوار در آن خلق کرد و به این کوه‌ها (ابرقدرت‌ها) و در چهار دوره مساوی برکت داد قوت و غذای آن را برای جویندگان مقدر نمود (11) بعد از این اراده کرد آسمان (فضای افکار) را که دود یا خرافات بود بیافریند در این جابه آسمان و زمین (عالم و عامی) گفت اجبار دارید به میل خود یا خلاف میل خود به دایره ولایت و حاکمیت من بیائید گفتند به میل خود آمدیم (12) در این موقع در دو دوره هفت آسمان (هفت کلاس تکامل) مقدر کرد و به هر کلاسی امر مخصوص آن را صادر نمود و بعد کلاس اول نزدیک به افکار مردم را به ستارگان هدایت و حفاظت دین زینت داد این است تقدیر خدای دانا برای نجات بشر (تفسیر و تاویل این آیات از احادیث مربوط به تاویل است که در کتاب تفسیر برهان روایت شده است). پاورقی 253 (13) اگر از دعوت و مکتب

تو اعراض نمودند بگو من شما را به صاعقه‌ای مانند صاعقه قوم عاد و ثمود می‌ترسانم (14) آن‌جا که پیغمبران زمان آنها را تبلیغ نمودند که جز خدا از کسی اطاعت نکنید گفتند اگر لازم باشد خدا ما را هدایت کند فرشته‌ای می‌فرستد ما رسالت آدم‌ها را قبول نداریم (15) آن قوم خود را از خدا و پیغمبر بالاتر دانستند گفتند چه قدرتی از ما بالا تراست چرا نگفتند خدایی که ما را آفریده از ما توانا تراست آنها منکر آیات ما شدند (16) ما طوفانی شدید در ایامی نحس بر آنها مسلط کردیم تامزه عذاب رسوایی را در دنیا به آنها بچشانیم و عذاب آخرت رسوا تراست کسی آنها رایاری نمی‌کند (17) و اما قوم ثمود را هدایت نمودیم که کوری را بر هدایت ترجیح دادند عذاب ذلت و خواری آنها را گرفت که نتیجه کار و کسب غلط آنها بود (18) در این میان اهل ایمان را نجات دادیم (19) فردای قیامت که به سوی جهنم محشور شوند بر اساس درکات کفر و گناه به درکات جهنم توزیع می‌شوند (20) وقتی که با جهنم رو برو شوند چشم و گوش و اعضای بدن به اعمالی که از آنها سرزده گواهی می‌دهند (21) در این جابه پوست و بدن می‌گویند چرا علی‌ه ما گواهی دادید می‌گویند

خدائی که همه چیز را گویانموده ما را هم به زبان آورده خدائی که در اولین مرتبه شما را آفرید و همه به سوي او رجوع نمودید (22) شما نتوانستید کفر و گناه خود را مستور بدارید که نگذارید چشم و گوش و پوست بدن گواهی دهند خیال می‌کردید بسیاری از آنچه شما می‌دانید خدا نمی‌داند (23) این عقاید غلط شما را به هلاکت کشانید که در نتیجه ضرر کردید و از بهشت محروم شدید (24) حالا صبر کنید یا نکنید جای شما جهنم است اجازه معذرت خواهی به شما داده نمی‌شود (25) برای آنها دوستانی مقرر کردیم که اعمال بد آنها را در نظرشان جلوه دهند حکم قطعی خدا است که آنها ملحق به کفار تاریخ از جن وانس شوند و خسارت ببینند (26) کفار به یکدیگر سفارش می‌کنند که به این قرآن گوش ندهید و آن را ملغی کنید شاید پیروز شوید (27) عذابی سخت به آنها می‌چشانیم و به نتیجه بدترین اعمال آنها را مجازات می‌کنیم (28) حقیقت این است که عذاب آنها همان جهنم است که نتیجه انکار دین و انکار آیات خدا است (29) کفار در آخرت داد می‌زنند که پروردگارا این دو نفر شیطان جني و انسي که ما را گمراه نموده‌اند به ما بسپار تا آنها را زیر پای خود

بکوبیم تا بدترین ما باشند (30) اما کسانی که ایمان به خدا می‌آورند و در ایمان خود استقامت دارند فرشتگان با آنها تماس می‌گیرند که نترسید و غم و غصه نداشته باشید مژده باد شما را به بهشتی که به شما وعده داده‌اند (31) ما فرشتگان در دنیا و آخرت ولی شما هستیم و آنچه اشتها دارید در اختیار شما قرار می‌گیرد و هرچه بخواهید حاضر است (32) نعمتهائی است که برای پذیرائی شما از خدای آمرزنده مهربان آماده شده است (33) چه منطقی بهتر است از منطبق کسی که مردم را به دین خدا و عمل صالح دعوت می‌کند و می‌گوید من مسلمانم (34) هرگز بد و خوب مساوی نیستند همیشه بابهترین اعمال بدی‌ها را دفع کن با این روش خواهی دید که دشمنان تبدیل به دوستان مهربان می‌شوند (35) حقیقت این است که دفع بدی‌ها به خوبی‌ها را جز مردم با ایمان و صابر درک نمی‌کنند یعنی کسانی که بهره آخرتی آنها عظیم است (36) اگر به وسوسه شیطانی مبتلا شدی به خدا پناه ببر او شنوا و دانا است کسی به جز او نمی‌تواند شر شیاطین را دفع کند (37) از جمله آیات قدرت و عظمت خدا گردش شب روز و ماه و خورشید است

شما ماه وخورشید را سجده نکنید خدائی را سجده کنید که آنها را آفریده است اگر بنده خدائید چنین باشید خالق را سجده کنید نه مخلوق را (38) اگر تکبر آنها را فرا گرفت بدانند بندگانی که به خدا مربوطند شب وروز او را تسبیح می‌کنند خستگی هم ندارند (39) از جمله آیات عظمت خدا خشوع زمین و اهل آن در برابر خدا است وقتی که باران و یا علم بر زمین و دلها وارد می‌شود زمین و دلها جنبش پیدا می‌کند بالا می‌آید خدائی که چنین زمین را زنده می‌کند مردگان را هم زنده می‌کند او به هرکاری توانا است (40) کسانی که خود را رقیب اولیاء خدا می‌دانند از نظر ما مخفی نیستند کسی که به آتش معذب می‌شود بهتر است یا کسی که در امن و امان است هرکاری می‌خواهید انجام دهید خدا به اعمالتان آگاه است (41) کسانی که بعد از آگاهی به حقانیت کافر به قرآن می‌شوند با این که کتابی است نفوذ ناپذیر (42) باطل به آن راه ندارد از جانب خدای حکیم و حمید نازل شده است سر نوشت خود را بشناسند (43) همان راه و مرامی به تو وحی می‌شود که به پیغمبران پیشین نازل شده است مردم بدانند که خدا برای نیکان مغفرت و برای

بدکاران عذاب‌ی درد ناک دارد (44) اگرما این قرآن‌را به‌زبان عجمی نازل می‌کردیم ایراد می‌گرفتند که چرا روشن نیست بگو به هر زبانی باشد عربی یا عجمی برای اهل ایمان مایه هدایت و شفای مرض جهل است ولی برای کسانی که ایمان به‌خدا ندارند سنگین و مایه کوری آنهاست فاصله روانی آنها از حق زیاداست از راه دور ندای اسلام رامی شنوند (45) مایه موسی کتاب تورات دادیم آنها در آن اختلاف پیدا کردند اگر تقدیر مهلت و فرصت نبود به حساب آنها می‌رسیدیم ولی آنها در شک و اشتباه باقی ماندند (46) هرکس عمل نیک انجام دهد به نفع او است و عمل بد به ضررش است پروردگار به کسی ستم نمی‌کند (47) علم به روز قیامت و ثمراتی که در دل اشجار است و آنچه در رحم مادر است و روزی که وضع حمل کند مخصوص خدا است روزی که قیامت بپا شود به کفار می‌گویند کجایند پیشوایان که شریک من قرار دادید و از آنها اطاعت کردید می‌گویند اعلام کردیم که پیشوایی نداریم (48) تمامی وسائلی که در دنیا داشتند از اختیارشان خارج است و یقین پیدا می‌کنند که راه نجات ندارند (49) انسان در طلب آنچه نافع است خسته نمی‌شود اما اگر

بلائی به او برسد نا امید می‌شود (50) اگر بعد از بلا و مصیبتی که به او رسیده نعمت و رحمت او را فراگیرد غرور پیدا می‌کند لطف الهی را به حساب خود می‌گذارد و می‌گوید قیامت کجا بوده اگر هم آخرتی باشد من خوش‌بختم چنین نیست مانتیجه کفر و گناه آنها را که عذاب شدید است به دستشان می‌گذاریم (51) وقتی نعمت و برکت به انسان می‌رسد از دین خدا فاصله می‌گیرد و اگر بلائی به او برسد سر و صدای عریض و طویل به راه می‌اندازد (52) بگو اگر این قرآن و اسلام از جانب خدا باشد چه جوابی دارید که کافر به آن می‌شوید از کسانی که تفرقه افکنی دارند چه کسی گمراه‌تر است (53) به زودی آیات قدرت و عظمت خود را در فضای عالم و فضای وجود آنها به آنها نشان می‌دهیم تا روشن شود که خدا يك حقیقت است آیا کافی نیست که پروردگار تو شاهد همه کس و همه چیز است (54) مردم در روز لقا الله شك و شبهه دارند خدا به همه چیز محیط است ابتدا و انتهای زندگی را می‌داند.

سوره شوری

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره هم به مناسبت این که خداوند به انسان دستور مشورت می‌دهد شوری نامیده شده است (1) ح-ا-میم (2) - عین - سین - قاف - حروف قرآن اشاره به اصول آفرینش و حوادث است تمام معانی آن غیب است (3) خدای عزیز و حکیم است که علوم غیب را به تو و پیغمبران پیش از تو وحی می‌کند (4) هرچه هست در عوالم آسمان و زمین مال خدا است خدا در وجود خود برتر و بی‌نهایت است (5) اهل عوالم آسمان و زمین چنانند که در برابر قدرت او متلاشی می‌شوند فرشتگان خدا را منزّه از شباهت به خود می‌دانند تکامل دهنده موجودات و رحمت بخش اهل زمینند بدانید که خدا آمرزنده و مهربان است (6) کسانی هم که بجز خدا سرپرست دیگری گرفته‌اند بجز خدا محافظی ندارند تو وکیل آنها نیستی که آنها را از هدف خودشان باز داری (7) ما به این کیفیت قرآن را بر تو نازل کردیم تا مکه و اطراف آنرا از کفر و گناه بترسانی و از حساب قیامت بر

حذر داري شكّي در آن نيست مردم در آنجا به دو گروه بهشتي و جهنمي تقسيم مي‌شوند (8) اگر خدا بخواهد مي‌تواند وحدت اجباري به وجود آورد وليكن آزاد مي‌گذارد هر كسي را بخواهد به دايره لطف خود مي‌كشاند ستمكاران بدانند ياور و ناصري ندارند (9) آنها سر پرستي غير از خدا گرفته‌اند فقط خدا ولي مردم است كه مردگان را زنده مي‌كند او به هر كاري قادر است (10) بگو در هر مسئله‌اي اختلاف پيدا كرديد حكمش با خدا است اين است پروردگار من به او توكل دارم و به او پناه مي‌برم (11) خدا پروردگار آسمان و زمين است كه براي شما مردان از جنس خودتان همسر آفريد چهار پايان را هم جفت آفريد و زندگي شما را رشد مي‌دهد مانند او كسي وچيزي نيست او شنوا و دانا است (12) زمام خلايق آسمان و زمين به دست او است روزي هر كسي را بخواهد وسعت مي‌دهد يا اگر بخواهد تنگ مي‌گيرد او به هر چيزي آگاه است (13) براي شما مسلمانان همان ديني را رسميت داد كه به نوح و پيغمبران ديگر وصيت كرد ديني كه به ابراهيم و موسي و عيسي وحى نمود و همه جا سفارش كرد كه وحدت ديني داشته باشيد و تفرقه پيدا نكنيد ديني كه به آن

مردم را دعوت می‌کنید قابل تحمل مشرکین نیست خدا هرکسی را بخواهد توفیق می‌دهد و هرکسی به او متوسل شد هدایت می‌کند(14) این تفرقه‌ها روی حسد و تجاوز حاصل شد تفرقه بعد از آن بود که علم به حقانیت دین داشتند اگر تقدیر خدا نبود که مهلت داشته باشند به حسابشان می‌رسید اهل کتاب در این تقدیر شك دارند خیال می‌کنند که خدا غافل است (15) مردم را به ایمان و وحدت دعوت کن و چنان که ماموری استقامت داشته باش از هواهوس آنها پیروی مکن بگو من به کتاب خدا ایمان دارم مامورم عدالت را زنده کنم خدا پروردگار ما و شما است اعمال ما برای ما و عمل شما برای شما شما بر ما حجت ندارید خدا ما و شما را يك جا جمع می‌کند آخرین مرجع، حکومت خدا است (16) کسانی که در اطاعت خدا بعد از قبول دین او بحث و جدال می‌کنند در نظر خدا محکومند غضب خدا و عذاب شدید آنها را محاصره خواهد کرد (17) خدا کسی است که کتاب خود را به حق و میزان عدالت نازل کرد چه می‌دانی شاید قیامت نزدیک باشد (18) کسانی که ایمان به آخرت ندارند می‌گویند کجا است قیامت ولی اهل ایمان یقین به

قیامت دارند از آن می ترسند کسانی که در ظهور قیامت شك دارند زیاد از حق فاصله گرفته اند. پاورقی 254 (19) خدا بایندگان لطف و مدارا دارد هر کسی را بخواهد به علم و ایمان می رساند او نیرومند و نفوذناپذیر است (20) کسانی که هدفشان زندگی آخرت است بیشتر از آن چه انتظار دارند به آنها می رسانیم و هرکس هدف دنیائی دارد او را به هدف می رسانیم که او بهره آخرتی ندارد (21) آنها شریکانی برای خدا تراشیدند و بدون اذن خدا دین و قانون ساختند اگر انتظار امتیاز کامل بین دو گروه نبود خدا به زندگی آنها خاتمه می داد ستمکاران بدانند عذابی درد آور برای آنها مقدر است (22) ستمکاران از نتایج ظلم و گناه خود می ترسند با این که به اراده خود به آن می رسند اما اهل ایمان و عمل صالح در بهشت زندگی دارند به آنچه بخواهند می رسند تقرب به خدا نعمتی بسیار بزرگ است (23) این است نعمتی که خدایه بندگان خود که اهل ایمان و عمل صالحند مژده می دهد بگو از شما اجر و مزدی بجز محبت ذوی القربای خود نمی طلبم کسی که کاسب نکوکاری است بر نکوئی او می افزایم خدا

احسان شما را منظور می‌دارد و آنرا به کمال می‌رساند (24) یامی‌گویند نسبت دادن این قرآن به خدا دروغ است اگر بخواهیم رابطه با تورا خاتمه می‌دهیم و در آینده به وسیله اولیا خود حق را به کرسی می‌نشانیم و باطل را نابود می‌کنیم خدا به افکار بشر آگاه است (یعنی اگر رابطه قطع شود می‌دانند که آیات از جانب خداست) (25) خداست که توبه بندگان را می‌پذیرد تیرگی گناه را می‌زداید و از اعمال آنها آگاه است (26) و خدا است که خواهش اهل ایمان و عمل صالح را اجابت می‌کند و به لطف خود اجری بیشتر به آنها می‌دهد کفار بجز عذاب شدید بهره‌ای ندارند (27) اگر خدا بیشتر از این به مردم ثروت و قدرت بدهد طغیان می‌کنند او به اندازه معین روزی می‌رساند و به حال بندگان بصیر و آگاه است (28) و او است که بعد از ناامیدی باران رحمت نازل می‌کند و رحمت خود را گسترش می‌دهد او سرپرستی پسندیده است (29) از جمله نشانه‌های قدرت او خلق زمین و عوالم آسمان و انسان‌هایی است که در این عوالم آفریده و او می‌تواند اهل زمین و آسمان را با هم محشور کند (30) هر نوع مرضی که به شما می‌رسد به دست خود شما است خداوند اثر

بسیاری از این مرض‌ها را محو می‌کند و کمی‌را به‌جا می‌گذارد تا بدانید باخود چه می‌کنید(طبق روایتی در کتاب مکارم الاخلاق مصیبت‌ها در این آیه آلام و اسقام است) (31) شما کفار نمی‌توانید خدا را از اداره اهل زمین باز دارید و بجز خدا یاری‌کننده و سرپرستی ندارید (32) حرکت کشتی‌ها در دریا از نشانه‌های قدرت خداست (33) اگر بخواهد باد را متوقف می‌کند تا کشتی‌ها از حرکت باز مانند تمامی این حوادث برای انسان‌های صابر و شاکر آیت خداست (34) یا اگر خدا بخواهد کشتی و اهل آن را هلاک می‌کند خدا از بسیاری گناهان شما می‌گذرد (35) کسانی که در آیات مابحث و جدال دارند می‌دانند که خدا حق است و راهی بجز قبول آن ندارند (36) آنچه در اختیار دارید ثروت دنیا است ولی برای کسانی که ایمان به‌خدا و توکل به‌او دارند آنچه در آخرت ذخیره شده بهتر و باقی‌تر است (37) و برای کسانی که از گناه کبیره اجتناب دارند و هنگام غضب از مغضوب خود می‌گذرند (38) و برای کسانی که دعوت خدا را قبول می‌کنند نماز را به‌پامی‌دارند و در مسائل باهم مشورت می‌کنند و از آنچه به‌آنها روزی کرده‌ایم انفاق می‌کنند (39) و کسانی که در

برابر تجاوز از خود و دیگران دفاع می‌کنند (40) و می‌دانند که سزای بدکاران بدی مانند بدکاری آنهاست البته هرکس عفو کند و اصلاح نماید اجرش با خدا است خدا متجاوز را دوست نمی‌دارد (41) مظلومی که از ظالم انتقام می‌گیرد محکومیت ندارد (42) کسی محکومیت دارد که به مردم ستم می‌کند و به حق آنها تجاوز می‌کند آنها به عذابی شدید معذب می‌شوند (43) کسانی که بعد از قدرت انتقام صبر می‌کنند و می‌گذرند صاحب اراده قوی هستند (44) کسی را که خدا گمراه کند بعد از خدا مولائی ندارد وقتی که ستمکاران با عذاب رو برو می‌شوند می‌گویند آیا راه نجاتی هست (45) هنگام رویارویی با عذاب در نهایت ذلت و خشوع مخفیانه این طرف و آن طرف نگاه می‌کنند در این حال اهل ایمان می‌گویند خسارت‌زدگان واقعی کسانی هستند که به جان خود و وابستگان خود ضرر زده‌اند ستمکاران دائم در عذابند (46) آنها مولائی ندارند که آنها را یاری کند کسی را که خدا گمراه کند راه نجاتی ندارد (47) پیش از آن که ببینید راه فرار از حاکمیت خدا ندارید دعوت پروردگار خود را اجابت کنید. آن روز پناهگاهی ندارید کسی نیست شما را هدایت کند

ویا بر شما ایراد بگیرد (48) اگر از دین و دعوت تو اعراض می‌کنند باشد ما تو را نگهبان آنها قرار ندادیم وظیفه تو فقط تبلیغ است وقتی که به انسان نعمتی می‌دهیم خیلی خوش حال می‌شود و اگر در اثر کفر و گناه بلایی به او برسد ناراحت می‌شود انسان ناسپاس است (49) پادشاهی عوالم زمین و آسمان مخصوص خدا است آنچه بخواهد می‌آفریند به هر کسی بخواهد پسر می‌دهد و به هر کسی بخواهد دختر (50) و یا اگر بخواهد جفت پسر و دختر می‌دهد و یا هر کسی را بخواهد عقیم می‌کند خدا دانا و توانا است (51) خدا منزّه است که قیافه بگیرد سخن بگوید مگر که وحی کند و یا از پشت حجاب نور از شجره نورانی مانند کلام باموسی سخن بگوید یا به وسیله فرشته وحی کند مانند صورت عالم خواب خدا حکیم و برتر است.

(52) ما این طور روح علم بر قلب تو نازل کردیم قبلاً نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست و لیکن قرآن را نور علم قرار دادیم تا به وسیله آن هر کسی را بخواهیم هدایت کنیم تو هم مردم را به راه راست هدایت می‌کنی (53) راه کسی که هر چه هست در آسمان‌ها و

زمین مال او است آگاه باشید که تمامی حرکتهای
به خدا منتهی می‌شود.

سوره زخرف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این سوره شریفه هم به مناسبت استعمال کلمه
زخرف، زخرف نامیده شده است

(1) ح-ا-میم - حروف اشاره به ظهور حوادثی در آینده
است که الآن در لباس حروف است (2) قسم به کتاب
بیان‌کننده حقایق (کتاب ناطق ائمه بودند که ظاهر و
باطن قرآن را روشن کردند) (3) ما قرآن را به زبان عرب
نازل کردیم شاید که عقل خود را فعال کنید (زیرا قرآن
و زبان عرب صنعت خداست که با عقل ادراک
می‌شود) (4) و این قرآن در وجود انسان کامل کتابی
است حکیمانه و برتر (5) آیا به دلیل این که شما

اسراف‌گر و متجاوز هستید ماهم بساط این دو کتاب صامت و ناطق را برچینیم. پاورقی 255 (6) چقدر زیاد در میان امت‌های گذشته پیامبران فرستادیم (7) پیغمبری در میان امت‌های گذشته ظاهر نشد مگر که او را مسخره کردند و یاکشتند (8) ما متجاوزین درجه يك آنهارا هلاك نمودیم و بساط دین خود را گسترش دادیم آینده‌ها هم مانند گذشته‌ها است (9) اگر از کفار و مشرکین سئوال کنی چه کسی زمین و آسمان را آفرید همه می‌گویند خدا خدای دانا و توانا (10) خدائی که زمین را مهد تربیت شما قرار داد و این همه راه معاش و معاد آماده نمود شاید که شما هدایت یابید (11) و کسی که به میزان معین آب از آسمان نازل کرد و زمین مرده را به وسیله آن زنده نمود همین طور شما بعد از مرگ زنده خواهید شد (12) و کسی که ازواج و انواع نعمت و ثروت آفرید چهارپایان و کشتی را برای سواری خلق کرد (13) وقتی که سوار می‌شوید و استقرار پیدا می‌کنید نعمت الهی را یاد آوری کنید و بگوئید الحمد لله منزه است خدائی که این مرکب را به اختیار ما درآورد و ما قدرت تسخیر آنرا نداشتیم (14) و بدانیم که عاقبت به سوي خدا خواهیم رفت (15) بعضی

کوتاه نظران بندگان خدا را تقسیم نموده زنان را به خدا و مردان را به خود اختصاص دادند چقدر انسان کافر و ناسپاس است (16) آیا خدا چنین تقسیم نموده که دختران مال خدا و پسران مال شما باشند (17) سفاهت و حماقت آنها چنان بود که اگر کسی در تمجید خدا سخنی می‌گفت چهره اش سیاه و خشن می‌شد ولی تحمل می‌کرد (18) آیا کسانی که در ناز و نعمت بزرگ شده‌اند و در بحث علمی نمایشی ندارند ممکن است منطق عقلانی داشته باشند (19) آنها فرشتگان را که بندگان خدایند دختران خدا شناخته‌اند مگر شاهد خلقت آنها بوده‌اند برای شهادت محاکمه می‌شوند (20) می‌گویند اگر خدا می‌خواست بت‌ها را نمی‌پرستیدیم آگاهی به مشیت خدا ندارند به حدس و گمان سخن می‌گویند (21) مگر آنها پیش از این اظهارات کتابی از خدا داشته‌اند که بر اساس آن سخن می‌گویند (22) منطقی ندارند جز این که می‌گویند اجداد ما چنین گفته‌اند ما هم به‌راه آنها می‌رویم (23) اسراف‌گران و متجاوزین دیگر هم چنین منطقی داشته‌اند هر وقت رسولی فرستادیم گفتند اجداد خود را چنین یافته ایم ما هم به‌راه آنها می‌رویم (ای دو صد لعنت

براین تقلید باد) (24) رسول به آنها گفت اگر من دینی بهتر از روش اجداد شما آورده باشم چه می‌گوئید گفتند که ما کافر به رسالت شما هستیم (25) ما هم از آنها انتقام گرفتیم بین عاقبت تکذیب‌کنندگان به کجا کشید (26) و آنجا که ابراهیم به پدرش و قومش گفت من از این بت پرستی شما بی‌زارم (27) مگر خدائی که مرا آفرید او به همین زودی مرا هدایت می‌کند (28) ما هیاکل توحید را در نسل او ادامه دادیم شاید مردم به اطاعت خدا برگردند (29) آیندگان از نسل ابراهیم و اجداد آنها را بهره‌مند کردیم تا این که اسلام و رسول اکرم ظاهر شد (30) پس از آن که دین حق برای آنها در کعبه ظاهر شد گفتند سحر است که ما آن را قبول نداریم و به آن کافریم (31) گفتند که قرآن چرا بر این دو نفر ثروتمند بزرگ مکه و طایف نازل نشده (32) مگر آنها لطف و رحمت خدا را باید تقسیم کنند ما ئیم که وسائل معاش آنها را در زندگی دنیا تقسیم می‌کنیم و بعضی را بر بعضی دیگر برتری می‌دهیم تا مسخر یکدیگر باشند و جامعه نظام یابد و لیکن لطف خدا از ثروت دنیا بهتر است (33) اگر نبود که اختلاف طبقاتی زیاد شود آنقدر به کفار ثروت می‌دادیم که سقف

خانه هایشان نقره باشد از پله های طلائی بالا بروند و فخر فروشی کنند (34) و برطاق هایشان درهای طلائی و تخت قدرت که بر آنها تکیه زنند (35) و زینت های دیگر که همه اینها متاع دنیا است زندگی آخرت برای اهل تقوا بهتر است (36) ما شیاطین را ملازم کسانی می‌کنیم که از یاد خدا اعراض می‌کنند (37) و شیاطین آنها را از دین خدا باز دارند زندگی را چنان برای آنها جلوه دهند که خیال می‌کنند درست هدایت شده‌اند (38) تا آنگاه که وارد آخرت شوند آرزو می‌کنند ای‌کاش تا فاصله بین مشرق و مغرب از این شیاطین دور بودیم چه بد رفقائی بودند (39) ولی پشیمانی آن‌روز فایده ندارد به‌بندگان خدا ستم کردند آنها و شیاطین در عذاب شریکند (40) شاید فکر می‌کنی که می‌توانی کران را شنوا و کوران را بینا و گمراهان را هدایت کنی (41) وقتی که تورا به جوار خود ببریم از آنها انتقام می‌گیریم (42) یا اگر بخواهیم حکومت الهی را که به آنها وعده داده‌ایم ظاهر می‌سازیم ما بر آنها مسلط هستیم (43) به کتابی که به تو وحی می‌شود متمسک باش و بدان که با این تمسک در صراط مستقیم حرکت می‌کنی (44) این کتاب برای تو و

امتت داور حق و علم و آگاهی است به زودی همه باز جوئی می‌شوند که با این کتاب چه کردند (45) از پیغمبران پیشین سئوال کن آیا برای امت آنها معبودی بجز خدا قرار داده‌ایم (46) موسی را با آن‌همه معجزات به سویی فرعون و قوم او مامور نمودیم گفت من رسول پروردگار عالمیان هستم (47) وقتی که معجزات خود را ظاهر ساخت به جای تسلیم به او خندیدند (48) به ترتیب معجزاتی بالاتراز قبل به آنها نشان دادیم آنها را در محاصره عذاب قرار دادیم شاید به سویی حق برگردند (49) و لاکن به جای توبه و تسلیم صدا زدند آی موسای ساحر طبق معاهده‌ای که با خدای خود داری از او بخواه که اگر این بلا را بر طرف کند هدایت می‌شویم (50) اما بعد که بلا را بر طرف می‌کردیم عهد خود را می‌شکستند و به کفر خود ادامه می‌دادند (51) فرعون شعار می‌داد که مردم آیا ملک مصر مال من نیست که نهرهای آب از زیر تخت من جریان دارد نمی‌بینید چه عظمتی دارم چقدر طلا و جواهرات (52) من بهترم یا خدای این مرد که اصلاً قابل روئیت نیست (53) اگر شخصیت است چرا طلا و جواهرات به خود نبسته است چرا فرشته‌ها نیامده‌اند کنار او داد بزنند (54)

قوم خود را سبک مغز شناخت از او اطاعت کردند که مردمی فاسق بودند (55) وقتی که از آنها متاسف و مایوس شدیم انتقام گرفتیم همه آنها را غرق نمودیم (56) زندگی آنها را خاتمه دادیم و برای آیندگان درس عبرت ساختیم (57) وقتی که داستان عیسی را برای نمونه ذکر می‌کنیم او را از این که معبود مردم شده است وسیله رواج کفر خود قرار می‌دهند (58) بحث و جدال راه می‌اندازند که عیسی هم مانند خدایان ما (بت مردم است) بین چه پر بحث و جدالند (59) عیسی بنده‌ای است که مشمول لطف ما واقع شده او را برای بنی اسرائیل نمونه تقوا قرار داده‌ایم (60) اگر بخواهیم می‌توانیم فرشتگان را در روی زمین به‌جای آنها بنشانیم (61) اما ظهور فرشتگان و عیسی برابر مردم از علائم قیامت است در آن شکی نداشته باش از من پیروی کن که این راه راست است (62) شیطان تورا از یاد قیامت باز ندارد که دشمنی او واضح و آشکار است (63) وقتی که عیسی با معجزات خود قیام کرد به بنی اسرائیل گفت حکمت دین خدا را برای شما روشن می‌کنم و حقیقت مسائل اختلافی را ظاهر می‌سازم تقوا پیشه کنید از من اطاعت نمائید

(64) پروردگار من و شما خدا است اورا بپرستید این است راه راست به سوي بهشت (65) امت عیسی اختلاف پیدا کردند به احزاب قسمت شدند وای به حال ستمکاران آنها از عذاب قیامت (66) مگر بیشتر از این مهلت دارند که ساعت قیامت برسد البته ناگهانی و در حال غفلت آنها ظاهر خواهد شد (67) دوستان صمیمی آن روز دشمن یکدیگرند مگر اهل تقوا که دوستان ابدی هستند (68) ای بندگان من امروز در امن و امان هستید غم و غصه ای نداشته باشید (69) شمائید که به آیات من ایمان آورده اید مسلمان بوده اید (70) شما و همسرانتان داخل بهشت شوید در آنجا به علم و دانش می رسید (71) آنجا با ظرف هایی از طلا و جامه هایی از نقره پذیرائی می شوید آنچه میل دارید و از آن لذت می برید آماده است زندگی ابدی شماست (72) این بهشت ارث شما و نتیجه اعمال نیک شما است (73) میوه ها و خوشی های زیاد در اختیار شماست بخورید و خوشحال باشید (74) گناه کاران هم بدانند که در جهنم جاویدند (75) عذاب آنها سبک نمی شود و در یاس از رحمت خدا واقع می شوند (76) مابه آنها ستم نکرده ایم آتشی است که خود برافروخته اند

به خود ستم نموده‌اند(77) صدا می‌زنند ای مالک جهنم از خدا بخواه مرگ ما را برساند جواب می‌رسد نه همین جا تشریف دارید(78) ما دین حق را به شما نشان دادیم ولیکن از قبول آن کراهت داشتید(79) هر چه می‌توانید در کفر و گناه فعالیت کنید ماهم در پیدایش عذاب فعالیت داریم (80) خیال می‌کنند سر و نجوای آنها را نمی‌شنویم آری مامورین مامی بینند و می‌نویسند(81) بگو اگر خدا فرزندی می‌داشت من اول کسی بودم که او را می‌پرستیدم که فرزند در شان پدر است (82) پروردگار آسمان‌ها و زمین و پروردگار عرش عظیم منزّه است از آنچه آنها می‌گویند (83) آنها را به خودشان واگذار تا بگویند و بازی‌کنند به هر کاری وارد شوند به وعده خدا می‌رسند (84) او کسی است که خدای آسمان و زمین است او دانا و حکیم است (85) برکت مند است خدائی که آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست مملکت او است و علم به قیامت اختصاص به او دارد مرجع تمامی آفریدگان است(86) کسانی که سوای خدا مورد پرستش و اطاعت خدا واقع شده‌اند مالک شفاعت نیستند مگر کسانی که شاهد حق و عالم به مرام دین باشند(87) اگر از

کفار و مشرکین سئوال کنی خالق آسمانها و زمین کیست می گویند خدا بگو پس به کجا از دین حق منحرف می شوید (88) به قول پیغمبران توجه کنید که می گویند خدایا آنها مجرمند ایمان نمی آورند (89) از آنها بگذر با آنها مدارا کن به زودی حقیقت را خواهند شناخت.

سوره دخان

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت این که از دود و آتش جهانی خبر می دهد دخان نامیده شده است. پیش از قیام قائم زمین در محاصره انفجارات هسته ای واقع می شود. این خبر از معجزات صریح قرآن است (1) حا-میم -معانی حروف درسورهای قبل گذشت به مناسبت آیات این سوره که از جنگ های جهانی

پیش از ظهور و مخصوصاً جنگ هسته‌ای خبر می‌دهد، حروف اشاره به آن می‌شود (2) قسم به کتاب مبین کتاب ناطق و صامت (3) ما قرآن را در شب بابرکت نازل کردیم مردم را از نتایج اعمال بد می‌ترسانیم (4) در آن شب بابرکت مقدرات حکیمانه خدای مشخص می‌شود (ترتیب مقدرات در حضور شخص است نه زمان و آن شخص حضرت زهرا است) ما مردم را از عواقب گناه می‌ترسانیم (5) بر نامه‌های حکیمانه خدا در آن شب مقدر می‌شود ما رسالت خود را ادامه می‌دهیم (6) مقدرات منشا رحمت پروردگار تو است خدا شنوا و دانا است (7) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست اگر شما یقین پیدا کنید (8) خدائی که بجز او خدائی نیست زنده می‌کند و می‌میراند پروردگار اجداد گذشته شماست (9) باین همه آثار قدرت و عظمت باز هم شما شك می‌کنید و به بازی مشغول می‌شوید (10) توای پیغمبر من برای ظهور دولت حق درانتظار روزی باش که آسمان (افکار آنها) دود و آتش فراوان ظاهر سازد (11) که آن آتش و دود تمام مردم را محاصره کند این همان عذاب دردناک است (12) در این عذاب داد می‌زنند پروردگارا عذاب را از ما برطرف کن ایمان

آوردیم (13) کجا داد و فریاد فایده دارد که پیش از آن رسولان خدا آگاهی دادند (14) به جای قبول نصیحت گفتند دیوانه است این حرفها را به او تلقین کرده اند (15) ما کم کم عذاب را بر طرف می‌کنیم که به ما پناهنده می‌شوید (16) روزی که حمله جهانی خود را شروع کنیم ما انتقام می‌گیریم (این آیات مربوط به جنگ هسته ای است که جهان را محاصره کرده است). پاورقی 256 (17) پیش از آنها قوم فرعون را امتحان کردیم رسول ما به سراغ آنها رفت (18) و گفت که شما قوم ما را به بردگی کشیده‌اید به من بسپارید من رسول صادق و امین هستم (19) هشدار می‌دهم که من به قدرت الهی مجهزم موسای قدیم نیستم (20) من به خدای خود و شما پناه می‌برم که مرا از خود برانید (21) اگر به من ایمان نمی‌آورید از من فاصله بگیرید (22) ولی به حق او تجاوز کردند دست به دعا برداشت که ای خدا آنها مجرمند (23) به او دستور دادیم شبانه قوم خود را از شهر بیرون ببر آنها تعقیب می‌کنند (24) از خیابان دریائی عبور کنید بعد از شما آنها غرق می‌شوند (25) چقدر آب و باغ که به جا گذاشتند (26) و زراعت‌ها و مقام و منصب‌ها (27) و نعمت‌ها که متنعم بودند شوق و

نشاط داشتند(28) تمامی آنها رابه دیگران واگذار نمودیم(29) ارزشی نداشتند که اهل آسمان و زمین بر آنها گریه کنند (30) بنی اسرائیل را از آن عذاب بردگی نجات دادیم (31) عذاب شکنجه فرعون که خود را خدا می دانست و تجاوزگر بود (32) بنی اسرائیل رابه علم و دانش بر جهانیان برتری دادیم (33) آن همه آیات و معجزات که منشا آگاهی و آزمایش بود به آنها دادیم (34) کفار و مشرکین می گویند (35) زندگی همین دنیا و مرگ است قیامتی وجود ندارد(36) اگر شما پیغمبران راست می گوئید اجداد ما را زنده کنید (37) کفار قریش بهترند یا قوم تبع و مشرکین قبل آنها که همه را به جرم و گناه هلاک نمودیم (38) ما آسمان و زمین و آنچه بین آنهاست به بازی نیافریدیم (39) آنها را به حق آفریدیم گرچه آنها نمی دانند (40) موعد آنها قیامت است روز جدائی حق از باطل (41) روزی که رؤسا برای بردگان سودی ندارند کسی آنها رایاری نمی کند(42) مگر لطف خدا که شامل حال کسی شود خدا مهربان و عزیز است (43) اما درخت زقوم (44) خوراک گناهکاران است (زقوم شجره کفر و اخلاق آنهاست. هر نفر جهنمی با اخلاق کثیف

و انتقام‌گیری عذاب بزرگی برای دیگران است) (45) آن ثمرات مانند مس گداخته در دل آنها می‌جوشد (46) مانند آب جوش (47) ای عوامل حرص و طمع آنها را تا وسط جهنم بالا ببرید (به‌خیال ترقی ترقه بازی (48) و آن آب‌های جوش را بالای سرشان بریزید (49) به آنها بگوئید بزرگواران میل بفرمائید عذاب‌ها را (50) نتیجه دروغ‌ها و فساد است که بپاکردید (51) و اما اهل ایمان در فضای امن و امان (52) در باغ‌ها کنار چشمه‌ها (خیر و برکت در وجود آنها جوشان است) (53) لباس‌های سُنَدَس و اسْتَبْرَق می‌پوشند (54) همین‌طور حورالعین را همسر آنها قرار می‌دهیم (55) انواع میوه‌ها و خوشی‌ها در اختیار آنها قرار می‌گیرد (56) بجز مرگ ابتدائی دنیائی مرگ دیگری نیست خدا آنها را از عذاب جهنم حفظ می‌کند (57) کامیابی بزرگ آنها سایه لطف خداوند است (58) ما قرآن را ساده و آسان در اختیار تو قرار دادیم تا حقیقت رادرك کنند (59) تو در انتظار آن روز باش که آنها هم منتظرند (می‌توانیم این سوره را سوره انتظار بنامیم که می‌گوید و ارتقب یوم تاتی السماء).

سوره جاثیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این سوره هم به مناسبت استعمال این کلمه جاثیه نامیده شده است (1) ح-ا- میم - حروف اوائل سوره‌ها دلیل عدم تناهي علم قرآن است (2) کتابي است که از جانب خدای توانای حکیم نازل شده است (3) برای اهل ایمان و شعور در زمین و آسمان این همه آیات پیداشده (4) همین طور در صفحه وجودتان و وجود حیوانات آیاتی آفریده شده (5) اختلاف شب و روز و این همه روزی‌ها که از آسمان نازل می‌کند زمین مرده را با آن زنده می‌نماید تغییرات جوی آب و هوا برای خردمندان نشانه قدرت و عظمت است (6) این قرآن هم آیت الهی است که برای توتلاوت می‌شود بعد از این همه آیات عظمت به چه حدیثی ایمان می‌آورند (7) وای به حال دروغ زنان و گناه کاران (8) آیات خدارامی شنوند و باتکبر اصرار به گناه دارند مثل این که نشنیده‌اند آنها را به عذابی دردناک مزدگانی بده (9) و اگر هم به آیات الهی آگاهی پیدا کنند آنرا به مسخره می‌گیرند آنها مستحق عذابی خوارکننده هستند (10) در پی دنیا زندگی جهنم برای آنها آماده

است در آن جا علم و قدرت و سرمایه های دیگر سودی ندارد و کاری ازدوستان و پیشوایان آنها ساخته نیست گرفتار عذاب ابدی هستند (11) این قرآن عامل هدایت است کسانی که کافر به آن می‌شوند گرفتار عذاب ابدی خواهند شد (12) خداکسی است که دریا را به اختیار شما درآورد تا کشتی‌ها را به امر او حرکت دهید و ازمنافع دریا استفاده نمائید شاید لطف خدا را منظور بدانید (13) علاوه هرچه هست درآسمان و زمین به اختیار شماست این تسخیرات برای متفکرین آیت الهی است (14) به مومنین بگو برابر اذیت و آزار کسانی که عقیده به آخرت ندارند صبر و گذشت داشته باشند تا خدا آنها را به نتایج اعمالشان مجازات کند. پاورقی 257 (15) هرکس عمل نیک انجام دهد به نفع خود او است و اگر بد کند به ضررش است آخرین مرجع همه کس خداست (16) ما به بنی اسرائیل کتاب و حکم و نبوت و آن همه ثروت دادیم و آنها را بر عالمیان برتری دادیم (17) این همه معجزات و دلائل توحیدی به اختیار آنها گذاشتیم آنها بعد از وضوح راه خدا روی ظلم و حسد اختلاف به وجود آوردند خدا روز قیامت در این اختلافات قضاوت خواهد کرد (18) و بعد از پیغمبران تورا بر مدار شریعت

آنها مبعوث نمودیم از این شریعت پیروی کن نه از هوا و هوس جاهلان (19) آنها نمی‌توانند تورا از خدایی نیاز کنند ستمکاران برامثال خود ولایت دارند (20) این آیات مایه بصیرت و هدایت مردم است و برای اهل یقین مایه برکت و رحمت است (21) مگر ممکن است زندگی انسان‌های فاسق و فاجر مانند اهل ایمان و عمل صالح باشد، موت و حیاتشان مساوی هم کسانی‌که این دو زندگی را برابر دانسته‌اند بد قضاوت کرده‌اند (22) خداوند آسمان و زمین را به حق آفرید قضاوت به حق ایجاب می‌کند که هرکسی برابر عملش مجازات شود به کسی ستم نخواهد شد (23) قضاوت شما درسرنوشت کسی که هوای نفس را حاکم نموده و با آگاهی به راه حق خود را گمراه نموده پرده جهل شنوائی و دانائی او را بسته چیست چه کسی بعد از خدا او را هدایت می‌کند چرا حقیقت را درک نمی‌کنید (24) بر پایه جهل خود می‌گویند هر چه هست همین زندگی دنیا است زنده می‌شویم می‌میریم روزگار ما را هلاک می‌کند روی حدس و گمان حرف می‌زنند (25) وقتی دلائل زندگی آخرت برای آنها گفته می‌شود دلیلی بر انکار آن ندارند جزاین که می‌گویند اگر راست می‌گوئید

پدران ما را زنده کنید(26) بگو آری خدا شمارا در این دنیا زنده می‌کند بعد می‌میراند و شما را به قیامت می‌کشاند که در آن شکی نیست (27) پادشاهی آسمان‌ها و زمین مال او است در قیامت معلوم می‌شود که پیروان باطل چقدر خسارت برده‌اند (28) آنجا است که هر گروهی در برابر کفر و گناه خود به زانو در می‌آید تمامی امت‌ها بر ملاک کتاب و عقیده خود محاکمه می‌شوند و از اعمال نیک و بد خود نتیجه می‌گیرند(29) این قرآن کتاب ما است که به حق قضاوت می‌کند ما اعمال شما را نسخه برداری نموده‌ایم (30) و بعد از حسابرسی خداوند اهل ایمان و عمل صالح را به دایره رحمت خود می‌کشاند که آن کامیابی بزرگ است(31) ما مورین خدا به کفار پرخاش می‌کنند که مگر آیات ما برای شما تلاوت نشد شما تکبر نمودید و قومی جنایتکار بودید (32) وقتی به شما می‌گفتند وعده خدا حق است شکی در آن نیست می‌گفتید ما قیامت نمی‌فهمیم خیالات است یقین نداریم که حقیقت باشد (33) نتایج اعمال بد شما ظاهر شد دین خدا و اولیای خدا که مسخره می‌کردید بر شما حاکمیت پیدا کرد (34) و ما امروز شما را به حساب نمی‌آوریم فراموش می‌کنیم چنان

که روز لقاء الله را فراموش کردید جای شما جهنم است کسی شمارا یاری نمی‌کند (35) برای این که زندگی دنیا شمارا مغرور کرد دین و آیات خدا را مسخره کردید امروز راه نجاتی برای شما نیست کسی شمارا طرف خطاب و عتاب قرار نمی‌دهد (36) ستایش با کلمه حمد مخصوص خدا مری اهل آسمان‌ها و زمین است او پروردگار عالمیان (37) بزرگی و عظمت برابر اهل آسمان‌ها و زمین مخصوص او است او توانا و دانا است.

سوره احقاف

بسم الله الرحمن الرحيم

احقاف سرزمین ریگ‌زاری است که محل نزول عذاب بر قوم عاد بوده است

(1) حا- میم - حروف قرآن بر هر حادثه‌ای قابل تطبیق است همان طور که الفاظ آن حادثه‌ها الآن در لباس حرف است مصادیق آن حادثه هم در لباس اصول است (مانند ساختمان‌های آینده که در دل خاک است) (2) کتابی است از جانب خدای عزیز و حکیم

که بر قلب پیغمبر نازل شده است (3) هدف ما از خلقت آسمان و زمین اقامه حق و عدالت در مدت معین است اما کفار از مواعظ ما اعراض می‌کنند (4) به آنها بگو افرادی که در برابر خدا قد علم کرده‌اند و شما از آنها اطاعت می‌کنید چه چیزی در زمین خلق کرده‌اند یا مگر شریک خدادر خلقت آسمان بوده‌اند اگر راست می‌گوئید کتابی بیاورید که دلیل خلق آنها و یا شرکت آنها با خدا باشد (5) چه قدر گمراهند کسانی که از غیر خدا خواهش و تمنا دارند کسانی که تاقیامت خواهش کسی را اجابت نمی‌کنند و از وابستگان خود هم غافلند (6) روز قیامت دشمن پیروان خود هستند اطاعت آنها را هم منظور ندارند (7) وقتی که آیات ما واضح و روشن تلاوت می‌شود کفار می‌گویند که این‌ها همه سحراست (8) یامی گویند آیات از خود پیغمبر است که به خدا می‌بندد بگو اگر به خدا دروغ می‌بندم شما قدرت ندارید مرا از سیطره قدرت او نجات دهید خدا دانا تر است به نسبت هائی که به من می‌دهید کافی است که خدا شاهد بین من و شما باشد او آمرزنده و مهربان است (9) بگو من ادعای بی‌سابقه‌ای نکرده‌ام که پیغمبرم نمی‌دانم سرنوشت من و شما چه می‌شود از آنچه به من

وحي مي شود پيروي مي كنم من يك انسانم كه شمارا از عاقبت كفر و گناه مي ترسانم (10) اگر آن چه مي گويم از جانب خدا باشد چه جوابي داريد كه قبول نمي كنيد اگر يك اسراييلي كه قائل به حقانيت من است ايمان آورد و شما كه قوم من هستيد كافر شويد چه جوابي داريد خدا ظالم راهدايت نمي كند (11) كفار مي گویند اگر اين دين و دعوت نافع بود فقرا در قبول آن بر اغنياسبقت نمي گرفتند وقتي كه به حقانيت آن آگاهي ندارند مي گویند افسانه هاي قديم است (12) پيش از اين كتاب موسي براي مردم منشا رحمت و برکت بود اين قرآن هم كتابي است كه كتب گذشته را تصديق مي كند به زبان عربي نازل شده تا ظالم را از نتايج ظلم و ستم بترساند و نيكو كاران را به نتايج نيكوكاري بشارت دهد (13) كساني كه مي گویند پروردگار ما خداست و استقامت دارند نترسند و غم و غصه اي نداشته باشند (14) آنها اهل بهشتند بهشت نتيجه اعمال آنهاست و در آن زندگي جاويدند (15) مابه انسان سفارش كرديم كه به پدر و مادر خود احسان كند مادر او بارنج و زحمت حامله شد و بارنج و زحمت وضع حمل نمود و اين زحمات تا آخر دوران شير سي ماه

طول کشید تا به عقل و شعور بالغ شد و به چهل سالگی رسید فرزند صالح در این حال می‌گوید خدایا شکر نعمت ولایت خود را که به من و والدینم بخشیدی الهام کن به من توفیق اعمال صالحی بده که پسند تو باشد فرزندان صالحی عنایت کن من در ولایت تو هستم از مسلمانانم (16) آنها هستند که بهترین اعمال آنها را می‌پذیریم و بر ملاک آن اجر می‌دهیم و از جرم و گناه آنها می‌گذریم وعده صدقی است که به آنها داده‌ایم (17) و اما آن فرزندی که به پدر و مادر خود پرخاش می‌کند که چرا وعده بهشت می‌دهی با این که قرن‌ها گذشته و کسی زنده نشده است آنها از شر این پسر به خدا می‌نالند که وای بر تو ای پسر نا اهل وعده خدا حق است می‌گوید نه این‌ها افسانه تاریخ است (18) عذاب الهی برای چنین افرادی حتم است که از اجناس مانند خود هستند آنها از خسارت زدگانند (19) برای هر گروهی اهل ایمان از مسیر عملی که دارند درجاتی پیدا می‌شود تا خدا نتایج اعمال آنها را برساند به آنها ستم نمی‌شود (20) روزی که ستمکاران با آتشی روبرو شوند که خود آن را بر افروخته‌اند به آنها گفته می‌شود خوشگذرانی‌های خود را در دنیا تمام کردید

هرچه توانستید بهره بردید و امروز بجز عذاب ذلت بار برای شما چیزی نیست آن همه به ناحق کبریائی فروختید فاسق و فاجر بودید (21) پیغمبر بزرگ برادر قوم عاد را یاد آوری کن آنجا که قوم عاد را در زمین احقاف هدایت می کرد و پیش از او پیغمبران دیگر موعظه کردند سفارش کردند که جز خدا کسی را نپرستید مبدا عذاب بزرگ قیامت شما را فرا گیرد (22) گفتند تو آمده ای که ما را از پرستش خدایانمان منحرف کنی اگر راست می گوئی عذاب هائی که ما را با آن تهدید می کنی ظاهر کن (23) پیغمبرشان گفت که علم به وقت عذاب مخصوص خدا است من فقط شمارا از این تقدیر خبر می دهم و لیکن شما مردمی نادان هستید (24) وقتی که عذاب را به صورت ابری مشاهده کردند گفتند ابر باران است بگو نه، همان عذابی است که با شتاب خواسته اید بادی است همراه عذابی الیم (25) همه چیز را به امر خدا نابود می کند فردا صبح بجز خانه های ویران چیزی باقی نمانده بود ما مجرمین را این طور عذاب می کنیم (26) آن قدر که لازم بود به آنها قدرت دادیم مجهز به بینائی و شنوائی نمودیم و لیکن این بینائی و شنوائی و دانائی به حال آنها سودی نبخشید که

منکر آیات خدا بودند و آنرا به مسخره گرفتند و نتایج مسخره‌ها به خودشان برگشت (27) همین طور اطراف شما اهل مکه راهلاک نمودیم و پیش از هلاکت آیات قدرت خود را نشان دادیم شاید به پناه حق برگردند (28) پس چرا خدایانی که به آنها تقرب می‌جستند موقع هلاکت آنها را یاری نکردند بلکه آن خدایان از اختیارشان خارج شدند این است عاقبت نمایش‌های خلاف حقیقت و دروغ‌هایی که به خدا می‌بستند (29) و آنجا که طایفه‌ای از جنیان را به تو مربوط ساختیم قرائت قرآن را شنیدند به یکدیگر گفتند ساکت شوید گوش کنید و چون قرائت تمام شد به سوی قوم خود رفتند و آنها را دعوت به اسلام کردند (30) به آنها گفتند قرائت کتابی را شنیدیم که که بعد از تورات نازل شده و تمامی علوم و حقوق گذشته را تصدیق می‌کند به راه راست هدایت می‌کند (31) از شما اقوام خواهش می‌کنیم که دعوت رسول را اجابت کنید ایمان بیاورید تا اثر گناه را محو کند عقل و استعداد شما را بالا ببرد از عذاب شدید آخرت به شما پناه دهد (جنیان طبق بعضی روایت‌ها انسان‌های بیابانی هستند) (32) اگر کسی دعوت خدا را اجابت نکند نمی‌تواند خدا را از کار خود

باز دارد و جز خدا سر پرستی ندارد چنین گروهی حقیقتاً گمراهند (33) مگر آنها نمی‌دانند کسی که عوالم آسمان و زمین را آفریده و از این آفرینش خسته نشده می‌تواند مردگان را زنده کند او به هر کاری توانا است (34) وقتی که کفار برابر آتش قرار گیرند به آنها می‌گویند آیا آتش جهنم حق نبود می‌گویند آری والله حق بود پس بچشید عذابی که خودتان ساخته‌اید (35) تو هم مانند پیغمبران گذشته صبر کن در عذاب کفار و برکناری آنها از جامعه شتاب مکن روزی که به وعده خدا برسند چنانست که بعد از ساعتی به وعده خدا رسیده‌اند مگر بجز کافر و فاسق کسی هلاک می‌شود.

سوره محمد

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه هم به مناسبت ذکر نام آن حضرت به نامش نامیده شده است.

(1) کسانی که کافر به خدا می‌شوند مردم را از خط ولایت خدا باز می‌دارند در بی‌راهه زندگی می‌کنند (2) اما کسانی که اهل ایمان و عمل صالحند و به رسول خدا محمد ایمان می‌آورند (که حق است از جانب خدا آمده) خدا تیرگی‌های فکر آنها را می‌زداید و فکرشان را اصلاح می‌کند (3) زیرا کفار در پی سرابند و مومنین از حق پیروی دارند خدا برای این دو طایفه مثل می‌زند (4) وقتی که در میدان دفاع با کفار رو برو می‌شوید با شدت و شجاعت گردن بزنید تا پیروز شوید و بعد از پیروزی یا بر آنها منت نهید آزادشان کنید و یا فدا بگیرید و جنگ را ادامه دهید تا که جنگ در دنیا تعطیل شود اگر خدا بخواهد خودش می‌تواند انتقام بگیرد و لکن شما را در جنگ می‌آزماید که به شما آگاهی دهد کسانی که در جنگ کشته می‌شوند بدانند که جهادشان بی نتیجه نخواهد بود (5) به زودی خدا فکر و فرهنگ آنها را اصلاح نموده به دین خود هدایت می‌کند (6) و وارد زندگی بهشتی می‌کند که به آنها معرفی نموده است (7) ای اهل ایمان اگر شما خدا را یاری کنید خدا نیز شما را یاری

می‌کند دین و جامعه دینی شما را پایدار می‌کند (8) و اما کفار به جز سرکوبی و بی‌ثمری اعمال چیزی ندارند (9) برای این که آنها دین خدا را قبول نکردند شجره زندگی آنها بی‌ثمر خواهد شد (10) چرا در تاریخ سیر نمی‌کنند تا ببینند سرگذشت کفار تاریخ به کجا کشید (11) زیرا خدا ولی اهل ایمان است آنها را به ثمر می‌رساند اما کفار مولائی ندارند (12) خداوند اهل ایمان و عمل صالح را به علم و قدرتی مجهز می‌کند که نعمت از آن چون نهر جریان پیدا می‌کند اما کفار مانند حیوانات می‌خورند و می‌آشامند و آخرین نتیجه علم و عمل آنها جهنم است (13) چقدر زیاد شهرها از شهری که تورا اخراج کردند قویتر بودند خداوند آنها را به دست هلاکت سپرد و یاور و ناصری نداشتند (14) آیا کسی که روی پینه و برهان به سوی خدای خود در حرکت است مانند کسی است که اعمال بد در نظرش جلوه نموده هوا و هوس براو حاکم است (15) بهشتی که به اهل تقوا وعده داده‌ایم چنان است که نعمت‌ها در آن مانند نهر در جریان است نهر آب خالص نهر شیرکه هرگز طعم آن تغییر نمی‌کند نهر غسل مصفی و نهری از شراب طهور در نهایت لذت و همه

نوع ثمرات علاوه بر اینها، مغفرت و رضایت خدا این زندگی مانند اهل جهنم است که در آن مخلدند آب جوش می‌آشامند روده هایشان قطعه قطعه می‌شود (16) بعضی به سخنان گوش می‌دهند که طالب حق نیستند وقتی خارج می‌شوند به اهل حق می‌گویند الآن رسول خدا چه گفت فهم آنها مغلوب طبیعت است تابع هوای نفسند (17) اما آنها که طالب حقند اهل ایمانند در محضر تو به نور علم روشن می‌شوند و هدایت و تقوایشان زیادتر می‌شود (18) مگر کفار بیشتر از این مهلت دارند که ساعت قیامت ناگهانی ظاهر شود شرایط آن ظاهر شده است بعد از ظهور قیامت ندامت برای آنها سودی ندارد. پاورقی 258 (19) بدان که بجز خدا خدائی نیست برای خود و مومنین و مومنات مغفرت بخواه خداوند آخرین تحولات و جایگاه شمارا می‌داند (20) مومنین از یکدیگر می‌پرسند که چرا سوره‌ای نازل نشد وقتی که سوره‌ای نازل شود که در آن دستور جنگ باشد خواهی دید که چهره منافقین تغییر می‌کند مثل این که مرگ بر آنها سایه افکنده است مرگ شایسته آنها است (21) گفتار و کردار خود به خود معروف است وقتی که جهاد قطعیت پیدا

می‌کند اگر صداقت نشان دهند برای آنها بهتر است (22) شاید اگر شما به ولایت برسید فساد بپاکنید و قطع رحم نمائید (این آیه اشاره به بنی‌العباس است که به ائمه ستم کردند) (23) لعنت الهی چنین افرادی را می‌گیرد به‌کوری باطن مبتلا می‌شوند (24) چرا درمعانی قرآن تدبیر ندارند شاید درپیچه فهم آنها بسته شده است (25) کسانی که بعد از بیان دین و هدایت به‌قهقرا می‌روند شیطان آنها را به انحراف کشیده کفر و گناه بر آنها حاکم شده است (26) برای این که با بعضی دشمنان دین تماس می‌گیرند و به آنها قول موافقت می‌دهند خدا راز و نجوا و پنهان‌سازی و سازشکاری آنها را می‌داند (27) حال آنها چطور است وقتی که فرشتگان جان آنها را بگیرند و به‌سوی جهنم بکشانند (28) آنها رضایت خدا را نمی‌پسندند به‌موارد غضب خدا کشیده می‌شوند در نتیجه بذر اعمالشان به‌ثمر نمی‌رسد (29) کسانی که به‌مرض کفر و نفاق آلوده‌اند خیال می‌کنند خدا مرض آنها و بغض و عناد آنها را ظاهر نمی‌کند (30) اگر بخواهیم آنها را به شمانشان می‌دهیم تا به‌قیافه بشناسید و شما از لحن سخن آنها می‌شناسید خدا به‌اعمالتان آگاه

است (31) شما همین طور در آزمایش و امتحانید تا مجاهدین و صابرين مشخص شوند و اعمال شما را بشناسيم (32) کسانی که کافر به خدا می‌شوند و مردم را از دین خدا باز می‌دارند و بعد از وضوح حق رسول خدا را به مشقت می‌اندازند نمی‌توانند ضرری به خدا بزنند اعمال نیک آنها بی‌ثمر خواهد شد (33) ای اهل ایمان از خدا و رسول اطاعت کنید و اعمال خود را باطل نکنید (34) کسانی که کافر می‌شوند و مردم را از راه خدا باز می‌دارند و در حال کفر می‌میرند خدا آنها را نمی‌آمرزد (35) در راه خدا سستی نکنید مردم را به صلح و صلاح دعوت نمائید برتری با شما و خدا با شما است اعمال شما را و گذار نمی‌کند بلکه به‌ثمر می‌رساند (36) این زندگی دنیالهی و لعب است اگر ایمان به خدا بیاورید و تقوا پیشه کنید خدا اجر شما را می‌رساند و مسئولیت مال را از شما بر می‌دارد (37) برای این که اگر مال شما را بطلبد و اصرار کند بخل شما را می‌گیرد و خشم و کینه شما آشکار می‌شود (38) شما مردم به‌دین خدا دعوت شدید که در راه خدا انفاق کنید بعضی از شما بخل می‌کند هرکس بخل کند به ضرر خود بخل می‌کند خدا بی‌نیاز و شما

محتاجید اگر از ولایت خدا اعراض کنید دیگری را
جای شما می‌آورد که مثل شما نباشند.

سوره فتح

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت کلمه فتحنا، فتح نامیده شده. فتح مکه بزرگترین فتح تاریخ است زیرا این همه ابر قدرت‌ها به مکه لشکر کشیدند نتوانستند حرم خدا را فتح کنند. رسول خدا که بنده خالص خدا بود توانست آنرا فتح کند پس فتح آن حضرت بزرگترین فتح است که عاقبت به وسیله امام زمان فتح جهانی می‌شود (1) ما تورا موفق به فتح مبین و بی‌سابقه نمودیم (2) تا خدا تهمت‌های گذشته و آینده را نسبت به تو از افکار مردم بر طرف و با این فتح نعمت خود را بر تو کامل کند و تورا از خط مستقیم به سوی بهشت هدایت نماید (3) و تورا آن چنان که شایسته است یاری و عزیز کند (4) او خدایی است که روح آرامش و

وقار در وجود بندگان خود قرار داد تا درجات ایمانشان بالا رود نیروهای آسمان و زمین در اختیار خداست خدا دانا و حکیم است (5) تا با این روح آرامش مومنین را به قدرت‌هایی برساند که با اعمال آنها نهرهای علم و حکمت و ثروت جریان پیدا کند در این مقام و نعمت جاوید باشند و با افاضه این روح بدی‌های آنها را بزداید درجات را بالا ببرد که فوز عظیم است (6) و هم چنین زن و مرد مشرک و منافق را عذاب کند که به خدا بد گمان شده‌اند نمی‌دانند که باین بدگمانی در محاصره بلاها قرار گرفته‌اند خشم و لعنت خدا آنها را فرا گرفته و آتش جهنم آماده شده چه عاقبت بدی دارند (7) لشکرهای آسمان و زمین در اختیار خدا است خدا نفوذناپذیر و دانا است (8) ماتورا رسالت دادیم که الگویی حق باشی مومن را بشارت دهی و کافر را از عذاب بترسانی (9) تاهمه ایمان به خدا بیاورید و دین خدا را تقویت کنید به خدا احترام کنید و صبح و شام او را تسبیح بگوئید (10) کسانی که در سایه درخت باتو بیعت می‌کنند با خدا بیعت می‌کنند دست تو دست خداست که بالای دست آنها است هرکس این بیعت را بشکند به ضرر خود شکسته است و هرکس

به عهد خدا وفا کند اجر بزرگی از خدا می‌گیرد (11) اعرابی که از جهاد تخلف کردند به زودی عذر می‌آورند که اموال و اولاد مارا به خود مشغول کرد و از جهاد باز داشت برای ما مغفرت بخواه آنچه در نیت ندارند به زبان می‌آورند به آنها بگو اگر خدا بخواهد ضرری یا نفعی به شما برساند چه کسی مانع می‌شود خدا به اعمال شما آگاه است (12) شما منافقین گمان بردید که پیغمبر از این جنگ به خانواده‌اش بر نمی‌گردد این عقیده در نظرتان جلوه کرد چه بد خیالی کردید که خدا را نشناختید شما ملازم هلاکت هستید (13) کسی که ایمان به خدا و رسول نیاورد بداند که ما در خط کفر عذابی سخت مهیا کرده‌ایم (14) پادشاهی بر عوالم آسمان و زمین مال خدا است هر کسی را بخواهد می‌آمزد و هر کسی را بخواهد عذاب می‌کند خدا آمرزنده و مهربان است (15) وقتی که با غنائم جنگ رو برو می‌شوید منافقین سر و صدا راه می‌اندازند که بگذارید در خدمت شما باشیم می‌خواهند کلام خدا را تغییر دهند که مومنان بگو نه خدا چنین فرمود که شما هرگز تابع مانمی شوید جواب می‌دهند که شما با ما حسودی می‌کنید بلکه آنها از

واقعیت‌ها بجز صورت ظاهر نمی‌فهمند (16) به اعرابی که از جنگ تخلف کرده‌اند بگو به‌زودی با قومی شجاع روبرو می‌شوید قومی که مجبورید با آنها بجنگید مگر که مسلمان شوند اگر در آن جنگ اطاعت کردید غنیمت خوبی به‌شما می‌رسد و اگر از آن جنگ‌ها هم تخلف کنید به‌عذاب سختی که تسلط دشمن باشد مبتلا می‌شوید (17) بر نابینایان و شلانی و مریضان ایرادی نیست که از شرکت در جنگ خودداری کنند هرکس از خدا و رسول اطاعت کند خدا او را به‌علم و قدرتی می‌رساند که از آن نهرهای ثروت و نعمت جریان پیدا می‌کند و هرکس خودرایی پیشه کند خدا سخت او را عذاب می‌کند (18) خداوند از آن مومنین که زیر درخت باتو بیعت کردند راضی است نیت قلب آنها را دانست و روح آرامش بر آنها نازل کرد و در برابر این بیعت فتحي نزدیک به آنها وعده داد (19) در آن فتح غنیمت‌های فراوان به آنها می‌رسد خدا غالب و حکیم است (20) علاوه بر آن غنیمت‌های بیشتری و عده می‌دهد که خواهید گرفت غنیمت خبیر را زودتر می‌رساند در این صلح حدیبیه شر کفار قریش را بر طرف نمود تا این صلح آیتی برای اهل ایمان باشد و در این فرصت به نقشه

های موفق جنگ شما را هدایت کند (صلح حدیبیه راه مستقیم نقشه فتح مکه بود) (21) و غنیمت های دیگر که الآن توانائی آنرا ندارید و علم خدا به آن محیط است خدابه هرکاری قادر است (22) اگر کفار با شما بجنگند خدا وحشت به دل آنها می اندازد پشت به شما فرار می کنند و بعد از فرار سر پرست و ناصری ندارند (23) نصرت دین سنت تاریخی خداست سنت خدا تغییر نمی کند (24) خداست که شرکفار را در فتح مکه از شما باز داشت و آسان و بدون کشتار شما را پیروز کرد خدابه اعمال شما بینا است (25) اهل مکه بودند که شما را از ورود به مکه باز داشتند و نگذاشتند قربانی شما به محل خود برسد اگر زنان و مردان مومنه داخل شهر نبودند که شما نا شناخته آنها را می کشتید و نکوهش می شدید اجازه کشتار جمعی داشتید تا با این فتح بدون کشتار هرکسی را خدا بخواهد به دین خود وارد کند اگر جامعه اهل ایمان از کفار جدا شوند خداوند کفار را به عذاب سختی معذب خواهد کرد (26) کفار حمیت جاهلیت را بر خود حاکم نمودند خداوند روح آرامش در دل بندگان قرار داد و آنها را ملازم تقوا نمود که اهل تقوا مستحق آن بودند خدابه هر چیزی دانا است

(27) خداوند روءیای رسول خود را حقیقت داد که در خواب به او گفت انشاءالله به مسجد الحرام خواهید رفت و بدون خوف حلق و تقصیر خواهید نمود پس خدامسائلی می دانست که شما نمی دانستید و فتح دیگری برای شما مقدر کرد (28) خدا رسول خود را بادی حق و هدایت فرستاد تا دین خود را بر همه ادیان پیروز کند کافی است که خود عامل و شاهد این پیروزی باشد (29) بی شک محمد رسول خدا است شاگردان و پیروان او بر کفار سخت گیر و با مومنین رام و آرامند تو آنها را به حال رکوع و سجود می بینی که در جستجوی لطف خدا و رضایت او هستند آثار سجده و تسلیم از قیافه آنها هویدا است نمونه رشد آنها که در تورات و انجیل گفته شده مانند زراعتی است که شکوفا شده تقویت می شود ساقه اش را محکم نموده روی آن قرار می گیرد و کشاورزان از رشد آن تعجب می کنند تا با این رشد و استحکام غیظ و غضب کفار زیاد شود خدا به اهل ایمان و عمل صالح وعده می دهد که آنها را به رشد کامل و اجر عظیم برساند

سوره حجرات

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره هم به مناسبت استعمال کلمه حجرات به همین کلمه نامیده شده است. حجرات جمع حجره خانه مسکونی است مخصوصاً اطاق زن و شوهر که کنار یکدیگر می نشینند چونکه حجره به معنای کنار آمده است. در این سوره آداب اجتماعی و احترام به بزرگان تعلیم می شود (1) ای اهل ایمان در رفتن و آمدن و گفتن و شنیدن بر خدا و رسول سبقت نگیرید و از اعمال بی ادبانه بپرهیزید خدا شنوا و دانا است (2) ای اهل ایمان در گفتگو صدایتان از صدای رسول خدا بلندتر نباشد و آن طور که یکدیگر را صدا می زنید رسول خدا را صدا نزنید زیرا با این بی ادبی ها اعمال خیرتان بی ثمر می شود و شما نمی دانید (3) کسانی که صدای خود را در برابر رسول خدا فروتر می آورند خدا قلبشان را به نور تقوا آزموده است برای آنها در دنیا رشد ایمانی و در آخرت اجر عظیم مقدر است (4) اکثر عرب هایی که از پشت دیوار بی ادبانه تو را صدا می زنند عقل و شعور ندارند (5) اگر آنها بدون

سر و صدا صبرکنند تا رسول خدا خارج شود برای آنها بهتر است خدا آمرزنده و مهربان است (6) ای اهل ایمان وقتی که فاسقی گزارش می‌دهد فوری قبول نکنید تحقیق کنید مبادا از خبر خلاف عده‌ای را مبتلا کنید و بعد ندامت حاصل نمائید (7) بدانید که رسول خدا در میان شماست اگر در بسیاری از کارها از شما پیروی کند گرفتاری پیدا می‌کنید و لیکن خدا ایمان را محبوب دل شما و فسق و عصیان را مبغوض شما قرار داده است این افرادند که عقلشان به ثمر رسیده است (8) عقل فضیلت و نعمتی است از خدا که علیم و حکیم است (9) اگر دو طایفه از اهل ایمان با یکدیگر به جنگ و جدال افتادند بین آنها را اصلاح کنید و اگر یکی از آنها در برابر حق گردن کشید با او بجنگید تا تسلیم حق شود اگر تسلیم شد بین برادران به قسط و عدالت اصلاح کنید خدا کسانی را که عادلانه تقوا را رعایت کنند دوست دارد (10) فقط اهل ایمان برادرند و شما بین برادران ایمانی خود را اصلاح کنید تقوا پیشه کنید شاید لطف خدا شما را فرا گیرد (11) ای اهل ایمان طایفه‌ای از شما طایفه دیگر را مسخره نکنند شاید مسخره شده‌گان از آنها بهتر باشند هم چنین طایفه‌ای از زنان طایفه

دیگر را مسخره نکنند شاید مسخره شده گان از آنها بهتر باشند یکدیگر را به لمزو غمز (چشمک زدن) سبک نشمارید و القاب زشت روی یکدیگر نگذارید چقدر زشت است کلمه فسق بعد از ایمان کسی که از اعمال بد توبه نکند او ظالم خواهد بود (12) ای اهل ایمان از بسیاری گمان‌ها اجتناب کنید که بعضی بدگمانی‌ها گناه است و درکار و حال یکدیگر تجسس نکنید غیبت نکنید آیا دوست دارید گوشت تن برادر مرده خود را بخورید البته تنفر دارید از نافرمانی خدا پیر هیزید خدا توبه‌پذیر و مهربان است (13) ای مردم ما شما را از زن و مرد آفریدیم و شما را شعبه شعبه و قبيله قبيله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اختلافات دلیل برتری نیست) برتر آن است که تقوایش بیشتر باشد خدا دانا و آگاه است (14) اعراب ادعا می‌کنند که ایمان آورده‌ایم بگونه، ایمان نیاورده‌اید بگوئید اسلام آورده‌ایم هنوز که نور ایمان وارد قلب شما نشده است اگر در خط اسلام از خدا و رسول اطاعت کنید اجر شما محفوظ است خدا آمرزنده و مهربان است (15) فقط اهل ایمان کسانی‌اند که ایمان قلبی به خدا و رسول آورده‌اند و در دین خود شك ننموده‌اند و با مال و جان خود در راه

خدا جهاد کرده‌اند آنها هستند که راست گفته‌اند (16) آیا شما عرب‌ها به خدا آگاهی می‌دهید که دین دارید باین که هر چه هست در آسمان و زمین خدا می‌داند و به هر چیزی آگاه است (17) سر تو منت می‌گذارند که ایمان آورده‌اند بگو اسلام خود را بر من منت ننهید خدا بر شما منت دارد که شما را به ایمان هدایت کرده است اگر راست می‌گوئید که مومنین (18) آنچه در آسمان و زمین نهان و پنهان است خدایم‌داند و او به اعمال شما بصیر و بینا است.

سوره قاف

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت حرف قاف به این کلمه نام گذاری شده است همان‌طور که حروف کهیعیص از حادثه کربلا خبر می‌دهد این حرف هم از قیام قائم خبر می‌دهد قاف و کوه قاف یعنی قائم آل محمدص

(1) قاف - قسم به قرآن مجید قاف حرفی است قابل انطباق به قیام قائم علیه السلام و آن حضرت را در احادیث به عنوان کوه قاف و علمش را به عنوان چشمه آب حیات معرفی نموده‌اند. پاورقی 259 (2) خیلی تعجب می‌کنند که يك هدایت کننده از جانب خدا مبعوث شود کفار می‌گویند این بعثت خیلی عجیب است (3) چطور وقتی که مردیم و خاک شدیم بعد زنده می‌شویم این رجعت خیلی بعید است (4) ما درست می‌دانیم چند نفر از اهل زمین مرده‌اند و به انبارگورستان رفته‌اند دفتر ثبت ما خیلی دقیق است (5) آنها دین حق را بعد از ظهور تکذیب می‌کنند آنها همیشه در شك و شبهه‌اند (6) چرا در آثار قدرت خدا فکر نمی‌کنند که ما فضای آسمان را به ستارگان و فضای دین را به پیغمبران زینت داده‌ایم و نقصی در این دو فضا نیست (7) همین طور زمین را به آبادی و جمعیت گسترش دادیم و آنرا با کوه‌ها و حجت‌ها آرامش داده‌ایم و این همه نباتات با طراوت آفریده‌ایم (8) آثار قدرت خدا برای بندگان او عامل بینائی و پناهندگی به حق است (9) چگونه از آسمان باران و به وسیله انبیا علم و دانش نازل می‌کنیم و این همه باغ‌ها و میوه جات خلق می‌کنیم (10) و درخت‌های

خرما که قد کشیده‌اند و خوشه‌های زیبا به‌نمایش می‌گذاریم (11) تاروزی بندگان باشد زمین‌های مرده را زنده می‌کند و همین طور است حیات مردگان (12) پیش از این اقوام قوم نوح و اصحاب رس و قوم ثمود هم دین خدا را تکذیب نمودند (13) هم چنین قوم عاد و قوم فرعون و برادران لوط (14) و قوم شعیب و قوم تبع همه آنها دین خدا را تکذیب نمودند و مستحق عذاب شدند (15) خیال می‌کنند که بعد از خلق گذشتگان خسته شده‌ایم چنین نیست آنها دائم در دست ساختمانند و خلقت تازه‌ای پیدا می‌کنند (16) ما انسان را آفریده‌ایم به‌وسوسه‌های نفسانی او آگاهیم ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم (17) آن‌جا که انسان در برخوردهای حق و باطل این‌جا و آن‌جا می‌گوید و می‌شنود (18) هرگز حرفی نمی‌زند مگر این‌که فرشتگان رقیب و عتید حاضر و ناظرند یکی‌گناه ثبت می‌کند و دیگری نیروی ایمان را تقویت می‌نماید (19) تا آن‌جا که بی‌هوشی مرگ او را فرا می‌گیرد به او می‌گوید همان مرگ است که از آن فرار می‌کردی (20) بعد که روح در ابدان دمیده می‌شود همه می‌دانند که روز مسئولیت اعمال نیک و بد است (21) هر انسانی عاملی دارد که او را

به سوي هدف و امامش مي دواند (22) به او مي گویند از چنین روزي غافل بودي پرده غفلت را برداشتيم امروز تيز بين هستي (23) قرين حق يا باطل او مي گوید که اين آقا براي وصول به نتايج اعمال خود آماده است (عتيد و عتاد تجهيزات وجودي است که از اعمال پيدا مي شود) (24) در اين موقع به مقام نبوت و ولايت فرمان مي رسد که هر کافر معاندي را به جهنم بکشانيد (25) يعني کساني که جدا مانع کار خير و متجاوز و سرکش بوده اند (26) و به جاي خالق از مخلوق اطاعت نموده اند اين افراد را در عذاب شديد حبس کنيد (27) شيطان رفيق او مي گوید من اورا به طغيان و نداشتن خودش گمراه بود (28) حاکم به حکم خدا به آنها مي گوید اين جا جاي نزاع نيست پيش از اين حجت بر شما تمام شد (29) در حضور من جاي گفتار خلاف حقيقت نيست من ظالمانه قضاوت نمي کنم (30) آن روز به جهنم مي گوئيم پر شدي بس است مي گوید بيشتراز اين هست؟ (31) در همين زمان بهشت هم براي اهل بهشت آرايش و نمايش پيدا مي کند (32) اين وعده خدا است براي کساني که به خدا پناه بردند و دين خود را حفظ کردند (33) کسي که خدای غيب را به عظمت شناخت و

قلب خود را در پناه او قرار داد (34) به سلامتی او را به بهشت ببرید که امروز روز زندگی جاوید است (35) آنچه بخواهند برای آنها آماده است و بیشتر و زیاد تر (36) پیش از این کفار را مشرف به هلاکت رساندیم این شهر و آن شهر می‌دویدند آیا راه فرار داشتند (37) این آیات برای کسانی که قلب آگاه یا گوش شنوا دارند آینه حقیقت است (38) ما آسمان و زمین و یا تحولات تکاملی بشر را در شش دوره قرار دادیم، خسته نشدیم (39) در برابر یاوه گوئی‌ها صبر کن پیش از طلوع و غروب آفتاب خدا را تسبیح کن (41) روزی که منادیان مردم را از نزدیک بلند صدا می‌زنند (42) روزی که ندای به حق دعوت امام را می‌شنوند همان زمان روز خروج اموات است (43) فقط ما هستیم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم انتهای زندگی شما دایره ولایت ما است (44) روزی که زمین می‌شکافد اموات را با سرعت بیرون می‌دهد ایجاد چنین روزگاری بر ما آسان است (45) ما به گفته‌های مردم داناتریم مردم را مجبور مکن قرآن را برای کسانی که از خدا و آخرت می‌ترسند یاد آوری کن.

سوره والزاریات
بسم الله الرحمن الرحيم

در این سوره خداوند بذر علم و حکمت و رویش آنرا به نمایش می‌گذارد گر چه ظاهراً رویش نطفه تا حمل و زایمان است ولیکن معنای واقعی آن رویش علم است که به انسان و قار می‌دهد. از بذر علم بهشت و از بذر جهل جهنم می‌روید (1) قسم به عواملی که بذرها را می‌افشانند (2) و عواملی که آنرا می‌پرورانند و رحم مادر و قلوب مومنین را سنگین می‌کنند (3) و عواملی که آرام آنچه روئید و زائید به جریان می‌اندازند (4) و عوامل دیگر که روزی‌ها را برابر استحقاق بین افراد تقسیم می‌کنند (5) آنچه به شما وعده داده‌اند حقیقت دارد (6) دین خدا مانند آفرینش يك واقعت است (7) قسم به فضای آفرینش که در آن طبقات آسمان و زمین روی

هم قرار گرفته‌اند (8) شما مردم در قول و عقیده اختلاف دارید (9) در این اختلاف عده‌ای به‌وادی باطل سقوط می‌کنند (10) حقیقت است که پیروان حدس و خیالات هلاک می‌شوند (11) آنها که در اعماق غفلت سرگردانند (12) از تو می‌پرسند روزگار حکومت دینی چه وقت است (13) بگو روزگاری که کفار فریفته قوای آتشین می‌شوند (14) به آنها میدان می‌دهیم که بچشید آتشی است که باشتاب آنرا طلب می‌کردید می‌گفتید کجا است جهنم (15) پرهیزکاران در باغها کنار چشمه‌ها زندگی دارند (16) به آنچه خدا وعده داده است می‌رسند آنها پیش از این در دنیا نیکوکار بودند (17) کمی از شب‌ها را می‌خوابیدند و به عبادت مشغول بودند (18) سحرها در حال دعا و استغفار بودند (19) سهمی از مال خود را به فقرا اختصاص داده بودند (20) برای اهل ایمان و یقین این همه آیات قدرت خدا در زمین موجود است (21) و این همه آیات در وجود شما چرا مطالعه نمی‌کنید (22) روزی شما و آنچه امیدوارید از جانب خدا مقدر می‌شود (23) قسم به پروردگار آسمان و زمین که این وعده حق است چنان‌که نطق و بیان شما حقیقت است (24) داستان میهمانان بزرگوار ابراهیم

به تو رسیده است (25) آنجا که بر ابراهیم وارد شدند سلام دادند جواب داد و گفت شما را نمی‌شناسم (26) به همسرش دستور داد گوشت گوساله چاق برای پذیرائی آماده کرد (27) سفره غذا تقدیم کرد و گفت چرامیل نمی‌فرمائید (28) از آنها ترسید مبادا قصد سوئی دارند خود را میهمان نمی‌دانند گفتند مترس ما فرشته ایم تو را به پسر دانائی مژده می‌دهیم (29) زن ابراهیم دو دستی به صورت خود زد که وا، چطور يك پیره زن نازا بچه دار می‌شود (30) گفتند همین طور خدا مقدر فرموده او حکیم و دانا است (31) ابراهیم گفت ماموریت شما چیست (32) گفتند مامور هلاکت قوم لوط هستیم که خیلی بی‌حیا شده‌اند (33) می‌خواهیم آنها را با زلزله سنگ باران کنیم (34) با همان عذاب‌هایی که برای گناهکاران معین شده است (35) اول مومنین بی‌گناه را از شهر اخراج نمودیم (36) فقط يك خانواده مومن و بی‌گناه بودند (37) داستان آنها را برای کسانی که از خدا می‌ترسند درس عبرت قرار دادیم (38) و داستان موسی که با آن معجزات عجیب مامور دعوت فرعون شد (39) او به قدرت خود متکی شد گفت این ساحر دیوانه از کجا آمده است (40) ما او را

بالشکرش در حالی که مورد ملامت بودند گرفتیم و غرق نمودیم (41) و قوم عاد که بر آنها طوفانی فوق عوامل طبیعی مسلط نمودیم (42) طوفانی که هرچه سر راهش بود نابود می کرد (43) و قوم ثمود که مدتی به آنها فرصت زندگی دادیم (44) از اطاعت خدا سرکشیدند صاعقه عذاب آنها را فرا گرفت رو به روی یکدیگر هلاک شدند (45) نتوانستند برای دفع عذاب قیام کنند و خود را یاری نمایند (46) قوم نوح هم پیش از آنها مردمی فاسق بودند (47) ما آسمان و فضای علم و حکمت را ساخته ایم و آن را توسعه می دهیم (آسمان قابل توسعه مکتب ولایت الهی است که بی نهایت قابل توسعه است) (48) زمین را برای شما گسترش دادیم چه خوب مهد تربیتی که ساخته ایم (49) همه چیز را جفت ضد و نقیض آفریدیم شاید حقیقت رادرك کنید (50) از هر خطری به سوی خدا فرار کنید من از جانب او مامور هدایتیم (51) با خدا خدای دیگری نپرستید من شما را از غضب او می ترسانم (52) پیغمبری پیش از این نیامد مگر این که گفتند ساحر و یا دیوانه است (53) مثل این که یکدیگر را به این روش های اخلاقی سفارش کرده بودند بلکه همه طغیان گر بودند (54) از آنها اعراض

کن تا هلاک شوند به این کار ملامت نخواهی شد (55) خدا و دین خدا را یاد آوری کن که یاد آوری برای اهل ایمان نافع است (56) من جن و انس را به این منظور آفریدم که بنده من (شاگرد من) باشند (یعبدون) به یزیدون تفسیر شده است) (57) آنها را برای تهیه طعام خلق نکرده‌ام (انسان به منظور دانش جوئی خلق شده است) (58) خدا نیرومند و قدرتمند است روزی بندگان را می‌رساند (59) ستمکاران مانند یاران تبه کار خود هستند شتاب نکنید (60) وای به حال کفار از روز موعودی که در انتظار آنها است.

سوره طور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند در این سوره شریفه از شخصیت های بزرگ آسمانی تعبیر به طور و کتاب مسطور و بیت معمور

می‌کند. در عرف قسم همه جا به شخص قسم می‌خورند نه به شیئی، خانه‌های آباد و فضای بلند امام‌های معصومند. چه دریائی جوشان‌تر از دریای علم آنها و چه سقفی مرتفع‌تر از سقف خانوادگی آنها است قتاده نامی از علمای اهل سنت خدمت امام باقر ع می‌رسد تحت تاثیر عظمت آن بزرگوار واقع می‌شود عرض می‌کند یا بن رسول الله خدمت این همه علماء رسیده‌ام تا این اندازه مجذوب و مرعوب واقع نشده‌ام که خدمت شما رسیده‌ام حضرت می‌فرماید اتدري اين انت مي داني مقابل چه خانه هائي هستي مقابل خانه هائي که اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه عرض کرد آری یا ابن رسول الله دانستم که آن خانه‌ها خانه خشت و گل نیست بلکه خانواده نبوت و ولایت است (1) قسم به کوه طور ولایت که مرکز جوشش آب حیات است (2) و قسم به کتاب ناطق (3) و قسم به صفحه قلب معصوم که تمامی علوم در آن نگاشته شده است (4) و قسم به خانه آباد نبوت و ولایت (5) و قسم به فضای رفیع علم و دانش آنها (6) و دریای جوشان علم و حکمت آنها (مولا به سینه خود اشاره می‌کند که ان هاهنالعلما جما) (7) قسم به این مقام‌ها که عذاب پروردگار تو واقع

خواهد شد (8) عاملی نیست که بتواند آنرا دفع کند (9) روزی که آسمان هیجان و موجان یابد (افکار اهل عالم متزلزل شود) (10) و سیر کوه‌ها (ابر قدرت‌ها) به آخر برسد (11) در چنین روزی وای به حال تکذیب کنندگان (12) کسانی که زندگی خود را به بازی گرفتند (13) که در انتها به آتش کشیده می‌شوند (آخرین پدیده علمی و عملی کفار آتش هسته‌ای است) (14) همین آتش هسته‌ای که ساخته‌اید جهنم است که تکذیب نمودید (زیرا در قیامت به خودشان برمی‌گردد) (15) این جهنم سحراست یا شما نمی‌بینید (16) روشن کنید، صبر کنید یا نکنید علاجی ندارد (17) پرهیزکاران در سایه لطف خدا و ائمه قرار می‌گیرند (18) از آنچه خدا به آنها بخشیده خوش حالند و از آتش در امانند (19) بی‌حساب از نعمت‌های بهشت استفاده می‌کنند گوارا باد که نتیجه اعمال شما است (20) بر اریکه قدرت در صفوف منظم تکیه می‌زنند ما حور العین را جفت آنها قرار می‌دهیم (21) کسانی که ایمان به خدا آورده‌اند و اولادشان را که در خط ایمان از آنها پیروی کرده‌اند را به آنها ملحق می‌کنیم نسلشان را ضایع نمی‌گذاریم هر انسانی در گرو اعمال خود خواهد بود (22) با میوه

جات و لحوم طیور و آنچه اشتهای دارند از آنها پذیرائی می‌کنیم (23) جام شراب طهور از دست یکدیگر می‌ربایند شربت‌هایی که عوارض گناه در آن نیست (24) جوانان زیبا مانند لولو و مروارید در خدمت آنها می‌باشند (25) بایکدیگر خوش و بش و سئوال و پرسش دارند (26) که مادر دنیا می‌ترسیدیم مبادا ما و اولادمان در آخرت محکوم باشیم (27) خدا بر ما منت نهاد و ما را از عذاب سموم جهنم حفظ کرد (28) ما با خدای خود در حال خواهش و نیایش بودیم خدای ما نیکوکار و مهربان است (29) دین خدا را به مردم یادآوری کن تو در شعاع لطف خدائی کاهن و دیوانه نیستی (30) می‌گویند شاعر است به انتظار می‌نشینیم ببینیم عاقبت کارش چه می‌شود (31) بگو شما به انتظار باشید من هم به انتظارم تا عاقبت کار معلوم شود (32) شعور آنها همین است که می‌گویند تو دیوانه‌ای آنها قومی طغیانگرند که حق را نمی‌پذیرند (33) یامی‌گویند به خدا دروغ می‌بندد چنین نیست بلکه ایمان نمی‌آورند (34) اگر راست می‌گویند داستانی و قرآنی مانند این قرآن بیاورند (35) یا فکر می‌کنند بدون هدف و برای بازی خلق شده‌اند و یا خالق خود هستند (36) یا خالق آسمان و زمین‌اند

بلکه اهل یقین نیستند که چنین می‌گویند (37) یا فکر می‌کنند خزائن غیب در اختیار دارند بلکه آنها پیش از سازندگی آنچه می‌سازند خلق خدایند (38) یا وسیله‌ای دارند که با خدا تماس می‌گیرند اگر چنین ادعائی دارند دلیلش را بیاورند (39) یا فکر می‌کنند که دختران مال خدا و پسران مال آنهاست (40) یا مگراز آنها مزدی می‌خواهی که تحمل آن‌را ندارند (41) یا علم غیب به آنها می‌رسد که می‌نویسند (42) یا کید و مکر به کار می‌برند بدانند که مغلوب کید و مکر خدا هستند (43) یا آنها خدای دیگری دارند خدا منزّه است که شریک داشته باشد (44) اگر توده انبوهی از آسمان را در حال سقوط ببینند می‌گویند ابر و باران است (عذاب‌رابه طبیعت مربوط می‌کنند نه به خدا) (45) آنها را به خود واگذار کن تاروزی را که از شدت عذاب بی‌هوش می‌شوند ببینند (46) روزی که کید و مکرشان به حالشان سودی ندارد و کسی آنها را یاری نمی‌کند (47) ستم‌کاران غیر از عذاب دنیائی عذاب دیگری دارند اما نمی‌دانند (48) در برابر حکم پروردگارت صبر کن تو در حمایت ما هستی هر وقت قیام به کاری می‌کنی خدا را تسبیح کن (49) همین طور نیمه‌های

شب و دنباله غروب به تسبیح و تقدیس خدا مشغول باش.

سوره نجم

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره مربوط به معراج حضرت رسول اکرم است همانطور که شهاب تحت تاثیر جاذبه سرعت می‌گیرد آن بزرگوار هم تحت تاثیر عشق خدا به طرف کمالات سرعت می‌گیرد (1) قسم به ستاره هدایت که مجذوب عشق خدا به طرف او سرعت گرفت (2) پیغمبر شما از راه حق منحرف و گمراه نشده است (3) از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید (4) آنچه می‌گوید از مبد و حی الهی می‌گوید (5) خدای قدرتمند علوم را در سینه او جای داد (6) او را با اراده قاهره خود در اعتدال کامل قرار داد (7) در

عالي‌ترین آفاق که علم الهي از آنجا طالع مي‌شود (8) او به‌خداي خود نزديك و نزديك‌تر شد چنان که گوئي به‌لطف خدا آويخته شد (9) هم چون دو سرکمان يانزديك‌تر گوئي همه کائنات به‌وسيله آن حضرت به‌خدا متصل شد (10) در آن اتصال و ارتباط هر چه خواست به او تعليم داد (11) آن‌حضرت آن‌چه گفت از مشاهدات خود گفت دروغ نگفت (12) آيا شما اورا در مشاهدات خود به‌شبهه مي‌اندازيد (13) و باز مرتبه ديگر در سير نزولي خود در لقاي الهي قرار گرفت (14) و اين ملاقات در حضور انسان کامل که عرش الهي است واقع شد (15) همان جا که اين ملاقات واقع شد جنت الماوا (حضرت زهرا) بود (16) مشاهده نمود که نور عظمت الهي چگونه آنها را احاطه نموده است (17) بصر و بصيرت او آن‌چه گفت خلاف نگفت و از حقيقت تجاوز نکرد (18) او آيات بزرگ الهي را چنان که بود شناخت (مولا عليه السلام فرمود ليس لله آيت اکبر مني). پاورقي 260 (19) فکرکنيد اين بت‌ها لات و عزي چيستند و کيستند (20) ويا آن بت سوم (21) و يا چه مي‌گوئيد که پسران مال شما و دختران مال خدايند (22) چه تقسيمات جاهلانه‌اي که انجام داده‌ايد (23) اين

بت‌سازی‌ها و خلیفه تراشی‌ها خلاف حقیقت است که شما و اجدادتان به وجود آورده‌اید خدا به آنها حجت نداده از حدس و گمان و هوای نفس پیروی می‌کنید خدا شمارا به اولیاء خود هدایت کرده است (24) آیا انسان از این راه‌های غلط به آرزوی خود می‌رسد هرگز (25) سعادت دنیا و آخرت به دست خدا است (26) این همه فرشتگان در آسمان و زمین هستند که شفاعتشان سودی ندارد مگر کسی که خدابه‌او اجازه دهد و راضی باشد (27) کسانی که ایمان به آخرت ندارند فرشتگان را دختر خدا می‌دانند (28) آنها شعور فرشته شناسی ندارند به حدس و گمان حرف می‌زنند ظن و گمان جای حق را نمی‌گیرد (29) از این افراد که از دین خدا غافلند و جز دنیا هدفی ندارند دوری کن (30) عقلشان فقط تا دنیا کار می‌کند خدا گمراهان و هدایت شدگان را می‌شناسد (31) آسمان‌ها و زمین ملک خداست تا نیکوکاران و بدکاران را به نتایج اعمالشان برساند (32) نیکوکاران آنها را ببینند که از گناهان کبیره اجتناب می‌کنند مگر گناه کوچک که عفو خدا بسیار وسیع است او به حال شما از آن زمان که شمارا از خاک برآورد و در رحم شمارا می‌ساخت آگاه است خود را

تعریف نکنید که اهل تقوا را می‌شناسد (33) کسانی که از دین خدا اعراض می‌کنند بین و بشناس (34) که بذل و بخشش شان خیلی کم است گدا صفت هستند (35) به عقیده خود علم غیب دارند که از انفاق می‌ترسند (36) آیا از کتاب‌ها و روش گذشتگان آگاهی نیافتند (37) یا از دین حنیف ابراهیم روشنگر حق نیاموختند (38) که هیچ کس بار مسئولیت دیگری را قبول نمی‌کند (39) و هرکسی جز نتیجه سعی خود را نخواهد دید (40) و خیلی زود نتیجه آن را فرا خواهد گرفت (41) به جزای کامل وافی خواهد رسید (42) و خواهد دانست که عاقبت کارها به دست خدا است (43) و اوست که غم و غصه یا نشاط به وجود می‌آورد (44) و یامی‌میراند و زنده می‌کند (45) و اوست که جفت زن و مرد خلق می‌کند (46) از نطفه و آب منی او را می‌سازد (47) و او زندگی آخرت را به وجود می‌آورد (48) و اوست که بی‌نیازی و ثروت به وجود می‌آورد (49) پروردگار ستاره شعرا اوست (50) و اوست که قوم عاد را هلاک نمود (51) قوم ثمود را هم باقی نگذاشت (52) پیش از آنها قوم نوح را که ظالم و طغیان‌گر بودند به هلاکت رسانید (53) و اقوام منحرف دیگر را (54) نمی‌دانید چه

عذاب‌های شدیدی آنها را فرا گرفت (55) در کدام يك از نعمت‌های او شك و شبهه دارید (56) شما بدانید که این پیغمبر صاحب قرآن هم مانند پیغمبران گذشته شما را از عواقب گناه می‌ترساند (57) در مسیر اسلام قیامت جلوه کرد و حساب نزدیک شد (58) بجز خدا کسی نمی‌داند و نمی‌تواند قیامت را ظاهر سازد (59) شما از این دین و کتاب تازه تعجب می‌کنید (60) می‌خندید و به عاقبت فکر نمی‌کنید (61) ساکت و بی‌تفاوت هستید (62) خدا را سجده کنید او را بپرستید.

سوره قمر

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه هم به مناسبت معجزه شق القمر به کلمه قمر نامیده شده است.

(1) قمر شکافته شد (خط هدایت شکوفا گردید)
قیامت نزدیک شد. پاورقی 261 (2) مردم بی‌خرد
وقتی که معجزه می‌بینند می‌گویند سحر است
(3) دین خدا را تکذیب نمودند از هوا و هوس پیروی
کردند همه چیز در جای خود ثابت و پایدار است
(4) این همه داستان‌های آموزنده به آنها رسیده اگر
متنبه شوند (5) حکمت خلقت و دین ابلاغ شده ولی
در هدایت هادیان سودی نبخشید (6) تا روز قیامت
که به نتایج بد اعمال خود کشیده می‌شوند از آنها
اعراض کن (7) آن روز دانش و بینش آنها در نهایت
خشوع است مانند ملخ از دل خاک می‌جوشند
به حساب کشیده می‌شوند (8) در نهایت ذلت تسلیم
دعوت کنندگان می‌شوند کفار می‌گویند وای چه روز
سختی است (9) پیش از این بنده ما نوح را تکذیب
نمودند گفتند دیوانه است و او را کنار زدند (10) دست
به دعا برداشت که ای خدا من در برابر این مردم
ناتوانم مرایاری کن (11) ما آب‌های آسمانی را مانند
نهر جاری ساختیم (12) و چشمه‌های زمین
را جوشش دادیم آب زمین و آسمان با هم طبق تقدیر
خدا دریائی بوجود آوردند (13) نوح و همراهانش
رابریک کشتی که از تخته‌ها و میخ‌ها ساخته شده

بود سوار کردیم (14) بانظارت و حفاظت ماکشتی روی آب‌ها به جریان افتاد تا کفار با عقده دل مجازات شوند که چرا سوار نشدند (15) و این کشتی و نجات مردم را برای آیندگان آیتی آموزنده قرار دادیم آیا کسی هست بیاموزد (16) ببینید و بدانید تهدیدات چطور است (17) قرآن را ساده و آسان قرار دادیم کسی هست بیاموزد (18) قوم عاد هم رسول ما را تکذیب نمودند ببینید عذاب ما چطور بود (19) در ایامی نحوست بار و مستمر طوفانی شدید بر آنها مسلط کردیم (20) مردم را از زمین به هوا پرتاب می‌کرد مانند درخت خرما که کنده می‌شود (21) ببینید عذاب ما و تهدیدات ما چه طور بود (22) قرآن را برای فراگیری آسان کردیم کسی هست فرا گیرد (23) قوم ثمود هم رسولان ما را تکذیب نمودند (24) گفتند آیا از يك نفر مانند خود مان اطاعت کنیم حتما گمراهی و گرفتاری پیدا می‌کنیم (25) در میان ما همین آقا پیام آور خدا شده است نه، کذاب است شریر است (26) فردا که نتیجه اعمال ظاهر شود خواهید فهمید چه کسی کذاب و شریر است (27) برای آزمایش آنها شتر بابرکت را آیتی قرار دادیم منتظر باش ببینیم چه می‌کنند (28) به آنها بگو آب

شهر يكروز براي شماو يك روز براي شتر هر کدام نوبت خود را داشته باشید (29) آنها شقي ترين خود را مامور كشتن شتر نمودند قاتل كمين كرد و ناقه صالح را كشت (30) ببينيد عذاب ماو تهديدات ما چگونه بود (31) فرمان الهي آنها را فرا گرفت در نتيجه هلاك شدند (32) ماقرآن را براي پندگيري و سرعت فهم آسان گفتيم آيا كسي هست بداند (33) قوم لوط مانند ديگران رسولان ما را تكذيب نمودند (34) ما آنها را هنگام سحر در معرض بارش سنگها قرار داديم بجز خانواده لوط كه آنها را نجات داديم (35) لطف ما بود كه شامل خانواده او شد پاداش بندگان شاكر ما اين است (36) قبلا آنها را تهديد نموديم مبادا غافل گير شوند ولي به تهديد ما واقعي ننهادند (37) خواستند با ميهمانان لوط رسوائي به وجود آورند چشم آنها را محو نموديم كه عذاب ما را بچشند (38) صبحگاهان عذاب ابدي ما آنها را فرا گرفت (39) پس بچشيد عذاب ماو تهديدات ما را (40) قرآن را با بياني ساده آورديم كسي هست فرا گيرد (41) رسولان ما به سراغ فرعونيان هم رفتند (42) اين همه آيات و معجزات براي آنها ظاهر نموديم همه را تكذيب نمودند مانيز در سيطره اقتدار دريا شكافي

خود آنها را هلاک نمودیم (43) آیاشما کفار زمان از کفار تاریخ بهترید یا در کتاب خدا سند آزادی دارید (44) یا می‌گوئید در برابر عذاب خدا قدرت دفاع داریم (45) چنین نیست تمامی شما شکست می‌خورید و فرار می‌کنید (46) میعاد آنها ساعت قیامت است قیامت برای آنها مصیبت بارت‌تر و تلخ‌تر است (47) جنایت‌کاران دائم از خط منحرفند در رنج و مشقتند (48) بدون عاقبت بینی مانند خزندگان به آتش کشیده می‌شوند (49) ما هر چیزی را به حساب و اندازه آفریدیم در طبیعت بی‌حسابی نیست (50) کارها روی یک نقشه حساب شده انجام می‌گیرد مانند بینائی در انسان و حیوان (51) این همه نمونه‌ها از شما کفار را هلاک نمودیم کسی هست حقیقت را درک کند (52) هر عملی که انجام داده‌اید در کتاب آفرینش ثبت و ضبط است (53) کوچک و بزرگ اعمال در صفحه نفوس نوشته شده است (54) پر هیزکاران عاقبت در بهشت کنار نهر حیات و رحمتند (55) در جایگاه پایدار در سایه سلطنتی با اقتدار.

سوره الرحمن

بسم الله الرحمن الرحيم

در این سوره شریفه خداوند يك يك نعمت‌های خود را می‌شمارد و مردم را به گواهی می‌گیرد که آیاتی‌توانند منکر شوند (1) خدای بخشنده مهربان است که (2) قرآن را تعلیم می‌دهد (کشف حقیقت قرآن به نورانیت قلب است) (3) خدا انسان را آفرید (4) به او سخن و بیان آموخت (5) خورشید و ماه و مظاهر هدایت در نظام الهی حرکت دارند (6) ستاره‌ها و درخت‌ها تسلیم خدایند (7) خداوند فضای طبیعت و فضای علوم اسلامی را گسترش داده و برای هر چیز مقیاس و میزان قرار داده (8) تا کسی و چیزی از حد خود تجاوز نکند (9) هر متاعی را به میزان عدالت بسنجید به خود و مردم ضرر نزنید (10) خداوند این کره زمین و زمینه تربیت را برای مردم آفرید (11) میوه‌ها و درخت خرما که شاخه میوه را از دل خود به شما تقدیم می‌کند (12) این‌همه حبوبات و دانه‌ها و گل‌های زیبا (13) شما کدام يك از نعمت‌های خدا را تکذیب می‌کنید (14) خداوند انسان را از گل

خشکیده و عمل آمده آفرید .پاورقي 262 (15) و جنیان را از ماده‌ای مخلوط به آتش خلق کرد (این خلقت مربوط به دوران شکل‌گیری از مسیر اعمال است) (16) شما مردم کدام يك از نعمت‌های خدا را تکذیب می‌کنید (17) پروردگار مربي شرق و غرب طبیعت و شرق و غرب افکار است (18) کدام يك از نعمت‌های خدا را تکذیب می‌کنید (19) خداوند دو دریای تلخ و شور آب و دو دریای عقل و جهل را به یکدیگر مخلوط کرد (20) و بین آن دو مانعی بوجود آورد که بر یکدیگر نتازند (21) کدام يك از نعمت‌های خدا را تکذیب می‌کنید (22) از این دو دریا جواهرات لولوء و مرجان و عقل و دانش بوجود آورد (23) کدام يك از این نعمت‌ها را قبول ندارید (24) کشتی‌ها که در دریا و یا انسان‌ها که در دریای تفکر با علامت حرکت دارند مال خدایند (25) شما کدام يك از این نعمت‌ها را قبول ندارید (26) هر چه در روی زمین است عاقبت فانی می‌شود (27) و آن‌که وجهه الهی دارد باقی می‌ماند (28) کدام يك نعمت الهی را تکذیب می‌کنید (29) هر که هست در آسمانها و زمین حوائج خود را از او می‌طلبد او در هر زمانی به‌کاری مشغول است

(30) کدام يك نعمت الهي را تكذيب مي‌کنيد (31) اي گروه جن و انس به زودي براي رسيدگي به حساب شما فراغت پيدا مي‌کنيم (32) کدام يك نعمت الهي را تكذيب مي‌کنيد (33) اي گروه جن و انس اگر در توان خود مي‌بينيد از محيط آسمان‌ها و زمين خارج شويد بفرمائيد بدانيد كه نمي‌توانيد مگر به قدرت خدا. پاورقي 263 (34) کدام يك نعمت الهي را تكذيب مي‌کنيد (35) بدانيد كه در محاصره بازي با آتش و نحوست‌ها قرار گرفته‌ايد. پيروزي نخواهيد داشت (36) کدام يك نعمت الهي را قبول نداريد (37) اين مصيبت‌ها زماني است كه اسرار فضا و ولايت الهي شكوفا شود و از ضرورت و خروج مانند روغن صاف و روان شود (38) کدام يك از نعمت‌هاي الهي را قبول نداريد (39) در اين زمان از گناه جن و انس باز جوئي نمي‌شود (يا براي اين كه واضح است يا كه مشمول عفو الهي مي‌شوند) (40) کدام يك از نعمت‌هاي الهي را قبول نداريد (41) جنایت‌كاران به سيما شناخته مي‌شوند و در مسير حرکت به سوي ظلم و ستم گرفتار مي‌شوند (42) کدام يك از نعمت‌هاي خدا را قبول نداريد (43) اين آتش كه ساخته‌ايد جهنمي است كه آن را تكذيب مي‌كرديد (44) فاصله

زمانی بین آنها و سقوط در جهنم آن و دقیقه است (45) کدام يك نعمت الهي را تكذيب مي‌كنيد (46) براي كساني كه عظمت خدا را درك مي‌كنند دو بهشت و دو نعمت مقدر است (47) کدام يك نعمت الهي را تكذيب مي‌كنيد (48) در هر باغي دو نوع برگ و ميوه آماده است (لذت روح و جسم) (49) کدام يك نعمت الهي را قبول نداريد (50) در آن دو باغ دو نوع آب (شربت و علم) جريان دارد (51) کدام يك از نعمت‌هاي خدا را تكذيب مي‌كنيد (52) در آن دو باغ از هر نوع ميوه جفت مزاجي و روي آماده شده (53) کدام يك نعمت را تكذيب مي‌كنيد (54) اهل بهشت به فرشهائي پراز نير و تكيه دارند (يعني آن فرش‌ها پر از نير است كه به هر جا بخواهند رفته‌اند) ميوه‌هاي هر دو بهشت آماده چيدن است (55) کدام يك نعمت الهي را تكذيب مي‌كنيد (56) در آن جا حوريان زيبا كه فقط به شوهر خود عشق مي‌ورزند و جن و انسي با آنها تماس نگرفته است آماده‌اند (57) کدام يك نعمت الهي را تكذيب مي‌كنيد (58) در زيبائي هم چون ياقوت و مرجان جلوه دارند (59) کدام يك نعمت الهي را تكذيب مي‌كنيد (60) مگر پاداش نيكي به جز نيكي چيزي هست (61) کدام يك از

نعمت‌های الهی را تکذیب می‌کنید (62) پائین تر از درجات مقربین دو بهشت دیگر است (63) کدام يك از نعمت‌های خدا را تکذیب می‌کنید (64) آن دو بهشت در نهایت سبزی و خرمی است (65) کدام يك از نعمت‌های خدا را تکذیب می‌کنید (66) در آن دو بهشت دو نوع چشمه است به صورت تراوش و جوشش (67) کدام يك از نعمت‌های خدا را تکذیب می‌کنید (68) در آن دوباغ هم میوه‌های معنوی و مادی از نوع خرما و انار (69) کدام يك از نعمت‌های خدا را تکذیب می‌کنید (70) در آن دو باغ همسران زیبا و خوش اخلاق آماده‌اند (71) کدام نعمت از این نعمت‌ها را قبول ندارید (72) حوریه‌های منحصر به شوهر با غنچ و دلال در خیمه‌ها (73) کدام يك از این نعمت‌ها را تکذیب می‌کنید (74) حوری‌هایی که جن وانس با آنها تماس نداشته است (75) کدام يك از این نعمت‌ها را قبول ندارید (76) آن‌ها بر تکیه‌گاه‌ها در سایه لطف خدا و پشتی‌های نیکو تکیه می‌زنند (77) کدام يك از این نعمت‌ها را باور نمی‌کنید (78) بابرکت است نام خدا صاحب جلال و کرامت.

سوره واقعه

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره واقعه تقسیمات انسان‌ها را براساس حالات روانی کفر و ایمان و یا استضعاف آنها در زندگی آخرت معین می‌کند که آنها عبارتند از يك اقلیت مومن با کلمه سابقون و يك اقلیت منافق با کلمه اصحاب شمال و يك اکثریت مستضعف به عنوان اصحاب یمین که هر کدام سرنوشت معینی دارند (1) زمانی که واقعه قیامت واقع شود (2) وقوع این حادثه حتمی است (3) و آن واقعه براساس درجات کفر و ایمان مردم را بالا و پائین می‌کند (4) و آن وقتی است که زندگی سراسر اهل زمین يك نواخت متزلزل شود (5) و فرمان تکوینی بس بس به کوه‌ها (ابر قدرت‌ها) داده شود (6) و آن قدرت‌ها مانند گرد و غبار متلاشی شوند (7) در این زمان مردم به سه قسمت تقسیم می‌شوند (8) اول انسان‌های با میمنت و مبارك در راستای صداقت (9) دوم انسان‌های شوم و نامبارك در راستای دروغ و باطل (10) سوم پیشتازان به ایمان و تقوا (11) که آنها مقرب درگاه خدایند (12) دريك زندگی پر از نعمت و برکت هستند (13) بیشترین از این گروه در اوائل زندگی سبقت دارند (14) و کمتر در اواخر (اگر در جوانی سبقت نگرفتند در پیری مشکل

است)(15) آنها برتکیه‌گاه‌های زیبای قدرت تکیه دارند (16) در آن تکیه گاه روبه روی یکدیگرند (17) پسران زیبای بهشتی از آنها پذیرائی می‌کنند (18) کاسه‌ها و ابریق‌های شراب بهشتی به آنها عرضه می‌کنند (19) در آن شراب‌ها بدمستی و یاوه گوئی‌ها وجود ندارد (بر عقل آنها می‌افزاید) (20) میوه‌ها و شوق و نشاطها از آنچه انتخاب می‌کنند (21) گوشت مرغ از آنچه اشتها دارند (22) حوران زیبا چشم (23) مانند در و مروارید دست نخورده (24) جزای اعمال و اخلاق نیک آنهاست (25) در آنجا گفتار و کردار لغو و گناه نیست (26) مگر اقوال و اعمال سالم و سلامت زا (27) و آن گروه با میمنت و مبارك (28) در سایه حکومت خدا و درخت‌های سبز و خرم (29) و درخت موز بسیار زیبا (30) در شعاع دائمی لطف خدا (31) آب حیات دائمی در جریان و جوشش (32) و میوه‌های فراوان (33) به دست طبیعت یا مردم نیست که قطع و یا ممنوع شود بلکه به دست اراده است (34) فرش‌ها و تجملات بسیار بالا (35) این تجملات به اراده مومن ایجاد می‌شود نه به کار و کاسبی (36) آنها را بکر و دست نخورده می‌آفرینیم (27) همسران خوش اندام و شوهر دوست (28) مخصوص حق‌گرایان و راست

گویان (39) بسیاری در اوائل زندگی (40) و بسیاری در اواخر پیدا می‌شوند (41) و اصحاب شمال کجروها و چپ روها (چه وضعی دارند) (42) در فضای بسیار داغ و سمی (43) و درسایه دود جهنم (44) سایه‌ای که سرد و گوارا نیست (45) آنها در زندگی مسرف و مترف بودند (46) بر گناهان کبیره و نقض عهد ولایت اصرار داشتند (47) می‌گفتند چطور ممکن است بعد از آن‌که مردیم و خاک شدیم دو مرتبه زنده شویم (48) یا کجا ممکن است اجداد ما زنده شوند (49) بگو آری اولین و آخرین زنده می‌شوند (50) و همه در روز موعود قیامت حاضر می‌شوند (51) و شما ای گمراهان که قیامت را تکذیب می‌کنید (52) از میوه‌های زقوم جهنم خواهید چشید (53) شکم خود را از حرص و گرسنگی پر خواهید کرد (54) و بعد از آن تشنه شده آب داغ خواهید آشامید (55) آری مانند شتران تشنه آب ندیده (56) این است آب و غذا برای پذیرائی شما (57) چرا تصدیق نمی‌کنید که شما را آفریده‌ایم (58) شما قطرات نطفه را می‌بینید (59) شما آن را خلق می‌کنید یا ما خالقیم (60) ما مرگ و مرض در زندگی شما مقدر کردیم کسی اختیار از ما نمی‌گیرد (61) که جای شما امثال شما

را خلق کنیم و شما را به جایی ببریم که نمی دانید (62) شما که این زندگی دنیائی را دیدید چرا قدرت خدا را درک نمی کنید (63) چرا به بذری که می افشانید فکر نمی کنید (64) شما آنرا می رویند یا ما زارع آن هستیم (65) اگر بخواهیم کشت شما را می خشکانیم در آن وقت داد می زنید (66) که چقدر ضرر کردیم (67) بلکه به کلی محروم شدیم (68) یا شما در این آب که می آشامید فکر می کنید (69) شما آن را نازل می کنید یا مائیم که نازل می کنیم (70) اگر بخواهیم آب را تلخ و شور می کنیم چرا منظور ندارید (71) یا در این آتش که می افروزید فکر می کنید (72) شما درخت آنرا می آفرینید یا مائیم که خلق می کنیم (73) ما آتش را آفریدیم تا از نیروی آن بهره ببرید (نه این که از آن جهنم بسازید) (74) پروردگار عظیم خود را از شباهت به خلق منزّه بدان (75) من به موقعیت ستارگان هدایت قسم نمی خورم. پاورقی 264 (76) اگر عظمت آنها را بشناسید اعتراف می کنید که جای قسم دارد (77) قرآن من کریم است به شما عزت و کرامت می دهد (78) در کتاب لوح دل امام ثبت است (79) فقط پاکان و نیکان با معارف آن تماس دارند (80)

کتابی است که از پروردگار جهان نازل شده (81) شما چنین کتابی را ساده و سبک می‌شمارید (82) به جای شکرگذاری آنرا تکذیب می‌کنید (83) چه وضعی دارید وقتی که که جان شما به حلقوم رسد (84) و شما همه نگران حال احتضار باشید (85) ما به میت از شما نزدیک‌تریم و لیکن شما نمی‌بینید (86) اگر شما متصل به روح میت هستید (87) جان میت را به بدن برگردانید اگر راست می‌گوئید (88) اگر میت از مقربین باشد خوشا به حالش (89) که در نشاط روحی و ریحان و بهشت پر نعمت زندگی می‌کند (90) و اگر هم از اصحاب یمین باشد (91) مزده باد به سلامت اصحاب یمین که مشمول عفو الهی هستند (92) و اما اگر از تکذیب کنندگان و گمراهان باشد (93) يك سر به جهنم می‌رود (94) که با عناد خود روشن کننده جهنم است (95) این آیات بیان حقیقت و واقعیت است (96) به هدایت اسم خدا اورا از شباهت به خلق منزّه بدان.

سوره حدید

بسم الله الرحمن الرحيم

در این سوره خداوند متعال ارزش جنگ و جهاد را برای اقامه قسط و عدالت بیان می‌کند (1) هر که هست در آسمان‌ها و زمین خدا را منزّه و مبرا از شباهت به خلق می‌داند او غالب و حکیم است (2) خدا پادشاه عوالم آسمان و زمین است زنده می‌کند و می‌میراند به هر کاری توانا است (3) او اول است پیش از خلایق و آخر است بعد از آنها بر ظاهر و باطن همه کس احاطه وجودی دارد او به هر چیزی دانا است (4) آسمان‌ها و زمین (و یا زمینه‌تر بیت بشر) را در شش روز آفرید پس از آن بر عرش حاکمیت قرار گرفت از آنچه در دل زمین وارد و خارج می‌شود و یا علمی که بر قلب انسان نازل و با آن تکامل پیدا می‌کند با خبر است هر جا باشید با شما است به اعمال شما خبیر و آگاه است (گفته شد که منظور از خلقت در شش روز دوران تکامل بشر است تا حکومت خدا زیرا علم بشر است که برای خدا عرش حاکمیت می‌سازد نه زمین و آسمان) (5) او پادشاه عوالم آسمان و زمین است باز گشت زندگی تمام

بشریت به سوي او است (6) شب را در جاي روز و روز را در جاي شب و علم را در خانواده جهل و جهل را در خانواده علم وارد مي‌کند او عالم به وضعیت انسان است (7) پس شما مردم ایمان به خدا و رسول بیاورید از این ثروت و قدرتي که خلافت آنرا به شما داده در راه خدا انفاق کنید کسانی که ایمان به خدا و رسول مي‌آورند و در راه خدا انفاق مي‌کنند اجر بزرگي دارند (8) شما را چه مي‌شود که ایمان به خدا و رسول نمي‌آورید با این که رسول شما را دعوت به ایمان مي‌کند و از شما پیمان اطاعت گرفته است اگر به عهد خدا وفادار باشید (9) او خدا است که این آیات روشن و واضح را بر پیغمبر خود نازل کرد و شما را از تاریکي جهل به نور علم هدایت نمود او به شما رئوف و مهربان است (10) چرا در راه خدا انفاق نمي‌کنید با این که خدا وارث تمامی خدمات و انقاقات است کسانی که در غربت دین انفاق مي‌کنند با کسانی که بعد از حاکمیت دین انفاق مي‌کنند مساوي نیستند درجات پیشتازان در زمان غربت بهتر و بالاتر است گرچه خداوند به تمام مجاهدین و عده نیک مي‌دهد خدا به اعمال شما آگاه است (11) چه کسی حاضر است از مال خود به خدا

قرض الحسنه بدهد تا چندین برابر به او بر گرداند و به علاوه اجري کریمانه به او مرحمت کند (12) و این اجر کریمانه روزي است که اهل ایمان به هدایت نور ایمان به سوي اولیاء خدا سرعت مي گیرند اجري که مي گیرند قدرت هاي علمي و عملي است که از آن علم و قدرت ثروت و نعمت مانند نهر جاري مي شود و در آن موفقیت جاویدند این است موفقیت نامتناهي (جنات عدن اراده کن فیکوني است که به آنها داده مي شود) (13) روزي که زن و مرد منافق به اهل دین مي گویند به ما توجه کنید تا از نور ایمان شما استفاده کنیم جواب مي شنوند به دنیا برگردید آنجا جاي کسب ایمان بوده است در این حال يك حجاب نوري بين آنها ایجاد مي شود که داخل حجاب رحمت خدا و خارج آن به نظر منافق عذاب و شکنجه است (دید منافق از عينك سیاه است خدا و اولیاء خدا را دشمن خود مي داند) (14) منافقين مي گویند مگر ما با شما نبودیم جواب مي شنوند که آري وليکن خود را گول زدید و فریفته دنیا شدید به شك افتادید اسیر آرزو و آمال خود شدید در حالي که مغرور و غافل بودید فرمان مرگ شما رسید (15) امروز از شما و کفار فدیة قبول نمي شود جاي شما آتش

جهنم است و مولاي شما آتش بياران جهنمند چه بد عاقبتي است زندگي شما (16) آیا هنوز وقت آن نرسیده که دل اهل ایمان در برابر عظمت خدا و نزول قرآن خاضع و خاشع شود و دیگر مانند اهل کتاب نباشند که در طول مدت انحراف قساوت قلب پیدا کردند و بسیاری از آنها فاسق و فاجر شدند (17) شما حتما بدانید که خداوند زمین (اهل زمین) را بعد از مرگ با قیام امام زمان زنده می‌کند ما دلائل حیات زمین را بعد از مرگ به دست ظالم‌ها روشن کردیم شاید به عقل خود دریا بید که خلقت عالم و آدم عبث نیست (18) مردان و زنانی که که آیات خدا را تصدیق می‌کنند و از مال خود برای رواج عدالت سرمایه گذاری می‌کنند بدانند که چندین برابر سرمایه اجر می‌برند و روزی‌های کریمانه در اختیار آنها قرار می‌گیرد (19) کسانی که به خدا و رسول ایمان می‌آورند همان‌ها تصدیق کنندگان و شهدای راه دین خدایند اجر شان و نورانیت قلبشان محفوظ است اما کسانی که کافر به پیغمبران می‌شوند و آیات ما را تکذیب می‌کنند اهل جهنمند (20) شما بدانید دنیا بر عواملی استوار است که عاقبت هیچ و پوچ است بر اساس لهو لعب و زینت و به دلیل کثرت مال و اولاد

به یکدیگر نازیدن است این جلوه‌ها مانند باران است که زمین را سبز و خرم می‌کند کفار را به تعجب وامی‌دارد و بعد از چندی گل‌ها و برگ‌ها زرد و خشک می‌شود و عاقبت این فخر و تکبرها برای دنیا پرستان عذابی سخت و برای اهل تقوا رحمت و رضوان الهی است زندگی دنیا فقط یک جلوه فریبنده است (21) ای مردم همه جا تلاش کنید که با استفاده از رحمت و مغفرت خدا به‌سوی بهشتی حرکت کنید که وسعت آن برابر آسمان‌ها و زمین است این زندگی نا متناهی برای کسانی است که ایمان به‌خدا و پیغمبران آورده‌اند لطف خدا است که به‌هرکسی بخواهد می‌رساند لطف خدا بی‌نهایت وسیع است. پاورقی 265 (22) هر نوع مصیبتی از هر جا به‌شما می‌رسد بر طبق نقشه تربیتی خداوند است اجرای این مقدرات برای خدا آسان است (23) تا همه جا در انتظار نتیجه کار باشید مبادا به‌خاطر آنچه از دست رفته ناراحت و یا به‌آنچه در اختیار دارید خوشحال شوید زیرا اصل نتیجه است نه مقدمات خدا انسان‌های خیالات زده‌ای که به‌خود می‌نازند دوست نمی‌دارد (24) آنها از بذل و بخشش خود داری می‌کنند و مردم را هم به‌صفت بخل

سفارش می‌کنند کسی که خود رای و خود مختار است بداند که خدا از او بی‌نیاز و پسندیده است (25) ما پیغمبران خود را با دلائل روشن فرستادیم کتاب و قانون به آنها دادیم تا مردم را به قسط و عدالت وادارند اسلحه و آهن نازل کردیم گر چه جنگ مصیبت است ولی منفعی هم دارد تا با این جنگ‌ها خدا بداند چه کسی اورا و پیغمبران را غایبانه یاری می‌کند خدا قوی و توانا است (26) ما به نوح و ابراهیم رسالت دادیم کتاب و نبوت را در نسل آنها به یادگار گذاشتیم بعضی از آنها هدایت یافتند و بسیاری فاسق و فاجرند (27) همین طور در پی آنها رسولان دیگر و پیرو آنها عیسی ابن مریم را رسالت دادیم کتاب انجیل به او دادیم و در قلب پیروان او رفت و رحمت و رهبانیت قرار دادیم که در طلب رضای خدا باشند ولی به افراط رفتند و آنرا چنانکه اجازه دادیم رعایت نکردند کسانی که ایمان به خدا آوردند به اجر خود رسیدند ولیکن اکثریت فاسق شدند (28) ای اهل ایمان از خود رانی و گناه خود را حفظ کنید به خدا و رسول ایمان بیاورید تا نعمت خود را دو برابر (بهشت و رضایت خدا) بدهد و علاوه شما را به علم و دانش مجهز نماید تا خوب زندگی کنید

به شما قدرت دهد او آمرزنده و مهربان است (29) تا اهل کتاب بدانند به اراده خود قادر به کاری نیستند و بدانند که فضیلت به دست خدا است به هرکسی بخواهد می‌دهد لطف خدا بی‌نهایت است.

سوره مجادله

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره برای ابطال بعضی بدعت‌های زمان جاهلیت که با کلمه ظهار خود را از مسئولیت زن آزاد می‌کردند نازل شد (1) خداگفتار زنی را که با تو در باره شوهرش مجادله می‌کرد، از او شکایت داشت شنید خدا بحث شما را با یکدیگر می‌شنود خدا شنوا و دانا است (2) کسانی که با همسران خود ظهار می‌کنند با این کلمه هرگز همسران مادر نمی‌شوند مادر کسی است که بچه را زائیده است کسانی که با کلمه ظهار زن را تحریم می‌کنند زور می‌گویند حرف زشت می‌گویند خدا اثر گناه را بعد

از توبه محو می‌کند و عقل و شعور به‌شمامی‌دهد (غفران به معنای رفع نواقص وجودی است) (3) کسی که با همسر خود ظهار کند و پشیمان شود باید پیش از تماس به کفاره گناه برده‌ای را آزاد کند خدا با این کفاره شما را موعظه می‌کند او به اعمال شما آگاه است (4) اگر آزادی برده ممکن نشد پیش از تماس دو ماه پی‌درپی روزه و اگر نتوانست شصت مسکین را اطعام کند تا با این کفاره، ایمان به خدا و رسول آورده باشد این احکام حدود الهی است کسانی که کافر می‌شوند به عذاب الیم مبتلا می‌شوند (5) کسانی که با خدا و رسول تندگوئی و دشمنی دارند به سویی هلاکتند چنانکه کفار گذشته هلاک شدند ما برای آنها آیاتی روشن نازل کردیم اما برای کفار عذاب‌ی خوارکننده مقدر است (6) در آن روز که خدا تمامی مردگان را زنده کند به آنها خبر می‌دهد که چه کردند گرچه فراموش کرده باشند خدا شاهد اعمال کفار است (7) مگر نمی‌دانی که خدایه آنچه در آسمان و زمین است آگاهی دارد اگر سه نفر باهم راز و نجوا داشته باشند خدا چهارمین آنها است و اگر پنج نفر باشند خدا ششمین است و یا کمتر و زیاده‌تر خدا با آنها است روز قیامت آنها را از

اسرار و اعمالشان خبر می‌دهد (8) و یا ندیدی خدا افرادی را از جلسات زیر زمینی و راز و نجوا (علیه مقام ولایت) نهی کرد ولی به کار خود ادامه می‌دهند بر علیه رسول خدا راز و نجوا دارند و وقتی که با شما رو برو می‌شوند سلام و تحیتشان خلاف تحیتی است که خدا دستور می‌دهد پیش خود می‌گویند اگر این پیغمبر راست می‌گوید چرا خدا ما را در برابر گناه عذاب نمی‌کند به آنها بگو عذاب جهنم کافی است به زودی سران کفر آن را روشن می‌کنند چه بد عاقبتی است جهنم (9) ای اهل ایمان در جلسات سری با هم به گناه و تجاوز بر علیه رسول خدا سخن نگوئید یکدیگر را به تقوا و نیکوکاری سفارش کنید از نافرمانی خدائی که عاقبت به سویی او محشور می‌شوید بترسید (10) این جلسات سری راز و نجوا به وسوسه شیطان صورت می‌گیرد تا اهل ایمان را محزون کند اما بدانند که بدون اذن خدا نمی‌توانند ضرری بزنند مومنین نترسند به خدا توکل داشته باشند (11) ای اهل ایمان به کسی که وارد مجلس می‌شود جا بدهید به یکدیگر وسعت بدهید خدا به شما وسعت می‌دهد و اگر لازم بود برای او قیام کنید بپا خیزید این آداب و اخلاق درجات اهل ایمان

و علم را بالا می‌برد خدا به اعمال شما آگاه است (12) ای اهل ایمان اگر خواستید با رسول خدا جلسه خصوصی داشته باشید لازم است پیش از جلسه صدقه‌ای بپردازید رعایت این دستور برای شما بهتر است و اگر مبلغی نداشتید خدا آمرزنده و مهربان است. پاورقی 266 (13) و اکنون که از صدقه ناراحت شدید مانعی ندارد، خدا شما را معاف کرد فقط نماز بپا دارید و زکات بدهید از خدا و رسول اطاعت کنید خدا به اعمالتان آگاه است (14) ببینید بعضی به ظاهر مسلمانند اما ولایت کسانی را می‌پذیرند که مغضوب خداوند آنها نه از شما به حساب می‌آیند نه از آنها منافقند به دروغ قسم می‌خورند با این که می‌دانند (15) خدا برای آنها عذاب سختی مهیا کرده است چه بد می‌کنند که از پشت خنجر می‌زنند (16) تظاهر به مسلمانی را سپر ساخته‌اند تا مردم را گمراه کنند عذابی خوار کننده در انتظار دارند (17) مال و اولاد نمی‌تواند آنها را از دایره تقدیر خدا خارج کند خواهی نخواهی اهل آتشند و در آن جاویدند (18) روزی که خدا آنها را وارد قیامت کند در آنجا هم به دروغ قسم می‌خورند همانطور که برای شما قسم خوردند خیال می‌کنند راه و روش

درستي دارند نمي دانند که عاقبت هيچ و پوچند (19) شياطين آنها را هدف خود ساخته اند ياد خدا را از دل آنها برده اند آنها لشکر شياطين اند و عاقبت بجز خسارت چيزي ندارند (20) کساني که با خدا و رسول دشمني دارند ذليل ترين مردم خواهند بود (21) خدا مقدر کرده است که خودش و پيغمبران پيروز باشند خدا عزيز و مقتدر است (22) ممکن نيست که عده اي با خدا و رسول دوستي داشته باشند و در عين حال با دشمنان خدا رابطه مودت بر قرار کنند گر چه آن دشمنان پدر و فرزند و خویشاوند باشند کساني که در دوستي خود ثابتند خدا دل آنها را به نور ايمان روشن ساخته و نيروي ايمان آنها را تقويت مي کند و عاقبت آنها را به نيرو و قدرتي مجهز مي کند که از آن تجهيزات نعمت خدا مانند نهر جريان پيدا مي کند در آن وضع جاويدند خدا از آنها راضي و آنها از خدا راضيند آنها لشکر خدايند و عاقبت لشکر خدا پيروز است.

سوره حشر

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت کلمه حشر در آن سوره حشر نامیده شده و در معرفی یهودیان مدینه نازل شد که تا توانستند با عهد شکنی و تهییج دشمن رسول خدا را اذیت کردند. پیغمبر مأمور شد آنها را تار و مار کند (1) هر که هست در آسمانها و زمین خدا را تسبیح می‌کند او دانا و توانا است. پاورقی 267 (2) خدا بود که در اولین مرتبه رویارویی یهودیان را از شهر و دیارشان اخراج نمود شما فکر نمی‌کردید به این آسانی خارج شوند و آنها خیال می‌کردند حصن و حصارشان مانع تقدیر خدا می‌شود ولی از جایی که خیال نمی‌کردند در محاصره واقع شدند خداوند ترس و وحشت به دل آنها انداخت به دست خود خانه هایشان را خراب کردند ای بصیرت مندان عبرت بگیرید (3) اگر خداوند جلای وطن برای آنها مقدر نمی‌کرد در دنیا اسیر و ذلیل و در آخرت به عذاب جهنم معذب بودند (4) برای این که آنها خدا و رسول را به زحمت و مشقت انداختند کسی که مانع رواج

دین خدا شود خدا او را سخت کیفر می‌کند (5) ضرباتی که به یهود می‌زنید درخت‌های آنها را قطع می‌کنید و یا وا می‌گذارید به‌اذن خدا است تا خدا قوم فاسق را ذلیل نماید (6) غنائمی که بدون جنگ از آنها به‌دست آمد با غلبه خدا و رسول بود شما مردم جهاد نکردید که حقی داشته باشید خدا رسول خود را بر هرکسی بخواهد مسلط می‌کند خدا به‌هر کاری قادر است (7) غنائمی که با قهر و غلبه بدون جنگ به‌دست می‌آید مخصوص خدا و رسول و ذوی القربی و یتیمان و مسکینان و وا ماندگان در راه مسافرت است نه سرمایه‌ای که بین ثروتمندان دست به‌دست شود آنچه را رسول خدا می‌دهد بگیرید و آنچه نهی می‌کند واگذارید تقوا پیشه کنید که خدا سخت کیفر می‌کند (8) تا آنچه مخصوص رسول است برای کسانی که از شهر و دیار و اموال خود اخراج شدند و در جستجوی رضایت خدا و رسول بودند و خدا و رسول را یاری کردند آنها مسلمانان صادق و صدیقند (9) و یا برای مسلمانانی از اهل مدینه که در دایره اسلام قرار گرفتند مهاجرین را می‌پذیرند و دوست دارند و به آنچه کم و زیاد که از غنائم می‌گیرند اعتراض ندارند با این که

خودشان محتاجند دیگران را مقدم می‌دارند کسی که بخل نفس خود را سرکوب کند رستگار است (10) یا برای مسلمانانی که بعد از آنها می‌آیند برای آنها دعا می‌کنند که پروردگارا ما را و برادران ما را و کسانی که در ایمان به خدا و رسول بر ما سبقت گرفتند پیامرز و در دل مانسبت به آنها غل و غشی قرار مده پروردگارا تو رؤوف و مهربانی (11) منافقین را بشناس آنها وقتی که با برادران خود از اهل کتاب تماس می‌گیرند و می‌گویند اگر با این پیغمبر می‌جنگید ما با شما ایم علیه شما از کسی اطاعت نمی‌کنیم اگر پیغمبر باشما بجنگد شما را یاری می‌کنیم خدا گواهی می‌دهد که دروغ می‌گویند (12) اگر اهل کتاب برای جنگ با شما خارج شوند آنها خارج نمی‌شوند و اگر بجنگند منافقین آنها را یاری نمی‌کنند و اگر هم با آنها وارد جنگ شوند فرار می‌کنند و خدا هم آنها را یاری نمی‌کند (13) منافقین از شما بیشتر می‌ترسند تا خدا خوف از شما در دل آنها بیشتر است زیرا عقل خورا برای خدا شناسی به کار نمی‌گیرند (14) اهل کتاب دسته جمعی با شما نمی‌جنگند مگر از پشت حصارها به شدت از شما وحشت دارند ظاهرا متحدند ولی دل‌هایشان پراکنده

است از نیروی عقل بهره نمی‌برند (15) مانند بنی قینقاع که وبال پیمان شکنی خود را چشیدند و در آخرت هم عذابی دردناک دارند (16) منافقین شیطانند که انسان را تشویق به کفر می‌کنند وقتی که کافر شد می‌گویند از شما بی‌زاریم من از پروردگار عالمیان می‌ترسم (17) در نتیجه عاقبت گول زن و گول خور این است که گرفتار جهنم می‌شوند سزای ظالم بجز جهنم چیزی نیست (18) ای اهل ایمان تقوا پیشه کنید باید هر کدام به ذخیره فردای خود نگاه کنید پرهیزکار باشید که خدایه اعمالتان آگاه است (19) مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند در نتیجه خود را فراموش کردند آنها فاسقند. پاورقی 268 (20) اهل بهشت و جهنم مساوی نیستند اهل بهشت سعادت‌مندند (21) ما اگر این قرآن را برکوهی (یا ابر قدرتی مثل علی ع) نازل می‌کردیم شما می‌دیدید که آن قدرت در برابر خدا خاضع و شکوفا می‌شد ما قرآن را در لباس مثل ذکر می‌کنیم شاید مردم فکر کنند. پورقی 269 (22) خدا کسی است که جز او خدائی نیست عالم به‌غیب و شهود است بخشنده و مهربان است (23) او خدائی است که جز او خدائی نیست پادشاه است قدوس است سالم

ومومن و مشرف به همه کس است عزیز جبران کننده خسارتها بزرگ و با عظمت. منزّه است از شريك و نظير(24) او خدای آفریننده ترقی دهنده و صورت دهنده و دارای بهترین اسمها و هنرها هر که هست در آسمانها و زمین خدا را منزّه از شباهت به خلق می‌داند او غالب و حکیم است.

سوره ممتحنه

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه به مناسبت این که در گزینشها دستور امتحان و آزمایش داده ممتحنه نامیده شده است سلامتی بدنه اجتماع از مسیر امتحان و آزمایش است (1) ای اهل ایمان خود را در دایره ولایت دشمنان خدا و خودتان قرار ندهید آنها را به طمع مودت و اطاعت خود نیندازید با این که می‌دانید کافر به دین خدا شده‌اند دیدید که چگونه شما و رسول خدا را از شهر و دیارتان اخراج کردند اگر شما برای

جهاد در راه خدا قیام کرده‌اید و در این جهاد طالب رضای خدا هستید چه‌طور مخفیانه محبت و مودت خود را به آنها ابلاغ می‌کنید من که خدای شما هستم از اعمال سري و علني شما آگاهم کسانی که چنین هستند بدانند که از راه راست منحرف شده‌اند (2) اگر آنها شما را بشناسند و ببینند عناد خود را نشان می‌دهند به‌جان و مال شما تجاوز می‌کنند و دوست دارند شما را به‌کفر و گناه برگردانند (3) خویشاوندان و فرزندان کافر نفعی به‌حال شما ندارند روز قیامت از شما جدایند رابطه‌ای بین شما و آنها نیست خدا به اعمال شما بصیر و آگاه است (4) شما می‌توانید ابراهیم و امثال او را الگویی خود بشناسید که به اقوام خود گفتند ما از آنچه سوای خدا می‌پرستید بیزاریم بین ما و شما دشمنی تا ابد دایر است مگر که ایمان به‌خدا بیاورید بجز گفته ابراهیم که به‌پدر خود گفت برای تو استغفار می‌کنم اگر به‌کفر ادامه دادي کاری از من برای تو ساخته نیست پروردگارا به‌تو توکل نمودیم و به‌سوی تو رجوع کردیم عاقبت هر کاری به‌تو مربوط است (5) پروردگارا ما را مبتلا به‌راه و روش کفار مکن بینش و دانش ما را بالا ببر تو عزیز و دانا

هستی (6) کسانی که امیدوار به خدا و آخرت هستند می‌توانند اولیای خدا را الگوی اعمال و اخلاق خود قرار دهند و اگر خود رای و خود مختار شدند خدا از آنها بی‌نیاز و پسندیده است (7) شما تظاهر به دشمنی دشمنان خدا کنید مهر و محبت را به خدا واگذارید شاید خدایین شما و آنها محبت به وجود آورد او با رحمت و غفران خود دشمنی را تبدیل به دوستی می‌کند (8) خداوند شما را از تظاهر به دوستی کسانی که با شما جنگیده‌اند و از شهر و دیارتان اخراج نموده‌اند نهی نمی‌کند می‌توانید با آنها رفتار عادلانه داشته باشید خداوند عادلان را دوست دارد (9) فقط شما را از رابطه با کسانی نهی می‌کند که با شما و علیه دین خدا جنگیده‌اند و از شهر و دیارتان اخراج نموده یا کمک در اخراج بوده‌اند مبادا ولایت آنها را بپذیرید کسانی که ولایت آنها را بپذیرند ظالم هستند (10) ای اهل ایمان وقتی که زنان مومنه به کشور اسلامی مهاجرت می‌کنند ابتدا آنها را امتحان کنید اگر معلوم شد که مومند خدا به ایمان آنها داناتر است آنها را به بلاد کفر برنگردانید زیرا آنها برای کفار و کفار برای آنها حلال نیستند آنچه آنها برای زنانشان خرج داشته‌اند بپردازید و مانعی

ندارد که با آنها ازدواج کنید که حق آنها را بپردازید به راه و روش کفار متمسک نشوید آنچه شما در این راهها خرج کرده‌اید یا آنها خرج کرده‌اند از بیت‌المال مطالبه کنید این حکم خدا است که بین شما حکومت می‌کند خدا دانا و حکیم است (11) و اگر از زنان شما کسی به بلاد کفار ربوده شد و تعقیب نمودید مخارج این پی‌گیری را به کسی که در جستجوی آن زن است بدهید تا بتواند همسر خود را برگرداند یا با دیگری ازدواج کند از نافرمانی خدائی که ایمان به او آورده‌اید بپرهیزید (12) ای رسول من وقتی که زنان آمدند با تو بیعت کنند با قبول این شرایط بیعت آنها را قبول کن و برایشان طلب مغفرت نما و آن شرایط این است که کسی را شریک خدا نکنند و دزدی نکنند زنا ندهند و کودک خود را نکشند و فرزند خود را به غیر شوهر نسبت ندهند در اعمال نیک با تو مخالفت ننمایند خدا آمرزنده و مهربان است (13) ای اهل ایمان مبادا ولایت اقوامی را که خدا بر آنها غضب نموده بپذیرید آنها از اجر آخرتی مایوسند همان طور که کافران گورستان مایوس شده‌اند.

این سوره شریفه هم به مناسبت کلمه ^{سوره صف} صف در آن به این اسم نامیده شده است. از صف‌گیری مومنین و استحکام آنها در برابر کفار ^{بسم الله الرحمن الرحيم} خبر می‌دهد (1) هرچه هست در عوالم آسمان و زمین خدا را از شباهت به خود منزّه می‌داند خدا غالب و حکیم است (2) ای اهل ایمان چرا سخنی می‌گوئید یا ادعائی دارید که خودتان به آن عمل نمی‌کنید (3) گناه بزرگی نزد خدا است که بگوئید و عمل نکنید (4) خداوند کسانی را که در راه خدا جهاد می‌کنند وصفی تشکیل می‌دهند که در استحکام مثل بنا بر مبنای سرب و آهن است

دوست دارد (5) موسی به قوم خود گفت چرا مرا اذیت می‌کنید باین که می‌دانید پیغمبر خدا به سویی شما می‌وقت می‌دهد که از قبول دین حق منحرف شدند قلب آنها هم به انحراف کشیده شد خداوند فاسق و فاجر را هدایت نمی‌کند (6) و عیسی ابن مریم به بنی اسرائیل گفت من رسول خدا به سویی شما می‌دهم تورات موسی را قبول دارم و شما را به ظهور پیغمبر دیگری بعد از خود مژده می‌دهم که نامش احمد است وقتی که آن پیغمبر ظاهر شد گفتند ساحر است و منکر شدند (7) چه کسی ظالم تر است از کسی که به خدا دروغ می‌بندد باین که به دین اسلام دعوت می‌شود خدا ظالم را هدایت نمی‌کند (8) می‌خواهند با این دروغ گویی‌ها نور دین خدا را خاموش کنند باین که خدا نور دین خود را کامل خواهد کرد گرچه خلاف رای مشرکین باشد (9) خداوند رسول خود محمد را با هدایت و دین حق فرستاد تا دین خود را بر همه ادیان غالب کند گرچه مشرکین را خوش نیاید (10) ای اهل ایمان دوست دارید شما را به تجارتي دعوت کنم که شما را از عذاب دردناک نجات می‌دهد (11) ایمان به خدا و رسول بیاورید و با جان و مال خود در راه خدا جهاد کنید که این

سرمایه گذاری برای شما بهتر است اگر بدانید (12) نتیجه تجارت این است که خدا شما را رشد می‌دهد و به علم و قدرتی می‌رساند که از آن نعمت و ثروت مانند نهر جریان پیدا می‌کند. مساکن پاک و زیبای بهشت پر نعمت و برکت که سود این تجارت است سعادت بزرگ است (13) و به شما وعده دیگری می‌دهد که آنرا دوست دارید یعنی نصرت خدا و فتوحاتی که به دست شما واقع می‌شود. اهل ایمان به این فتح و ظفر بشارت‌مند باشند (14) ای اهل ایمان همه‌تان از یاران خدا باشید همانطور که عیسی ابن مریم به حواری خود گفت چه کسی ما را در خط حرکت به سوی خدا همراهی می‌کند حواریون گفتند ما یاران خدائیم طایفه‌ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و طایفه دیگر کافر شدند ما طایفه مومن را بر دیگران پیروز کردیم.

سوره جمعه

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت این که روز جمعه قرائت می‌شود جمعه نامیده شده است. مطلب مهم این سوره غیر از معارف عالی مثل زیبایی است که خدا برای دین داران بدون انتفاع می‌زند و آنها را به حماری تشبیه می‌کند که کتاب حمل می‌کند (1) آنچه در آسمان‌ها و زمین است خدا را از شباهت به خود منزه می‌داند خدائی که پادشاه است پاك و مقدس است نفوذناپذیر و دانا است (2) او خدا است که در میان اهل مکه پیغمبر خود را مبعوث کرد رسولی از خودشان تا آیات خدا را بر آنها تلاوت کند آثار کفر و گناه از آنها بزدايد و علم و حکمت به آنها بیاموزد گرچه پیش از این بعثت گمراه بوده‌اند (3) و برای آیندگان که هنوز به دنیا نیامده‌اند خدا غالب و حکیم است (4) این بعثت و تربیت لطف خداوند متعال است که به هرکسی بخواهد می‌دهد لطف خدا بی‌نهایت است (5) کسانی که کتاب دینی تورات به آنها تحمیل شده و در علم و عمل پذیرفته‌اند مانند حماری هستند که کتاب حمل می‌کند چه بد نمونه هائی دارند کسانی که آیات خدا را تکذیب می‌کنند خدا قوم ظالم را هدایت نمی‌کند (6) بگو ای یهودیان اگر فکر

می‌کنید که فقط شما دوستان صمیمی خدا هستید پس مرگ خود را که راه ملاقات با خداست آرزو کنید اگر راست می‌گوئید (7) با این که به دلیل سابقه کفر و گناه هرگز چنین آرزویی نمی‌کنید خدا خود ستم‌کاران را می‌شناسد (8) به آنها بگو مرگی که از آن فرار می‌کنید شمارا فرا می‌گیرد و به دایره حکومت خدا که عالم غیب و شهود است انتقال می‌دهد و خدا شما را به اعمالتان آگاه می‌کند (9) ای اهل ایمان وقتی که مؤذن شمارا به نماز روز جمعه صدا می‌زند به مرکز یادآوری خدا بشتابید و کارو کاسبی را رها کنید این اجتماع از منافع دنیائی بهتر است اگر بدانید (10) بعد از خاتمه نمازکار خود را دنبال کنید و روزی خدا را بدست آورید به یاد خدا باشید تا رستگار شوید (11) بعضی چنان حریصند که در حال نماز وقتی صدای تجارت یا طبل و دنگ می‌شنوند به طرف صدا می‌دوند تورا تنها می‌گذارند به آنها بگو لطف خدا از تجارت و بازی بهتر است خدا بهترین روزی دهندگان است.

سوره منافقین

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه هم در تعریف منافق نام گذاری شده. نفاق بزرگترین مرض روانی است که مردم را در دنیا به هرج و مرج و در آخرت به جهنم می کشاند (1) ای رسول خدا وقتی منافقین به حضور می رسند و می گویند شهادت می دهیم که تو رسول خدائی خدا برسالت تو گواهی می دهد و خدا گواهی می دهد که منافقین دروغ می گویند (2) تظاهر به مسلمانی را سپر قراردادده اند تا در پناه آن مردم را از راه خدا باز دارند چه بدکاری است عمل منافق (3) مرض روانی از این جا است که ضمن تظاهر به ایمان در خط کفر فعالیت دارند هدف های دنیائی حجاب شعور ایمانی آنها شده عقل و ادراکات آنها تعطیل می شود (4) وقتی به آنها نگاه می کنی از تظاهر آنها تعجب می کنی و وقتی حرف می زنند خوب گوش می دهی مانند ستون تکیه گاهی به اطاعت ایستاده اند

آنچه می‌شنوند به‌ضرر خود می‌دانند از آنها بر حذر باش آنها دشمن واقعی هستند خدا آنها را بکشد تا کجا پرت شده‌اند (5) اگر مسلمانان به آنها بگویند بیائید از رسول خدا التماس دعا کنید سر خود را به بی‌اعتنائی می‌چرخانند (که چه حرف‌ها) تکبر آنها را فرامی‌گیرد مردم را از ارتباط به رسول خدا باز می‌دارند (6) تو برای آنها دعا کنی یا نکنی مساوی است خدا هرگز از گناه آنها نمی‌گذرد خدا فاسق را هدایت نمی‌کند (7) به مردم سفارش می‌کنند که به سازمان اسلامی کمک نکنید تا از اطراف رسول خدا پراکنده شوند با این که خزائن آسمان‌ها و زمین در اختیار خداست منافق شعور خداشناسی ندارد (8) در جلسات خارج شهر می‌گویند که اگر به مدینه برگردیم عزیزترین ما ذلیل‌ترین را بیرون می‌کند نمی‌دانند که عزت مخصوص خدا و رسول و مومنین است منافقین این عزت را نمی‌فهمند. پاورقی 270 (9) ای اهل ایمان مال و اولاد شمارا از دین خدا و یادآوری او باز ندارد کسی که در چنین غفلتی قرار گیرد زیاد خسارت می‌برد (خسارت نفسانی که انسان منهای انسانیت است) (10) پیش از آن که مرگ فرارسد در تقویت دین خدا سرمایه گذاری کنید

مبادا دم مرگ از شدت حسرت بگوئید خدایا مرگ ما را به تاخیر بیاورد تا صدقه بدهیم و عمل صالح انجام دهیم (11) با این که ساعت مرگ تاخیر ندارد خدا به اعمالشان آگاه است.

سوره تغابن

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه از غبن انسانها در زندگی آخرت خبر می‌دهد. ضررهای آخرت روانی و وجودی است مانند تفاوت انسان و حیوان. کفار و گناهکاران در زندگی آخرت بدون این که مسخ شوند در برابر عزت و عظمت نیکان نمایش حیوانی دارند. خداوند قیامت را یوم الحسرت نامیده است (1) آنچه در زمین و آسمان است خدا را از شباهت وجودی و ماهیتی به خود منزّه می‌داند پادشاهی و ستایش حمد

مخصوص او است او به هرکاري قادر و توانا است (2) او شمارا در خلقت یکسان آفرید و در مسیر تربیت بعضي مومن و بعضي کافرند خدا به اعمالتان آگاه است (3) آسمان و زمین را به حق آفرید و شمارا با بهترین صورت مهندسي نمود و آخرین تحول شما دایره ولایت او است (4) آنچه هست در آسمان و زمین مي داند و آنچه مخفي و يا آشکار کنید مي داند خداوند به افکار و نیتها آگاه است (5) مگر داستان گذشتگان که کافر بودند به شما نرسید که چگونه وزر و وبال کفر و گناه خود را چشیدند و عذاب الیم آخرت براي آنها باقی مانده است (6) این عذابها نتیجه کفر است که پیغمبران با دلائل و معجزات به سراغ آنها رفتند تا آنها را از ظلم بازدارند آنها اعراض نموده مسخره کردند که او چه کاره است خدا آنها را به خود واگذار کرد خدا غني و حمید است (7) کفار خیال مي کنند که هرگز بعد از مرگ زنده نمی شوند بگو آری به خدا قسم زنده و از اعمالتان با خبر خواهید شد حیات دوباره شما بر خدا آسان است (8) پس بهترین است که ایمان به خدا و رسول و انوار روشن ولایت که با او نازل کردیم بیاورید خدا به اعمالتان آگاه است (9) روزی که تمامی بشریت را یکجا جمع کند آن روز

روز غبن و ضرر است اما کسی که ایمان به خدا بیاورد و عملش صالح باشد خدا تیرگی‌های گناه او را می‌زداید و او را به علم و قدرتی می‌رساند که از آن نهر نعمت و رحمت جاری می‌شود و در آن وضع تا ابد زندگی می‌کند این است فوز عظیم (10) و اما کسانی که کافر به خدا می‌شوند و آیات ما را تکذیب می‌کنند چه بد آینده‌ای دارند که تا ابد در جهنم حبسند (11) هر مصیبتی که به کسی می‌رسد به اذن خدا می‌رسد هر کس ایمان به خدا بیاورد قلبش روشن می‌شود خدا به هر چیزی دانا است (12) از خدا و رسول اطاعت کنید و اگر نافرمانی کردید وظیفه رسول ما فقط تبلیغ است (13) خدا کسی است که بجز او خدائی نیست اهل ایمان به خدا توکل داشته باشند (14) ای اهل ایمان گاهی زن و بچه شما دشمن شما هستند شما را گمراه می‌کنند از آنها بر حذر باشید البته عفو و گذشت پیشه شما باشد اگر از گناه آنها بگذرید خدا آمرزنده و مهربان است (15) مال و اولاد فتنه و امتحان است اگر هدف‌تان در زندگی رضای خدا باشد اجر شما بی‌نهایت است (16) آن قدر که می‌توانید تقوا را رعایت کنید بشنوید و اطاعت کنید از اعمال نیک

برای آخرت سرمایه گذاری نمائید کسی که بخل روانی خود را مهار کند و خدمت نماید رستگار است (17) اگر از مال خود به خدا قرض الحسنه بدهید (انفاق کنید) خدا چند برابر به شما برمیگرداند خدا حلم دارد عمل شما را منظور دارد (18) او عالم به غیب و شهود است او دانا و توانا است.

سوره طلاق

بسم الله الرحمن الرحيم

بیشتر آیات این سوره مربوط به طلاق است لذا آنرا سوره طلاق گفته‌اند اگر سوره مائده را که اوفو بالعقود دارد سوره عقد می‌نامیدند مناسب بود (1) ای رسول من وقتی بخواهید همسر خود را طلاق بدهید طلاق مشروط به عده است شماره ایام عده را داشته باشید از نافرمانی خدا بپرهیزید در مدت عده

آنها را از خانه خود اخراج ننمائید آنها هم خارج نشوند مگر که رابطه نامشروعی از آنها ثابت شود این احکام حدود الهی است کسی که از حدود خدا تجاوز کند به خود ستم کرده است شما چه می‌دانید شاید در مدت عده تقدیر خدا عوض شود و به زندگی برگردند (2) وقتی که عده مقرر سرآمد یا او را به حسن اخلاق و رفتار به زندگی برگردانید و یا با رعایت حقوق متعارف ضمن احسان از آنها جدا شوید دو نفر عادل شاهد طلاق باشند و آن دو برای خدا شهادت را رعایت نمایند خدا کسانی را به این احکام موظف می‌کند که ایمان به خدا و آخرت دارند کسی که تقوای الهی را رعایت کند خدا راه نجات برای او مقدر می‌کند (3) و از راهی که حساب نمی‌کند روزی او را می‌رساند کسی که به خدا توکل کند خدا او را کفایت می‌کند خدا آنچه مقدر می‌کند به ثمر می‌رساند و لاکن اجرای تقدیر مدتی لازم دارد (4) عده زنانی که یائسه‌اند و یا زنانی که در سن عادتند و عادت نمی‌شوند سه ماه است و عده زنان حامله وضع حمل است کسانی که تقوا را رعایت کنند خدا مقدرات آنها را آسان می‌کند (5) این احکام فرامین الهی است که به سویی شما نازل شده کسی که

تقوا را رعایت کند خداوند نواقص و جودی او را بر طرف نموده و او را به کمال می‌رساند (6) زنان مطلقه را در وضعیت مناسب خود سکنا بدهید مبادا با ایذاء و اضرار آنها را در مضیقه قرار دهید اگر حامله باشند تا زمان وضع حمل مخارج آنها را بدهید و بعد از وضع حمل اگر مایل شدند بچه را حضانت کنند نفقاتشان را بپردازید در اداره کودک با هم مشورت کنید اگر غیر متعارف شما را در عسرت انداختند دیگری را اجیر کنید (7) ثروتمندان برابر ثروت خود زنان را اداره کنند و آنها که فقیرند برابر استعداد خود خدا هر کسی را برابر استعداد او مکلف می‌کند خداوند بعد از فرسایش آسایش به وجود می‌آورد (8) چه قدر زیاد شهرو روستا که از اطاعت سر پیچیدند خدا سخت به حساب آنها رسید و شدیداً آنها را عذاب نمود (9) و بال کفرو گناه خود را چشیدند و عاقبت کار بجز خسارت چیزی نبود (10) برای آنها عذابی سخت مقدر کرد ای خردمندان از مخالفت خدا بترسید خدایی که قرآن صامت و ناطق برای شما نازل کرد (11) رسولی که آیات روشن الهی را برای شما تلاوت می‌کند تا اهل ایمان و عمل صالح را از تاریکی جهل برهاند و به علم و دانش برساند کسی که

ایمان به خدا آورد و عملش صالح باشد خدا او را در آخرت به علم و قدرتی می‌رساند که از آن نهر حیات جاری شود و تا ابد در آن زندگی باقی است و روزی مادی و معنوی به او می‌رساند (12) خدائی که هفت آسمان و زمین به صورت طبقات داخل یکدیگر آفرید و فرمان خود را به داخل طبقات نازل کرد تا شما بدانید او به هر کاری توانا است و علم او به همه کس و همه چیز محیط است (کلاس‌های تکاملی هم تا کمال مطلق هفت طبقه است).

سوره تحریم

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه به مناسبت این که رسول خدا رابطه خود را با بعضی از زوجات خود تحریم کرده بود تحریم نامیده شد (1) ای رسول خدا چرا ارتباط با همسری را که خدا برای تو حلال کرده است برای جلب رضایت بعضی از زوجات دیگر بر خود حرام می‌کنی خدا آمرزنده و مهربان است (2) و اگر هم قسم خورده‌ای خدا راه حلیت از قسم را به شما

آموخته است خدا مولاي شما است خدا حکيم و دانا است (3) رسول خدا مطالبي مربوط به خلافت به بعضي زنان خود گفت و قول گرفت که به کسي نگويد وليکن آن زن سر پيغمبر را به ديگري گفت و خداوند به رسول خود خبر داد که سر خلافت فاش شده است و حضرت به آن زن اعتراض کرد که چرا سر رسول خدا را افشا نموده او بعضي ايرادات را قبول و بعضي را منکر شد و ليکن رسول خدا تمام خصوصيات افشاگري را خبر داد و آن زن تعجب کرد که چه کسي به شما خبر داده گفت خدای دانا و آگاه به من خبر داد (4) اگر شما دو نفر از اعمال عليه خلافت توبه کنید قلب شما به حق گرايش پيدا مي کند و اگر بر عليه اين مقام همکاري کنید مانعي ندارد خدا و جبرائيل و مومنين صالح ولايت او را تقويت مي کنند و بعد فرشتگان کمک او هستند تا مقامش را به ثمر برسانند (5) اگر رسول من شما را طلاق دهد شايد خدا زناني بهتر از شما نصيب او کند مسلمان مومنه متوجه به خدا عابده و متفکره توبه کارباکره ويا شوهر ديده باشد (6) اي اهل ايمان خود و خانواده خود را از آتشي که بر افروزنده آن انسان و سنگ است حفظ کنید آتشي است مسخر

فرشته های خشن و شدید که نافرمانی خدا نمی‌کنند و ماموریت خود را بجا می‌آورند. پارقی 271 (7) ای کافران لازم نیست امروز معذرت خواهی کنید آتشی است که خود ساخته‌اید، به عمل خود مجازات می‌شوید (8) ای اهل ایمان يك چنان توبه‌ای داشته باشید که برای همیشه شما را از گناه باز دارد شاید با این توبه خداوند تیرگی گناه را از قلب شما بزدايد و شما را به بهشتي ببرد که در آن نهرهاي ثروت و نعمت جریان دارد در آن روزي که خدا رسول خود و همراهان او را واگذار نمی‌کند نور ایمان و علمشان همه چیز را از روبرو و طرف راست به آنها نشان می‌دهد می‌گویند پروردگارا علم ما را کامل کن و به ما عقل و استعداد بده تو به هر کاری توانا هستی (9) ای پیغمبر باکفار و منافقین جهاد کن بر آنها سخت بگیر که جای آنها عاقبت جهنم است چه بد عاقبتی است نتیجه کفر و نفاق (10) خداوند برای شما زنان بد و خوب زنان نمونه‌ای از گذشتگان یاد آوری می‌کند نمونه بد، زن نوح و زن لوط که همسر دو نفر از بندگان صالح ما بودند به آنها خیانت کردند و شوهران نتوانستند آنها را از نتایج خیانت حفظ کنند عاقبت با دیگران امثال خود به جهنم کشیده شدند

(11) و برای اهل ایمان هم دو نفر زن خوب را نمونه می‌آورد زن فرعون که از شوهر ظالم متنفر شد عرض کرد پروردگارا در بهشت برای من خانه‌ای بساز و مرا از شر فرعون و عمل او و از شر ظالمین نجات بده (12) و هم چنین مریم دختر عمران که خود را در حصار عفت قرار داد و ما به رحم او حیات دادیم کتاب خدا و وعده خدا را در قبول فرزند بدون شوهر تصدیق کرد و از بندگان عابد خدا بود.

سوره تبارک

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه هم به مناسبت کلمه ملك سوره ملك نامیده شده. مندرجات این سوره شریفه هم از عجایب معجزات است (1) خدائی که پادشاهی به دست او است برکت مند است و به هر کاری توانا است او آمرزنده و عزتمند است (2) خدائی که موت و حیات آفرید تا در این دایره شما را بیازماید و معلوم شود عمل کدام يك از شما نیکوتر است (3) کسی که آسمان را به صورت هفت طبقه داخل یکدیگر قرار داد در آفرینش خدا نقص و کسری قابل رویت نیست درست دقت کن آیا عیبی مشاهده می‌کنی (4) باز هم بینش خود را تکرار کن نتیجه مطالعه ات بجز حسرت چیزی نخواهد بود (که نمی‌توانی ایرادی بگیری) (5) ما آسمان را به ستارگان و فضایی دین را به دانشمندان زینت دادیم علمای مکتب را عامل طرد و رجم شیاطین نموده عذاب جهنم را برای آنها آماده نموده‌ایم (6) عاقبت کسانی که کافر به خدا شده‌اند آتش جهنم است چه نتایج بدی از حرکت آنها پیدا می‌شود (7) در آن عذاب چه شهقه‌ها و وزوزه‌ها می‌زنند و آن آتش دائم در فوران است (8) از شدت غیظ و غضب هر چیزی راپاره پاره می‌کند به هر گروهی که وارد جهنم

می‌شوند می‌گویند مگر پیغمبران شما را از چنین روزی برحذر نداشتند (9) می‌گویند چرا به ما هشدار دادند ما آنها را تکذیب نمودیم گفتیم خدا حکمی نازل نکرده شما خیالاتی و گمراهید (10) ما اگر از شنوایی و عقل خود بهره می‌گرفتیم به چنین عذابی مبتلا نمی‌شدیم (11) به‌گناه خود اعتراف می‌کنند نابود شوند اهل جهنم (12) اما کسانی که عظمت خدا را در غیب عالم درک می‌کنند لطف خدا شامل حال آنها شده و اجر بزرگی دارند (13) شما اگر سرو نجوایی یا پنهان آشکا را حرف بزنید خدا می‌داند (14) چطور می‌شود آفریدگان خود را نشناسد با این‌که به‌همه کس و همه چیز محیط است (15) او کره زمین را برای شما رام و آرام آفرید در اطراف آن حرکت کنید از روزی‌ها استفاده نمائید عاقبت به‌سوی خدا می‌روید (16) برای امنیت خود از خدا چه سندی دارید شاید زمین شمارا ببلعد زمین دائم در موجان است (17) یا مگر امنیت دارید شاید شما را سنگ باران کند به‌زودی قدرت خدا را خواهید شناخت (18) گذشتگان آنها هم قدرت خدا را تکذیب نمودند ببینید عذاب خدا چه‌طور بود (19) قدرت و صنعت خدا را در پرواز پرندگان مشاهده کنید بعضی بال می‌زنند و بعضی بال

می‌اندازند بجز خدا کسی آنها را نگه نمی‌دارد خدا به همه چیز بصیر و آگاه است (20) یا شاید خیال می‌کنید همین لشکر شما بدون اذن خدا شمارا یاری می‌کند کفار در غفلت و غرور به سر می‌برند (21) یا اگر خداوند متعال شما را روزی ندهد کیست که روزی شمارا برساند کفار به لجاجت و سرکشی اصرار دارند (22) شما بگوئید کسی که به رو در زمین می‌خزد بهتر هدایت می‌شود یا راست قامتی که می‌بیند و در راه راست حرکت می‌کند. پاورقی 272 (23) بگو او خداست که شما را آفریده و به شما بینائی و شنوائی و دانائی داده است چرا لطف خدا را منظور نمی‌دارید (24) خدا است که شمارا از آب و خاک زمین بر آورده و عاقبت به دایره حکومت او خواهید رفت (25) می‌پرسند وعده خدا کی است وقت آنرا معین کنید اگر راست می‌گوئید (26) بگو علم به وقت آن مخصوص خداست من فقط شما را هدایت می‌کنم و از عذاب آن روز بر حذر می‌دارم (27) وقتی ببینند که قیامت به نمایش در آمده چهره کفار در اثر جرم و گناه سیاه می‌شود می‌گویند این همان قیامتی است که آنرا تکذیب نمودید (28) بگو مرا آگاه کنید که اگر خدا مرا و همراهان مرا از میان

شما ببرد چه کسی می‌تواند کفار را از عذاب دردناک دنیا و آخرت پناه دهد (یعنی فقط دین من پناه گاه شماست) (29) او بخشنده مهربان است به او ایمان داریم و او را وکیل خود می‌دانیم به‌زودی گمراهان را مشخص خواهد نمود (30) بگو اگر آب حیات (علوم و معارف ولایت شما) فروکش کند چه کسی قدرت دارد دو مرتبه آن معارف حیات بخش را به شما برگرداند (معارف قرآن و مقام ولایت در اباطیل و خرافات مستهک می‌شود و دو مرتبه امام زمان آنرا تجدید می‌کند).

سوره قلم

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه به‌مناسبت استعمال کلمه قلم به این نام نامیده شده و ارتباط قلم با جنون به این مناسبت است که انسان کامل در قضاوت جهل جهال دیوانه شناخته می‌شود که از هدف خلقت بی

خبرند و علاوه قلم است که منشاء پیدایش بهشت و یا جهنم می‌شود (1) قسم به حروف کتابت و قلم و نوشتجات (2) تو به لطف خدا در قضاوت علم و قلم دیوانه نیستی (3) و تو در آینده اجر و مزدی بدون منت خواهی داشت (4) اخلاق انسانی تو عظیم و بی‌نهایت است (5) به زودی تو می‌دانی و آنها هم خواهند دانست (6) که کدام یک از شما فریفته مال و مقام هستید (حضرت را متهم کردند که مفتون عترت و دختر خود زهر است خداوند فرمود آنها مفتون دنیاوند) (7) خدا گمراهان از خط ولایت و هدایت یافتگان را بهتر می‌شناسد (8) از کسانی که رسالت و ولایت را تکذیب می‌کنند اطاعت مکن (9) دوست دارند که به دین و ولایت بی‌اعتنا باشی تا آنها بیشتر بی‌اعتنائی کنند (10) همین طور از کسانی که نام خدا را خوار نموده و بسیار قسم می‌خورند پیروی مکن (11) مسخره کن و فعال برای نمایی و سخن چینی هستند (12) مانع کارهای خیر تجاوزگر و گناهکار (13) بی‌شرم و حیا و با همه این‌ها زنازاده و متکبر (14) که دارای مال و اولاداند (15) وقتی که آیات ما را می‌شنود گردن می‌چرخاند که افسانه‌های قدیم است (16) به زودی دماغ پر تکبر او را تبدیل

به خرطوم فیل می‌کنیم تا شناخته شود (17) ما امت تو را مانند باغدارانی که داستان آنهارا می‌گوئیم آزمایش می‌کنیم آنها قسم خوردند که فردا میوه باغ پدر خود را می‌چینیم (18) به خود گزیدند و انشاء الله نگفتند (19) شب هنگام که به خواب رفته بود باغ آنها در محاصره نابودی واقع شد (20) و چنان شد که گوئی میوه‌ای نداشت (21) فردا صبح آماده شدند که میوه باغ را بچینند (22) یکدیگر را صدا زدند و به سوی باغ رفتند (23) مخفیانه بدون سرو صدا به طرف باغ رفتند (24) که مبادا فقرا مطلع شوند و میوه‌ای مطالبه کنند (25) شتاب زده حرکت کردند با اطمینان که میوه‌ها را می‌چینند (26) به ناگاه با باغ سوخته‌ای روبه‌رو شدند گفتند شاید اشتباهی آمده‌ایم (27) نه اشتباهی نیامده‌ایم بلکه محروم شده‌ایم (28) برادری که عاقل‌تر بود گفت به شما نگفتم چرا تسبیح نگفتید و شکر خدا را بجا نیاوردید (حق فقر را نادیده گرفتید) (29) بعد از احساس ضرر گفتند سبحان الله که ما ظالم بودیم (30) در رو یکدیگر را ملامت می‌کردند (31) اعتراف کردند که متجاوز و طغیان گریه‌ایم (32) شاید لطف خدا دو مرتبه ما را فرا گیرد که ما به سوی خدا گرایش نمودیم (33) عذاب

دنیا چنین است ولی عذاب آخرت بزرگ تراست اگر کیفیت آنرا بدانند (این داستان هشداري براي مسلمانان است که از باغ پر میوه اسلام استفاده کردند و صاحبان اصلي آنرا فراموش نمودند) (34) پرهیزکاران در تقدیر خدا باغ‌هائي پراز نعمت و ثروت دارند (35) مگر می‌شود که تقدیر نامه مسلمان مانند مجرم و گناهکار باشد (36) شما چطور قضاوت می‌کنید (37) کتابي دارید که بخوانید و بدانید (38) که قضاوت با شماست هر چه بگوئید چنان خواهد شد (39) یا عهد و پیماني تا روز قیامت با ما دارید که هر چه بخواهید چنان باشد (40) از آنها بپرس کدام يك زعيم يك چنین معاهداتي هستند (41) یا شاید شريك خدايند اگر راست می‌گویند شرکاي خود را بیاورند (42) فرداي قیامت که حقيقت‌ها کشف است دعوت به تسلیم می‌شوند ولی از نظر رواني آمادگي ندارند (43) ذلت و خواري آنها را فرا می‌گیرد چشمشان در نهایت خشوع است در دنیا دعوت به تسلیم شدند که سالم بودند (44) مقدرات کسانی که این قرآن را تکذیب می‌کنند به من واگذار کن آرام آرام از جائي که نمی‌دانند گرفتارشان خواهم نمود (45) در دنیا به آنها مهلت می‌دهم سیاست من حکیمانه است

(46) مگر از آنها اجري مي‌طلبي که از پرداخت آن عاجزند (47) يا علم دارند که آنچه مي‌دانند و مي‌نويسند درست است (48) در اجرائي حکم خدا استقامت کن مانند يونس مباحث که در زندان تاريک شکم نهنگ به خدا ناليد و مورد ملامت بود (49) اگر لطف خدا او را فرا نمي‌گرفت در همان بيابان رها شده و مستحق ملامت بود که از امت خود فاصله گرفت (50) و ليکن خدا او را به شغل نبوت برگردانيد و از بندگان شايسته خود قرار داد (51) کفار از شدت حسد چنانند که وقتي قرآن را مي‌شنوند مي‌خواهند تورا با چشم خود محو کنند مي‌گويند او ديوانه است (52) با اين که او پيغمبري است شناختني براي عالميان.

سوره الحاقه

بسم الله الرحمن الرحيم

کلمه حاقه از ماده حق يعني حادثه واقع شدني است چنان که مي‌فرمايد ليس لوقعتها كاذبه (1) حقيقتي

است واقع شدني (2) چيست آن حقيقت (ظهور دولت حق) (3) تو آيا مي داني آن حقيقت چيست (4) قوم عاد و ثمود اين حادثه را تكذيب كردند (5) قوم ثمود بايك حادثه طغيان گر نابود شدند (6) و اما قوم عاد با طوفان شديد (7) كه آن طوفان هفت شب و هشت روز بر آنها وزيد و آنها را چنان كرد كه گوئي چون درخت خرما كنده شده بودند (8) آياكسي از آنها بجا مانده است (9) بعد از آنها قوم فرعون و اقوام مشرك ديگر آمدند و تبه كار بودند (10) از اطاعت پيغمبران سرکشيدند خدا آنها را به شدت نابود كرد (11) و آنجا كه طوفان نوح طغيان كرد ما شما نوع بشر را باكشتي نجات داديم (12) تا اين كشتي و طوفان شما را به ياد عظمت خدا بيندازد البته گوشه هاي شنوا حقيقت را درك مي كنند (13) زماني كه نفخه (مرگ) اول دمیده شود (14) در اين آخر زمان زمين و كوهها (ملتها و ابر قدرتها) يكجا كوبيده مي شوند (15) در اين زمان قيامت واقع مي شود (قيام امام زمان افتتاح قيامت است) (16) فضاي دين و ولايت شكوفا مي شود حقايق آن سهل و آسان در اختيار مردم قرار مي گيرد (17) فرشتگان را مي بينند كه چگونه محيط به

آفرینش هستند عرش خدا که حاملین علم خداوند در مراتب هشتگانه (از بندگی ساده تا ولایت مطلقه) زیر سایه حکومت خدا قرار می‌گیرند. پاورقی 273 (18) در این موقع اولین و آخرین در پیشگاه الهی عرضه می‌شوند کسی در دل خاک نمی‌ماند (19) در این جا کسانی که در صداقت و امانت بوده‌اند صدا می‌زنند ببینید حال ما چقدر خوب است (20) من معتقد بودم که به‌لقالله خواهم رسید (21) چنین افرادی در يك زندگي گوارا و مطلوب واقع می‌شوند (22) در بهشت‌ها و درجات عالی مجهز به علم و قدرت الهی (23) شاخه‌ها و میوه‌های شجره ولایت به آنها نزدیک است (24) بخورید و بیاشامید گوارایتان باد نتیجه اعمال شما است که انجام داده‌اید (25) و اما کسانی که در کذب و خیانت بوده‌اند ناراحتند که‌ای کاش چنین روزی رانديده بوديم (26) و نمی‌دانستیم که نتایج اعمال ما چیست (27) ای کاش زندگي ما با مرگ خاتمه یافته بود (28) از مال و ثروت خود سودي نبردیم (29) قدرت زندگي از دستم رفت (30) اورا بگیريد به غل و زنجير بکشانيد (خاصیت روانی گناه غل و زنجیر است) (31) اورا در خط جهنم ساري و آتش بر افروزي رها

کنید(32) در سلسله زنجیری که هفتاد ذرع است به خط جهنم بکشانید (درکات تنزل از کفر تانفاق کامل هفتاد درک است) (33) اوکسی بود که به خدای عظیم ایمان نداشت (34) گرایشی و اقدامی به کمک فقرا نداشت (35) قهرا در این جا دوست مهربانی ندارد (36) و غذائی بجز چرک و کثافت نیست (مال حرام خون دل مردم است) (37) آن غذاها مخصوص خطا کاران است (38) قسم به آنچه می بینید و می دانید (39) و قسم به آنچه نمی بینید و نمی دانید (40) که این قرآن علم و عقیده این رسول بزرگوار است (41) گفته شاعرها نیست کمی از شما ایمان می آورید (42) گفته جادو گر و کاهن هم نیست خیلی کم درک می کنید (43) کتابی است که از جانب پروردگار نازل شده (44) اگر کسی گفته ای را خلاف حقیقت به مانسبت دهد (45) به دست قدرت خود او را می گیریم (46) و رگ حیات او را قطع می کنیم (47) هیچ کس نمی تواند مانع انتقام ما و مدافع او باشد (48) این قرآن برای اهل تقوا پند و اندرز است (49) می دانیم که بعضی از شما آنرا تکذیب می کنند (50) و برای کفار مایه حسرت و ندامت است

(51) مندرجات آن حقیقت یقین است (52) به هدایت اسم پروردگارت او را تسبیح کن.

سوره معارج

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه به مناسبت تکامل روحی و علمی انسانها در قیامت معارج نامیده شده است. دوره قیامت پنجاه هزار سال است که در آن تمامی افراد بشر به تکامل می‌رسند (1) سئوال‌کننده‌ای عذاب حتمی کفر و گناه خود را تقاضا نمود (2) عذابی که دفع آن از کفار ممکن نیست (3) این عذاب از جانب خدای تکامل بخش مقدر است نتیجه کفر و گناه است (4)

فرشتگان همراه روح تکامل پذیری انسان در مدت پنجاه هزار سال به سوی خداعروج می‌کنند. پاورقی 274 (5) توای پیغمبر همراه این امت تا انتهای تکامل خیلی زیبا صبر کن (6) مردم قیامت رادور می‌بینند می‌گویند میلیون‌ها سال تا خرابی کل عالم (7) و ما می‌دانیم که خیلی نزدیک است فقط بعد از مرگ (8) روزی که استعداد و فکر بشر مانند مس گذاخته حرارت گیرد (9) و پشم ابرقدرت‌ها زده شود (رابطه مردم از آنها قطع شود) (10) دوستان از یکدیگر مسئولیتی نمی‌پذیرند (11) زیرا همه یکدیگر را به محکومیت می‌شناسند مجرم حاضر است فرزندان خود را فدا دهد (12) یا همسر و برادرش را (13) یا فرزندی که در دامن دارد (14) یا آنچه در زمین است فداهدتا نجات پیدا کند (15) نه، خبری نیست آن شعله آتش است (16) تن را بریان و پاره می‌کند (17) هرکس را که از آن فرار کند به سوی خود می‌کشد (18) کسی را که جمع کرد و ذخیره نمود (19) انسان بر پایه خلقت خود حریص است (20) بلائی که به او می‌رسد جزع می‌کند (21) و ثروت که به او می‌رسد منع می‌کند (22) مگر اهل نماز و مکتب ولایت (23) کسانی که دائم با خدای خود رابطه

دارند(24)حق فقرا را در مال خود رعایت می‌کنند(25)به سئوال کنندگان و محرومین می‌رسند (26)و کسانی که روز حاکمیت دین را تصدیق می‌کنند (27)یا کسانی که از عذاب قیامت ترسانند (28)کافر و مجرم از آن عذاب در امان نیست (29)یا کسانی که عورت و عفت خود را حفظ می‌کنند (30)مگر رابطه بازن و کنیزان که ملامت ندارد (31)کسی که جز با زن مشروع خود رابطه پیدا کند متجاوز است (32)یا کسانی که امانات و پیمان خود را رعایت می‌کنند (33)و یا کسانی که به شهادت و امضای خود پای بندند (34)و یا کسانی که با نماز و خدمات رابطه خود را با خدا و خلق حفظ می‌کنند (35)آنها با تکریم و احترام داخل بهشت می‌شوند (36)چه می‌خواهند این افراد کافر که دور تو می‌چرخند (37)از چپ و راست می‌دوند تا ریاکارانه تقرب جویند (38)طمع دارند با این اعمال داخل بهشت شوند (39)چنین نیست که خیال می‌کنند خودشان می‌دانند با چه اخلاقی آنها را رشد داده‌ایم (اهداف حق و باطل دو مرتبه در زندگی انسان را می‌سازد) (40)قسم به پروردگار مشرق و مغرب که ما می‌توانیم (41)بهتر از آنها را به‌جای آنها بیاوریم از

این کار عاجز نیستیم (42) آنها را به حال خود رها کن به هرکاري وارد شوند بازي کنند تا به روز موعود خود برسند (43) روزي که سريرا از قبر خارج مي شوند گوئي هرکدام به سوي هدف معين خود مي دونند (44) چشم هایشان در نهایت ذلت است این است همان روزي که به آنها وعده داده ایم.

سوره نوح

بسم الله الرحمن الرحيم

آدم و نوح اولین انسان های تاریخ ساز در جامعه بشریت بودند. آدم را پدر اول و نوح را پدر ثانی می دانند پس اولین حرکت به سوي کمال را پیغمبران به وجود آورده اند (1) ما نوح را مامور هدایت قوم خود نمودیم تا پیش از ظهور عذاب قوم خود را هدایت کند و از کفر و گناه بترساند (2) نوح به قوم خود گفت من شما را از عاقبت کفر و گناه می ترسانم (3) خدا را بندگی کنید از مخالفت او بپرهیزید و از من پیروی نمائید (4) تا خدا شما را به رشد عقلي و عمر طبیعی برساند زیرا وقتی اجل معين برسد تاخیر

ندارد (5) نوح به خدا عرض کرد پروردگارا من شب و روز به دین تو دعوت کردم (6) و از این دعوت‌ها بجز فرار و بی‌اعتنائی آنها نتیجه‌ای نگرفتم (7) هر وقت آنها را دعوت نمودم تا مشمول مغفرت شوند انگشت به گوش خود نهادند لباس به سر کشیدند تا نشنوند اصرار به گناه دارند تکبر آنها را فراگرفته است (8) بعد آشکارا دعوت نمودم (9) و علانیه و آشکارا از دعوت خود نتیجه‌ای نگرفتم (10) به آنها گفتم از پروردگار خود مغفرت بخواهید او آمرزنده و مهربان است (11) باران رحمت خود را فراوان بر شما نازل می‌کند (12) بامال و اولاد کمک می‌کند باغ و بوستان و نهر جاری برای شما می‌سازد (13) به آنها گفتم شمارا چه شده است که ارج و احترامی برای خدا قایل نیستید (14) با این که او درحالات مختلف شما را آفریده است (15) مگر نمی‌بینید خدا بالای سر شما هفت طبقه آسمان آفرید (16) در این طبقات ماه را نور و خورشید را چراغ تابنده قرار داد (17) و شما را مانند گیاه و درخت از زمین رویانید (18) پس از آن شما را به خاک بر می‌گرداند و دو مرتبه از دل خاک بیرون می‌آورد (19) خداوند زمین را زیر پای شما گسترده است (20) تا به هر طرف که بخواهید راه پیدا کنید (21) نوح

که از دعوت خسته شده به خدا نالید که ای خدا قوم من نافرمانی کردند از کسی اطاعت نمودند که بجز خسارت در مال و اولاد چیزی به وجود نمی‌آورد (22) و بامکر عجیب خود آنها را به بردگی می‌کشاند (23) به مردم سفارش می‌کنند که از بت‌های ود و سواع و یعوق و یغوث و نسر دست بردارند (بت‌ها به این دلیل به بازار آمدند که مزاحم استثمارگران نباشند) (24) بت سازان مردم را گمراه نموده‌اند محصولی بجز گمراهی ندارند (25) قوم نوح به سبب گمراهی و خطاها غرق و داخل جهنم شدند بجز خدا یآوری نداشتند (26) نوح نفرین کرد که ای خدا از این ستمکاران نفس کشی باقی مگذار (27) اگر باقی بمانند بندگان تو را گمراه می‌کنند و بجز فاجز و کافر تولید نمی‌کنند (28) پروردگارا مرا و پدر و مادر مرا و مومنین مومنات که در دایره ولایت من داخل می‌شوند بیامرز و برای کفار بجز فلاکت و هلاکت چیزی اضافه مکن.

سوره جن

بسم الله الرحمن الرحيم

جنیان چنانکه از اشارات بعضی آیات و احادیث و دلائل حسی و عقلی و تاریخی استفاده می‌شود انسان‌های وحشی بیابانی کم عقل و بی شعور بوده‌اند که برای شهر نشینان خطر ساز بوده‌اند و رؤسای آنها متوسط بین تمدن و توحش شناخته شده‌اند و همین طایفه در ایام آوارگی رسول خدا در محلی به نام نصیبین صوت قرائت قرآن را از آن حضرت شنیده‌اند. آنها با خود حضرت تماس نگرفته‌اند بلکه صدای قرآن را شنیدند و با هم چنین گفت گوهائی داشته‌اند (1) بگو به من وحی می‌شود که نفراتی از جن صدای قرآن را شنیدند و به یکدیگر گفتند که صدای قرآنی عجیب می‌شنویم (2) این آیات ما را به عقل و شعور هدایت می‌کند به این کتاب ایمان آوردیم و کسی را شریک خدا نمی‌دانیم (3) پروردگار ما بزرگ است منزّه است از این که همسر و فرزند داشته باشد (4) سفهای ما جنیان خدا را باوصاف ناروا توصیف کرده‌اند (5) ما به سادگی خود خیال

می‌کردیم که هرگز جن و انسی به خدا دروغ نمی‌بندد (6) پیش از این مردانی از انسان‌ها به مردانی از جنیان پناهنده می‌شدند و جنیان بر ضلالت آنها می‌افزودند (7) و انسانها مانند جنیان خیال می‌کردند که خدا هرگز پیغمبری مبعوث نخواهد کرد (8) ما جنیان با آسمان تماس گرفتیم و دیدیم به شهاب‌ها و نگهبانان مجهز شده است (9) ما برای استماع صدای فرشتگان کمین کردیم ولی هرکس امروز کمین کند هدف شهاب‌ها واقع می‌شود (10) ما نمی‌دانیم در این حادثه بعثت خدا خیر مردم را اراده نموده و یا شر آنها را خواسته است (11) بعضی از ما جنیان مردمی شایسته و بعضی در درجات پائین ترند راه‌های ما مختلف است (12) ما یقین داریم که نمی‌توانیم خدا را از کار خود باز داریم و یا از دایره حاکمیت او فرار کنیم (13) وقتی ندای دعوت حق را شنیدیم ایمان آوردیم هرکس ایمان به خدا می‌آورد از خسارت و هلاکت نترسد (14) بعضی از ما مسلمانیم و بعضی خود رای هرکس تسلیم حق شود هدایت یافته است (15) پیروان هوای نفس بدانند که هیزم جهنم هستند (16) حقیقت است که اگر مردم در راه حق استقامت

کنند خدا آب حیات و نعمت فراوان به آنها می‌رساند (17) تا در این فراوانی آنها را بیازماید و کسی که از حجت خدا اعراض کند خدا او را با آن برتری جوئی به سوی عذاب می‌برد (18) و می‌گفتند که مساجد مال خدا است کسی را در خواهش و تمنا شریک خدا نکنید (19) و وقتی که بنده خدا از خدا خواهش و تمنا می‌کرد همه در اطراف او ازدحام می‌کردند (20) به آنها که علیه تو فعالیت می‌کنند بگو من فقط از خدا کمک می‌خواهم کسی را شریک خدا نمی‌سازم (21) بگو من مالک نفع و ضرری برای شما نیستم (22) هیچ کس نمی‌تواند دیگری را از غضب خدا پناه دهد و جز خدا تکیه گاهی پیدا نمی‌کنم (23) و شما مردم رابه این منظور می‌خواهم که رسالت الهی را ابلاغ کنم کسی که از فرمان خدا سرپیچی کند عاقبتش جهنم است و تا ابد در آن مخلد است (24) کفار در این نا فرمانی هستند تا به وعده خدا برسند در آنجا می‌دانند چه کسی یارانش ضعیف‌تر و لشکرش کمتر است (25) بگو من نمی‌دانم روز موعود نزدیک است یا خدا برای آن مدتی معین کرده است (26) عالم به اسرار غیب است کسی را بر غیب خود مطلع نمی‌کند (27) مگر کسی را از پیغمبران پسندد که او

هم در نظارت مامورین قرار می‌گیرد (28) تا بدانند که وظیفه خود را انجام می‌دهد و رسالت خود را تبلیغ می‌کند. خدا بر همه کس و همه چیز احاطه وجودی دارد و هر کسی را با تمامی مشخصات می‌شناسد.

سوره مزمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تزمّل آن حالتی است که فقیر گلیمی به خود می‌پیچد و گوشه‌ای می‌نشیند. پیغمبران از نظر مالی و مادی فقیرترین فقرا هستند چون که دنیا و آخرت را در راه خدا رها کرده‌اند. در این جا رسول خدا هم با فقر مطلق مامور است با کفر دنیا بجنگد. گلیم به خود پیچیده به سر نوشت خود فکر می‌کند (1) ای که گلیم به خود پیچیده به انزوا نشسته‌ای (2) در این شب تاریک یا جهل مطلق دنیا قیام کن کم

استراحت کن (3) نصفی از شب یا کمتر از نصف را زنده بدار (4) یا کمی بر نصف اضافه کن قرآن را واضح و روشن بخوان (5) به زودی بار سنگین مسئولیت به عهده تو خواهیم گذاشت (6) شب را زنده بدار که شب زنده داری بهتر تورا رشد می‌دهد در نتیجه علمی باقوام دوام خواهی داشت (7) روزها هم تسبیح و یا تعلیمات طولانی داری (8) دائم به یاد خدا از خلق جدا و به خدا پناهنده باش (9) خدایی که که سازنده شرق و غرب طبیعت و افکار است خدایی بجز او نیست او را وکیل خود قرار بده (10) در برابر آزار مردم از آنها خیلی زیبا ضمن محبت فاصله بگیر (11) مریات تکذیب کنندگان ثروتمند واگذار و کمی آنها را مهلت بده (12) نکالها و عذابها برای آنها مقدراست (13) طعامی گلوگیر و عذابی دردناک (14) روزگاری که جمعیت زمین و ابر قدرت‌ها متزلزل شوند کوه‌های قدرت تل ریگ روان باشند (روابط مالی کفار قابل دوام نیست). پاورقی 275 (15) ما چنان‌که به سویی فرعون پیغمبر فرستادیم برای شما مردم زمان هم رسول فرستادیم (16) فرعون رسول ما را تکذیب نمود و ما شدیداً از او انتقام گرفتیم (17) چگونه از عذاب‌های روزی که کودکان را پیر می‌کند می‌توانید خود را حفظ

کنید (18) روز قیامت که حقیقت ولایت خدا و ائمه اطهار روشن می‌شود وعده خدا شدنی خواهد بود (19) این قرآن یاد آور حکومت خدا و قیامت است هرکس دوست دارد از این خط راهی برای خود پیدا کند (20) خدا می‌داند که کمتر از دو سوم و یا یک دوم و یک سوم شب قیام می‌کنی دوستان تو هم مانند تو قیام می‌کنند خداست که حدود شب و روز را معین می‌کند می‌داند که بیشتر از این طاقت ندارید به‌شما توجه نمود آنچه برایتان آسان است قرآن بخوانید خدا می‌داند که بعضی مریض و یابسه جستجوی روزی خدا در سفرند و یا در راه خدا با دشمن می‌جنگند پس آنچه آسان است نماز و قرآن بخوانید نماز را زنده بدارید و زکات بدهید از مال خود به‌خدا قرض بدهید و بدانید آنچه از خیرات برای خود تقدیم کنید بهتر از آن را نزد خدا می‌یابید از خدای خود رشد عقل و استعداد بخواهید که خدا به‌شما مهربان است.

سوره مدثر

بسم الله الرحمن الرحيم

دثار و شعار دو کلمه توأم بایک دیگر است به معنای لباس زیرین و لباس زبرین این دو سوره شریفه مربوط به حالات روانی آن حضرت بعد از بعثت است. گاهی دعوت خود را آشکار می‌ساخت گوئی لباس زبرین می‌پوشید و گاهی مخفی می‌داشت که گوئی لباس زیرین می‌پوشید (1) ای کسی که بر قامت نبوت خود لباس زیرین پوشیده‌ای در خانه نشسته‌ای (2) برخیز مردم را هدایت کن (3) خدای خود را چنان که هست به عظمت یادآوری کن (4) لباس ظاهری و باطنی خود را مطهر کن (5) از پلیدی‌ها و خرافات دوری کن (6) خدمات و انفاقات خود را زیاد نشمار و منت مگذار (7) برای خدا در برابر حوادث صبر کن (8) وقتی که فرمان قیام به گوش امام طنین اندازد. پاورقی 276 (9) آن روز روزگار سختی خواهد بود (10) مخصوصاً برای کفار آسان نیست (11) مقدرات کافر متعرض را به من واگذار من او را تنها آفریدم (12) این همه مال و ثروت به او بخشیدم (13) فرزندان برومند به او دادم (14) این همه وسیله در اختیار او گذاشتم

(15) و باز از من طمع زیادتر و بیشتر دارد (16) خفه و نابود شود که دشمن آیات ما است (17) از همین راه برتری جوئی او را به هلاکت می‌رسانم (18) برای قضاوت در آیات قرآن فکر کرد و حساب گری نمود (19) نابود شود و قضاوتش (20) و باز هم نابود شود و حسابگری اش (21) باز هم فکر نمود (که این قرآن و پیغمبر کیست و چیست) (22) و باز خشن شد و روتزش کرد (23) به انتهای کفر و گناه رفت و تکبر نمود (24) عاقبت گفت که این قرآن سحر انتخاب شده است (عنود آخرالزمان هم گفت که این قرآن آیات شیطانی است) (25) قضاوت کرد که گفته بشر است (26) آری به وسیله او در خط کفر جهنمشان را روشن می‌کنم (27) تو آیا می‌دانی آن چه آتشی است (28) عذابی است که نه به آنها زندگی می‌دهد نه واگذار می‌کند (29) پوست تن و صورت آنها را بریان می‌کند (30) نوزده فرشته آنرا شعله ور می‌کنند. پاورقی 277 (31) ما اصحاب آتش را که فرشتگانند به شماره نوزده معرفی نمودیم تا این تعریف معرف فتنه کفار باشد تا اهل کتاب هم از طریق مقابله و مشابهت دو کتاب آسمانی یقین پیدا کنند که قرآن حق است و دیگر ایمان اهل ایمان زیادتر شود و اهل

کتاب و مومنین در حقانیت قرآن شک و شبهه پیدا نکنند و صدای اعتراض منافقین هم زیاد شود که منظور خدا از این مثلها چیست خدا این طور عده‌ای را گمراه و عده‌ای را هدایت می‌کند (تا اعتراض گر بدانند چرا اعتراض می‌کند) بجز خدا کسی کمیت و کیفیت لشکر او را نمی‌داند این آیات فقط برای پند گیری بشر است (32) قسم به ماه تابان این طور نیست که خیال می‌کنند (33) و قسم به شب طولانی جهل بشر (دوران غیبت امام) (34) و قسم به صبح طلوع چهره امام (35) که قیامت و عامل آفریننده آن یکی از آیات بزرگ خدا است (احدی الکبر در این سوره مانند نباء عظیم در سوره نبا است که مردم خیال کردند قیامت است. رسول خدا فرمود صاحب قیامت است که علی ع باشد) (36) مردم را از عاقبت گناه می‌ترساند (37) تا معلوم شود چه کسی به فکر قیامت است یا دنیا پرست است (38) همه کس در گرو اعمال خود هستند (39) مگر حق جویان (40) که آنها در زندگی بهشتی همه با هم (41) از گناهکاران می‌پرسند (42) چه عاملی شمارا به جهنم کشانید (43) می‌گویند نماز نمی‌خواندیم (44) حق فقرا را رعایت نمی‌کردیم

(45) بی‌بند و بار همه جارفتیم و همه چیز گفتیم
 (46) قیامت را تکذیب کردیم (47) تا این که مرگ
 ما رسید (48) شفاعت شافعین به حال آنها سودی
 نبخشید (49) چه شده آنها را که از عوامل هدایت
 فرار می‌کنند (50) گوئی الاغ وحشی اند (51) که از
 شیر درنده می‌رمند (52) هر یک انتظار دارند که صاحب
 کتاب باشند (53) از عاقبت کفر و گناه
 نمی‌ترسند (54) این طور نیست که خیال می‌کنند
 قرآن یاد آور حقایق است (55) هر کس دوست دارد
 راه نجات خود را بیابد (56) کسی هدایت نمی‌شود
 مگر که خدا بخواهد او است که تقوا به وجود می‌آورد و
 بندگان را می‌آمرزد.

سوره قیامت

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه به دلیل کلمه قیامت به همین کلمه نام گذاری شده (1) قسم به روز قیامت ((2) و قسم به انسانی که خود را برگناه ملامت می کند (3) آیا انسان خیال می کند نمی توانیم استخوان های پوسیده او را جمع کنیم (4) آری قدرت داریم خطوط ظریف نوک انگشت او را به صورت اول مهندسی کنیم (5) انسان ضمن انکار قدرت خدا می خواهد در این زندگی ابتدائی به فسق و فجور مشغول باشد (6) اعتراض می کند که قیامت کجا بوده (7) بگو روزی که چشم ها خیره شود (8) و چهره ماه تاریک شود (9) و ماه و خورشید یک جا جمع شوند (چهره نبوت و ولایت از افکار محو شود) (10) در این زمان ظالم کافر می گوید به کجا فرار کنم (11) بگو چنین نیست کسی مسئولیت تورا نمی پذیرد (12) در آن روز قرارگاه فکری به جز دایره ولایت خدا نیست (13) آن روز انسان را به نتایج اعمال قبل و بعد خود آگاه می کنند (14) آری انسان خود به اعمال خود آگاه است (15) اگر عذر بدتر از گناه نیاورد (16) در قرائت قرآن شتاب مکن (17) قرائت و جمع آوری آن با ما است (18) هر وقت آیه ای را خواندیم دستور آن را اجرا کن (19) پس از قرائت بیان معانی و حقایق آن

هم با ما است (20) شما مردم دنیای زود گذر را می‌طلبید (21) و زندگی آخرت را رها می‌کنید (22) در آن روز وجوه بعضی جامعه‌ها تابان و درخشان است (23) و وجوه بعضی جامعه‌ها گرفته و تاریک است (25) عقیده دارند که به عذاب‌های کمر شکن مبتلا می‌شوند (26) این‌طور نیست که ماندنی باشند وقتی روح به حوزک گردن می‌رسد (27) می‌گوید کیست مرا بیرون می‌برد (28) یقین پیدا می‌کند که روز جدائی است (29) دو ساق پای او و یا دنیا و آخرت او به هم می‌پیچد (30) آری حرکت به دایره ولایت خدا است (31) وای به حالش نماز نخواند و دین را تصدیق نکرد (32) ولی دین را تکذیب نمود و خود رای بود (33) با ناز و تکبر به سوی دوستانش می‌رفت (34) تو سزاوار عذابی (35) آری تو سزاواری به عذاب آخرت (36) آیا انسان خیال می‌کند به حال خود رها می‌شود (37) مگر قطره آب منی بیشتر بود (38) بعد خون بسته به صورت انسان او را مهندسی کرد (39) و خدا از آن نطفه جفت زن و مرد آفرید (40) آیا خدا قدرت ندارد دو مرتبه مردگان را زنده کند

سوره انسان

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره به مناسبت کلمه دهر و انسان در آن به هردو کلمه نام‌گذاری شده. دهر نام دوره زندگی انسان از هبوط آدم تا قیامت است و در تعریف مولا و حضرت زهرا و فضه خادمه نازل شده است (1) آیا مدتی از روزگار بر انسان نگذشت که نام و نشانی از او نبود (2) ما انسان را از نطفه‌ای که مخلوط به تمامی مواد مختلف است آفریده‌ایم بعد او را در مسیر ابتلاآت به شنائی و بینائی مجهز می‌کنیم (3) ما انسان را به راه حق هدایت نمودیم بعد به دو قسمت شاکر و کافر تقسیم شدند (4) ما برای کفار در مسیر زندگی قید و بندها و غل زنجیرها و آتش مهیا کرده‌ایم (5) نیکان و پاکان شربت‌های حیات بخشی می‌آشامند که معطر به عطر کافور است (6) و آن شربت‌ها از چشمه‌ای (به نام علم و قدرت

(می‌جوشد که به وسیله آن نعمت و ثروت مانند نهر جریان پیدا می‌کند (7) بندگان مجهز به این قدرت به نذر خود و فاکردند و از روزگاری که عبوس و خشن است می‌ترسیدند (8) طعامی را که خیلی دوست دارند و به آن محتاجند به مسکین به یتیم و اسیر می‌بخشند (9) طعام خود را برای جلب رضای خدا بخشیدند انتظار تشکری و پاداشی نداشتند (10) آنها از روز قیامت که چهره‌ای عبوس و خشن است می‌ترسیدند (11) خدابه پاداش این عمل آنها را از شر چنین روزگاری حفظ کرد و سرور شادابی به آنها بخشید (12) و در برابر صبر و استقامت، بهشت و حریر به قامت آنها پوشانید (13) آنجا براریکه قدرت تکیه می‌زنند هوای نا متعادلی آنها را رنج نمی‌دهد (14) سایه لطف خدابه آنها نزدیک و میوه شاخه درخت طوبی (که علم و قدرت وجودی آنها است) رام و مطیع است (15) باظرف هائی از نقره بلورین و شیشه بلورین پذیرائی می‌شوند (16) ظرف بلورین از جنس نقره که خیلی زیبا مهندسی شده است (17) با شربت‌های دیگری پذیرائی می‌شوند که به طبیعت زنجبیل است (18) آن شربت‌ها از چشمه جریان دارد که سلسبیل نامیده شده است

(19) پسرانی که خیال می‌کنی در های پراکنده‌اند در خدمت آنها ایستاده‌اند (20) اگر آن‌جا رابیننی خواهی دید نعمت فراوان و سلطنتی عظیم در اختیار آنها است (21) در پوششی از سندس سبز و استبرق‌اند پرودگار با شراب طهور از آنها پذیرائی می‌کند (22) این مقام و نعمت‌ها پاداش نیک شما است که خدا اعمال شما را منظور داشته است (23) ما هستیم که این قرآن را به طرز عجیب بر تو نازل کردیم (24) در برابر حکم خدا صبر کن از گناه‌کار و ناسپاس پیروی مکن (25) صبح و شام و همیشه نام خدا را در قلب و زبان خود یاد آوری کن (26) قسمتی از شب را در سجده و نماز باش شب‌های طولانی خود را به تسبیح مشغول کن (27) مردم دنیای زودگذر را دوست دارند و روز سنگین عالم آخرت را واگذار کرده‌اند (28) ما آنها را آفریده‌ایم و سخت در ارتباط با یکدیگر قرار داده‌ایم اگر بخواهیم می‌توانیم جای آنها دیگران را بیاوریم (29) این قرآن یادآور خدا و حقیقت است هرکس دوست دارد راهی از آن به سوی خدا پیدا کند (30) شما نمی‌توانید بخواهید مگر که خدا بخواهد خدا عالم و حکیم است (31) هر کسی را

بخواهد به رحمت خود می‌کشاند و برای ستم‌کاران
عذابی الیم مهیا کرده است.

سوره مرسلات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در این سوره خداوند دو عامل آموزش و پرورش را تعریف می‌کند. عامل آموزش پیغمبران و عامل پرورش فرشتگان (1) قسم به مامورین امر به معروف (2) و عواملی که نهضت فکری و علمی به وجود می‌آورند (3) و دانش‌مندان که علم و دانش را نشر می‌دهند (4) و عواملی که حق و باطل را از هم جدا می‌کنند (5) و کسانی که یاد خدا را در افکار زنده می‌کنند (6) تا اتمام حجت کنند یا از گناه بترسانند (7) آنچه وعده داده اند حق است (8) روزی که ستارگان هدایت در افکار محو شوند (9) درهای فضا و ولایت خدای افکار باز شود (10) و زمانی که قدرت‌های کفر و گناه گرد و غبار شوند (تا قدرت‌های کفر و گناه متلاشی نشود) اما زمان ظهور نمی‌کند (11) و زمانی که وقت رجعت هر پیغمبری معین شود تا از

امت خود شفاعت کنند یا انتقام بگیرند. پاورقی 278
(12) که برای چه روزی مهلت یافته‌اند (13) برای روز
جدائی حق از باطل (14) چه می‌دانی که آن چه
روزی است (15) وای در آن روز به حال تکذیب کنندگان
(16) مگر ندیدند چگونه گذشتگان را هلاک نمودیم
(17) آیندگان راهم به سر نوشت آنها رسانیدیم
(18) رفتار ما با کافر و مجرم چنین است (19) وای
به حال تکذیب کنندگان دین (20) مگر شما انسان‌ها را
از نطفه نیافریدیم (21) و آن نطفه را به قرارگاه رحم
سپردیم (22) برای مدت معلوم و معین
(23) توانستیم از نطفه انسان بسازیم چه خوب
توانائیم (24) وای به حال تکذیب کنندگان (25) آیاکره
زمین را با جاذبه نیافریدیم (26) تا زندگان و مردگان
رادر خود حفظ کند (27) روی زمین کوه‌های مرتفع و
ریشه دار و ابرقدرت‌های دین تا از آنها آب حیات و
علم به شما برسانیم (28) وای به حال تکذیب کنندگان
(29) بروید به راهی که تکذیب می‌کنید (30) بروید
به سایه حکومتی که سه شعبه از عذاب به روی
شما باز می‌کند (31) سایه‌ای که گوارا نیست و شما
را از شراره آتش بی نیاز نمی‌کند (32) شراره‌هایی
مانند يك قصر به طرف شما پرتاب می‌کند

(موشك‌هاي دوازده متری) (33) مانند شتران زرد به طرف شما قطار می‌شوند (34) وای به حال تکذیب کنندگان دین خدا (35) قیامت روزی است که دیگر سخنی ندارید محکومید (36) اجازه عذر خواهی به شما نمی‌دهند (37) وای به حال تکذیب کنندگان (38) آن روز روز جدائی دو گروه حق و باطل است شما و گذشتگان را يكجا جمع می‌کنیم (39) اگر هنوز هم سیاست و شیطنت دارید بفرمائید (40) وای به حال تکذیب کنندگان (41) اهل تقوا در سایه لطف خدا کنار چشمه آب حیات (42) میوه های مادی و معنوی از آنچه اشتهای دارند (43) آزادید بخورید و بیاشامید گوارا باد نتیجه اعمال شماست (44) این طور نیکوکاران را پاداش می‌دهیم (45) وای به حال تکذیب کنندگان دین خدا (46) شما تکذیب کنندگان هرچه می‌توانید بخورید و بهره بگیرید شما مجرمید (47) وای به حال تکذیب کنندگان (48) وقتی به آنها می‌گویند تسلیم خدا شوید نمی‌شوند (49) وای به حال تکذیب کنندگان (50) آنها بعد از قرآن و اسلام بچه کتابی ایمان می‌آورند

سوره نباء

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) کدام مسئله است که همه کس می‌پرسند
(2) پرسش از مسئله‌ای است عمیق و عظیم
(گفته‌اند قیامت است. رسول خدا فرمودند صاحب
قیامت علی ع است) (3) کسی که همه در عظمت
او اختلاف دارند (4) چنین نیست او را خواهند شناخت
(5) باز هم در طول زمان او را خواهند شناخت (6) مگر
ما زمین را مهد تربیت ابدی قرار ندادیم (7) کوه‌ها را
برای بقا آن استوار نساختم (8) و برای بقا بشریت
زن و مرد نیافریدیم (9) خواب را آرامش قرار ندادیم
(10) شب‌را برای پوشش شما خلق نکردیم (11) و روز
را برای ادامه معاش قرار ندادیم (12) بالای سر شما
هفت آسمان یا هفت کلاس تکامل قرار ندادیم
(13) در این طبقات و کلاس‌ها چراغ تابان و چراغ علم
قرار دادیم (14) از ابرها باران و به وسیله علما علم
نازل کردیم (15) تا به این وسیله غذای بدنی و روحی

آماده کنیم (16) و باغ‌های انبوه به‌همرفته (17) روز جدائی حق و باطل و عدگاه شماست (18) روزی که زنده شده گروه گروه وارد محشر شوید (19) درهای فرج و دعای مستجاب باز شود (20) سیر ابر قدرت‌ها تمام شده و به‌صورت سراب در آیند (21) آتش جهنم در کمین حرکت کفاراست (22) آخرین منزل طغیان‌گران است (23) سال‌ها تا تحول به‌سوی حق در آن عذابند (24) آب سرد و شربت گوارائی ندارند (25) بجز آب جوشان و چرك و کثیف (26) شراب کثیف برابر عمل کثیف (27) آنها به حساب و کتاب عقیده نداشتند (28) آیات ما را شدیداً تکذیب نمودند (29) ما همه چیز را با مشخصات ثبت کردیم (30) بچشید که بجز عذاب شما چیزی زیاد نمی‌شود (31) اما پرهیزکاران در گشایش نعمتند (32) باغ‌ها و انگورها (33) دختران شوهر دوست (34) کاسه‌های بلورین لبریز از شراب (35) در آن جاحرف لغوی و کذب و دروغی نمی‌شنوند (36) پاداش از پروردگار به حساب اعمال (37) پروردگار اهل آسمان و زمین و آنچه بین آنها است خدای رحمان کسی آن روز حق سخن ندارد همه سکوت مطلقند (38) روزی که انسان‌ها و فرشتگان در يك صف قرار می‌گیرند کسی حق تکلم

ندارد مگر که خدا اجازه دهد و به صواب سخن بگوید (39) آنروز حاکمیت حق است هرکس دوست دارد در ولایت خدای خود جای پائی پیدا کند (40) ما شما را از عذاب آنروز که خیلی نزدیک است بر حذر می‌داریم روزی است که انسان به نتایج اعمال خود نگاه می‌کند کفار می‌گویند ای کاش در دل خاک بودیم زنده نمی‌شدیم.

سوره نازعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این سوره شریفه حالات انسان راهنگام ورود به زندگی آخرت به نمایش می‌گذارد (1) قسم به عواملی که جان انسان را که فریفته دنیا است می‌کنند (2) و جان دیگری را که غرق نشاط است می‌گیرند (3) و جان دیگری را چنان می‌گیرند که

گوئی در دریا شنا می‌کند (4) و دیگری چنان می‌رود که بر همه سبقت گرفته است (5) و دیگری چنان حکیم است که مدبر امور آخرت است (6) و آن روزی است که این زندگی دنیا متزلزل شود (7) و ردیف آن قیامت واقع شود (8) دل عده‌ای آن روز ترسان و لرزان است (9) چشم‌ها را خوف وحشت می‌گیرد (10) آرزو می‌کنند که ای کاش به چاله قبر برگردند (11) می‌گویند چقدر خوب بود که خاک و استخوان بودیم (12) می‌گویند رجعت ما خسارت آمیز است (13) قیامت به یک اراده الهی دایر می‌شود (14) که به ناگاه همه بیدار می‌شوند (15) آیا داستان انقلاب موسی را شناخته‌ای (16) آن‌جاکه دروادی مقدس کوه طور خدا او را صدا زد (17) که برو به طرف فرعون که طغیان کرده است (18) بگو آیا دوست داری از این جنایت‌ها وارسته شوی (19) تورا به سوی خدا هدایت کنم تا عظمت او را درک کنی (20) بعد از انکار معجزه بزرگ را به او نمایش داد (21) آیت الهی را تکذیب کرد و نا فرمانی نمود (22) بیشتر به قهقرا رفت و سعایت نمود (23) ملت را جمع کرد و داد زد (24) که من پروردگار اعلایم (25) خداوند او را در محاصره عذاب دنیا و آخرت قرار داد (26) این داستان برای

کسانی که عظمت خدا را درک می‌کنند پند و اندرز است (27) آیا خلقت شما مهم تر است یا ساخت آسمان ولایت (28) که فضای آن را بی‌نهایت بالا برده و تا خلافت الهی تربیت نموده‌ام (29) شب آن را تاریک و روز آن را روشن فرموده هم چنین کفر و ایمان (30) زمین و زندگی را بعد از آن به‌گردش درآورد (31) و با گردش انتقالی زمین آب و چراگاه آفرید (32) کوه‌ها و قدرت‌ها را ثابت و استوار ساخت (33) تاریکی شما و حیوانات باشد (34) زمانی که مصیبت بزرگ جهانی حادث شود (زمین پر از ظلم و جور شود) (35) که انسان آخرین نتیجه سعی خود را ببیند (36) آتش جهنم برای بینندگان بروز کند (37) کسانی که طغیان داشته‌اند (38) و دنیا را بر آخرت ترجیح داده‌اند (39) آخرین وضعیت آنها جهنم است (40) و اما کسانی که عظمت خدا را درک نموده و خود را از هواهوس باز داشته‌اند (41) آخرین وضعیت آنها زندگی بهشت است (42) زمان قیامت را از تو می‌پرسند که کی است و کجا است (43) تو در کجای زمان قیامت هستی (44) زمان وقوع آن مخصوص خدا است (45) تو فقط کسانی را هدایت کن که عظمت آن

رادرک می‌کنند (46) وقتی که آنرا ببینند چنان می‌دانند که شبی یا روزی بیشتر فاصله نداشته‌اند.

سوره عبس

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره در شان کسی نازل شد که فقیر نابینایی نزد او نشست ناراحت شد رسول خدا که نخواست آبرویش برود چنین شهرت داد که من از ورود آن فقیر ناراضی بوده‌ام در توبیخ من نازل شده (1) بدش آمد و رو گردانید (2) که نا بینایی کنارش نشست (3) بگو چه می‌دانی شاید مرد پاکی باشد (4) یا حقیقت را درک کند و بهرمنند شود (5) اما کسی که ثروتمند باشد (6) متصدی دوستی او می‌شوی (7) اگر هم تزکیه نشود به تو مربوط نیست (8) اما کسی که برای فهم دین می‌کوشد (9) عظمت خدا را درک

می‌کند (10) به او بی‌اعتنائی می‌کنی (11) چنین نیست که خیال می‌کند قرآن یاد آور حق است (12) هرکس دوست دارد یاد بگیرد (13) در دل شخصیت‌های مکرم ثبت است (14) شخصیت‌های پاک و مطهر (15) یعنی سینه سفیران الهی (16) نیکوکاران و بزرگواران (17) نابود شود انسان که کفرش مایه تعجب است (18) از چه ماده‌ای او را آفرید (19) از نطفه متعفن او را ساخت و مهندسی کرد (20) راه زندگی او را آسان کرد (21) بعد او را به داخل قبر کشانید (22) و باز اگر بخواهد او را زنده می‌کند (23) آری و وظیفه‌اش را انجام نداده (24) انسان در پیدایش طعام خود فکر کند (25) که آب از آسمان ریزش دادیم (26) با آن زمین را شکفتیم (27) نباتات و حبوبات را رویانیدیم (28) درخت‌ها و شاخه‌های انگور (29) زیتون و خرما (30) باغ‌های انبوه و پر درخت (31) میوه جات و سبزی جات (32) تا بهره شما و انعام شما باشد (33) تا صدای گوش‌خراش قیامت بلند شود (34) روزی که برادر از برادر فرار می‌کند (35) و از مادر و پدرش (36) و از همسر و فرزندان (37) که هر کس گرفتار خود است (38) بعضی صورت‌ها خندان و تابان (39) نورانی و بشارت‌آمیز (40) و چهره‌هایی

گرفته و غبار آلود (41) که سیاهی آنرا فراگرفته
(42) آنها کفار و فجار بوده‌اند.

سوره تکویر

بسم الله الرحمن الرحيم

تکویر به معنای برگشت دوباره خورشید است گردش‌ها گاهی دور است و گاهی کور. دور گردش در دایره و کور گردش به دور خود. طلوع و غروب از گردش زمین به دور خود پیدامی‌شود و فصول از گردش در دایره (1) زمانی که خورشید ولایت دو مرتبه برگردد. پاورقی 279 (2) ستارهای هدایت تیره شوند (3) و زمانی که سیرکوه‌ها ابر قدرت‌ها به انتها رسد (4) و زمانی که شترها (کاروان زندگی) تعطیل شود (5) و زمانی که انسانهای وحشی محشور شوند (6) و زمانی که دریاها علم به جوش آید (7) و زمانی که نفوس به اجناس خود مربوط شوند (8) و زمانی که زنده به گورها (یا کشتارهای دسته جمعی باز پرسى شود

(9) که به چه گناهی کشته می‌شوند (10) و زمانی که اعمال و افکار همه جا شناخته شود (11) و زمانی که از مقام ولایت پرده برداری شود (12) و آتش هسته‌ای جهانی شعله ور شود (13) و زمانی که چهره بهشت (امام زمان) به نمایش درآید. پاورقی 282 (14) در این زمان اعمال بد و خوب در نظر همه روشن شود (15) قسم به ستارگان ظاهر و غایب (16) ستارگان صاف کننده راه ظهور (17) و قسم به شب غیبت که مراقبت می‌شود (18) و صبح دولت الهی که دمیده شود (19) قرآن گفته آن رسول بزرگوار است (20) رسول نیرومند که در نزد خدا مقرب است (21) امین و وحی خدا فرمانده کائنات است (22) پیغمبر شما دیوانه نیست (23) او خدای خود را در افق علم و حکمت دیده و شناخته است (24) از تعلیم آنچه شناخته مضایقه ندارد (25) قرآن، گفته شیطان رجیم نیست (26) تا کجا از حقیقت منحرف می‌شوید (27) این قرآن و پیغمبر درس و دانش جهانیان است (28) درس کسانی که می‌خواهند استقامت علم و عمل داشته باشند (29) شما نمی‌خواهید مگر که خدا پروردگار عالمیان بخواهد.

سوره انفطار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انفطار از باب انفعال ظهور حقیقت فطرت است. سماء یعنی مقام ولایت امام زمان در قیام او حقیقت ولایت شناخته می‌شود (1) زمانی که حقیقت ولایت و توحید نمودار شود (2) و زمانی که ستارگان هدایت به‌جامعه نثار شوند (3) و زمانی که دریای علم اولیا خدابه‌جوش آید (4) و زمانی که گورستان‌ها زنده شوند (5) در آن زمان می‌دانند چه چیزی اندوخته‌اند (6) ای انسان چه چیزی تورا به عدالت خدا مغرور کرد (7) خدائی که تورا آفرید و به اعتدال عقل رسانید (8) و در هر شکلی که خواست تورا مهندسی نمود (9) چنین نیست که می‌گوئی بلکه دین را تکذیب می‌کنی (10) با این که نگهبانان الهی محافظ تواند (11) بزرگوارند نویسنده اعمالند (12) به اعمال شما

آگاهند (13) نیکان در نعمت‌های خدا قرار می‌گیرند (14) و بدکاران در جهنم (15) در روزگار ظهور دین خودشان روشن می‌کنند (16) با این که از جهنم خود غایب نیستند (17) تو آیا می‌دانی روزگار ظهور دین چه زمانی است (18) بگو تو می‌دانی حکومت دین چه زمانی است (19) روزی است که از کسی برای دیگری کاری ساخته نیست حکومت فقط با خدا است.

سوره مطفین

بسم الله الرحمن الرحيم

طف و طفیف تطفیف و مطفف همه از یک ماده مشتق است. به معنای خشکی و خشکانیدن، روز عاشورا را یوم‌الطف نامیده‌اند که روزی خشک و تشنه بوده است. هر کس حق مشتری را از متعارف کم کند مطفف است (1) کسی که از حق دیگران بکاهد از انسانیت سقوط می‌کند (2) کسانی که حق خود را زیاده از اندازه می‌گیرند (3) و چون می‌پردازند کمتر از

اندازه می‌دهند (4) چرا فکر نمی‌کنند که در روزگاری بزرگ احضار می‌شوند (5) برای حسابرسی عظیم (6) روزی که تمام مردم در حکومت خدای عالم قرار گیرند (7) چنین نیست، عمل بد، بدکاران رابه تنگنا می‌کشد (8) تو می‌دانی تنگنای زندان چیست (9) رقم به رقم نتایج اعمال بد (10) وای به حال تکذیب کنندگان نتایج اعمال (11) کسانی که روز حاکمیت دین را تکذیب می‌کنند (12) بجز متجاوز و گناهکار کسی قیامت را تکذیب نمی‌کند (13) وقتی که آیات خداتلاوت می‌شود می‌گویند افسانه گذشتگان است (14) این طور نیست اعمال بد، دلشان را آلوده کرده است (15) آنها هنگام گناه از ولایت پروردگارشان محجوبند (16) آنها در روزگار غیبت روشن کننده جهنمند (17) بعد به آنها گفته می‌شود این است آتشی که تکذیب می‌کردید (18) نتیجه اعمال نیک هم عالی‌ترین مقام بهشت است (19) تو می‌دانی چیست آن عالی‌ترین‌ها (20) رقم رقم نتایج اعمال نیک است (21) که بندگان مقرب خدابه آن خواهند رسید (22) نیکان متنعم به نعمت‌های خدا می‌شوند (23) براریکه قدرت همه جا را می‌بینند (24) طراوت و نشاط از چهره آنها نمایان است (25) از شربت‌ها که

کاملترین صنعت خدا است می‌آشامند (26) آخرین اثر آن شراب مشک و عنبر است طالبان جنس نفیس آن اجناس را مطالبه کنند (27) آن شربت‌ها به لطف مقامات عالی که عزت و عظمت است ممزوج است (28) چشمه کرامت است مخصوص مقربان خدا (29) مجرمین در دنیا به اهل ایمان می‌خندیدند (30) از آنها که از مومن بودند می‌گذشتند پوزخند و چشمک می‌زدند (31) در این تمسخر و استهزا با دوستان گرم می‌گرفتند (32) آنها را که می‌دیدند می‌گفتند خرافاتی هستند (33) آنها چه کاره‌اند که در باره مومنین حرف می‌زنند (مامور محافظ نیستند) (34) اما روز بهشت مومنین به کفار می‌خندند (35) در آریکه قدرت آنها را تماشا می‌کنند (36) آیا کفار به آخرین نتیجه اعمال خود رسیدند آری واللّٰه.

سوره انشقاق

بسم الله الرحمن الرحيم

تمامی آیات که خداوند کلمات آسمان و زمین و شب و روز را به کار می‌برد به ظاهرش منظور نیست بلکه باطنش یعنی جهت ولایت که علم نازل می‌شود و جهتی که علم در آن وارد می‌شود و شب و روز دوران حق و باطل است (1) زمانی که فضای بسته ولایت خدا باز شود (2) و به مالک خود (امام) اذن حاکمیت بدهد (3) و زمانی که زمین به ظهور کل بشر امتداد پیدا کند (4) مردگان داخل خود را بیرون اندازد دل خود را خالی کند (5) به امام زمان اذن حاکمیت دهد (6) ای انسان تو اجبار داری به دایره ولایت خدا حرکت کنی (7) در این ملاقات اگر نتیجه عمل از صداقت و امانت است (8) که آسان بدون رنج به حساب خود که بهشت است می‌رسی (9) و با سرور و نشاط به خانواده ات و دوستانت برمی‌گرددی (10) و اما کسی که نتیجه عملش از کفر و نفاق حاصل شود (11) صدا می‌زند که ایوای به داد من برسید (12) برای خود جهنم روشن کرده است (13) او کسی است که از موفقیت کفر و نفاق در خانواده‌اش خوشحال بوده (14) خیال کرده هرگز در زندگی متحیر نمی‌شود (15) آری خدابه اوضاع و احوالش آگاه بود (16) قسم به سرخی اول شب تاریخ (کربلا)

(17) قسم به شب طولانی غیبت و آنچه در بر دارد
 (18) و قسم به ماه ولایت که حوادث را فرا می‌گیرد
 (19) جامعه بشری به طبقات ترکیب می‌شوند
 (20) چه شده است که ایمان نمی‌آورند (21) و قرآن
 که تلاوت می‌شود تسلیم نمی‌شوند (22) بلکه
 کفار منطبق قرآن را تکذیب می‌کنند (23) خدا می‌داند
 چه نقشه‌ها در سر می‌پرورانند (24) مژده بده به
 نتیجه نقشه‌هایی که عاقبت جهنم است (25) مگر
 اهل ایمان و عمل صالح که اجری بدون منت دارند.

سوره بروج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بروج دوازده گانه امام‌های معصومند و آسمان این
 بروج حضرت زهرا است که سمت امیت امامت دارد.
 بروج آسمان و سال و ماه تابلو نمایش‌گر آنهاست
 (1) قسم به آسمان بروج امامت .پاورقی 280(2) و روز
 موعود که قیام امام است (3) و شاهد و مشهود

رسول خدا و علي ع (4) اصحاب اخدود (مومنين مسيحي به دست يهوديان) كشته شدند (5) در آتشهاي شعله ور سوختند (6) آنها ميانه آتش بودند (7) برابر يهوديان تماشاگر كهديدند چه كردند (8) به جرم ايمان به خداي عزيز و حميد از آنها انتقام گرفتند (9) خدائي كه پادشاهي آسمانها و زمين به دست او است ناظر همه چيزاست (10) كساني كه مومنين و مومنات را به فتنه مي اندازند و توبه نمي كنند به عذاب سوزان گرفتار مي شوند (11) و آنها كه ايمان مي آورند و عمل صالح دارند در وضعي قرار مي گيرند كه از اراده آنها نعمت و ثروت مانند نهر جاري مي شود و اين است كاميابي عظيم (12) حملات پروردگار تو به جنائت كاران سخت خواهد بود (13) او است كه آفرينش را شروع مي كند و دو مرتبه آنها را به زندگي بر مي گرداند (14) او بر طرف كننده نقائص وجودي انسانها و مهربان به آنها است (15) مجد و عظمت دارد حاكميت مطلق است (16) آنچه اراده مي كند با سرعت انجام مي دهد (17) مگر داستان لشكريان كفر و گناه به تو نرسيده (18) قوم فرعون و ثمود (19) كفار دائم در حال تكذيبند (20) با اين كه خداوند محيط به آنها است (21) قرآن

کتابی است بامجد و عظمت (22) در لوح دل اولیاء
خدا ثبت است.

سوره طارق

بسم الله الرحمن الرحيم

طارق به معنای حادثه ناگهانی است و این حادثه
قیامت است که باقیام امام شروع می‌شود. سماء
اراده خداوند است و مظهر آن ائمه اطهارند (1) قسم
به آسمان و آن حادثه ناگهانی (2) چه می‌دانی حادثه
ناگهانی چیست (3) ستاره برطرف کننده ظلمت‌ها
(4) هر انسانی در حفاظت خدا است (5) انسان
فکر کند از چه مبدئی خلق شده (6) از قطره نطفه که
به رحم جهیده است (7) از صلب پدر و سینه مادر (8)
خدا قدرت دارد او رابه‌زندگی برگرداند (9) روزی که
اسرار آشکار شود (10) آن روز قدرت و یآوری ندارد
(11) قسم به آسمان رعد و برق (12) و زمینه قلب
انسان که شکوفا می‌شود (13) که این قرآن فاصل

بین حق و باطل است (14) یاوه گوئی و خلاف حق نیست (15) کفار آنچه می‌توانند کید و مکر می‌کنند (16) من هم کید و مکر می‌کنم (17) کفار را مهلت ده باز هم مهلت مرتبه سوم هم مهلت.

سوره اعلیٰ

بسم الله الرحمن الرحيم

همه جا کلمات اسم خدا در بسم الله و جای دیگر تفسیر به امام شده است که خداوند می‌فرماید از آنها کمک بگیرید و آنها را از عیب و گناه منزه بدانید (1) اسم پروردگار اعلیٰ را از عیوب منزه بدان (2) خدائی که آفرید و به اعتدال رسانید (3) زندگی را مهندسی کرد و هدایت نمود (4) خدائی که چراگاه زندگی آفرید (5) و بعد آنرا خشک و بی‌محتوی نمود (6) قرآن را برای تو می‌خوانیم فراموش نخواهی کرد (7) مگر آنچه را خدا بخواهد که آشکار و نهان را می‌داند (8) تورا آرام آرام به آسایش و آرامش می‌رسانیم (9) خدا را یاد آوری کن که سود بخش

است (10) کسی که عظمت او را درک کند معرفت فرامی گیرد (11) فقط شقاوت مندان از قرآن دوری می کنند (12) همان ها که آتش بزرگ را روشن می کنند (13) بعد در آن آتش نه می میرند و نه زندگی دارند (14) رستگار کسی است که خود را بپروراند (زکات بدهد) (15) به یاد خدا باشد و نماز بخواند (16) شما مردم زندگی دنیا را اختیار می کنید (17) با این که آخرت بهتر و باقی تر است (18) این علوم در کتب گذشتگان بود (19) در کتاب ابراهیم و موسی.

سوره غاشیه

بسم الله الرحمن الرحيم

غاشیه عذاب فراگیر بشریت است که خدادار سوره دخان می گوید یغشی الناس هذا عذاب الیم (1) آیا

عذاب فراگیر جهانی را دانسته‌ای. پاورقی 281 (2) که وجوه دنیا در مقابل آن بی‌چاره‌اند (3) اعمالشان براساس نصب عداوت خدا و اولیا خدا است (4) آنهاکه آتش هسته‌ای را روشن می‌کنند (5) با افکار آنی و زود گذر هدایت می‌شوند (عاقبت بین نیستند) (6) کفار طعامی جز بارنج فراوان ندارند (7) متاعی که تقویت نمی‌کند و گرسنگی را بر طرف نمی‌نماید (8) چهره‌های دین خدا آن روز متنعم‌اند (9) از کار و کسب خود خوشنودند (10) در مقامات عالی بهشتند (11) یاوه گوئی‌ها و لغویات نمی‌شنوند (12) چشمه علم و حکمت در وجودشان جاری است (13) سریر قدرت و حکومت برکائنات در اختیار آنها است (14) ظرف‌ها و تجملات زندگی (15) پشتمی‌ها و متکاها همه جا (16) زیبایی‌ها همه جا جلوه‌گر است (17) در خلقت شتران فکر کنید چه طور ساخته شدند (18) در آسمان و فضای فکر که ارتفاع یافته (19) کوه‌های زمین و کوه‌های قدرت نصب شده (20) و سطح زمین و زمینه تربیت چگونه گسترش یافته است (21) آثار نعمت و قدرت را یاد آوری کن تو فقط یاد آورنده‌ای (22) تغییر دهنده ذوات نیستی (23) مگر کسانی که اعراض می‌کنند و کافرند (24) که

خداوند سخت آنها را عذاب می‌کند (25) رجعت مردم به سوی ما (26) و حسابشان با ما خواهد بود (ضمیر جمعی در این آیات خدا و وسائط حکومت هستند که در زیارت جامعه می‌خوانیم ایابهم الیکم و حسابهم علیکم).

سوره فجر

بسم الله الرحمن الرحيم

در این سوره از وجود 14 معصوم با کلمات فجر و لیالی عشر و شفع و وتر تعبیر شده است زیرا عالم خلقت به منزله خانه و انسان کامل صاحب خانه است (1) قسم به فجر ظهور نور (2) و شب‌های دهگانه (3) و قسم به شفع و وتر (4) و شب طولانی غیبت تا که سیرش به آخر رسد (و حکومت الهی دایر شود) (5) آیا خردمندان این قسم‌ها را می‌شناسند (که قسم به اشخاص است نه به اشیاء) (6) ندیدی خدا با قوم عاد چه کرد (7) صاحبان باغ ارم مجهز به

ستون‌ها(8) باغی که نمونه تاریخی نداشت (9) و قوم
ثمود که در دل کوه‌ها خانه می‌تراشیدند (10) و
یافرعون که مظلوم را به چهار میخ می‌کشید
(11) و کسانی که سر به طغیان کشیدند (12) زندگی
مردم را به فساد می‌کشیدند (13) خدا بر آنها تازیانه
عذاب بارید (14) خدا در کمین ستمکاران است
(15) انسان چنان فکری دارد که اگر خدا به او ثروت
بدهد می‌گوید بنده خوبی بودم خدا حق مرا رعایت
کرد (16) و اگر با آزمایش دیگر او را به فقر مبتلا کند
می‌گوید خدا به من توهین کرد حق مرا ضایع نمود
(دارائی و ناداری را به حساب حق و تضییع حق خود
می‌گذارد و خدا را ظالم می‌داند) (17) چنین نیست
بلکه یتیم را اکرام نکردید (18) و مساکین را اطعام
ننمودید (19) ارث خدا و رسول را پر و فراوان
خوردید (زیرایک پنجم ثروت‌ها مال خدا است) (20) مال
دنیا را زیاد دوست داشتید (21) زمانی که زندگی اهل
زمین کوبیده شود (22) حکومت پروردگار تو باقیام رب
الارض و فرشتگان صف در صف شروع شود
(23) جهنم ظاهر شود آنروز انسان متذکر جنایات
خود می‌شود که دیگر سودی ندارد (24) در این جا
آرزو می‌کند که کاش برای این زندگی ذخیره‌ای

داشتم (25) در این زمان است که هیچ کس برابر انسان، انسان را عذاب نمی‌کند (26) و برابر او انسان را در قید و بند قرار نمی‌دهد (27) ای انسان با اطمینان (28) که خوشنود و پسندیده خدایی در جوار رحمت خدا باش (29) در میان بندگان خودم (30) در بهشت مخصوص خودم (که رضوان الله است مصداق این خطابات امام حسین ع شناخته شده است.

سوره بلد

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره را به مناسبت این که عظمت خانه کعبه را منوط به وجود رسول خدا می‌داند سوره بلد نامیده شده است (1) در صورتی به خانه کعبه قسم می‌خورم (2) که تو آنجا باشی (3) قسم به پدر صالح و فرزندان (4) ما انسان را در رنج و مشقت آفریدیم (5) خیال می‌کند کسی براو مسلط نیست

آزاد است که (6) می‌گوید این همه مال و ثروت را نابود کردم (7) خیال می‌کند کسی بر او نظارت نداشته (8) مگر ما دو چشم بینابه او ندادیم (تاجای پای خود رابینند) (9) زبان و لب گویا به او ندادیم (10) و او را به دو کوه خیر و شر هدایت نمودیم (11) او از عقبه مسئولیت عبور نکرد (12) تو می‌دانی عقبه مسئولیت چه بود (13) برده‌ای یا گرفتاری را آزاد کند (14) یادار ایام گرسنگی گرسنه‌ای را سیر نماید (15) یتیمی از خویشاوندان (16) یا مسکینی زمین گیر (17) با همه این‌ها اهل ایمان و عمل صالح باشد مردم را امر به صبر و رحم به یکدیگر نماید (18) چنین افرادی با میمنت و برکت هستند (19) و کسانی که کافر به آیات خدا می‌شوند شوم و نامبارک‌اند (20) و عاقبت در محاصره آتش‌ها قرار می‌گیرند

سوره شمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در این سوره مبارکه هم خداوند از اشخاص تعبیر به اشیاء می‌کند شمس و قمر و نهار تاویل به معصومین شده است (1) قسم به خورشید و تابش آن (2) و قسم به ماه که در پی خورشید حرکت می‌کند (3) و روز، که خورشید را جلوه می‌دهد (4) و فضای تاریک، که خورشید را می‌پوشد (5) و قسم به آسمان سازمان ولایت و کسی که آن را ساخته است (6) و زمینه تربیت و کسی که آن را گسترده است (7) و نفس انسانی و کسی که آن را مهندسی نموده (8) فجور و تقوا را به او آموخته است (9) رستگار کسی است که نفس خود را پاک کند و پیروراند (10) ناامید کسی است که خود را آلوده کند (11) قوم ثمود باطغیان خود دین خدا را تکذیب نمودند (12) که شقی ترین خود را مامور قتل ناقه صالح کردند (13) رسول خدا گفت ناقه را به خود واگذارید (14) او را تکذیب کردند و ناقه را کشتند خدا آنها را در معرض عذاب قرار داد و آنها را با خاک یکسان کرد (15) که از عاقبت جنایت نترسیدند.

سوره والیل

بسم الله الرحمن الرحيم

این کلمات شب و روز که خدابه آن قسم می‌خورد انسان‌های کاملی هستند که طبیعت به‌نام آنها ساخته شده زیرا اگر انسان‌های عارف نبودند خلقت عالم و آدم لغو بود (1) قسم به‌دوره غیبت که ظلمت آن فراگیر است (2) و قسم به‌خورشید ولایت که تجلی کند (3) و آنچه زن و مرد که آفریده است (4) کار و کوشش شما مختلف است (5) هرکس تقوا پیشه کند و به‌مردم خدمت نماید (6) و نیکوکاری را تصدیق کند (7) و وصول به‌سعادت را برایش آسان می‌کنیم (8) و هر کس بخل کند خود را از خدا بی‌نیاز بداند (9) نیکي و نیکوکاری را تکذیب نماید (10) او را آسان به‌دایره مشقت می‌کشانیم (11) در این دایره از ثروت خود سودی نمی‌برد (12) و وظیفه ما هدایت است (13) زندگی دنیا و آخرت به‌دست ما است (14) شما را از زبانه آتش می‌ترسانیم (15) شقی ترین مردم

آنرا روشن می‌کند (16) کسی که خود رای است و دین را تکذیب می‌کند (17) با تقواترین از آن اجتناب می‌کند (18) همان‌ها که زکات مال خود را می‌دهد (19) بدون این که فقیر بر او حقی داشته باشد (20) فقط برای خدا خدمت می‌کند (21) به‌زودی از عمل خود راضی می‌شود.

سوره ضحی

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) قسم به‌روز روشن اسلام (2) و شب کفر که دامن بگستراند (3) پروردگار تو را رهانکرد و خشم نگرفت (4) آخرت برای تو از دنیا بهتر است (5) آن‌قدر به‌تو ببخشد که راضی شوی (6) مگر یتیم نبودی که تو را پناه داد (7) یا مگر گمراه نبودی که تو را هدایت کرد (8) فقیر نبودی که به‌تو ثروت داد (9) پس یتیم را از خود مرنجان (10) و به‌سائل تشر نزن (11) نعمت الهی را به‌مردم ابلاغ کن.

سوره انشراح

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

- (1) مگر سینه تورا به علم و حکمت و سعت ندادیم
- (2) بار سنگین مسئولیت را از عهده تو بر نگرفتیم
- (3) باری که کمر تورا شکسته بود (4) یاد و نام تورا بلند آوازه نکردیم (5) صبر کن دنباله سختی آسایش است (6) باز هم صبر در پی سختی آسایش است (7) از کار نبوت فارغ شدي خليفه ات را نصب کن (8) براي لقا خدا آماده باش.

سوره تین

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(1) قسم به انجیر و زیتون (2) و طور سینا (3) و این شهرامن و امان (3) ما انسان را در اعتدال کامل آفریدیم (4) و او را در اثر کفر به اسفل سافلین بر گردانیدیم (5) مگر اهل ایمان و عمل صالح که اجری بدون منت دارند (6) بعد از این آیات چه کسی دین تو را تکذیب می‌کند (7) مگر خدا بهترین حاکم نیست.

سوره علق

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) برای قرائت قرآن از اسم پروردگار آفریننده کمک بگیر (2) خدائی که انسان را از خون بسته آفرید (3) خدا را این طور تعریف کن که کریم و بزرگووار است (4) خدائی که با قلم تربیت خود به انسان آموخت (5) علومی را که نمی‌دانست (6) چنین نیست

انسان طغیان می‌کند (7) اگر خود را بی‌نیاز بداند (8) بازگشت همه به سوی خدا است (9) بین چقدر بی‌حیا است کسی که (10) بنده خدا را از نماز باز می‌دارد (11) بگو چه جواب داری اگر او در خط هدایت باشد (12) یا مردم را به تقوا امر کند (13) تازه اگر دین را تکذیب کند و خود رای باشد (14) به تو مربوط نیست مگر خدا نمی‌بیند (15) چنین نیست اگر از فضولی و بی‌حیائی منصرف نشود (16) موی پیشانی او را می‌گیریم (17) پیشانی قلابی کاذب خطاکار (18) او از یاران خود کمک بخواهد (19) ما هم از شعله آتش کمک می‌گیریم (20) اعتنا مکن خدا را سجده کن به خدا نزدیک باش.

سوره قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(1) ماقرآن را در شب قدر نازل کردیم . پاورقی 282
 (2) چه می‌دانی شب قدر چیست (3) شب قدر از
 هزار ماه بهتر است (4) زیرا فرشته و روح در آن شب
 به امر خدا ارزش انسان را بالا می‌برند (5) و
 سلامتی او را تا صبح قیامت^{سوره بینه} تامین می‌کنند.

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) کفار از اهل کتاب و مشرکین از کفر خود جدا
 نمی‌شوند گر چه دلائل روشن ببینند (2) آن دلائل
 رسول خدا است که کتاب‌های پاک منزه برای آنها
 تلاوت می‌کند (3) در آن کتاب‌ها علوم روشن و پایدار
 (4) اهل کتاب زمانی تفرقه پیدا کردند که دلائل حق
 برای آنها روشن شد (5) تمامی مردم يك نواخت
 مامور شدند بنده خدا باشند دین خود را خالص کنند
 متمایل به حق باشند نماز اقامه کنند و زکات بدهند
 این مواد پنجگانه دین پایدار است (6) کفار و مشرکین
 عاقبت گرفتار جهنم می‌شوند در آن مخلدند آنها

بدترین مردمند (7) و کسانی که ایمان به خدا می‌آورند عمل صالح دارند بهترین مردمانند (8) پاداش آنها نزد پروردگار علم و قدرتی است که نعمت‌ها از آن جریان دارد در آن نعمت جاویدند، خدا از آنها راضی و آنها از خدا خوشنودند این مقام برای کسی است که عظمت خدا را درک می‌کند.

سوره زلزله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(1) زمانی که يك جا زندگی اهل زمین متزلزل شود
 (2) زمین شخصیت‌های بزرگ را از دل خود بیرون کند
 (3) انسان متعجب می‌شود که چه شده و چه خواهد شد
 (4) آن وقت زمین حوادث تاریخ را گزارش می‌دهد
 (5) که خدا حوادث را به آن وحی می‌کند (6) تمامی انسان‌ها از دل خاک در وضع مختلف ظاهر می‌شوند
 تا اعمال خود را ببینند (7) هر کس ذره‌ای عمل نیک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انجام داده می‌بیند (8) و هرکس ذره‌ای عمل بد داشته باشد می‌بیند.

این سوره تقدیر نامه جنگ‌های مولی علیه السلام است (1) قسم به اسب‌ها که با سرعت دویدند و نفس زدند (2) و با اسم‌های خود جرقه می‌پرانیدند (3) بین طلوعین دشمن را غارت کردند (4) با این حملات گرد و غبار برانگیختند (5) به ناگاه دشمن را به محاصره درآوردند (6) این انسان است که با مربی خود سخت حسادت دارد (7) و گواه زشت‌خوئی و

بدي عمل مي‌باشد (8) شدیداً مال دنیا را دوست مي‌دارد (9) چرا نمي‌داند که وقتي مردگان از قبر خارج شوند (10) و آنچه در دل پنهان داشته آشکار شود (11) پروردگارشان به حال آنها آگاهي کامل دارند.

سوره قارعه

بسم الله الرحمن الرحيم

قارعه به معنای جنگ‌های کوبنده و خراب کننده ساختمان‌ها می‌باشد و نظر به این که اسلام و قرآن يك کتاب جهاني است، مسائل آن‌هم جهاني می‌باشد. پس قارعه به معنای جنگ جهاني است که از سه جنگ جهاني خبر می‌دهد. جنگ جهاني سوم باقي مانده است (1) آن جنگ کوبنده (2) چیست آن

کوبنده (3) چه می‌دانی چیست آن جنگ کوبنده
 (4) روزی که مردم مانند پروانه‌های شمع پراکنده‌اند
 (5) و پشم کوه‌ها (ابر قدرت‌ها) زده می‌شود (6) هرکس
 متین و سنگین شناخته شود (7) در يك زندگي
 پسندیده قرار می‌گیرد (8) و هرکس سبک سر
 شناخته شود (9) هدفش هوا هوس است (10) چه
 می‌دانی هاویه چیست (11) آتش جهنم است.

سوره تکاثر

بسم الله الرحمن الرحيم

تکاثر به معنای مسابقه در کثرت مفاخر دنیائی است
 (1) کثرت طلبی دنیا شما را به غفلت انداخت (2) تا
 جایی که به کثرت مردگان فخر کردید (3) چنین نیست
 که در این خرافه‌ها بمانید به زودی می‌دانید (4) باز هم
 خواهید دانست (5) چنین نیست اگر علمتان قطعی
 شود (6) در همین دنیا جهنم رامی‌بینید (7) بعد

به چشم یقین خواهید دید و بعد مسئول نعمت ولایت
خواهید بود.

سوره عصر

بسم الله الرحمن الرحيم

عصر به معنای عصاره خلقت است که آن عصاره
و آخرین نتیجه ظهور حکومت امام زمان علیه السلام
است (1) قسم به عصر (آخرین نتیجه زندگی). پاورقی
283 (2) که انسان دائم در خسارت است (3) مگر
اهل ایمان و عمل صالح که یکدیگر را به رعایت حقوق
و صبر برای رسیدن به نتیجه سفارش می کنند (عمل
صالح مانند بذراست که در آخرت محصول می دهد).

سوره همزه

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) وای به حال مسخره کنندگان (2) کسی که به کثرت مال و منال می‌نازد (3) خیال می‌کند مال و ثروت او را تا ابدنگه می‌دارد (4) چنین نیست مال پرستی او را به عذاب شدید می‌کشد (5) نمی‌دانی که چیست آن عذاب (6) آتش خدا که برافروخته می‌شود (7) مشرف به وجوه و دل‌های دنیا پرستان می‌شود (8) آتشی که آنها را در همان (9) ساختمان‌های آسمان خراش محاصره می‌کند.

سوره فیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(ابرّه سی هزار لشکر آورد تا خانه کعبه را خراب کند، با خدا بجنگد. خدابه‌وسيله مرغ‌های ابابیل با پرتاب سنگ اسیدی آنها را بمباران کرد) (1) ندیدی خدا با اصحاب فیل چه کرد (2) که مکر و سیاست آنها را عامل هلاکت ساخت (3) مرغ‌های ابابیل را به جنگ آنها فرستاد (4) سنگ‌های اسیدی جهنم به طرف آنها پراپندند (5) مانند برگ‌های خورد شده روی زمین افتادند.

سوره قریش

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) الفت قریش را ببین (2) الفت آنها در دو سفر زمستانی و تابستانی (3) بگو صاحب حرم را پرستش کنند (4) که آنها را امنیت داد و از گرسنگی نجات داد اهل حرم به تجارت و وحدت تجاری خودنازیدند خدا

فرمود افتخار شما به این است که درپناه حرم زندگی
می‌کنید.

سوره ماعون

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) تو دیدی کسی را که دین خدا را تکذیب می‌کند
(2) همین افرادند که یتیمان و ضعفا را زجر می‌دهند
(3) و برای کمک به فقرا قدمی بر نمی‌دارند (4) وای
به حال نماز گزارانی که (5) به نمازشان بی‌اعتنا
هستند (6) همان‌ها که ریاکارند (7) و مانع کارهای
خیر می‌شوند.

سوره کوثر

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره شریفه شناسنامه حضرت زهرا سلام الله علیهاست که خداوند متعال ایشان را مبد خیرات و برکات الهی در دنیا و آخرت معرفی می‌کند (1) ما اقیانوس خیرات و برکات به تو بخشیدیم (2) به شکرانه این نعمت بزرگ نماز بخوان و قربانی کن (3) آن ملامت کننده بی‌حیا خودش بلاعقب است.

سوره کافرون

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره هم نمایشگر این است که اهل باطل می‌توانند دین و مرام اهل حق را قبول کنند که

حقیقت است ولی اهل حق نمی‌توانند مرام آنها را قبول کنند که ضلالت است. ضلالت عدم است و عدم قابل قبول نیست (1) بگو ای جماعت کفار (2) من نمی‌توانم بت‌های شما را بپرستم (2) شما هم شعور پرستش خدای ما را ندارید (3) نه، من نمی‌توانم معبود شما را بپذیرم (4) و شما به‌جهل خود خدای مرا نمی‌پرستید (5) بروید دین شما برای خودتان و دین من برای خودم.

سوره فتح

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره از فتح جهانی اسلام خبر می‌دهد (1) زمانی که نصرت خدا و فتح جهانی اسلام رسید (2) و دیدی که مردم گروه گروه به دین اسلام داخل

می‌شوند (3) به‌شکرانه این فتح بزرگ او را تسبیح و ستایش کن و مغفرت بخواه که او توبه پذیر است.

سوره اَبی لهب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(1) بریده باد دو دست اَبی لهب. پاورقی 284 (2) از مال و ثروت خود نتیجه‌ای نگرفت (3) به‌زودی آتش جهنم را خواهد افروخت (4) و هم چنین زن همیزم کش نام او (5) که ریسمان لیف خرما او را خفه کرد.

سوره توحید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

این سوره خدا را چنان تعریف می‌کند که نمونه‌ای در اصول و فروع آفرینش ندارد (1) بگو فقط اوست خدای

یگانه (2) خدای بی نیاز و نامتناهی (3) نه مبداست و نه مبدئی دارد (فوق عدد و مبدا اعداد است) (4) پس نمونه و نظیر ندارد.

سوره فلق

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره مبادی شر و فساد را تعریف می‌کند (1) بگو پناه می‌برم به خدای شکافنده اسرار (2) از شر مخلوقات (3) و از شر دزد عقل و دین که از تاریکی و بی‌راهه وارد می‌شود (4) و از شر جادوگران و سست کننده عقیده‌ها (5) و از شر حسودان که حسودی می‌کنند (فلق در این جا مطابقت با بمب هسته‌ای و اتم شکافی دارد که بزرگ‌ترین شر است).

سوره ناس

بسم الله الرحمن الرحيم

(1) بگو به پرودگار مردم پناه می‌برم (2) پادشاه مردم (3) خدای مردم (4) از شر شیاطین و سوسه‌گر (5) که افکار مردم را وسوسه می‌کنند (6) شیاطین جنی و انسانی

پاورقی 1 - عبودیت در تفاسیر اصیل قرآنی به معنای یادگیری علوم از مسیر اطاعت خدا شناخته شده است ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون ای لیعرفون. این سوره را ام‌الکتاب نامیده‌اند زیرا مادر تمام علوم و حقایق است. خدا را به الوهیت و رحمانیت و رحیمیت معرفی می‌کند که این تعریف شامل تمامی برکاتی است که از جانب خدا در دنیا و آخرت بر بندگان خدا نازل می‌شود. کلمه اسم را که در بسم الله بین خود و بندگان واسطه قرار داده و آن را راه استفاده از کمک و اعانت خدا دانسته انطباق به

ائمه اطهار دارد. آنها باهدایت و ولایت خود راه استفاده از کمك و اعانت خداوند متعالند. آنها اسماء حسناي خدايند و انسانها براي تقرب به خدا و ورود به زندگي بهشتي بايد از هدايت آنها استفاده کنند زیرا آنها راه به سوي خدا هستند و بدون حرکت در راه، کسی به مقصد نخواهد رسید. نه برای خدا ممکن است کسی را از بی‌راهه به مقصد برساند و نه برای خلق خدا ممکن است از بی‌راهه به مقصد برسند. ام‌الکتاب که اسم این سوره است انطباق کامل به وجود مبارك حضرت زهرا دارد زیرا امام‌ها کتاب ناطق خدايند و حضرت زهرا مادر امامت است نه تنها مادر امام‌ها که در تعريف آن حضرت فرمودند لها امومه الائمه. پس او ام‌الکتاب است يعني معنای مجسم سوره حمد. این سوره را ام‌الکتاب نامیده‌اند که مادر تمام علوم و حقایق است، خدا را به الوهیت و رحمانیت و رحیمیت معرفی می‌کند. این تعريف شامل تمام برکاتی است که در دنیا و آخرت بر بندگان خدا نازل می‌شود. ائمه صراط مستقیم به سوي خدا وبهشتند. مولي ع در علم و سیاست و تقوا و عدالت خود راه آفرینش بهشت است. آیا بدون استفاده از محبت و ولایت او ورود به بهشت ممکن است البته

جدائي از او بي‌راهه است و از بي‌راهه كسي به مقصد نمي‌رسد. صراط مستقيم هم در اين سوره به علي ابن ابيطالب تفسير شده است و پيروان آن حضرت كساني هستند كه مشمول نعمت ولايت او شناخته شده‌اند. ولايت حق است كه كليد تاممي نعمت‌ها است. كساني كه از حوزه ولايت او خارجند بر دو قسمند: اگر ظالم باشند مغضوبين عليهم اند و اگر ظالم نباشند، ضالين هستند. در تفسير اين سوره شريفه كتاب مستقلي به نام امرالكتاب نوشته شده كه حاوي رموز و اسرار آن است

پاورقي 2 - حروف قرآن اشاره به اصول عالم خلقت است از اين جهت كه حروف بيان گر اصل كلمات تكويني و خلايق است. باحروف اشاره به مواد اوليه و مصالح ساخت عالم و آدم مي شود همانطور كه حروف تهجي اصل كلمات است، اصول اوليه خلقت هم اصل مخلوقات است. عالم كتاب تكويني خدا است و اصول اوليه به جاي حروف اين كتاب و كلمات است. همان طور كه شما ماشين سازي را از مواد اوليه آن تا آخر مي‌دانيد و توضيح مي‌دهيد قرآن هم ماشين خلقت را از اصول اوليه آن تا آخر چنانكه بوده

و شده برای شما توضیح می‌دهد. مثل این که ماشین خلقت را برای شما اوراق و مونتاژ می‌کند و شما را در جریان کیفیت خلقت عالم و آدم قرار می‌دهد. در کتاب کافی حدیث ان الله خلق اسماء بالحروف غیر متصوت تفسیر اصول خلقت است.

پاورقی 3 - آیه 6 ختم قلوب به معنای خاتمه یافتن هدایت گری خداوند متعال است که خداوند هر فوت و فنی که برای هدایت آنها لازم بوده به کار زده است و نتیجه‌ای جز اتمام حجت بدست نیاورده. آنها در حجاب هدف‌های دنیائی واقع شده‌اند و آن طرف حجاب را نمی‌بینند. ختم قلوب به معنای این نیست که خداوند مانعی روی قلب آنها برای هدایت نشدن ایجاد کرده باشد بلکه به معنای خاتمه یافتن عوامل و اعمال هدایت است.

پاورقی 4 - آیه 10 در بحث‌های آینده ثابت می‌شود که کفار و منافقین ابتدا و انتهای تاریخ آتش جهانی را برای قهر و غلبه بر اولیاء خدا و بشریت خواهند ساخت و گرفتار آن خواهند شد لذا عاقبت کار کافر و منافق به جز ساخت و سازندگی جهنم چیزی نخواهد بود و در حکومت عدل الهی حرارت همان

آتش‌ها از مظلومین به ظالمین بر می‌گردد و در وجود
شان متمرکز می‌شود

پاورقی 5 - آیه 25 جنات عدن در تمامی آیات که
خداوند در آخرت به انسان وعده می‌دهد علم و قدرتی
است که با استفاده از آن هر جا می‌رود همه چیز
برای او مهیا است. خودش با علم و قدرت و بادعای
مستجاب یا معجزه هرچه بخواهد بسازد، می‌سازد.
خداوند در آن حدیث می‌فرماید لایزال یتقرب الی
عبدی بالنوافل حتی کنت سمعه الذی به یسمع
وبصره الذی به یبصر ویده الذی به یبطش باچنین
قدرتی زندگی آخرت برای او حاصل می‌شود و این
علم و قدرت همان جنات عدن تجری من تحتها الا
نهار است. شما دو آیه را به هم مربوط کنید تا معنای
جنات عدن را درک کنید. یکی آیه‌ای که فضای زندگی
را نامتناهی می‌داند و جنبه عرضها السماوات والارض
و دیگری هم جنات عدن تجری من تحتها الانهار
مناسب این دو آیه این است که انسان خودش جنات
عدن باشد نه این که باغی در اختیارش باشد کول
بگیرد به هر جا که بخواهد برود

پاورقی 6 - آیه 40 بنی اسرائیل در طول تاریخ خود الگویی ضلالت در برابر عوامل هدایتند. چقدر زیاد به وسیله پیغمبران مشمول لطف خداوند متعال قرار گرفتند ولیکن با آن همه خیر و برکت که از پیغمبران دیدند همه آنها را کشتند و یا لا اقل اطاعت نکردند. آنها را آزار و اذیت نمودند و عاقبت در اثر اصرار به گناه و معصیت ولج بازی با دین خدا و انبیا مخصوصاً حضرت خاتم ص که پیش از ظهور انتظارش را می کشیدند مشمول غضب خداوند متعال قرار گرفتند و از دایره لطف خدا اخراج شدند.

پاورقی 7 - آیه 58 منظور از ورود به باب دین به حال سجده این است که بدانند اساس دین داری تسلیم و اطاعت از خدا و اولیاء خداست. انسان حق ندارد در دین داری خود رای و خود مختار باشد. مردم در دین داری بر سه قسمند: اول اولیاء خدا که دائم در اطاعتند و دستورات خدا را آن به آن از خدا می گیرند و اجرا می کنند. قسم دوم کسانی که دین و کتاب خدا را در اختیار دارند و بر طبق علم و استعداد خود آن دستورات را اجرا می کنند که مسلماً اهل نجاتند. قسم سوم کسانی که با دین خدا در جنگند و

درست در جهت خلاف دین حرکت می‌کنند که در مسیر جهنم اند.

پاورقی 8 - آیه 62 کسانی که این سه اصل را رعایت کنند چه معلوماتشان ضعیف باشد که مظاهر حق را نشناسند عاقبت به دین خدا و خط اولیاء خدا کشیده می‌شوند و تا زمانی که بارعایت این سه اصل در مسیر حق جوئی حرکت کنند مهاجر الی الله شناخته می‌شوند و اهل نجاتند.

پاورقی 9 - آیه 7 اسرار امثال چنین دستورات این است که اولاً انسان‌ها برای استفاده از لطف خدا قدری زحمت بکشند و سرمایه گذاری کنند تا قدر نتایج کار را که به هدایت خدا انجام شده بدانند و شکر خدا را به جای آورند و ثانیاً از طریق عدم ارتباط این علت و معلول‌ها به یکدیگر بدانند که مستقیماً اراده خدا در کار مؤثر است نه عواملی که آنها تهیه می‌کنند. عقل خود را به کار ببرند که در گوساله مرده چه ارتباطی به حیات مردگان دارد و هم چنین گوساله پرستان بدانند که بت آنها هیچ ارتباطی با موفقیت آنها در زندگی ندارد ولیکن بنی اسرائیل يك چنین مسائل واضحی را درك نمی‌کردند.

پاورقی 10 - آیه 81 دلائل خلود در آتش جهنم را ذکر می‌کند و آن وقتی است که فرهنگ کفر و گناه بر انسان احاطه کند یعنی صد در صد باطل را به جای حق و حق را به جای باطل بشناسد. اصرار بر کفر و گناه و بی اعتنائی به کلمه حق عاقبت انسان را از نظر روانی کافر بیار می‌آورد مانند کودکی که از تولد تا مرگ در تاریکی مطلق زندگی نموده و شعاعی از روشنائی ندیده است. او هرگز نمی‌تواند نور و ظلمت بشناسد.

پاورقی 11 - آیه 84 اخراج از شهر و دیار به دو معنی اطلاق می‌شود: یکی به معنای تبعید و دیگر تکفیر. تکفیر از تبعید خطرناک تر است. تکفیر به معنای این است که مراجع دینی يك نفر را خلاف حق یا به دلیل واهی مرتد بشناسند و حکم ارتداد صادر کنند که گاهی به معنی قتل است و گاهی به معنای حرمت تماس. خداوند این تبعید و تکفیر را نهی کرده اما بنی اسرائیل به هوا و هوس خود بندگان خدا را آزار می‌دادند.

پاورقی 12 - آیه 93 بلند شدن کوه طور بالای سر آنها به معنای حاکمیت تورات و شعار دین است مانند

حاکمیت کعبه بر اهل عالم، مردم در ایمان به خدا و عمل به دستورات او آزادند، کافر باشند یا مومن. ولی اگر بخواهند شعائر دین و تابلو هائی که نمایشگر دین است را از بین ببرند که در عالم خطی به نام دین نباشد و اصلاً کعبه‌ای نباشد که مردم به آنجا پناه ببرند، خدا پیش از این تجاوز به حسابشان می‌رسد و شعار دین را محفوظ می‌دارد تا هرکس بخواهد هدایت شود. هر کس با شعار دین به جنگد نابود می‌شود. بنی اسرائیل می‌خواستند ثمره کوه طور که صندوق عهد و شعار دین بود را از بین ببرند که چنین شعاری به نام دین نباشد ولیکن خدا آنها را سر جای خود نشانید.

پاورقی 13 - آیه 96 دلالت می‌کند که طول عمر برای این است که شاید بنده گناهکار متنبه شود و توبه نماید ولیکن اگر این امید از بین برود و خدا بداند که این کافر گناهکار توبه نمی‌کند و خودش هم بداند راه عذر تراشی ندارد که بگوید خدا یا اگر مرا مهلت می‌دادی توبه می‌کردم دیگر مهلت از او بر داشته می‌شود. لذا در تعریف یهود می‌گوید اگر هزار سال عمر کند خود را از عذاب برکنار نمی‌کند.

پاورقی 14 - آیه 102 یکی از سیاست‌ها و تدبیرات الهی برای ترویج دین این است که گاهی یکی از بندگان خود را فرشته باشد یا غیر فرشته مامور می‌کند که با تظاهر به دین باطل اهل دین باطل را به خود جلب و ضمن این جلب و جذب حقیقت دین را به آنها معرفی کند. بعد از وفات حضرت سلیمان که آن‌همه موفقیت‌های اعجازی داشت کفار و منافقین با فعالیت‌های فرهنگی خود آن موفقیت‌ها را سحر و جادو معرفی کردند و موفقیت‌های اعجازی را که مشعر عظمت خدا بود از خاطره‌ها محو نمودند و مکتب سحر و جادو را رواج دادند. برای خنثی نمودن این توطئه خداوند دو فرشته هاروت و ماروت را به صورت انسانی که که سحر و جادو می‌آموزد در میان آنها ظاهر کرد تا کلاس سحر آموزی باز کنند و مردم را به کلاس سحر خود بکشانند و ضمن سحر آموزی به مردم بفهمانند که سحر چنین است و معجزه چنان و خدا هر کسی را به هدف خودش حق باشد یا باطل می‌رساند تا نتوانند با سحر و جادو چهره دین خدا را که آیات و معجزات است محو کنند و بدانند که سحر و جادو کفر است. پیغمبران کافر نبوده‌اند پس آن دو فرشته با سحر آموزی حقیقت دین و معجزه را

به مردم آموختند. درحاشیه این آیه شریفه افسانه‌هایی پیداشده که خلاف حقیقت است از آن جمله گفته‌اند فرشته‌ها عمل منافی عفت مرتکب و در چاه بابل حبس شدند. خداوند وقتی بخواهد حقیقتی را به مردم بفهماند در خواب یا بیداری فرشته‌ای را که در ذات خود نورا است به صورت انسانی ظاهر می‌سازد و با او سخن می‌گوید ولیکن گوینده خدا است.

پاورقی 15 - آیه 106 منظور اصلی از این محو واثبات، محو واثبات حجت‌های خدا است که یکی را از دنیا می‌برد و دیگری را مثل او به‌جای او می‌نشاند چنان که پیغمبر را برد وعلی علیه السلام را به‌جای او نشاند. برای این که وقتی یکی از حجت‌های خدا به قدرت و شهرت می‌رسد، مردم به اجبار تسلیم می‌شوند نه به معرفت و آزادی. این تسلیم اجباری مطلوب خدا نیست که مرعوب قدرت و شهرت آیت قبل قرار گیرند و متظاهر به دین خدا شوند با این که مومن واقعی نیستند. لذا کسی را به‌جای آیت قبل می‌نشاند که فاقد قدرت و شهرت ظاهری است چنانکه معویه‌ها تسلیم قدرت رسول خدا شدند و کفر خود را بعد از رسول ظاهر ساختند.

پاورقی 16 - آیه 118 دلیل این که خدا خود را به کسی نشان نمی‌دهد این است که رؤیت بدون معرفت برای بیننده سودی ندارد که نمی‌تواند استفاده کند و مایه سبکی شخص مرئی می‌شود. چقدر زیاد مردم امام زمان را دیده‌اند و نشناخته‌اند یا این که امام‌های قبل را دیدند و نشناختند و نتوانستند از هدایت آنها استفاده کنند لذا خداوند معرفت به خود و ائمه اطهار را از طریق آیات و آثار مقدم داشته است تا هرکس طالب رؤیت خدا است اول معرفت پیدا کند. رؤیت به اراده خدا و به قلب واقع می‌شود نه به رؤیت چشم و تفکر که مولا فرمودند *یراه القلب بحقایق الایمان*.

پاورقی 17 - از آیه 127 معلوم می‌شود که خانه کعبه پیش از ظهور حضرت ابراهیم دایر بوده زیرا خدا نمی‌گوید ابراهیم و اسماعیل خانه کعبه را ساختند، می‌فرماید دیوار آن را بالا بردند و ابراهیم که زن و بچه خود را به آنجا برد گفت پروردگارا اولاد خود را به حرم تو سپردم پس معلوم می‌شود پیش از ابراهیم به عنوان حرم خدامشهور بوده. خداوند متعال هم آن را به عنوان اولین خانه‌ای معرفی می‌کند که برای بشر ساخته شده که فرمود *ان اول بیت وضع للناس للذي*

ببکه پس خانه کعبه بعد از هبوط به دست آدم ساخته شده که محل خیمه بهشتی آدم بوده. به دلیل همین اولیت آن را ام القری نامیده‌اند تا یاد آور بهشت آدم باشد.

پاورقی 18 - آیه 138 صبغه از صباغی به معنای رنگ آمیزی است. خداوند به بندگان خود دستور می‌دهد همانطور که خلقت شما نمایش‌گر علم و قدرت خدا است باید علم و عمل شما هم نمایش‌گر اطاعت خدا باشد که هر کس شما را ببیند به یاد خدا بیافتد. روایت شده که وقتی از حضرت عیسی پرسیدند با چه کسی معاشرت داشته باشیم فرمودند من یذکرکم الله رؤیته ویزیدکم فی العلم منطقه ویرغبکم فی الآخرة عمله. کسی که رؤیت او شما را به یاد خدا می‌اندازد و سخنانش بر علم شما می‌افزاید و اعمال او شما را متمایل به آخرت می‌کند.

پاورقی 19 - آیه 142 عقاید و اعمال اصیل دین خدا باید چنان باشد که بشریت را از اولین و آخرین به سوی خدا وحدت دهد. یکی از مراسم وحدت آفرین قبله نماز است. قبله اصیل که از آدم تا انتهای زندگی، بشریت را وحدت می‌دهد و تمامی پیغمبران

اول تا زمان سلیمان نبی به سویی آن بوده‌اند کعبه است که آدم و اولاد آدم را به خود متوجه نموده. پس اگر کسی قبله‌ای بعد از کعبه بسازد و مردم را به قبله خود متوجه کند بشریت را به تفرقه انداخته که خلاف وحدت و توحید است. قبله‌ای که اولین و آخرین را وحدت می‌دهد قبله‌ای است که آدم و نوح و ابراهیم و یعقوب و یوسف و فرزندان ابراهیم را به خود مربوط ساخته. بیت المقدس قبله‌ای بوده که بعد از کعبه بوجود آمده لذا بر خدا و رسول واجب است مردم را متوجه قبله‌ای کنند که قبله آدم و اولاد آدم بوده و خداوند آن قبله را صراط مستقیم شناخته. در آخر آیه تغییر قبله فرمود **وَاللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ** پس رسول خدا منزّه است که به خاطر نژاد و قوم دوستی قبله را تغییر داده و یا تقاضای تغییر قبله نموده باشد.

پاورقی 20 - آیه 153 استعانت از صبر و نماز بهترین راه رشد شجره وجود انسان است. وجود انسان به منزله زمینی است که بذر خدمات و عبادات در آن کشت شده و در آینده تبدیل به محبت خدا و اولیاء خدا می‌شود. تکرار عبادات و خدمات عامل رشد شجره وجود انسان است که محبت خدا و اولیاء او را

رشد می‌دهد و این دو محبت سرمایه زندگی انسان در دنیا و آخرت است. انسان بایستی صبر کند و از خدا کمک بخواهد تا خداوند بذر خدمات و عبادات را در وجود او پیرو راند و به ثمر برساند.

پاورقی 21 - آیه 154 تا 155 خداوند خط حرکت بندگان خود را رشد می‌دهد تا روزی که شجره دین آنها که همان راه خدا است به ثمر نشیند و حکومت خدا و اولیاء خدا ظاهر شود و زندگی بهشتی به وجود آید. در این فاصله خوابی بر آنها می‌گذرد و بعد زنده می‌شوند مثل این است که در بهشت متولد شده‌اند فقط راه خدا و جهاد در راه خدا مثبت است که رشد می‌کند و ثمر می‌دهد. کافر و گناهکار در وجود خود شجره جهنم اند.

پاورقی 22 - آیه 158 کوه صفا و مروه شعاری است که شعور آن شجره نبوت و ولایت است. از شجره نبوت اخلاص بیاموزند و از ثمرات شجره ولایت که تربیت ائمه اطهار است، آبیاری شوند و رشد کنند انسانها باید همه وقت در سایه این دو شجره انجام وظیفه کنند فلذا خروج از سایه این دو شجره خروج به سوی برهوت جهنم است.

پاورقی 23 - آیه 173 هرنوع سرمایه گذاری علیه دین خدا و مبارزه با اولیاء خدا از مصادیق ما احل لغیر الله است که مانند گوشت سگ و خوک حرمت دارد زیرا این خدمات مردم را به کفر و گناه می کشاند پس گوشت و برنج سفره معویه ها حرام است.

پاورقی 24 - آیه 180 کسانی که اعمال خیری از آنها ناتمام می ماند مانند عمران و آبادی ها و یا حق ذوی الحقوق و مراسم خیر دیگر مثل خمس و زکوتی که نداده اند، لازم است مومن خیر خواهی را پیدا کنند و به او وصیت کنند تا خیرات نیمه تمام آنها را به اتمام برسانند.

پاورقی 25 - آیه 185 نزول قرآن در ماه رمضان به معنای نزول روح ایمان در قلب مومن است که توأم با علم و استعداد است. خداوند در تعریف شب قدر می فرماید تنزل الملائکه و الروح. روح و ملائکه هر دو یک جنسند، از آن جهت که به اراده خدا و در اختیار خدا هستند. ملک شناخته می شوند و از آن جهت که قلب انسان به وسیله نزول آنها شارژ می شود و قوت می گیرد، روح نامیده می شود. همان طور که ما انسانها با افاضه نیروی برق و سائل برقی خود را

تقویت می‌کنیم خداوند متعال هم با افاضه روح ایمان، قلب ما را تقویت می‌کند و علم و استعداد ما را بالا می‌برد. این علم و استعداد نازل علم قرآن است. تمام این علم پیش از بعثت بر قلب پیغمبر نازل شده و ظرف بیست و سه سال آیات قرآن در اختیار مردم قرار گرفته. نزول این علم و استعداد فیض شب قدر است که به کمک آن انسان حق را به حقانیت می‌شناسد و در دایره ولایت حق وارد می‌شود. افاضه نیروی روح فقط به دست خداوند متعال است. فرشته‌ها عامل سازنده نیستند بلکه اسباب و ابزار سازندگی به دست خداوند هستند مانند نیروی برق در اختیار انسان. آنجا که خدا نسبت سازندگی به فرشتگان می‌دهد مانند قل یتوفیکم ملک الموت یا مثل نزل به الروح الامین علی قلبک مانند این است که ما می‌گوئیم رادیو گفت و تلفن خبر داد.

پاورقی 26 - آیه 189 در ورودی در این آیه شریفه در ورودی مکتب دین است که رسول اکرم فرمودند انا مدینه العلم و علی بابها. گرچه هر علم و عملی در ورودی دارد که انسان باید از در آن وارد شود اما آن در ورودی که باب تمامی نعمت‌ها در دنیا و آخرت است

درب ورودی دانشگاه علم حضرت رسول یعنی علی ابن ابیطالب است.

پاورقی 27 - آیه 194 تقوای جنگ و صلح به معنای این است که بر اساس حقوق شناسی و عدالت اجرا شود. با انکار حقوق ضایع شده صلح قابل اجرا نیست. تقوای جنگ این است که تجاوز حرام و دفاع واجب است و تمام خسارت‌های جنگ به‌گردن متجاوز است. خداوند می‌فرماید اگر کفار آتش بس اعلام کردند شما با رعایت حقوق بپذیرید که از جمله حقوق‌ها عقب‌نشینی از سرزمین‌های غصب شده است.

پاورقی 28 - آیه 200 تنها جائی که حتما دعا مستجاب می‌شود گرچه صاحب دعا کافر باشد دعا در صحرائی عرفات روز نهم ذی حجه است و بهترین خواهش‌ها که مناسب شان خدا و انسان مومن است خواهشی است که در آیه 201 مطرح شده است که سعادت دنیا و آخرت و برکناری از عذاب‌های آخرت را تقاضا می‌کنند. کسانی که فقط دنیا می‌طلبند مانند کسی هستند که با زحمت فراوان خود را به سلطان مقتدری رسانیده و پس مانده غذائی از

او می‌طلبید چنین خواهشی توهین به سلطان است.

پاورقی 29 - آیه 207 نمونه کامل فروش جان به رضایت خداوند متعال همان داستان لیله المبیث است که رسول خدا ص به‌علی ع فرمود امشب کفار قریش باهم پیمان بسته‌اند که به‌خوابگاه من بتازند و مرا به‌قتل برسانند، شما باید در خوابگاه من بخواید و آنها را به‌خیال این که پیغمبر به‌خواب است در اطراف خوابگاه متوقف کنید تا من به‌سلامتی هجرت کنم. علی عرض کرد اگر من درجای شما بخوابم و کشته شوم جان شما به‌سلامت خواهد بود فرمود بلی. همین جا علی ع سجده شکر به‌جا آورد که جانش فدای پیغمبر شده است.

پاورقی 30 - آیه 210 باظهور امام زمان سایه رحمت خدا گسترده می‌شود. چنان است که گوئی خدا ظاهر شده و این زندگی دنیائی توام بارنج و زحمت خاتمه پیدا می‌کند و زندگی آخرتی شروع می‌شود. همه جا در کتاب الزام الناصب آیات قیامت تاویل به‌قیام آن حضرت شده است. کتاب حدیث مفضل ابن عمر را بخوانید که امام صادق علیه

السلام تمامی کلمات ساعت را به قیام آن حضرت تطبیق می‌کند. آن حضرت برای رسیدگی به حساب‌ها ظاهر می‌شود که در دعای ندبه می‌خوانیم این الطالب بذحول الانبیاء، ائمه اطهار و حضرت عیسی و همه انبیا با آن حضرت هستند. بین هر پیغمبری و قاتل او محاکمه برقرار می‌کند. ابتدا مومن محض و کافر محض و بعد وابستگان آنها زنده و به پیشوایان خود ملحق می‌شوند.

پاورقی 31 - آیه 315 ابناء السبیل همه جا به دو معنی تفسیر می‌شود که الآن در مکتب ولایت هم دایر است. یکی متوقفین در راه مسافرت و دیگر متوقفین در خط علم و دانش. سرمایه‌گذاری در راه وصول به مقاصد علم بسیار مفیدتر و واجب تر است از بودجه‌ای که در راه مسافرت صرف شود تا دانش‌جویان به مقاصد علم برسند و مردم را به تمدن ایمانی و علمی برسانند.

پاورقی 32 - آیه 217 در این آیه خداوند متعال پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام را اهل خانه معرفی می‌کند و اخراج آنها را از خانه بزرگترین گناه می‌شناسد که می‌فرماید و اخراج اهله منه اکبر.

زیارت خانه به منظور زیارت اهل خانه است. خانه بدون اهل، خانه به حساب نمی‌آید. هر يك از چهارده معصوم اهل بیت‌اند یعنی اهل خانه خدا. تشریفات اطراف خانه به منظور احترامات به اهل خانه است. فقط اهل بیت هستند که مردم را به راه خدا هدایت می‌کنند. به قصد زیارت خانه‌زاد خدا به سوي کعبه بروید.

پاورقي 33 - آیه 224 قسم خوردن به اسم جلاله بدون اجازه قانونی توهین به اسم مقدس است که دروغ و یا راست و یا ادعای بی ارزش خود را به اسم مبارك ثابت کنند. قسم مجاز فقط باید به حکم قاضی شرع باشد.

پاورقي 34 - آیه 228 این آیه شریفه حق زن وشوهر را مساوی و برابر می‌داند زیرا زن و شوهری که در ادامه زندگی با یکدیگر همکاری دارند به اشتراك مالك زندگی هستند. هیچ يك از آنها حق ندارند دیگری را از زندگی محروم کنند مگر این که ادامه زندگی مشکل شود.

پاورقي 35 - آیه 233 حق حضانت کودک غیر از از نفقات معمول بین زن و شوهر است. زن مطلقه اگر

كودك خود را پذيرائي كند برابرمخارج خود وكودك به طور متعارف طلب كار مي شود و پدر بايد مخارج كودك و مادر او را بپردازد و حق ندارد بدون رضایت مادر كودك را از او بگيرد مگر اين كه امتناع كند يامخارج فوق العاده تحميل نمايد. بعد از پدر وارث وظيفه پدر را انجام مي دهد يعني اولويت مادر را حفظ مي كند.

پاورقي 36 - آيه 239 تعيين نصف مهر يا كمك شوهر به زن مطلقه پيش از تعيين مهر براي اين است كه زن بعد از آنكه شوهر دار شناخته شود و طلاق بگيرد در عزوبت و دوشيزگي شكست مي خورد لازم است تا اندازه ممكن شكستگي او جبران شود.

پاورقي 37 - آيه 238 نماز در كتاب كنز العرفان تاويل به مقام ولايت ائمه اطهار شده البته حفظ مقام ولايت لب لباب نماز است. نماز بدون ولايت مانند حركت در بيابان است كه از بي راهه به مقصد حركت مي كند كه به جائي نمي رسد. در آن كتاب از مولاع نقل شده كه فرمودند الصلاه اقامه ولايتي نماز در مكتب ولايت من نتيجه بخش است. بر اساس تاويل صلاه صلاه

الوسطی معرفت حضرت زهرا سلام الله علیها است. معرفت ایشان ملاک نجات از آتش جهنم شناخته شده و ایشان امتیاز خاصی در آیات و روایات دارند که فرمودند سمیت فاطمه لان الله تعالی فطمت شیعتها من النار. ممکن است مردم ائمه را به امامت و وصایت بشناسند ولی این شناسائی شناسائی به عنوان است. بهترین شناسائی آگاهی به سرمایه های وجودی آن حضرت است. شناسائی به عرفان مهم است، کسی که فاطمه را به ولایت و عصمت شناخت ائمه را به ولایت که ارتباط مستقیم با خدا است، می شناسد.

پاورقی 38 - آیه 246 بقاء موجودیت بنی اسرائیل همه جا به کیفیت اعجاز بوده. خودشان معرفت دینی و یا استعداد جهاد نداشته اند که دین و تورات را حفظ کنند. تورات موسی که در صندوقی امانت بوده همه وقت به اعجاز الهی حفظ شده و حفظ صندوق ملاک حفظ استقلال مذهب آنها بوده است. هر وقت از خط دین منحرف می شدند در محاصره بلا و سلطه دشمن واقع می شدند و اجباراً به پناه دین بر می گشتند و خدا به آنها پناه می داد و حمایت می کرد اما بعد از آن که حضرت عیسی را با آن شهرت و عظمت نبوت

به‌دار زدند و اصرار بر انکار پیغمبر اسلام و نبوت آن حضرت نموده و تا توانستند حضرتش را اذیت و آزار نمودند، مغضوب خدا واقع شدند که تا قیام امام زمان زندگی گوارائی نخواهند داشت لیبعثن علیهم الی یوم القیامه من یسومهم سوء العذاب.

پاورقی 39 - آیه 249 خداوند مجاهدین اسلام را پیش از ورود به میدان جنگ آزمایش می‌کند که برای دنیا می‌جنگند یا برای دین. لشکریان طالوت را در حال تشنگی با نهر آبی آزمایش کرد تا هر کس اطاعت کند، خدا نیروی مقاومت مقابل دشمن در او ایجاد کند. مجاهدین اسلام را هم در برابر دنیا طلبی امتحان می‌کند هر کس برای خدا به میدان جنگ برود نیرو می‌گیرد، شهید می‌شود یا در دین استقامت کند نصرت خدا به او می‌رسد و هر کس دنیا طلب باشد از نصرت خدا بهره نمی‌برد.

پاورقی 40 - آیه 254 فعالیت‌های آزاد دین طلبی یا دنیا طلبی تا پیش از ظهور امام زمان ادامه دارد. خدا به کافر و گناهکار مهلت می‌دهد تا توبه کنند و علم و عمل خود را اصلاح نمایند اما بعد از ظهور امام در توبه بسته می‌شود، مهلت و آزادی از آنها برداشته

می‌شود زیرا آن حضرت با قدرت الهی اعجازی قیام می‌کند. به محض ظهور تمام کره زمین در تصرف او است. امام باقر (در کتاب تحف العقول) فرمودند يصلح الله امره في ليلة واحدة قبول توبه در زمینه قدرت، توبه ابوسفیانی است که آن حضرت قبول نمی‌کند زیرا توبه نیست و بعد در حکومت آن حضرت تمامی عذاب‌هایی که در دنیا از ظالم به مظلوم رسیده از مظلوم به ظالم برمی‌گردد.

پاورقی 41 - آیه 259 عزیر پیغمبر بعد از صد سال که مرده بود زنده شد خیال کرد خوابیده و بیدار شده دنبال الاغش می‌گشت که کجا رفته. فرشته‌ای به صورت انسان ظاهر شد به او گفت همین استخوان‌های پوسیده مال الاغ تو است. گفت این الاغ صد سال پیش از این مرده است گفت توهم صدسال مرده بودی حالا زنده شده‌ای. اکنون الاغ را خدا زنده می‌کند که گفتی (انی یحیی هذه الله بعد موتها) جلو چشمش خاک‌ها تبدیل به گوشت و استخوان شد و الاغش خلق شد و حرکت کرد. سوار شد به خانه‌اش برگشت که دید اوضاع خیلی تغییر کرده است. خانواده‌اش قبول نمی‌کردند که او عزیر باشد. اهل خانه گفتند تو اگر عزیری تورات را

بخوان، عزیز تمام تورات را حفظ بوده گفت من عزیزم تمام تورات را حفظم او را به نبوت قبول کردند لذا گفته اند کدام دوبرادر بودند که باهم متولد شدند و باهم مردند یکی پنجاه سال داشت و دیگری صد و پنجاه سال جواب دادند که عزیز و عزیز بوده اند.

پاورقی 42 - آیه 261 خدمات و عبادات مانند بذر است که در دل بندگان خدا می‌روید و مهر و محبت به وجود می‌آورد. عبادات محبت و معرفت به خدا در دل آدم ایجاد می‌کند و خدمات در دل مردم محبت می‌سازد و این دو نوع محبت، سرمایه زندگی آخرت است. بهشت منهای محبت خدا و انسان جهنم است.

پاورقی 43 - آیه 266 یعنی ارث و سرمایه‌ای از شما که برای فرزندان باقی می‌ماند و نتیجه بخش است کارهای خیر و انقاقات مخلصانه شماست که لطف و محبت خدا و مردم را به خانواده شما جلب می‌کند و چند برابر انقاقات شما را که همان مهر و محبت است به خانواده شما برمی‌گرداند و اولاد شما بیمه خدا هستند. اما ریاکاری و ربا خواری عامل پیدایش آتش

طغیان و عقده مردم است که خانواده شما را می‌سوزاند.

پاورقی 44 - آیه 270 در دین مقدس اسلام همه جا لطف خدا و مردم سرمایه زندگی شناخته شده‌اند. زندگی منهای لطف خدا و مردم جهنم است. شما میلیون‌ها ثروت خود را باتمامی تجهیزات زندگی به بیابان و جنگل انتقال دهید و همه چیز داشته باشید غیر از لطف خدا و انسان. نه زن نه بچه نه هیچ کس خواهید دانست که زندگی در حال تنهائی يك جهنم است پس قدر انسان‌ها را بدانید به آنها ستم نکنید که دوستی آنها تبدیل به دشمنی شود.

پاورقی 45 - آیه 275 در دین مقدس اسلام اقتصاد به این کیفیت مقدر شده که از طریق تولید و خدمات باشد. فایده برسانند و استفاده کنند زیرا تولید و خدمات عقل انسان را رشد می‌دهد اما ربا خواری و مفت خوری ربا خوار و مفت خوار را کودن بار می‌آورد. وادار به ظلم و ستم می‌شوند و بار زندگی خود را به دوش مردم می‌گذارند و عاقبت مبعوض مردم واقع می‌شوند. لطف خدا و مردم از آنها سلب

می‌شود و درست نیست عده‌ای زحمت بکشند
وعده‌ای محصول زحمت آنها را بچشند.

پاورقی 46 - آیه 281 تمامی مقدرات و مقررات بین
المللی از همین آیه شریفه استخراج شده. در این
آیه خداوند اصول عدالت و تجارت و کتابت را بیان
فرموده. ظهور قرآن در جاهلیت عرب مانند ظهور
چشمه زمزم در سرزمین خشک کعبه است که يك
معجزه است. موجودیت اسلام و چهارده معصوم
و تمامی آثار و وجودشان معجزه است. به تمام وجود و
آثار آیت الهی هستند. هر جا کلمه آیت در قرآن
می‌بینید منظور ائمه اطهارند، آنهاست که درهای علوم
و درهای طبیعت را به روی مردم باز کردند. کتاب مغز
متفکر جهان شیعه جعفرابن محمد را بخوانید تا بدانید
چگونه عده‌ای از دانشمندان فرانسه سرچشمه
علوم غرب را مکتب امام صادق دانسته‌اند و فرضیه
هر علمی را به آن بزرگوار مربوط نموده‌اند. جابر ابن
حیان را که یکی از شاگردان آن حضرت بوده به‌عنوان
پدر شیمی دانسته‌اند. آنها هستند که مردم را به‌یک
تمدن ایمانی و اسلامی هدایت نموده‌اند. بهشت
موعود در مسیر هدایت آنها قابل ظهور است.

پاورقی 47 - آیه 285 این چند آیه که مربوط به معراج حضرت رسول اکرم و حالت لقاء الهی او است گفته های آن حضرت با گفته های خدا ضمیمه یکدیگر شده و به صورت آیه در آمده است یعنی خداوند سخنان آن حضرت را در حال ملاقات ضمیمه سخنان خود نموده و نازل کرده است نه این که آن حضرت گفته خود را ضمیمه آیات کند تا کسی بگوید تصرف در آیات نموده بلکه خداوند سخنان او را ضمیمه آیات نموده است. آن جا که خداوند فرمود *آمن الرسول حضرت عرض کرد والمؤمنون کل آمن بالله.*

۱ سوره آل عمران π

پاورقی 48 - آیه 7 تمامی مسائل غیبی که با چشم انسان قابل رویت نیست و خدا آنها را تعریف می کند از متشابهات است یعنی آن چه غیب است به آن چه قابل رویت است تشبیه می شود نه این که مثل آن باشد. خداوند می فرماید فرشته ها آمدند انسان خیال می کند آنها مانند انسان افرادند که آمده اند. کسانی که موجود غایب را به آن چه می بینند قیاس می کنند به اشتباه می افتند.

پاورقی 49 - آیه 15 جنات عدن وجود انسانی است که مجهز به اراده (کن فیکونی) خداوند متعال است. چنان که در حدیث نافله وعده می‌دهد می‌فرماید (لایزال یتقرب الی عبدي بالنوافل) پس برای انسان بهشتی که مجهز به اراده خدا است، تمام عالم خلقت بهشت است. اگر بهشت باغی در جای معین باشد من که در کل فضا آزادم چه‌طور باغ خود را به فضایی نامتناهی همراهم ببرم. خدا من و شما را مجهز به اراده خود می‌کند که هر جا باشیم بهشتیم مانند معجزات انبیاء که هر جا هستند آنچه می‌خواهند دارند.

پاورقی 50 - آیه 19 عفو و غفران در مقابل ذنب و عصیان است. ذنب گناهی است که از نقص وجودی و جهل انسان پیدا می‌شود مانند گناه کودکان، انسان کم استعدادی که نمی‌تواند در برابر جهل خود یا جو حاکم مقاومت کند به‌قصور مرتکب گناه می‌شود نه به تقصیر. چنین انسانی مستحق غفران است و بعد از استغفار خدا به او نیرو می‌دهد تا بتواند مقاومت کند اما عصیان گناه به تقصیر است. می‌تواند گناه نکند اما تجری دارد. این گناه دل را تیره می‌کند که

احتیاج به عفو دارد، عفو یعنی محو اثر پس دو لغت ذنب و عصیان از یکدیگر جدا است و مترادف نیستند.

پاورقی 51 - آیه 27 اگر اصول خلقت که روح و جسم است مانند ذات خدا حیات ذاتی داشته باشد خروج حیات از موت و موت از حیات ممتنع است زیرا سلب اثر ذاتی از ذات ممکن نیست. ذاتیات مانند زوجیت برای اربعه قابل سلب و اثبات نیست. ذاتیات به ذات داده نمی‌شود و از ذات گرفته نمی‌شود. اثر ذاتی عین ذات است، قابلیت سلب و اثبات دلیل دوگانگی مسلوب و مسلوب عنه است مانند سلب نور از هوا و روح از جسم. سلب و اثبات حیات از جسم انسان دلیل این است که حیات و علم و قدرت در نهاد مخلوقات اثر ترکیبی است نه اثر ذاتی ماده تنها و یاروح تنها لذا مبدء خلاق پیش از ترکیب دو اصل است اصل نور و اصل ماده.

پاورقی 52 - آیه 30 نتایج خیر و شر فقط در وجود انسان متمرکز است. نتیجه کار خیر محبت است که در دل بندگان خدا ایجاد می‌شود و نتایج کار شر بغض و عداوت در دل مظلوم است. مظلوم در آخرت قدرت انتقام پیدا می‌کند و ظالم اگر چه سلطان

مقتدري باشد مانند موش مرده زیر پنجه مظلوم واقع مي‌شود در این صورت مي‌گويد اي کاش فاصله بين من و این مظلوم فاصله مغرب و مشرق بود.

پاورقي 53 - آیه 45 بزرگ ترین دلیل عظمت روهي ومقامي حضرت مریم این بود که وعده خدا را تصدیق کرد که مي‌تواند بدون شوهر فرزندی به او مرحمت کند و او را به مقام بزرگی برساند، به کرسی عزت بنشانند. افکار تاریخ حمل زن بدون شوهر را باور نمي‌کند و قدرت درك آن را ندارد مگر افکار بسیار بالا که مجهز به روح القدس است. مریم با خدا سخن مي‌گويد و صدای فرشتگان را مي‌شنود. خداوند او را با کلمه صدیقه تعریف مي‌کند و مي‌فرماید و صدقت بکلمه ربه‌ها.

پاورقي 54 - آیه 55 بعد از قیام امام زمان و ظهور حکومت جهانی و ابدي آن حضرت دین دیگری جز اسلام به رهبری امام معصوم وجود ندارد که فرمود وقتلوه‌م حتی لا تکون فتنه ویکون الدین کله لله پس یهودیت و نصرانیت و ادیان دیگر وجود ندارد و اگر وجود داشته باشد چه ظلمی برای بشریت از وجود دین‌های باطل بالاتر است. کل بشریت مسلمان

شیعه‌اند وبقیه در استیصال (این مستاصل اهل النفاق و التضلیل. خداوند در این آیه به حضرت عیسی می‌فرماید پیروان تو ای عیسی تاروز قیامت بر غیر پیروان تو برتری دارند، اگر قیامت بعد از ظهور امام باشد لازم است نصرانیت و ادیان دیگر بعد از قیام وجود داشته باشد وعلاوه عدالت جهانی خط عدالت لازم دارد وآن خط فقط دین اسلام به‌رهبری امام معصوم است. پس بزرگترین ظلم به بشریت این است که در دینی غیر از دین مقدس اسلام باشند. بنا بر نص این آیه شریفه قیام آن حضرت قیامت است که فرمود لیظهره علی الدین کله.

پاورقی 55 - آیه 81 پیغمبران واولیاء خدا یک حزب متحد و متقی ومامور خدا هستند که همه یک جور ویک نواخت دین خدا را مطرح می‌کنند. پیغمبران گذشته آینده‌ها را تعریف و تصدیق می‌کنند و پیغمبران آینده مانند قرآن تمامی پیغمبران گذشته را تصدیق می‌کنند. این اختلافات در ادیان را مردم به وجود آورده‌اند. پیغمبران گذشته به اتفاق، پیغمبر اسلام وائمه اطهار را تعریف و تصدیق کرده‌اند ومخصوصا امام زمان علیه السلام را که فرج اهل عالم وهمه انبیا به دست او است، تبلیغ وترویج نموده‌اند وهمه آنها

فرج خورا به دست آن حضرت می‌دانند. آنجا که لوط نبی در محاصره بی‌حیائی مردم قرار می‌گیرد می‌گوید لوکان لی بکم قوه اوآوی الی رکن شدید معصوم این آیه را تفسیر می‌کند که لوط آرزو کرد ای کاش دستش به دامن امام زمان می‌رسید. هر پیغمبری در زمان امام زمان زنده می‌شود و امت مستحق شفاعت خود را به دایره حکومت آن حضرت می‌کشاند. روایات صراحت دارد که حضرت عیسی همراه آن حضرت است. دلیلی ندارد که عیسی همراه حضرت باشد و دیگران نباشند. سرنوشت همه ملت‌ها و امت‌ها در تقدیر خدا یکی است. همان طور که زندگی دنیا برای همه کس بوده آخرت هم برای همه خواهد بود. از جمله یاران آن حضرت اصحاب کهف و ابوذر و سلمان است. مولا علیه السلام به کمیل ابن زیاد می‌فرماید یا کمیل لا بد لماضیکم من اوبه ولا بد لنا فیهم من غلبه یعنی چاره‌ای نیست باید همه امت‌های گذشته به زندگی برگردند و ما آل محمد بر آنها حکومت کنیم. حکومت امام زمان حکومت خدا و ائمه اطهار است و همان حکومت عظیمی است که خدا فرمود و آتیناهم ملکا عظیما ملک عظیم یعنی سلطنت بدون مرز. نه مرز زمانی

دارد نه مرز مکاني. همه انبيا در زمان اوزنده مي شوند وامت خود را شفاعت مي کنند. دليل قيامت بودن قيام آن حضرت همين است که به صراحت روايات در قيام آن حضرت در توبه بسته مي شود. اگر قيام اواز نوع حکومت دنيا باشد بايد در توبه باز باشد و مردم آزادانه زندگي کنند پس با اين آزادي چگونه عالم پر از عدل و داد مي شود.

پاورقي 56 - آيه 89 توبه به معنای این است که مرض گناه را بشناسي و برای معالجه آن مرض به خدا پناه ببری تا خدا معالجه کند. شفا بخش مرض گناه فقط خداوند متعال است.

پاورقي 57 - آيه 93 اسرئیل حضرت يعقوب است که از نظر طبي گوشت شتر را بر خود حرام کرده بود. يهوديان خيال کرده بودند که حرمت ديني بوده لذا خداوند فرمود الا ما حرم اسرئیل علي نفسه.

پاورقي 58 - آيه 108 اگر کسی بگوید خداوند کفار را از مدت کفري که داشته اند بیشتر عذاب مي کند آنها هفتاد يا هشتاد سال کافر بوده اند چه طور خدا تا ابد آنها را عذاب مي کند. جواب این است که اولاً عذابهاي آخـرت همـين

عذاب هائی است که در دنیا ساخته‌اند و به‌جان خود و مردم انداخته‌اند. هرکس به‌هر کیفیتی که مرده به‌همان کیفیت زنده می‌شود. زخمی‌ها با همان درد جراحت و سوخته‌ها با همان حرارت. کار خدا این است که ظالم و مظلوم را در آخرت زنده می‌کند و برابر هم قرار می‌دهد تا عدالت را به‌طور کامل اجرا کند. به‌مظلوم قدرت انتقام می‌دهد و مظلوم قدرت پیدا می‌کند عین عذابی که از ظالم در وجود خود ثبت نموده با اراده (نه با اسباب و ابزار) به‌وجود ظالم انتقال دهد. مثلاً ظالم مظلوم را آتش زده یا زخم زده مظلوم حرارت آتش و درد زخم را به‌ظالم انتقال می‌دهد و ظالم بعد از تحویل گرفتن آثار ظلم اگر رابطه معرفتی به‌خدا داشته باشد ممکن است از خداوند متعال شفا بخواهد و خدا او را شفا می‌دهد ولی چون معرفت به‌خدا ندارد نمی‌تواند از لطف خدا استفاده کند و اگر خدا بدون تقاضا او را شفا دهد درجهل خود باقی می‌ماند که قابل اصلاح نیست. نظام انسانی فقط از طریق رابطه با خدا و خواهش از او بر اساس معرفت قابل وقوع است.

پاورقی 59 - آیه 113 از ادیان مختلف هر کس این سه اصل را (ایمان به‌خدا ایمان به‌آخرت و عمل صالح

(رعایت کند اهل نجات است. بقیه اصول و فروع مخصوصاً دین اسلام به رهبری ائمه اطهار تکمیلی این سه اصل است. البته کسانی که این سه اصل را رعایت نمایند فطرت سالم دارند، حق جوهستند و در مسیر حق جوئی به دین اسلام کشیده می‌شوند. این سه اصل اصول فطرت است که اگر محفوظ باشد فروع از آن ظاهر می‌شود. تمامی اهل عالم کافر و مشرک نیستند ولیکن در مسیر حق جوئی ناقص و کامل دارند. این سه اصل به منزله راه است و دین اسلام به رهبری ائمه اطهار مقصد.

پاورقی 60 - آیه 116 این است که خداوند اهل کتاب را به دو گروه کافر و مومن تقسیم می‌کند. نظیر این آیات دلالت دارد که اگر اهل کتاب اصول سه گانه گذشته را رعایت کنند، مومند و از قبول آنچه به حقانیت بشناسند امتناع ندارند. اگر به اسلام نگریده‌اند برای این است که یا شناخته‌اند یا نتوانسته‌اند از جو حاکم مذهب خود خارج شوند.

پاورقی 61 - آیه 124 فرشتگان در عالم خلقت مانند نیروی برق در صنایع برقی و نیروهای تقویتی در قلب سربازان اسلام هستند. سرباز راه خدا وقتی

که وارد میدان جنگ می‌شود دلش پر از نیرو و بازویش پر از قوت می‌شود. حضرت امام مجتبی ع در تعریف پدرش علی علیه السلام می‌فرماید وقتی پدرم وارد میدان جنگ می‌شد جبرائیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ و ملك الموت پیشاپیش حرکت می‌کرد. مولا می‌فرماید که من در خیر را به کمک نیروئی که خدا در بازویم قرارداد کندم. در جنگ بدر همین نیروها دل سربازان اسلام را تقویت نمود و کفار را به وحشت انداختند. این نیروهای تقویتی فرشته‌اند و همان طور که ما ولتاژ برق را در صنایع برقی بالا می‌بریم خداوند متعال هم نیروهای تقویتی سربازان اسلام را بالا می‌برد.

پاورقی 62 - آیه 133 وقتی که فضای آسمان بهشت انسان است که خدا می‌فرماید و جنة عرضها السماوات والارض لازم است انسان بهشتی به نیروئی مجهز باشد که به هر جا بخواهد فوری برود و با اراده کن فیکونی هرچه بخواهد بسازد. در اخبار مربوط به امام زمان آمده که ایشان میلیون‌ها نفر را به فضای آسمان حرکت می‌دهند. منادی ندا می‌کند که کسی آب و غذا با خود بر ندارد که عصای موسی با او است یعنی مجهز به قدرت اعجاز است، هر جا

برود و هرچه بخواهد فوري آماده است. این آیات و روایات دلیل است که وجود انسان آخرتی که به علم و اراده الهی مجهز است جنات عدنی است که تجری من تحتها الانهار، نه این که فقط باغ و درخت باشد بلکه باغ و درخت به اراده انسان فوري آماده می شود.

پاورقی 63 - آیه 149 هرکس به دنیا توجه کند از حوادث آینده نزدیک مثل مرگ و مرض و یا آینده دور مانند حوادث آخرت غافل می ماند در نتیجه گرفتار می شود. لازم است که انسان بعد از ایمان و آینده بینی کامل در مسیر آخرت توجه به دنیا پیدا کند و دنیا را چون راهی بشناسد که از آن به سوی آخرت حرکت می کند نه این که آن را مقصد زندگی بداند و تمامی ثروت و قدرت خود را در آن متمرکز کند.

پاورقی 64 - آیه 154 مسلمانها که در جنگ احد بعد از شکست پراکنده شدند غم و غصه زیاد آنها را فرا گرفته بود. خداوند برای دفع غم و غصه خواب را بر آنها مستولی کرد و در همین فرصت کفار هم پیروزی مختصر خود را غنیمت دانسته خود را جمع جور نموده به طرف مکه حرکت کردند. رسول خدا

وضع خود و لشکر را مرتب نموده و مسلمانان فراری را جمع و جور نمودند و شهدا را دفن کردند و بعد همه زخمی‌ها را مرتب نموده دستور دادند که باید دشمن فراری را تعقیب کنیم. خودشان جلوافتادند و فرمودند فقط زخمی‌ها با من بیایند جمعیت زخمی به تعقیب دشمن حرکت کردند. از آن طرف کفار وحشت زده سرعت گرفتند و خود را به مکه رسانیدند و با همه این‌ها پیروزی نصیب مسلمانان شد.

پاورقی 65 - آیه 180 وراثت خدا به معنای این است که نتیجه علوم و اعمال عاقبت انسانها را به دایره حکومت خدا می‌کشاند و کسی که بر انسان حاکمیت دارد وارث همه چیز است. کوچه کفر و گناه بن بست است و کفار فراری مجبورند عاقبت به سوی خدا برگردند پس خدا وارث همه کس و همه چیز است.

پاورقی 66 - آیه 182 یهودیان و تمامی کفار اول و آخر تاریخ برای سلطه بر ضعفای مجبورند خود را مسلح نمایند و آخرین اسلحه که خود را به آن مسلح می‌کنند آتش هسته‌ای است که با آن دنیا را در محاصره گرفته‌اند و عاقبت آن را روشن نموده و

زندگی را نابود می‌کنند و بعد با قیام امام فرج مردم می‌رسد و در عدالت جهانی همین آتش‌ها و عذاب‌های دیگر که به جان مردم انداخته‌اند به خودشان بر می‌گردد و جهنم ابدی آنها خواهد بود. خداوند همه جا پیدایش آتش را به کفار نسبت می‌دهد.

پاورقی 67 - آیه 189 دلیل مسکونی بودن عوالم آسمان همین است که خدا می‌فرماید من پادشاه عوالم آسمان هستم، پادشاهی در صورتی تحقق پیدامی‌کند که پادشاه مالک ذوی العقول باشد. اگر انسان‌های عاقل نباشند سلطنت تحقق پیدانمی‌کند. ذوی العقول در عالم فقط انسان است بقیه هرچه هست ملک انسان و زندگی او است پس لازم است در کرات فضای آسمان هم مانند زمین انسان باشد تا که پادشاهی خدا محقق شود.

پاورقی 68 - آیه 200 رابطه با ائمه اطهار که صراط مستقیم به سویی خدایند بسیار تاکید شده. وجود خداوند متعال آخرین مقصد تکامل و حرکت علمی و عرفانی انسان است. انسان در ابتدای تولد مانند یک بیابانی است که باید خود را به این مقصد بزرگ

برساند تا که از رنج و زحمت برهد. راه مستقیم و جاده اسفالت به سوي این شهر بزرگ فقط ائمه اطهارند، بقیه انسان‌ها گرچه عالم باشند همین قدر می‌دانند که مقصد هست اما عالم کامل نیستند که جاده مستقیم باشند. صراط مستقیم فقط آنها هستند که مجهز به علم کاملند و دائم در حال ملاقات و مواجهه با خدایند.

پاورقی 69 - آیه 1 خیلی زیاد سوءال می‌شود که چه رابطه‌ای بین یتیم داری و تعدد زوجات است. جواب این است که خداوند در این آیه می‌خواهد اثبات کند که آزادی در انتخاب، حق انسان است. انسان مانند غیر انسان نیست که قابل تملک باشد. در روزگار قدیم که بعضی انسان‌ها کودکان یتیم را پرورش می‌دادند خود را به دلیل پرورش مالک آنها می‌دانستند که ما آنها را بزرگ کرده‌ایم، مال ما هستند. خداوند فرمود که انسان‌ها به دلیل خدمات مالک و مملوک نمی‌شوند. اگر کسی مالک انسان می‌شد پدر و مادر اولی بودند که از نطفه او را پرورش داده‌اند. شما یتیم‌داران حق تملک بر ایتام پیدا نمی‌کنید و اگر به آنها رغبت پیدا کرده‌اید می‌توانید با آنها از دواج کنید زیرا در ازدواج حق آزادی و انتخاب زن

محفوظ است و در تملك حق آزادي كه لازمه وجود انسان است سلب مي‌شود.

پاورقي 70 - آيه 11 فرض كنيد دو دختر يا بيشتري با پدر و مادر يايكي از آنها وارثند. دو سوم مال به دخترها مي‌رسد و يك سوم به پدر و مادر و اگر پدر يا مادر تنها بودند يك ششم باقي مانده به نسبت سهام قسمت مي‌شود و اگر وارث يك دختر باشد همراه والدين يا يكي از آنها يك دوم به دختر مي‌رسد و يك ششم به والدين و يك پنجم باقي مي‌ماند كه به نسبت سهام قسمت مي‌شود و اگر يك نفر از والدين باشد دو ششم باقي مي‌ماند كه به چهار قسمت مي‌شود.

پاورقي 71 - آيه 15 حكم رابطه نا مشروع در ابتدای اسلام براي زنای محصنه حبس ابد بوده و براي غير محصنه (زن و مرد عذب) تنبيه و تعزير بوده اما بعد از استقرار حكومت اسلامي و آسان شدن از دواج حكم عمل نا مشروع براي محصنه (زن شوهر دار و مرد زن دار) رجم و اعدام مقرر شد و براي زن و مرد عذب صد تازيانه.

پاورقی 72 - آیه 19 در زمان جاهلیت مردان زنان را ملك خود می‌دانستند وارثین پدر املاك پدر و زنان و کنیزان او را به ارث می‌بردند. دین مقدس اسلام این سنت ظالمانه را لغو نمود و زنان را هم مانند مردان آزاد و مالك مال خود شناخت. دختر و پسر را باهم وارث پدر و مادر دانست و حقوق مادي و معنوي زن و مرد را برابر دانست.

پاورقی 73 - آیه 23 حرمت بسیاری از ازدواج‌ها صرف نظر از مسائل طبي که نباید زن و شوهر هم خون باشند، رعایت مسئله احترام است. زن و شوهر به صورت يك فردند که حدودي بين آنها نیست و مادر و خواهر و محرم‌هاي ديگر حرمت دارند. لازم است احترام مادري و خواهری آنها محفوظ بماند. خاله هم شان مادر است و عمه هم شان پدر. زن جد و پدر هم شان پدرند و مادر رضاعي هم شان مادر اصلي است با ازدواج حرمت آنها شکسته می‌شود و علاوه اگر این ازدواج‌ها جایز بود شوهر اقوام نزدیک را ملك خود می‌دانست و می‌گفت خواهر من، مادر من به کسی مربوط نیست و هزاران مفاسد ضد فضیلت و انسانیت.

پاورقی 74 - آیه 27 حقیقتاً اگر کفار بر اوضاع مسلط شوند و مانع و مزاحمی سر راه خود نداشته باشند بشریت را در نهایت ذلت و خواری قرار می‌دهند. این مقدار که در جوامع خود قاعده و قانون رعایت می‌کنند مربوط به موانع و مزاحمی است که در راه منافع خود دارند. موانع تسلط و تزام آنها یکی عقل و شعور مردم است که حق و باطل و ظلم و عدالت شناخته‌اند و بر مدار ظلم و عدالت حب و بغض پیدا می‌کنند و علیه ظالم عکس العمل داشته‌اند و دیگر قیام اولیاء خدا که با اعتماد به نصرت خدا با کفار مبارزه کرده‌اند و پیروز بوده‌اند و همان‌ها علم و آگاهی در مردم بوجود آورده‌اند که توانسته‌اند کفار را تا این اندازه کنترل کنند. به برکت همین دو عامل است که کفار تا این اندازه به عقیده خود حقوق بشر را رعایت می‌کنند. در قرون اول که چنین علم و آزادی نبوده بردگی با اعمال شاقه رواج داشته است. نتایج تعلیمات انبیا این همه علم و آزادی است که در عالم به وجود آمده و کفار را تا اندازه‌ای به نظام آورده‌اند و نتایج شهوات کفار این همه ذلت و بردگی در طول تاریخ است.

پاورقی 75 - آیه 34 اولاً هرکس سوء خلقی و عیبی در کسی می بیند و به خود اجازه می دهد او را آگاه کند. باید اول خود را بررسی کند که چنان عیبی دارد یا ندارد، خود را اصلاح کند. شوهران در درجه اول باید خود را اصلاح کنند که عیبی نداشته باشند و زن خود را از آن عیبی باز دارند که خود نداشته باشند در این صورت اگر زن را ناشزه دیدند مقررات این آیه را درباره او اجرا کنند. نشوز زن به معنای سر سنگینی او از مقررات زندگی است که احساس می شود به جای دیگر دل بسته و می خواهد زندگی را متلاشی کند. تحمل بی مادری کودکان برای پدران سخت است. سه رقم از این تنبیهات فقط بین زن و شوهر اجرا می شود. هیچ کس از او بستگان و دوستان طرفین و کودکان خودشان نباید از نشوز زن و تنبیهات شوهر آگاهی پیدا کنند زیرا به هر میزانی که عیب انسان در جامعه شایع می شود ترك آن عیب مشکل تر است. هرکس اختلافی بین زن و شوهر احساس کند تا بتواند آن را شدت می دهد و این اختلاف بچه هارا به حال یاس دچار می کند و دیگر این که بین هر يك از این تنبیهات لا اقل باید چهل روز فاصله باشد اول به صفات خوبی که شوهر دارد وزن ندارد، زن را

نصیحت کند که قدر نعمت زندگی را بداند و بعد اگر نصیحت فایده نبخشید در خوابگاه پشت به زن بخوابد و با او قهر کند. مدتی همراه نصایح در این وضع باشد و در مرحله سوم که آن دو مرحله سودی نبخشید ضربات تنبیهی را در نظر بگیرد به طوری که کبودی و شکستگی و خیلی درد آور نباشد. تا انتهای این مراحل کسی نباید اختلاف بین زن و شوهر را احساس کند اگر نتیجه نگرفت دادگاه خانوادگی تشکیل دهد، خویشاوندان جمع شوند و بین آنها عادلانه قضاوت و نصیحت کنند اگر سودی نبخشید نوبت به طلاق می‌رسد که طلاق هم باید طلاق رجعی باشد تا در مدت عده به زندگی برگردد. طلاق رجعی در مدت عده، وراثت و رابطه زنا شوئی را بهم نمی‌زند. شوهر با يك اشاره و دو کلمه حرف زدن شوهر شناخته می‌شود و عقد جدید لازم نیست، مدتی در این رابطه باشد شاید زن متنبه شود به زندگی برگردد و اگر اصلاح نشد نوبت طلاق دوم می‌رسد که آن هم باید رجعی باشد. این طلاق هم وراثت و شوهری را به هم نمی‌زند و با دو کلمه حرف زدن رابط ه برقرار می‌کند. اگر در این مرتبه هم اصلاح نشد نوبت

طلاق سوم می‌رسد که طلاق باین است و شوهر حق رجوع و آشتی ندارد مگر این که زن با مرد دیگری ازدواج دائم کند و از شوهر دوم هم طلاق بگیرد. بنابراین مقدمات از زمان ظهور نشوز و اختلاف تا جدائی کامل خداوند متعال هفت خوان رستم قرار داده است و تمامی مقدمات برای این است که تا حد امکان نظام خانوادگی به هم نخورد و بچه‌ها بی مادر نشوند و اگر مرد ناشزه شد زن مدتی صبر می‌کند و به شوهر خود آگاهی می‌دهد که چه خطر بزرگی متوجه زندگی او شده. از دادگاه خانوادگی و یا اجتماعی تقاضای اصلاح فکر شوهر می‌کند یا تقاضای طلاق خلعی می‌کند تا اجازه رجوع با زن باشد شاید مرد علاقه پیدا کند.

پاورقی 76 - آیه 46 یهودیان به مسخره می‌گفتند یارسول الله (راعنا) خدا فرمود بگوئید (انظرنا) (مفسرین در توضیح این اختلاف همین قدر گفته‌اند که کلمه راعنا در لسان یهود مسخره است ولی کلمه انظرنا مسخره نیست ولیکن مسخره در کلمات نیست بلکه در نیت و بیان است نه در کلمه انظرنا یا در کلمه راعنا و لیکن باید گفت در ارتباط با نیت و دعوت پیغمبران کلمه انظرنا درست است و کلمه

راعنا درست نیست زیرا کلمه راعنا مشعر به ذلت است و کلمه انظرنا مشعر به رحمت و محبت. راعنا یعنی ما گوسفندیم توچوپان ما باش ما از خود اختیار نداریم. خدا و پیغمبران امت را به این دلیل دعوت نمی‌کنند که ذلیل و عزیز در کار باشد بلکه از امت می‌خواهند که با آزادی و عزت دعوت خدا و رسول را بپذیرند. پیغمبران می‌خواهند آن عزتی که خودشان دارند به امت برسانند نه این که امت را مثل گوسفندان و بردگان بچرانند پس کلمه انظرنا باهدف پیغمبران از کلمه راعنا مناسب تر است.

پاورقی 77 - آیه 48 غفران در آیات به معنای رفع نواقص وجودی است چنانکه خداوند کودکان را به حد بلوغ می‌رساند. انسان بی‌ایمان گرفتار جهل است و نقص وجودی دارد اما اگر دعوت خدا را بپذیرد مجهز به نور ایمان می‌شود چنان که خداوند به عرب‌ها می‌گوید قولو اسلمنا ولما یدخل الایمان فی قلوبهم. مومن که مجهز به روح ایمان می‌شود بالغ است و کافر نابالغ است و نقص وجودی دارد. معنای ان الله لا یغفران یشرک به، به معنای این است که خدا راهی ندارد که با افاضه روح ایمان نقص وجودی کافر را برطرف کند. مشرک حاضر به استفاضه از فیض خدا

نیست و در کفر و شرک متمرکز می‌شود پس توفیق الهی که همان روح ایمان است به او نمی‌رسد زیرا گرایش به خدا ندارد مثل کسی که به مدرسه نمی‌رود تا سواد پیدا کند. عفو و غفران در مقابل ذنب و عصیان دو کلمه مترادف نیست بلکه متباین است. غفران رفع نواقص وجودی و عفو به معنای محو اثر گناه است. مشرک در حال اعراض از خدا توفیق توبه پیدا نمی‌کند و روح ایمان در دل او دمیده نمی‌شود پس در جهل و شرک می‌ماند.

پاورقی 78 - آیه 54 ملک عظیم به معنای سلطنت بی حد و مرز است نه مرز مکانی دارد که قطعه‌ای باشد نه مرز زمانی دارد در مدت معینی از زمان و نه هم مرز کمی و کیفی دارد که حکومت بر عده‌ای و یا قسمتی از حالات. پس ملک عظیم است یعنی ملک کبیر و سلطنتی نا متناهی. کسی که مومنی را به جرم ایمان به خدا می‌کشد با خدا در جنگ است مانند مشرک است که از توفیق الهی بهره‌ای ندارد.

پاورقی 79 - آیه 94 به طور کلی کسی حق ندارد دیگری را که با او سالم بر خورد می‌کند متهم به بی ایمانی و یا دشمنی کند و هم چنین نباید شش

دانگي تسليم او شود و مقدراتش را به او بسپارد. تا آنجا که ممکن است اسرار و هدف خود را از او پنهان بدارد که بزرگان فرموده‌اند *استر ذهبك و ذهابك ومذهبك*.

پاورقي 80 - آیه 95 کسانی که در راه خدا جهاد می‌کنند روحیه و استعدادشان بالا می‌رود و محبت آنها به بندگان خدا زیاد می‌شود و بر اساس همین روحیه و محبت روز قیامت اجازه پیدا می‌کنند دوستان خود و دوستان دوستان خود را که مختصری ایمان به خدا داشته اند شفاعت کنند و آنها را به زندگی بهشتی برسانند. هم درجات روحی پیدا می‌کنند که عقل و استعداد است و هم درجات اجتماعی که بسیاری از بندگان خدا را به زندگی بهشتی می‌رسانند. مستضعفین در آیه اول کسانی هستند که خودشان متمایل به گناه بوده‌اند و در جو کفر و گناه زندگی کرده‌اند با این که می‌توانسته‌اند به جای آزادی بروند که تحت تاثیر گناه واقع نشوند. آنها عذر بدتر از گناه می‌آورند که می‌گویند بیچاره بودیم مغلوب آنها شده بودیم و اما مستضعفین آیه دوم حقیقتاً مستضعف بوده‌اند یا عقل شان نرسیده که در محیط کفر و گناه مانده‌اند و یا این که نتوانسته‌اند خود را

نجات دهند لذا عذرشان پذیرفته می‌شود و اهل نجاتند.

پاورقی 81 - آیه 102 فوائد نماز و دعا و عبادت های دیگر پیدایش مغفرت و معرفت است. کسانی که با خدا رابطه دارند و احکام او را تمرین می‌کنند قلبشان به نیروی ایمان تقویت می‌شود. درجات علم و شجاعتشان بالا می‌رود و با فاسق و منافق تفاوت روحی و روانی پیدا می‌کنند لذا درجات علم و یقینشان بالا می‌رود چنان که گویی آخرت و قیامت را می‌بینند.

پاورقی 82 - آیه 107 کسی که حق خود را نمی‌شناسد و شعور دفاع از حق خود را ندارد دیگران نباید از حق او دفاع کنند. مانند برده‌ای که معنای آزادی را نمی‌داند به مولای ظالم خود چسبیده و طالب آزادی نیست و شما به اجبار می‌خواهید او را آزاد کنید مگر این که با تعلیم و تبلیغ او را به حقوق خودش آگاه کنید. تنها عاملی که جاهل را از جهل می‌رهاند ابتلا به مصائب است.

پاورقی 83 - آیه 114 اهل ایمان همه جا در مجالس و محافل باید مصلحانه و هدایت گرانه سخن

بگویند. یکدیگر را به کارهای خیر ارشاد نمایند و از اعمال شر باز دارند و آینه یکدیگر باشند که فرمودند المومن مرآت المومن. یکدیگر را به عیوب زندگی و فضیلت و رذیلت آگاه نمایند. مجالسشان تعلیم و تربیت باشد و حکومت‌های صالح را پیروانند.

پاورقی 84 - آیه 123 همه جا در تاریخ ثواب و عقاب آخرت را از نوع بخشش دل بخواهی به دست خدا و اولیاء خدا دانسته اند و هیچ وقت توجه به اعمال و نتیجه اعمال نداشته‌اند. یهودیت و مسیحیت در این رابطه خیلی زیاد گرفتار خرافات شده‌اند. یهودی‌ها خود را پسرخاله خدا دانسته و گفته‌اند بهشت مال ابراهیم است و ما آل ابراهیم هستیم و بالاتر گفتند نحن ابناء الله واحبائه. مسیحیت هم بهشت و جهنم را سرمایه کاسبی قرار داده و جهنم کافران را می‌خرند و بهشت مومنان را می‌فروشند. خداوند در این آیه فرمود این طور نیست که شما گفته‌اید و عقیده داشته‌اید بلکه بهشت و جهنم نتیجه علم و عمل کافر و مومن است و برگشت نتیجه عمل به‌عامل قطعی است و به‌دست کسی نیست.

پاورقی 85 - آیه 128 حکم نشوز زنان در آیه 34 این سوره گفته شد این آیه هم مربوط به نشوز مردان است که گاهی روی هوا و هوس خود به زندگی بی اعتنا شده دل به دیگری سپرده‌اند. به زنان دستور می‌دهد که اگر شوهر به زن و زندگی سر سنگین شد و حقوق زندگی را رعایت نکرد همسر او می‌تواند به دادگاه خانوادگی و یاقانونی مراجعه کند و شوهر را ملزم به رعایت مقررات کند.

پاورقی 86 - آیه 137 چنین افرادی هرگز مجهز به ایمان واقعی که روح ایمان باشد نشده‌اند و اسیر جو حاکم هستند. اگر تظاهر به ایمان سودمند باشد تظاهر می‌کنند و اگر کفر سودمند باشد باکفارند. آلت دست جامعه‌اند و دلیل این که مجهز به ایمان واقعی نشده‌اند روایات مربوط به بداء است که امام فرمود مقدرات شقی به سعادت تغییر می‌کند ولی مقدرات سعید به شقاوت تغییر نمی‌کند. پس روح ایمان به آنها نرسیده که به نفاق خود باقی مانده‌اند. اگر کسی در زندگی خود ذره المثلثالی ایمان پیدا کند ممکن نیست به کفر برگردد و اگر خدا بداند که در آینده کافر می‌شود مرگ او را می‌رساند مبادا آن ذره‌ایمانی که سرمایه آخرت اوست هدر شود و

ایمانش از بین برود لذا این آیه مربوط به تظاهر ایمان است نه ایمان واقعی.

پاورقی 87 - آیه 143 مگس همه جا در پی لباس و تن کثیف می پرد، منافقین هم همه جا در پی عیب و گناه مردمند و خداوند آنها را تشبیه به مگس می کند.

پاورقی 88 - آیه 145 دلیل این که منافق در درک اسفل است این است که به کافر و مسلمان خیانت می کند پس در قیامت که حقیقت آشکار می شود منفور و محکوم هردو طایفه خواهد بود.

پاورقی 89 - آیه 148 همان طور که مظلوم از ظالم حق قصاص دارد. حق دارد از او بدگوئی کند و می تواند او را نفرین کند. بد گوئی باید از نوع ظلمی باشد که به او رسیده است و اگر دزدی کرده بگوید دزد و اگر کتک زده بگوید ظالم اما حق ندارد تهمت بزند که مربوط به ظلم او نیست مانند تهمت نسبت نا مشروع بگوید زانی و زنازاده.

پاورقی 90 - آیه 157 داستان قتل حضرت عیسی چنان که انجیل برنابا گفته چنین است که حضرت

عیسی در دوران نبوت خود به مناسبت معجزاتی که به دست او انجام گرفته شهرت یافته بود چنانکه روءسای مذهبی و مملکتی تحت الشعاع شهرت او قرار گرفته بودند. قهرا سه طایفه بر او حسد ورزیدند: روءسای مملکت و مذهب و اطباء از جانب روءسای مذهب یهود و شاه مملکت. مامورین مخفی همه جا در تعقیب او بودند و عیسی با حواری خود از این باغ به آن باغ و از این خانه به آن خانه مخفیانه زندگی می کرد. یهودای اسخریوطی که یکی از شاگردان خائن او بود محل اختفای او را گزارش می داد و حضرت عیسی سراو را فاش نمی کرد. خداوند به عیسی خبر داد که من تو را از میان مردم می برم و این خائن را به دست مامورین می سپارم تا او را بکشند. در یکی از شبها که عیسی با حواری خود در باغی خوابیده بودند یهودای اسخریوطی مامورین را به آن باغ هدایت کرد وقتی که وارد باغ شدند مامورین را در گوشه ای از باغ پنهان کرد و گفت شما این جا باشید تا اول من بروم عیسی را بیدار کنم و بعد شما وارد شوید و نگاه کنید کسی را که حواری دورش را گرفته اند دستش را می بوسند دستگیرش کنید. مامورین در آن جا پنهان شدند یهودا به طرف حواری رفت

درهمین جا خداوند به حضرت عیسی گفت تو از باغ خارج شو و از فردا با کسی تماس نگیر و با کسی حرف نزن. عیسی طبق دستور از باغ خارج شد، حواری خوابیده بودند. یهودا میان حواری آمد و دنبال عیسی می‌گشت. خداوند در همین حال او را تغییر شکل داد به صدا و سیمای حضرت عیسی در آورد. یهودا که از این تغییر صدا و سیمای خود خبر نداشت اولین حواری را بیدار کرد و گفت استاد کجا است استاد کجا است. حواری که از واقعه خبر نداشت دید عیسی او را بیدار می‌کند و می‌پرسد عیسی کجا است فوری دست او را بوسید که خودت استادی از استاد می‌پرسی. حواریون دیگر بیدار شدند و دست و صورت او را می‌بوسیدند همه با هم دست او را می‌بوسیدند که در همین حال مامورین از مخفیگاه خود بیرون آمده و حواریون را دیدند که دور عیسی را گرفته اند و دست و صورت او را می‌بوسند. عیسی قلابی می‌گفت من عیسی نیستم عیسی نیستم. مامورین او را شلاق می‌زدند که ای ساحر ای جادو گر این هم سحر تو است که می‌گوئی عیسی نیستم. مردم دور تو جمع شدند و گریه می‌کنند و فردای آن شب او را با چند نفر زن و مرد بد کاره به دار

زدند خیال تمامی دشمنان راحت شد که عیسی را به‌دار زدند. دوستان و حواریون ناراحت که آن نعمت بزرگ الهی عیسی شفا بخش از دست آنها رفت با این تدبیر عیسی واقعی از فضای افکار مردم خارج شد به آسمان چهارم رفت یعنی فضای فوق افکار بشر (زیرا در تعبیرات قرآن و احادیث از فضای فکر انسان تعبیر به آسمان می‌شود). دیگر کسی دنبال عیسی نیست که او را پیدا کند فرق ندارد در فضای آسمان باشد یا در روی زمین. عیسی هم مانند امام زمان در میان مردم ماست و خود را معرفی نمی‌کند و شاید گاهی خود را به‌نظر همان برنابا نشان می‌داد که بعضی از حواریون گفته‌اند عیسی بعد از مرگ زنده شده است. خداوند او را به‌این دلیل زنده نگاه داشت تا در مواقع مقتضی بتواند بعضی دوستان خود را هدایت کند. الآن با امام زمان است و آنها با هم در وضعیت بهشتی زندگی می‌کنند. انسان‌های بهشتی صاحب اراده کن فیکونی خدایند آنها حاکم بر عوامل طبیعت هستند و سرما و گرما به‌اراده آنها است. هر جا باشند و هر جا بروند آنچه بخواهند در اختیار دارند. مرگ طبیعی از آنها برطرف شده و پیری و فرسودگی به سراغ آنها نمی‌رود و قتی هم ظاهر

شوند این زندگی دنیائی را تبدیل به زندگی آخرتی می‌کنند. وقتی که امام ظاهر شود عیسی هم همراه او هست و از نیکان امت خود شفاعت می‌کند الآن چهار نفر به نام‌های خضر والیاس و عیسی و امام زمان زنده‌اند، در میان مردمند فقط خود را معرفی نمی‌کنند.

پاورقی 91 - آیه 3 سوره مائده همه جا در آیات قرآن نعمت خدا به ولایت ائمه اطهار تفسیر شده زیرا حقیقتاً نعمت ولایت خدا که همان ولایت ائمه است بزرگترین نعمت خداوند متعال است. نعمتی است که در سایه آن سایر نعمت‌ها نعمت به حساب می‌آید و در سایه حکومت‌های ظالمانه و جاهلانه تمامی نعمت‌ها تبدیل به نعمت می‌شود. دنیائی که انسان را به جهنم می‌کشاند، حاکمیت حکومت‌های جابرانه و ظالمانه است. پس زندگی دنیا در صورتی نعمت به حساب می‌آید که انسان را به زندگی بهشتی و علم و حکمت بکشاند و آن دنیائی است که در سایه ولایت ائمه اطهار قرار می‌گیرد پس دین مقدس اسلام و احکام آن در سایه ولایت نعمت است والا اسلام در شعاع حکومت امثال معاویه‌ها و یزید‌ها

که مسلمانان را به فاجعه کربلا می‌کشانند بزرگترین عذاب خدا شناخته می‌شود.

پاورقی 92 - آیه 6 شستشوی طبیعی و عقلایی به این کیفیت است که آب از عضوی که شسته می‌شود به‌خارج اعضای بدن سرازیر شود زیرا خواهی نخواهی آب غسل به‌خارج سرازیر می‌شود. وقتی آب وضوء از مرفق به‌طرف انگشتان سرازیر می‌شود آب آلوده به‌خارج بدن می‌ریزد که يك شستشوی طبیعی و عقلایی است و اما اگر از کف دست به‌طرف مرفق سرازیر شود آب آلوده به‌داخل بدن ریخته می‌شود که غیر عقلایی است و علاوه احکام خدا از طریق ائمه اطهار رسمیت پیدا می‌کند که اوصیای پیغمبرند.

پاورقی 93 - آیه 11 - مربوط به صلح حدیبیه است که رسول خدا پیش از فتح مکه تصمیم گرفتند به زیارت کعبه بروند، اهل مکه مانع شدند و اگر هم مانع نمی‌شدند شاید ورود به مکه برای مسلمانان خطر ناک بود که مسلمانان را غافل گیر می‌کردند ولیکن این صلح چند فایده بزرگ داشت. یکی این که قریش بدانند که رسول خدا حرم

را رسمیت داده و محترم شمرده است و دیگر این که با این صلح طرفین آرامش پیدا کردند و پیمان شکنی از جانب قریش بود و از همه بالاتر این که موجبات فتح مکه و غافلگیری قریش فراهم شد.

پاورقی 94 - آیه 16 قرآن يك كتاب جامع است و تمامی علوم و احکامی که پیغمبران قبل آورده اند در این کتاب جمع است. انبیاء در تعلیمات سه اصل با یکدیگر اشتراك کامل دارند و تمامی آنها این سه اصل را رعایت نموده اند؛ اول اصل ایمان به خداي واحد بلا شريك که از شباهت وجودي و صفاتي با خلق منزه است، اصل دوم اصل ایمان به زندگی آخرت و اعتقاد به این که ثواب و عقاب اعمال به آخرت موکول شده است و اصل سوم این که همه کس معتقد به عمل صالح و مفید باشند در خدمت یکدیگر نه در خیانت به یکدیگر. رابطه با خدا از طریق نماز و دعا طبق دستور و رابطه با خلق از طریق خدمات نافع این سه اصل اساسی که خلاصه دعوت پیغمبران است که به طور مفصل عاری از خرافات و موهومات در قرآن بیان شده است. پس دین اسلام مکمل ادیان پیغمبران است، هرکس اسلام را قبول کند دین

تمامی انبیا را قبول کرده است که گفته اند چون که صد آمد نود هم پیش ما است.

پاورقی 95 - آیه 18 همه جا در تاریخ کسانی که از تعلیمات انبیا محروم بوده‌اند در اطراف موجودیت خود و خدا به قیاس حرف زده‌اند و خدا را تشبیه به خلق نموده‌اند. بین خود و خدا رابطه حسبی و نسبی دایر کرده و خود را پسر خاله خدا دانسته‌اند. یهودیان خود را فرزند بلا فصل خدا دانستند و گفتند نحن ابناء الله و احبائه. خدا را از آن وضعیت وجودی خود که منزله از شباهت به خلق است تنزل داده در وضعیت مخلوق قرار دادند. تنها کتابی که خدا را منزله از شباهت وجودی و صفاتی به خلق خدا می‌داند و خویشاوندی خصوصی و عمومی بین خدا و خلق قائل نیست دین اسلام است.

پاورقی 96 - آیه 24 قوم موسی حقیقتاً مردمی غیر فعال بودند و به بر دگی سر سفره قبطیان عادت کرده بودند که موسی به کمک معجزات آنها را نجات داد. انقلاب عظیم حضرت موسی و غلبه بر فرعونیان از اول تا آخر همه جا به کمک معجزات بود. خداوند متعال ابتدا بامعجزات فرعونیان را مستاصل و عاقبت

همه آنها را در دریا غرق نمود. هنر قوم موسی تا وقتی که در اختیار حضرت موسی بودند همین بود که وقتی گرسنه و یا تشنه می شدند سر موسی داد می زدند تشنه ایم گرسنه ایم اگر موسی به آنها می گفت بیل و کلنگ بیاورید این جا چاه آبی حفر کنیم یا زراعتی بکاریم داد می زدند که ما را از سر سفره نقد و آماده حرکت دادی در این بیابان تشنه و گرسنه رها می کنی. تا این اندازه آمادگی نداشتند که چاه آبی حفر کنند و آبی تهیه نمایند. درست مانند بچه ها وقتی اسباب بازی به دست بچه ها می دیدند سر پدر و مادر داد می زدند که برای ما اسباب بازی بخر اجعل لنا الالهة كما لهم آلهة حضرت موسی مجبور می شد برای آنها از سنگ آب جاری کند و از آسمان غذا تهیه نماید. معجزات هر پیغمبری برای اثبات رسالت و اتمام حجت بود اما معجزات موسی برای رفع نیاز و حاجت. وقتی موسی به آنها گفت برویم با عمالقه بچنگیم زمین آباء و اجداد خود را از عمالقه بگیریم گفتند خودت با خدایت بروید فلسطین را آزاد کنید، مارا ببرید در خانه ها بنشانید اذهب انت وربك فقاتلا.

پاورقي 97 - آیه 33 محاربین با خدا کسانی هستند که علیه امنیت مملکت اسلامی با یورش به شهرها و دهات قتل و کشتار به راه می‌اندازند، مفسده به پا می‌کنند و برای تا مین منافع خود امنیت را از بین می‌برند. خداوند برابر جرم و جنایت آنها این احکام را صادر کرد.

پاورقي 98 - آیه 38 دزدی غیر از قطاع الطریقی است اگر ثابت شد که این دزد برای رفع نیاز خود نه برای توسعه طلبی سرقت نموده معاف می‌شود و یا تنبیه مختصری دارد والا چهار انگشت دستش قطع می‌شود و در صورت تکرار در مرتبه سوم اعدام می‌شود. در صورتی محکوم به قطع دست می‌شود که صد درصد ثابت شود دزدی به قصد تجاوز و بی‌اعتنائی به قانون بوده نه روی احتیاج.

پاورقي 99 - آیه 44 امت هر پیغمبری به دو گروه مومن کافر تقسیم می‌شوند. تمامی ملت‌ها دو گروهند عده‌ای به حکم عقل و وجدان خود و یا اطاعت از پیغمبران و نیکان از ظلم و ستم وحشت دارند، اگر بتوانند خدمت می‌کنند والا خیانت نمی‌کنند و عده‌ای هم کافرند. خائنانه و ظالمانه

زندگی می کنند ایمان و عقیده به حساب و کتاب ندارند ولیکن در حساب قیامت مردم دو گروه بیشتر نیستند، کافر و مومن فریق فی الجنه و فریق فی السعیر.

پاورقی 100 - آیه 48 بهترین عاملی که عاقبت بین مردم وحدت طبیعی و علمی به وجود می آورد مسئله خیر خواهی است. خیر خواهی مانند این که مسافری سرگردان در بیابان همه در جستجوی راه به سوی مقصدند و یک راه بیشتر وجود ندارد، همه به همان راه می روند و وحدت در حرکت پیدا می کنند. دین خدا یک راه بیشتر نیست و آن حق طلبی و خیر خواهی است. هرکس خیر خواه باشد قهرا و حتما ایمان به خدا می آورد و دین خدا را قبول می کند مانند ماشین ها که همه در راه حرکت می کنند لذا خداوند برای پیدایش وحدت که همان اصل توحید است یک قاعده کلی صادر می کند می فرماید فاستبقوا الخیرات.

پاورقی 101 - آیه 55 ولایت به معنای سرپرستی و مالکیت اختیارات است ولی کسی است که مانند پدر و مادر مهربان باشد. مانند کودکان که

اختیارانشان به دست پدر است. سه طایفه بر انسان‌ها ولایت پیدا می‌کنند از این جهت که مردم در شناخت مسائل حیات مانند كودك و آن سه طایفه عبارتند از پدر دانشمند، خدا و رسول خدا و مومن کامل الایمان. رسول که مانند خداست یعنی هرکمی می‌دهد از جانب او است ولایت مومن کامل الایمان هم مانند ولایت رسول به ولایت خدا بر می‌گردد و خداوند متعال هم جز به مصلحت کاری نمی‌کند. سواي این سه طایفه خواهی نخواهی منافع خود را بر منافع دیگران مقدم می‌دارند. کسی که مقدرات خود را به دست کفار می‌سپارد دنیا و آخرت خود را هدر داده مانند آنها گرفتار عذاب آخرت می‌شود. رابطه با هر کفاری فقط به میزان مبادله کالای تجارتي درز مان صلح جایز است.

پاورقی 102 - آیه 64 که می‌گوید که یهودیان تا روز قیامت گرفتار بغض و عداوت نسبت به یکدیگر هستند دلالت دارد که قیامت با قیام امام زمان شروع می‌شود زیرا در قیام و حکومت آن حضرت دینی به جز دین اسلام به رهبری ائمه وجود ندارد. تمام اهل عالم فقط دو گروهند یا کافر که از همه چیز محرومند و توبه آنها قابل قبول نیست یا مومن مستضعف که

به وسیله آن حضرت اهل نجاتند. اگر کفار در مذهب خود باز هم آزاد باشند و آزاد زندگی کنند چه ظلمی از کفر بالاتر است و چطور می شود با آزادی کفار دنیا را پر از عدل و داد نمود. ظلمی بالا از حاکمیت کفر و گناه نیست. روایت کتاب تحف العقول در تفسیر آیه حتی تضع الحرب اوزارها مشعر به این معنی است که امام باقر علیه السلام می فرماید خداوند در يك شبانه روز زمین را بدون جنگ در اختیار آن حضرت قرار می دهد. تمام اهل زمین داد می زنند آمنا آمنا ولي آن حضرت فقط ایمان پیش از ظهور را قبول دارد. در توبه به روی کفار بسته می شود پس این آیه قیام آن حضرت را قیامت نامیده است.

پاورقی 103 - آیه 67 آن چه از جانب خدا نازل می شود و آنچه زمین تحویل می دهد همه اینها در شعاع حیات انسان قابل ظهور است. اگر انسان نباشد چرخ و پر عالم لغویت پیدامی کند زیرا خلقت غیر انسان در این صورت بی هدف است. خلقت انسان هم در شعاع ولایت انسان های کامل که همان ولایت خدا است معنی پیدا می کند. اگر ولایت انسان های کامل نباشد خلقت عالم و آدم لغویت پیدا

می‌کند پس این آیه درست است که خدا می‌گوید
اگر ولایت را ابلاغ نکنی دین خدا را ابلاغ نکرده‌ای.

پاورقی 104 - آیه 82 ملت‌ها به‌میزان جنایت
و سابقه ظلم و گناه تاریکی و قساوت قلب پیدا می
کنند همان طور که ایمان و خدمت بر روشنی و رحمت
قلب مومن می‌افزاید. تاریکی قلب بر اثر ظلم بالا و
بالا می‌رود تا جائی که تغییر ماهیت می‌دهد و از
انسانیت به یک حیوان درنده تبدیل می‌شود. به‌همین
دلیل که ملت یهود در ظلم و ستم و قتل پیغمبران
سابقه بیشتری دارند، تاریکی و قساوت قلب
بیشتری پیدا کرده و عاقبت مغضوب خدا واقع شده‌اند.
باید دانست که گناه به تقصیر غیر از گناه به‌قصور
است. ظلم به تقصیر ظلم عالمانه و عامدانه به‌مظلوم
است که قساوت به‌وجود می‌آورد. ظلم به‌قصور ظلم
جاهلانه است مانند ظلم کسی که او را گول زده‌اند و
مظلوم را ظالم معرفی نموده‌اند. ظلم به‌قصور
قساوت به‌وجود نمی‌آورد چنین ظالمی وقتی
فهمید و توبه کرد قبول است اما ظلم به تقصیر قساوت
و تاریکی قلب بوجود می‌آورد. ظلم بنی اسرائیل
همه جا عالمانه و عامدانه بوده‌است که پیغمبران را
به حقانیت شناخته‌اند و کشته‌اند. این آیه شریفه

ونظائر آن که اهل کتاب را به دو گروه مومن و کافر تقسیم می کند برهان این حقیقت است که اهل کتاب به دو گروه مومن و کافر تقسیم می شود، عده ای مومن و مستضعف و عده ای کافر و مسلطند. همه جا می گوید ان الذین کفرو من اهل الکتاب وامثال آن. مومنین از اهل کتاب یا گرفتار جهلند که نتوانسته اند از میان آن همه تبلیغات علیه اسلام حقانیت اسلام را بشناسند و یا گرفتار ضعفند که نمی توانند از حاکمیت قدرت های مسلط خارج شوند، مستضعفین آنها اهل نجاتند.

پاورقی 105 - آیه 94 تکفیر به معنای زدودن و پاک کردن تیرگی کفر و گناه است. کفاره صیغه مبالغه یعنی بسیار پاک کننده. کفاره به این منظور دایر شده است که توبه گناه کار معلوم شود و علاوه برای پاک شدن از گناه قدم اول را بردارد تا برای طهارت از گناه قدری زحمت بکشد و قدر این طهارت را بداند والا پاکي آلودگی قلب به دست خداوند است. خداوند برای انجام هر کاری که برای مومن انجام می دهد از مومن حرکتی می طلبد. وقتی انسان قدر نعمتی را می داند که برای کسب آن زحمت بکشد در این

صورت مامور به کفاره شده است تا لطف خدا را در وجود خود احساس کند.

پاورقی 106 - آیه 103 در این آیه خداوند خرافات زمان جاهلیت را توضیح می‌دهد. به عقیده خودشان وقتی که شترشان دوقلو می‌زائید می‌گفتند وصیله شده ذبح آن را تحریم می‌کردند مثلاً به شتر جایزه می‌دادند و اگر ده تا بچه می‌زائید سواری و ذبح آن را تحریم می‌کردند و اگر پنج شکم می‌زائید سواریش را ممنوع می‌کردند و اگر بچه پنجم ماده بود ذبح آن را تحریم می‌کردند و نذر می‌کردند و نذر می‌کردند که اگر از این مرض خوب شدم این شتر را آزاد می‌گذارم. رحم و محبت و پاداش از جانب خدا مخصوص انسان است نه حیوان.

پاورقی 107 - آیه 105 تصمیم جدی مردم برای اداء شهادت بهترین عامل ریشه کن شدن ظلم و گناه است. اگر شاهدان به خاطر ترس از گناه کار یا رعایت خویشاوندی از اداء شهادت خود داری کنند جنایت کاران در ظلم و جنایت حریص و جری می‌شوند و امنیت جامعه که بزرگترین نعمت خداوند است از بین می‌رود پس کتمان شهادت بزرگترین گناه است.

پاورقی 108 - آیه 111 وحیی که در این آیه به حواریین می‌شود با این که آنها پیغمبر نیستند خاطرات آنها است که از آن تعبیر به الهام می‌شود. فضای فکر انسان مانند فضای آسمان برابر چشم انسان است. فضای مقابل چشم همین آسمان پر از ستاره است و فضای فکر انسان همان فضائی است که در آن فکر جولان دارد و خاطرات و الهامات در آن پیدامی‌شود. هر کس به تفکر مشغول می‌شود بداند که شاگرد خداوند متعال است. تعلیمات انسانها و فرشتگان و خداوند متعال در این فضا واقع می‌شود. فضای چشم می‌بیند اما فضای فکر

می‌داند. آنچه دیده می‌شود به فضای فکر ارسال می‌شود و فضای فکر که در حضور خداوند است می‌داند. هر کس به تفکر فرو می‌رود در محضر خداوند متعال است. مومن حضور خدا را احساس می‌کند ولی کافر احساس نمی‌کند. عظمت خدا در فضای فکر جلوه‌گر می‌شود نه در فضای چشم. خدا به فکر حواریون انداخت که به عیسی ایمان بیاورند از این خاطره تعبیر به وحی شد.

پاورقی 109 - آیه 120 کلمه آسمانها که جمع است، بر عواملی اطلاق می‌شود که در آسمان به صورت ستارگان جلوه می‌کند و از ائمه روایت شده است که ان هذه الكواكب مدن كمدائكم. آیات قرآن هم صراحت دارد که که فضای آسمان عوالمی مانند زمین دارد که اقوامی مانند زمین در آن جا زندگی می‌کنند و روزی، خدا اقوام زمین و اقوام آسمان را با یکدیگر محشور خواهد کرد. در این آیه که می‌فرماید من پادشاه آسمانها هستم، پادشاهی در صورتی درست است که آسمانها مانند زمین پر از انسان باشد زیرا پادشاهی بر ذوی العقول درست است و حاکمیت بر غیر ذوی العقول مالکیت است نه پادشاهی.

سوره انعام

پاورقی 110 - آیه 1 ظلمات مجعول در آیه شریفه عدم نور نیست چنان که فلاسفه می‌گویند بلکه ماده مجعول است که از آن ماده پیکره عالم و آدم ساخته می‌شود. ماده در جنسیت ابتدائی خود سیاه و تاریک است که از نور روشنائی می‌گیرد. ظلمات به معنای عدم نور و عدم محض است، قابل جعل نیست و

علاوه نور به خودی خود روشنایی نمی‌دهد مگر که با ماده ترکیب واز آن منعکس شود. خداوند نور و ماده ظلمانی را بدون سابقه آفریده که به‌جعل بسیط تعریف می‌کند و بقیه خلایق ازاین دو اصل ساخته است پس کسانی که بین خلق و خالق حدوث رتبی قائل شده خلق را اثر ذاتی خدا می‌دانند در اشتباهند. خلایق اثر ارادی خداوند متعالند. بین خلق و خالق فاصله زمانی قهری است گرچه زمان آن فاصله قابل کشف نباشد.

پاورقی 111 - آیه 12 این آیه دلالت می‌کند که زندگی قیامت مظهر رحمت خدا است که فرمود ورحمتی وسعت کل شیء. رحمت واسعه در این زندگی دنیا به‌دو دلیل قابل گسترش نیست اول جهل مردم و دیگر این که درنظام حکومتی الهی قرار نگرفته‌اند که در محیط امن و امان باشند و ازبرکات الهی استفاده کنند.

پاورقی 112 - آیه 25 غل‌ها و غلاف‌ها در این آیات هدف‌های دنیائی انسان است. انسان نمی‌تواند بی هدف باشد. هدف بر انسان حاکمیت دارد اگر هدف، خدا و آخرت باشد به سوی آخرت می‌رود و اگر

دنیا باشد به سوي دنيا. هدف حجاب است ما وراء هدف قابل رویت نیست. همین هدف دنیائی انسان را در دنیا به ظلم و در آخرت به جهنم می کشاند. اگر دل از محبت خدا خالی باشد محبت دنیا آن را پر می کند و انسان را از خدا باز می دارد. هدف های غیر خدائی غلف و غلاف است.

پاورقی 113 - آیه 33 ناراحتی رسول خدا برای این بود که می دانست انحراف از ولایت مولی انحراف از ایمان به کفر است در نتیجه آن همه زحمت برای ترویج اسلام هدر می رود. خداوند حضرتش را تسلیت می دهد که يك اقلیت کافر و منافق گمراهند، اکثریت که مستضعفند مشمول عفو خدا واقع می شوند لذا در آیه 35 می فرماید اگر از مسیر تهدید و تطمیع دوست داری حکومت کنی، ثروت در اختیار قرار دهیم یا تورا به قدرت اعجاز الهی مجهز نمائیم تا بر آنها تسلط کامل پیدا کنی و آنچه بخواهی بشود تا از طریق خوف و طمع چاره ای جز اطاعت نداشته باشند و لیکن حکومت بر پایه تهدید و تطمیع گوارا نیست. بگذار عذاب کفر و گناه آنها را به دایره ولایت بر گرداند تا حکومتی بر بر پایه فهم و آزادی بوجود آید.

پاورقی 114 - آیه 44 ابتلائات گاهی برای تعلیم وتر بیت است وگاهی برای انتقام خداوند. ثروتمندان کافر و غافل را تا دومرتبه به ثروت و فقر مبتلا می‌کند تا در اثر فقر بعد از ثروت به خدا پناهنده شوند اما گاهی به جای این که از ترس فقر به خدا پناهنده شوند واز گناه ثروت پرستی توبه کنند قساوت قلب پیدا نموده فقر خورا توجیه می‌کنند که دنیا چنین است، گهی پشت بر زین و گهی زین به پشت. تحولات زندگی را به حساب خدا نمی‌گذارند تا متنبه شوند. مرتبه اول که فقر آنها را تنبیه نکرد دو مرتبه خدا آنها را به ثروت و قدرت می‌کشاند در این مرتبه هم نفس اماره کفر و گناه را در نظرشان جلوه می‌دهد و خداوند متعال مرتبه دوم آنها را به فقر مبتلا می‌کند که این مرتبه متنبه شوند ولی نمی‌شوند ولیکن قساوتشان زیادتر می‌شود و به کفر و گناه می‌گذرانند. در نوبت سوم نوبت انتقام می‌رسد. در این انتقام آنها را غرق ثروت نعمت می‌کند، غفلتشان زیادتر می‌شود که می‌فرماید نسوا ما ذکرنا به و فرحوا به ما اوتوا خیلی خوشحال می‌شوند که خدائی نیست. این همه گناه کردیم خبری نشد بعد خدا در انتقام خود با يك حادثه ناگهانی آنها را به نابودی می‌کشاند و بعد به عذاب

قیامت کشیده می‌شوند که ابتلاآت به‌حال آنها سودی نبخشید این است تقدیر خدا در ارتباط با کفار.

پاورقی 115 - آیه 53 در این آیه خداوند ثروت‌های مشروع و حلال را که در راه خدا انفاق می‌کنند تعریف می‌کند و جواب اعتراض گران را که چرا خدا به آنها ثروت داده، می‌دهد که اعتراض کوتاه فکران درست نیست مگر خداوندگان شاکر خود را نمی‌شناسد.

پاورقی 116 - آیه 59 کلید های غیب علم و حکمت است به دست خداوند متعال و ائمه اطهار است خداوند همه چیز را می‌داند و هر حادثه‌ای را به جا و به موقع اجرا می‌کند. اولیاء خدا مقدرات بشر را چنان می‌دانند که خدا می‌داند و این کلید هارا در مسیر علم و حکمت به‌بندگان خود می‌رساند.

پاورقی 117 - آیه 69 اهل تقوا و تقیه در این آیه شریفه کسانی هستند که در جامعه‌ها برای حفظ جان و مرام خود و برای این که با آن جامعه ارتباط برقرار کنند و در موقع مقتضی بتوانند دین حق را آشکار نموده آنها را هدایت نمایند متظاهر به‌دین آن

جامعه می‌شوند. خداوند در این آیه می‌فرماید ما به‌تظاهر آنها کاری نداریم، اصل تقوای قلب آنها است.

پاورقی 118 - آیه 81 یعنی ما پیغمبران در زمانی متعرض کفر و ضلالت مردم می‌شویم که مردم آمادگی قبول حق را داشته و در انتظار هدایت باشند و از این تقدیر خدا خبر دارند. هر وقت خدا اجازه دهد ما دعوت خود را آشکار می‌کنیم اول باید مردم طالب هدایت باشند. از کفر و گناه متنفر و منزجر شوند بعد ما دعوت خود را آشکار کنیم. مریض، اول مرض خود را بشناسد به دکتر مراجعه کند تا دکتر او را معالجه نماید ما پیغمبران دکتر امراض روحیم.

پاورقی 119 - آیه 88 حیط اعمال یکی از مسائل سوال برانگیز است که می‌گویند چرا اعمال صالح کسانی که دین ندارند یا از دین خدا منصرف شده‌اند در آخرت برای آنها نتیجه نداشته باشد. شاید خلاف عدالت است کافری که عمل صالح داشته از اعمال خود نتیجه نگیرد. جواب این است که اعمال نیک و بد در مسیر هدف نتیجه بخش است. اعمال انسان را برای وصول به‌هدف می‌سازد. کسانی که برای دنیا

و منافع شخصی کار می‌کنند دنیائی ساخته می‌شوند و عقل آخرتی ندارند هرکسی نتیجه کار خود را از کسی می‌طلبد که برای او کار کرده است. شما در زمین زراعتی خود کار کرده‌اید و کشاورز فلانی بوده‌اید از من و زمین من انتظار محصول ندارید.

پاورقی 120 - آیه 93 بدترین گناه دروغ بستن به خداوند متعال است. کسانی که بدعت‌هایی می‌سازند و می‌گویند حکم خدا است که به ما وحی شده، بندگان خدا را در مکتب کفر و ضلالت پرورش می‌دهند. خط دین خدا را کور می‌کنند و مسئول ضلالت خود و دیگرانند.

پاورقی 121 - آیه 95 این آیه شریفه و نظائر آن دلالت می‌کند که حیات و حرکت در اثر ترکیب اصول اولیه بایکدیگر است. اگر اصول اولیه یعنی ماده و روح حیات و حرکت ذاتی داشته باشند خروج میت از حی و یابرجشت حیات به موت درست نیست. اگر حیات بدن از روح است و روح خود به خود پیش از ورود به بدن حیات است، خروج از موت به حیات درست نیست بلکه خروج از حیات به حیات است. بطور کلی تمامی آثار در اجسام طبیعت اثر ترکیبی است یعنی مبادی

آفرینش که روح و جسم است به تنهایی فاقد اثرند و بعد از ترکیب با یکدیگر چنین آثاری پیدا می‌شود. نور خود به خود روشنائی نیست مگر که با ماده ترکیب شود. روح هم خود به خود حیات نیست مگر که با بدن ترکیب شود. اگر انسان روح تنها یا بدن تنها باشد و هر يك از این‌ها حیات و حرکت ذاتی داشته باشند حالت موت و حیات بر انسان عارض نمی‌شود پس معلوم می‌شود موت و حیات اثر ترکیبی این دو اصل است که وقتی با هم هستند، زنده‌اند و اگر جدا شوند، مرده‌اند.

پاورقی 122 - آیه 108 یکی از مسائل تقدیری خدا این است که می‌فرماید ما دین و عقیده هر کسی را در نظرش جلوه می‌دهیم تا ثبات قدم برای آنها پیدا شود. این جا سوال می‌شود که چرا خداوند دین باطل را در نظر اهل باطل جلوه می‌دهد تا از راه باطل به جهنم کشیده شوند. جواب این است که انسان بدون هدف از حرکت باز می‌ماند و انسان بی‌حرکت مرده است. حرکت در راه باطل انسان را با خطرات روبه‌رو می‌کند و این خطرات او را مجبور می‌کند به راه حق برگردد آیه 112 دلالت دارد که جن و انس هر دو از نوع بشرند که دشمن پیغمبرانند.

پاورقی 123 - آیه 115 این آیه شریفه جامع‌ترین آیاتی است که که کمال مطلق دو کتاب ناطق وصامت را تأیید می‌کند. قرآن يك کتاب نامتناهی است که تا ابد علم و دانش در اختیار انسان می‌گذارد و هرگز کهنه نمی‌شود. هر کتابی در مسیر تکامل علم دانسته و کهنه می‌شود و یکی دو سال دانشجو را اداره می‌کند. به جز قرآن که تا ابد کتاب روز است، انسان هرگز از قرآن جلو نمی‌افتد و برابر آن هم نمی‌شود. قرآن صامت همین قرآن است و ناطق ائمه اطهارند صدقا وعدلا یعنی این قرآن و ائمه در بیان حقایق و احکام و اخلاق عدالت اجتماعی تمام و کامل اند.

پاورقی 124 - آیه 128 این آیه شریفه نشان می‌دهد که طایفه جن، انسان‌های ناشناخته‌اند نه این که نوعی غیر از انسان باشند. جن همان انسان‌های کم‌عقلی هستند که در استعمار جباران قرار می‌گیرند و پایه‌های حکومت معاویه‌ها هستند زیرا خداوند روز قیامت اولاً به جنیان می‌گوید که تعداد شما از انسان‌ها بیشتر است. اگر جن و انس دو نوع باشند درست نیست که مثلاً به نوع فرشته بگویند شما از انسان‌ها بیشتر هستید و ثانیاً از جمله

(اولیائهم من الانس) استفاده می‌شود که این اولیاء جن جباران حاکم بر طایفه جن هستند نه اولیاء الله زیرا آن حاکمان جبار می‌گویند که ما از جنیان بهره بردیم یعنی انهارا استثمار کردیم. برای این که ما شنیده‌ایم که پیغمبران وائمه حکومت بر جنیان دارند اما هرگز نشده است که جباران بر جنیان حکومت کنند تا طبق این آیه جباران، اولیاء جن باشند. پس این اولیاء استثمارگر جن در جمله و قال اولیائهم من الانس پادشاهان و جباران حاکم بر ضعفایند. همین جباران حاکم روز قیامت عذر می‌آورند و می‌گویند ربنا استمتع بعضنا ببعض یعنی ما از آنها بهره بردیم و این همان معنای استثمار است که دولت‌های طاغوتی از اکثریت کم عقل بهره می‌برند و آنها را به جنگ اولیاء خدا می‌فرستند. معاویه در يك جدالي که با طرماح عدي بن حاطم دارد می‌گوید به‌علي امام خود بگو که من سیصد هزار آدم‌هائی را برای جنگ آماده کرده‌ام که شتر نر و ماده را از هم تشخیص نمی‌دهند چه برسد علي و معاویه را بشناسند. پس این سیصد هزار نفر جنیان هستند که در استثمار معاویه هایند. بدویان و وحشیان هم که این ممالک را در استعمار امریکا و انگلیس قرار

داده‌اند، جنند. در احادیث معاملات حلال و حرام در کتاب وسائل است که سائل از امام علیه السلام می‌پرسد که اگر ما میان این بیابانی‌ها و روستائی‌ها برویم اجناس و امتعه آنها را خریداری کنیم چطور است. امام علیه السلام می‌فرماید درست نیست (انهم جن کشف عنهم الغطاء) در تعریف تسخیر جن به دست سلیمان دارد که ان الجن والشیاطین غلظوا لسلیمان ابن داود برای این که سلیمان آدم‌های وحشی بیابانی را شهر نشین کرد و از آنها کار کشید. از همین احادیث استفاده شده است که یکی از معاملات مکروه تلقی الרכبان است که به استقبال بدوی‌ها بروند و اجناس آنها را از گوشت و لبنیات خریداری کنند که آنها از قیمت روز بی‌خبرند، خدا شما بی‌خبران را هدایت کند. اگر جن یک طایفه متباین با انس باشد درست نیست که پیغمبر انسان‌ها پیغمبر آنها باشد زیرا دو نوع متباین قابل تماس نیستند. خدا باید هر پیغمبری را به زبان قوم خودش مامور کند اگر فرشته‌ای را به رسالت مامور کند، لباس انسان به او می‌پوشاند. پس بهتر این است که افسانه‌ها را رها کنیم و در پی حقیقت باشیم. آن کدام جنیانند که این همه شهرت دارند و

پیغمبري از آنها مبعوث نشده پادشاهان بر آنها حکومت مي‌کنند و ما انسان‌ها يك نفر از آنها را ندیده‌ایم. آن جنیان که برای سلیمان بنائی و غواصي مي‌کردند چه کسانی بودند که طهماسب دیو بند آنها را به خط اطاعت کشید و رستم هم با دیوان مازندران جنگید. پس انسانهای وحشی که نمود اجتماعی ندارند، جن‌اند که در جامعه مستورند. در آیه 130 خداوند دو گروه جن و انس را طرف خطاب قرار مي‌دهد که ای گروه جن و انس پیغمبرانی از خودتان به طرف شما رسالت دادیم تا شما را آموزش دهند. معلوم است که پیغمبران از طایف انسانی نه از جن. از این جا معلوم مي‌شود که جن و انس يك نوعند که پیغمبرشان انسان است.

پاورقي 125 - آیه 158 همه جا به ظهور امام زمان تفسیر شده است. ظهور امام مانند ظهور پیغمبران و ائمه گذشته نیست که برای اتمام حجت و هدایت باشد. به طوری که مردم مانند قبل از ظهور آزاد باشند یکی اطاعت کند و دیگری معصیت وعده‌ای با آن حضرت بکنند. امام باقر علیه السلام مي‌فرماید با طلوع شمس از مغرب و ظهور آیات که خدا که در این آیه مي‌فرماید یوم یاتی بعض آیات ربك تمام اهل

عالم که جنگ هسته‌ای آنها را به هلاکت کشانیده و از حکومت انسان بر انسان مایوس شده‌اند، داد می‌زنند آما آما اما آن حضرت ایمان قبل از ظهور را قبول دارد نه ایمان بعد از ظهور را. همه جا گفته‌اند یسد باب التوبه عند ظهوره با آزادی مردم چطور ممکن است دنیا پر از عدل و داد شود. آن حضرت در کتاب تحف العقول در تفسیر آیه حتی تضع الحرب اوزارها می‌فرماید ولن تضع الحرب اوزارها حتی تطلع الشمس من مغربها و اذا طلعت الشمس من مغربها آمن الناس کلهم یومئذ ولاتنفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا. باید چه حادثه‌ای اتفاق بیافتد که تمام اهل عالم یک جا داد بزنند آما آما و آن حضرت ایمان آن روز را قبول نکند برای این که آن حضرت با قدرت الهی اعجازی ظاهر می‌شود. توبه آن روز توبه ابوسفیانی است که اگر قبول کند هر کافر و منافقی به دولت آن حضرت راه پیدا می‌کند. پس کجا است این مستاصل اهل النفاق والتضلیل اوفاتح ملک عظیمی است که خدا به آل ابراهیم وعده داده است که فرمود و آتیناهم ملکا عظیما. او مجهز به ولایت تکوین است که به محض ظهور همه چیز در تصرف او است چنان که در

تصرف خدا است. فکر می‌کنید با این صنایع عجیب و غریب که کفار بر زمین و آسمان مسلط شده‌اند او که ید الله است با چه قدرتی ظاهر شود. منت امریکا و اسرائیل را برای اسلحه بکشد یا از قدرت الهی استفاده کند. کدام پیغمبر برای موفقیت خود از قدرت مردم استفاده کرده است. کسی که مرده‌ها را زنده می‌کند و به محاکمه می‌کشد به طب و طبیب چه احتیاجی دارد. او موعود الامم از ابتدای خلقت آدم تا انتها است (بکم بدئ الله و بکم یختم).

پاورقی 126 - آیه 11 سوره اعراف تمامی این گفتگوها بین خدا و شیطان زبان حال است و الا شیاطین کجا خدارا می‌شناسند که با او حرف بزنند. وضعیت روانی و وجودی شیاطین چنین است که می‌گویند. وضعیت وجودی خدا و اولیاء خدا هم چنان است که گفته‌اند. این دو طایفه قابل حشر با یکدیگر نیستند.

پاورقی 127 - آیه 32 این آیه شریفه هم چنانکه گفته شد قیام امام زمان را قیامت می‌داند و خبر می‌دهد که اهل ایمان از کل ادیان با قیام آن حضرت به فرج کامل می‌رسند. مستضعفین ادیان، مومنانند.

عدم قبول اسلام به قصور آنها بوده نه به تقصیر. مشمول عفو الهی واقع می‌شوند. کفار و منافقین هر زمانی در استیصال کامل قرار می‌گیرند، نعمت‌های مادی و معنوی خالص در اختیار مومنین قرار می‌گیرد که فرمود خالصه یوم القیامه با استیصال اهل نفاق و تضلیل در دعای ندبه چه بهره‌ای ممکن است داشته باشند دونوع عذاب در آیه 38 یکی عذاب اعمال بد و دیگر عذاب پرخاش پیروان.

پاورقی 128 - آیه 50 تحریم آب و غذایی بهشت بر اهل جهنم مانند تحریم گوشت مرغ و برنج بر اسب و الاغ است. ذائقه دنیائی در برابر غذاهای آخرت مانند ذائقه حیوانات مقابل غذای انسان است.

پاورقی 129 - آیه 53 تاویل قرآن همه جا حکومت و حاکمیت ائمه اطهار است رسول خدا ص فرمود من برای تنزیل قرآن جنگیدم و بعد از من علی ع برای تاویل قرآن خواهد جنگید. جنگ برای تاویل یعنی حاکمیت حق که حق هم به جز حاکمیت ائمه قابل اجرا نیست. در این آیه شریفه و نظائر آن تاویل قرآن روز ظهور امام و حکومت او شناخته شده که همان

قیامت است که کفار و منافقین به حسرت و ندامت مبتلا می‌شوند و می‌گویند کسی هست از ماشفاعت کند.

پاورقی 130 - آیه 54 استوای خدا بر عرش بعد از شش روز به معنای حکومت خدا بر افراد بشر است و این حکومت بعد از تکامل بشر و آمادگی آنها برای ظهور امام زمان فراهم می‌شود و این خود دلیل است که منظور از خلقت آسمان و زمین در شش روز، دوران تکامل بشر از هبوط آدم تا قیام قائم است که چهار دوره آن پیش از ظهور حضرت خاتم و دو دوره از ظهور اسلام تا قیام قائم است. رشد بشر کرسی سلطنت خدا و ائمه اطهار است. همان طور که جهل مایه غیبت و انزوای ائمه اطهار شده است علم به آنها مایه ظهور خواهد بود. آسمان در تاویل قرآن ساخت افکار بشر و زمینه تربیت آنها است. استوای خدا بر عرش یعنی حاکمیت و سلطنت او اما عرش به معنای قدرت و آفرینندگی از خدا جدا نیست که بعد از شش روز باشد علاوه پیش از تکمیل خلقت عالم روز و شبی وجود ندارد که خدا در ظرف شش روز خلق کند اما استوای بر عرش به معنای سلطنت و حاکمیت

بعد ازدوران زندگی دنیا پیدا می‌شود که فرمود ملک
یوم الدین.

پاورقی 131 - آیه 95 خداوند متعال در تقدیر
حکیمانه خود اقوام متجاوز و کافر را چند مرتبه در
زندگی مبتلا می‌کند تا شاید به اطاعت خدا در آیند
و پناهنده به خدا شوند بعد که ابتلاء اول تا سوم
سودی نبخشید آنها را در رفاه و آسایش غرق نعمت
می‌کند و ناگهانی آنها را به هلاکت و آخرت می‌کشاند.

پاورقی 132 - آیه 143 موسی مانند حضرت خاتم
هنوز به کمال نرسیده بود که خواهش کرد خدا را
ببیند. هر وقت حالت لقاء الهی برای انسان فراهم
شود خداوند پیش از تقاضای ملاقات خود را به
بنده اش معرفی می‌کند. خداوند مظهری از عدم
مقاومت در نظر او نمایان ساخت تا بداند کوه با آن
استحکام در برابر خدای خود نمی‌تواند مقاومت کند تا قانع
شود و چنین تقاضایی را تکرار ننماید. هر نوع رابطهای
مخصوصاً ملاقات به اذن خدا واقع می‌شود زیرا خدا
به حال انسان از انسان آگاه‌تر است. لقاء خدا در
انتهای تکامل استعدادی حاصل می‌شود. در میان
این همه پیغمبران فقط پیغمبر خاتم به ملاقات خدا

که همان معراج است نائل شدند و نظر به این که آن حضرت در استعداد خود کامل شد دین خدا را هم کامل در اختیار بشر قرار داد و ختم نبوت اعلام نمود.

پاورقی 133 - آیه 146 در این آیه خداوند می‌فرماید که متکبرین را از فهم آیات خود منصرف می‌کند منع متکبرین از فهم حقایق دین يك منع قهري و یا محرومیت طبیعی است نه این که به‌اراده باشد. خداوند خیلی حریص به تعلیم و تربیت مردم است زیرا علم و معرفت هدف‌نهایی خدا از خلقت عالم و آدم است. هرگز با اراده خود مانعی برای فهم مردم ایجاد نمی‌کند که خلاف حکمت بوده و ظلم است اما وقتی که انسان به‌اراده خود از مکتب دین انصراف پیدا کرد قهراً هدف دیگری که حب دنیا باشد جای مکتب خدا را می‌گیرد و این هدف دنیائی بین او و معارف الهی حجاب می‌شود که گفته‌اند حب الشيء یعمی و یصم. هدف حاکمیت بر بینائی و دانائی انسان دارد.

پاورقی 134 - آیه 155 امت موسی حقیقتاً مردمی موزی و متعرض بودند. به‌جای این که تشکر کنند موسی آنها را از بردگی نجات داده، دائم تعرض

داشتند. بت پرستان را می دیدند و می گفتند چرا برای ما بت درست نمی کنی. ما به کوه طور بیائیم ببینیم خدا چطور سخن می گوید و حالا که سخن خدا را شنیده اند می گویند خودش را به ما نشان دهد. اگر خدا را می دیدند خدا می داند چه بی حیائی ها می کردند. رویت خدا بعد از معرفت کامل درست است نه پیش از معرفت. صاعقه آنها را کشت موسی عصبانی شد که خدایا مرا هم هلاک می کردی جواب اقوام را چه بدهم. پس بعضی مصیبت ها از استعداد موسی بالاتر است. خداوند با معجزات او را کمک می داد و مشکلاتش را حل می کرد. به همین دلیل که امت خیلی اعتراض گر بودند و صبر و استعداد پیغمبران بنی اسرائیل زیاد نبود خدا آنها را کمک می کرد که گفتم معجزات موسی برای اتمام حجت نبود برای این بود که امت تسلیم نبودند بلکه متعرض بودند.

پاورقی 135 - آیه 157 نوری که با این پیغمبر نازل شده ائمه اطهار بوده اند زیرا قرآن به تنهایی هدایت گر نیست بلکه منشا اختلاف می شود که هر کسی نظری دارد. قرآن صامت به کمک قرآن ناطق هدایت گر است.

پاورقی 136 - آیه 163 کسانی که به غضب خدامسوخ می‌شوند و صورت انسانی آنها به صورت حیوانی تغییر پیدا می‌کند با حفظ روحیه و شعور انسانی صورت حیوانی پیدا می‌کنند. اگر همراه تغییر صورت شعور حیوانی هم پیدا کنند غم و غصه‌ای ندارند زیرا غم و غصه خاصیت علم و شعور است. حیوانات که علم ندارند غم و غصه هم ندارند که حیوانند مثلاً اگر حیوان نابینا شود غصه نمی‌خورد اما انسان غصه دارد چون شعور دارد. کسانی که مسخ می‌شوند مانند کسانی هستند که نابینا می‌شوند. یهودیانی که مسخ شده بودند مردم را می‌دیدند خجالت می‌کشیدند و دوست نداشتند مردم آنها را به آن صورت ببینند.

پاورقی 137 - آیه 167 این آیه شریفه هم از آیاتی است که دلالت می‌کند قیام آن حضرت قیامت است که می‌گوید یهودیان تا روز قیامت در شکنجه و عذابند. اگر قیامت بعد از قیام آن حضرت باشد وزندگی از نوع زندگی دنیا لازم‌ه‌اش این است که یهودیت و نصرانیت و سایر ادیان به حال خود باقی و آزاد باشند با این که آیه و یکون الدین کله لله. به زمان آن حضرت تفسیر شده است و تا ادیان باطل و خرافات از بین نرود عدالت

جهاني ظاهر نمي‌شود. فرج جهاني همين دين اسلام به‌رهبري معصومين است که بايد کل بشریت را فراگیرد که امام در تفسیر آیه حتي تضع الحرب اوزارها فرمودند يصلح الله امره في ليله واحده.

پاورقي 138 - آیه 171 قبول کوه طور به‌قوه قهریه مانند قبول کعبه است که بايد به‌عنوان يك شعار باقي بماند. آزادي مردم در انتخاب دين به ميزاني است که خود را گمراه کنند نه اين که راه دين را هم کور کنند. يهوديان مي‌خواستند شعار دين را که موجوديت تورات بود از بين ببرند خداوند به‌قوه قهریه آن را حفظ کرد تا راه هدايت محفوظ بماند تا زماني که صندوق عهد يادگاري‌هاي حضرت موسي را در ميان خود حفظ مي‌کردند در امان بودند والا دشمن بر آنها مسلط مي‌شد.

پاورقي 139 - آیه 172 مربوط به‌عهد وپيمان ديني است که خدا در دنيا از مردم مي‌گیرد کساني که آیه را مربوط به پيش از خلقت مي‌دانند اشتباه مي‌کنند. خداوند مي‌فرمايد وقتي که ذريه آدم را از پشت او بيرون آوردم وشاهد خود شان نمودم. ذريه اولاد آدم است نه ذرات پيش از خلقت وکلمه اشهدهم علي

انفسهم یعنی خود شناس شدند. در این موقع عهد و پیمان بر بوبیت و ولایت از آنها گرفتم تا مبادا روز قیامت بگویند غافل بودیم کسی ما را دعوت نکرد. انسان‌ها پیش از خلقت وجود ندارند که خدا عهد و پیمان بر اطاعت بگیرد. اگر این عهد و پیمان تکوینی باشد که همراه خلقت و بعد از خلقت است که انسان در خلقت خود را موظف به اطاعت می‌بیند و اگر تشریحی باشد که بعد از بلوغ انسان به وسیله پیغمبران است خدا می‌فرماید از ذریه آدم یعنی از اولاد او عهد و پیمان گرفتم که روز قیامت عذری نیاورند پس عهد تشریحی است مخصوصاً که می‌گوید اشهدهم علی انفسهم یعنی بعد از آنکه خودشناس شدند.

پاورقی 140 - آیه 204 اگر به احترام قرآن ساکت بنشیني گوش بدهي رحمتي که خدا در این آیه به تو وعده می‌دهد فهم قرآن است که به تو خواهد رسید.

سوره انفال

پاورقی 141 - آیه 1 مردم بر امثال این آیات که این ثروت‌های عمومی مال خدا و رسول و امام است

وامثال احادیثی که رسول خدا فدک را به دخترش بخشیده ایراد می‌گیرند و می‌گویند خداوند رود خانه های بزرگ دنیا امثال نیل و فرات و سیحون و جیحون را مهر حضرت زهرا قرار داده که شاید این مسائل هم ثروت جوئی و تبعیض نژادی باشد. رسول خدا هم مانند دیگران به فکر خود و اولادش می‌باشد که این املاک را به خود و خانواده‌اش اختصاص داده. خیال می‌کنند پیغمبران هم مانند دنیا پرستانند و هدفشان مال و ثروت است. چرا فکر نمی‌کنند که خداوند متعال اولای ائمه را در دین و حکومت ردیف خود قرار داده و این ردیف شدن به معنای این است که دین و حکومت آنها حکومت خدا و مال آنها مال خدا است. وقتی که ما می‌گوئیم دنیا و ثروت دنیا مال رسول خدا و امام است مثل این است که می‌گوئیم مال خدا است، اعتراض بر آنها هم اعتراض بر خدا است و اکنون که می‌گوئیم همه چیز مال خدا است البته مال خدا است. خدا این نعمت‌ها را چه می‌کند، کجا مصرف می‌کند. هرچه خدا دارد به اراده خدا به مردم می‌رسد. خدا به این دلیل ثروت‌ها را به ولی خود می‌دهد که حکومت را به آنها داده است و آنها به جای پدر و مردم به جای اولادند. گرچه ثروت خانواده به نام

پدر است ولي به وسيله او به همه فرزندان مي‌رسد. آنها در ولايت و حکومت مال خدا را در راه ترقي و تکامل بشر مصرف مي‌کنند و به همه بندگان مي‌رسانند آنچه از خدا انتظار داريد از آنها انتظار داشته باشيد و اگر برخدا اعتراض داريد بر آنها اعتراض داشته باشيد. آنها و علم و عمل آنها در ارتباط با خدا مانند راديو تلويزيون در اختيار گوينده‌اند.

پاورقي 142 - آیه 12 فرشتگان در عالم خلقت مانند نيروي برق در صنايع برقي هستند و انسان‌ها مانند چراغ و صنايع برقي همان طور که صنايع برقي با نيروي برق تقويت و تضعيف مي‌شود. خداوند متعال هم مخلوقات خود و انسان‌ها را با نيروي فرشته تقويت مي‌کند. نيروي دل کفار رامي برد ترسو مي‌شوند و نيروي دل مومن را زياد مي‌کند شجاع مي‌شوند درنتيجه مومنين پيروزند.

پاورقي 143 - آیه 17 رسول خدا در جنگ بدر بدون نشانه گيري قبضه ريگي را به طرف کفار پاشيد هر يك از آن ريگ‌ها چشم يکي از کفار را کور کرد مانند تيري بود که به وسيله تير انداز نشانه گيري شده باشد شما قضاوت کنيد که آيا تيرانداز خدا بود که

چشم کفار را نشانه گرفت یا رسول خدا که بدون نشانه گیری پاشید در این رابطه فرمود ما رمیت اذ رمیت ولاکن الله رمی.

پاورقی 144- آیه 29 استغفار از گناه از نظر ارزش برابر وجود رسول خدا شناخته شده که خداوند فرمود تا زمانی که رسول در میان شماست از گناه استغفار کنید، عذاب بر شما نازل نمی‌شود. استغفار به معنای عقل ورشد از خداوند متعال است. کسی که جاهلانه گناه می‌کند نیروی عقل لازم دارد. خداوند با استغفار عقل به انسان می‌دهد و رسول خداهم بانصیحت خود به گناه کار عقل می‌دهد. عقل و شعور فکر انسان را بالا می‌برد تا کفر و گناه را بشناسد و به دایره لطف خدا بر گردد پس بانصیحت رسول خدا و با استغفار عقل انسان قوی می‌شود و علمش بالا می‌رود. آیات قرآن و نصیحت‌های خدا و ائمه اطهار عقل نقدی است که مفت و مجانی به شما داده می‌شود و این رشد عقلمانی همان معنای غفران است.

پاورقی 145 - آیه 35 دینی که فقط مراسم خشک و خالی و صدا و صغیر باشد انسان را رشد نمی‌دهد.

دین خدا مکتب تکامل است و این عبادت‌ها مانند نماز و روزه شعار مکتب است. شعار در مقدمه شعور است و قرآن وائمه مکتب عقل و شعورند. دین و زندگی حیات بخش مردم با علم و شعور زنده می‌شود و زنده می‌ماند. مردم باید به فکر این باشند که از هر حکمی حکمت آن را دریابند نه این که فقط به سر و صدا و شعار اکتفا کنند.

پاورقی 146 - آیه 41 حفظ موقعیت خدا و رسول
وائمه اطهار که درست به معنای حفظ دین خدا است به دو چیز بستگی دارد: یکی حفظ نسل رسول خدا که مانند تابلو هائی در سردر مکتب اسلام قرار گرفته‌اند و یک شعار زنده برای رسول خدا می‌باشند و آگاهانه و یا نا خود آگاه مردم را به دین خدا دعوت می‌کنند و دیگر حفظ مکتب اسلام که حافظ آثار علمی قرآن و رسول خدای باشد تا زمانی که این دواثر محفوظ است دین خدا هم محفوظ است و دین اسلام یگانه راه حیات اجتماعی و سعادت بشر در دنیا و آخرت است که اگر این راه کور شود بشریت به نابودی و گمراهی کشیده می‌شود. دین خدا با جهل مردم است از بین می‌رود و با علم مردم است زنده می‌ماند. تمامی دانشمندان عالم اتفاق نظر

دارند که یگانه عامل بقاء دین تعلیمات ائمه اطهار و مخصوصاً تعلیمات امام صادق و امام باقر بوده است. کافی است که بدانید کسانی که از این تعلیمات محروم مانده‌اند چقدر غرق خرافات و موهومات شده‌اند. این علم علیرغم استعمار گران که همه جا کوشش کرده‌اند خط قرآن و رسول خدا را کور کنند به وسیله علمای مکتب دین خدا در طول تاریخ محفوظ مانده است. استعمار گران ظالم مانند بنی امیه ها ذریه رسول خدا را از حقوق اسلامی بیت المال و حقوق اجتماعی محروم نمودند و آنها را از شهر و وطن آواره و خط مکتب را کور کردند. ائمه اطهار برای بقاء این دواصل حیات بخش دین خمس اموال اهل ایمان و ولایت را به این دو راه اختصاص دادند تا که دین خدا و شجره رسول خدا بارور و پرثمر باقی بماند والحمد لله چنان شد که آنها خواسته بودند.

پاورقی 147- آیه 48 همیشه وضعیت شیاطن و منافقین چنین بوده است که جنگ و صلح خود را جنگ و صلح خدا معرفی کنند و از محبوبیت آنها در پیشرفت مقاصد شوم خود استفاده نمایند. فرق بین کافر و منافق همین است که کافر خدا و دین را قبول ندارد و در کفر خود صریح است. مومنین تکلیف خود را

با او می‌دانند و گول نمی‌خورند و او را بر خود حاکمیت نمی‌دهند ولی منافقین که باطل را در لباس حق جلوه می‌دهند و مومنین حق جو را در راه منافع شوم خود استثمار می‌کنند. شیاطین مکه به‌عنوان حفظ حرمت خانه کعبه اهل مکه را به میدان جنگ بارسول خدا کشانیدند و وقتی باشکست روبرو شدند فرار کردند به پیروان خود گفتند ما مسئول شکست شما نیستیم، جنگ نمی‌کنیم و از خدا می‌ترسیم.

پاورقی 148 - آیه 65 این دو آیه شریفه اسرار عجیبی را در متن خود دارد خداوند فرمود حالاکه خداضعف شما مسلمانان را دانست تقویت خود را سبکتر کرد. صد نفر از شما را بر دویست نفر غالب می‌کند و هزار نفر از شما را بر دو هزار نفر. در آنجا که عده سربازان قلیلند می‌گوید ده نفر از شما را بر صد نفر و صد نفر را بر هزار نفر پیروز می‌کند و آنجا که سربازان زیادند می‌گوید شما را ضعیف می‌بیند. صد نفر را بر دویست نفر پیروز می‌کند با این که سربازها وقتی زیادترند قوی‌ترند و وقتی کمترند ضعیف‌ترند. سر آن این است که وقتی سربازها کمند و جهادشان را جدی می‌گیرند ایمان و توکلشان زیادتر

می شود خدا آنها را تقویت می کند. به يك نفر برابر ده نفر نیرو می دهد اما وقتی زیاد ترند به خود متکی می شوند ایمانشان ضعیف تر است کمتر از خدا نیرو می گیرند.

پاورقی 149 - آیه 72 همین طور که هرچیزی اصل وفرع دارد وفروع از طریق وابستگی به اصول تقویت می شود دین هم اصل وفرع دارد فروع در ضمن اصول محفوظ می مانند اصل توحید درشعاع ولایت رسول خدا وائمه اطهار متمرکز است هر مسلمان باید اول با اصول دین وائمه اطهار وحدت پیدا کند و بعد در شعاع این وحدت وظائف دینی خود را انجام دهد که ولایت ائمه است، وحدت پیدا کند به وظائف اسلامی خود مشغول شود. دراین رابطه داستان مذاکره ای که بین خلیفه عباسی وحضرت موسی ابن جعفر بوجود آمده یاد آوری می کنیم تا معلوم شود چگونه کسی که از اصول اسلام جداست از برکات ولایت اسلام محروم می شود. هادی عباسی وحضرت موسی ابن جعفر در ارتباط به رسول خدا و بنی هاشم بحث می کنند خلیفه عباسی می پرسد وقتی کسی از دنیا می رود عمو وپسر عمو دارد کدام يك از آنها به میت نزدیک ترند ووارث پیغمبر به حساب

می‌آیند. حضرت فرمودند با بودن فرزند صلبی نوبت به دیگری نمی‌رسد. دختر رسول خدا وارث است بعد فرمود آیا در امانم اگر دلیل دیگری بیاورم که اگر فاطمه هم نباشد باز هم عباس عموی پیغمبر ارث نمی‌برد بلکه وارث علی علیه السلام است عرض کرد بفرمائید در امانید. حضرت آیه مهاجرت را ذکر کرد که اگر مسلمانی از مکه به مدینه هجرت نکند از ولایت اسلام بهره‌ای نمی‌برد (والذین آمنوا ولم يهاجروا مالکم من ولايتهم من شيء) چون عباس عموی پیغمبر به مدینه هجرت ننموده از ولایت اسلامی که از آن جمله ارث است بهره نمی‌برد پس در هر صورت عباس ارث نمی‌برد وارث علی علیه السلام است.

پاورقی 150 - آیه 23 هر نوع عامل وابستگی در معرض انفصام وانهدام است. وابستگی‌های مالی و مادی حسبی و نسبی، پدری و فرزندی همه این‌ها وابستگی‌های دنیائی است که با تمام شدن زندگی تمام می‌شود و از بین می‌رود. روز قیامت که مردم از خواب مرگ بیدار شدند تمامی این وابستگی‌ها در حد صفر وزیر صفر قرار می‌گیرد زیرا این زندگی دنیائی به کلی از بین رفته و زندگی آخرتی برپایه ایمان

و تقوي دایر می شود. فقط وابستگی به خدا و اولیاء خدا درست و قابل دوام است چون که خدا و ولایت او ازلی و ابدی است. فقط رشته ایمان و تقوي عروه الوثقاي غیر قابل انفصام است و من یومن بالله فقد استمسك بالعروه الوثقي لا انفصام لها پس باید هرکسی و هر چیزی را از نظر ایمان و ارتباط به خدا و اولیاء خدا قبول کرد.

پاورقی 151 - آیه 28 نجاسات چیز هائی است که مضر به حیات و زندگی انسان است و انسان را به امراض روحی و بدنی مبتلا می کند. خلائقی را که خدا آفریده بر دو قسمند: خبیث و طیب، خبائث چیز هائی هستند که مایه تنفر طبع انسان است و بین انسان و خبائث جاذبه و رابطه طبیعی وجود ندارد زیرا خداوند متعال مزاج و بدن انسان را از طبیات آفریده و از خبائث در وجود انسان خلق ننموده که جنس خود را طالب و جاذب باشد لذا طبیعت انسان از خبائث تنفر و به طبیات تمایل دارد. خبائث مانند سوسک و حشرات امثال آنها است که غالباً از مردارها و میکربها و مدفوعات انسان و حیوان متولد می شوند و موجودیتشان از خبائث و نجاسات است. خون و مردار و حیوانات حرام گوشت که از خون مردار

تغذیه
 می کنند از خبائث و نجاساتند که انسان از حشر آنها باید اجتناب کند. مدفوعات حیوانات و انسان از نجاسات است که باید اجتناب کرد. کفار و مشرکین ضد خدائی همین طور از نجاساتند که فرهنگ کفر و گناه مضر به روح انسان است و او را به هلاکت دینی و فرهنگی می کشاند که به مراتب از نجاسات و میکروبها خطرناکتر است. هرگز مومن و کافر قابل حشر با یکدیگر نیستند. کافر با مومن به قصد طمع و خیانت تماس می گیرد که خدا می فرماید کافر به طبیعت آتش است این که خدا می فرماید جن و شیاطین از آتش خلق شده اند یعنی طبیعتشان مانند آتش متجاوز و بی بند و بار است زیرا فقط ایمان است که انسان را به نظام می آورد. کافر نظام طبیعی پیدا نمی کند. آتش است، متجاوز است باید از حشر با او اجتناب کرد.

پاورقی 152 - آیه 37 در این آیه شریفه هم خداوند وعده می دهد که دین اسلام را بر همه ادیان پیروز کند البته این پیروزی به معنای این است که هیچ ملتی در دنیا باقی نماند و حق حیات نداشته باشد مگر این که متدین به دین اسلام به رهبری چهارده

معصوم علیهم السلام باشد و این پیروزی بزرگ با ظهور امام زمان تحقق پیدا می‌کند.

پاورقی 153 - آیه 36 تقویم‌ها همه جا باید برمدار طبیعت و خلقت باشد. سال و ماه و شماره‌ها و قانونی که بر خلاف خلقت باشد مانند این است که بیابان را به جای دریا و دریا را به جای بیابان بشناسی و مرکب بیابان را به دریا و مرکب دریا را به بیابان ببری که هرگز قابل رواج نیست. یکی از مسائلی که که امروز برخلاف طبیعت و خلقت جریان دارد اختلاف ماه‌ها و برج‌ها است که هیچ برهانی ندارد، ماه و برج باید مطابق خلقت باشد. اول هر ماهی فقط زمانی است که کره ماه از شعاع خورشید خارج شده ابروی هلالی خود را به اهل زمین نشان می‌دهد. در هر جای کره زمین که اول شب ماه را دیدند فردای آن روز در تمام کره زمین اول ماه است خواه این رویت به علم باشد یا به چشم. برهانی ندارد که مملکتی امروز را اول ماه و کشور دیگر فردا را اول ماه بشناسد. این اختلاف بر خلاف خلقت و طبیعت است و اختلاف برج‌ها هم همین طور است. اول برج همان زمانی است که خط استوای زمین به خط عمود برابر خورشید قرار می‌گیرد و تمامی خطوط عمود

در استوای زمین در نصف النهارها بدون سایه می‌شود، هر ساعتی که چنین می‌شود همان روز یا فردا در تمام کره زمین اول برج است و دلیلی ندارد که عده‌ای امروز وعده‌ای فردا را اول برج قرار دهند پس اختلافات در ماه و بروج هم خلاف طبیعت است که در آیه شریفه این تغییرات را تحریم می‌کند. لازم است بدانیم اولین مملکتی که ماه و بروجش مطابق زمین و ماه آسمان است فقط ایران است. ایران همان روزی را اول سال قرار می‌دهد که خورشید به‌طور عمود بر خط استوا می‌تابد و کره ماه چهره خود را به اهل زمین نشان می‌دهد. سال و ماه سایر ممالک چنین مطابقتی با گردش افلاک ندارد و سال و ماه آنها غیر طبیعی است.

پاورقی 154 - آیه 49 منافقین که تمامی کارهایشان خلاف طبیعت و حقیقت است به فکر این هستند که موجودیت واقعی خود را هم خلاف واقع جلوه دهند. می‌گویند خدا و رسول دروغ ما را راست جلوه دهند، تبلی و خانه نشینی ما را جهاد بشناسند. کفر ما را به جای ایمان بدانند یعنی شب را به جای روز و روز را به جای شب بدانند. می‌گویند ای رسول خدا خانه نشینی و بی‌عرضه‌گی ما را جهاد

بشناس و بگو مجاهدین خود شان راست می گویند که بی دینند اما رسول خدا به دروغ بگوید مومن و مسلمانند.

پاورقی 155 - آیه 61 سیاست رسول خدا که بر جمع جور کردن مردم و واگذاری مقدرات آنها به خدا بود چاره‌ای نداشت جز این که تظاهر خلاف حقیقت آنها را به جای حقیقت بشناسد و متعرض نیت باطنی آنها نشود و خوش برخورد باشد. تظاهر به محبت و دوستی رسول خدا دارند، قبول کند گرچه در واقع دشمنند. خیال می‌کردند خودشان زرنگند و رسول خدا ساده است و گفتند هواذن قل اذن خیر لکم.

پاورقی 156 - آیه 64 خداوند در این آیات حقیقت نیت آنها را به رسول اکرم گزارش می‌داد اما رسول خدا تطبیق نمی‌داد که مصادیق این آیات چه کسانی هستند مبدا حسن ظن مسلمانان به یکدیگر از بین برود در نتیجه يك ارتش نیرومندی به وجود آورد که در آینده آن همه فتوحات اسلامی ساختند و دنیای متمدن را به دایره اسلام کشانیدند.

پاورقی 157 - آیه 72 درست دقت کنید اگر بهشت را در این آیه و آیات دیگر به صورت باغی پر از درخت

بدانید که از زیر درخت‌ها نهر جاری باشد این فهم ساده وسطحي خود را با وعده خدا بسنجید که می‌گوید وسعت بهشت شما برابر وسعت آسمانها وزمین‌ها است یعنی اگر بهشتي شدي کل عالم خلقت براي تو بهشت است يامي گوید در آن جا شیر و عسل و شراب طهور مانند نهر در جریان است. بطور کلي می‌گوید آنچه می‌خواهي مانند نهر در اختیارت قرار می‌گیرد. اگر بهشت مانند يك باغي در اختیار انسان است و از طرفي کل عالم خلقت براي او بهشت است شما اگر در آن باغ متوقفید چطور می‌توانید در کل فضا آزاد باشید. مگر ممکن است هر جا بروید باغ بهشت را به همراه خود ببرید اما اگر باغ و بهشت خودتان باشید که به اسم اعظم و نیروي اعجاز مجهزید مانند انبیا اراده کن فیکوني دارید که به هر جا می‌روید هرچه می‌خواهید به اراده خودتان حاضر می‌شود در این صورت کل عالم خلقت براي شما بهشت است. مثلا می‌خواهید میلیون ها نفر را به فضا ببرید و از آنها پذیرائي کنید چون که مجهز به علم و قدرت خدا و ادعای مستجاب هستید، هر جا باشید و هرچه می‌خواهید حاضر است. پس خودتان به لطف خدا جنات عدن هستید. معنای بهشت را از

حدیث نافله بشناسید که خداوند می‌فرماید لا یزال یتقرب الی عبدي با لنوافل حتی کنت سمعه الذی به یسمع وبصره الذی به یبصر حتی اقول انا کن فیکون و یقول هو کن فیکون خلاصه حدیث این است که خدا می‌گوید مومن را مجهز به اراده خودم می‌کنم که هر جا برود هرچه بخواهد آماده است. پس انسانهای بهشتی خودشان جنات عدنند و شما بنده خدا باید این حقیقت را بدانید که رابطه بنده مومن با خدا رابطه شاگرد با استاد است. بندگی به معنای بردگی نیست، بنده مومن در مکتب ولایت به وسیله عبادت از خدا می‌آموزد.

همانطور که هر استادی علم و هنر خودش را به شاگردش می‌آموزد و او را جای خودش می‌نشانند، خداوند متعال همین‌طور علم و هنر خودش را به بنده‌اش می‌آموزد و او را خلیفه خود می‌کند در این صورت انسان مجهز به اسماء و صفات خدا می‌شود، هر جا بود و هرچه بخواهد آماده است. اگر فکر می‌کنی که امام زمان الآن در کره زمین مانند من و شما زندگی می‌کند، مانند من و شما در صف شیر و پنیر معطل می‌شوند یا در جزیره خضرا زن و بچه دارند، خیلی در اشتباهید که زندگی او را در وضع

دنیائی می‌دانید. آنها خودشان جنات عدن تجری من تحتها الانهارند. آنچه می‌خواهند و لازم دارند فوری در اختیار آنها است و همه این‌ها موفقیت یک انسان بهشتی است. از همین افسانه هاست که می‌گویند وقتی ظاهر شود جوی خون راه می‌اندازد، او را به صورت یک انسان قسی القلب جلوه می‌دهند. با این که مظهر رحمت خدا است، می‌گویند هفت سال حکومت می‌کند و عاقبت یک پیره زن ریش دار او را به قتل می‌رساند دیگر نمی‌گویند چه ظلمی برای اهل عالم از این بالاتر که او را بکشند. پس چه طور دنیا را پر از عدل داد می‌کند و چگونه خون همه انبیارا از قاتلان آنها مطالبه می‌کند که باید انبیا و قاتلان آنها را زنده کند. این همه حدیث در کتاب الزام الناصب که قیام او را قیامت می‌داند.

پاورقی 158 - آیه 100 جنات عدن تجری من تحتها الانهار تجهیزات وجودی انسان است. وقتی که انسان به علم و اراده خدا مجهز می‌شود جنات عدن است مانند انسان‌های معجزه‌گر که حاکم بر علت و معلول‌های طبیعی هستند. انسان‌ها در زندگی آخرت مجهز به اسماء و صفات خدا می‌شوند و بر هر کاری قادر و توانا هستند.

پاورقی 159 - آیه 117 خداوند در اواخر عمر حضرت رسول اکرم آزمایشی به وجود آورد تا خدا جویان اصحاب حضرت را از آخرت جویان جدا کند و این آزمایش در جنگ تبوک اتفاق افتاد. جنگی بود راهش طولانی که آن حضرت باید به مرز شام و سوریا برود و دیگر این که امکانات حضرت بسیار قلیل بود. موادغذائی کم داشتند و مسلمانان مدینه یک کیلو دوکیلو و خرما به خزینه دار جنگ می سپردند و گاهی خانمی یک مشت خرما می آورد به حضرت تحویل می داد و حضرت او را دعا می کرد و منافقین هم مسخره می کردند که این یک مشت خرما چه سودی دارد. مسلمانان با رسول خدا حرکت کردند و رنج این سفر را به جان خود خریدند و عده ای به بهانه های مختلف از گوشه و کنار طفره می رفتند که زن و بچه مان گاو و گوسفند مان بی صاحبند، سفری پرمشقت بود که حضرت آن را ساعه العسره نامید. آذوقه جنگی کم، هوا بسیار گرم در همین رابطه داستان آن سه نفر توبه کار واقع شد. این سه نفر مراره ابن ابی الربیع و کعب ابن مالک و هلال ابن امیه بودند. آنها از جنگ تخلف نمودند و بعد از آن که رسول خدا از جنگ برگشت آمدند عذر خواهی

نمودند. حضرت عذر آنها را نپذیرفت و دستور داد که مردم به آنها بی اعتنائی کنند و به آنها سلام نکنند، جواب سلام ندهند. تمام اهل مدینه از آنها فاصله گرفتند و به آنها بی اعتنائی کردند. به زن و بچه آنها بی اعتنائی نمودند، در حال آزادی حبس مطلق شدند. خداوند فرمود ضاقت علیهم الارض بما رحبت یعنی زمین باگشادیش برای آنها تنگ شد. باطنابی خود را به ستون مسجد بستند و به اصطلاح اعتصاب آب و غذا نمودند و گفتند تا خدا توبه ما را قبول ننماید و آیه‌ای نازل نکند از مسجد خارج نمی شویم. پیغمبر فرمود من هم به انتظار خدایم، به آنها کاری ندارم. بعد از سه شبانه روز این آیه نازل شد و خدا توبه آنها را قبول کرد. رسول خدا به دست خود طناب‌ها را باز کرد و آنها را آزاد نمود.

پاورقی 160 - آیه 126 این آزمایش‌ها از جانب خداوند متعال برای این است که انسان‌ها با علم و عمل خود آن درجات را به وجود آورند تا تفاوت درجات در زندگی نتیجه علم و عملی باشد که به فکر و اراده خود عامل آن بوده‌اند نه این که خدا یا ائمه آن تفاوت درجات و مقامات را به وجود آورده باشند. خدا در این دنیا آزادی برای انسان بوجود آورده تا نفس خود را

بشناسد که چگونه او را به هلاکت می‌کشاند و این بت نفس را به اراده خود می‌چرخاند و اگر عذابی می‌کشد از خود شکایت کند.

پاورقی 161 - آیه 3 سوره یونس در آیات دیگر نظیر آن گفته شد که امثال این آیات مربوط به تکامل بشر است تازمانی که از مسیر عقل و شعور موجبات حکومت الهی را با ظهور امام زمان فراهم کند زیرا عرش که بعد از شش دوره ظهور پیدا می‌کند مقام حاکمیت و حکومت خداست و حکومت خدا بر افراد بشر موضوعیت پیدا می‌کند. موضوع پادشاهی افراد ذوی العقولند و ذوی العقول انسان‌ها هستند. ائمه اطهار از این جهت عرش خدا شناخته شده‌اند که به وسیله آنها خدا بر مردم حاکمیت پیدا

می‌کند. خلقت آسمان‌ها و زمین‌های معروف تدریجی نیست بلکه تر بیت بشر تدریجی انجام می‌گیرد که به تدریج علم را فرا می‌گیرد. از زمان هبوط آدم تا قیام امام زمان که ابتدای ظهور سلطنت خدا است شش دوره و شش تحول در جامعه بشر پیدامی‌شود تا موجبات ظهور امام فراهم شود و ملک عظیم و نامتناهی ائمه اطهار ظاهر شود. استوای خدا بر عرش یعنی ظهور سلطنت الهی بر انسان‌ها چنان که می‌گوید ملک یوم

الدین. نقش شفاعت به‌اذن خدا هم قرینه است که استوای خدا بر عرش استوا بر مقام حاکمیت است که همان روزگار قیامت است. آیات بعد هم حوادث قیامت را که حکومت الهی است توضیح می‌دهد.

پاورقی 162 - آیه 20 قضاوت خدا همه جا به معنای خاتمه یافتن این زندگی دنیا و ظهور زندگی آخرت است. در این آیه خدا می‌گوید من آنها را در حال کفر و گناه به آخرت نمی‌کشانم بلکه به آنها میدان و مهلت می‌دهم که شاید توبه کنند و در مسیر عفو خدا از دنیا بروند. در اوائل زندگی و جوانی اکثریت گناه کارند ولیکن نزدیک به اواخر عمر اکثریت گرایش به خدا دارند و با حال توبه از دنیا می‌روند یعنی این ثروت و قدرت دنیایی و جاه و مقام شما مانند علف بهاری است که به زودی در مرگ و هلاکت جلوه دنیایی خود را از دست می‌دهد و خزان عمر شما می‌رسد.

پاورقی 163 - آیه 26 این چهره‌های سیاه و سفید در زندگی آخرت چهره اجتماعی آنها است. مومنین در مسیر ایمان و تقوا عزت و عظمت پیدا می‌کنند و به عکس کفار در مسیر زندگی ظلم و ستم ذلت

و خواری پیدا می‌کنند لذا بعضی رو سفید و بعضی رو سیاهند.

پاورقی 164 - آیه 7 سوره هود ماء در تفسیر و تاویل قرآن آب و علم است که ماده حیات خلایق است و خداوند می‌فرماید *ومن الماء کل شیء حیاتی* ظاهری که به وسیله آب است معلوم است ولیکن معنای باطنی و تاویلی آب روح حیات است یعنی روحی که ماده بی‌خاصیت را تبدیل به آب می‌کند. روحی که تن پر آب و ماده مارا می‌خواهاند و می‌میراند و زنده می‌کند، حیات اجتماعی و ایمانی به وجود می‌آورد. همان روحی که *خدا فرمود اوحینا الیک روحا من امرنا* در این آیه فرمود و *کان عرشه علی الماء*. عرش مقام حاکمیت خداوند متعال است که از طریق علم انسان بر انسان حکومت می‌کند. علم اولیاء خدا کرسی حکومت او است. سازندگی خدا که با آب و خاک اجرا می‌شود حاکمیت خدانیست بلکه صنعت و سازندگی او است. فرماندهی و حکم او حاکمیت و سلطنت است. خداوند از راه علم اولیاء خود و انسانها بر آنها حکومت می‌کند لذا ائمه که حمله علم خدا شناخته شده‌اند، حمله عرش خدا نیز خوانده شده‌اند. این جمله و *کان عرشه علی الماء*

مربوط به خلقت ابتدائی عالم است که سازندگی عالم بوسیله آب انجام شده است.

پاورقی 165 - آیه 76 ابراهیم با فرشتگانی که مامور هلاکت قوم لوط بودند مجادله می‌کرد که آخر تمامی مردم شهر بد نیستند شاید بعضی از آنها آدم‌های خوبی باشند چرا بد و خوب باهم هلاک شوند شاید از هر ده نفر یک نفر خوب باشد. فرشتگان گفتند یک دهم از آنها خوب باشند از بقیه صرف نظر می‌شود ابراهیم گفت شاید از صد نفر یک نفر مومن باشند گفتند یک صدم اگر خوب باشند عذاب متوقف می‌شود گفت شاید از هزار نفر یک نفر صالح باشند از بقیه صرف نظر می‌شود ابراهیم گفت لوط و خانواده‌اش یک خانواده از نیکانند گفتند لوط مامور ما است او را و خانواده‌اش را به جز همسرش از دایره عذاب خارج می‌کنیم. این بود جدال ابراهیم با فرشتگان که خداوند فرمود (یجادلنا فی قوم لوط) خداوند به برکت نیکو کاران عذاب را از بد کاران برطرف می‌کند. جای دیگر به حضرت رسول می‌فرماید ما کان الله ليعذبهم وانت فيهم تا وقتي که تو و یا آثار وجودی تو در میان امت باشد عذاب بر امت تونازل نمی‌شود.

پاورقی 166 - آیه 105 انسان خواهی نخواهی با آزادی که خدا به او داده است یا به اقتضای مزاج و طبیعت خود بدون قضاوت عقل حرکت می کند. این حرکت بی راهه روی است قهرابه شقاوت مبتلا می شود. عده‌ای هم اقتضای مزاج و طبیعت را در شعاع هدایت عقل قرار می دهند قهرا به سعادت می رسند. پس سعادت و شقاوت به حسن اختیار و سوء اختیار است.

پاورقی 167 - آیه 107 این دو آیه که خداوند خلود در بهشت و جهنم را موكول به اراده خودش می کند سواء برانگیز است. می پرسیم آیا ممکن است خداوند کسی را که به بهشت برده روزی اخراج کند و یا کسی را که به جهنم برده به بهشت برگرداند آنچه مسلم است اعمال خداوند متعال همه بر مدار مصلحت و مفسده است. هیچ وقت خداوند مستبدانه بدون حکمت عملی انجام نمی دهد. خدا کسی را از بهشت اخراج نمی کند مگر که خودش با کفر و گناه خارج شود. منظور از بهشت در این جا حالت بهشتی است که معرفت باشد نه باغ بهشت. اگر در حال ایمان و تسلیم بود در بهشت است والا خارج است. کسانی که دوران کفر و گناه را دیده اند بعد در شعاع

نور ایمان و تقوا قرار گرفته اند ممکن نیست دوباره به کفر و گناه بر گردند اما کسانی که در عذابند موفق به توبه شوند از جهنم نجات پیدامی کنند. خیلی زیاد افراد جهنمی بهشتی می شوند و از بهشتی ها کسی جهنمی نمی شود. این دو آیه شریفه خلود در بهشت و جهنم را مربوط به اراده خدا می داند یعنی اهل بهشت و جهنم خلود ذاتی ندارند مانند خدا که بقاء ذاتی دارد. خدا می خواهد که هر دو گروه مخلد باشند و اگر بخواهد آنها را نابود می کند و یا اخراج می نماید.

پاورقی 168 - آیه 114 این آیه شریفه اوقات نماز را معین می کند و بعد از اوقات نماز حکمت نماز را. نماز دو طرف روز نماز صبح و عصر است و نماز زلفا من اللیل مغرب و عشا است و حکمت نماز این است که دائم انسان را به یاد خدا می اندازد و یاد خدا را در وجود انسان تقویت می کند. قهرا یاد خدا که بی نهایت قدرت و عظمت است انسان را از کفر و گناه باز می دارد. تنها عاملی که انسان را نافع و مفید بار می آورد معرفت به خدا است. خدایک قدرت قاهره محیط و مسلط بر انسان است و غیر از خدا هیچ قدرتی وجود ندارد که بتواند انسان را منظم کند زیرا انسان

خود را فوق همه چیز می بیند. مادون انسان، انسان را منظم نمی کند خدای قاهر و غالب.

پاورقی 169 - آیه 2 سوره یوسف یکی از آیات سؤال برانگیز این آیه است که خداوند می فرماید ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم تا شما مردم عقل خود را فعال کنید و حقیقت را دریابید. سؤال این است که چه رابطه ای بین نزول قرآن به زبان عربی و فعال شدن عقل است اگر به زبان های دیگر نازل می شد عقل را فعال نمی کرد جواب از چند جهت است. یکی این که قرآن يك کتاب علمی و پر محتوی است که هیچ تناسبی به زمان جاهلیت ندارد که چنین کتابی و چنان دانشمندی از آن محیط قیام کند و دیگر این که پیدایش يك چنین ادبیاتی منظم به وسیله مردم جاهلی که خودشان نمی دانستند چه زبانی تنظیم کرده اند مناسب آن محیط نبود. آیا عرب های جاهلی از قواعد صرف و نحو آگاهی داشتند که فاعل باید مرفوع و مفعول منصوب و مضاف الیه مجرور باشد. لغت سازی بر پایه قواعد صرف به این کیفیت که از يك کلمه دوازده هزار کلمه قابل اشتقاق باشد و هر کلمه ای معنای مخصوصی داشته باشد، مناسب عرب جاهلی نیست. اگر عده بسیاری از دانشمندان

در آن زمان جمع می‌شدند نمی‌توانستند ادبیاتی با این نظام عجیب بسازند چه برسد که تناسبی بین عرب جاهلی و یک چنین ادبیات ولغاتی وجود نداشت جز این که بگوئیم خداوند متعال که می‌دانست یک کتاب عظیمی به زبان عرب نازل خواهد کرد چنین ادبیات منظمی که تناسب با این کتاب داشته بر زبان عرب جاهلی جاری نمود تا این مظرورف که علم قرآن باشد ظرفی مناسب خود داشته باشد. اگر عقل خود را در شناخت ادبیات عرب فعال کنیم خواهیم دانست که واضع این لغات فقط خداوند متعال بوده است. خداوند برای پیدایش بعضی علوم گاهی انسان را ناخود آگاه ابزار اراده خود قرار می‌دهد. مردم فقط با عقل خود می‌توانند دریابند که ظهور این علم به اراده خدا بوده است. یکی از خصایص ادبیات عرب این است که لغات عربی از مسیر تناسب بامعنی وضع شده یعنی حال معنی در لفظ منعکس شده است که ما دو نمونه از آن را ذکر می‌کنیم مثلاً لغت شیب و شباب را در نظر بگیرید. شیب که به اصطلاح قاعده صرف اجوف است برای پیر وضع شده و شباب که مضاعف است برای جوان. تناسب این است که پیر از قوت خالی و قوای جوان مضاعف است

پس حالت معنی در لفظ منعکس شده شاید کسی این تناسب را نیافته باشد.

پاورقی 170 - آیه 37 یوسف از این جهت تعبیر خواب را به تأخیر انداخت که دانست یکی از آنها محکوم به اعدام است نخواست او را ناراحت کند و بعد از مدتی هم که تعبیر کرد گفت يك نفر از شما اعدام می‌شود و دیگری به مقام اول برمی‌گردد. پیغمبران همه جا حال دیگران را رعایت می‌کنند.

پاورقی 171 - آیه 42 مفسرین از کلمات اذکرني عند ربك چنین فهمیده‌اند که رب در جمله انساه الشیطان پروردگار است در نتیجه گفته‌اند که شیطان بر یوسف غلبه کرد و یاد خدا را از خاطرش برد و متوسل به خلق خدا شد و خداوند یوسف را از این که متوسل به خلق شد مجازات کرد در نتیجه هفت سال در زندان متوقف شد پس یوسف به گناه خود مستحق مجازات گردید ولیکن توجه نکرده‌اند که رب در این جمله عزیز مصر است نه خداوند متعال. یوسف به زندانی گفت پیش ربت یعنی پیش شاه مرا یاد آوری کن که چه گناهی داشتم و بعد شیطان این یادآوری را از خاطر آن زندانی برد. سفارش

یوسف از یادش رفت دراین آیه کلمه ربك وربه يك مصداق دارد که عزیز مصر است. آنها سلطان را رب خود می‌شناخته‌اند چنان که خداوند به بنی اسرائیل می‌گوید (عذاب من ربکم عظیم) و دیگر این که یوسف حق شرعی و عقلی داشت که بی گناهی خود را به عزیز مصر ابلاغ کند زیرا بر مظلوم واجب است از حق خود دفاع کند تا ظالم ظالم شناخته شود و نگوید حق داشته‌ام او را زندانی کنم. پس توسل یوسف که از نوع دفاع است مشروعیت دارد و شیطان بر آن زندانی غالب شده نه بر یوسف. شیطان‌ها بر پیغمبر مسلط نمی‌شوند یوسف مستحق مجازات الهی نبوده بلکه مظلوم به ظلم ظالم‌بوده است.

پاورقی 172 - آیه 75 کسی نگوید که چرايك پیغمبر وسائل بی آبرویی برای بندگان بی‌گناه فراهم نموده و آنها را به این عمل به صورت دزد جلوه داده است. جواب این است که اولاً يك امر علنی و آشکار که در مرآة منظر مردم باشد نبوده بلکه يك عمل خصوصی بین خود و برادران تاچنان که از آنها اذیت دیده آنها را اذیت کند و ثانیاً برادرش که خیلی ناراحت است و نمی‌تواند فراق را تحمل کند و صلاح نیست که با آنها برود و یوسف را به آنها معرفی کند به هر دلیل

باید در مصر بماند. راهش همین بوده که به این وسیله او را نگه دارد و کم کم پدر را هم برای ملاقات یوسف آماده نماید. خداوند برای تبرئه یوسف می‌گوید (كذالك كدنا ليوسف) خودمان چنین نقشه کشیدیم.

پاورقی 173 - آیه 3 سوره رعد این همه تحولات و تغییرات که در زندگی پیدا می‌شود مربوط به تربیت و تکامل بشر است. انسان‌ها در حرکت و تکاملند و این حرکات تکاملی تا وصول به مقصد که کمال مطلق است ادامه دارد. زمین و آسمان و ماه و خورشید و ستارگان و جمادات و نباتات و حیوانات تکامل ندارند. وضعیت ابتدایی و نهایی آنها همین است که بوده و خواهد بود آنها برای انسان خلق شده‌اند. آنها ناقص خلق نشده‌اند که بعد کمال پیداکنند. انسان هم در زندگی کمال علمی و استعدادی پیدامی‌کند. همراه کمال علمی انسان کیفیت زندگی هم بالا می‌رود مثلاً شمامی گوئید انسان‌های بهشتی در ساختمان بدنی و روحی خود چطورند فقط چیزی که هست این خلقت خیلی زیبا می‌شود. نواقصش که اسقام و آلام باشد و عوارض دیگر مانند فضولات و مدفوعات از بین می‌رود. گفته‌اند غذای اهل بهشت به صورت عرق

بسیار معطری است که از بدن آنها خارج می‌شود. نقشه بدن همین است بدن و روح است اما کیفیت خیلی بالا است. زمین و آسمان و ماه و ستارگان همین است اما تبدیل به بهشت می‌شود. همه جا سبز و خرم است علف هرزه‌ای نیست خداوند اهل بهشت و جهنم را تعریف می‌کند می‌گوید خالدين فيها مادامت السماوات والارض پس سماوات و ارض به حال خود باقی‌است. کیفیت‌ها بالا می‌رود. نواقص برطرف می‌شود کمیت‌ها و هندسه‌ها به همین شکل است اما کیفیت‌ها خیلی بالاست.

پاورقی 174- آیه 17 همین آیه هم از آیات عجیب و عظیم قرآن است. مفتاح درهای بسته و روشن‌گر حقایق مکتوم و اسرار قرآن است. در ظاهر آن چنان ساده و روشن است که بیابانی‌ها برابر دانشمندان می‌فهمند و در باطن آن قدر عمیق که به جز اولیاء کامل خدا کسی از اسرار آن آگاهی ندارد. علومی که در قرآن خوابیده هم سنگ علم الهی است که يك علم نامتناهی است. قرآن همه جا تذکر می‌دهد که حقایق را برای شما به صورت مثال ذکر می‌کند. در این آیه هم فضائی که از آن علم نازل می‌شود به فضائی که از آن باران نازل می‌شود تشبیه می‌کند.

قسمت اول وجود همین بدن است که میلیاردها اسرار و حکمت است. قسمت دوم وجود همین روح حیات است که مانند برق می‌آید موجودات را زنده می‌کند و می‌رود خاموش می‌نماید. قسمت سوم از وجود نوار قلب است که آنچه تا امروز دیده و یا شنیده می‌شود در آن جا ثبت شده اگر این نوار در وجود فضائی است که از آنجا قضاوت پیدا می‌شود و به او می‌گویند این بداست آن خوب است این نجس است آن پاک است. همین فضائی که بدی‌ها و خوبی‌ها را نشان می‌دهد و قضاوت‌ها به وجود می‌آورد فضائی توحید است. فضائی وجود خداوند متعال که از آنجا علم و حکمت بر قلب انسان نازل می‌شود. خداوند در این آیه آن فضائی نزول علم را به این فضائی که باران نازل می‌شود تشبیه می‌کند. فضائی که این همه علم و حکمت در فکر انسان‌ها به وجود آمده و آفرینش بر مدار آن ساخته شده و دائم در دست ساختمان است. این تفسیری است از امام علیه السلام که می‌فرماید علم و حکمت از وجود خدا بر قلوب نازل می‌شود (فسالت اودیة بقدرها) یعنی قلوب برابر استعداد خود آن علوم را فرا می‌گیرد.

پاورقی 175 - آیه 1 سوره ابراهیم یکی از معانی حروف این است که علم قرآن نامتناهی است زیرا کلمات مکتوب به آخر می رسد اما حروف که مبادی کلمات است به آخر نمی رسد. خلاقیتی که خلق شده اند قابل شمارش اند. کلمات کتاب تکوین اند اما اصول اولیه خلقت که نور و ماده و قدرت خداوند است

 به آخر نمی رسد.

پاورقی 176 - آیه 22 شیطان اکبر آن انسانی است که اخلاص گری و فساد هر زمانی زیر سر او است. نقشه ابتدائی را او می کشد و یا می دهد بقیه اجرا می کنند. همان طور که در طبیعت فروغ در اصول خلاصه می شوند میلیون ها برگ و شاخه و ریشه به يك تنه وصلند جامعه بشریت هم همین طور است میلیون ها انسان و فکر و سخن آنها به يك انسان بر می گردد و میلیون ها مسلمان و فکر و سخن آنها به يك انسان بر می گردد میلیون ها شیطان و شیطنت آنها هم به يك شیطان بر می گردد و همین يك شیطان مرجع شیاطین اولین و آخرین است که همه در صحرائی محشر جمع می شوند و آن يك شیطان مصداق همین آیه شریفه است.

پاورقی 177- آیه 25 شجره طیبه و ثمرات حیات بخش آن دین مقدس اسلام به رهبری چهارده معصوم علیهم السلام است. ثمرات آن علم و ایمان است که هر وقت و در هر زمان انسان طالب علم و ایمان باشد بلا فاصله لطف الهی شامل حال او شده و مجهز به علم و ایمان می‌شود و اصل ثابت آن عترت رسول اکرم است که الآن و در هر زمانی این دو اصل قرآن و امام زمان ثابت و محفوظند و حوادث روزگار آنها را از بین نمی‌برد.

پاورقی 178 - آیه 35 گرچه می‌گویند بنای کعبه به دست ابراهیم خلیل بوده است ولیکن حقیقتاً باید گفت که تعمیر خانه به دست ابراهیم انجام گرفته. خداوند می‌فرماید ابراهیم دیوارهای کعبه را بالا برد و ابراهیم وقتی که هاجر و فرزندش اسماعیل را به خانه کعبه آورد عرض کرد پروردگارا من خانواده‌ام را به حرم امن و امان و درپناه تو جادادم. دل‌های مردم را متمایل به آنها کن و روزی به آنها برسان پس معلوم می‌شود خانه کعبه پیش از ابراهیم وجود داشته است.

پاورقی 179 - آیه 48 تبدیل این زمین به زمین دیگر به معنای تبدیل زندگی انسان‌ها به زندگی دیگر است. کره زمین تغییر نمی‌کند زندگی انسان‌ها تغییر می‌کند این آیه شریفه مانند آیه یحیی الارض بعد موتها می‌باشد که زندگی انسان می‌میرد. وقتی زمین پر از ظلم و جور شود زندگی مرده است. همه جا در تفسیر این آیه گفته‌اند امام زمان زمین را بعد از مرگ زنده می‌کند و پر از عدل و داد می‌کند. یوم تبدل الارض غیر الارض هم به همین معنی است. تفاوت زندگی دنیا با زندگی آخرت درست مانند زندگی رحم با زندگی دنیا است که صد و هشتاد درجه تفاوت دارد.

پاورقی 180 - آیه 7 سوره حجر فرشتگان عوامل آفرینش‌اند مانند نیروی برق که صنایع برقی را می‌پرچاند. کل عالم خلقت از ذرات تا کرات و دریا و صحرا مانند صنایع برقی است که با فرشتگان اداره می‌شود. ولایت تکوینی ائمه به کارگیری فرشتگان است. آن بزرگوار وقتی که قیام کند باقهر و غلبه الهی دنیا را فتح می‌کند نه باقتل و کشتار که امام باقر در کتاب تحف العقول فرمود يصلح الله امره في ليله واحده.

پاورقی 181 - آیه 27 کفار در مسیر کفر و گناه به طبیعت آتش تربیت می‌شوند، آتش پاره‌اند. مومنین که در نظام اطاعت خدایند به طبیعت خاک‌اند، پرورنده‌اند اما کفار که بی بند و بارند به طبیعت آتشند و سوزاننده‌اند. این همه اسلحه‌های آتشین درست کرده‌اند. جنگ هسته‌ای همان آتش جهنم است که خداوند خبر می‌دهد خودشان می‌سازند و این زندگی دنیا را به نابودی می‌کشانند و در آخرت همین آتش‌ها به آنها بر می‌گردد. معنای خلقت شیاطین به آتش یعنی تربیت آنها به طبیعت آتش برای این که تربیت هم مانند خلقت است. انسان‌های مومن الهی تربیت می‌شوند. در نظام الهی هستند و کفار نظام عقلي و خدائي ندارند.

پاورقی 182 - آیه 32 این گفتگوها بین خدا و انسان زبان حال است برای این که شیاطین معرفت به خدا ویا رابطه‌ای با خدا ندارند که با آنها حرف بزنند. هرگز شنیده‌ای است که خدا با کافری سخن بگوید کافر از نظر ارتباط با خدا مانند حیوان است کی و کجا خدا را درك می‌کند که با خدا حرف بزنند. این گفتگوها که شیطان خط‌گرو می‌کشد وضعیت حالی بین خدا

وکفار است و الا چطور ممکن است شیطان خدا را بشناسد که با او حرف بزند.

پاورقی 183 - آیه 88 سوره نحل انحراف از دین خدا مانند انحراف از راه بی راهه بی راهه است که هرچه بیشتر ادامه پیدا کند از مقصد دورتر می شود پس عذابش زیاده تر می شود. علاج بی راهه روی فقط برگشت به راه است. علاج مرض کفر و گناه توبه است.

پاورقی 184 - آیه 92 همان طور که تارهای پنبه و پشم با تابیدن محکم شده و باباز تابیدن سست می شود دین حق همان طور انسانهارا به سوی خدا متحکم می کند اما اطاعت از غیر خدا مانند باز تابیدن ریسمان است که وحدت را به هم می زند.

پاورقی 185 - آیه 100 شیطان همان حاکمان بی دین و لا مذهب هستند که برای رسیدن به منافع مادی دنیائی خود از خدا و آخرت و مسئولیت صرف نظر می کنند. برای این که مردم را به اطاعت خود در آورند آنها را از مکتب دین و اطاعت خدا خارج می کنند.

هر فریب کاری در هر لباسی باشد شیطان است
هوای نفس بزرگترین شیطان است.

پاورقی 186 - آیه 4 سوره اسرا این تقدیر برای
زندگی و سرنوشت آنها عمومیت دارد. خداوند متعال
هر کافری را و هر ملت کافری را تا سه مرتبه در
زندگی مهلت می‌دهد. در مرتبه اول ملت کافر را بعد
از اتمام حجت و روشن شدن راه حق برابر استعدادی
که دارند به ثروت و قدرت می‌رساند. اگر در آن ثروت
و قدرت وظیفه خود را انجام دادند زندگی آنها را ادامه
می‌دهد و عزت دنیای آنها به عزت آخرت متصل
می‌شود و اگر در آن ثروت و قدرت کافر به خدا شد و
به راه ظلم و فساد رفت او را به فقر و یا بلای دیگر
مبتلا می‌کند که شاید متنبه شود اگر توبه کرد او را
به آخرت منتقل می‌کند و اگر توبه نکرد دو مرتبه آنها را
به ثروت و قدرت می‌رساند شاید شکر خدا را به جا آورد
و به راه صلاح برود ولی اگر در مرتبه دوم مثل مرتبه
اول به راه فساد رفت و به جای این که شاکر نعمت
باشد کافر شد در مرتبه سوم بعد از ابتلاء به فقرا و را
به ثروت و نعمت می‌رساند و اگر به کفر و غفلت ادامه
داد ناگهانی به زندگی او خاتمه می‌دهد و او را به جهنم
می‌کشاند. تمامی کفار به طور فردی و اجتماعی

همین سرنوشت را دارند که کفار زمان ما الآن در مهلت سوم قرار گرفته‌اند که اگر به کفر خود ادامه دادند عذابی نا بود کننده برایشان مقدر است.

پاورقی 187 - آیات 61 تا 66 زبان حال انسانهای کافر و منساق است که می‌کوشند بندگان خدا را استثمار کنند. مهلتی که خدا به آنها می‌دهد چاره‌ای نیست که تربیت و تکامل توقف بر این مهلت دارد تا در این مهلت فریبکاران بفهمند که از فریبکاری به جایی نمی‌رسند. فریب خوردگان هم عقل و شعور پیدا کنند و بدانند که جز خدا و اولیاء خدا سرپرستی ندارند.

پاورقی 188 - آیه 74 اگر درست دقت و مطالعه داشته باشید دین اسلام منهای تعلیمات پیشوان معصوم يك دین ناقص است که قابل دوام نیست و خاتمیت رسول خدا را به لغویت می‌کشاند و بشر در مسیر تکامل و ترقی آن را پشت سر می‌گذارد. پس دین رسول خدا می‌میرد يك مرد آسمانی دیگری بعد از پیغمبر لازم است آن را تجدید کند ولی این دین به رهبری پیشوایان معصوم يك دین کامل است که تا ابد انسان‌ها را در سایه تعلیمات کامل خود اداره

می‌کند. موت بر آن عارض نمی‌شود که تجدید حیات لازم داشته باشد.

پاورقی 189 - آیه 82 احکام و اخلاق قرآن همه جا راه منفعت و خیر دنیا و آخرت است و راه خلاف آن از باب این که ضد وجود عدم محض است و ضد خیر شر است بجز بلا و بدبختی چیزی نیست. خسارت مالی از این جهت که بامرگ مال از بین می‌رود و خسارت انسانی این که وقتی از راه حق منحرف شدی تمامی انسان‌ها دشمن تو خواهند بود و از نظر معارف خدا و اولیاء خدا در حد صفر خواهی بود و خسارت روحی و روانی از این جهت که لطف خدا و معارف برای انسان تا حد صفر تنزل پیدا می‌کند که قرآن بدون بیان مانند عالم بدون تعلیم است. پس دین اسلام منهای تعلیمات امام‌های معصوم یک دین مرده است (که فرمود اذا لا ذقناک ضعف الحیات وضعف الممات).

پاورقی 190 - آیه 102 معجزات نه گانه حضرت موسی یکی این که عصای او حلال مشکلات بود. با هر مشکلی رو برو می‌شد دشمن بود یا درنده و گرسنگی و تشنگی هرچه بود آن عصا منبع ذخائر

نعمت و قدرت الهی بود. هرمانع و مشکلی را از سر راه او بر می‌داشت و شب آن را بالای سر خود نصب می‌کرد و به خواب می‌رفت. هر کس به آن عصا نگاه می‌کرد وحشت او را می‌گرفت مثل این که در زمان ما يك چوپان بیابانی با عصای خود بر ابرقدرت‌های زمان پیروز شود. اشاره می‌کند که او با اشاره دیگر مصر پر از ملخ می‌شد به اشاره دیگر پر از شپش بود و با اشاره دیگر رود نیل برای دشمن خون می‌شد با اشاره دیگر قورباغه به اشاره دیگر طوفان بنیان کن با اشاره دیگر اسباب و ابزار سحر ساحران را بلعید با اشاره دیگر خیابان دریائی. دست خود را بلند می‌کرد روشنی می‌داد دشمن را به وحشت می‌انداخت ظرف چند سال دشمن را بی‌چاره کرد.

سوره کهف

کهف نام پناهگاهی است که وابستگی به خدا و حجت خدا داشته باشد. خداوند ویا حجت خدا بنده ای از بندگان را پناه دهد. اصحاب کهف که به غار کوه رفتند خود را در پناه خدا قرار دادند. هر شهر و مملکتی و هر دین و مرام و قانونی که وابستگی به

خدا داشته باشد وانسان آن دین وقانون را به عنوان پناهگاه خدا انتخاب کند در پناه خدا محفوظ است.

پاورقی 191 - آیه 18 آنها به اراده خدا در همان حال که بیدار ونگران اطراف بوده‌اند به خواب رفته‌اند وضعیت قیافه آنها مانند بیداری است که تند وتیز نگران اطراف است، نگرانی از این جهت که تحت تعقیب است. سگ آنها هم در حال آمادگی خواب است. قلب شان خواب وچشمشان بیدار است.

پاورقی 192 - آیه 56 مجادله يك بازي‌هاي لفظي بر خلاف واقعیت است مثل این که مي‌گویند قیامت کجا است خداکجا بوده مطالبی جاهلانه مطرح می‌کنند وقصد فهمیدن حقیقت ندارند. اما دلیل وحجت مثل این است که مومن می‌گوید دیدن خدا خدا شناسی نیست بلکه تفکر در خلایق خدا ودرك صفات او خدا شناسی است.

پاورقی 193 - آیه 60 داستان خضر وموسی این حقیقت را در اختیار دانشجویان می‌گذارد که که اولاً پیغمبران شاگردان مکتب خدایند و در استعداد ومعلومات تفاوت درجه دارند ثانیاً کسانی که حکمت احکام ومصالح ومفاسد آن را نمی‌دانند ممکن است

بر بعضی اعمال انبیاء ایراد داشته باشند که چرا چنین و چنان کردند گرچه بهتر این است که ایراد نگیرند ولی اگر ایراد گرفتند معصیت نیست زیرا این ایراد از جهت قصور است نه تقصیر. در این رابطه داستانی از امام ششم علیه السلام در ارتباط با یکی از اصحابش به نام زراره نقل می‌شود که آن حضرت يك روز در حضور اصحاب دیگر از او بدگوئی کرد (مثلاً آدم خوبی نیست من او را دوست نمی‌دارم با ما بیگانه است) شنوندگان به او خبر دادند که امام پشت سر تو چنین و چنان بر تو ایراد گرفت او ناراحت شد که من بجز خدمت کاری نکرده‌ام خدمت حضرت رسید و گله کرد که مگر چه کم خدمتی کرده‌ام حضرت فرمود این دشمن خدا منصور عباسی دایم در جستجوی یاران من است که هر کس پیش من محبوبیت دارد سلب و نیست کند خواستم قدری از محبوبیت تو بکاهم مسئله من و تو مانند خضر و کشتی است که خضر آن را معیوب کرد که غاصب غصب نکند.

پاورقی 194 - ایه 83 علم عمیق و شریف این داستان در تاویل آن است مولا علیه السلام وقتی که داستان ذوالقرنین را ذکر می‌کند به خود اشاره می‌کند می‌فرماید (و فیکم مثله) یعنی من ذوالقرنین

اسلام هستم وفضای مملکت اسلام کشور من است. من مجهز به دو قدرت الهی و علمی هستم و سد بسیار محکمی از علم و سیاست به نام تقیه بین دوستان و دشمنان ساختم که از نظر عظمت و برتری هیچ فکری به بالای آن نمی‌رسد و از نظر استحکام علمی و منطقی کسی نمی‌تواند ایرادی بگیرد. الاسلام یعلو ولا یعلی علیه. سیاست حفاظت و تعلیمات ائمه اطهار مصداق کامل این آیات است که فرمود ما استطاعوا ن یظروه و ما استطاعوا نقبا سدی که تا روز قیامت باقی است تعلیم و تربیت ائمه اطهار است. مثلا مولا (ع) که می‌داند بعد از او معاویه به‌جان دوستانش می‌افتد که یا علی راسب کنند یا کشته شوند به آنها اجازه می‌دهد که او را سب کنند تا از کشته شدن برهند. می‌فرماید ان معاویه سیامرکم بعدی بالسب علی والبرائه عنی اما السب فسبونی فانه لی زکواه ولکم نجات واما البرائه فلا تبرئوا منی فانی ولدت علی القطره وسبقت الی الاسلام والهجره یعنی من را به‌زبان سب کنید تا از شر معاویه نجات پیدا کنید اما دلتان را با من بد نکنید که من یک مسلمان واقعی هستم.

پاورقی 195 - آیه 12 سوره مریم ابتدا در کودکی يك سلسله کلمات و علوم در نوار قلبش ضبط شد و همان‌ها در آینده سر مایه نبوت بود. خداوند آن کلمات را که که حکمت خلقت بود بر زبانش جاری ساخت. وقتی که بچه‌ها به اومی گفتند بیا بازی کنیم جواب می‌داد ما للعب خلقنا یعنی ما برای بازی خلق نشدیم.

پاورقی 196 - آیه 16 همانطور که زمین در ارتباط با خورشید جهت شرقی و غربی و خط مستقیم به سوی فضا دارد انسان هم در توجّه به مقصد سعادت شرق و غرب و جهت‌گیری به سوی خدا دارد. جهات سه‌گانه زمین در قیاس با خورشید و جهات سه‌گانه انسان در قیاس با دین خدا ظهور دارد. جهت شرقی آن قداست و اعراض از دنیا و توجّه خالص به دین است که دنیا را یکسره رها کند و به ذکر و عبادت پردازد مانند کسی که عاشق آفتاب است فقط به آفتاب نگاه کند و خود را گرم نماید نه این که از نور آفتاب برای تولید ارزاق استفاده کند. مریم و عیسی و راهبه‌ها فقط به جنبه قداست و عبادت دین چسبیدند نه این که مادیت و معنویت را برابریم پرورش بدهند. خداوند در تعریف مریم می‌فرماید

واتخذت من اهلها مکانا شرقیایعنی جهت قداست دین را اختیار کرد که عبادت باشد ویهودیت بهعکس این فقط دنیا ومادیت را پرورش میدهند و تقوا وانسانیت در نظرشان ارزش ندارد. درتعریف آنها میفرماید وماكنت بجانب الغربی یا میگوید وجدها تغرب فی عین حمئه واما دین مقدس اسلام مادیت ومعنویت رابرابرهم پرورش میدهد که آن صراط مستقیم است از همان قدم اول تا انتها انسان را در خط بهشت حرکت میدهد.

پاورقی 197 - آیه 68 خداوند بابکارگیری کلمات یصلونها ویصلي سعیرا وامثال آن ساخت وصنعت جهنم را به کفار نسبت می دهد همین آتش هائی که در دنیا به جان مظلومین می اندازند در حکومت عادلانه خدا به خودشان برمی گردد.

پاورقی 198 - آیه 90 خرافات ویا عقیده افسانه ای انسان را از علم ودانش محروم می کند و او را به جهل و حماقت می کشاند این اعتقاد که خدا مانند انسانها زن وفرزند دارد. خدا را از مقام خدائیش که منزله از شباهت وجودی وصفاتی به خلق است تنزل می دهد و او را در وضع مخلوق قرار می دهد در نتیجه

انسان را از خالق شناسی و مخلوق شناسی محروم می‌کند و او را از معرفت درست که هدف خدا از خلقت عالم و آدم است باز می‌دارد لذا خلقت لغویت پیدا می‌کند. جادارد که آسمان‌ها متلاشی شود.

سوره طه

پاورقی 199 - آیه 12 وادی مقدس همان جایی است که تو با خدا و خدا با تو تماس می‌گیرد در این وادی نعلین خود را که حب دنیا است به دور انداز و حب غیر خدا را از دلت بیرون کن.

پاورقی 200 - آیه 96 وقتی که سامری مشاهده کرد قوم موسی عقل خدانشناسی ندارند که به موسی می‌گویند چرا برای ما خدادرست نمی‌کنی این دهاتی‌ها هر کدام خدائی دارند و می‌پرستند سامری از ضعف عقل آنها استفاده کرد و در غیبت موسی برای آنها گوساله طلایی ساخت و گفت خدای شما و خدای موسی همین است.

پاورقی 201 - آیه 108 همان طور که خداوند در سطح زمین کوه هائی بوجود آورده تا زمین را از لرزش و اضطراب حفظ کند. در اجتماع بشری هم ابر

قدرتهائی مادی و مذهبی به وجود آورده تا مردم را از نگرانی مادی و معنوی محفوظ بدارند. این ابر قدرت‌ها در مقدمه قیامت متلاشی می‌شوند و موقعیت خود را از دست می‌دهند زیرا همین ریاست‌ها و ابر قدرت‌ها مانع ظهور حکومت الهی به رهبری ائمه اطهارند پس باید محبوبیت خود را از دست بدهند و از سر راه افکار مردم برداشته شوند. برای این که آنها امتیاز وجودی نداشته‌اند که بر گرده مردم سوار شده‌اند و روز قیامت به صورت واقعی خود شناخته می‌شوند که یا با سایر مردم در یک سطحند و یا پائین‌تر.

سوره انبیاء

پاورقی 202 - آیه 1 همه جا خداوند از نزدیکی قیامت خبر می‌دهد با این که قیامت به حساب زمان و به نظر مردم دور است. این همه زمان‌ها گذشته و هنوز قیامت واقع نشده پس چطور خداوند می‌فرماید قیامت نزدیک است و در این سوره هم می‌فرماید حساب مردم نزدیک شده اما حقیقت این است که هر کسی باید سال عمر خودش را حساب کند که آیا قیامت نزدیک و یادور است. سال‌های گذشته و آینده که من نبوده‌ام و نیستم به من مربوط

نیست سال من از تولد من تا مرگ است پس فاصله من تا قیامت همین مدت عمر است. میانگین عمر همه انسانها از شصت سال بیشتر نیست پس هرکسی تا قیامت شصت سال فاصله دارد لذا می‌توانیم به هر کسی بگوئیم حسابت نزدیک شده است.

پاورقی 203 - آیه 81 خداوند با نیروی اراده و اعجاز نه با تکنیک و صنعت نیروی باد و طوفان را به اختیار سلیمان گذاشته بود که روی هوا آنها را حرکت می‌داد. معادن مس و فلزات دیگر را هم به‌طور گداخته و روان در اختیار سلیمان گذاشته بود که با آن صنایع مسی و آهنی می‌ساختند.

پاورقی 204 - آیه 81 شیاطین و جنیان انسانهای وحشی بیابانی متجاوز بودند، سلیمان آنها را جمع آوری کرد و شهر نشینی به آنها آموخت. به کارهای غواصی و بنائی مشغول کرد. دیوان متمرّد آنها را مهار کرد یک تمدن عالی انسانی به وجود آورد. ابر قدرت‌ها را در اطراف به اطاعت خود در آورد که با یک نامه ملکه سبارا مطیع خود ساخت.

پاورقی 205 - آیه 97 همه جا در قرآن کلمات وعد الله و موعود به امام زمان تفسیر شده یکی از القاب آن بزرگوار موعود است موعود الامم کلها.

پاورقی 206 - آیه 104 این حقیقت از طریق آیات و روایات مکرر تبیین و روشن شده است که زندگی بشر همیشه توأم با تحولات است. انسان است که دنیا و آخرت بوجود آورده. تغییرات و تقدیرات همه جا قبائی است که به قدانسان بریده می‌شود. انسان است که با عقل کودکانه خود زندگی عالی بهشتی را رها نموده و زندگی دنیائی بوجود آورده و به عقل ضعیف خود پیغمبران را منزوی نموده و شیاطین را بر خود مسلط ساخته و همین انسان است که عاقبت رشد عقلي و ایمانی پیدا کرده و زندگی آخرتی و بهشتی بوجود می‌آورد. خدا و اولیاء خدا را بر خود حاکم می‌کند و موجبات کامل‌ترین زندگی را که همان آخرت است بوجود می‌آورد و اموات را به زندگی بر می‌گرداند. عاقبت همین کره زمین در حکومت اولیا خدا تبدیل به بهشت شده و جهنم نیز به وسیله انسان‌های کافر و منافق دایر می‌شود. سقف آسمانی که به تقدیر خدا محفوظ است، سازمان ولایت ائمه اطهار است که الآن به وسیله امام زمان

محفوظ است. آسمانی که می‌گوید یوم نطوي السماء کطي السجل به معنای تغییر وضع موجود دنیایی به وضع آخرتی است یعنی این ورق دنیایی قرآن که ظاهر دین است برمی‌گردد و ورق آخرتی که باطن دین است پیدا می‌شود که آنرا تاویل قرآن می‌نامند لذا در باره امام گفته‌اند یاتی بدین جدید علي العرب صعب شدید در آخر آیه می‌گوید وعده خداحق است آن بزرگوار موعود الامم است و روز قیامش یوم الموعود است و بعد خداوند این طی السماء را به زندگی بشر مربوط می‌کند و می‌فرماید كما بدءنا اول خلق نعیده یعنی همان طور که با هبوط آدم زندگی دنیایی را بوجود آورده‌ایم و به وسیله امام زمان زندگی آخرتی به وجود می‌آوریم. مرگ زمین یعنی مرگ زندگی دنیایی انسان‌ها و حیات زمین یعنی حیات دوباره انسان‌ها. خلقت آسمان و زمین موت و حیات ندارد و آیه یحیی الارض بعد موتها به ظهور امام تفسیر شده است.

سوره حج

پاورقی 207 - آیات 20 و 21 تمامی آتشفهائی که خدا خبر می‌دهد در دنیا به وسیله کفار ساخته و با

شعله ور شدن جنگ ها این آتشها سرازیر جان مردم می شود. بسیاری هم ازبندگان خدا مظلومانه با این آتشها می سوزند و روز قیامت قدرت پیدا می کنند که با اراده این آتشها را به جان کافرین و ظالمین برگردانند جهنم در آخرت برگشت همین آتشهای ظالمانه به کفار است.

پاورقی 208 - آیه 39 با نزول این آیه شریفه حضرت رسول اجازه یافتند که با کفار بجنگند و موانع ظهور دین خدا را برطرف نمایند. در آیات بعد حکمت جنگ با کفار را یاد آوری می کند که اگر مانعی سرراه کفار نباشد تمامی مظاهر دین را از مسجد و محراب از بین می برند و مردم را به بردگی می کشند.

پاورقی 209 - آیه 52 بزرگ ترین نعمت خدا در زندگی بهشتی این است که دو گروه مومن و کافر از یکدیگر جدا می شوند مومن و کافر دو جنس مخالف با یکدیگر قابل تماس با هم نیستند. خداوند برای خروج قطعی این دو گروه از یکدیگر این امتحانات را به وجود آورد دنیا را در اختیار کافر گذاشت تا او را امتحان کند که آیا حق مومن را به او می رساند یا نه و مومن را امتحان کند که عزت و مناعت خود را حفظ می کند یا نه

قہرا کافر ظالم. ومومن مظلوم شناخته مي شود واین تفاوت کفر وایمان مایه جدائی کافر از مومن است که این جدائی بزرگترین نعمت برای مومن شناخته مي شود که گفته‌اند روح را صحبت نا جنس عذابي است الیم.

پاورقي 210 - آیه 58 بزرگ‌ترین ثمره شهادت‌ها پیدایش حکومت الهی به رهبری ائمه اطهار است. در حکومت آنها شهدازنده شده تحویل امام زمانند. ائمه اطهار آنها را به دعای مستجاب مجهز مي کنند که هر چه بخواهند اجابت مي شود. حضرت سید الشهدا به اصحاب عاشورای خود مي فرماید امروز ما کشته مي شویم فردا که قائم ما قیام کند من زنده مي شود جدم پدرم برادرم وائمه دیگر زنده مي شوند. گویا مي بینم فرشته‌ها شمارا از قبر خارج نموده گرد و غبار شمارا مي زدایند و به زندگی بهشتي مي رسانند- حدیث رجعت حسيني.

پاورقي 211 - آیه 65 سماء به فضای مکتب دین تفسیر شده یعنی خداوند مکتب دین را از دست برد شیاطین حفظ مي کند مبادا در افکار مردم سقوط

نماید. دین خدا يك دانشگاه است تمام موجودیتش ودوام وقوامش به علم وعالم است. تمام ادیان يك سلسله خرافات ومراسم خشك وبی خاصیت بیشتر نیست. فقط دین اسلام به رهبری چهارده معصوم که دانش ودانشگاه است زنده وقابل دوام وقوام است همین دین است که حقایق علمی دنیا وآخرت ومعارف توحید وولایت را صاف وروشن در اختیار مردم می گذارد وبه زندگی بشریت معنا می دهد.

سوره مومنون

پاورقی 212 - آیه 17 تحولات هفتگانه عبارت است از تحول کفر به بندگی وایمان ازایمان به دانشجوئی، بعد ازدانشجوئی به رسالت و بعد ازرسالت به حکمت وتکمیلی حکمت هم سه مرحله دارد: شناخت علت مادی ومصالح ساختمانی وپنجم کیفیت ساخت وسازوششم هدف خدااز خلقت ویا علت غائی وهفتم حالت لقاءاللہی. انسانهایی که این تحولات را به انتها می رسانند حامل عرشند یعنی علمشان کرسی حکومت خداوند متعال است.

پاورقی 213 - آیه 18 نزول باران رحمت به نزول علم از جانب خدا تفسیر شده. آسمان اول فضایی بالای سر است و آسمان دوم فضایی نزول علم یعنی ذات مقدس خداوند متعال برای اولیاء خدا و ذوات اولیاء خدا برای سایر مردم. همان طور که حیات زمین به آب باران بستگی دارد حیات قلوب هم به فیض علم الهی بستگی دارد.

پاورقی 214 - آیه 101 اگر در دوران برزخ هم بعد از دنیا انسان زنده باشد درست نیست که خداوند بگوید شما بعد از دنیا زنده هستید تا روزی که زنده شوید پس معنای آیه این است که شما بعد از دنیا در خواب مرگ هستید تا روزی که زنده شوید. آیات دیگر هم این معنی را تایید می‌کند که می‌فرماید روزی که مبعوث شوند چنین به نظر شان می‌آید که شبی یا روزی بیشتر در دل خاک نبوده‌اند زیرا زنده‌ها زندگی لازم دارند و زندگی از یاد نمی‌رود که بگویند شبی خوابیدیم و بیدار شدیم. وقتی که زندگی آخرت و قیامت هم در روی کره زمین واقع می‌شود پس زندگی برزخ در کجا واقع شده است. خواب مرگ ساعت آخر دنیا را به ساعت اول قیامت متصل می‌کند مانند دوران خواب اصحاب کهف. شاید در خواب مرگ

هم خواب دیدن در کار باشد که زندگی به حساب نمی‌آید همه جا گفته‌اند که مرگ مانند خواب است و خداوند هر دو نمونه را در تاریخ نشان داده است راه ورود به بهشت و دوزخ کانال حساب است و حساب رسی ایجاب می‌کند که اولین و آخرین يك جا جمع شوند زیرا ظالم اول تاریخ در قتل مظلوم آخر تاریخ شريك است پس همه باید در محشر جمع شوند.

سوره نور

پاورقی 215 - آیه 35 آیه نور از عجائب آیات قرآن است اولاً بدانید که نور و ظلمت و یاعلم و عقل و هر چیزی که اسم و صفت پیدا کرده تمامی این اسماء و صفات در ارتباط با انسان معنی پیدا می‌کند که اگر انسان نباشد لغت و معنایی در عالم پیدا نمی‌شود. اسماء و صفات همیشه بین دو شخص عالم قابل ظهور است و بین خدا و اشیاء اسم و معنی قابل ظهور نیست. اگر انسان نبود خدا سکوت مطلق بود زیرا کسی نبود که با او حرف بزند. در کتاب کافی از ائمه اطهار نقل است که فرمودند بنا عبدالله و بنا عرف الله لولانا ما عبد الله لولانا ما عرف الله خداوند در این آیه خودش را به عنوان نور آسمان‌ها و زمین

معرفی می‌کند و برای شناسائی خودش به نورانیت نمونه‌هایی ذکر می‌کند. بعضی فلاسفه گفته‌اند نور السماوات همان نور وجود است یعنی حقیقت خلق وهستی عالم که او را اصل خلاق و خلاق را فرع آن می‌دانند و مادر بحث‌ها و کتاب‌های خود ثابت کردیم که مبادی خلق غیر از ذات مقدس خدا است. وجود خلاق مانند خود آنها مخلوق است. خدامبدء (اسم مکان) نیست بلکه مبد (اسم فاعل است). اصول هستی خلاق چهار چیز است که این چهار چیز باهم تباین وجودی دارند و خلاق ترکیبی از این چهار اصلند: اول ماده که پیکره عالم از آن است. دوم اصل نور که حیات و حرکت و رنگ و زیبایی از آن گرفته می‌شود. سوم کمیت‌ها و کیفیت‌ها و هندسه‌ها و علت‌گائی که موجودیت صوری خلاق را تشکیل می‌دهد. چهارم علم و قدرتی که این عجایب را به وجود می‌آورد و آن علم و قدرت ذات مقدس خداوند است و خداوند با علم و قدرت خود از آن اصول نمونه‌هایی ساخته که در این آیه آنها را معرفی می‌کند. خدا نور است یعنی علم آسمان‌ها و زمین است. نمونه‌اش مشکوه نور است یعنی ظرف انوار که حضرت زهرا به عنوان ام ابیها و ام امامت و ائمه ظرف

علوم وانوار شناخته شده. مصباح اول ودوم زجاجه اول وزجاجه دوم ستاره درخشنده شجره مبارکه شجره زیتونه نور علم. علم در اعتدال یکاد زیتها یضیء ولو لم تمسسه نار حضرت جواداست که پیش از سوال جواب مسائل را می دهد دونور دیگر امام دهم و یازدهم نورآخر امام زمان که زنده وپایداراست این آیه تناسب عجیب با زندگی چهارده معصوم داردمفصل آن را در کتاب شمع زندگی بخوانید.

پاورقی 216 - آیه 59 اجزای حکم آیه 58 بهترین راه حفظ شخصیت وحرمت پدر ومادراست. اگر پدر ومادر می خواهند احترامشان محفوظ بماند وفرزندان خودرا ملزم به اطاعت نمایند لازم است حکم این آیه شریفه را در داخل منزل اجرا کنند. خاصیت طبیعی حکم این آیه حفظ حرمت پدر ومادر واطاعت از آنها می باشد.

سوره فرقان

پاورقی 217 - آیه 23 زندگی آخرت وبهشت اگر به صورت زندگی دنیا ازراه رنج وزحمت وعلت ومعلول طبیعی باشدکه مثل زندگی دنیا رنج آوراست. فرج به معنای این است که انسان بر طبیعت وعوامل

طبیعی حاکم باشد نه عوامل طبیعی بر انسان. همین الآن امام زمان بر عوامل طبیعت که سرما و گرما و برف و برف و باران و کوه و دریا باشد، حاکم است. او عوامل مزاج و طبیعت را به اراده خود می‌چرخاند نه عوامل مزاج او را معجزات از همین راه پیدامی‌شود که انسان مانند خدا بر طبیعت حاکم می‌شود و اذ تخلق من الطین کهیئه الطیر فتنفخ فیها فتکون طیرا باذن الله طبیعت آب جریان است ولی حضرت موسی آنها را مانند کوه بالای هم نگه می‌دارد. وقتی هم که امام ظاهر شود انسان را بر طبیعت حاکم می‌کند. سرما و گرما و جاذبه زمین به اراده انسان می‌چرخد نه انسان به اراده طبیعت. در اخبار ظهور دارد حضرت هزارها انسان را به سفر فضائی می‌برد و منادی صدامی‌زند الا لایحملن احدکم معه مائا و لاغذائافان معه عصی موسی و حجره یعنی کسی در این سفر آب و غذا با خود بر ندارد که عصای موسی با اوست. فرج کامل به معنای این است که عوامل طبیعت در اطاعت انسان باشد نه انسان در اسارت طبیعت حدیث نافله را بخوانید که فرمود لا یزال یتقرب الی عبدي بالنوافل تا از مضمون آن حقیقت مطالب بالا را دریابید.

پاورقی 218 - آیه 24 در آخر الزمان با حوادثی که پیدا می‌شود مانند جنگ هسته‌ای مردم از مردم مایوس می‌شوند دیگر امید و انتظار ندارند که رئیس دولتی یا پادشاهی بتواند زندگی مردم را اصلاح کند و آنها را از محاصره ظلم و جور برهاند. و فقط افکار مردم و مومنین در وجود امام زمان متمرکز می‌شود که خداوند متعال می‌فرماید *الذي ربك يومئذ المستقر* فقط مردم به خدا امید وارند که فرج آنها را برساند. همه کس پیش از ظهور امتحان شده‌اند نتوانسته‌اند مردم را از ظلم و جور برهاند پس چاره‌ای جز ظهور امام نیست.

پاورقی 219 - آیه 25 آخرت روزی است که آسمان ولایت شکوفا می‌شود آیه *يوم تشقق السماء* و آیه *اذا السماء انشقت يك مصداق ويك معني* دارد آسمان در این آیات به معنای فضای بالای سر نیست زیرا این آسمان بسته نیست که شکافته شود بلکه فضای معرفت به خدا و ائمه اطهار است که فقهای مکتب از آن تعبیر به انسداد باب علم می‌کنند یعنی در مسیر حوادث و تذکرات علما فضای بسته ولایت با افکار علما و دانشمندان شکوفا شود و مردم بجز ظهور امام از جای دیگر انتظار فرج ندارند.

پاورقی 220 - آیه 45 ظل در این آیه به معنای سایه معمولی نیست ظل و ظلمات يك معنا دارد یعنی ماده که در پیکره عالم و آدم به کار می‌رود. ماده در ذات خود سیاه و تاریک است. خداوند متعال برای ساخت خلقت عالم و آدم دواصل به نام نور و ظلمت آفرید و از ترکیب این دواصل عالم و آدم را خلق کرد. ماده که در بدو خلقت سیاه و تاریک است خداوند آن را در مسیر ساخت و سازندگی امتداد می‌دهد تا عاقبت به صورت انسانی کامل مانند انبیا و اولیا یا به صورت ماه و خورشید جلوه می‌کند. این جا برای اظهار قدرت خود می‌گوید بین چگونه ماده را تا مقام يك انسان کامل امتداد می‌دهد و ماده سیاه و تاریک را با ساخت و سازندگی به صورت خورشید جلوه گر می‌سازد.

سوره نمل

پاورقی 221 - آیه 5 خسارت جانی به معنای باز ماندن از خط تکامل است. انسان در مسیر اطاعت خدا به علم و قدرت نا متناهی مجهز می‌شود و اگر از خط اطاعت باز ماند در حد صفر وزیر صفر باقی می‌ماند. پس کسی که کمال یافته پر از کمال و قدرت شده و آنکه عقب مانده خسارت برده است.

پاورقی 222 - آیه 38 خداوند سلطنتی عظیم به سلیمان داده بود به کیفیتی که نصفی از موفقیت‌ها اعجازی و نصفی دیگر فیزیکی بود مثلاً معادن فلزات به‌طور اعجاز سیلان داشت و آنها را به‌قالب‌ها می‌ریختند و مجسمه‌ها و ظروف می‌ساختند، روی بساط خود می‌نشست و باد آن را در فضا از شهری به شهر دیگر می‌برد و از باطن مردم آگاه می‌شد. با مامور انتظامات از خیانت جلوگیری می‌کرد. سیلان معادن اعجازی بود، ساخت صنایع فیزیکی حیوانات و طیور هم مسخر او بودند این موفقیت عظیم بی‌سابقه سلاطین دیگر را مسخر او کرده بود که فرمود و سخنرا له الجبال. جبال در قرآن به کوه‌ها و ابر قدرت‌ها تفسیر شده است سند تاویل آیات تفسیر برهان است.

پاورقی 223 - آیه 87 در این آیه شریفه خداوند افرادی را از مرگ عمومی استثنا می‌کند اولاً خبر می‌دهد که در عوالم آسمان مانند زمین انسان‌هایی زندگی می‌کنند و مانند شما قبر و قیامت دارند. قیامت هم زمان در تمامی این عوالم ظاهر می‌شود همه می‌میرند مگر آن که را خدا بخواهد آیات و روایات صراحت دارد که با قیام امام زمان قیامت افتتاح

می‌شود. مرگ نیکان و بدان تا ظهور آن حضرت ادامه دارد و بعد از ظهور هرکس تحویل آن حضرت شود، از مرگ و مرض و قتل و کشتار برکنار است زیرا مرگ از لوازم زندگی دنیا است و قیام آن حضرت زندگی آخرت است. آن حضرت دنیا را با قهر و غلبه الهی می‌گیرد نه با جنگ و کشتار. حدیث در تفسیر آیه حتی تضع الحرب اوزارها را در کتاب تحف العقول بخوانید با ظهور آن حضرت در توبه بسته می‌شود و مهلت زندگی و آزادی از کفار گرفته می‌شود. قدرت و ثروتی ندارند که با امام به مبارزه برخیزند.

سوره قصص

پاورقی 224 - آیه 72 همان‌طور که شب بعد از روز آرامش به وجود می‌آورد غفلت مردم هم بعد از آگاهی آرامش به وجود می‌آورد اگر از آینده‌ها آگاهی مداوم داشته باشند دائم ناراحتند.

سوره عنکبوت

پاورقی 225 - آیه 2 ابتلاآت و امتحانات الهی به این منظور نیست که خدا تفاوت فکری و ایمانی انسان‌ها را بداند. خدایمهمه چیز را قبل از ظهور می‌داند بلکه

ابتلاآت برای تعلیمات است. هر حادثه، علمی در انسان به وجود می‌آورد و این علم و آگاهی مومن را از کافر مشخص می‌کند تا مردم هم مانند خدا به حق و باطل آگاه شوند.

سوره روم

پاورقی 226 - آیه 19 حیات زمین بعد از مرگ حیات اهل زمین بعد از مرگ است. حادثه جنگ هسته‌ای در آخر الزمان حقیقتاً زندگی اهل زمین را نابود می‌کند که دیگر اهل زمین قادر به ادامه حیات نیستند (یقتل ثلث و يموت ثلث و يبقي ثلث) این حدیث مربوط به جنگ هسته‌ای آخر الزمان است که زمین در محاصره موشک‌های قاره پیما با کلاهک‌های هسته‌ای قرار می‌گیرد و مرگ زندگی اهل زمین می‌رسد که دیگر چاره‌ای جز قیام امام نیست.

پاورقی 227 - آیه 32 این آیه شریفه تفرقه اندازی دینی را برابر با شرك و یا اصل شرك دانسته که می‌فرماید ولا تكونوا من المشركين من الذين فرقوا دينهم وكانو شيعا زیرا حقیقتاً کسانی که در دین خدا تفرقه به وجود می‌آورند و از وحدت با ائمه که همان توحید است خارج می‌شوند از غیر خدا اطاعت

می‌کنند. همین شرك است که از رای خودم اطاعت می‌کنم. خودم را ویارای غیر خودم را شریک خدا ساخته‌ام. توحید به معنای این است که همه در حزب خدا وارد شده همراه حزب الهی به سوی خدا حرکت کنند.

سوره لقمان

پاورقی 228 - آیه 8 مژده عذاب به کفار از این جهت است که آنها به خیال حرکت در مسیر تکامل به اسفل السافلین سقوط می‌کنند. آنها جنگ‌های آتشین که جهنم سازی است، تمدن می‌نامند با این که این تمدن عین توحش است پس خداوند به عقیده خود آنها می‌گوید مژده باد به عذاب.

پاورقی 229 - آیه 23 ثواب و عقاب در زندگی آخرت مستقیماً نتیجه اعمال است. اعمال در سه مرکز اثر می‌گذارد و همین آثار نتیجه است که به صاحب عمل بر می‌گردد. اولین اثر در ذات عامل است که اگر گناه باشد دل را تیره می‌کند و اگر ثواب باشد روشن می‌سازد. دومین اثر جلب محبت خدا و مردم اگر عمل صالح است و کسب بغض و عداوت اگر کفر و گناه باشد و سومین اثر ایجاد بغض و عداوت در دل

عامل که دیگر نمی‌تواند با انسانی در تماس باشد و تمامی عذاب‌هایی که در دنیا از او به مردم رسیده از مردم به او بر می‌گردد.

سوره سجده

پاورقی 230 - آیه 4 استوای خدا بر عرش یعنی حاکمیت و پادشاهی او و این پادشاهی دلیل است که منظور از خلقت آسمان‌ها در شش روز، تربیت جامعه بشریت در شش دوره است یعنی در شش دوره از هبوط آدم تا قیام قائم که انسان‌ها در این شش دوره آماده ظهور امام و پذیرش حکومت الهی که همان زندگی آخرت است می‌شوند زیرا حاکمیت خدا بر طبیعت شرط و شرایط ندارد و علاوه حاکمیت بر طبیعت پادشاهی و عرش پادشاهی به وجود نمی‌آورد ولیکن حاکمیت خدا بر انسان‌ها تکامل علمی و استعدادی لازم دارد که این تکامل به تدریج حاصل می‌شود. شرح مفصل این تحول و تکامل را در سوره فصلت بیان کرده است که می‌فرماید یدبر الا مر من السماء الي الارض في يوم كان مقداره الف سنه دوره تدبیر امر خدا یعنی تدبیر ظهور دین خدا در افکار مردم که دیگر برای تبیین دین خدا احتیاج به امام

ندارند، امام می‌تواند غیبت اختیار کند و این تدبیر از هبوط آدم تا ظهور غیبت کبرای امام است که دیگر حجت خدا بر علما و مردم تمام شده و برای تبیین دین احتیاج به امام ندارند اگر دین خدا درست تبیین نشده بود غیبت جایز نبود.

پاورقی 131 - آیه 21 این‌همه عذاب‌ها از جنگ و قتل و کشتار و اسلحه‌های آتشین عذاب دنیا است که مومن و کافر به آن معذب می‌شوند و همین عذاب‌ها بیشتر مردم را به پناه خدا می‌برد و مخصوصاً مومن را که آماده ظهور امام می‌کند. هرکس از فشار این عذاب‌ها به پناه خدا برود توبه‌اش قبول است و اما عذاب اکبر عذاب آخرت است که با قیام امام شروع می‌شود. امام برای رسیدگی به حساب مردم قیام می‌کند و فرج اهل ایمان و عذاب کفار است. بعد از قیام او توبه کسی قبول نیست قل یوم الفتح الا کبر لا ینفع الذین کفروا معذرتهم در قیام آن‌حضرت که همه ائمه و انبیا با او هستند اول سران کفر و ایمان زنده می‌شوند که فرمودند مومن محض و کافر محض و بعد از حاکمیت و محکومیت آنها وابستگان آنها زنده می‌شوند و بعد تمامی عذاب‌هایی که در دنیا به جان مردم انداخته‌اند از مظلومین به خودشان برمی‌گردد

و دیگر قابل علاج نیست و مرگ و مرضی وجود ندارد. برای مومن بهشت و برای کافر و منافق هم جهنم که همین آتش هسته‌ای است آماده می‌شود. حرارت این آتش در وجود مظلومین ثبت شده که در آخرت به اراده مظلوم به ظالم بر می‌گردد.

سوره احزاب

پاورقی 232 - آیه 7 در این آیه خداوند امت اسلام و تمامی پیغمبران را و امت‌ها را طرف خطاب قرار داده و از همه پیمان محکم گرفته و این پیمان محکم ولایت مولا علیه السلام است زیرا بدون حرکت در خط ولایت هیچ نعمتی از نعمت‌های خداوند نعمت به حساب نمی‌آید بلکه همه نعمت‌ها تبدیل به نعمت می‌شود از این که انسان مانند دزد غاصبی می‌شود که وارد حرم خدا شده است.

پاورقی 233 - آیه 33 طبق روایات بسیار و دلائل عقل و نقل مصداق کامل آیه تطهیر همان پنج تن مباهله و پنج تن حدیث کسا هستند آنها اینند که به تمام معنی از جهالات و خرافات و گناه صغیره و کبیره منزهند. آنها چنانند که خدا آنها را خواسته و ساخته است. ذره‌ای از نظر قضاوت الهی قصور و تقصیر در

افکار و اعمال آنها راه ندارد. تنها انسان‌هایی که می‌توانند مصداق ومظهر آیه تطهیر باشند این چهارده نفر معصومند و غیر از آنها در میان مومنین و مومئنات و مسلمین و مسلمات از هبوط آدم تا قیام قائم کسی پیدا نمی‌شود که خالی از قصور و تقصیر باشد. مشاهده می‌کنید که گاهی خداوند متعال بر پیغمبران گذشته هم رد و ایراد دارد. در داستان حدیث کسا که رسول خدا می‌خواهد مصداق کامل این آیه را معرفی کند و کسوت الهی به قامت آنها بپوشد ام السلمه از زنان خوب آن حضرت عرض می‌کند یا رسول الله به من هم اجازه بده در این کسوت باشم حضرت فرمودند انت علي خیر ولاکن هوءلائ ثقلی وحملي یعنی تو زن عاقبت بخیری هستی لیکن این چهار نفر بار انداز نبوت و محل ثقل ولایت من هستند.

پاورقی 234 - آیه 37 یکی از مسائل جنجال برانگیز که وسیله دست معاندین و دشمنان رسول خدا شده داستان از دواج حضرت رسول بازن پسر خوانده خود بود. زید ابن حارثه ابتدا برده بوده و پیغمبر او را خریده و آزاد نموده و بعد روی ایمان و صداقت او را به جای پسر خود قرار داده که مردم گفته‌اند زید ابن محمد. يك خانم از اقوام نزدیک

حضرت به نام زینب علاقه شدید به حضرت داشت از او تقاضا دارد که افتخار همسری به او بدهد. حضرت که می بیند دختر جوانی است بهتر این است که شوهر جوانی داشته باشد او را به عقد پسر خوانده خود زید در آورد و جزء افراد خانواده خود قرار دهد که به اصطلاح عروس پیغمبر باشد. ولی زینب که که مجبور شد اطاعت کند به خانه شوهر برود ازدواج بازید را قبول کرد ولی علاقه به او پیدا نکرد و بنای ناسازگاری گذاشت و همانطور عشق حضرت در دلش شعله ور بود. بارها زید به حضرت شکایت داشت که زینب ناسازگار است حضرت دستور می داد که صبر و مدارا داشته باشد. از آن طرف خداوند برای اجابت دعای زن مقدر کرد که همسر پیغمبر باشد تا این سنت جاهلی شکسته شود و شاید اجرای این تقدیر برای حضرت هم مشکل بود که در معرض این همه تهمت ها در زمان و آینده واقع شود که بگویند با عروس خود ازدواج نموده یا بازن شوهر دار رابطه داشته و امثال سلمان رشدی ها چنین تهمت هائی را پرورش دهند. خداوند این ناراحتی را تذکر می دهد می فرماید و تخشی الناس والله احق ان تخشاه یعنی به تهمت های مردم اهمیت می دهی خدا سزاوارتر به

اهمیت است. شاید یکی از مصیبت‌های بزرگ حضرت همین ازدواج بود ولی باید تقدیر خدارامهم بدانند نه وضعیت اجتماعی خود را. عاقبت زید زن خود را طلاق داد و حضرت با او ازدواج کرد و این سنت جاهلی را که پسر خوانده به جای پسر است باطل نمود.

پاورقی 235 - آیه 63 یکی از مسائلی که نظر خدا و اولیاء خدا و نظر مردم در آن اختلاف تباینی دارد علم به روز قیامت است که چه زمانی واقع می‌شود، دور است یا نزدیک. آنچه مسلم است این است که دنیا و آخرت نام دو نوع زندگی در روی کره زمین است. کره زمین و منابع آن مال همین آدم‌هائی است که که در روی این کره متولد شده‌اند و مرده‌اند دو مرتبه در روی همین کره زنده می‌شوند و زندگی آنها تا ابد ادامه دارد. اهل عالم از ابتدای تاریخ تا انتها به دو شجره تقسیم می‌شوند: پاکان و نیکان به نام شجره طیبه و بدان و ناپاکان به نام شجره خبیثه و نیکان در مسیر ایمان و تقوی فعالیت دارند و در سال و ماه رشد کمی و کیفی دارند. آخرین ثمره علم و عمل آنها آمادگی برای ظهور حکومت الهی به وسیله ائمه اطهار است و آخرین ثمره علم و عمل کفار هم

پیدایش آتشی‌های هسته‌ای و نابودی زندگی بشر در کره زمین است زیرا کفار در این انتها که آتش جهنم خود را آماده کردند و زندگی دنیا را در معرض نابودی قرار دادند چاره‌ای ندارند جز این که یا مسلمان شوند و از خدا بخواهند فرج آنها را برساند و یا این که متوسل به جنگ هسته‌ای شوند و جهنم خود را روشن سازند که البته شق دوم را اختیار می‌کنند و زندگی دنیا را به نابودی می‌کشانند و در این صورت چاره‌ای بجز ظهور امام نیست. اودر حالی زندگی را تحویل می‌گیرد که در این جنگ هسته‌ای يك سوم کشته شده‌اند و يك سوم مرده‌اند بقیه لت و پاره شده‌اند. در این حال قیام امام زمان که قیامت است واقع می‌شود. بحث ما این بود چگونه این قیامت را خدائزديك می‌داند و ما انسان‌ها دور می‌دانیم. دلیل تفاوت بین علم انسان و علم خدا همین است که خداوند علل و عوامل طبیعی را می‌داند و ما نمی‌دانیم. نظر به این که زندگی مردم از هبوط آدم تا امروز طول کشیده و قیامت واقع نشده ما آنرا هزاران سال دور می‌دانیم دیگر فکر نمی‌کنیم که باید عمر خود را به حساب آوریم نه گذشته‌ها و آینده‌ها را. گذشته‌ها و آینده‌ها بی‌نهایت است و ما خبر نداریم.

آنچه بر ما گذشته همین مدت عمر است و وقتی که در قیامت زنده شویم می‌دانیم که فاصله ما تا قیامت همین مدت عمر بوده. همه کس آنروز می‌گویند دیشب خوابیدیم و صبح بیدار شدیم. آیات آخر سوره نازعات می‌گوید وقتی که در قیامت زنده شدند چنین به نظرشان می‌آید که شبی یاروزی بر آنها گذشته است. داستان اصحاب کهف و مرگ عزیز پیغمبر برهان همین حقیقت است پس فاصله هر کسی تا قیامت همین مدت عمر است نه این که خیال می‌کنیم میلیون‌ها سال تا قیامت فاصله است.

سوره فاطر

پاورقی 236 - آیه 12 نمونه دو دریای تلخ و شیرین حق و باطل است. مکتب حق علم شیرین و گوارائی دارد که در دنیا و آخرت آسایش و آرامش به وجود می‌آورد ولیکن مکتب باطل پیروان خود را عاقبت به ذلت و عذاب می‌کشاند. هر دو مکتب از علم و عمل خود روزی می‌خورند ولیکن در آخرت اهل باطل در محرومیت مطلق قرار می‌گیرند.

پاورقی 237 - آیه 27 معنای واقعی کوه‌های مختلف ابر قدرت‌های مالی و مذهبی در جهت حق و

باطل هستند که در فرهنگ‌ها و عقیده‌های مختلف تظاهر می‌کنند و از نظر سیاست و قدرت بالا و پائینند. همین قدرت‌های بزرگ و کوچک هستند که در مقدمه قیام امام زمان متلاشی می‌شوند برای این که این قدرت‌ها باتکبر و ادعای خود مانع ظهور امام زمان هستند. ساخت عوالم وجود در قیامت به حال خود باقی است برای این که پیدایش زندگی بهشتی متوقف بر خرابی شکل عالم نیست بلکه متوقف بر خرابی ساختار فکر و فرهنگ انسانها خواهد بود که خدا فرمود یوم تبدل الارض غیر الارض یعنی زندگی بشر تبدیل به غیر این زندگی می‌شود مانند یحیی الارض بعد موتها که روایت می‌گوید یحییها بقیام الامام.

سوره یاسین

پاورقی 238 - آیه 12 احصاء شمارش مشخصات اشیاء و اشخاص است فقط شماره اعداد نیست و این علم اگر نامتناهی نباشد نزدیک به نامتناهی است زیرا هر مخلوقی میلیون‌ها مشخصه دارد. امام مبین شخص امام است که تمامی این مشخصات را می‌داند.

پاورقی 239 - آیه 13 پیام این داستان سیاست تبلیغ این رسولان است که دونفر مامور اول حضرت عیسی رسالت خود را با پرخاش و ملامت دین و اخلاق مردم شهر شروع کردند و در گیری بوجود آوردند در نتیجه آنها را حبس نمودند. مامور سوم باملایت و تظاهر به دین مردم دعوت خود را شروع نمود و مردم را به خود جلب کرد، دین حضرت عیسی را رواج داد و آن دو نفر را از حبس آزاد کرد. پس دعوت کنندگان به حق لازم است که از طریق ملایمت و مسالمت مردم را به دین حق دعوت کنند.

پاورقی 240 - آیه 51 نفخ صور به معنای موت و حیات است که خداوند جان می دهد و یا جان می گیرد نفخ اول موت اول است که در زندگی دنیا واقع می شود و تا قیامت ادامه دارد و اما نفخ دوم به معنای حیات دوم است که بعد از ظهور قیامت شروع می شود مردگان دومرتبه به زندگی برمی گردند و زندگی دوباره خود را شروع می کنند.

سوره صافات

پاورقی 241 - آیه 12 همان طور که کوزه گران گل را عمل می آورند تا برای ساخت کوزه آماده شود.

خداوند متعال هم ابتدا مواد و املاح خاکی را از طریق افاضه نیرو تغییر ماهیت می‌دهد آب و خاک را تبدیل به سلول‌های حیاتی می‌کند و آن سلول‌ها را به یکدیگر ارتباط داده مهندسی می‌کند و به این صورت مطلوب ظاهر می‌سازد. روی هر ماده خاکی خداوند دو عمل انجام می‌دهد تا برای ساخت انسان آماده شود. اول نیروی حیات و حرکت به آن افاضه می‌کند و با این افاضه ماده خاکی را تبدیل به ماده مناسب گوشت و خون می‌کند که این عمل را جعل ماهیت می‌نامند. دوم این مواد آماده شده را به یکدیگر ارتباط داده مهندسی می‌کند و قطعات بدن را می‌سازد.

سوره صاد

پاورقی 242 - آیه 18 تسخیر جبال به معنای تسخیر ابر قدرت‌های مذهبی و غیرمذهبی است. خداوند از ابر قدرت‌های جامعه که باعث نظام جامعه می‌شوند و آنها را از پاشیدگی و هرج و مرج حفظ می‌کنند تعبیر به جبل می‌کند. داوود و سلیمان در زمان خود دو ابر قدرت منحصر به فرد بودند آنها به سه نیرو مجهز بودند اولاً هر دو نفر پیغمبر بودند و نفوذ مذهبی داشتند، هم چنین به قدرت سلطنتی مجهز

بودند. جن وانس یعنی بیابانی‌ها و شهری‌ها در اطاعت آنها بودند و دیگر این که به قدرت الهی اعجازی مجهز بودند. هر وقت سلیمان با خاتم سلیمانی که جاذبه عجیب داشت روی تخت می‌نشست همه کس مرعوب و تسلیم او می‌شدند. چندین نفر روی بساط او می‌نشستند طوفان سریع و آرام آنها را از شهری به شهری حرکت می‌داد. طرف صبح برابر یک ماه و عصر برابر یک ماه سرعت داشتند و علاوه از نیات و باطن مردم با خبر بودند. هر کس اراده خیانت می‌کرد فوری مأمور او را دست گیر می‌کرد. کل ابر قدرت‌ها تسلیم بودند بایک نامه مملکت یمن و ملکه را تسلیم خود نمود. بیابانی‌ها را که هزاران نفر بودند کار می‌زد و طعام می‌داد، دیگ‌های وسیع پر از غذا می‌پخت. معادن مس و فلزات دیگر ذوب شده در اختیار آنها بود که به قالب می‌ریختند دیگ بزرگ می‌ساختند. حشمت سلیمان معروف است که گفته‌اند لشکر در حال سان دیدن مدتی از جسد بی‌روح او که تکیه به عصا داشته و لشکر بی‌خبر بوده‌اند خوف داشته‌اند تا خود به خود روی زمین افتاده آزادی یافته‌اند. چنین قدرت

وعظمتي ازهبوط آدم تا قیام قائم بی سابقه بوده است.

پاورقی 243 - آیات 74 تا آخر سوره ص خداوند در این آیات کل بشریت را ازهبوط آدم تا قیام قائم که در واقع به دو گروه کافر و مومن تقسیم شده‌اند به صورت دوفرد مومن و کافر در افکار مجسم می‌کند زیرا حقیقتاً میلیون‌ها نفر در یک راه و یک مرام مانند یک نفرند. همیشه یک نفر ممتاز درجه یک در راس کفار و یک نفر ممتاز درجه یک در راس اهل ایمان قرار می‌گیرند. کفار به طبیعت آتش تربیت شده، نظام عقلي و عقلایی ندارند و مومنین به طبیعت خاك، در نظام عقلي والهي هستند. لذا مولارا به کلمه ابوتراب تعریف کردند. زبان حال کفار و رئیس آنها این است که به زرق و برق خود و نشان و مدال خود می‌نازند فرعون می‌گوید اگر موسی آدم است چرا طلا و جواهرات ندارد آنها در خط کفر و گناه فعالیت دارند منطق عملی آنها این است که ای خدا همه بندگان تو را گمراه می‌کنیم و به آتش می‌کشانیم زیرا آخرین رمز قدرت آنها آتشی‌های هسته‌ای است، خدا با این منطق کفر و کفار چه کند. آیا آنها را نابود کند یا مهلت دهد تا در مسیر آتش‌سازي و آتش‌سوزي

به دست خودشان نابود شوند البته مهلت بهتر است زیرا بسیاری از پیروان و گول خوردگان آنها که به مرز خطر می‌رسند از خط کفر و گناه برمی‌گردند. خداوند به انتظار پشیمانی به آنها مهلت می‌دهد. هر کس توبه کرد و برگشت مستحق عفو است و هر کس برگشت مستحق خلود است.

سوره زمر

پاورقی 244 - آیه 44 پادشاهی خدا بر عوالم دلیل است که این فضای پر ستاره میلیون‌ها کره مسکونی مانند زمین ما دارد که پر از انسان عاقل است. خدا بر آنها حکومت می‌کند زیرا پادشاهی حکومت بر ذوی العقول است نه بر جمادات و نباتات. آیات قرآن صراحت دارد که در حکومت امام زمان اهل زمین با اهل آن عوالم محشور می‌شوند.

پاورقی 245 - آیه 67 مصادیق قبضه خدا وید خدا و چشم گوش خدا همه جا انسان‌های کامل هستند. خدایک حقیقت مجرد نامتناهی احدی‌الذات است به اجزاء قابل قسمت نیست پس یمین خدا در این آیه و قبضه او امام زمان است وقتی که ظاهر می‌شود زمین و آسمان در قبضه تصرف او است.

پاورقی 246 - آیه 68 فرمان مرگ در این آیه وامثال آن فرمان مرگ زندگی است. در حادثه آخر زمان که دنیا پر از ظلم و جور می شود و زندگی می میرد. روایت ها می گوید پیش از قیامت جنگی حادث می شود که يك سوم اهل عالم کشته می شوند و يك سوم می میرند و يك سوم دیگر لت و پارمی شوند. در همین آیه هم که می فرماید صعق من في السماوات ومن في الارض الا من شاء الله عدهای را از مرگ استثنا می کند در صورتی که این حادثه پیش از قیامت است و قیام امام هم قیامت است. کسانی که وارد قیامت می شوند مرگ ندارند مرگ ومرض از لوازم زندگی دنیا است.

پاورقی 247 - آیه 75 عرش خدایمه جا تفسیر به علم خدا شده. تفسیر به علمی که در اختیار انسان است والا علم ذاتی خدا خود خدا است. خداوند از مسیر علم انسان بر انسان حکومت می کند. مثلا شما علم دارید که باید نماز بخوانید. خدا با همین علم به شما امر می کند نماز بخوان. ائمه که حامل عرش خدایند به این دلیل است که حامل علم خدایند و خدایه وسیله علم آنها بر انسانها حکومت می کند.

سوره غافر

پاورقی 248 - آیه 10 سخت‌تر بودن عذاب آخرت از این جهت است که دائم به‌حال خود باقی است. مثل عذاب دنیا نیست که با دارو یا مرگ قابل علاج باشد والا همین عذاب‌ها که در دنیا از ظالم به‌مظلوم می‌رسد در آخرت بدون کم و زیاد از مظلوم به‌ظالم برمی‌گردد و تا ابد باقی است مگر این که از طریق رابطه با خدا قابل علاج باشد.

پاورقی 249 - آیه 11 این آیه را که موت و حیات را دومرتبه می‌داند مربوط کنید به آیه سوره بقره (کیف تکفرون بالله وکنتم امواتا) یعنی چگونه کافر به خدا می‌شوید با این که پیش از این مرده بودید و خدا شمارا زنده کرد بعد از این می‌میراند و بعد زنده می‌کند. پس مرگ پیش از این دنیا یکی حیات در دنیا یک حیات مرگ بعد از حیات دنیا دومرگ و حیات بعد از مرگ دنیا و حیات. پس هر دو آیه نشان می‌دهد که بعد از حیات آخرت مرگی نیست و علاوه خداوند می‌فرماید لا یدوقون فیها الموت الا الموته الاولی هر کس از قبر خارج شود برای حیات ابدی زنده می‌شود معنی ندارد که انسان از قبر خارج شود دومرتبه

به قبر برگردد مثل این است که دومرتبه به رحم مادر برگردد.

پاورقی 250 - آیه 46 این عذاب جهنم که شبانه روز به آنها عرضه می شود این است که آل فرعون جمعیت کفر و گناه از ابتدای تاریخ تا انتهای تاریخ است. يك جریان تاریخی است فرعون و آل فرعون که حزب شیطانند با عذاب های آخرت خود که ظلم و زور و وسائل ظلم و زور است روبرو هستند. هر نوع ظلم و اذیت که از آنها به دوستان خدا می رسد عذاب آخرت است و آخرین عذاب که از آنها به مردم می رسد، آتش هسته ای است. تمامی این عذاب ها در حکومت خدا وائمه به خودشان بر می گردد و همان جهنمی می شود که خدا گفته است.

پاورقی 251 - آیه 76 و 77 گمراهی کسانی که منکر حقند يك مسئله قهري است نه این که به اراده خدا باشد. مسئله گمراهی مسئله راه و بی راهه است. وقتی که در راه حرکت نکردی قهرا در بی راهه خواهی بود. گمراهی به این کیفیت نیست که کسی در راه باشد و خدا او را گمراه کند. اگرچه خدا به کفار می گوید از این درهای جهنم وارد شوید ولیکن

در ورود به جهنم همان بی‌راهه روی است که نتیجه آن پیدایش جهنم است. گفته خدا در این آیات مثل این است که شما به یک دزد قاتل می‌گوئید حالا که نصیحت گوش نمی‌کنی برو به زندان یعنی این زندان یک مسئله قهری است نه به اراده شما.

پاورقی 252 - آیه 85 دلیل است که با ظهور امام زمان در توبه بسبب می‌شود زیرا آن حضرت یک حجت معروف و مشهور است که از ابتدای تاریخ تا انتها به مردم عرضه شده ثانیاً با قدرت الهی ظاهر می‌شود. پیش از ظهور آن حضرت در جنگ هسته‌ای زندگی مردم نابود می‌شود. طبق روایت از امام باقر (ع) در کتاب تحف العقول به محض ظهور بدون جنگ دنیا در تصرف او است. مردم که به ناگاه در پنجه قدرت او قرار می‌گیرند داد می‌زنند آماناً آماناً آن حضرت ایمان واقعی را قبول می‌کند فیومئذ لا ینفع نفس ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً سوره فصلت.

پاورقی 253 - آیات اول این سوره مربوط به خلقت زمین و آسمان معمولی نیست بلکه مربوط به تربیت

بشر است والا تا خلقت آسمان به همین کیفیت درست نشود سال و ماه و روز و شبی وجود ندارد و یاین قوت و غذا فراهم نمی‌شود که خدا می‌گوید بعد از خلقت زمین قوت و غذا برای مردم ساخته و بعد آسمان را خلق کردم. آسمان در تاویل آیات که معنای علمی و واقعی قرآن است ساخت فکری و علمی بشر است تا روزی که به کمال برسد. دو روز اول که زمینه تربیت فراهم می‌شود از آدم تا نوح و از نوح تا ابراهیم است. دو روز بعد که تشکیلات حکومتی و قوت و غذای علمی و روحی مردم فراهم می‌شود از ابراهیم تا موسی و از موسی تا عیسی است که فکر توحیدی در جامعه رشد می‌کند و آماده اسلام می‌شود که خدا می‌گوید ثم استوی الی السماء. ظهور علمی دین کامل خدا به وسیله حضرت خاتم است که در این رابطه می‌گوید ثم استوی الی السماء یعنی بعد از آن چهار دوره اراده کرد فضای فکری انسان را با ظهور اسلام تکمیل کند مشاهده کرد که این آسمان دودی است یعنی فضای ولایت در افکار مردم آلوده به خرافات و جهالات است و در انتها که شش دوره می‌شود به نام شش آسمان زمینه ظهور حکومت الهی به وسیله امام زمان فراهم

می‌شود. لازم است بدانیم که بزرگترین صنعت خدا تربیت انسان است که از خاک انسانی مانند حضرت خاتم می‌سازد و در این رابطه می‌گوید تبارک الله احسن الخالقین. این آسمان ظاهری فضای خالی است ساخت و ساز ندارد. زمین‌ها هم توده‌ای از مواد است که انباشته شده آسمان و زمین مهم ساخت فکر انسان و زمینه تربیت است که انسانی مانند علی ع و ائمه اطهار پیدا می‌شوند.

پاورقی 254 - آیه 18 مردم قیامت را به حساب نابودی طبیعت می‌گیرند و می‌گویند وقتی قیامت بپای می‌شود که آسمان‌ها و زمین‌ها و کل عوالم نابود شود ستارها متلاشی و خورشید تاریک شود همه چیز خراب شود و چنان شود که نبوده است. علوم طبیعی و تجربی می‌گوید میلیاردها سال پیش از این خورشید تکون یافته و میلیاردها سال طول می‌کشد که سوخت آن تمام شده تاریک شود. با این خرافات و پاره گوئی‌ها خیال خود را راحت می‌کنند که اگر هم قیامتی باشد خیالتان راحت که از بس دوراست گوئی که نیست. خبرنگارانند که این زندگی پست خرافاتی دنیائی که به دست انسان دایر شده نابود می‌شود نه عالم خلقت. عالم به وضع موجود خود تا

ابد باقی است. این زندگی ما انسان‌ها است که دست خوش تغییرات و تحولات است از نقص به کمال می‌رود تا کامل شود. البته با ظهور کامل ناقص از بین می‌رود. این زندگی دنیائی که پدیده علم ناقص است خاتمه پیدا می‌کند و کامل جای آن را می‌گیرد. حکومت انسان بر انسان که يك حکومت ناقص است از بین می‌رود و جای آن را حکومت خدا بر انسان می‌گیرد. حکومت امام زمان و حکومت ائمه بر انسان همان حکومت خدا بر انسان است که در آن حکومت تمامی نواقص زندگی از آن جمله مرگ و مرض و قتل و کشتار خاتمه پیدامی‌کند. زندگی ناقص دنیائی تبدیل به زندگی کامل آخرتی می‌شود و چنان می‌شود که خدا روشن کرده است. کوه‌هایی که در مقدمه قیامت متلاشی می‌شوند ابرقدرت‌های طاغوتی و مذهبی هستند. ستارهایی که نثار می‌شوند ستارهای هدایتند که زنده می‌شوند و بشریت را زیر سایه تربیت خود قرار می‌دهند و آن‌ها را به علم کامل می‌رسانند. خورشیدی که تکویر می‌شود برگشت دوباره خورشید ولایت است. کور در تکویر به معنای گردش وضعی زمین به دور خود است که بعد از تاریکی روشنائی پیدا می‌شود و با طلوع

دوباره خورشید ولایت ستارگان یعنی علمای دنیا منکدرند و نمایشی ندارند. زمانی که دکتری ظاهر می شود مردگان را زنده می کند طب و اطبا چه نمایشی می توانند داشته باشند. قیامت روز تاویل قرآن است تاویل قرآن روزگار حکومت خدا وائمه است که آنرا یوم الدین گفته اند. تفسیر قرآن ظواهر طبیعت است و تاویل معانی انسانی والهی آن است. حکومت انسانها و طاغوتها معانی ظاهری قرآن و حکومت ائمه معنای باطنی آن است که مولا فرمود جنگ من برای تاویل قرآن است و روز قیامت را خدا تعریف می کند می فرماید یوم یاتی تاویله یقول الذین نسوه من قبل هل لنا من شفعاء فیشفعو لنا اونرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل این آیه شریفه که روز تاویل قرآن است قیامت را تعریف می کند. قیامت روز پیدایش ملک عظیم است که حاکمیت خدا وائمه اطهار است با قیام امام زمان افتتاح می شود.

سوره زخرف

پاورقی 255 - آیه 5 مربوط به زندگی ائمه اطهار است زیرا بزرگترین اسراف قتل ائمه اطهار است. آیه فلا یسرف فی القتل انه کان منصورا تفسیر به

قتل امام حسین ع شده است در این آیه خداوند متعرض امت می‌شود که يك يك امام هاراشهید کردند می‌گوید آیا شما امت که با اسراف‌گری امام‌ها را شهید کردید ما هم همه آنها را از بین ببریم؟ یعنی موجودیت آنها را با حفظ امام زمان حفظ می‌کنیم و تا این اندازه به شما میدان نمی‌دهیم که موجودیت حجت را نفی کنید.

سوره دخان

پاورقی 256 - بطشه الکبرادر آیه 16 همان فتح اکبر در آیه دیگر است که فرمود قل يوم الفتح الاکبر لا ینفع الذین ظلموا معذرتهم آن حضرت در قیام خود کل جهان را بدون جنگ با قدرت قاهره الهی فتح می‌کند و رودش در عالم مانند آب باران در کویر خشک است. او بر لش مرده زندگی دنیا ظاهر می‌شود که تشنه حیات است که فرمود یحیی الارض بعد موتها.

سوره جاثیه

پاورقی 257 - آیه 14 در تقدیر خدا کفار باید به عذاب‌هایی معذب شوند که خودشان آنرا تولید نموده‌اند مانند عذاب‌ها که با جنگ تولید می‌شود

وآخرین عذاب‌ها جنگ‌های هسته‌ای است و پیدایش چنین عذاب‌ها مدتی طول می‌کشد پس نباید اهل ایمان در برابر اذیت و آزار آنها به عجله انتقام الهی را مطالبه کنند.

تعریف موجودیت جن در پاورقی و تفسیر سوره انعام روشن شده است.

سوره محمدص

پاورقی 258 - آیه 18 اشراط ساعت را حضرت (ص) مفصل برای سلمان تعریف می‌کند که همین حوادث آخر زمان است که فرمودند *يظهر في آخر الزمان وحين اقتراب الساعة نساء كاشفات پس طبق این احادیث آخر زمان که پیش از قیام حضرت است. قیام آن حضرت قیامت است حضرت صادق در حدیث مفصل تمامی کلمات ساعت را تطبیق به قیام آن حضرت می‌کند.*

سوره قاف

پاورقی 259 - آیه 1 خداوند در این سوره دویادگار حضرت رسول را تعریف می‌کند و به آن‌ها قسم می‌خورد و آن دو قرآن مجید و عترت است. قاف امام

قائم است فرمود اني تارك فيكم الثقلين هريك از اين دو يادگار را فوق كل به شريت معرفي مي‌کند تا بشر را به کمال مطلق برسانند چنان که فرمودند بکم بدء الله وبکم يختم مثلا در تعريف کوه قاف گفته‌اند کوهي است مشرف بر دنيا وپاي آن چشمه آب حيات هرکس خود را به آن چشمه برساند وبياشامد حيات ابدي پيدا مي‌کند. خوب دقت کنيد احاديث را افسانه‌اي ترجمه نکنيد. وقتي که دنيا به معنای کره زمين است کوهي که مشرف به کره زمين باشد کجاي زمين است. بزرگترين کوه‌ها در مقابل زمين ريگ کوچکي به حساب مي‌آيد چنين کوهي بايد قدش به کره ماه برسد تا مشرف به زمين شود. دنيا به معنای کره زمين نيست بلکه به معنای زندگي انسان در کره زمين است. کوه قافي که مشرف بر دنيا است آن ابر قدرت عظيم يعني امام زمان است که بر تمام زندگي دنيا از هبوط تا قيام قيامت اشراف دارد. چشمه آب حيات که هرکس بياشامد مرگ ومرض از او برطرف مي‌شود علم آن بزرگوار است که وقتي ظاهر مي‌شود مرگ ومرض را برطرف مي‌کند.

سوره نجم

پاورقی 260 - آیات اول سوره معراج تکاملی حضرت است که مانند شهاب از خلق به طرف خالق سرعت گرفت به القاء الهی نائل شد که گفتند جبرائیل از او عقب ماند و گفت لودنوت انمله لا حترقت. آن حال ملاقات با خدا افق اعلی است که خداوند به جلال ذاتی خود بر قلب آن حضرت طالع می شود و همان حال سدره المنتهی و جنبه الماوا است یعنی مقام حضرت زهرا و ائمه معصومین که حضرت فرمود خدا به زبان علی با من سخن گفت. آن حال انتهای کمال و کمال مطلق است تمامی این آیات مربوط به حالات و حرکات معراجی آن حضرت است.

پاورقی 261 - شق القمر در ظاهر معجزه شق القمر است در تاویل شکوفا شدن چهره هدایت و ولایت است که جامعه بشریت در شعاع ولایت و تربیت ائمه اطهار شکوفامی شود تا در مسیر این رشد و شکوفائی موجبات ظهور امام زمان فراهم شود. چهره علمی رسول خدا به عنوان خورشید و چهره امامت به عنوان قمر شناخته شده که در تاریکی شب ظلمانی غیبت مردم را هدایت می کنند.

سوره الرحمان

پاورقی 262 - آیه 14 اعمال نیک به قصد اطاعت خداماهیت انسان را به طرف خوبیها شکل می‌دهد که در این صورت از کفر و گناه و ظلم و ستم تنفر دارند از طرف دیگر اعمال کفر هم انسان را به سوی کفر و گناه و ظلم و ستم شکل می‌دهد و آمادگی روانی را به سوی ایمان می‌گیرد. مومن به طبیعت خاک در اعتدال است و به عکس مقتضیات وجود کفار بی‌نظم و نظام فعالیت می‌کند، به طبیعت آتش است. این که خداوند می‌فرماید کفار را از آتش آفریده مربوط به خلقت تربیتی در زندگی دنیا است که کافر به طبیعت آتش تربیت می‌شود.

پاورقی 263 - آیه 33 سفرهای فضائی با وسائلی که کفار در اختیار دارند از نیروی آتش استفاده می‌کنند محکوم به شکست است ولیکن با وسیله‌هایی که اهل ایمان در اختیار دارند آنی و فوری است که سرعت با آن وسیله‌ها فوق سرعت است، آنی و فوری است. نیروی نور فقط از خط ایمان در اختیار انسان قرار می‌گیرد. اگر یک چنین سفرهای آنی و فوری در اختیار انسان قرار نگیرد بسیاری از

وعدہائی کہ خداوند به مردم مي دهد لغویت پیدامي کند زیرا خدا که در قرآن خبر مي دهد آنچه در زمین و آسمان است مسخر شما نموده ام. این وعدہا در صورتی درست است که امکانات سفرهای آبی به صورت طی الارض و طی السماء در اختیار انسان قرار گیرد. سفرها به نیروی آتش ازیک منظومہ شمسی به منظومہ دیگر ہزارها سال طول مي کشد اما با وسائل الہی اعجازی فوری انجام مي گیرد.

سورہ واقعہ

پاورقی 264 - آیہ 75 ہمہ جا در آیات قرآن ائمہ اطہار به عنوان ستارگان ہدایت شناختہ شدہ اند در این آیہ ہم ستارگان همان ائمہ اطہارند کہ خداوند متعال به موقعیت عظیم آنان قسم مي خورد و مي فرماید موقعیت آنها عظیم و بی نہایت است جادارد کہ به آنها قسم خوردہ باشم.

سورہ حدید

پاورقی 265 - آیہ 21 بہشت موعودی کہ وسعتش برابر وسعت آسمانها و زمین است، نمی شود به صورت باغی درخت کاری و کشاورزی باشد. ہم

چنین نمی‌شود به صورت باغی باشد که انسان به هر جا برود به همراه خودش ببرد. چنین بهشتی در صورتی مصداق پیدامی کند که خود مومن مجهز به اراده کن فیکونی خدا باشد که هر جا برود بهشت و بهشت ساز باشد. آری چنان که خداوند در حدیث نافله خبر می‌دهد مومن به اراده خدا همان جنات عدن تجری من تحتها الانهار است.

سوره مجادله

پاورقی 266 - آیه 12 عرب‌ها در حسادت و مفاخره از دیگران سخت ترند مثلاً می‌دیدند که حضرت رسول ص با علی (ع) و سلمان جلسه خصوصی دارد حسودی می‌کردند که چرا با ما جلسه نمی‌گیرد. گاهی بدون هدف و دعوت مزاحم حضرت می‌شدند که مثلاً بگویند با حضرتش جلسه داشته‌ایم. خداوند برای دفع این مزاحمت دستور داد هر کس می‌خواهد با رسول خدا جلسه داشته باشد باید پیش از حضور چند درهم صدقه بدهد. مزاحمین همه عقب رفتند به جز مولا کسی انفاق نکرد وقتی که مزاحمین از مزاحمت منصرف شدند خداوند حکم آیه را نسخ فرمود.

سوره حشر

پاورقی 267 - آیه 1 این تسبیح گویان که در آسمان وزمین خدارا تسبیح می‌کنند و با کلمه من معرفی می‌شوند انسان‌های عوالم دیگرند. پادشاهی بر عوالم آسمان وزمین و تسبیح اهل آسمان وزمین برهان این حقیقت است که درمیان ستارگان عوالمی مانند زمین پراز انسان است که خدا پادشاه آنها است و آنها خدارا تسبیح می‌کنند زیرا پادشاهی بر ذوی العقول معنا پیدامی کند نه بر غیر ذوی العقول.

پاورقی 268 - آیه 19 فراموشی خدا فراموشی خود است. کسی که خدارا فراموش کند این‌همه ثروت و نعمت که خدا در دنیا و آخرت برای او خلق کرده است، فراموش می‌کند زیرا وقتی که خودرا فراموش کرد آن‌چه متعلق به او است فراموش می‌کند. موجودیت عبد به موجودیت مولای عبد است و عبد منهای مولا هیچ است.

پاورقی 269 - آیه 21 این جبال که اگر قرآن بر آنها نازل شود در برابر قرآن و عظمت خدا خاضع و خاشع می‌شوند. شخصیت‌های بزرگ مذهبی مانند انبیا

واولیا هستند جبل و جبال در قرآن به شخصیت های بزرگ مذهبی تفسیر شده است. مشاهده می کنید ائمه اطهار چگونه در برابر قرآن خاضع و خاشعند.

سوره منافقون

پاورقی 270 - آیه 8 عبد الله ابن ابی منافق درجه يك زمان مزاحم رسول خدا بود. روزی که با جمعیت در خارج مدینه بودند به آنها می گفت این مرد که اهل مکه اورا اخراج کرده اند حالا در مدینه مزاحم ما شده است وقتی که به مدینه بر گشتیم ما که عزیزترین مردم هستیم آنها را که ذلیل ترین هستند اخراج می کنیم. زید بن حارثه که پسر خوانده حضرت بود حرفهای منافق را به رسول خدا رسانید آن حضرت خبر کثی هارا با این که می دانست حقیقت است تصدیق نمی کرد تا این که این سوره نازل شد خداوند سخنان آن منافق را در آیه منعکس نمود.

سوره تحریم

پاورقی 271 - آیه 6 فرشتگان نیروهائی هستند که عامل حیات و حرکت در مواد عالم هستند. مواد انفجاری آتش را به همین نیروها مجهزند که

به سرعت می‌پرند و همه چیز را سر راه نابود می‌کنند. شما می‌بینید که آتش‌های هسته‌ای با طبیعت و انسان چه می‌کند. همین آتش‌ها که ظالمین به جان مظلومین می‌اندازند در زندگی آخرت به اراده کن فیکونی مظلومین (نه بانفت و بنزین) به جان ظالمین برمی‌گردد و حرارت در وجودشان متمرکز می‌شود و همان جهنمی است که خدا خبر داده است.

سوره تبارک

پاورقی 272 - آیه 22 هدف انسان مانند شهر مقصد مسافر بر مسافر حاکمیت دارد او را به سوی خود می‌کشد آینده زندگی مانند مسافری است که راست قامت مقصد را می‌بیند و می‌رود و وقتی فقط دنیا را هدف خود قرار داد مانند کسی است که دمر روی زمین می‌خزد و به جز جاده جایی را نمی‌بیند.

سوره الحاقه

پاورقی 273 - آیه 18 در زیارت جامعه ائمه را حمله عرش خدا دانسته‌اند (و حمله عرشه) عرشی که به معنای علم است، علمی است که خداوند به ائمه تعلیم داده است. ائمه به دلیل این که حامل علم

عرش خدایند، خداوند از مسیر علم آنها بر مردم حکومت می‌کند و علم ائمه غیر از علم ذاتی خداوند است بلکه علمی است که به آنها تعلیم داده‌و این علم تعلیمی خداوند متعال که کل آنرا به ائمه تعلیم داده نسبت به خلائقی که دارای علم و ایمانند، در هشت مرتبه قرار می‌گیرد. هر علم درستی چه در وجود کفار و یا مومنین علم خدا است که با واسطه یابی واسطه به انسان تعلیم شده است و این علم از نوع اجسام نیست که بار بران بردارند سبک و سنگین باشد بلکه يك خاصیت روانی است. از علم حیوانات گرفته تا علم مولا علیه السلام در هشت مرتبه است که به عنوان هشت در بهشت تعریف شده. درهای بهشت هم علم است که در انتها انسان را به معرفت کامل خدا می‌رساند و درهای جهنم هم هفت است این تفاوت برای این است که خط چهل بن بست است و خط علم تا بی‌نهایت باز. اولین مرتبه علم علم حیوانات است دومین مرتبه علم کفار مرتبه سوم علم مومنین و چهارمین مرتبه علم انبیا و پنجمین مرتبه علم رسولان و ششمین علم اولیاء و هفتمین مرتبه علم مومن کامل و هشتمین مرتبه علم کمال مطلق که برابر علم خدا است و آن علم

معصومین است پس حاملین علم خدا افراد نیستند بلکه مراتبند.

پاورقی 274 - آیات اول سوره معارج. رجعت در آخرت به عکس تولد است. در تولد دنیائی فرزندان تحویل پدر و مادر می‌شوند اما رجعت به عکس پدر و مادرها تحویل فرزندان می‌شوند. آخرین قرنی که وارد زندگی آخرت می‌شوند قرن آدم و قابیل و هابیل است. بعد از آن تکامل انسان‌ها در شعاع تعلیمات ائمه اطهار شروع می‌شود انسان‌ها در آخرت هیچ کار و عبادتی جز درس و تکامل ندارند از خط تعلیم و تعلم به سوی خدا رجوع می‌کنند تا به کمال مطلق برسند و از این ابتدای قیامت تا انتهای کمال پنجاه هزار سال است.

سوره مزمل

پاورقی 275 - آیه 14 کوه‌ها در لسان ائمه اطهار به ابر قدرت‌های مالی و مذهبی تاویل شده است و سما به معنای فضای علوم ولایت انفطار سما یعنی باز شدن درهای علم.

پاورقی 276 - ناقور به گوش امام زمان تفسیر شده و مربوط به قیامت است. خداوند متعال به گوش آن حضرت می‌دمد که قیام کند بی شک آن بزرگوار فاتح قیامت است.

پاورقی 277 - آیه علیها تسعه عشر دلالت دارد که قدرت مواد آتش‌زاکه جهنم است نوزده برابر آتش‌های معمولی است. ممکن است این نوزده برابر به صورت دایره‌ای باشد که دایره بعد وسیع تر است. در تمامی آیات با کلمات یصلون سیصلي وامثال آن خبر می‌دهد که آتش جهنم یا آتش کبری را کفار روشن می‌کنند زندگی را در محاصره این آتش‌ها نابود می‌کنند و بعد در حکومت امام زمان این آتش‌ها از مظلومین به ظالمین بر می‌گردد.

پاورقی 278 - آیه 11 ائمه اطهار و پیشوایان دیگر به زندگی برمی‌گردند. هر پیغمبری از نیکان امت خود شفاعت می‌کند و از ظالمان امت خود انتقام می‌گیرد. در ابتدای محاکمه سران کفر و ایمان حاکم و محکوم می‌شوند بعد پیروان آنها این سران امت‌ها در روایات به عنوان مومن محض و کافر محض شناخته شده‌اند زیرا پیروان آنها لازم است در زمانی پیشوایان

خودرا ببینند که وضعیت‌شان روشن شده باشد مثل دنیا نباشد که مومن و کافر در صورت ظاهر قابل شناسائی نیستند پیروان معاویه‌ها امیر المومنین خودرا ببینند پیروان علی ع همین طور تا هرکس گول خورده معاف شود و هرکس او را شناخته و اطاعت کرده با او محشور شود.

پاورقی 279 - تکویر برگشت دوباره خور شید است. وقتی خورشید طلوع کند ستارها رونقی ندارند. خورشید ولایت هم که طلوع کند دانشمندان دیگر نمایش ندارند. زمانی که يك دكتر آمده مرده‌ها را زنده می‌کند پیرها را به جوانی بر می‌گرداند، اطبا چه نمایشی دارند. همین طور دیگران کسانی که تکویرا به معنای تاریکی خورشید گرفته‌اند آیه یکوراللیل علی النهار را بخوانند تابانند که تکویر به معنای تاریکی نیست. آیات ناظر به تاویل است که مقام ولایت باشد تکویر شمس طلوع دوباره شمس ولایت است.

پاورقی 280 - تعجب نکنید سماء ذات البروج حضرت زهرا باشد. این است معنای لها امومه الأئمه یعنی مادری ولایت و امامت و این مادری یعنی مادری علم

و حکمت آنها مشاهده می‌کنید که از نظر آیات و روایات همه جا يك نمره برتری دارد. سفینه البحار از قول امام نقل می‌کند که هی اول وافده علی الله تعالی الجنه بهشت که زندگی آخرت است به دست او و شفاعت او افتتاح می‌شود. سخنرانی او در مسجد از نظر بیان علوم و حقایق ذره‌ای از خطبه‌های مولا کم ندارد.

پاورقی 281 - غاشیه در این سوره همان عذابی است که در سوره دخان می‌فرماید فارتقب یوم تاتي السماء بدخان مبین یغشی الناس هذا عذاب الیم همین بمب‌های هسته‌ای با موشک‌های قاره‌پیما است که عالم را محاصره کرده که با انفجار آن مرگ اهل زمین خواهد رسید که خداوند فرمود واعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها. همان جنگی است که فرمود یموت ثلث ویقتل ثلث ویبقی ثلث وبعد از این جنگ چاره‌ای جز ظهور امام نیست.

پاورقی 282 - شب قدر شبی است که انسان حال مناجات پیدا می‌کند و جرقه نور ایمان بر دلش می‌تابد با تابش نور ایمان حقیقت حق را درک کند.

مومن با فیض شب قدر مانند رادیو روشن است و دیگران رادیوی خاموش هستند.

پاورقی 283 - عصر به معنای عصاره تاریخ است که وارث این عصاره امام زمان علیه السلام است که فرمود انا نحن نرث الارض ومن علیها وکتبنا فی الزبور ان الارض یرثها عبادی الصالحون بشریت به منزله شجره‌ای است که آخرین عصاره آن حکومت امام زمان است.

پاورقی 284 - اهل مکه بعد از وفات جناب ابوطالب علیه السلام ابولهب را به ریاست مکه انتخاب نمودند. آن بی‌حیا به جای این که از برادر زاده حمایت کند آن حضرت را از بنی هاشم طرد کرد و اعلامیه صادر کرد که محمد در حمایت بنی هاشم نیست و اذیت و آزارش آزاد است. درست در جهت خلاف ابوطالب، حضرت نتوانست در مکه بماند و به طرف طایف رفت به آنجا هم نوشت که او را اذیت کنند به جای صلح رحم قطع رحم کرد در نتیجه آن حضرت مدتی آواره بیابان ها بود و آیات جن نصیبین که در سوره احقاف است در این رابطه نازل شد.

